

و پیغام با قوام او فرستاده بودند که میت و پنجاه فرد  
 که تخمیناً پانصد تومان بحساب پول ایران میسرود بجهت  
 او بنزد آنها روانه نمایند که او را رها بکنند چون او را  
 ادبی بصاعت بود مشکل بود که نخواه فرور را بتوانند  
 تارک نمایند و در زمان هم قرار گذاشته بودند که  
 اگر تخواه در وعده محین نرسد آن جهود را بکشند

از مونیچ پای تخت مملکت بواریه که یکی از ممالک  
 میاشد نوشته اند که حکم آن مملکت ششانیه کالک سوار  
 شده بود و سیاحت میکرد ناگاه در جنب حرکت کالک  
 او افتاده و شارالیه خودش زیر دست و پای آب  
 غلطیده و آب از روی او گذشته بضرر بگه آب  
 هلاک گردید

از آورنده مملکت عثمانیه نوشته اند که تجارت در آنجا  
 کساد بود و می که ابریشم داشتند میخواستند نگاهدارند  
 که قیمت گران نفروشد و لکن درین روزها قدری  
 فروخته بودند از قرار هر هفتصد و شصت و شش و عطر کل  
 مسخر را نیز بهر تکره میزان که وزنی معین است بیازده  
 فروشنده دوازده فروش خسته بود

از مملکت پروینکی دنیای شمالی نوشته اند که کشتی در آنجا  
 قشون آن ولایت میان کشتی بود و کشتی فرور را بکشتی بخار  
 که در جلو او بود بسته بودند که مانند یک می کشید ناگاه  
 طباب او که بکشتی بخار بسته شده بود کینه کشتی فرور  
 بسنگ حوزده فرو رفت بسبب آنکه آب در آنجا  
 جاری بود و مقصد وی و یک نفر در آنجا غرق شدند  
 سر کرده کشتی فرور با اینکه راه گریز نداشت بود و  
 جان خود را در برده از راه غیرت کمر سختی و کشتی نا

از آورنده نوشته اند که ناخوشی و باد آنجا شدت داشت  
 بطوریکه روزی ششاد نفر ازین ناخوشی میبردند و  
 اکثر سایر شهرهای آن اطراف نیز کم و بیش ازین  
 ناخوشی بروز داشت

هم غرق گردید  
 در روزنامه صبحیه نوشته اند که خبر از کانتان مملکت چین آمده بود که تاریخ  
 آن ۳۰ میضان بود قیمت تریاک را که تجارت عمده آنجا است  
 نوشته اند تریاک مملکت عثمانیه هر پیکول چها صد دلار تریاک هندی  
 پخته سیصد و هشت و هفت و هشت دلار مال بنارس سیصد و  
 دلار مال ملو سیصد و بیست و پنج دلار و هر دلار در آنجا

**سنگی دنیای شمالی**

موافق کاغذ آخر که ازین ولایت آمد معلوم است که حاصل  
 حاصل غله آنجا بسیار زیاد است و در آنجا  
 غله در آنجا آقدر زیاد میشود که اگر لازم باشد بفرستند  
 بفرستند اما تجارت در فرنگستان گمان ندارد که بعد از  
 در و در رفع محصول غله در آنجا آقدر گران باشد که محتاج  
 آوردن غله ازینکی دنیا باشند

وزن آنجا است که بوزن ایران تخمیناً نسبت من بسنگ  
 است عباسی میباشد

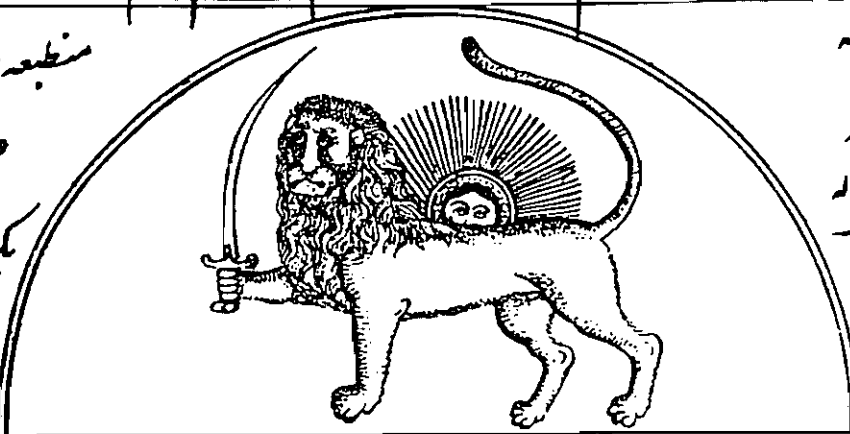
**احوال مشرق**

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه نوزدهم ماه محرم مطابق سال ۱۲۷۱

روزنامه  
یکشنبه و یکشنبه  
چهارشنبه

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
یک خط از چهار کویز  
بیشتر هر خط



## اخبار و احداث محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته که در دهم ماه محرم بود عیادت  
پادشاهی عزیمت زیارت جناب امامزاده و احباب  
شاهزاده عبدالعظیم فرموده جناب امجد اشرف اعظم  
صدر اعظم نیز در موکب هایون بودند بعد از زیارت بقعه  
مبارکه در مراجعت بیابغ دولت آباد تشریف فرما گردیدند  
منار را در آنجا صرف فرمودند و حوالی عصر مبارک مبارک  
سلطانی و مملکت عظمی مراجعت فرمودند

و هم چنین در روز دوشنبه گذشته نیز موکب هایون  
فرمای تفرج و تماشای اطراف دارالخلافه شده نزدیک  
غروب آفتاب بهارت مبارک سلطانی معاودت فرمودند

از جمله اعمال پد مشهور که عالیجاه حکیم پولاک در  
نموده این است که شخصی از امالی توپخانه مبارک ساطور  
قصابی بر پشت پایش حوزده و شربان آن موضع را  
رنخم نموده مدتی معالجات لازم حتی داغ نموده ولی خون  
از جریان باز نماند تا اینکه معلم منور بنحو مشورت  
مهر بنحو توپخانه مبارک مجامع رفته بیم آن بود که از زیاد

خون شخص مجروح فوت بشود شربان قحذ را که  
تحت آریه منگف کرده شد نمود و مرین منور حال شفا  
یافته است و این عمل به با سعادت دو بار در ایران  
اول بواسطه مقرب انخافان حکیم کلک که حکیم باشی و دوم  
بواسطه عالیجاه معلم پولاک

ایضا معالجه مرض جذام که در کمال اشکال بلکه محال است  
درین اوقات دختری باین مرض مبتلا شده بود  
بدرسه دارالفنون آوردند حکیم پولاک معالجه کرده و  
یافته قریب شفا میباش

چون در در ایام دینه عاشورا عموم لوکربا ب حسب الامر  
هایون بجهت تعزیه داری جناب اباعبدالله الحسین از  
خدمت در بار هایون چنانچه در روزنامه گذشته  
شده معاف و مرض بودند بعد از انقضای ایام عاشورا  
هریک از لوکربا ب در خدمت خود اقدام دارد از جمله  
افواج قانیه از سواره نظام و توپچی و سرباز همه روز  
مشغول میباشند

چون عالیجاه میرزا فتح الله شکر نویس مراتب صد اکت  
اصطی

۱۲۳۵

خود را مشهور خاطر اعلا حضرت پادشاهی و انسانی دولت  
داشته درین اوقات بکوشش جتبه ترمه برسم خلعت  
شارالیه حمت کردید

چون منظور انسانی دولت علیه این است که امور چارباغها  
مالک محرمه خوب منظم باشد لهذا اعلام میشود که از دارالخلافه  
طهران هر کس امانتی بجائی بخواد بفرستد بخود عالیجاه امین  
چارباغی باشی یا عالیجاه میرزا سید حسین مباشر چارباغخانه  
داده نوشته بکشد و جواب آنرا موافق نوشته از آنها بخواند  
و همچنین از سایر ولایات محروسه نیز هر کس امانتی بجائی بخواند  
روانده نماید نایب چارباغی مقیم در هر ولایتی سواى چارباغها  
و متردوست بهمان نایب چارباغی مقیم آن ولایت سپرده نوشته  
بکشد و موافق نوشته از او مطالبه جواب نماید سابقا بعضی از  
بخود چارباغانان میدادند و بی نظمی در وصول و حصول  
کامی اتفاق می افتاد ازین جهت اعلام میشود که بعد ازین صاحبان  
امانات بخود مقرر محمول دارند و همچنین مکاتب و نوشتهجات را  
نیز بخود اشخاص نیز بفرستند داده از آنها جواب بخوانند

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته  
بودند فور خانه که از دارالخلافه بفرستند و ستاده شده بود  
با اصفهان وارو شده جان روز عالیجاه چراغعلینخان چارباغ  
تفکیکی دسته عالیجاه محسن خان را با چند نفر غلام سوار فرستاد  
کرده است که از خاک اصفهان بگذرانند و با آنها سفارش  
کردند لغت که هرگاه ضرورت با تا فارس هم بروند و قوت  
صحیح و سالم با فارس برسانند و مراجعت نمایند

### خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند  
انکه نواب استیلا شایسته هراده والا تبار فریدون میرزا فرهاد  
ملک خراسان با جمعیت دوپنجانه و استعداد تمام بطرف  
خراسان شریف برود انداز اراضی خان و خوشید خان و حیران  
وصوفی خرد سایر رؤسا و ریش سفیدان سرخسین دست  
نواب معزى الیه آمده و عرضشان این بوده است که ما مادام  
بسیستم تقشش و تقشش و بطلبه ماده دوازده تیره است  
تیره هزار خانوار هرگاه بالتفات اولیای دولت علیه  
داشته باشیم همگی از روی کمال صداقت خدمت کنیم  
نواب معزى الیه هم آنها را بالتفات اولیای دولت علیه  
امیدوار ساخته فرار داده اند که از هر تیره دوازده خانوار  
گرومی معتبر بشوند روانه نماید که همیشه در آنجا باشند و معتمد  
از سوار ترکانان خراسان را نامدرمشهد در خدمت نواب  
معزى الیه بوده مشغول هندکداری باشند و همچنین قوا  
که داشته اند که آنچه اسیر در خراسان موجود دارند همه را  
رمانی داده روانه نمایند بیایند و آنچه از اسرا بجا بمانند  
خرید و فروش کرده اند سرخسین پول بدو بخرند و در آنکه  
و دیگر بعد ازین اسیر بزنند و خرید و فروش کنند و اگر  
ناخت و تازی هم بشود از عهده برآیند و مال بجا  
در نهایت اطمینان و خاطر بسی بخوار برود و بسیار  
و اگر عیب و نقیصی حاصل شود از عهده عزامت آن ترکانان  
خراسان برآیند و اگر از جانب طالبه و بکری حسابی  
انها بقدر امکان دفع نمایند و مشغول حفظ و حراست  
بعد از آنکه طالبه نیز بفرستند باین شرایط راضی شدند نواب  
معزى الیه نیز فرار داده اند که کوسفند دستر و مال ترکانان

ملک خراسان با جمعیت دوپنجانه و استعداد تمام بطرف  
خراسان شریف برود انداز اراضی خان و خوشید خان و حیران  
وصوفی خرد سایر رؤسا و ریش سفیدان سرخسین دست  
نواب معزى الیه آمده و عرضشان این بوده است که ما مادام  
بسیستم تقشش و تقشش و بطلبه ماده دوازده تیره است  
تیره هزار خانوار هرگاه بالتفات اولیای دولت علیه  
داشته باشیم همگی از روی کمال صداقت خدمت کنیم  
نواب معزى الیه هم آنها را بالتفات اولیای دولت علیه  
امیدوار ساخته فرار داده اند که از هر تیره دوازده خانوار  
گرومی معتبر بشوند روانه نماید که همیشه در آنجا باشند و معتمد  
از سوار ترکانان خراسان را نامدرمشهد در خدمت نواب  
معزى الیه بوده مشغول هندکداری باشند و همچنین قوا  
که داشته اند که آنچه اسیر در خراسان موجود دارند همه را  
رمانی داده روانه نمایند بیایند و آنچه از اسرا بجا بمانند  
خرید و فروش کرده اند سرخسین پول بدو بخرند و در آنکه  
و دیگر بعد ازین اسیر بزنند و خرید و فروش کنند و اگر  
ناخت و تازی هم بشود از عهده برآیند و مال بجا  
در نهایت اطمینان و خاطر بسی بخوار برود و بسیار  
و اگر عیب و نقیصی حاصل شود از عهده عزامت آن ترکانان  
خراسان برآیند و اگر از جانب طالبه و بکری حسابی  
انها بقدر امکان دفع نمایند و مشغول حفظ و حراست  
بعد از آنکه طالبه نیز بفرستند باین شرایط راضی شدند نواب  
معزى الیه نیز فرار داده اند که کوسفند دستر و مال ترکانان

۱۲۳۶

بریک از ولایات متعلقه سراسر برود حکام آنجا معین  
نشوند بلکه مثل اموال سایر رعایا محافظت نمایند که عیب  
و نقص کند مراتب را خدمت نواب رسانند هر چه عرض نمایند  
تا حکم صادر نمایند حاکم آن ولایت از عهد برآید با بجزه ترکان  
سرخس قدر خدمتگذاری دولت قاهره را دانسته بکنی  
از در اطاعت و انقیاد در آمده اند که بعد از این حدیث

از فراریکه در ضمن روزنامه نوشته بودند مقرب انجان خان  
وزیر نظام در محامات محوله بخود کمال اهتمام دارند و  
همه روزه فرارشان این است عصرهای آینه بصحن مبارک  
قریب سه ساعت در آنجا مکث نمایند و بعضی احوال  
و ضعیف مردم رسیدگی نمایند و مراقب نظم امور رعایا  
باشند و اگر کجی بی حسابی شده باشد مجرد استحضار در مقام  
رفع آن بر می آیند

### یزد و کرمان

از فراریکه در روزنامه یزد نوشته بودند امر آنجا کمال  
نظم دارد و عالیجاه محمد یوسف خان نایب الحکومه یزد در  
انتظام و انضباط امر ولایت نهایت مراقبت و اهتمام  
دارد و عالیجاه میرزا کوچک خان سرمنگ در رساندن  
مواجب سربازان متوقفین یزد اهتمام زیاد دارد و در  
حوزه نایب الحکومه یزد مواجب سربازان را میدهد و در  
امرافواج آنجا همیشه کمال مراقبت و اهتمام را دارد

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالاعظم  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در رواج کارخان  
شال بافی کرمان کمال اهتمام را دارند که همیشه شالهای

بسیار خوب از کارخانهای آنجا بهیمن آمده از کارخانهای  
باید و مخصوصاً این روزنامه خواه فرار داده اند که با ستاد  
شال بافی بند که در کارخانهای آنجا منتهی حاصل شود

### شمال و هند

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند همیشه خان چرن  
در سرسواری تفنگ لیبوی خود صادق خان خالی کرده و او را  
مقتول نموده و در صادق خان که همراه بوده است خود را  
بغیرش سپرد خود انداخته جمید خان مرزوبور با احتمال شکست  
مقتول شده با پشیمان دیگر خالی کرده و مادر صادق خان  
زخمه ارسیده جمید خان فرار کرده و در رفته بود عالیجاه  
مقرب انجان خان محمد حسین خان نوری باشی حاکم بنا و بعد از  
سوار خزل بقمش شارالیه فرستاده بعد از غیب روز  
او را در میان افشار گرفته دست بسته آورده بودند

بجگم شرع مطاع و امضای درش مقتول اور الفصاح  
رسانده اند

و دیگر نوشته اند که قلعه روین در بنا و که از غارت عالی است چون از  
بی اعتدالی حکام سابق خرابی هم رسانده بود مقرب انجان خان را لیه در  
روزنامه آنجا را داده است تمهید خوب کرده اند بسیار با صفا

### قزوین

از فراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند نواب سیف الدین  
حکمران قزوین در انتظام امور آنجا اهتمام کامل دارند و بخوبی  
و کلی امور رعایا و اصناف رسیدگی نموده اگر اجحافی نسبت کسی  
باشد در مقام رفع آن بر می آید

و دیگر تعبیر اجناس ماکولات و غیره قزوین را که در روزنامه  
آنجا نوشته بودند از اینقرار است

۱۲۳۷



کندم اعلا	یکجوار	پانزده هزار و پانصد	لویبای قرمز یک من	هفت شاهی
کندم پت	یکجوار	دوازده هزار	منزکرو دو یک من	اشت عباسی
ارد کندم	یکجوار	هفده هزار و پانصد	منزبادام یک من	سه هزار و
جو	یکجوار	یک تومان	انجیر یک من	نهصد دینار
برنج اکوله	یکجوار	شش تومان و دویال	نان یک من	یک عباسی
برنج ضربو	یکجوار	پنج تومان	سایر حبوبات و میوهجات نیز همین قرار کمال و فوز را دارد	
برنج رسی	یکجوار	چهار تومان و نیم	اگر چه نسبت بالهای سابق اولایت امسال کندم و غیره قدری تغییر	
ذغال	یکجوار	یک تومان	و ترقی دارد و لکن همه چیزی فراوانست	
ردغن	یک من	دویال		
پنیر شور	یک من	یک هزار و صد		
کره	یک من	دو هزار و پنجاهی		
ماست	یک من	دو لیت و شصت		
قد رسی	یک من	چهار هزار و هفتصد		
قد روسی	یک من	شش هزار		
شکر سفید	یک من	چهار هزار		
هیزم	یکجوار	پنجاهار		
پیه که اخته	یک من	دو هزار		
سجود	یک من	سیصد و هشتاد و پنجاه		
عدس	ایضا			
ماش	ایضا			
شیره شد	یک من	دو عباسی		
شیره سفید	یک من	سه عباسی		
کشش	یک من	پنج شاهی و نیم		
خرما	یک من	پانزده شاهی		
سجود تبریزی	یک من	دو عباسی		

### اخبار دول خارج

**انگلیس** در روزنامه این ولایت نوشته بود که چهار نفر سیاح درین روزها از مملکت استرالیان با آمده اند که چند وقت در معدن طلای استرالیان مانده بودند و یک میان پوند پول انگلیس که تخمینا چهار کرور و دویست بیت و پنجاه تومان پول ایران بازار اجا آورده بود

### فرانس

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در ماه شوال تابستان گذشته که ما در شهر پاریس کمال شدت را داشتیم و اکثر دولتمدان پاریس از شهر بیرون رفتند و بولگا بتفریح و خوشگذرانی مشغول بودند و بگردن نوشته اند که امپراطور فرانس تدارک سید نیکوکار بود سنت عمر بروند و گویا در آن اردو اوضاع و جلال زیاد برپا می کنند و لکن هنوز خبر تفصیل آن نیامده است و در میان مردم گفتگو بوده است که پرسش البرط نیز تمام اردوی منور خواهد آمد

در اکثر جاهای مملکت فرانس حاصل غله خوب بود و لکن هنوز

دژ و مکرده بودند که در سمت کرمسیرات و در ولایت  
جزیره العرب حاصل فراوان بود بطوریکه در مملکت فرانسه  
از تسویش کمی و گرانی غله آسوده بود

دیگر در روزنامه فرانسه تعریف بسیار از صفای بیشه که  
نزدیک بشهر پاریس است و درین اوقات ختن دریا  
و آبشار و قوار ما ترین داده اند میسولند بیشه مزبور  
ستمی به بواده بلون و از ایام قدیم بهین هم موسوم است  
و لکن درین روز که دریا چاه و قوار و آبشار و تفریحگاهها  
در آنجا ساخته اند بسیار بر صفای آنجا افزوده و جای  
خیلی خوشه است ختن بیشه مزبور حسب حکم امپراطور فرانسه  
و طش نیز از اختراعات خود دست اگرچه کردن دریا  
از آب رودخانه سین آبرایاد با نطف برد بطوریکه در  
تابستان اهل شهر پاریس قدیمی از آب تنگی کشیده اند اما  
و رومی که دریا چهای مزبور بر بشود چون آب در آنجا برز است  
مصرف نمی شود چندان تفاوتی در آب شهر نخواهد کرد

دیگر در نزدیکی شهر پاریس میدان بزرگی بجهت آب و دانی  
ترتیب میدادند و عمارات تفریحگشایی چهل هزار گشته  
که در اوقات آب و دانی در آنجا بجهت ماشا بنشینند و در  
سایر جایهای میدان مزبور نیز جای سینه هزار گشته  
که بتوانند خوب با استراحت ماشای آب و دانی نمایند  
و تمام این میدان را چمن می کنند که سبز و خرم و با صفا  
باشد اهل شهر پاریس سابقا بجهت زینت و آراستگی خود  
چندان مایل نبودند که از شهر بیرون بروند اما این اوقات  
که بیشه و میدان خارج شهر را با منظر ساخته و صفا داده  
مردم زیاد از شهر بجهت گشت و تفریح با آنجا بیرون میروند

در ماه ذی قعدة که ناخوشی و بادر شهر پاریس تخفیف گشته  
یافته و کم مانده بود که بالذمه رفع بشود دوباره رویش

بسیاری از مردم آنجا را تلف نموده است و در روزهای  
ماه مزبور طوفان و رعد و برق و بارندگی زیاد در شهر پاریس  
و آن اطراف شده و تخفیف در ناخوشی بهم رسیده و از قوای  
نوشته اند در دما آن اطراف ناخوشی نبود مگر در میان  
اشخاصی که از شهر با آنجا رفته بودند

### اسپانیول

از قوای که از اسپانیول نوشته اند غله را در آنجا درو  
کرده بودند و بسیار خوب فراوان آمده بود و در خاک  
پیدمانت و ایتالیا و منس نیز خبر رسیده بود که حاصل  
نیز اسانخ بفرانسه است

### ایطالیا

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در شهر ونیز چهارصد  
هشت و شش نفر مجوس دولتی بودند که همه بنای یاغیگر  
و افواج بجهت دولت داشتند و فدی که در مملکت ایتالیا  
شده است غیر از اعتشاشی است که چند وقت پیش ازین در  
شهر پارمه روی داده بود و در ولایت رومه نیز خلق با اعتشاش  
برخواستند بودند و لکن قوه آنرا نداشتند که باد و لثت جنگ  
نمایند و در ناپولی نیز احتیاط و تسویش تمام داشتند که با  
اشوب رخ نماید طایفه از الواط و او با شش در آن ولایت  
مستند که آنها را از رزونی عیاضند که شهر برترین الواط و  
کل روی زمین پنا و هیچ کدزان معیشتی ندارند پادشاه از آن  
خوف از اشخاصی که راضی پادشاهی او نبودند اسباب

بست این الواط لرزونی داده بود که اگر اشخاص بوزن  
 با دولت یا عسکری نمایند الواط بحکایت دولت با آنها  
 نمایند مردم صاحب اعتبار ازین عمل شویس زیاد کرده  
 زیرا که سابقا نیز یک وقتی اسباب حجب باین کرده  
 لرزونی داده بودند خانه های مردم را تاخت و غارت  
 کرده و تعذبات و بیرحمی تمام نسبت با اهالی آنجا کرده بودند  
 حال معلوم شده است که اعتناش این اوقات تخریب  
 مزینتی نامی است که چند سال است از اولایت اخراج شده  
 و پناه بنجاک انگلیس برده در شهر لندن سکونت در  
 فرانسه نوشته اند که این معنی بر ظاهر است که یا عسکری و  
 اقتشاش در اسپانیول بسبب تخریب مزینی و سایر  
 ذاریهاست که در لندن نوشته اند

### یسنکی دنیای شمالی

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 که مابین این دولت با دولت انگلیس نوشته شده است  
 شهر و طعمه نامه مزبور این است که بعضی از خاک انگلیس  
 یسنکی دنیای شمالی و اگر شود و قدری از ولایت حالا  
 موافق عهد نامه مال دولت یسنکی دنیای شمالی شده است  
 آبادی ندارد و لکن اهل دولت یسنکی دنیای شمالی در  
 اطلاق مزبور به منفعت خود را ملاحظه کرده اند زیرا که مردمی  
 آنها درکنند و آنجا را در اندک مدت آباد خواهند کرد  
 سبب آنجا را از دولت انگلیس بهفت لیان و الار که  
 پول ایران تنهینا کرده و در نیم میشو خریدند و خواه  
 نقد با یسنکی انگلیس مقیم و اسبین تن تحویل کرده اند امورات  
 دولت ما کو بسیار معشوش و قوتزل است از این

۱۲۴۰

از بعضی ولایات خود دست کشیده میفرود شدند و دست  
 یسنکی دنیای شمالی روز بروز کارشان رو به ترقی است این  
 اطلاق را می خزند و آباد کرده نفع خود را از آنجا میبرند  
 کلی فایزها که آنقدر طلا از آنجا حاصل شده اول همین طور  
 بود و وقتی که اهل ملک آنجا را فرود خستند خبرند اشتند که در آنجا  
 معدن طلاست و اینقدر طلا از آنجا حاصل خواهد کرد  
 دیگر در همین روزنامه نوشته اند که در شهر باستان  
 یسنکی دنیای خوشی و با کمال شدت راد است و در شهر  
 آن اطراف نیز کم و بیش بود

دیگر نوشته اند که در آن ستمها اعتشاش در میان خلق  
 بوده و باب منازعه دینی مابین دو طایفه از عیسوی که یکی  
 کتولیک و دیگری پر دستند است این دو مذنب با هم  
 جنگ می کردند و در بعضی جاها نظام بیرون آورده بودند  
 که جنگ آنها را موقوف بکنند در یک جانی پر دستند با بزرگ  
 در زیر کلیسای کتولیکها ریخته و شش زده بودند بهوارفته و  
 خراب شده بود و در دوشهر دیگر هم کلیسای کتولیکها را با  
 آتش زده بودند

دیگر نوشته اند که در شهر فلده لیه آتش میان خانه ها افتاد  
 و بسیاری از خانه های شهر مزبور سوخته اند و میگویند که  
 خانه های که سوخته است یک لیان و الار است

دیگر نوشته اند که درین اوقات و حجت چانی نزدیکی  
 بستناتی کاشته بودند و لکن هنوز معلوم نیست که بعضی خواهد  
 آمد یا نه  
 هندوستان

در کل ممالک هندوستان آرامی و ایت بود در ملک  
 برشته نظام ضابطه بجهت راهها و نظام کار خلق برپا میکردند  
 در پیاد و پنجاب ناخوشی بسیار بود و زلزله جزئی بود  
 در آنجا شده بود و در سنجاپور که یکی از جزایر هند میباشد  
 میان خلق برسنجور دگی شده بود و در آنجا از اهل چین بسیاری  
 مستند و عداوت یکی از طایفه آنجا داشتند و در میان  
 شهر چک آنها اتفاق افتاده بود و بسیاری از ایشان کشته  
 و زخمی شده بودند بعضی از دهکاکین را هم تاراج کرده  
 بودند و نظام در آورده آشوب را فرو نشاندند و مغربین  
 گرفتند خلق آرام شده بود

دیگر درین روزها مختصری در خصوص ساختن و تمام کردن  
 نهر بزرگ در هندوستان ترجمه و نوشته شده بود درین  
 روزها که تازه رسیده است تفصیل نهر بزرگ را با  
 نوشته اند که خرج ساختن نهر بزرگ یک بلیان و پانصد و  
 شصت هزار پوند پول انگلیس که تخمیناً شش کروڑ و شصت و  
 پنجاه آومان پول ایران است شده است اگر چه دولت  
 انگلیس اینقدر پول در آنجا خرج کرده اند و لکن منصف زیاد  
 ازین عمل خواهند بزرگتر بجهت اینکه اولایات که نهر بزرگ را از  
 میکند در جمیع زیاد دارد و شغل اهل اولایات نیز کلاً  
 زراعت کاری است از فرار که نوشته اند اولایات  
 رود گنگ و رود جمنه و وارده کرده و خلق دارد شهرها و  
 قصبه های زیاد در آنجا است تا بجهت نبودن راه کال آنجا  
 از خشکی یا کشتی از راه آب حمل و نقل آذوقه و بار شکل بود و  
 بعضی اوقات اهل اولایت تنگی می کشیدند و در سالهایی که در  
 آنجا بارندگی نمی شد حاصلشان خشک می گردید و بعضی نمی

بسیار شد که قحط و غلای شدید روی میداد که بسیاری از اهل  
 آنجا از کسب تنگی تلف می شدند حال که این نهر ساخته شده  
 و خاصیت عمده بجهت اهل آنجا دارد یکی آنکه حمل و نقل آذوقه  
 در وقت ضرورت باسانی و کم خرجی و ارزانی در کمال است  
 میشود دیگر آنکه در وقت خشک سالی که زراعت بارانی آنجا  
 از نهر بومیستوانند به جای آنولابت آب ببرند و زراعت  
 طول این نهر دویست و بیست فرسخ است و بنده بندار و  
 ساخته اند که آب سیل و آب زیاد از او بیرون برود و عیبی  
 نرسد و دویست و دو پل درین نهر ساخته اند و دویست و نود  
 هفت نهر کوچک ازین نهر جدا میشود که بجایهای دیگر جاریست  
 و درسی و یک جانبند بجهت میزان کردن پستی و بلندی آب  
 از برای عبور کشتی ساخته اند و درین بندها و درها و پنجه  
 بزبان فرانسه اکلوسینا نامند ساخته اند بجهت عبور کشتی  
 بلندی یا از بلندی پستی که متعذر است می بندند تا آب  
 بشود آذوقه می کشند و کشتی را میرانند و دویست و شصت  
 و نهر کوچک نیز بجهت زراعت از او منسوب میشود در روزها  
 این ولایت نوشته اند که تا بحال در هندوستان چنین  
 ساخته نشده است بلکه در کل روی زمین چنین نهری  
 مگر نهر بزرگ چین که تبادی ایام ساخته شده پادشاهان  
 سابق هندوستان که از طایفه مغول بودند بعضی نهرها  
 هندوستان ساخته اند اما نسبت باین نهر که درین وقت  
 با نام رسیده بسیار کوچک و مختصر و بجهت اینکه در  
 مثال با نام رسیده  
 احوالات متفرقه

درین لها بسیاری از اهل آنجا نهر ساخته اند و در آنجا که را

بهرتر از ولایت خودشان شود در روزنامه انگلیس نوشته  
 که بسیاری از این انگلیس و از اهل اسکاتلند که بولایات خارج  
 رفته اهل آن خرید و اندوز راغت کرده اند باعث رونق آباد  
 آن ولایات و منفعت الهی آنجا شده اند  
 در است جنوب مملکت فرانسه درین اوقات باز آفت  
 افتاده و در مملکت ایتالیا نیز همین آفت و ضرر بسیار  
 بر عابای آنجا از بنیادن حاصل انکو رسیده است در بعضی  
 جایها که راه آهن بجهت تردد کال که بنجار ساخته اند مردم عامی  
 آنجا خجال کرده اند که این آفت در تاک انکو بسبب دو  
 دغال سنگی حادث شده است و حال اینکه قضیه بر  
 باشد زیرا که مطلق دو دفع آفات از تاک و سایر اشجار  
 میکنند و در بعضی جایها که درختهای عزیزه می نشاندند بجهت  
 از آفت سالم بماند تنها کوه در زبردخت میوزانند با بچه  
 شغل عمده اهل این ممالک شراب فروشی است درین حال  
 که آفت بنای انکو افتاده است ضرر کلی کشیده اند و مملکت  
 ایتالیا یک پیمان شراب که سابقا یک تومان فروخته میشد  
 حالا به تومان و نیم فروخته میشود  
 در شهر سیزل چند وقت پیش ازین ناخوشی و باشد  
 تمام داشت و روزی صد نفر در آن شهر میزدند  
 در روزنامه های فرنگستان که تازه رسیده است در بنا  
 مملکت اسپانول نوشته اند که جنگ و آشوب بسیار  
 در روزنامه نوشته شده تمام شده بود و باره آبی  
 برپا شده است اول بعضی از مردم جناب داشتند که منظور  
 یاغبان برسم زدن دولت پادشاه است که بلکه بجز

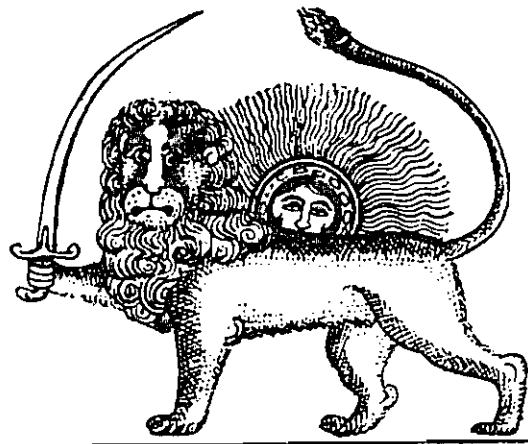
مربوطی و دیگران جناب داشته باشند که دولت مجبور  
 در آنجا برپا نمایند حال که معلوم شده است بچگونه ام ازین  
 سببها نبوده است خلق از وزیر جنگ آمده بودند  
 یاغبی شدند بعد از آنکه پادشاه و وزیر را بیرون کردند و  
 و کسان دیگر بجای آنها مامور شدند ولایت آرام گرفت  
 اما اگر وزیر ای قدیم و ممدستان آنها حکم است که  
 اخراج بلد باشند  
 در روزنامه فرانسه نوشته اند که راه آهن بجهت تردد  
 کال که بنجار که چند سال است مابین پاریس مای تخت  
 فرانسه و شهر لیون میزند کم مانده بود که از سرتا  
 راه تمام بشود چند سال بود که مشغول ساختن این راه  
 بودند و بسیار جاهای او را ساخته بودند اما بهم متصل  
 بود و حال بهم متصل کرده اند که کال که کیر از پاریس  
 تا لیون برود

### اعلامات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید  
 در محله نزدیک دروازه دو لایب الطباع شد از اینقرار  
 فروخته میشود  
 سرایر دو تومان  
 خم نظامی بیت و پنجاه  
 رنده المعارف دو تومان  
 معراج العاده یک تومان  
 صدیقه الشیخه هشت هزار  
 شاهنامه چهار تومان و نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم ماه محرم الحرام امطان سال ۱۳۴۳

نمزه صد و نود و چهار  
قیمت روزنامه  
یک ششده و سه بریکه  
صفتان و چهار هزار



منطقه دار اسخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یکصد و هشتاد و پنج ریال  
بیشتر با هر طریقی

اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دار اسخلاف طهران

در روز شنبه بیست و یکم اینماه اعلیحضرت پادشاهی  
تفج اطراف دار اسخلافه را فرموده سوار شدند و تا حوالی  
عصر موکب های یون تشریف فرمای صاحب دار اسخلافه  
بوده نزدیک غروب آفتاب بارک مبارکه معاودت فرمودند  
در روز یکشنبه ۲۲ اینماه نیز موکب های یون تشریف فرما  
میدان مشق خارج دروازه دولت که افواج قاهره نظام  
در آنجا مشغول مشق بودند گردیده ملاحظه مشق و حرکات آنها  
فرمودند و سان بعضی از افواج قاهره نیز در حضور مبارک  
دیدند  
در روز شنبه ۲۴ اینماه نیز تشریف فرمای اطراف  
مبارک گردیده تا نزدیک غروب آفتاب بتفج مشغول بودند  
و وقت مغرب بارک مبارکه مراجعت فرمودند  
و هم در یوم مزبور فوج بلوک طهران جمعی عالیجاه محمد رضاخان  
سرتیپ و فوج جدید اصفهان جمعی عالیجاه مصطفی قلیخان  
در میدان ارک حاضر گردیده جناب جلالت تاج  
امجد افخم صد اعظم بملاحظه آنها بمیدان تشریف آوردند

و بدقت رسیدگی بانها نمودند همگی در کمال راستی و  
و شکوه با لباس و اسباب نظر رسیده مورد تحسین گردیدند  
و هم در آن عین چند نفر مقصر که دزدی و شرب و شرارت  
کرده بودند بحضور جناب امجد افخم آوردند و حسب حکم آنها  
بمیان نظام انداخته تنبیه بزرگ کردند  
درین اوقات نواب غفران ماب مصطفی قلی مرزا حکمران  
مازندران داعی حق را البتیک اجابت گفته بر حمت بزرگ  
پیوست حسب الامر اقدس های یون در مسجد دار اسخلافه  
مردم مزبور تا سه روز مجلس فاتحه خوانی که اشتهای شاهزادگان  
عظام و علما و فضلا و سادات و انسانی دولت علیه و آله  
هر روزه در مجلس فاتحه خوانی حاضر شده لازم تعزیه دایره  
بعل آوردند و هم چنین در مازندران هم عموم الملی آنجا  
در مجلس فاتحه مرحوم مشارالیه حاضر گردیده چون از طرف  
نظم و سلوک و رعیت داری او بسیار رضامندی  
داشتند از فوت مرحوم مزبور زیاده از حد متذکر بوده اند  
عالیجاه مطلب خان تفنگدار خاصه سر کرده سواره کورده

۱۳۴۳

از اسب

از اسب

و بطامی که حسب الامرهایون بمحافظت طرق و شوارع عرض  
 راه خراسان مأمور است درین اوقات بدر بارهایون  
 آمدن شرفیاب حضور مبارک گردید نظر سخدمات و بیست  
 مشارالیه در انتظام امور آن راهها در حوز محنت و مواظبت  
 مسوغ پنجاه تومان بصیغه انعام ستیری در حق او عنایت  
 گردیده و یکطا و شال ابره و یک ثوب قبای زری بر سر  
 خلعت در وجه او و محنت فرموده و مقرر است که پنجاه  
 نفر سواره جدید بکشد و پنجاه نفر هم از پیادگان جمعی خود سوار  
 کرده که من حیث المجموع و دست نفر سواره و پنجاه نفر  
 پیاده داشته در محاربت طرق و شوارع آنجا باشند  
 پیش مراتب خدمتگذاری خود را مشهور رای اقدس  
 و انسانی دولت علیه سازد که زوار و قوافل بالهینان  
 و آسودگی از آن راهها عبور نمود نمایند

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته  
 یک نفر از شاخج عرب که از اهل نجف اشرف بوده از  
 راه کلپایگان عبور میکرده است غلام سیاهی داشته  
 مادیان او را برداشته فرار کرده است در قراولخانهها  
 مستخلفین عرض راه غلام را با مادیان گرفته با اصفهان  
 نزد عالیجاه چراغ علیخان نایب الحکومه اصفهان فرستاده  
 عالیجاه مشارالیه نیز شیخ عرب را حاضر کرده مادیان  
 و غلام سیاه را تسلیم او کرده و قبض رسیدگی در یافت  
 نموده است با بجز قراولخانههای عرض راه اصفهان کمال  
 نظم دارد و در حفظ طرق و شوارع نهایت اهتمام میشود

۱۲۴۴

عالیجاه نصرالدخان سیرتپ فوج کلپایگانی که با فوج خود  
 مامور خدمت فارس بود و در آنجا خدمات شایسته  
 بتقدیم رسانده این روزها بربکاب مبارک آمده مورد  
 مرحمت شایسته گردید از قراریکه عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه  
 اصفهان نوشته بود یکبار بطبوس و اموال قیمتی و وجه  
 نقد قریب هزار تومان از مال مقرب آنجا قان مشیر الملک  
 که علی محمد نام مکاری حمل میکرده است همان بار را در راه  
 فارس مفقود کرده بوده است درین بین سرباز فوج کلپایگان  
 می آمده اند بار مزبور را پیدا کرده و با اصفهان آورده اند  
 عالیجاه نصرالدخان مطلع شده فرستاده است علیجاه  
 مکاری را آورده اند و مال را با التمام گرفته در حضور عالیجاه  
 چراغعلیخان رد نموده است و دیناری عیب نگردیده بود

دو نفر رعیت اصفهانی در حوالی مقصود بیک گرفتار  
 چند نفر دزد شده صد و بیست تومان پول نقد آنها را گرفته  
 بودند صاحبان پول دزدان را شناخته آمده تبراً  
 بجایگاه چراغعلیخان حالی نموده اند عالیجاه مشارالیه  
 عریضه خدمت نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مرید الدوله  
 حکمران فارس نوشته یک نفر آدم خود را با صاحبان  
 پول بشیر از فرستاده است که نواب معزی الیه دزدان  
 پیدا کرده نتخواه مزبور را استرداد کرده بصاحبان  
 از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند نواب  
 معزی الیه نیز آدم فرستاده دزدان را پیدا کرده اند و مال  
 نتخواه مزبور را تمام و کمال از آنها استرداد نموده بصاحبان  
 رد کرده اند

### خراسان

از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند امیر  
 کمال نظم و انضباط دارد و امالی آنجا قرین نهایت  
 رفاه و آسایش است از جمله نوشته بودند نظم  
 امور شهر سجدت است که شبها اکثری از مردم در  
 خانه خود را نمی بندند و بهیچوجه آتشی بمال مردم نمید  
 و سرقت و دزدی اتفاق نمی افتد و شبها تا دو  
 ساعت از شب گذشته جمیع دکا کین باز است و  
 برای امالی شهر و زوار معظلی حاصل نمی شود  
 دیگر از قراریکه نوشته بودند مقرب انخاقان وزیر  
 نظام متولی باشی در عیاب نواب مستطاب شاهزاد  
 و الا تبار فرزند فرما و رانظام امور ولایت کمال  
 اهتمام دارند و از هر کس خلاف قاعده و بی اعتد  
 بطور رسد فی الفور بمقام رفع آن بر می آید این  
 نوشته بودند یک نفر زوار آمده بمقرب انخاقان  
 متولی باشی گفت بود که قریب بظهر از منزل خود  
 بزیارت میر قتم داخل صحن مقدس شدم و  
 و رجب خود کردم دیدم جیب مرا بریده اند بقدر  
 چهار تومان پول نقد و اسبابی که داشته ام برده  
 و شخصی که نزد من اورا می شناختم و نه او با من شناسائی  
 داشت در بین راه چند قدم با من آمده بطوری  
 با من اظهار خصوصیت و آشنائی کرد که مرا از حال  
 او حیرت افروز کرد که چقدر آدم خوبی است حال  
 که بچیب خود واری نمودم یقین کرده ام که همان شخص  
 مرکب این عمل شده است مقرب انخاقان وزیر نظام

متولی باشی هم یک نفر فرزندش همراه آن شخص  
 کرده بودند که گفت شخص مرکب را پیدا کرده است خواه  
 و اسباب او را گرفته رد نماید فرزندش هم رفته  
 شخص فرزند را بنامند کی صاحب مال پیدا کرده و نخوا  
 و اسباب سر و قدر البعینها از او استر داد و  
 بصاحبش رو کرده و این معنی باعث خوشوقتی و امید  
 واری جمیع زوار گردیده است  
 و همچنین از قراریکه در روزنامه نوشته بودند  
 وزیر نظام متولی باشی بگلانته شهر قدغن کرده قرار داده  
 که در ساعت سه طبل تمام شود و بعد از سه ساعت  
 از شب گذشته هر کس در کوچه و بازار عبور نماید او را  
 بگیرند و اگر اسم شب داشته باشد و فائوس داشته  
 باشد و معلوم شود که از اجامه او باش نیست چنان  
 نشوند و اگر از الواط باشد تا صبح او را نگاه دارند  
 با جمله مقرب انخاقان مشارالیه در عیاب نواب  
 شاهزاده در نظم امور شهر کمال اهتمام را دارند و این  
 ولایت و زوار کمال خو شنندی و آسودگی بهم رسانده  
 و بعراض و مطالب فقر و ضعف رسیدگی کامل کرده  
 احقاق حق نمایند و هم چنین در نظام امور سرکار  
 چنانچه در روزنامه های گذشته نیز نوشته شده لازمه  
 رسیدگی را معمول بدارند از جمله در تعمیر صحن و رواق  
 مقدس و جنابان و غیره اهتمام تمام بعمل آورده اند  
 و بسیار خوب و باصفا گردیده است و سبب مزید  
 کوفی زوار بجهت ات قدس و شاهی شده است

س

۱۲۴۵



### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند نواب

مستطاب مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس

مقرب الخاقان عبدالدخان صاهم الدوله را بادی و فوج

و توپخانه و قورخانه و سواره و استبداد به بند عباس ستاد

و هم چنین عالیجاه رضاقلخان سرتیپ فوج عرب با صحر

حسب الحکم با فوج مامور بندر مژبور و بخارج شهر نقل مکان

کرده اند که روانه مقصد شوند و چون در کربسات فارس

و نزدیکیهای بندر مژبور مسال بجهت حاکمی غلام کیم بابا

نواب معری الیه تحواه داده و مامورین روانه کرده اند

که جنس بجهت سیورسات قشون ماموره از محال کرمان

و جایهای دیگر خریداری نموده در وقت ضرورت با آنها

برسانند

و دیگر نوشته بودند که فریدون خان یوزباشی که سابقا

با پنجاه نفر غلام مامور خلوی بند عباس بود و او را در

گردیده چون در حفظ و حراست بندر مژبور غفلت و بی

اجتهامی از مشارالیه بطور رسیده بود مورد مؤاخذه

و تنبیه گردید

و دیگر نوشته اند که یکی از نوکرهای مقرب الخاقان مصلحان

ایلیخاننی تفنگ دیکمی که کلوله پر بوده بدوش داشته و

غفلت کرده بود که پاشنه او را بنجا باند تا گاه بدرفته

و بیک نفر از آد همای ایلیخاننی خورده فوراً طاک گردیده

و دیگر تغییر اجناس فارس را که نوشته اند مسال نسبت

بسیاهی دیگر جنس در آن ولایت بسیار ترقی دارد از جمله

گندم حروری چهار تومان و نیم و جو بیجده هزار و برنج پنج

حروری پنج تومان و سایر چیزها نیز بهین قرار تغییر دارند

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند تمثال عالیجناب

اعلیحضرت پادشاهی که با فقار نواب هزاره و الا نواب

عماد الدوله مرحمت شده بود در وقت وصول بانجا نواب

معزی الیه با چهار فوج و جمیع اعیان و اشرف ولایت

با پنج فرسخ با استقبال ششامه لوازم توقیر و احترام تمثال

همینون را بعین آورده اند و بجهت مزید احترام این پنج فرسخ

تا شهر پیاده مراجعت کرده اند و تمثال عالیجناب را در تخت

قرار داده خود نواب معری الیه در معامی که در حضور اعلیحضرت

پادشاهی معین دارند قیام و انعقاد سلام داده سایر فرخونین

و اهل سلام از صاحب منصبان نظام عزیزه هر که آمد در مرتبه و

مقام خود ایستاده اجزای شلیک توپ و صرف شربت و شکر

و ادای خطبه بنام اعلیحضرت پادشاهی و تقدیم خورسندی و شکر

نموده سلام منتضی گردیده است

و دیگر نوشته اند که زوار زیاد از اطراف حاکم محروس

بجهت اذن و اجازت که از امنای دولت علیه حاصل کرده اند

علی التوالی در کرمانشاهان جمع شده بزیمارت عیبات یقات

میرند و نواب عماد الدوله حسب الامر از ایام هفت روزهای

دو شنبه و پنجشنبه را بجهت حرکت زوار تعیین کرده اند که بعد از

گرفتن تذکره و سفارشات لازمه بچاوشان و تحفظین روانه

مقصد شوند و در هر یک از منازل عرض راه نیز مستحفظ

تفنگچی از سوار و پیاده گذاشته اند که زوار و عابریان را

از منازل مطلقه بجز در حراست نموده بگذرانند

۱۲۴۶

### اجبار دول خارج

پسکی و نیای شمالی از قرار روزنامه این است  
 که تازه رسیده است نوشته اند که گفتگونی در آن ولایت  
 بود در باب جزایر سند و پنج که در بحر محیط میباشد  
 میخواهند داخل ممالک سیکی دنیا نمایند و عهدنامه که کرده  
 کشتهای سیکی دنیا که بچنان رفته و با این چنان بسته بود  
 در شهر واشینگتن پای تخت سیکی دنیا تصدیق کرده و معنی  
 داشته بودند ناخوشی و با در شهر نیویارک سیکی دنیا بود  
 و کم کم زیاد می شد و روزی بیت نفرو بیت و یک نفر  
 از این ناخوشی تلف می شدند از ولایت گیس که خبر  
 میگویی شد نوشته اند که مابین اهل قدیم آن ولایت و اولاد  
 فرنگیها که با سنجار رفته و آبادی کرده اند و ایم جنگ بود  
 و کمان داشتند که جنگ آنها کفی بشود و در باب شیلات  
 در سمت شمال غربی آن ولایت میان اهل سیکی دنیا و اهل روس  
 که در اینجا سرحد دارند گفتگونی بود و گویا کار با منای و پوسن

### رجوع شده است مککو

از قرار یک نوشته اندست آنها بزرگ این دولت بعدی  
 زیاد با این انجام میگرد و خصوصاً در گرفتن مالیات که بی حد  
 و بی حساب از مردم مالیات دیوان میکرد بطوریکه مردم  
 از ظلم او بسته اند بسیار از آن ولایت تسلای وطن  
 کرده میرفتند داخل خاک دولت سیکی دنیا شمالی می شد  
 که در اینجا اسوده باشند

از سایر ممالک دول خارج اجباری نبود که مناسب بود  
 داشته باشد مگر آنچه در احوالات متفرقه چاپ شده

### احوال مصر

درین روزها کشتی سنجار تازه در مکتب انگلیس ساخته و با این  
 بودند و قسبه کشتی بزبور سلامت باب فتا و جماعتی که در  
 میان او بودند از راه شوخی دور آورده کشتی را به پهلوان  
 و بسیاری از آنها که در کشتی بودند باب فتا و جماعتی  
 غرق شدند که غرض آنها را از آب در آورده و کمان داشتند  
 که باز هم آدم زین کشتی غرق شده باشد

درین روزها یکی از حیوانات غریب که در سبجری مینا  
 از سمت مصر بولایت انگلیس آوردند و چونکه اغلب وقت  
 در میان آب می ایستاد در میان کشتی که می آوردند حوضی برآ  
 او ساخته و پر آب کرده بودند که هر وقت بخواهند میان  
 آب برود و چونکه سبجری خوار است و چهار دندان در او  
 و زدنش یک طون که سه خرد از چیزی زیاد تر است می آید  
 و قتی که با و طعام میدهند شخصی ب که همراه او از مصر آمده است  
 ارد زدن را با سبجری خمیر کرده نواله میکند و با و میدرد  
 میخورد دیگر در شخص مریض این حیوان رفت نزدیک بود  
 کشته بشود حیوان خوار است در میان قفس بگرد و شخصی برآ  
 بنگ و پورفتار داد بطوریکه غریب بهلاکت بود اهل  
 نریز او رسیده خلاصش کردند معلوم میشود که این حیوان  
 مانند سایر حیوانات آبی از قبیل اسک آبی و غیره از نوا  
 موزیکان بسیار خوشش می آید و قسبه موزیکان بچنان کشتی  
 موزیکان می نواختند سرش را بالا میکرد و معلوم بود که  
 از استماع موزیکان خوشش می آید

در بعضی بلوکات فرانسه کدم نزدیک نصف قیمت سابق  
 کرده است سبجه اینکه حاصل امسال در بعضی جاها که در

کرده اند بسیار خوب آمده است موافق خبر آخر که از پارس  
 پای تخت فرانسه آمده است ناخوشی و با که در آنجا بود  
 کلی یافته است بعد از آنکه هوای گرم شد ناخوشی کمتر گردید بطوریکه  
 از بعضی محلات با اکلید رفع شده است و این برخلاف سابق است  
 سابق است که در گرمی هوا شدت میکرد  
 در سفر نینیه در روزنامه دولتی اعلان کرده اند که من بعد  
 معصرین را که واجب القتل بشدند در بیرون نخواهند  
 در میان حیاط محبوس خانگی کشند در حضور دو نفر جراح  
 و دو وارده نقره شاد و یک کفش  
 در روز نوا حکم شده است که هر کشتی که از جزیره مالته با آنجا  
 بیاید در کرختین نگاه بدارند بجهت اینکه گمان ناخوشی با  
 در جزیره مزبور داشتند  
 در روزنامه کوبک بنگلی دینای شمالی نوشته اند که در سال  
 گذشته بمیت و چهار هزار و هفتاد و هشت نفر از فرنگستان  
 با آنجا آمده بودند و از سالهای گذشته هفت هزار و چهل و  
 هفت نفر را در آنجا اقامت داده اند  
 در بعضی جزایر خط استوا ناخوشی و با شدت داشت  
 اما اکثر آنها که ازین ناخوشی تلف می شدند از مردمان  
 سیاه آنولایت بودند بمرتبگی که حساب کرده بودند از  
 اینها که مرده بودند نه عشر از سیاهای آنولایت بودند  
 تا بحال ازین جزیره کوچک پانزده هزار نفر فوت شده اند  
 و اینهم نه عشر کل اهل آنولایت بود  
 عهد نامه تجارتنی که مابین دولتین استرلیه و پرتغال بوده  
 تا تاریخ ۱۱ رمضان رسیده شده بود و بعضی قرار داد  
 خصوص تجارت و عبورستی که داشته اند که منفعت کلی تجار  
 و

۱۲۴۸

دولتین حاصل میشود سابقا در مملکت استرالیای کل اجناس  
 قیمت زیاد داشت خلق بسیار و طلا فراوان و جنس کم  
 بلاحظه کرانی اجناس در آنجا کل تجارت روی زمین که  
 دسترس با آنجا داشتند جنس زیاد با ولایت فرستادند  
 بمرتبگی که حالا اجناس از هر قسم در آنجا چنین تنزل کرده  
 که چند ان فرقی مابین قیمت اجناس در آنجا با سایر ولایات  
 نیست  
 در روزنامه انگلیس نوشته اند که پسر عباس شاه حکمران  
 سابق مصر بولایت انگلیس آمده بود که در آنجا سیاحت  
 نماید کشتی پدر خود را که فیض ایجا و نام داشت سوار شد  
 بشهر سوئس بمطمان که اول خاک انگلیس است آمده بود  
 در آنجا خبر فوت پدرش باور رسیده یکروز در آنجا ماند  
 و بعد از آن بخشی روانه دریا شد که بمصر مراجعت نماید دریا  
 حکمرانی پدرش خود از اعیان و معتبرین آنولایت بود حال  
 معلوم نیست که خدمات عمده که سابقا با و رجوع میشد بجز  
 بشود یا نه  
 موافق حساب دیوان که در طبقه مملکت استرالیای کرده اند  
 طلا که از معدن بشهر مزبور می آید با فراول و سواره  
 هفتاد و هشت هزار مثقال است و این غیر از طلا نیست  
 که خود اهل آنجا با او همای خودشان بطور دیگر میفرستند  
 چونکه در هر سمت دنیا روز برد کشتی تجار زیاد میرود  
 و غال سکنی زیاد بمصرف میرسد معادن ذغال ولایت  
 انگلیس بسیار خوب کار میکند بطوریکه معدنچیان آنجا همه میشوند  
 و هیچک بکار نیستند هم بعضا جهان معادن و هم تجار دهم

v

بصاحبان کشتی و غنیمت زیاد حاصل میگردد

عبور میکنند نموده و زودان را تمهید لازم میکنند

که بای زرد در قدیم کم یاب و گران بود درین روزها کثرت فراوان در کنار دریای بالتیک در مملکت پروس و از بسکه زیاد در اینجا پیدا میشود تجارت عمده از کربا مزبور دارند

بنادارند در مملکت ایرلند مانند ولایت انگلیس قشون برآه بیدارند و وزیر حمله هم میخواهد قرار بدد که در مملکت اسکاتلند نیز مانند ولایت انگلیس این قشون را گرفته باشند که میا و آماده باشند

دولت فرانسه بسیار سعی و کوشش میکنند که بنه در ممالک خود هم در جزایرینکی دنیا و سم در جزیره العرب که در تصرف فرانسه است بمل بیاد و درنچون پنبه چیزی است که روز بروز بجهت کارخانها زیاد مصرف میشود و تا بحال دولت فرانسه

در شهر تیس مملکت فرانسه کشتی تازه و زیاد میسازند و تا آخر سال بیت و سه کشتی تازه بآب خواهند انداختند و این همه علامات ائمت و رواج داد و ستد در ولایت مزبور است

بجهت پنبه محتاج دول خارج بودند از آنچه دولت سعی و کوشش نموده پول زیاد خرج می کنند که بنه در ممالک خود بمل بیاید اما تا بحال چیزی نشده است که بکار حملن بخورد اگر پنبه که بفرانسه می آید ازینکی دنیا دهند و ستان مست است

قیمت بعضی اجناس را در شهر لندن پای تخت انگلیس با اینطور نوشته اند که م خرواری شش تومان و نیم تا هفت تومان و دو سه تومان و چهار هزار تا چهار تومان و پنج تا هفت هزار و چهار تومان و چهار تومان و چهار پونز که بیت و چهار

در روزنامه فرانسه نوشته اند که طوفان و رعد و برق و بارندگی که در وسط تابستان در آنجا شده بود ضرر زیاد بر اهلای آنجا رسانده است خاک راهها را برداشته و خرابی بر اهلها رسیده است در بعضی جایها مایهین ما پاریس و لیانر نزدیک بدویت ذرع راه در یکجا بجا شده است

چهارده شای تا پانزده شای  
**تعییر اجناس طهران**

درین روزها زودان طایفه عرب در سمت کشتی در روز دریا تاخت و غارت زیاد ارا کشتی تجار کرده اند و در خصوص گفتگونی در مشورتخانه انگلیس شده است و کشتی چینی بان سمت فرستاده اند که محافظت کشتی تجار را که از اینجا

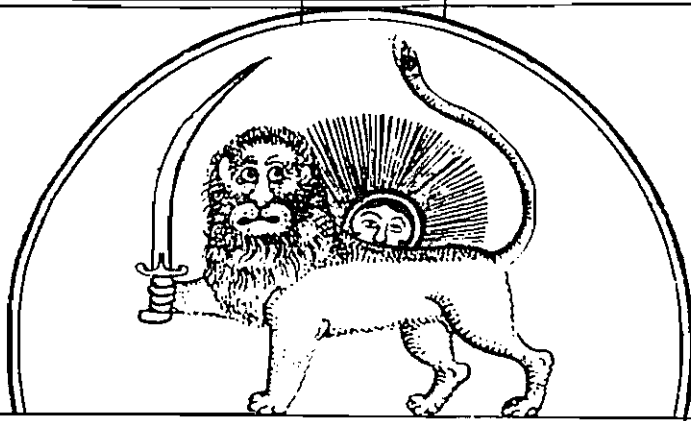
کندم ساوجبلاشی یکخوار دو تومان و دو هزار  
کندم دور شهر یکخوار دو تومان و یک هزار  
کندم غریبه یکخوار دو تومان  
کندم در این یکخوار هفتده هزار و پانصد  
برنج غنبره چهارم یک هزار و نوزده  
برنج گزده چهارم یک هزار و هشتاد  
برنج سفید کرده چهارم دو هزار و سیصد  
یکخوار دو تومان و هزار و پانصد

۱۲۴۹

گوشت یک من بکهار دینار	۳۰	ذغال یکخوار ایجده هزار	۱۰۰
روغن چهار من یکمان شش عجا	۱۰۰	شع یک من دو هزار و چهار صد	۱۰۰
ارد کدم یکخوار دو تومان و خجزر	۱۰۰	تباکوی وسط چهار من یک تومان	۱۰۰
ارد جو یکخوار ایجده هزار و پوزده شاهی	۱۰۰	تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	۱۰۰
جو یکخوار شانزده هزار	۱۰۰	انقوره یک من سه عباسی	۱۰۰
گاه یکخوار هشت هزار و پانصد	۱۰۰	سرکه یک من چهار صد دینا	۱۰۰
ماش یکخوار هفده هزار و پانصد	۱۰۰	خر بوزه چهل من خجزار	۱۰۰
عدس یکخوار دو تومان و دوریال	۱۰۰	خر بوزه فی چهل من شش هزار و پانصد	۱۰۰
لوبیا یکخوار سه تومان و دوریال	۱۰۰	هندوانه چهل من چهار هزار و پانصد	۱۰۰
کرچک یکخوار چهار تومان	۱۰۰	الکمر بیت من دو هزار و شصت	۱۰۰
کف یکخوار چهار هزار و پنج پول	۱۰۰	سبزی آلات یک من شاهی	۱۰۰
ارزن یکخوار یک تومان و ده شاهی	۱۰۰	بادنجان صد عدد سه عباسی	۱۰۰
سجود قزوینی یکخوار پنجمان	۱۰۰	ماست چهار من هشت عباسی	۱۰۰
سجود رسی یکخوار دو تومان و شش	۱۰۰	پیر شور چهار من هشت هزار	۱۰۰
خلر یکخوار هفده هزار و پانصد	۱۰۰	قداروسی یک من هفت هزار	۱۰۰
سکنک یکخوار چهار ده هزار	۱۰۰	قد زردی یک من چهار هزار و پانصد	۱۰۰
همه یکخوار نه هزار دینار	۱۰۰	بنات یک من پنجاه و یک عباسی	۱۰۰
یونجه یکخوار هشت هزار و پانصد	۱۰۰	شکر یک من سه هزار و شصت	۱۰۰
سرخ قطعه ده شاهی	۱۰۰	بل یک من بیت و دو هزار	۱۰۰
تخم مرغ شش مضمه یک عباسی	۱۰۰	میخک یک من شش هزار	۱۰۰
شیره شهد چهار من یک هزار و چهار صد	۱۰۰	زیره یک من دوریال	۱۰۰
پياز یکخوار هفت هزار و پانصد	۱۰۰	زعفران ده سیر شانزده هزار	۱۰۰
کشک چهار من دو هزار دینار	۱۰۰	رز شکب سینه یک من دوریال	۱۰۰
خرما چهار من سه هزار و پانصد	۱۰۰	رز شک تبریزی یک من چهار هزار	۱۰۰
کشر چهار من شش عباسی	۱۰۰	آب لیمو یک من دوریال	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم ماه صفر المظفر مطابق انبار سن ۱۲۷۱

نمره صد و نود و پنج  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی  
چهاران و چهار سوار



منظومه دار اختلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط به چهار سطر یک هزار و پنجاه  
بیشتر به هر سطر پنج سطر

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز شنبه غزه ماه صفر تفکیک لاریجانی جمعی بپای  
عباسقلی خان که حسب الامر احضار برکاب هایون شده  
بودند در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند و  
اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی بمیدان مزبور تشریف  
فرما کردند جناب جلالت آبا امجد الفخیم صدر اعظم  
وسایر مقربان حضرت کردون ببطت سینه در حضور  
مبارک بودند بعد از اظلامه تفکیک مزبور که شتر و قاطر  
سرکاری را که تازه اجتیاع نموده و داغ کرده در میدان  
ارک حاضر کرده بودند از حضور مبارک گذزایدند  
همگی درشت و فربه و با اسباب بودند پسند خاطر  
هایون کردند و از آنجا اعلیحضرت پادشاهی بمدرسه  
دارالفنون تشریف فرما گردیده بعد از انقضای تعزیه  
بیمارت مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند و چون  
چون بعد از انقضای دهه عاشورا که جمیع تکایا را از برمی  
در دو ماه محرم و صفر در بعضی تکایای مخصوص باینجا تعزیه  
جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام را میگذاردند از جمله

در مدرسه دارالفنون حسب الامر هایون حکیمه طاق  
سینه مشغول تعزیه داری ستند و اعلیحضرت پادشاهی  
بعضی از روزنامه تشریف فرمای مدرسه مزبوره گردیدند  
جناب جلالت آبا شرف الفخیم صدر اعظم و سایر  
امنای دولت علیه و مقربان حضرت کردون ببطت  
نیز ملزم حضور مبارک بوده لوازم تعزیه داری را بجهت  
در روز یکشنبه ۲۹ ماه گذشته جناب جلالت آبا  
شرف الفخیم صدر اعظم بمیدان ارک تشریف آوردند  
که شتر و قاطر سرکاری را که عالجمان میرزا فتحعلیخان  
مستوفی و قاسم خان صاحب جمع سرانجام نموده در میدان  
مزبور حاضر کرده بودند بدقت یکی یکی رسیدگی نموده  
و دلالتان در حضور جناب معظم قیمت آنها را مشخص  
نموده اغلب قاطرهای تحت و شترهای درشت فربه و  
توانا با اسباب تمام بودند و بعد از اظلامه و تشخیص  
قیمت آنها مقرر فرمودند که در میدان مزبور آنها را داغ  
ر نشان نموده داخل شترخانه و قاطرخانه نمایند

۱۲۵۱

دو فوج گرویس ابو اجمعی عالیجاه حسنعلی خان سرتیب کجحتلی  
 عالیجاه حاجی محمد خان احضار کا شہہ بودند در سیم محرم  
 وارد در بارهایون شده در خارج شهر دوزند و در  
 عرض راه ہم با کمال نظم حرکت کرده بودند بعد از ورود <sup>انخلا</sup>  
 لشکر نوبان عظام سان آنها را دیده و یکی در کمال <sup>استیک</sup>  
 بودند و بعد از دادن حسب الامرهایون مأمور خدمت  
 حریان گردیدند و بجهت اهتمام عالیجاه حسنعلیخان سرتیب  
 در انتظام افواج مزبورہ در وقت ورود یک قبضہ تفنگ  
 دولو خوب باو مرحمت شدہ و در وقت مرضی نیز  
 یک ثوب جبہ ترمز کرمانی اعلی بشار ایہ عنایت گردیدہ  
 و راد اخر محرم با فوج روانہ <sup>نیز</sup>  
 نظر باہتمامات عالیجاه سہ انجان در انجام خدمات محولہ  
 بخود و بطور مرحمت لموکانہ در بارہ مشارالیه درین اوقات  
 یک ثوب کلبجہ از بلوس تن مبارک باو مرحمت فرمود  
**اعلانات**  
 خانہ عالیجاه میرزا تقی خان واقعہ در محمد سنگ در <sup>شہ</sup>  
 باغ مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافہ کہ مثل <sup>است</sup>  
 بر دست بیرونی و اندرونی و خلوت و طویلہ کہ جا  
 بفت مال دارد و از خلوت و آفتاب سنگ متصل <sup>مکنز</sup>  
 بعیت خبرہ فروختہ میشود ہر کس خریدار باشد از ما  
 خانہ مزبور خریداری نماید  
**سایر ولایات**  
 اور باہیجان از فراریکہ در روزنامہ این ولایت  
 نوشتہ اند چون قرار قصابان تبریر این بود کہ در اول <sup>تبر</sup>  
 گوشت را یک من چہار عباسی میفرختند امسال ہم <sup>بوا</sup>

شاہزادہ والا تبار نصرۃ الدولہ و مقرب الخاقان قایم مقام  
 معرود استہ بودند کہ از فرارسال مختلف نمایند صفت قصاب  
 نظر بہرزی کہ اغلب لہا و حسین اوقات میکرده و بہت  
 می نشستہ اند و تعارف و تکلفی بہا شرین دادہ گوشت را <sup>کران</sup>  
 میکرده اند امسال ہم رفتہ بہت نشستہ بودند چون <sup>شان</sup>  
 بیجا ب بودند نواب شاہزادہ و مقرب الخاقان قایم مقام  
 مردم را در فروختن گوشت ماذون کردند کہ از قرار مذکور  
 فروختہ از عہدہ منال دیوانی برآیند دیگران نیز تا سہ چہا  
 روز گوشت فراوان در دروب و کاکین قصابان می <sup>گشتند</sup>  
 و میفرختند و گوشت سجدی و فور بہم رساندہ بود کہ <sup>ان</sup>  
 چہار عباسی ارزانتر شدہ بود جماعت قصاب کہ اینطور  
 دیدند از عمل خود نادم و پشیمان شدہ شفا بر اینکختہ <sup>اند</sup>  
 و د کاکین خود را کسودہ مشغول شغل و کار خودشان <sup>گردیدند</sup>  
 دیگر نوشتہ اند کہ دو فوج تحتہ قاپو ابو اجمعی عالیجاہ  
 محمد علیخان سرتیب را درین روز ما احضار بہ تبریر نمود  
 کہ تدارکات آنها را دیده روانہ در بارهایون نمایند  
 و ہمچنین فوج مرافقہ ابو اجمعی مقرب الخاقان حسین پاشا  
 میر سنجہ و فوج پانزدہم شتافی جمعی عالیجاہ ابو الفتح خان  
 سرتیب را ہم برای فراولی شہ تبریر نوشتہ <sup>است</sup>  
 دیگر نوشتہ اند کہ چون چند سال بود کہ زوار اذن <sup>مقنن</sup>  
 زیارت عبات عالیات نہ استند امسال کہ اذن  
 از اولبای دولت علیہ برای عموم خلق حاصل شدہ <sup>است</sup>  
 زوار زیاد از آذربایجان بعد شست ہزار نفر روانہ <sup>زیارت</sup>  
 عبات عالیات شدہ اند و از معارف و شایہ نیز <sup>بسیاری</sup>





### اخبار دول خارج

فرانس در روزنامه سابق که از این ولایت نوشته بودند که امپراطور این مملکت بنا داشت که بجهت عید خودش که پانزدهم ماه آو و فرانس مطابق سه شنبه بیستم ذی قعدة است بیای تحت پاریس بیاید اما موقوف کرده و در شهر بیان جشن عید فریبور را با اساس و شکوه و جلال تمام گرفته اند شه فریبور سرحد اسپانول است که در آن اطراف بودند همه با آراستگی و لباس فاخر عید انحصور امپراطور که شش کلیساها و سربازخانهها و غلای شهر اچراغان کردند و در پاریس پای تحت فرانسه نیز این عید را با اساس و زینت تمام گرفته بودند و اکثر مردم از شهر بمشای آتش بازی و تفریح کاها که در باغات خارج شهر پاریس حتما اند بیرون رفته بودند حساب کرده اند که دو بیت هزار نفر در باغات منور جمع شده بودند و با نوزده امپراطور و هزار و پانصد و شتاد و دو نفر مقصرا مرخص و تقصیر نشان را عفو فرمودند و اینها بعضی محسوس و بعضی اخراج بلد و برخی بطورهای دیگر تنبیه داشتند تا پنج چهارم ذی قعدة امپراطور پای تحت پاریس مراجعت کرد و لکن زوجه امپراطور چند روز در بیارتس که متوقف بود بنای مکث داشت بجهت اینکه آب و هوای آنجا مخصوصا در بسات دریا بسیار برف او فایده کرده است در مراجعت امپراطور پای تحت اگر چه کسی را خبر نکرده بود و بنا بود که مخفی داخل شهر شود با جمعیت زیاد باستقبال بیرون آمده بودند و از هر جا که عبور میکرد مردم شکر و دعا و شای اورامی گفتند و در ششم ماه ذی قعدة روایت

۱۲۵۲

شمال فرانسه شده بود که بار دوی سنت عمر برود و بنا بود که پادشاه پلرود و لیعهد او دوک دة برانیت بدین امپراطور فرانسه بیاید از لندن جسم نوشته بودند که پرس الیظ بشهر بلون که اول خاک فرانسه است میرفت بدین امپراطور فرانسه و تماشای اردوی فریبور از سمت جنوب فرانسه تا سمت شمال که امپراطور عبور میکرد در هر حال که کاسک بخار قدری می آید مردم بجهت دریافت خدمت امپراطور جمع میشوند بعد از تمام شدن اردوی شمال مملکت فرانسه بنا دارند قشون سمت جنوب انولان جمع کنند هم بجهت مشق و هم بجهت اینکه قشون خیمه نشین و سایر کارهای سفر عادت بکنند اما چونکه ناخوشی در جنوب ولایت فرانسه بود تا بحال این اردو را خبر کرده است تاریخ کاغذ آخر که از پاریس آمده است یازدهم و در آن روزنامه نوشته اند که امپراطور باز در بلون بود و در آن پیر و پادشاه پور تو قال با نجا آمده بود و از جمله فرمایشاتی که قشون کرده بود این بود که ناپلیان اول یک وقتی گفته بود که قشونی که نتوانند در بیت چهار ساعت جمع بشوند نظشان تمام نیست مملکت اطراف اردو سنت عمر مثلث است و قشون که در آن ولایت است در هر طرف ولایت که لازم بشود در بیت و چهار ساعت جمع میشوند و چونکه سرگردان قشون همه با غیرت و وفات تمام خدمت میکنند کمال خاطر سعی لارین قشون دام که در هنگام ضرورت هر خدمتی که با آنها رجوع بشود بطور خوب با انجام خواهند رساند

### اسپانیول

این مملکت هنوز نظم درستی نلوقته است و در بعضی از شهرها خدمت بدولت نمیکردند و در بعضی جایهای دیگر خلق دوتیره شده بودند قدری طرف وزرای تازه را میکشیدند و قدری هم حمایت وزرای قدیم را که اخراج شده اند مینمودند قشون نیز دوتیره شده بودند و یک فوج هم سابق داشتند کل صاحب منصبان خودشان را بکشند و نفر نیز از صاحب منصبان را کشته بودند حکم شده بود که در این فوج مقصر را بکشند بعد از آن چونکه خودشان آمده بودند حرب درازین ریختند این حکم را جاری نکردند لکن فوج را کلاً اخراج کردند مگر سه نفر آنها را که مایه این افتاد کرده بودند بگذاشتند و سید نفر را نیز اخراج بگذاشتند

### بلر

در روزنامه این مملکت نوشته اند که کل وزرا در منزل دول خارج جمع شده و در مشورت نشستند و متفقاً استعفا نموده پادشاه عرض کردند که از شغل خود استعفا نموده و وزیرهای دیگر بجای آنها برقرار شوند پادشاه قبول کرده و فرار کرده بود که تا چند وقت دیگر کماکان شغل وزارت با آنها باشد تا کسان دیگر بجای آنها مامور شوند

### عثمانیه

از فراریکه در روزنامه این مملکت نوشته اند سعید پاشا حکمران مملکت مصر با سلیمان پاشا خدمت اعلیحضرت سلطان آمده بود و سلطان نسبت بشار الیه کمال رحمت و انعام نمود و کانه مبذول داشته و از جمله التفاتها که نسبت بآورد

بودنشان اقیانوس شمس غلاف الماس نشان عنایت کرده بود و این نشان است که خود سلطان دارد و بعضی از امنا عثمانیه وقتیکه نشان شمس نور را نیز در سعید پاشا آوردند یک فوج از افواج خاصه سلطان با موزیکان در منزل او بودند و بخدمت نشان موزیکان نواخته و پیش فنگ کردند و تباریخ ۱۷ دیگه پاشای موزیکان حضور سلطان شرفیاب شده و مخصی حاصل نموده بود که بمصر مراجعت بکند و بعد از آنکه از حضور سلطان مخصی شد کل وزرای دولت عثمانیه بمنزل پاشای رفته و تا کنون در با او را مشایعت نمودند و از آنجا که خود که قاصد انجیر میامند سوار شده روانه مصر گردیدند و در اسبابول توقف کرده بود و از امنا و دولت عثمانیه و ایلیان دول خارجه کانی که با او رابطه ششانی داشته یکی تعریف و توصیف از و انانی و بزرگ منشی و معصویت و فطانت و قابلیت او میگرددند و اگر وزیر او امنا و دولت عثمانیه و صیفاقت سنگین بجهت او نموده بودند از جمله محمد پاشا وزیر اعظم در عمارت سیلاق خود که در یکی کوی دارد همانی سنگین بجهت او کرده بود و همچنین رشید پاشا وزیر دول خارجه و رضا پاشا وزیر جنگ نیز هر یک همانی با کمال اس تحلف کرده بود

بحث و گفتگونی در باب بعضی مطالب مابین دوین عثمانیه و استریه شده بود از آنجمله چند نفر و کلاً از طرفین معین کردند که این گفتگو را تمام نمایند و از طرف دولت عثمانیه علی غالب پاشا پسر رشید پاشا و نانی اعدی در صابیک وکیل شد و از فراریکه نوشته اند کمان دان

۱۲۵۵

که در اندک مدت رفع کفکوی طرفین بشود

زرت روم ایلی بیت فروشش

عید قربان را درین سال در اسلامبول با کمال اساس گرفته اند

زرت اناطولی هیچده فروشش تا بیت فروشش

اعلیحضرت سلطان در عمارت توپ قاپی بود و بابا بس

جو روم ایلی هفده فروشش و نیم تا نوزده فروشش

سلطنت خود را از دسته از باب مایون بیرون آمد

و کینه اسلامبول چهل حقه پهاش در کجده چهل فروشش

عزیمت مسجد سلطان احمد نمود کل وزیرا و امنای دولت

حقه یک فروشش که عبارت از چهار شاهی باشد و

و سعید پاشای سردر رکاب سلطان بودند و از هر جا

و حقه و نیم یک من بوزن تبریز است که به شاهی پول

که سلطان عبور میکرد افواج خاصه در دو طرف کوچها

و لایت فروخته میشود

و وصف کشیده بودند بعد از آنکه مسجد سلطان احمد گرفته

از جزیره قیلین نوشته اند که موسی پرنات سوتر جم

مراجعت بعمارت توپ قاپی کرده در روی تخت قرا

قوند لکری فرانسه در آن جزیره نوشته سی سال داشت

و بار سلام عام داده چنانچه قاعده آن دولت است تا

و چونکه در اوقات توقف در آنجا کمال خوش رفتن

چهار روز در قبرخانه و کل منار اهل در ب غایبته

با امامی آنجا کرده بود یکی از وفات او بسیار تا سفینه

و از نسل و خدمات خود معاف و مرخص بودند

و بعد از فوتش معلوم شده بود که دولت هزار فرانک

آن طرازان نوشته اند که حاصل از هر قسم خواه از غله

که تخمینا بیت هزار تومان پول این ولایت باشد مال دارد

و خواه از میوه و هر نوع حیوانات امسال فراوان آمده است

و ملت اموال خود را وقف کرده است که در جزیره منلین

بطوریکه کسی یا وندارد که تا بحال این قسم حاصل فراد

چهار خانه بجهت فقر ابارند

در آن ولایت آمده باشد

در منکامی که کمال افندی از جانب اعلیحضرت سلطان مهور

از قرار روزنامه که از اسلامبول تا ریخه و از دهم پنج

بر این پای تخت دولت پر و سیه شده بود در شهر

آمد و قیمت غله را در آنجا نوشته بودند از این قرار بود

وینه که بود و زردول خارجه استریه معانی سنگین سه

گندم سفید اناطولی هر کیسه سی و پنج فروشش تا سی و نه فروشش

وزیر مختار مرنور نموده بود در آن معانی ایلمچی کبیر انگلیس

گندم سفید روم ایلی هر کیسه سی و شش فروشش تا سی و نه فروشش

فرانسه و پروسیه و عارف افندی ایلمچی کبیر دولت عثمانیه

گندم سفید اسمعیلی پنجاه و یک فروشش

مقیم وینه حضور داشتند

گندم نرم روم ایلی سی و هفت فروشش تا چهل و یک فروشش

زرت قلاتش بیت و در فروشش تا بیت و سه فروشش

زرت ابرائیل بیت فروشش تا بیت و یک فروشش

زرت ابرائیل بیت فروشش تا بیت و یک فروشش

۱۲۵۶

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه دهم صفر المظفر مطابق با رسایل ۱۲۷۱

نزه حد و نوش

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

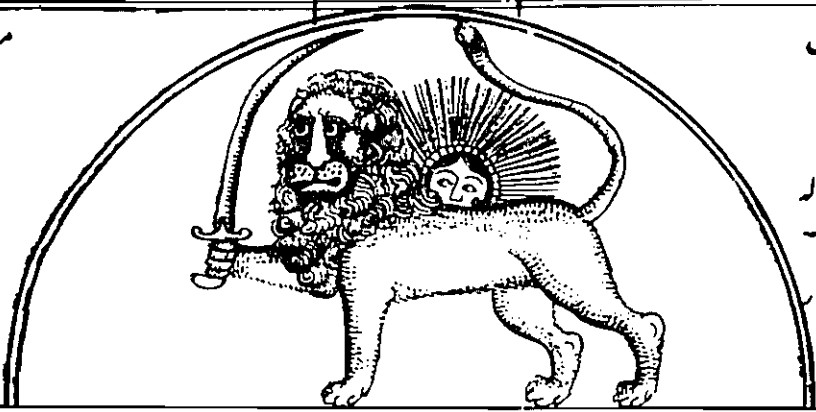
قیمت اعلانات

یک نخود شیرین

یک خط الحجاب سطر کهنه

هفتان و چهار نهار

بیشتر با سطر نهار



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه ششم این ماه که روز عید مولود اعلیحضرت پادشاهی بود در شب آن اسباب چو اغانی و آتش بازی بجزو مبارک فراهم آورده و در روز مزبور تحت مزبور بزرگ راجعه وجود فایض ایچود هائون آرایش داده ا قوی شوکت پادشاهی انقضاء سلام عام را چنانچه اعیاد رسم است در دیوانخانه بزرگ پادشاهی باردا انسانی دولت علیه و مقربان حضرت کردند و بطلت بنه و خوانین و صاحب منصبان نظام و عموم اهل سلام هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب حضور مبارک گردیدند و اجزا شلیک توپ و زنبورک بفرار معمول شده و اهل سلام زیارت وجود فایض ایچود بهره باب گردید و خطبه بلخ بنام هائون ادا شد و عالیجاه شمس الثرا نیز قصیده غزالی که بجهت تبریک عید مولود هائون نظم نموده بود و معروض پیشگاه شوکت دستگاه شاهنشاهی داشت و اعلیحضرت اقدس پادشاهی اقطاب مبارک روز مولود سلاطین و تمجید لوازم عید گرفتن در آنروز را بجزو قصه سخن فرمودند و فرماییدند

ملوکانه مشتمل بر کمال رحمت و عطف نسبت تمامی اهل مملکت از سپاهی و رعیت اد فرمودند و بر مراتب امیدوار کنی چاکران حضرت هائون باین نوع تملقات شاهانه بعد از انقضای سلام عام دیوانخانه بزرگ چون جمعیت از اهل دارالخلافه جمع شده و اسباب تماشای کرده بودند اعلیحضرت پادشاهی بعمارت سرسبز دیوان مبارک که کشف میدان ارک است تشریف فرما گردیدند و باریات حاجت و غیره نیز انعام ملوکانه نمودند

در روز شنبه ۱۱ بگاه اعلیحضرت پادشاهی غیبت شکار و تفریح تمت یافت آباد را فرموده تا حوالی عصر آن ساعات مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی مراجعت فرمودند

چون مقرب اسحاقان محمد خان میرنجه اهتمامات خود را در انجام خدمات موجوده بجزو خاصه در تقریر داری در دارالفتون که از جانب نواب استیجاب امیر نظام برپا نموده مشهور رای اقدس هائون و انسانی دولت علیه سخن

۱۲۵۷

اوقات و خورم حمت ملوکانه آمد و یکتوب کلجیه از بوسن  
سها رک برسم خلعت با فتحا مقرب انخان مشارالیه حمت  
فرمودند

### سایر ولایات

اصفهان از تهرار یک در روزنامه اصفهان  
درین اوقات خبر رسیده بود که جمعی از اشرار و قطاع  
بختیاری بجهت سرفقت دست اندازی بجوالی کردند هر  
آمد و اند عالیجاه چراغعلینخان نایب الحکومه اصفهان  
استحضار فرمایکصد و پنجاه نفر از تفکیکی سوریچی و سواره  
فرستاده بود که مراقب محافظت و محاربت آن راهبان  
بعد از وصول تفکیکی و سواره بانجا اشرار طریق فرار نمود  
و آن راهبان کمال امنیت بهم رسانده اند زواری که بارض  
افس رو اند بودند در نهایت اطمینان و آسودگی از آنجا  
عبور کرده اند و عابرین و مترددین ازین حمله کمال شکرند  
دارند

۱۲۵۸

نموده که جمیع پلهای خارج شهر را که معبر عام مردم است  
در نهایت استحکام ساخته و تمسیر نمایند اغدا آنها درین  
روز ما با تمام رسیده است و با آجر و سنگ در کمال استحکام  
ساخته شده و ما بقی نیز قریب با تمام و انجام است

و همچنین نتیجه حصول دعا کونی و رفاه حال عابرین  
مترددین کار و انسانی در مرغ قره اصفهانک که در  
راه فارس ساخته و با تمام رسانده است بسیار  
وسیع و خوب بطوریکه یک فوج از افواج ماموره فارس  
در آنجا منزل کرده بودند و از قراریکه نوشته اند کاروان  
مرزورکنجایش بیش ازین جمعیت نیز دار و بسیار بکار  
قوافل و مترددین میخورد و دکا کین متعدد نیز در آنجا ساخته  
شده از هر قسم آذوقه و ماحتاج در آنها موجود است  
و نهایت آسودگی بجهت عابرین و مترددین حاصل است

### عربستان

از تهرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
سه نفر علما ن نقیب الاشراف بصره از آنجا فرار  
کرده با یراق و اسلحه بمبت محمده آمده بودند نایب الحکومه  
بصره مراتب را با عالیجاه میرزا ابوالفضل که از جانب  
نواب مستطاب بزراده و الا تبار حشام الدوله حکمران  
عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری مامور  
نظم آن سرحدات است اجبار کرده بود مشارالیه  
ده نفر از تفکیکیان بلوچ مستحفظ آنجا فرستاده  
در چهار فرسخی برس نفر را گرفت آورده بود در آنجا  
مشارالیه نیز آنها را بصره فرستاده و نقیب الاشراف

و بیکر نوشته اند که از ایلات فارس از طایفه جیمی در جوالی  
راهی که میانه بزو و اصفهان و شیراز و حد و مجال جرقویه  
برای دست اندازی قوافل رفت بودند عالیجاه چراغعلینخان  
نایب الحکومه اصفهان اومی بزو امانی جرقویه که در مجال علیان  
بوده اند فرستاده و جمعی از تفکیکیان چابک آنجا را برداشته  
سیکله آنها رفته بودند و چند سب از سارقین تیر خوردند و مجذول  
فرار کردند

و بیکر نوشته اند که چون در بعضی پلهای ما دیهای اصفهان که  
در محابر بودند خرابی بهم رسیده بود و بجهت عابرین حمت  
مست حاصل میشد عالیجاه نایب الحکومه مهاباد و تبار و عملد  
مست

سپرده قبض رسیدگی گرفته آورده بودند

ببقیده مشغول معاینه و مداوا باشند تا بحال از قرار یک نوشته اند باشد که گرامی مورد کسی ناخوش نشدند

دیگر نوشته اند یک نفر از اهل جزیره انحض و رکنر  
سطح محتمه در میان آب بوده است ماهی عظیمی بنحبه  
که اعراب اورا کوسج میگویند و بخوک شبیه است  
دندان بسیار تیز دارد که از نیم شیر برنده تر است ران  
آن شخص را گرفته و نصف گوشت را نش را بدندان  
کنده بود و آن شخص حالا در دست جراح است که  
اورا معالجه مینماید از قرار یک نوشته اند حال چندان  
که این جانور در بین شط بهمه رسیده است کوهک  
بقدر کوسفند و بزرگ آن بقدر کادمیش بزرگ است  
و بسیار اتفاق افتاده و ببری العین دیده اند که آ  
یا آدم را که در آب گرفته است بهم شکسته و خورد کرده  
خورده است اما لی آنجا که بجهت برداشتن آب بکنار  
شط مزبور میروند نهایت احتیاط را از این ماهی دارند  
که اذیت با آنها نرسانند و از قرار مذکور این ماهی در وقت  
معد و ریاز در یا بلط می آید و در وقت جزر دریا میرود  
بدریا میسکند

از قرار یک مباحثین سه مبارک یا تهریه نوشته بودند  
این روزها نواب امیرزاده ابراهیم میرزا بجهت  
اتمام کار سه مزبور بنهر ماشم آمده اند و حسب حکم  
نواب مستطاب حشام الدوله نهایت سعی و اهتمام  
در اتمام کار آنجا دارند و با وجود شدت گرمای آن  
صفحات اغلب روزها خود ببرد مزبور آمده بجاریا  
آنجا رسیدگی می نمایند و آنچه کار مشکل آن بود این روزها  
باتمام رسیده است و از قرار یک نوشته اند بعد از  
اتمام سه مزبور زراعت کلی ازین آب خواهد شد و  
منافع بسیار با مالی و زراعت کاران آنجا خواهد بود

دیگر از قرار یک نوشته اند فوج امرائی لرستان در آنجا  
با کمال نظم راه میروند و اما لی آولایت نهایت  
رضامندی از حسن سلوک آنها دارند و عالیجاه میرزا  
ابوالفضل ماه باه سان آنها را بدقت دیده و صورت  
انرا بنزد نواب مستطاب شاهرآده و الا تبار حشام  
الدوله روانه مینماید و در انتظام امر آنها نهایت مراقبت  
و اهتمام را بعمل می آورد و هم چنین در انتظام امر  
توپچی و تفنگچی مستحفظ آنجا و رساندن مواجب و جزیه  
و دیدن سان آنها اهتمام کامل بعمل می آورد و آنها نیز  
کمال حسن سلوک با اما لی آنجا سلوک دارند و امری که خلاف  
قاعده و هم از آنها ناشی و صادر نمیشود

دیگر نوشته اند که امسال تابستان هوای محترمه و آن  
اطراف بطوری گرم شده است که هیچ سالی کسی  
اینطور که ما بنحاطه نوشته است و لکن ازین گرمای آذنی  
بکسی نرسیده است اما احتیاطا نواب مستطاب شاهرآده  
و الا تبار حشام الدوله یک نفر جراح و یک نفر  
طیب سخته پرستاری مریضهای قشون و غیره با آنجا  
فرستاده اند و مراقب هستند که اگر ناخوشی اتفاق

۱۲۵۹



### اخبار دول خارج

احوال متفرقه از جمله اخبار غرب که در فرانسه نوشته اند احوالات مملکت بر مرست یک صاحب فرانسه چنان پیش ازین باخبر فرقه بود و خدمت پادشاه انولایت کرده مدتی در آنجا مانده پول زیاد جمع کرده درین روزها بسیار پس مراجعت کرده است و همسکام در مملکت بر مره چند فوج از اهل انولایت را بطرح نظام برای مشق داده و منتهای محبت از امانی ایجاد دیده و داخل خوا آن مملکت هم شده بود موافق خبر آخر که از انولایت است کوبا جنگ عظیم که اهل آنجا با قوای انگلیس داشتند موقوف کرده بودند اما اهل آنجا دستة دستة شده جنگ گیر میگردند و چونکه ولایتان جنگل و سخت است اذیت مبرودین و بعضی از دستجات کوچک قوای انگلیس گاهی میرسانند در انولایت که در تصرف انگلیس است سعی و کوشش میگردند که نظم بگذارند از جمله کشتیهای تیر و کوچک ساخته بودند که روی رودخانهها تردد نمایند و در میان نظام نشسته آنجا را با نظم نگاه دارند و بعضی جایها نظم تمام نیز گذاشته بودند خصوصاً در سیکو که سمت دریای باشد قدیم داخل مالک بر مره نبود حال که دولت انگلیس آمد آنجا تصرف شده اند اهل آنجا کمال رضامندی از حکومت انگلیس دارند در قدیم دولت جداگانه بودند و بعد از آنکه پادشاه بر مره ولایت آنها را ضبط کرد و در دست اهل بر مره متاصل مظلوم بودند از آنجهت حالا از تسلط دولت انگلیس در انولایت کمال رضامندی دارند از قرار نوشته صاحب منصب مینور صد سال است که سلسله این پادشاهان بر مره در انولایت

سلطنت می کنند و کمال تجمل و اوضاع سلطنت و جواهر و نفایس که اینها در خزانه دارند ولایت مینور بسیار جا حاصل خیز است و ابلش مردمی کارکن و چابک و پیر کند تجارت فراوان هم از انولایت بدول خارج دارند اکثر این تجارت در دست انگلیسهاست و لکن از هر طرف و هر ولایتی هم با آنها میروند و از جمله تجارت تازه که در انولایت بر راه افتاده است داد و ستد چای است و دخت چای در آن ولایت جنگلی و خود در دست حالاً درختها را میبرند که تربیت بشود و دوباره شاخهای تازه بالا آمده بر کشتان چیده بشود و جمعیتی از انگلیسها میخواه جمع کرده اند و از اهل بند و چین کسانی که سر رشته ارجل آوردن چایی دارند با برده اند که چای بعضی بیاد دارند اکثر این ولایت فینش هموار و رودخانههای بزرگ از آنجا میگذرد و درین رودخانهها لاشی تردد میکنند و حالا کشتی بخار در آنجا بر راه انداخته اند کمان دارند که بسیار بکار بخور و از جمله اسباب جنگ غریب در انولایت دارند توپ است که بر روی فیل میگذرانند یک عاده توپ را با چرخش حمل میکنند و فیل دیگر خود توپ را و بر روی بعضی فیلهای دیگر چیزی مانند برج تعبیه کرده میگذرانند که تفنگی در میان آن می نشیند و جنگ می کند

مواقف خبر آخر که از فرنگستان رسیده در هر جانی که ناچار و با بود بسیار تحریف یافته بود بلکه از اغلب جاها رفع شده و لیکن درینکی دنیای شمالی شدت داشت خصوصاً در نیویارک و در جزایر خط استوا و در اطراف راه این که کلیفاریا میرفت

۱۲۶۱



سابقه در رودخانه سین که از پاریس میگذرد کشتی دوای  
 میگذرد و یک سببش این است که رودخانه اش کوچک است  
 و اهل پاریس نیز چندین میل بکشت روی آب میباشند  
 چونکه زور قهای بزرگ بسیار ساخته و کشتی بخار  
 در آنجا راه افتاده است بجهت تفریح مردم زیاد بروی آب  
 میروند و از هر قسم کشتی کوچک و بزرگ در آنجا است  
 و یک ماشای بزرگ در فصل تابستان کشتی دوای است  
 در روی رودخانه خصوصا امسال که کشتی دوای خوب  
 کرده اند و از سالهای گذشته بهتر کشتی روانی شده  
 در فصل تابستان گذشته چونکه طایفه اعراب میان خمره  
 از کوستان پاپین آمده و در بعضی جایها که در تصرف  
 بود تاخت و غارت کرده بودند دولت فرانسه  
 آنها قشون فرستادند که آنها را طوری قنیه نمایند که بعد  
 ازیت برعایا و ولایت مرزبزرگ سازند و در بعضی جایهای آن  
 هم که سخت بود عهده چینی استیادگی کرده و لکن آخر الامر فرانسها  
 شکست خورده بمیان ولایت خود رجعت کرده اند  
 در خصوص گذشته سیم حرج آتشی از برای فرساده  
 جز از سمت جنوب فرنگستان بمنزب زمین نوشته اند  
 که مدارک میدیدند که این سیم را در تهر دریا بکشند و لکن چون  
 راه طولانی و دریا در آنجا بسیار عمیق است خیلی مشکل میداند  
 و بعضی سیم چنان میدانند که راه انداختن این کار در آنجا ممکن  
 نباشد و لکن مهندسان قابل و کمال اسباب لازم بجهت این کار  
 کرده بودند  
 دولت عثمانیه نیز بنا و از اسلابول تا بلخ را که سمرقند

۱۲۶۲

استر به پیا سیم حرج آتشی بجهت فرستادن خبر از شهر تاشهر  
 بگذرانند در تابستان گذشته موسیو دلارو صاحب منصب  
 فرانسه که در اینگونه کارها سر رشته تمام دارد با نولایت آمد  
 بود که ملاحظه نماید و بنا دارند که این سیم را از شهر آذربایجان  
 و بعد از آنکه از اسلابول تا بلخ را تمام کردند سیمهای دیگر که  
 و بعضی جایهای دیگر در رودخانه طنه خواهند کشید و بر آورد  
 اخراجات و طرح آنها را مشارالیه بدولت داده بودند  
 دولت حکم شده بود که چند نفر مشورت گشته درین باب  
 گفتگو نمایند از نجلی علی غالب پاشا و ادیم پاشا و در ویش پاشا  
 که حالا بست طونه رفته است و خلیل پاشا فریک توپخانه  
 و مصطفی پاشا میر مجلس قشون بحری و چند نفر دیگر بعد از  
 تحقیقات لازم فراری که موسیو دلارو گذاشته بود  
 قبول دیوان شد و حکم از سلطان گرفتند و راه انداختن  
 این کار بموسیو دلارو و موسیو آواد و آواد بلک رجوع شد  
 دلارو بولایت فرانسه رجعت کرده است که اسباب لازم  
 از برای این کار بیاورد و امید دارند در اول زمستان  
 براه بگذارند

### اعلانات

کتبهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید باسچی در محله  
 نزدیک دروازه دولاب نصاب شدن از اینم از فروخته میشود  
 حقه نظامی حبت و پنجره  
 سرایر دو تومان  
 زبده المعارف دو تومان  
 معراج السعاده یک تومان  
 فردوسی چهار تومان و نیم

روزنامه قایم اتقاینه سیاحت یوم خیمه هفتم لمظفر مطابق پارس میل ۱۲۷۱

مردود و نه هفت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده پیر  
هفتان و چهار پیر



منطبه دارخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار پیر  
شش خط هفت  
بیسر با پیر

اخبار و اسامی مالک روسه پادشاهی

دارخلاف طهران

در روز خیمه هفتم اینماه سواره اسرار و جلا جمعیت  
سلیمان خان میرنجه را که در میدان ارک حاضر کرده بود  
سرکار اوتس هایون پادشاهی ملاحظه انهارا فرموده  
و یکی یکی از حضور مبارک سان داده گشتند و در کمال  
سکوه و آرامشکی از اسب و اسب و اسب و اسب و اسب و اسب  
جوانان رشید نمایان و بهبه چنه در نهانست م نظر اوتس  
هایون رسیده مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیدند  
و از آنجا موکب هایون تشریف فرمای قورخانه و جبه  
مبارک گردید و جناب عالی تآب شرف افخم صدر اعظم  
و بعضی از خواص خدم در رکاب هایون بودند و بکارهای  
امالی قورخانه و جبه خانه و کارخانهای آنها علی تفصیل  
فرمودند چون عالیجاه نصرالدینان مباشر کلوله ریزخانه در  
خدمات خود مراتب امتیازات را مشهود داشته بود خاصه  
در ریختن نارنجک که خود و عمده او با خوب از عهد برآ  
بودند لهذا امشار الیه مورد التفات گردیده و انعامی  
بعمل کلوله ریز که نارنجک خوب ریخته بودند مرحمت شده علی

پادشاهی بعد از تماشای کارخانها نزد یک عزو آفتاب  
بارک مبارک سلطانی معاودت فرموده  
درین اوقات که مرحوم مصطفی علی میرزا رحمت ایزدی پویم  
نظر بخدمت مرحوم نرپور و ظهور شایستگی نواب احمد میرزا  
حکومت مازندران را بنواست معزم ۱۱ حمه فرموده یکم  
جبه ترمه رنجیره دارم مخصوص برسم غنغ باو رحمت کرده  
و عالیجاه میرزا اسدالدستوفی را نیز نظر بخدمت سابقه  
و شایستگی او منصب وزارت و پیشکاری مازندران افرا  
و یک ثوب جبه ترمه نیز با و خلعت مرحمت فرمودند و  
درین روز مار وانه محل ماموریت میشوند  
نظر بطور رحمت ملوکانه در باره مقرب انخاقان حاجی علی  
حاجب الدوله در هفت گذشته یکم ثوب کلجه از طلبوس  
تن مبارک برسم خلعت مقرب انخاقان مشار الیه مرحمت  
فرمودند  
مقرب انخاقان مهر علیخان سر قیپ افواج فارسی را امکا  
علی حضرت شایسته ای نظر بحج قابلین و شایستگی و خدمت  
او لقب شجاع الملکی سر افراز فرموده یکم ثوب جبه ترمه علی

از ایسی

۱۲۶۳

سایه

مر

خلعت مرحمت فرمودند و جمیع قشون فارسی را ابواب جمع  
 او فرمودند و قشون خلوی فارس را هم امر و مقرر فرمودند  
 که بان نفی و عمل موجب و سیورسات آنها رسیدگی  
 نگذارد از سر کرده و صاحب منصب نسبت تباین در  
 موجب و سیورسات حیف و میلی واقع شود و امور قشون  
 فارسی را منجبت المجموع منظم و منسق سازد

عالیجاه محبت همراه میرزا عبد الرحیم از روز اول که قدم  
 بر ایرة نوکری گذاشت خاطر اولیای دولت علیه را این  
 خدمات خود را صنی و خورسند داشت و روز بروز آثار  
 درستی و صداقت از ناصیه احوال او ظاهر و لایح شد  
 قبل ازین اولیای دولت علیه او را بمصنوب اجودانی وزارت  
 امور خارج سرافراز فرمودند یکچندی در لوازم انجمنت  
 قابلیت ظاهراخت و مورد مزید التفات گردید تا درین  
 اوقات اولیای دولت ابد مدت با اشاره علیه جایون  
 عالیجاه مشارالیه را منصب نیابت اول سفارت دولت  
 علیه مقیم اسلامبول و لقب ارجمند خانی سرافراز فرمودند  
 و فرمان واجب الاذعان جایون غرضه دریافت و یکشوب  
 جبهه اعلی برسم خلعت مهر طلعت جایون با دو عنایت کردید  
 این اوقات بمحل ماموریت روانه خواهد شد

چون عالیجاه مقرب المحضه انخافیه میرزا حسین خان کار  
 سابق دولت علیه در بند معمور همبسی کمال عقل و قاعده و  
 وجود ذاتی خود را در حسین سلوک و خوش رفتاری و سرپرستی  
 از سبزه و تجارت ایند دولت علیه بمنصبه ظهور آورد لهذا خدمات  
 او در پیشگاه نظر اقدس جایون اعلیحضرت شامشای مقبول  
 مستحسن افتاد و قابلیت عالیجاه مشارالیه را در خور التفات

ملوکانه در جمیع خدمات دیگر دیدند این روز که رای اولیا  
 دولت علیه بر اجبت عالیجاه مقرب المحضه العلیه و تسخیر  
 کار پر و از اول دولت علیه معتمد علیس تعلق یافته بود و چنان  
 از چاکران دولت علیه کسی دیگر بجای او نامور شود عالیجاه میرزا  
 حسین خان را باین خدمت شایسته دیده نشان کار پر داری  
 اول که عبارت از قونول خبرالی باشد مامور اقامت قنصل

فرمودند و شأن او را در از احسن خدمات بقایه قونولی  
 بقونول خبرالی ترقی دادند فرمان جایون شرف صدور یافت  
 و با عطای یکشوب جبهه ترمه از طالس خاصه جایون سینه  
 و سرافراز آمد داین اوقات روانه محل ماموریت خود خواهد شد

چون در دولت علیه ایران از سواف ایام دغزل و غزل  
 حکام همیشه اینطور بوده است که محض رسیدن خبر غزل حاکم  
 از اهل اولایت نسبت بان حاکم ولایت هرزگی و بی اعتدال  
 میشد و باین واسطه حکام محض استماع خبر غزل خود لابد بودند  
 که بای نخوان خود را از جمله سلامت رسانیده بهر طور  
 از اولایت بیرون آید و ضرر این فقره بهم در آخر عیبت وارد  
 می آمد و رسم بد دولت ریزاکه در رسیدگی عمل محاسبه  
 معاملات او عیبت محض از برای ندادن مال دیوان ریزان  
 بسپای او قلمداد میکردند و او هم از این طرف باقی در محل  
 عیبه دلابد بودند دیوانیان که یادست از مالیات و بابت  
 بردارند یا رعیت را کلاً حاضر کنند و حساب رسیدگی نماید  
 این فقره اخیر که بسیار مشکل است که صورت بند و مال دیوان  
 تلف و حیف و میل میشد لهذا درین عهد فیروزی مهاد اولیا  
 دولت علیه برای رفع این مواد و آرد داده اند که اولیای  
 نظمی

۱۲۶۴

حکمت یا رسیدن مایات یا عجبی که ضرر آن عاید دولت شود  
 از حکام صادر نگردد البته عزل نخواهند کرد مگر حاکی که نتواند خود  
 استخوان کند لکن در صورتی که حاکی معزول شد و یکی منصوب گشت  
 آن حاکم معزول باید با کمال احترام و تامل مثل ایام منصوبت  
 خود در آن ولایت بوده و ولایت را با کمال لطف نگاهدارد  
 و متوجه شود تا حاکم منصوب برسد و تا رسیدن حاکم  
 در آنجا باشد و بعد از رسیدن حاکم منصوب با کمال عزت  
 و حرمت بطوریکه در جمیع دول این قاعده معمول است  
 کرده با یکدیگر بروند و چند روزی همان حاکم منصوب بود  
 یا عمل ولایت را خود با او سپرد از دو حسابش را بگذرانند  
 یا آدم امینی که صاحب سرشته و مباشر باشد مثل خود بداند  
 بدست آن حاکم منصوب سپارد که حساب ولایت را او  
 و آن آدم که میکشاید و با بیخشان باشد که هر چه طرفی او شد  
 حاکم معزول از ام قبول بدارد و قبول کند و نیز این عهد و قرار  
 فرمودند که بعد از رسیدن خبر عزل حاکم اگر از اهل ولایت  
 نسبت با او کسان او بزرگی و خلاف قاعده و احترامی  
 سر بزند البته جنس و سیاست خواهد رسید و اگر از  
 حاکم منصوب خلاف قاعده و بی احترامی نسبت بحاکم معزول  
 سر بزند قطعاً اولیای دولت آن حاکم معزول را نصب  
 و آن منصوب را عزل خواهند کرد و مورد مؤاخذه خواهند  
 گردید

درین اوقات که مرحوم سیف الدخان شاهسون فوت  
 گردید و بود از جانب اولیای دولت قاهره حبه الا  
 منصب بر کرد کی سوان مزبوره بجایگاه لطف الدخان  
 برادرش را به رحمت گردید و بکلماته شال و یکوی قبا  
 رزی با و خلف رحمت گردید و منصب ایل یکی گری طایفه  
 مزبوره نیز بجایگاه هدایت الدخان برادر کوچک او رحمت  
 و بکلماته شال کشمیری با و خلف غنایت گردید

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 چون عالیجا میرزا ابراهیمخان سر تنب خدی بود که بعض  
 بود عالیجا چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان در انتظام امر  
 ابو ایچمی شالیه در رساندن مواجب و خانواری آنهاست  
 اهتمام را معمول داشته و خود به عمارت هفت دست رفته  
 خواه سربازان را نفرین رسانده و ناخوشی عالیجا میرزا  
 ابراهیم خان هم بصحبت پیوسته با افواج ابو ایچمی خود  
 در دوازدهم محرم دوازده قاریس گردیدند  
 دیگر نوشته بودند که در منزل مقصود پیک بار قورخانه که  
 بقاریس میردند شمسرا قورخانه بود علی بیک نایب  
 قورخانه از او پرسیده بود تو کیستی گفته بود من حالانته  
 همراه شماستم که قورخانه را آتش بزدم علی بیک نایب او را  
 گرفته تا رتانه زیاد زده بود و در آنجا که خدای مقصود  
 سپرده بود بعد از رسیدن این خبر عالیجا چراغعلیخان  
 اصفهان دستاورد است او را با وزیریه که کت و چکاره  
 از قراریکه از انالی آن حول و حوش سموع شده است که بیدولایت

۱۲۶۵

مشابه همین این اوقات برای خود عالیجاه چراغعلینجان  
 اتفاق افتاده است که در عمارت چهل ستون نشسته بود  
 و جمعی هم بوده اند ناگاه شخصی قوی یک کلنجو پست در بر  
 عمامه کرباس نخور در سر و کبوه در پا و چوبی سطر در دست  
 داشت آمد و پیش روی عالیجاه مشاریه نشست و  
 خود را ببردن آورده در پیش رویش گذاشت عالیجاه  
 از او سوال کرده بود که کیستی و از کجائی و در اینجا کجائی  
 صیت گفته بود که من از کرمان آمدم که از اینجا بروم بطا  
 نزد پدرم هزار تومان پول از تو میخواهم حکما باید حالا بدی  
 بعضی کتا بهام از قبیل منهای و سجار و غیره از طلا بگیرم  
 بروم عالیجاه مشاریه حالت او را که بان قسم دیده بود  
 زیاد و اجمه کرده بود که اگر خلاف رای او حرفی بزند چون  
 زیاد نزدیک و دست بدست نشسته است هیچ مضایقه  
 ندارد که با جان چوب او را مضحک بکند و هیچ فرصت برین  
 آدم ندید قدری بلائیت گفتگو کرده حاجی کاظم نامشهر  
 بنیل فروش در اینجا حاضر بوده است با و گفته بود که آن  
 برید هزار تومان به مید حاج مشاریه دست او را گرفته  
 بیبانه دادن هزار تومان از اینجا حرکت داده چند مدتی  
 که برده بود عالیجاه مشاریه گفته بود ادر گرفته بودند  
 و قدری چوب زده اذیت کرده بود که راست بگو کیستی و  
 کجائی هستی باز جان حرفها را تکرار کرده بود که حکما باید هزار  
 تومان را از تو بگیرم و آن کتا بهار بهم گرفته ببرم عالیجاه  
 محل بر جنون او نموده و او را بر سر که دست تا چینه بردند  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه چراغعلینجان در تقدیم لوازم حرام  
 روز مودت و سحر و سلطانیکال اهتمام نموده شب یکشنبه

شهر صفر المظفر را بطریق عید نوروز چراغان کرده اعمان  
 اشراف و سادات و علماء را مینافتن کرده تهیه سبب  
 و سرور نموده است و در روز نوروز در رعایت شرایط نوروز  
 عید از شیلک توپ و غیره هیچ چیزی فرو گذاشت نموده است  
 بر و خرد

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند در ۲۴ محرم  
 فتح المجهدين و افضل الحاج والمعتمدين حاجی ملا اسد الله بر جوب  
 معروف بجهت الاسلام بمحض مطبقه بدر بقا رطت نموده نواب  
 مستطاب هزاره و ابراهیم هشتم الدوله بجهت توقیر و احترام  
 جانب علمای اعلام حکم کرده اند که بازار ما را بر حیدر و  
 کبیر به تشییع جنازه مرحوم منور حاضر شده اند و روز دوم  
 حوزة نواب معزی الیه مجلس فاشحه خوانی تشریف آورده و  
 نواب جلال الدین میرزا را هم به تفقد و سر سلامی سپرای  
 مرحوم منور فرستاده نهایت التفات را مبذول داشته است

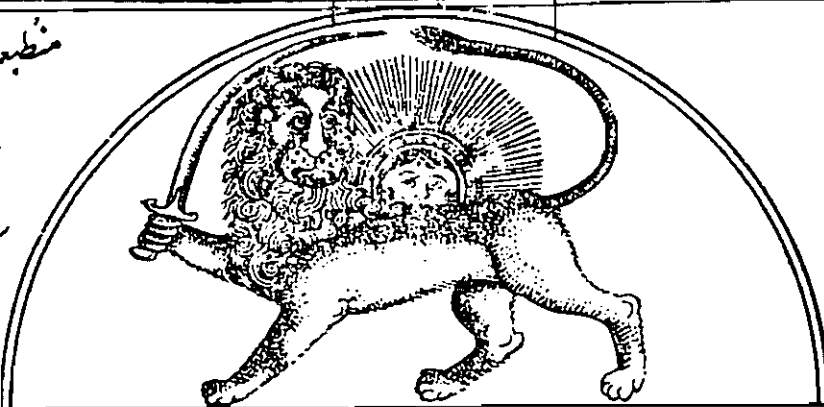
حازندگان

از فرار یک در روز نامه این ولایت نوشته اند شب  
 صفر المظفر که عبد مولود سلطانی در رعایت شرایط احترام  
 از روز کمال اهتمام بعمل آید تشیازی زیاد و شیلک زنبورک نموده اند  
 و بازار و کچه شهر را چراغان کرده اند خوشی نمایان و سرور شایان  
 نموده اند  
 دیگر نوشته اند عالیجاه تونسول دولت بهیه رویه وارد اینجا  
 و قبل از ورود او نواب محمد کریم میرزا پسر مرحوم نواب مصطفی ظهیر  
 در رعایت شرایط احترام و کمال اهتمام نمود جمعی را باستقبال عالیجاه  
 مشاریه فرستاده است و منزلی در باغ حبه ایشان معین نموده اند  
 و در احترام و مهانداری او هیچ مضایقه و فرو گذاشت نموده است

۱۲۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتیوم شنبه چهارم صفر المظفر مطابق سال ۱۲۷۱

نزد صد و نود و شصت  
قیمت روزنامه  
یک شمشاد برکت  
و تان و چهار هزار



منطبب دارانخلاق طهران  
قیمت اعلانات  
بکطر ایچهار مطر کهرار  
بیشتر با مطر پر

اجبار و اخلاص ملک محروم شاه

دارانخلاق طهران

در روز یکشنبه بیستم این ماه که یوم اربعین بود اعلیحضرت پادشاهی بزیارت امامزاده واجب التعظیم شاهزاده عبدالعظیم تشریف بردند و جناب جلالت آفتاب امجد اعظم و بعضی از خواص خدم در موبک جایون بودند بعد از زیارت روضه تبرکه بیاع دولت باد تشریف فرما گردید و حوالی عزوب آفتاب بارک مبارکه سلطانی مغت فرمودند

جناب جلالت آفتاب امجد اعظم صدر اعظم خدرو را که از صبح تا عصر بدرسد دارالفنون تشریف برده و در آن علوم نظمی و حربیه و غیره را در فترت امتحان می نمایند که ترقی هر یک در علم متعلق بنحو معلوم شود و چون هنوز این امتحان تمام نشده است بعد از آنکه تمام شد تفصیل آنها در روزنامه آینده نوشته خواهد شد

چون نواب احمد میرزا حاکم مازندران از کاب مبارک مرضی حاصل نموده روانه گردید و سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی محض رحمت بیک لوب جیه ترمه خلعت بجهت نواب محو کریم میرزا

پسر محوم شاهزاده مصطفی قلی میرزا مرحمت فرموده چون مراتب حسن خدمت و فطرت کفایت عالیجاه آقاخان سرتیپ در انتظام امور سواره ایلات قزوین ابوالجمعی خود در خاکپای اعلیحضرت شاهنشاهی معلوم و مشهود گردید لهذا محض مرحمت دو فوج سربندی و بز چلونی را علاوه بر سوار مزبور ابوالجمع عالیجاه را لیه فرمودند

چون در سنوای سابق بجهت کمی آب حوض سلطان مبرودین و عابرین بدسکندشت و کاهی اوقات هم که از جانب دیوان اعلیٰ خارجی در آنجا میشد خندان مفید فایده نبود درین اوقات محض رفاه حال عابرین و مترددین حسب الامر اقدس شاهنشاهی اعلیحضرت پادشاهی جناب جلالت آفتاب صدر اعظم بمقر ذوالفقار خان نایب السلطنه قم مقرر داشتند که انظارا بپیر مصیبت سوط نموده و واسطه های متعدد بسازد که آب زان در حوض مزبور جمع شود و برای زوار و عابرین بدسکندشت مفید باشد

مشارالیه نیز حال اهتمام را درین باب بعمل آورده بنا عمل فرمایند تا حال دو اسطوخ دیگر در آنجا ساخته اند و اب آنجا بطوری

۱۲۶۷

۱۲۶۷

زیاد جمع شده است که مترو دین سحوت در آنجا از آب  
شکستگی نتواند کشید و بسیار خوب سمت آبادی گرفته  
روز بروز نیز آبی آنجا ز یاد میشود بقستی که این اوقات  
بنای باغ و زراعت در آنجا گذاشته اند

در خصوص ملک شش تن بعه دول متجا به در ایران در ضمن  
بزه صد و شصت و صد و نود و بعضی نکاشته شده است  
که صاحب ملک بودن بعه دول خارج دین دولت مؤ

بشرط طمعه است اولاً اجازت سرکار اعلیحضرت پادشاه  
ثانیاً امضای مالک ثالثاً رضای رعیت از برای اینکه  
این محسنی که شرف عموم خلق داخله و خارج بشود باز شرط

ثله مزید التاکید نوشته شد اما بجهت ترویج تجارت فقره  
ابتیاع خانه و مکان برای وضع مال التجاره و کئی بعه  
از شرح مزبور مستثنی و راجع بفصل خیم عهد نامه تجارت  
که اینک مضامین فصل مزبور بعینهما نکاشته میشود چون

موافق عاداتی که در ایران موجود است برای انالی پیکانه مشکل  
که خانه انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود با جارة  
پیدا کنند لکن بعه روس در ایران اذن داده میشود  
که خانه برای کئی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت  
هم اجاره نمایند و سهم ملکیت تحصیل کنند

### سایر ولایات

اصفهان از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند  
عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه اصفهان جمعی از سواران  
پشاور بجهت محافظت طرق و شوارع سمت فارس روانه  
کرده است و سواره مزبوره نهایت سعی و استقامت را در خدمت  
محل بخود بعن آورده اند و در راهها بجهت محاربت آنها کمال

### افیت حاصل شده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه نایب الحکومه در انتظام امر بلوکها  
و رفاه حال رعایا و وصول قطب مالیات کمال سعی و مجهول  
و اغلب اوقات در بلوکات گردش کرده بکار رعایا بسیار

کامل بنیاید از جمله بلوک ناپین و بلوک برخواست است که زراعت  
خالصه و اربابی بسیار دارد درین اوقات انتظام کار آنها  
بطور خوب داده و بجای در کمال رضامندی مشغول رعیت میباشند

از قرار یک در روزنامه انبولات نوشته اند عالیجاه نایب الحکومه  
مبلغ شصت تومان بجهت تدارک سربازان قرار داده بود که  
عبد الهادی به مشارالیه متخواه را در کیت کرده بد

اقامه باقر نام صرف داده بوده است که ببرد سنجاق  
سربازان نماید صرف مزبور در وقت تعزیه بعمارت تالار  
رفته و بعد از تمام شدن تعزیه کیت پول را فراموش کرده

بجا گذاشته بود و در بیرون سنجاق آورده مراجعت کرده بود  
معلوم شده بود که کیت پول را یکی از سربازان قراول با  
و بهمان طور سربهر بنزد عالیجاه نایب الحکومه برده و مشارالیه  
فرستاده صرف مزبور را حاضر کرده متخواه را با و داده بود  
که ببرد سربازان برساند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه چراعلیخان نایب الحکومه در تعمیر  
عمارات و یوانی آنجا کمال تاکید و استقامت را دارد و هر روز  
از عمارت و بنا و سنجاق بقدر یکصد نفر در عمارت جدید کار می

کنند و عالیجاه مشارالیه همه روزه یک دفعه بکارهای بنائاتی سرکشی  
بنیاید که زود و خوب با تمام برسد و همچنین کاروانسرای که  
در چهار سوق واقع و بایر افتاده بود مشارالیه قرار داده بود

۱۲۶۸

که آنجا را بجهت مکان سواره افشاری بزنند و تعمیر نمایند که در آنجا  
ممکن شوند و از کاروانسرای مردم بیرون و

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودیم و در وقت  
خانوار ترکمانی که نواب مستطاب بهزاده و الاتباء فرما  
بار و ساو که خدایان سرخی فرار داده بودند بیاورد  
ارض قدس باشند این اوقات وارد مشهد مقدس  
شده اند و در کاروانسرای طرق سنگی با آنها جاده اند  
تا در محله که مقرب الخاقان وزیر نظام مصلحت باشد  
بجهت آنها منزل معین شود و موافق قراری که نواب معزی  
داده بودند مقرب الخاقان وزیر نظام قدغن کردند و آخر  
آنها را بدیند و قبض رسیدگی دریافت نمایند و بعد از آنکه  
نزد مقرب الخاقان وزیر نظام آمده بودند مقرب الخاقان  
مشاور الیهسم اظهار کمال مهربانی بآنها نموده و آنها را  
بالتفات اولیای دولت علیه امیدوار ساخته بودند  
و بجهت هر نفسی قد و چای داده و اظهار مهربانی  
نموده بودند

از قراریکه نوشته بودند نواب بهزاده افخم و الاتباء از  
نظم سرحدات و اطراف و حول و حوش کلات و حسن  
فراغت حاصل کرده بودند عزیمت تاخت آخال و نصیحت  
نموده بان حد و تشریف برده اند که اسخود در اهم  
شایسته بدیند

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که شب و روز  
ششم ماه صفر که عید مولود و سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
بود در خراسان کمال جشن و چراغانی و شلیک و لازمه

### سرور رابعل آورده اند

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان وزیر نظام در عیال  
نواب مستطاب بهزاده و الاتباء فرما فرما در انتظام امر  
ولایت و رفع بی اعتدالی و بی نظمی و کوتاهی دست شرات  
هرزگی الواط و اشتر کمال استقامت دارند از جمله چند نفر بودند  
که همیشه مصدر رفتند و فساد می شده اند و از حول و حوش  
بت بیرون نبرفته اند باینجه گرفتن آنها مشکل بوده است  
تا اینکه این اوقات باز مصدر هرزگی و شرات شده بود  
مقرب الخاقان وزیر نظام چند نفر فرانس کما شته بودند  
که هر وقت آنها را در خارج بت دیدند فوراً بگیرند و نفر  
آنها که یکی حاجی عبدال نام و دیگری علی نام مشهور بکرجی  
بوده است در خارج از بت دستگیر شد نزد مقرب الخاقان  
وزیر نظام آورده بودند ایشان هم قدغن کرده بودند آنها را  
بارک نزد نواب سلیمان میرزا پسر نواب بهزاده و الاتباء  
فرما فرما بیزند که در حضور ایشان بسزای عمل خود برسانند  
که باعث عبرت دیگران شود

### قره‌وین

از قراریکه در روزنامه قره‌وین نوشته اند نواب بهزاده و الاتباء  
سیف الدیمیرزا حاکم قره‌وین بجهت احترام روز مولود مسخود  
سلطانی سه شب علی التوالی در شهر چراغان کرده اند  
شب ششم شهر صفر المنظر که روز عید مولود مسخود و سلطانیست  
در سه شب جشن و سرور و چراغان کردن شهر نهادند  
مراقبت و استقامت رابعل آورده در رعایت شرایط احترام  
عبدنوبل پسر چوچو فرزند داشت کرده اند

دیگر نوشته اند که امر آنجا از اتهامات نواب سیف الدیمیرزا

۱۲۶۹



کمال نظم را دارد و سواره اوقات خود را صرف نظم امور  
ولایت و تحصیل آسودگی رعیت مینماید و از ضبط اموال  
الزام گرفته اند که بعد ازین هیچ اسم و رسم خدمت نماند  
جزیمه از احدی ننجیرند

### عربستان

از قسار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
با وصف شدت گرمای تابستان آن صفحات بجهت  
بمقنن ماموره بسیار خوش گذشته است و کسی از آنها  
تلف شده است که عاقل نام وکیل دسته پنجم فوج مرا  
که مدتی مریض بود درین روز فوت شده است و یک نفر  
سرباز دیگر که چند وقت پیش ازین فوت شده بود از  
قتل ماموره در آن صفحات بغیر ازین دو نفر دیگر  
تلف شده است

دیگر نوشته اند که چند نفر دزد آمد یکی از خانهای اطراف  
جزیره انحصار سوراخ کرده بودند که اموال انجرا را برقت  
نماند که یک پیمان که ب حفظ شوارع جزیره انحصار مشغول بوده  
خبردار گردید و آنها را تعاقب نموده یک نفر را مقول  
و یک نفر دیگر را دستگیر کرده آورده بودند بعد از تحقیق  
معلوم شده بود که دزدان از ظایفه عمو بار و تی آنجا بوده  
و این دو نفر که یکی کشته و دیگری دستگیر شده است با هم  
بر او ر بوده اند و پدران آنها نیز با آنها همراه بوده است  
و ستاده پدر او را نیز آورده اند مقول را دفن کرده اند  
پدر و پسر را حبس دارند

و دیگر نوشته اند که درین اوقات موسم آمدن جهازات  
بانجاست از اطراف مواعیل سحر و جمنی و غیره کشتیهای بسیار

بجهت حل خرما وارد آنجا شده و در بندر محتره هر یک کشتیها  
که تعمیر لازم داشته است تعمیر نموده اند و خرما و غیره از بندر  
و محتره و آن اطراف حمل کرده مراجعت نموده اند

### فارس

از قسار یک در روزنامه فارس نوشته بودند که  
محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج اصفهان که بر حسب حکم  
اولیای دولت علیه مامور شده بود از اصفهان بفارس  
برود در عزه شهر صفه المنظر یاد و فوج ابو اجمعی خود وارد  
شیراز شده اند و در همه جا با کمال نظم و قاعده حرکت

### کرمانشاهان

از قسار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند که  
شاهزاده و الایثار عماد الدوله حکمران کرمانشاهان در  
امر ولایت و رفاه و آسودگی رعیت نهایت اهتمام را  
معمول میدارند و مواجب نوکر را با استحضار عبد الکریم  
غلام پیشخدمت میرسانند و درین باب کمال اهتمام را  
دارند و با کمال دقت بان افواج آنجا رسیدگی نمود  
مواجب هر یک را نقد بنجد او داده قبض رسیدگی  
در یافت مینمایند

دیگر در باب انتظام شهر و محلات قدغن اکید بدارند  
و مستحفظین نموده اند که شبها در حفظ و حراست بازارها  
و دکا کین و محلات لوازم اهتمام را معمول دارند و آنها  
حسب احکام نواب معزی الیه نهایت مراقبت را در حفظ و  
حراست اموال مردم بعمل می آورند و باین واسطه دزدی  
سرف کتری اتفاق می افتد

### اخبار دول خارجه

**انگليس** تايرنج کاغذ آخر که ازین مملکت رسیده تخم کچھ بود چنانچه در روزنامه سابق نوشته اند و ترجمه شده است اصل شورتخانه از خوین و کلای رعایا مخص شده بودند که بوطنج دشان برودنا خوشی و باکتمی در نیولایت بود و تخفیف کلی یافته بود بار دیگر بر و زکرده بود و کن در هیچ جا شدت نداشت در بعضی بلوکات بود و کن در پای شت لندن سپاسر کم بود پنهان و نرس بر جزیره بویت بودند که در کنار دریاست و در تابستان جای سپاسر با ناست و در پای شت از انسانی ولت و خوانین ایمان کم ماند بود که کترشان کتبه خوشی میوای تابستان بدات و بلوکات اطراف رفته بودند

و هم شصدهشت و هشت راس ک سفند و این ک سفند را با بخت امتحان در ستاده اند و اگر توان میب بفرانسه رساند بعد ازین یاد فرستند و چون که خوب بنیرل رسیدند احتمال است که بعد ازین کا و کو سفند زیاد از مغرب زمین مملکت فرانسه بفرستند و شهر مرسیذ فرانسه مردم در آنجا کار بسیار ثواب کرده بودند چون سپاسری از غلظت آنجا و تابستان گذشته از و با تلف شده اند تو انکران دو لمتدان تجار جمع میگردند بخت ایام با زمانه کا ضغنا که از و با مرده بودند و در آنک مدت سرد و نو و هزار و پانصد فرانک که بزرگ به نوزده هشتاد تو بان ل ایران میباشند جمع کرده بودند بدست مردمان همین سپردند بودند که در میان اهل استحقاق تقسیم نمایند

**اسپانیول** در پای شت این مملکت قشون یاد جمع میگردند که بکره و باره غشاش در نیولایت گذارند بشود اما مملکت امینت نداشت و از هر سبب متعدد غشاش بود استتیریه در روزنامه وینه پای شت استتیریه نوشته اند که امپراطور المملکت در بلوکات سیاحت میگرد تا او ان نیز کان انشد که پای شت تحت مراجعت بجهت پورتوقال آنجا وارد شده بود و پادشاه بنا داشتند که با هم بینه مراجعت کنند و لوازم هماننداری بخت پادشاه پورتوقال تارک میدیدند در ممالک کوچک منزه از هر جا نیک پادشاه پورتوقال عبور میکرد کمال حرمت و مغرت از حکمرانان ممالک فرور میدید

**نیکی دنیا می شمالی** در شهر ویشین تن دیار یک نیکی دنیا آتش افشاده بود و وفانده آنجا تمام سوخته بود یک بخار بجهت یک کشتی بزرگ میسختند و آبر که باخته در میان لبحا میسخت ناکاه آبر مثل اربوط بالارفت و در میان غنهای آنجا فاد غیر از عکرات قورخانه شته از صد نفر بخت تماشای رگین یک فرور آمده بودند بچکس تلف نشده و لکن سپاری از مردم زخم دارند

### ناپوپله

**پورتوقال** در مملکت پورتوقال آفتی که چند سالست در تاک انکور افاده باز امسال بود و انکور هم در آنجا بسیار کم عمل آمده بود و آنچه هم عمل آمده بود میو بود و نیولایت هم در تابستان با در کم سپار شدت داشت و میوای آنجا بدو خب بود و در نیولایت نیز مانند ولایت اسپانیول که هم سرد آنجا است بسیار بی نظمی و غشاش بود

در مملکت سنیدیا که جزو ممالک ناپوتنی میباشند ناخوشی و با بود و عوام عقدا غریب درین باب داشتند چونکه سابقا از دیوان باغی شده بودند کمانشان این بود که ناخوشی و باخیزیت که دیوانیان بخت سپسده آنها اشراف کرده اند و کم مانده بود که همین سبب غشاش نمایند نوزده سال سابق برین نیز که همین ناخوشی در آن ولایت بود اهل آنجا این اعتقاد را داشتند بوب برنجوردکی نیند شده بو

### احوال متفرقه

**فرانسه** در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که حال جزیره العرب آرام گرفته است و نظم در میانش هفت سال حال حاصل آنجا زیاد میشود تا میوه تازه و خشک و نبری آلات مملکت فرانسه میفرستادند امسال هم غله فرستادند

**تجار لندن** شهر نیومارک نیکی دنیا می شمالی بنا که هشتاد اند که کشتی بخار و غیره یکدفعه از انگلیس نیکی دنیا روانه نمایند و این غیر از کشتیهای دیگر است که موافق سابق مابین این ولایت آمد و رفت مینمایند

۱۲۷۱

چند وقت پیش ازین دولت فرانسه قدری قشون لولای  
 که نزدیک باستر ایلیا باشد فرستاده آنجا را متصرف  
 و اسم این ولایت نول کله نیاست اول بعضی از آنجا  
 که در ولایات آن اطراف میباشند قدری از آمدن فرانس  
 با آنجا حسد بروند حال می بینند که این مردم خیرشان بود و از  
 آمدن فرانسه با آنجا بسیار راضی و خوشنودند و در بعضی جای  
 انبارها ساخته اند و لنگرگاه بجهت کشتیها برقرار کرده اند و معدن  
 ذغال سنگی هم پیدا کرده و در آورده اند و لنگرگاه  
 بجهت کشتیها و ذغال سنگی بسیار بجا کشتیها که در آن  
 دریا میگردند میکنند میخورد یک رودخانه بزرگ از لولای  
 میگذرد که کشتی میتواند در آن تردد نماید و از ولایتی میگذرد  
 که زمینش بجهت زراعت بسیار خوب است و لکن تا بحال در آنجا  
 زراعت نشده است هنوز بظا در آنجا سیاه اندر لکن چونکه  
 ترکیب زمینش و خاکش مانند ولایت استرالیاست کما  
 دارند که در آنجا نیز مانند استرالیای طلا پیدا نمایند قهوه  
 تیون و نارنجی و پورتو قال و لمبوی ترش و سایر مرکبات  
 در آنجا کاشته اند و بسیار خوب بعن امت آنجا  
 نباتات غریب که در آن ولایت خود رو بعن می آید شکر است  
 که مانند نیشکر که بکار شیر میبرد  
 از جمله اجناس غریب که از هندوستان بملکت فرانس  
 فرستاده اند که در عمارت بلور آنجا که در سال اینده  
 میشود بگذارند یک فرشته است که از عاج ساخته اند چ  
 ذرع طول دارد و چهار ذرع و نیم عرض کلاً از عاج ساخته اند  
 و ترکیب حصیر بافته شده است و ششصد تومان قیمت میکنند

۱۲۷۲

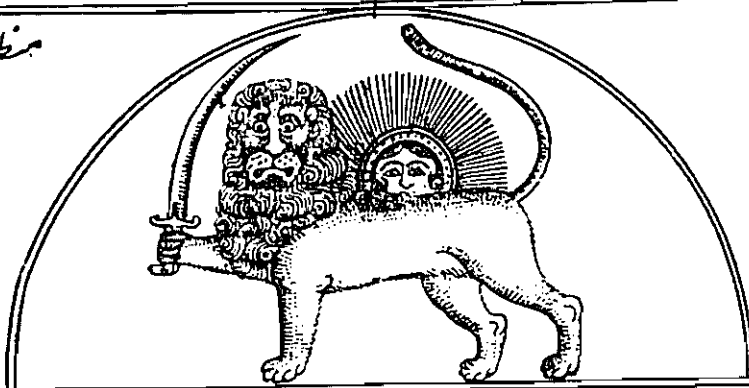
درین روزها در ملکت انگلیس باز بسیار برهم خوردگی در  
 کالسکهای بخار که در راه آهن تردد می کنند شده است  
 با اینکه کمال دقت می کنند که اینطور اتفاق نیفتد و لکن بعضی  
 اوقات برهم خوردگی می شود و مردم تلف و زخم میگردند  
 و چونکه شب و روز راه میروند با همه سعی و کوشش باز  
 خطر برهم خوردگی دارد از جمله شخصی سیاح نقل می کند که با  
 کالسکها سوار شده بود یکبار در آنجا بود با او گفته بود که جا  
 تسویش و خطرات زیرا که بسیار شد راه میروند درین  
 گفتن آن شخص نشستن سیاح مبرور بجا لکه بحض حرکت کالسک  
 بجا یکدیگر حوزده بهوا پریده و در کن راه وارونه افتاد  
 و قتی که زخم داران کالسک مبرور را نیز در آنجا که در آن اطراف  
 بود بردند پارچهای چوب کالسک مانند تیر که از مکان  
 باد میخورد به بدن آنها فرو رفت و شکسته بود درین  
 یک نفر کشته و نفر زخمی کردیده بودند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه چاپ محمد باسجود  
 نزدیک دروازه دلاب الطباع شده از اینمزار فرود  
 حتمه نظامی بیت و پنجاه هزار  
 سرایر دو تومان  
 زبده المعارف دو تومان  
 معراج العاده یک تومان  
 مدیقه اشعه هشت هزار  
 شاهنامه چهار تومان نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه و یکم ماه ربیع الاول مطابق سال ۱۲۷۱

نزد صد و نود و نه  
قیمت روزنامه  
یک سخته شایر  
و تان و چهار هزار



منظومه دارا خلاق طهران  
قیمت اعانات  
یک سخته چهار سخته  
بیشتر با هر سخته

اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارا خلاق طهران

در روز شنبه گذشته که افواج قاهره نظام متوقف  
در میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول مشق بودند  
اعلیحضرت پادشاهی بمیان افواج قاهره تشریف فرما  
گردیده ملاحظه تماشای مشق و حرکت آنها را فرمودند  
چون یکی در کمال آراستگی و انتظام بودند مستحسن و مقبول  
خاطر طوکانه افتاده مورد تحسین گردیدند  
چون جناب امام جمعه دارا خلاق طهران درین اوقات بعضی  
ویسری است لهذا اعلیحضرت پادشاهی محض اعزاز و احترام  
جانب علمای اعلام در روز یکشنبه ۲۷ ماه گذشته بعبادت  
جناب امام جمعه تشریف فرما گردیده بعد از اظهار تقدمات  
طوکانه مبارک مبارک که سلطان معادوت فرمودند

از فرار فرمان مبارک بمبصب سیرنگی توپخانه مبارک  
سر افراز فرمودند  
عالیجاه مطلب خان تفنگدار خامه سر کرده سواره کوداری و بطایفه  
چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده درین اوقات  
برکاب هایون شریفاب گردیده و فرار کارهای او از  
جانب اولیای دولت علیه داده شده درین اوقات که  
از دربار هایون مرخصی حاصل کرده بسر خدمت خود  
مرحبت مینمود محض التفات طوکانه یکزوج طپانچه و دو لوله  
انگلیسی بسیار خوب ممتاز با و مرحت فرمودند و روانه  
محل ماموریت خود گردید که با سواره و پیاده ابو ایجمی خود  
بمجاقت و محاربت زوار و مترددین منازل عرض راه  
خراسان کفالی السابق مشغول باشد

چون عالیجاه حسن جان یا در توپخانه مبارک که از قدیمی  
این دولت قوی مکت علیاست و اغلب اوقات مصد  
خدمات گردیده لهذا نظر بطرف خدمات و شایستگی او  
اعلیحضرت پادشاهی در ماه گذشته مشایر الیه را

عالیجاه میجه الخوانین العظام حیدر علیجان سیرنگ چون از  
بد و جوانی چه در سفرهات و چه در سفر خراسان خدمات  
نمایان کرده و لوازم جان شایر بر الجبل آورده اولیای دولت  
قاهره حب الامر هایون او را بمنصب جلیل نیابت اول

۱۲۷۳

اجودان باشی سرافراز نموده حکم نظامی در ازار آن صادر  
و مقرر داشتند که با در بایجان رفته خدمات نظامی  
اشتغال ورزد

چون در شب عید مولود مسعود هاپیون که عالیجاه اسد اللہ خان  
سرینک قورخان مبارک که اسباب شکاری بحضور اقدس  
هایون آورده بود در نظر مبارک خوب جلوه نمود و بلا لحظه  
اینکه قورچیان قورخان توپ باربط و اطلاع از شکاری  
میباشند جناب جلالت آب افخم اکرم صدر اعظم مقرر فرمودند  
که شش بازی بعد ازین تمامی توسط قورخانچیان قورخان  
توپ ساخته شده بحضور مبارک بیاورند که در نظر  
اقدس هایون خوب جلوه نماید

### سایر ولایات

عربستان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته  
چون سابقا قزاق اعراب آنجا بر این بوده است که بر سر  
زنی میگرفته است در محضیر کی از علماء و اعدای بسته و بد  
نوشته و قبلا بنجانه خود میبرده است درین اوقات  
شخصی قصاب از ساکنین محشره و ختریرا در پیش یکی از  
علمای آنجا که چند ان سواد نداشته و اجرایی صیغه نمیگفت  
بگنجد عقد بسته بعد از آنکه بنجانه خود برده معلوم شده بود که  
که بنج مشرعی نبوده است عالیجاه میرزا ابوالفضل بعد از آن  
بر این معنی قدغن کرده است که بعد ازین جمیع عقود غیر  
در محضیر علمای معروف معتبر آنجا بسته شده و قبلا معتبر  
بشهادت جمعی نوشته شود و اگر بغیر شروط مذکور کسی  
زنی را بنجانه خود ببرد مورد مؤاخذه و بازخواست خواهد بود  
و درین باب قدغن اکید کرده است

دیگر نوشته بودند که چون در بر ماه سان نوکر ما مورخ  
بر حسب حکم نواب سطلاب بنزاده و ابلا رحمت مستحکم الدوله  
باید دیده شود عالیجاه میرزا ابوالفضل سان نوکر بلوچ را  
دیده و موجب آنها را داده است و چون بنج کرانی آذوقه  
در ان ولایت بنوکر مور بد میکندست لهذا علاوه بر بنوکر  
و جی هم بصیغه انعام با نهاد داده است که بعسرت نکند

دیگر نوشته اند که چون اختلافی در میان سنک اوزان  
انولایت بود که دکان داران بوزن زیاد میخردند و  
بوزن کم میفروختند نواب سطلاب بنزاده احکام الدوله  
مقرر و امته اند که سنک آهن بوزن شش عباسی که  
یک تبریزی معمول است خسته مهر زده بدکان داران بند  
و بهان سنگها داد و ستد نمایند که بعد ازین اختلافی  
در میان اوزان آنجا نباشد

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان در  
امور آن صفحات کمال اهتمام دارد و برادر خود شیخ عالم  
نیز در خیل خدمات آنجا نموده مشارالیه نیز نهایت سعی را  
در انجام خدمات محوله بنحو معمول میدارد  
و هم چنین در امر زراعت و عیسی آنجا عالیجاه شیخ فارس خان  
نهایت مراقبت را معمول میدارد و شلتوک کاری زیاد است  
در آنجا کرده است بطوریکه رودخانه بزرگ مخصوص آنجا که  
همه ساله و ثلث آن بمصرف میرفت اما سال با اینکه آب  
از سالهای دیگر زیاد تر است هم بمصرف شلتوک کاری  
میرود و باز هم کم کفایت نمی کند و از اینر حذر رعایا امیدوار  
بسیار دارند

دیگر نوشته اند که محمد سلطان ابابکیده از سربازان فوج امراس  
بقراوی قلعه فیلد فرستاده اند مشارالیه کمال حسن سلوک با انانجا  
و علم برین مترودین معمول اردو بتقسیمکامالی بلاد بعبیده که چهارتن  
بانجامی آید کمال ضامنندی از سلوک سربازان فرورودند

دیگر از فتاری که تیرا خبا س محمد را نوشته اند درین اوقات  
کندم خرواری پنج تومان هفت هزار و پانصد و جو خرواری سه  
تومان و هفت هزار و از کندم خرواری شش تومان هفت  
هزار پانصد دینار و سایر خبا س نیز از این فراتر بود

دیگر نوشته اند که چون این اوقات موسم آمدن جہازات  
بشط عمده است کشتی و جہاز سپار از اطراف بانجام آمد و رفت  
سیکند بطوری که شط ملو از جہازات است و درین روزها  
در پین عبور کشتیها بجهت شکی فضا و کثرت جہازات دو

جہاز هم خورده و یکی از آنکها معیوب شده بود عالچاه  
میرزا ابو الفضل و جہی از خود بجهت تمسیر جہاز فروروداده  
که او را معیت نمایند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده والی عربستان جب  
الحکم نواب مستطاب شاهزاده والا تبار جغتایم الدوله  
در باب بستن سد ناصری اہتمام زیاد نموده و درین تابستان  
گذشته با وصف شدت گرمای تابستان انجان نواب امیرزاده

خود سرتدفر بوررقه و اہتمام نموده تا او اواخر ماہ  
ذی حجه سد فرورود کمال استحکام بسته شده و بعد از بسته شدن  
سد فرور نواب امیرزاده چند نفر سرکار بجهت استحکام کمال  
در انجان گذاشته خود بشوشر مراجعت کرده اند

دیگر نوشته اند که یکی از وزدان مشهور موسوم بسوختن  
از طایفه دینار و در استان که در آن صحبات و سمت

عربستان ہمیشہ مشغول سرقت بود و چند دفعہ ہم دستگیر  
شده و باز فرار کرده و از عمل سرقت دست بر زمین داشت  
در این اوقات در نزدیکی بلدہ دز فول اسبی سرقت کرده بود  
اہل قریہ خبردار شده و او را تعاقب و دستگیر کرده بزر فول

آورده بودند بعد از چند روز معتبر شد کہ حسب احکام  
نواب امیرزاده بشوشر بر بند در پین راه سی نفر سوار  
آمده بودند کہ او را از دست مستخفین بگیرند نتوانستہ بودند مستخفین  
کمال جلا ترا بعمل آورده باہیکہ چند نفر سوار شتر نبوده اند باسی  
سوار زد و خورد کرده و در فرور از دست نداده بشوشر آورده

والان انجانا محبوس است

دیگر نوشته اند کہ در شوشر و دز فول نیز اسال غلہ و سایر یا کوٹا  
کرانت و فقرا و ضعفا ازین مرحلہ عسرت و پریشانی صلت

دیگر نوشته اند کہ فوج سپاہ زرند باو انجمنی عالیچاہ محمد مراد خان شہ  
کہ دو سالست بساخلوی عربستان نامورند در این اوقات بودستہ  
از فوج فرور در قلعه دز محمد علیخان بختیاری یکدستہ در بلدہ دز فول

ساخوند و مابقی در شوشر در کمال نظم مشغول خدمات محولہ بنجود ہستند  
و انالی انجانا کمال ضامنندیرا از آنها دارند

در ضمن روزنامہ عربستان نوشته اند کہ ملا غلام حسین مارکی نیریشہ  
بن ہشت سالہ انتم ہاست پدر خود مشق مارگیری میکردہ است مار  
بزرگیر اگر قہ و سہ مار را بدین خود برده بود و بقدر سہ چہار انکشتہ  
کرده بود مار زور آورده بکلوی او منہ در قہ بود خواستہ بود پرودن پایہ

شوانستہ بود درین پین بدپش سیدہ و کشتہ بود بکنار منہ و پرودن  
علاجش را میکم آن طفل ہم مار را فرود و بدپشش وانی باودادہ بود خوردہ بود  
بعد از دو روز مار از موضع سفلی او پرودن آمدہ و با نطفل اسپسی نرسیدہ است

فارس

۱۲۷۵

از این نوشته اند که چون فرج عرب بصری سابقا در خدمت  
 لشکر بندر عباس خدمت کرده بودند در ثانی که نواب  
 شاهزاده مویزالدوله آنها را مامور ساخت و آنجا کرده بودند  
 بجهت اینکه از اهل سرحدات بودند و طاقت کرمای آنجا را  
 خود سربل اذن مرضی از آنجا آمده بودند درین اوقات  
 نواب معزی الیه صاحب مضبان و بعضی از سربازان  
 فرج مزبور را بمعرض مواخذه و تنبیه در آورده اند بعد از  
 شفعا اینجمنه و بعد تلافی تقصیرات خود را کرده اند نواب  
 معزی الیه هم تقصیرات آنها را بخشیده و در جیب تعهد  
 استغای خودن دوباره آنها را مویزالدوله عیال نمودند

دیگر نوشته اند که عالیجاه قاسم خان که مامور با خلوص  
 بندر ابوشهر میباشد بعد از سیزدهم محرم که کارهای خود را  
 در شیراز انجام داده بود از نواب شاهزاده مویزالدوله  
 مرضی گردیده یکصد و پنجاه و هفت قورخانه حمل نموده روانه بندر  
 ابوشهر گردیده است

دیگر نوشته اند که یکصد و پنجاه نفر توپچی که از دربار همایون  
 مامور ساختن فارس بودند در راه محرم وارد شیراز شدند  
 و نواب مویزالدوله کمال نوازش بانها نموده است

دیگر نوشته اند که در بیستم ماه محرم مقرب انخاقان میرزا  
 ابوالحسن خان شیرالدوله بر حسب حکم نواب مستطاب شیراز  
 و الا تبار مویزالدوله در دفترخانه آنجا نشسته روزنامه را  
 مشغول رسیدگی معاملات و محاسبات فارس است

دیگر نوشته اند که شخصی از تنگستان عبور به پل سبامیکرده است  
 شخصی تنگستانی با او رفیق راه شده است خواهی مسراه آن شخص بود  
 تنگستانی او را در راه معقول و سخاوت او را بر داشته برده است

مراتب بعضی نواب مویزالدوله رسیده حکم نمودند با فرج  
 تنگستانی را گرفته بقوادل انداختند تا اینکه مرتکب قتل و

سرفت را بدست برد  
**کردستان**

از فرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند کمال  
 و فرادانی در آنولایت حاصل است و مقرب انخاقان <sup>خان</sup> آن  
 و الی در نظام امر آنولایت و حصول رفاه حال عیال  
 نهایت اتهام را دارد و همچنین در وصول و ایصال <sup>قسط</sup>  
 مالیات اتمامی کامل دارد

**کهاوند**

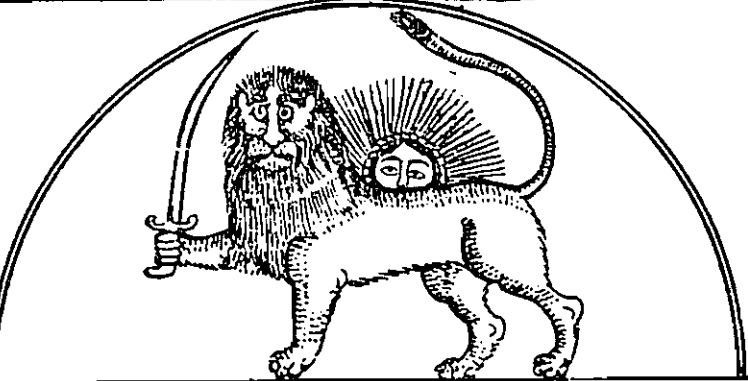
از فرار یک در روزنامه نهادن نوشته بودند حکیم سلیمان  
 یهودی که هشتاد سال متجاوز از عمرش گذشته بود  
 متوالی جناب ختمی مآب صحرادر عالم رویا دیده بود که او را  
 تکلیف باسلام فرمودند شب سیم کلمه طیبه را جاری نمودند

صبح پیش جناب آقا سید عبدالعزیز محمد رفته شرف اسلام  
 مشرف شده و عیال و اطفاش را از خود دور نموده <sup>لحاجه</sup>  
 غلامعلی خان نایب لشکر پاشی و نایب الحکومه نهادند و <sup>لحاجه</sup>  
 میرزا حسن نوری پیشکار نهادند اخراجات از برای او قرار  
 داده اند و خانه خارج از محله یهودیها برای او گرفته کمال نوازش  
 با نموده اند و این اوقات مشایخ همه روزه نیز در علما  
 دین مبین حاضر شده مشغول امواتن قواعد شرعی مطلق

و اطلاع از مذنب شریفان

روزنامه قایح اتقاییه تاریخ یوم شنبه نهم ماه ربیع الاول مطابق سال بارس سئیل ۱۲۷۱

منطبه دار الخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر الحجاره سطرینوزده  
بیسر با هر سطر بیست



نمره دولیت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شهریکه  
وهان و چهار هزار

اخبار واحیای مالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

وزناب والاحسنه الدوله در میدان حاضر بودند و آنجا  
حسب الامر هر یک چند تیر توپ انداختند و امیرالامرا <sup>اعظم</sup>  
سردار کل نیز یک تیر توپ فرادول رفته میدقت نشانه توپ  
رازده از دست مبارک انعام گرفتند و بعد از اتمام تیر اندازی  
انعام ملوکانه در حق توپچیان و متعلین علم توپخانه هم مرتب فرمود  
و هنگام مراجعت اعلیحضرت شاهنشاهی بسر طعه که عالیجاه <sup>سوی</sup>  
بهیله معتم علم هندسه در پهلوی مرلیخانه دولتی حسب الامر <sup>الامرا</sup>  
دولت علیه یسازد تشریف فرما شد جناب جلالت مآب  
شرف امجد صدر اعظم پیاده شده بدقت ملاحظه بدنه و خندق  
آن نموده در حضور مبارک زیاده تحسین و توصیف از عالیجاه  
مشاریه فرموده تا کبده زیاده در آگام آن نموده  
چون چندی بود حسب امر سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی جناب  
جلالت مآب شرف امجد اگر م صدر اعظم افخم و سایر اولیا  
دولت اوقات مصروف داشته شاکردان مدرسه دارالفنون  
مبعض امتحان آورده مراتب استعداد و قابلیت و ترقی هر یک  
معلوم نمودند که باندازه ترقی و استعداد با صافه موجب  
اعطای نشان سرفراز آید و معزز شد که معین آنها محبت و اعتماد

در روز یکشنبه ششم این ماه سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
ساعت بغروب آفتاب مانده بطرف اکبر آباد سمت  
میدان اسب دوانی تشریف فرما شد ند افواج قاهره که در  
انجا بجهه شیلیک و حرکات جنگ ترتیب داده بودند  
پس از اجرای سلام نظامی مشغول حرکات نظامی و شلیک  
شده بعد از مراجعت سر بازان مخبران از صف جنگ افواج  
قاهره که در حالت تشوان بودند بحالت پیش رفته  
قلعه مخرف ب مشغول شلیک شد بعد از اتمام شلیک  
دوازده عراده توپ که بجهه تیر اندازی در یک صف مرتب  
داده بودند سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بسر توپچیان  
فرما شد حکم تیر اندازی فرموده میسر توپ و اعلیحضرت  
پادشاهی بقراول رفته نشانه رازند در آن صحن جناب  
جلالت مآب شرف امجد صدر اعظم پیشکش شایسته  
مبارک آوردند و بعد خود جناب معظّم هم حسب الامر  
یک تیر توپ بقراول رفته نشانه رازده از دست مبارک  
انعام سیه گرفتند و از شاهزادگان عظام نواب و الامرا

۱۲۷۷



نماید که تا چه مدت شاکردان خود را فایح التحصیل خواهند کرد  
 که از مدرسه بیرون رفته شاکرد جدید بجای آنها بیایند و این  
 نیز هر یک متعهد شدند بچو که درین باب کتابچه مفصل بطو لیسو ابید  
 اولیاد دولت علیه نوشته شده که هر یک در فن خود در مدب معتبره شاکردان  
 خود را تربیت و فایح التحصیل نمایند و آنچه عجله الان در مدرسه مزبور  
 شاکردان متعمم شدند از این قرارند

نقش شاکردان

توسعه	جدس	ممالک نظام	سواره نظام
طبخ و حراچی	دو اسازی	دین و باطنی	نصف
نوعی	نصف	مبجواتند مختصر	نصف

موجب سوای معین و مترجمین

صراط مستقیم

اصل که از سابق برقرار بود اضافه که درین امتحان هر یک ترقی  
 کرده بودند افزوده شد

نشان سوای آنچه سابق داشتند حالات تازه محبت شده  
 است

بعد از آنکه اولیای دولت علیه امتحانات مزبوره را بعین آوردند

قرار امورات معصنه را دادند و کنا بچه آنرا نوشته بعضی خاکبای  
 مبارک رسانند خاطر مایون بایل طالب شد که در حضور مبارک  
 سان جمیع گردان دیده مجدد و امروض امتحان است و در حضور مبارک  
 کسانی که قابل باشند با احکام موجب نشان بانها رحمت شود و همچنین  
 بعین نیز که اهتمام در تربیت شاکردان خود کرده بودند خلعت و انعام  
 رحمت شود و لهذا در روز شنبه چهارم ماه ربیع الاول سرکار صاحب  
 شاهنشاهی شریف فرمایید و از القون کردید جمیع معینین و  
 و اغلب از شاهزادگان عظام و اولیای دولت علیه در حضور مبارک  
 بقاعده سلام ستاده کتابچه امتحانات که اولیای دولت مرقوم شده بودند

و از نظر مایون گذشته بود در دست مقرب انخاقان لشکر نوس با  
 نشا و نهاد میان مجموع در دست مقرب انخاقان معبر الممالک و وجوه نقد  
 در میان مجموع یک یک در دست مقرب انخاقان فرخ خان صند و  
 خاصه نقدی و احکام موجب در میان مجموع در دست لشکر نوسان و  
 خلایع در دست عالیجاه آقا عبدالپیشخدمت هر یک در جای خود  
 در حضور مایون استیاده امی آنها را مقرب انخاقان لشکر نوس با  
 بموجب کتابچه و ردیف بعضی میرسانند و در حضور مبارک سنوالی  
 از شاکردان میفرمودند هر یک سخن حکم موجب با انعام بودند  
 در حضور مایون اسیر الاموال العظام سردار کل گرفته انعام با حکم  
 یا خلعت را بصاحبش میداد و هر یک مستوجب خلعت و نشان میزدند  
 فوراً مقرب انخاقان محمد خان میرنجه که امور مدرسه مزبوره سپرده  
 گرفته نشان را میداد و باین سابق از حضور مایون میکشیدند و  
 که در امتحان اول نشان داده شده بود و بعد از آن سعی در ترقی  
 نموده بودند آن نشان هم که از اول داده شده بود از آنها استردا می نمودند  
 و بعین نیز علاوه از موجب نشان و انعامی که شاکردان داشته از آنها

و در حضور مایون خلعت و انعام رحمت گردید

میرزا سید محمد شاکردان	میرزا علی محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان
طاف	طاف	طاف	طاف
میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان
طاف	طاف	طاف	طاف
میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان
طاف	طاف	طاف	طاف
میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان	میرزا سید محمد شاکردان
طاف	طاف	طاف	طاف

میرزا آقای میرجم میرزا یوسف مباحثه دارالعلوم  
العامه شیراز چهارم

محل بر تبریز

و بعد از آن مقرب انخافان محمدخان تیرچیه نیز که مراقب در  
ترتیب شاگردان مدرسه کرده بود با عطای یکم کلمه  
تنها یک سرفراز گردیده و عالیجاه رضاقلیخان ناظم دارال  
هم بخلعت بجا یون مخلص گردیده بعد از فراغت ازین امور علیحضرت  
پادشاهی بهجارت سلطان معاودت فرمود

چون سرکار علیحضرت شایستهی مقرر فرمودند کنبه  
حضرت امامزاده عبدالعظیم را چه تعمیر نموده و طلا کردند  
باز دید ساختن طلای آنجا چند نفر اولیای دولت علیه  
فرمودند از جمله استاد جعفر معمار کاشی بود که برای رسیدن  
ارتفاع کنبه مؤثر در سرچوبت رفته بود که ارتفاع آن  
چوبت از زمین قریب بده ذرع میشد از آنجا تخته چوب  
که در زیر پای او بود شکسته مشارالیه بضر ببرزین افتاد  
لکن از باطن آنحضرت واجداد او با اینکه هماغجانی که افتاد  
بسیار سخت بود و کلاممدم خیال کردند که یکجا خوردند  
مطلقا و اصلا سبب و اذیتی با و نرسید و لعل محمد کمال

سلامتی برخواست

سایر ولایات

برء حر و از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته  
چون بهر سال در وسط عقرب موسم بارندگی بود و امسال  
تا حال باران با نولایت نیامده است زارعین و اهالی آنجا  
ندری تشویش داشتند اما امیدوار بودند که تا آخر عقرب  
بارانی بیارد که تفاوت در تعبیر جنس آنجا بهم نرسد

دیکر نوشته اند که در جبت و دویم ماه صفر قرار بود که نواب  
مستطاب شایسته بنزوه و الاتباع احشام الدوله خان میرزا البیت  
ارستان و عربستان حرکت فرمایند نواب الیدرم میرزا احد  
نواب معزی ایله نوشته بودند که برای سیورسات عرض  
جوئیتر شد زیرا که امسال در لرستان جوئیچ بعضی نیامده  
نواب احشام الدوله قدغن نمودند که مباحثه در دیوانی بر جود  
بقدر یکصد خردار جو برای سیورسات حمل سچم آباد یابند  
که از آنجا نواب الیدرم میرزا اجن بمنازل عرض راه یابند

دیکر نوشته اند که سی و پنج نفر توپچی که از پارسال مامور  
بوده بودند عوض آنهاسی و نه نفر از توپچیان کر و سی و  
ادز با بجانی درین اوقات وارد شده اند و نواب شایسته  
و الاتباع احشام الدوله بجه اسمعیل بیک علام پیشخدمت که  
مامور رساندن مواجب لوکر آنجاست حکم نمودند که در اطراف  
میدان نشسته سان توپچیان پارسال و امسال آیدند  
مواجب ششماهه آنها را حسب حکم بهر یک هر یک نقد دادند  
طواریا بهر دریافت کرده اند

عربستان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در هنگام  
حفه نهر بزرگ بجهت بن صد ناصری سنگ سفید متعارف در  
از زمین پیدا شد ورق درق می شد مثل طلق در جوف آن  
سنگ سفید دانه کوچک بود مثل سلیمانی بیرون آوردند  
و بسیار خوش ترکیب بوده و تازگی داشته است  
دیکر نوشته اند یک عراده توپ بلند قد که دو ذرع و چهار  
قد دارد از قدیم در حوزة افتاده بود بدون عراده درین وقت  
پاشا خان یا ورتو پنجان که در رکاب نواب امیرزاده لبرستان

سدناصری رفته بود توپ نر بور را دیده بود چون بسیار خوش ترکیب و بی عیب بود توپ نر بور را با غلطک از حویزه بشوستر آورده و هم چنین یک توپ جلوه هم که در دز فول بوده است بشوستر آورده نواب امیرزاده آدم فرستاده اند از نجیبیاری چوب قذاق و عراوه آوردند مشول سوار کردن توپهای نر بور هستند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده والی عربستان در میدان کنار آب شوستر قرار مشق جنگ دادند <sup>تاجان</sup> محمد مراد خان سرتیپ با فوج نظام بسته و پاشا خان توپخانه با توپچیان ابو اجمعی خود بنای شلیک توپ و تفنگ بقاعده نظام گذاشته بسیار بقاعده و خوب و چابک مشق و شلیک کرده اند و جمیع اهل شهر که تماشا آمده بودند بسیار تعریف و توفیق کرده اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان که از جانب نواب مستطاب شاهزاده و الایبار احتشام الدوله مامور بنظم صفحات سرحد مسوره و آن اطراف است در انجام خدمات دیوانی نهایت اهتمام را معمول داشته است آنچه در سمت راهبر که مشارالیه اتهام ریا و نموه و شلوک کاری و آوان بر او انداخته است بهر ساله ظایفه شوهر نیمه دست بر باموال رعایای آنجا میزدند امسال نتوانسته اند حرکتی یا از اول سال تا حال یکدو دفعه در مقام دست اندازی بر آمده در هر دو دفعه کله کوه سفندی بغارت برده بودند عالیجاه شیخ فارس خان در هر دو دفعه جمعیت فرستاده آنها را مغلوب و کوه سفند را استرداد و چند نفر از اشرار مقتول و زخمی کرده و دیگر بعد از آن جرئت هرزگی نکرده اند

امورات سمت راهبر در نهایت انتظام و رعایای آنجا آسوده مشول زراعت و فلاحت می باشند

### فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و الایبار مویند الدوله بعد از آنکه مقرب انخاقان عبداله خان صارم الدوله را با توپخانه و افواج و قورخانه و تدارکات لازمه روانه بندر عباس کرده بودند نواب عبدالباقی میرزا پسر خود را نیز با فوج عرب و استعداد تمام روانه آنجا کرده اند

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده مویند الدوله میرزا سلطان <sup>تاجان</sup> بهبانی را بجهت حساب او خواسته بودند حسب احکام محاسب او رسیدگی شده چون مبالغی مال دیوان در نزد مشالیه باقی بود نواب معزی ایبه حکم کرده اند او را بقبول <sup>نظام</sup> آنجا

دیگر نوشته اند در شب بیجمه محرم در بندر ابو شهر زلزله شدیدی واقع شده بود اما خرابی بجای و از بیکی جزئی نماند

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالاعظم <sup>عظمی</sup> محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در دویم ماه صفر از شهر کرمان روانه یزد سیر شده و پیروز در آنجا توقف کرده و مقرب انخاقان <sup>خان</sup> میرنجه را با قشون و استعداد بر حسب حکم اولیای دولت علیه روانه طرف بندر عباس نموده اند و در راه انداختن قشون کمال اهتمام کرده اند و بهر یک از بلوکات مسهم آدم و ستاده تفکیکی اخبار کرده اند که رفته بقشون مامور بندر <sup>عباس</sup> ملحق شوند

### خراسان

چون نواب مستطاب شاهنامه افخم والا بتار فرزند  
 فرما نبرای مملکت خراسان بعد از آنکه از نظم امور حسن  
 بطرف آنو عشق آباد و آخال و آنحد و تشریف برده بودند  
 که در انصفا ت نیز نظم کامل بهیند طوائف ضالک ترکان  
 جنر تشریف بردن نواب مغزی الیه را شبده  
 بو حشت و اضطراب افتاده در اول بحیال محالنت  
 اجتماعی نموده سر خود سری داشتند و زور و نواب  
 شاهنامه در عشق آباد که اول اکت است سوار  
 ترکمان نمودار شده قریب یک ساعت ما بین ترکمان و عیال  
 امیرخان سر تن سواره قورت پیکو که پیش قدم اول بودند  
 و با جواد خان سر کرده سواره شقاقی جنگ و جدال تقاضا  
 می افتد هفت هشت نیره سر و چند نفر اسیر که ترکمانان  
 گرفته میشود تا مقاومت نیاورده و سرار مینمایند و  
 نواب شاهنامه در نیر با توب و سواره و پیاده از رفت  
 رسیده در عشق آباد توقف مینمایند و فردا بهر طرف  
 از اطراف اکت که محل سکنا ی ترکمانان اکت نشین است  
 میفرستند احدی از احاد تمه کمانینه یافت میشود که کلاه  
 نموده بودند نواب مغزی الیه حکم میکند جمع قلعه جات  
 اکت را که در شش قبضه بوده است خراب کرده با آذوقه و اسباب  
 در آنجا داشته اند آتش نیریند و بعد از چند روز  
 مینمایند و بسیار امیدوارند که بعد از بن چشم زخم دیگر  
 صفحات خراسان از ناخت و تا ز طایفه ضالک ترکان  
 و محفوظ ماند و در از ای این نوع استهسا میکند از نواب شاهنامه  
 در انظام انصفا ت و فتح آخال و سگشت ترکمانان بطور

رسیده در خاکهای مبارک زیاد مستحسن و مقبول افتاده بود  
 محض و فور محنت ملوکانه و در حق نواب مغزی الیه کیثوب  
 و تبای نرمر از طبوس بدن مبارک بضمیمه یک قبضه کار و  
 دسته مرصع مکل مال باس از جانب سنی الجوانب اعلیت  
 پادشاهی با فقار نواب شاهنامه در محنت و عنایت  
 گردید در حق سایر سرگردگان و صاحب مضابینکه  
 در سفر همراه نواب مغزی الیه بوده خدمت کرده اند و آثار  
 رشادت بطور رساینده اند و نواب مغزی الیه مراتب  
 خدمت گذاری هر یک را مفصلا و مشروحا با دلیلی دولت  
 علیه اظهار داشته بودند ازین فترا خلعت و نشان بر  
 شده بصحابت عاچما علی محمد پیک یا و رسال شد

سز ابراهیم خان برت چینه محمد سخا ن برت فرامانی امیر خا ن  
 جبه تریه نشان عمیل برتزی قطعه  
 سعاد تملی ان برت چینه جواد خان سر کرده صف علی پیک یا و رسال  
 زمان حکومت در درج دولت نشان شال و قبا نشان وری دل قطعه

یعقوب پیک یا و حسین علی پیک او باقر پیک یا و رسال  
 نشان وری دوم نشان وری دوم نشان مملای ای  
 و بعد ده سایر ترین نیز از جانب اولیای دولت علیه نوشته است  
 و احکام مثل بر اظهار الثقات صادر شد بصحابت مالچا  
 علی محمد پیک یا و رسال گردید که از شمول التیات  
 اولیای دولت علیه داری کامل حاصل نمایند

### شروین

از تدریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند امر سخا  
 از اهمیت ات اولیای دولت علیه و نواب شاهنامه  
 سیفا ت میرزا کمال نظم دارد و بخت امانی انجمنها ت است و کی  
 و آسایش حاصلست و نواب مغزی الیه در انظام مروت و ولایت نیریند

۱۲۸۱

م

از قراریکه در روزنامه انیولایت نوشته اند امثال در دهه عاشورا  
 مقرب الخاقان و الفقارخان در مراسم تعزیه داری جناب الشاه  
 لوازم اهتمامات را مضمون داشته هر ساله پنجاه تومان در رتبه دار الشاه  
 که قرب جو از حضرت معصومه علیها السلام است بجنبه مخارج از  
 دیوان اعلی داده میشود امسال مشارالیه بجهت از دیاد عاکوئی زیاده  
 از یکصد پنجاه تومان ابی اطعام فقرا و سادات و غم و خرج تکیه بزرگه  
 دیگر در باب حوض سلطان چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده است  
 عالیه مشارالیه حسب الامر منامی دولت علیه اهتمامی کامل نموده است  
 و آب در آنجا پسار فراوان گردیده است و نهریکه با آنجا جاریست  
 و تخمینا سه فرسخ مسافت دارد بنا و عمله و اسباب فرستاده همه را با  
 آجر و آهک در کمال استحکام ساخته اند که هر قدر آب که از دهنه شفا  
 مزبور پر دین می آید بدون کسر و نقصان بچوض مزبور میرسد چون در  
 سنوات سابق بجهت خرابی نهر مزبور آب درست بچوض نمیرسید بجهت  
 پر کردن حوض محتاج بآب باران بودند و لکن حالاً که چه سطلنی می  
 متعدد بجهت جمع کردن آب باران نیز ساخته اند اما آب قنات مزبور  
 بطوری بچوض سلطان میرسد که احتیاج بآب باران نخواهد بود  
 غابرین و نرودین ازین جمله کمال شکر گذاری می آرند  
 دیگر نوشته اند که در باب کشیک خدمت استمانه منوره حضرت  
 معصومه مقرب الخاقان و الفقارخان مسترار می رست داده است  
 از جمله سابقا بجهت بی مبالائی خدمه جمع فروش رواق و حرم از  
 از کثرت شمع که در وقت سوختن آب میشد و میرنجیت و متوجه نمیشد  
 هر کس زیارت میرفت رخوت او چرب و چرکین میشد درین باب  
 قدغن لکید کرده است که شمعها را یکدر آنجا سوخته میشود شمع مومی باشد  
 و از خدمت نیز ابرام گرفته است که در سر خدمت و کشیک خود حاضر بوده

دور پاکیزه و معجب داشتن فروش اگر غفلت نمایند مورد  
 مواخذه باشند  
 دیگر در روز عید مولود معهود اعلی حضرت پادشاهی نوشته اند  
 که تا سه روز و سه شب اسباب عیش و سرور و چراغانی  
 فراهم آورده دکاکین و بازار را آیین بسته و لوازم توقیر و  
 احترام عید سعید مولود همایون را بعمل آورده اند  
 دیگر نوشته اند که خلعت آفتاب طلعت همایون پادشاهی که با شفا  
 مقرب الخاقان و الفقارخان در راز خدمات او که در باب آب حوض  
 سلطان و سایر خدمات دیوانی بعمل آورده است مرحمت شده بود  
 در این اوقات که بر تو وصول افکنده مقرب الخاقان مشار  
 با جمیع اعیان و اشراف قم باستقبال خلعت آفتاب طلعت  
 شتافته و در خارج شهر خلعت همایون راز پ بر دوش  
 مفاخرت نموده و بعد بشهر آمده در دار الحکومه صرف شربت  
 و شیرینی نموده و لوازم توقیر و احترام خلعت همایون را بعمل آورده است  
 دیگر نوشته اند که در این اوقات سرقت و دزدی نسبت  
 سابق در قم بسیار کم اتفاق می افتد و اگر ایما ناندرت سرقت  
 اتفاق نیفتد مقرب الخاقان مشارالیه اهتمامی درین باب  
 کرده است که سارق پیدا شده و مال مسروق بصاحبش  
 میرسد از جنبه ضعیفه فرمانی در بازار جنس بزازی خرید  
 و تنخواه آنرا داده و بقیه پول از خاطر شش رفته بجا گذاشته بود  
 بعد از فترت ضعیفه نراز ملقت کیمه شده و رسیدگی کرده بود  
 پنج تومان پول ریانش بوده است بزودار و غم برده بود و  
 دار و غم جاری انداخته ضعیفه را پیدا کرده و سخاوت و اوقاتیکم کرده  
 دیگر شخصی باس فرش از درب کان ملاقه بندی پنجه جوج جراب برداشته بود  
 که در نزد مقرب الخاقان و الفقارخان آرزو رهبار بصاحبش تسلیم سواران پیشه نموده بودند

### اخبار دول خارج

## انگلیس

تایخ کاغذ آخر که از ولایت رسیدیم  
 پنجشنبه دوازدهم محرم نوشته بودند چنانکه قاعده آولایت  
 حاکم شهر لندن که سال بسال از خود اعیان آن شهر معین  
 درین روز با بجهت سال آینده معین کرده بودند و در سه وعده  
 که هر سال از آنکه نیم ماه نوبت که مطابق پنجشنبه هفدهم صفر است  
 در جای حکومت خود عاقد داشت

از جانب دیوان حکم شده است در جنس ایراکنی که در سیر  
 شمالی واقعند اگر چه جنس و ممالک انگلیس هستند اما قدر  
 از خشکی دورند و در بعضی جاها سنکو و حصار در کار  
 دریا نزدیک بلنکر کا آنگا بسیارند

## فرانسه

چنانکه در روزنامه گذشته نوشته شده است اردو و پهنه شوق  
 و حرکت کلیه قشون نزدیک شهر بولان جمع شده بودند  
 هفتاد هزار نفر در آن اردو بودند و خود امپراطور در آنجا  
 تشریف داشتند و ما بین شهر بولان و قصبه دور در پنج  
 فرسخی از بولان دور قشون مشغول مشق و حرکت گردیدند  
 روز دیگر قشون کلاً از حضور امپراطور گذشته در همانجا  
 که ناملیان اول پنجاه سال پیش ازین قشون فرانسه  
 جمع کرده بود و بعد از آن امپراطور فرانسه با زوج اش  
 مراجعت پاریس پای تخت فرانسه کردند و در عمارت  
 سنت کلود قرار گرفتند در هنگام توقف امپراطور فرانسه  
 در بولان پرنس البرط از ولایت انگلیس مدین او آمده بود  
 و در ورود مشارالیه کمال ساس و لازمه احترام بعل آوردند  
 و پادشاه بلژا و لویی خود دوک ده برابنت و پادشاه

پور تو قال همه همان امپراطور فرانسه شده بودند

## سایر ممالک فرنگستان

در روزنامه دمشق نوشته اند بتاریخ ششم ذیحجه که مردم همیشه  
 با آذوقه و ما بحتاج با استقبال حاج که از مکه معظمه مراجعت  
 میکنند میروند روانه شده بودند و همه در زیر حکم دست در آن  
 مملکت جمع شده و با کمال نظم با استقبال حاج رفته بودند  
 کندم در آنجا قدری ترقی داشت با وجود اینکه حاصل سال  
 آینده مندر اوانی و آمد تمام داشت بپیش این میدانند که  
 بعضی مردم در آن اطراف جنس میخرند و انبار میکنند که  
 کران بعبره و شند

بتاریخ پست و سیم ذیحجه در روزنامه اسلامبول نوشته اند  
 عیال لاردا استر قور و دیگر کبر دولت بهیه انگلیس میتم  
 اسلامبول از ولایت انگلیس با اسلامبول آمده بود چونکه  
 کل مردم از خاص و عام حضور صافته ا کمال محبت از او دیده اند  
 مراجعت او باعث خورسندی مل آنجا شده بود

چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده است چند سال است  
 در فرنگستان خیری اشراع کرده اند که با سیم و چسرخ استی  
 خبر از شهر بشهر و از ولایت بولایت میفرستند حال این بسیار  
 بطور دیگر ساخته اند که بتوانند حمل و نقل نمایند تا دو  
 فرسخ نیم تا سه فرسخ سیم همراه خود بار کرده میسبند و همه در  
 دو عراده جاگیر میشود و میستوانند فریاد خشکی یا در زیر آب  
 بکشند و از جاییکه بیشتر از دوسه فرسخ نباشد خبر نمینند  
 در هر یکم ذیحجه از شهر ادینیه نوشته اند که مردمی که بجهت ناخوشی  
 و با متفرق شده بود بتاریخ مزبور همه مراجعت  
 با وطن خود کردند

در ایام قدیم جزیره رود سن جای بسیار آباد بود و تجارت زیاد بولایت اطراف داشت لنگرگاه سجه کشتیها در آنجا بود و از برای اینکه شب راه را کم کنند فانوسی بترکیب غریب ساخته بودند ترکیب آدمی ساخته بودند از برنج بسیار بزرگ و پام کساده که گشتی از میان دو پای او میکشست و فانوس در دست داشت که شب روشن میکردند بعد از آن این لنگرگاه کم کم خراب گردیده از ریزیک و سنگ پُر شد بطوریکه گشتی مشکل از آنجا عبور میکرد و آن شکل برنج را وقتی که سلطان عثمانی متصرف آن ولایت شد بدو هم زده شکسته برنج او را به آنجا فرستاد و آن فرستاده شهر آنجا را خراب کردند درین اوقات دولت عثمانیه بنا دارند که لنگرگاه مزبور را باز تعمیر نمایند و اسمعیل رحلی با حاکم جزایر یونان که در تصرف دولت عثمانیه با چند نفر از چاکران عمده دیوان با آنجا رفته است که این کار ثواب رازد و براه بیدارند و مهندسی و علمه جات که مشغول این کار شده بودند قدغن آکبه کرده اند که این کار هر دو با تمام برسانند و گذارش او را بخیلی با شاد و زیر قوس سحری دولت عثمانیه نوشتند

تقصیه کشتیان که از شی میباشند روزنامه اسلامبول نوشته و آنهم چاپ زده است تفصیلاتش اینکه در کنار دریا تریه بانه کا و مارادو کشتی میکشستند و کشتیانان پارهنه در میان آب بودند ناگاه ماهی زهر دار پهای یکی از آن کشتیان زد و ضعه ورم و آتاس زیاد کرد بطوریکه کم مانده بود که پایش جراحت کرده بقیه درین بین نایب قونول فرانسه که در آنجا بود این گذارش را شنید کشتیان مزبور را بخانه خود برده و جراح آورده و او را معالجه کرد و خوب شد

در بعضی روزنامه های فرنگستان نوشته اند که دولت سنیکی دنیای شمالی بنا داشتند یکی از ممالک کوچک ایتالیا را که متناگوسینا مندا از حکمران آنجا با پول سخرند مملکت کوچک در سابق دولت جداگانه بود و مانند سایر ممالک فرنگستان حکومتش نسل بعد نسل بود و موافق قاعده ارثی با و لاد یکی از آن سلسله که از قدیم حکومت در آن ولایت کرده اند میرسد چند وقت پیش ازین این ولایت کوچک را داخل ممالک ساری کردند حال حکمران ولایت مزبور میخواهد حق خودش را بدولت جمهوری سنیکی دنیای شمالی بفرستد و در بعضی نوشته اند که دولت جمهوری مزبور میل بخریدن این ولایت داشتند که در بحر سفید نزل نگاه سجه کشتیها و تجارت داشته باشند و لکن در بعضی روزنامه های دیگر مینویسند که دولت سنیکی دنیای شمالی چنین خیالها ندارد استند بدقت که در روزنامه های این گفتگوست و لکن هنوز نامعلوم است که آیا اصل داشته با یا نه

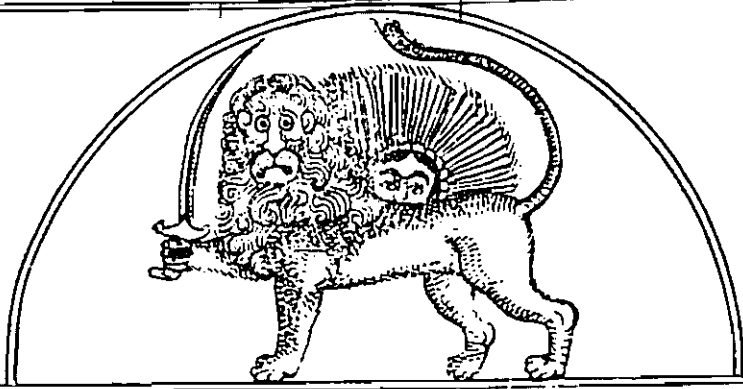
در مملکت اسپانیول بنا داشتند در هر بلوکی و شهری جنبه قاعده دارند و کیل معین کنند که پای تحت پرود فرات درست در امورات آن ولایت بگذارند و لکن هنوز نظر نگذاشته اند از طوریکه مردم در فرنگستان کمان گیرند بسیار مشکل است که این ولایت نظم درست بگیرد و وایم الاوقات بجز خود جزئی در میان خلق که در آن ولایت تیره به تیره شده اند

می شود

۱۲۸۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچشنبه هجری ۱۲۸۵

نزد دویت و یک  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شایر یک  
در تان و چهار هزار



منطبه دار اخلا و طهران  
قیمت اعلانات  
یک طرا چهار طر که با  
بیشتر با هر طر

اخبار و سنده مالک محروم پادشاهی

دار اخلا و طهران

امور مردم نیایش

در روز پوچشنبه هجری ۱۲۸۵ ماه اعلیحضرت پادشاهی تشریف فرمای شکارگاه جاجرو و در دید جناب جلالت با صد اعظم و سایر انسانی دولت علیه و خواص خدمت و ملتمز رکاب هایون بوده چون این اوقات موسم شکار است و سایر شکارهای اینجاست موکب هایون چند روزی بجهت شکار و تفریح در اینجا توقف خواهند فرمود چون در غیاب موکب سیروزی کوکب هایون نظم دار اخلا با نواب استظاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران دار اخلا و طهران و مقرب الخاقان میرزا موسی در این اوقات نیز که موکب هایون تشریف فرمای شکار جاجرو و در دیده اند نواب شاهزاده و مقرب الخاقان میرزا در انستام امیر شهر و محلات و رسیدگی با امور و عبادت مردم بحال اهتمام را معمول میدارند و بجهت نهایت آسودگی برای مالی دار اخلا و طهران حاصل است و نواب معزی الیه چند روزی که بت نوب می کنند و لیکن با وصف ناخوشی شب در اوقات خود را صرف خدمات دیوانی و رسیدگی

امسال بقاعده سال بازندگی که در دار اخلا و طهران تا حال شده است و باین سبب قدری در جودگاه تعبیر بهم رسیده است و لیکن سایر چیزها از خستین امسالی دولت علیه فراوان است و از قراریکه خبر شده است و در اطراف اقبیل عراق و بعضی جایهای دیگر بازند شده است و سبب امیدواری مردم گردیده است که در دار اخلا و طهران نیز بازندگی بشود و تعبیر اجناس دار اخلا در هفته آینده نوشته خواهد شد و درین موسم باین بسیار خوش گذشته و ناخوشی نسبت به سایر سالها کمتر مگر ناخوشی آید که درین اوقات در میان اطفال شهر دارد چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد چند وقته پیش ازین اعلیحضرت پادشاهی مشق کل افواج کوچ و پوچوار نظام و سایر رسیدگی فرمودند و بعضی مهندسی که در بیرون شهر قلعه میسازند و تیراندازی توپخانه مبارک که بدقت رسیدگی فرموده و ترقی آنها پسند خاطر هایون شده بود حال هم

۱۲۸۵



در غیاب اعلیحضرت شاهی در مشق خود همه روز به  
سبیل استمرار توپچی در میدان ارک و افواج قاهره  
میدان خارج دروازه دولت مشغول میباشند و جمعی  
نهایت اهتمام را در مشق آنها دارند

در روز دوشنبه گذشته در خانه مجلس شرب بود  
و نفر عظام و سه چهار نفر که مشغول شرب بودند  
آخر کار شان بزاع و بدستی کشید و نفر از آنها هم  
رخسار شده بودند مستحقین خبردار گشته آنها را گرفتند  
خدمت نواب مستطاب بزرگوار و الا بتار آورده و  
الآن در حبس اند تا حکم آنها بشود

مرحوم میرزا ابوالقاسم امام جمعه دارالخلافه طهران  
مقامه که نزدی مریض و بستری بود در روز چهارشنبه  
پانزدهم اینجاه داعی حق را بیک اجابت گفته سجده حجت  
ایزدی پیوست بجهت توفیر و احترام جانب علمای عظام  
جمع و کاکین بازار ما و کاروانسرا را بسته و عموم خلق  
دارالخلافه حسب احکام نواب مستطاب بزرگوار و الا بتار  
ار و شیر مرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع  
شبیخ جنازه و مجلس فاتحه خوانی او حاضر گردیدند  
از اینکه مرحوم شارالیه متخلق باخلاق حسنه و بحسن  
سلوک موصوف بود و با عموم امانی دارالخلافه از بزرگ  
و کوچک لوازم تواضع و رفقا خوش معمول میداشتند  
قاطبه خلق دارالخلافه از فوت او زیاده متأسف میباشند

سایر ولایات

کرمان از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته  
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان

چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده در راه انداختن  
قشون نسبت بندر عباسی اتهامات کافی و کامل معمول گشته  
از جمله از برد سیر که چند روز در آنجا بجهت انجام مدارک  
قشون توقف داشته سیورسات یکجا به قشون مأموره را

که مسراه مقرب انخافان عبدالدهخان میرنچه روانه بندر  
مربور نموده براه انداخته است با اینکه امسال سببه خشکی سال  
آذوقه در آن ولایت کم است و بقدر رسید بار تو رخانه  
بمراه قشون مأموره روانه داشته و این سیورسات یکجا  
علاوه بر سیورساتی است که سابقا حاصل دو آب نموده در منزل  
عرض راه قشون میباید داشته اند و علاوه بر اینها مبلغ سیزده

تومان وجه نقد هم بجایگاه کلبعلی خان یا و رفوج کرمانی و چند  
نفر تجار معتبر داده اند که جنس موجوده انبارهای خود را  
برای سیورسات آماده داشته در وقت ضرورت  
روانه نمایند

دیگر از فرار اخبار کرمان که نوشته بودند مقرب انخافان  
عبدالدهخان صدارم الدوله که از فارس با قشون مأمور  
بندر عباس بود با افواج خود در لار مشغول مدارک بوده  
و درست گرد میرات و بنادر فارس هم غلگم یاباست  
سپاهی در عیت فی اجماع تویش از کم یا بی آذوقه داشتند

دیگر نوشته اند که در شب و روز عید مولود مسعود جاپون دشتی  
که امیرالامرا العظام سردار در بر بدست داشتند و شهر کرمان حسب حکم مقرب انخافان  
مسارالیه لوازم چراغانی و آتش بازی و اساس جشن و سرور و شکر و شکر  
معمول داشته اند و همچنین خود امیرالامرا العظام شارالیه هم در بر بدست

۱۲۸۶



# فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند عالیجاه محمد ابراهیم خان  
 سرتیپ افواج اصفهان با افواج اصفهان در عشق شهر صفر المظفر  
 در کمال آراستگی و نظم وارد شیراز شده اند و قبل از ورود او پناه  
 لطیف علیان سرتیپ فوج قشقایی با صاحب منصبان فوج مزبور  
 که در شهر بودند و عالیجاه عبدالحسین خان سرسنگ توپخانه مبارک  
 با جمعی از لشکر گردگان سواره و صاحب منصبان ملازمان  
 با استقبال رفته با احترام تمام عالیجاه محمد ابراهیم خان را  
 با افواج اصفهانی وارد شهر کردند و از قراریکه نوشته بودند  
 افواج اصفهان در عرض راه با کمال نظم و قاعده حرکت کردند  
 و بقدر سه موی از آنهابی نظمی بظهور رسیده است و در روز  
 ورود نواب شاهنشاده و الاتبان مؤیدالدوله نیز خلعت خویش  
 بعالیجاه محمد ابراهیم خان سرتیپ داده و مبلغ یکصد تومان بهم  
 بهر دو فوج اصفهان انعام مرحمت کرده اند و روز دیگر با جمیع  
 سرگردگان صاحب منصبان و اعیان بعنعم ملاحظه سان  
 افواج مزبوره بخارج شهر رفته اند و بدقت بسان آنها رسیدند

## مهم

در روز نوشته اند شخصی بهمانی چند بار اجناس بقم می آورده است  
 در دو فرسخی شهر خندفسر پیاده با و بر خورده بچار جنس او را  
 بغتت گرفته بودند مشارالیه مراتب را در قم عرض کرده مقرب  
 انخاقان فی و الفستار خان چند نفر سوار تنجس فرستاده بود  
 بعد از دو روز تقض سارقین را در کوه ممک در حینیکه اموال  
 مسروقه را قمت میگردند گرفته ببرد عالیجاه مشارالیه آوردند  
 اموال شخصی بهمانی را با و تسلیم و سارقین را تنجس بشارت  
 که عبرت سایرین باشد نموده اخراج بلگرد است

۱۲۸۸

و همچنین شخصی کز ازی چند بار روغن بقم می آورده است یکبار  
 روغن او در راه مفقود شده بود و بفسر سوار از قم فرستاده  
 الاغ و بار روغن را پسید کرده آورده بصاحبش تسلیم نمودند  
 دیگر نوشته اند که مال شخصی خراسانی زوار را که نقد اجناس  
 تومان و کسری بوده است در خیابان سرقت کرده بودند متعجب  
 انخاقان فی و الفستار خان قدغن اکید کرده بود که حکما باید  
 مال مسروقه پسیدان شود بعد از دو روز تجسس معلوم شده  
 بود که شخصی اصفهانی اموال مزبور را سرقت کرده است اموال  
 استرداد و بصاحبش تسلیم و سارق را بعد از تنجس کامل در حبس  
 بند

## یرو

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند ایسلا امر  
 العظام محمد حسن خان سردار حکمران یرو و کرمان مقرب انخاقان  
 محمد یوسف خان را از یرو در ماه صفر بحجت دیدنی خواسته بود  
 مشارالیه در ششم ماه مزبور بسمت کرمان رفته است  
 دیگر نوشته اند که عبد الله پیک یا ورتو بخانه که از دربار بهایون  
 با توپچی و قورخانه مامور کرمان بود در سیزدهم شهر مزبور وارد  
 دار لعلباز شده و سه روز در یرو توقف کرده از آنجا

## روانه کرمان شده اند

و همچنین نورالله خان نایب توپخانه با توپچیان مامورین و العباد  
 یرو در چهاردهم شهر مزبور وارد گردیده اند و بعد از سه  
 روز عالیجاه محمود خان نایب سابق که در یرو مامور بود با توپچیان  
 مامورین سابق روانه دار الخلاف طهران گردیده اند

دیگر نوشته اند که حاجی محمد صادق تاجر طرانی غلامی سیاه داشته است  
 قدری پول حاجی مزبور را برداشته فرار کرده بود و در عرض راه باقی سدا  
 بشهر آوردند و پول را هیچ خرج نکرده بود بتبار گرفته تسلیم حاجی مزبور و در تنجس مضبوط  
 کرده

### انجاردول خارجه

انگلیس علیا حضرت پادشاه انگلیس در عمارت خود که در جزیره ویت است توقف داشتند در فصل تابستان گذشته که هوای آنجا بسیار صفا دارد و بسیار اوقات کشتی خود سوار شده در جزایر آن ریاساحت میکردند و بنا داشتند در آخر تابستان مملکت اسکاتلند بروند چند روز در عمارت حایرود که عمارت سلطامینت و نشین پادشاهان قدیم انگلیس است توقف خواهند کرد و بعد از آن کبوتستان مملکت اسکاتلند میروند بجهت شکار کوزن که در آن است

### سردوان میبود

درین وزه در لندن انبار یکی از بنایان و مهندسین آتش گرفته بود و چنین آتش گرفتن از آنوقت که مشورتخانههای آتش سوخته شده بود تا حال در بعضی لندن اشاق نیشاده است ابتدای این آتش گرفتن معلوم نیست که از کجا ساربت کرده بود خلق آنقدر رهینند که آتش کمی از بالای باجهای پروان می آید و چونکه این انبار در کنار رود طمس واقعند و عکس آتش در میان آب افتاد در شب اشاق افتاده بود خالی از مت شا نبود صد ذرع بیشتر از انباران سایر اطرافها و خانهها سوخته شدند و میگویند که دو بیت هزار تومان بیشتر ضرر با انبار رسیده است و نصف انبار که در انجا بود سوخته نشده بود که نظام آتش خاموش کن سپرون آمدند و آتش را خاموش کردند

### عجمانیه

از حیدر معادن که درین مملکت بسیار بکار آمده است ذغال سنگیست که در پامپن نیز بنام بلای ای اسلامبول منسوب است و جایگه این معدن هست هر گلی مینامند و در انجا بخت در

پانزده فرسخ اغلب جا های آن بر جامی کنند ذغال سنگی در می آید و این ذغال سنگی در کوه واقعت چهار صد فرس و پانصد ذرع از کجبه محیط ارتفاعش پست است و نزدیک بساطل قراذیکرست هفده سال پیش ازین ابتدای پیدا شدن این معدن ذغال سنگی بود و لکن درین وزه ما زیاد منفعت کرده است بجهت اینکه ترود کشتی بنجار در آن صفحات زیاد شده است تا بحال آن ذغال سنگی که در زمین پیدا است کنده اند و در آورده اند آنقدر که در کوه نرفته اند که بدانند ذغال سنگی که در زیر است چگونه است و لکن آنجف که از علم معدن ذغال سر رشته دارند میدانند که ذغال سنگی هر چه از ته عینق سپرون می آید بهتر میشود

پشتر از صد یا صد و پست ذرع بکنده اند و باید متد ری خرج کرد و مایه گذاشت که درست بکار بیفتد و منفعت کلی بینند حال سالی سی و پنج بنار طنوک که هر طنوکی تخمینا سه خوار تبر است از انجا پروان می آید و در تابستان در بوش قاطر و غیره بار بار در و با سلا مبول میزند که نشسته از آنکه در کشتی دلتنگه میکذارند کشتیهای بنجار رسیده با انجا آمده ذغال سنگی بجهت مصرف خود بار میکنند در یکی از وزه ما همدسان معدنچیان انگلیس گذاشته اند که کار میکنند راهی ساخته اند تا کنار وریا و جالامینو رسد روزی چهار صد یا پانصد طنوک سپرون بیارند که تخمینا هزار و پست یا هشتاد و پانصد خردار بوزن هشت عباسی باشد و از فستار تصدیق صاحب منصب مهندسین که ترکیب خشکی و عمیقی در بار آورن

سمتها امتحان کرده اند نوشته اند نزدیک به پست کل لنگرگاه است بجهت کشتیها تا دریا خاک قرمز چسبیده است که لنگر کشتی در انجا خوب گیر میکند و خشکی چنین ترکیب افتاده است که کشتیها در انجا از صدمه تلاطم امواج محفوظ اند ذغال سنگی درین روزها

در اسلامبول خسرواری پست و دودنار دینار است و سپاریم  
نسبت سابق کران کم بابت و حساب کرده اند که اگر ذغال  
نگلی ازین معدن هر گلی سپرون می آید خسرواری هفت هزار  
بفروش برود منفعت کلی میکند

### فرانسه

یکی از نویسندگان فرانسه درین روزها نوشتجات لویی پانزدهم  
پادشاه فرانسه را جمع کرده چاپ میزند و این نوشتجات را در پیشگاه  
نوشته بود که امپراطور منور در حصار محم مجوس بود در ایام  
سلطنت لویی فلپت چون بعضی چیزها درین نوشتجات مطابق  
مصلحت دولت فرانسه این ایام می آید دیوانیان فرانسه نویزند  
مزبور را حبر کرده اند که من بعد چنین نوشتجات را چاپ نزنند

احوال متصرفه در یکی از روزها همای انگلیس نوشته اند  
که ماهی که سه ذرع و نیم قد داشت و از بهمان قسم ماهی درنده است  
که فرانسه رکزن مینامند در ولایت انگلیس گرفته اند و این ماهی  
بسیار کم اشاق می افتد که در آن دریا با سپید لبشوند زیرا که آنها  
درنده در دریا می گیرند پس میشوند در بند

بجست غلام و کثیر سیاه که از نیکی نیازا میشوند در آن ولایت بنا  
بدمیکند در جای معین کرده اند در کنار مملکت آفریقا که آنجا در پیشتر  
مینامند که بروند در آنجا ساکن باشند و چونکه آنجا که میراست آنها  
خوش میکند و درین روزها نوشته اند که درخت قهوه در آنجا  
کاشته بودند و قهوه خیلی خوب بهم آمده بود کمان آرند که قهوه  
در آنجا آن قدر بل ساق و پورند که بیخارج نرفتند

در نیویارک سینکی دنیا از خارج بسیارند و حساب کرده اند که در  
بعضی دپانزده نفر که در آنجا مرده اند با بض و مهشاد و دودنفر  
ولایت بوده اند و باقی هسل خارجه

در پرینچونگو سینکی دنیای جنوبی در فمیل ایران که در وسط تابستان  
امسال بارندگی بسیار شده بود آب رودخانه بالا آمده و چپ نهر  
در میان آب غرق شده بودند و بقدر صد هشتاد تومان ضرر  
بخلق خورده بود

نزدیک پاریس پای تخت فرانسه جائی با صفا هست که بود و بلو  
مینامند و پشته است در پیشگاه حصار دور شهر پاریس را  
ساخته بودند این پشته را قدری کوچک کردند بجهت ساختن حصار  
و باستیان غیره حال نبادارند قدری ازین پشته بعبره و شند  
اهل پای تخت ازین مرحله و بخورند بجهت اینکه آنجا جای تفریح بود بجهت  
بزرگ و کوچک و نزدیک شهر بود

در میان تجار نیویارک سینکی دنیای شمالی پول کم یاب بود بر تبه که  
منفعت پول در تجارت که در اکثر اوقات از شتر سالی صد تومان  
پنج تومان است این روزها شده است سالی صد تومان و د تومان  
بلکه هم بعضی اوقات پانزده تومان میدهند آنهم در جائیکه  
معتبر باشد

از مملکت اسپانیول نوشته اند که در بلوک انگلیس که میراست  
آن ولایت و جای حاصل آور حاصل غله و متقابل حاصل سال  
گذشته آمد بود و در بعضی ولایات ایتالیا یک و نصف  
قیمت کندم تنزل کرده بود آنهم بسبب فراوان آمدن غله  
بود هم در آنجا و هم در سایر ممالک کنارا ق و بخینند

دولت پورتو قال بسا دارند در کنار رود طا کوس راه آهن بسا  
بجست تردد کالسکه تجار از شهر سنطره الی بحر محیط هشتصد هزار پو  
خرج ساختن این راه را بر آور کرده اند که تخمینا سه کرو  
صد هزار تومان پول ایران میشود اکثر منفعت این پول از  
اجاره بناها و سکوهای کنار دریا حاصل میشود و منفعتش از راه کالسکه

۱۲۹۰

در روزنامه سابق نوشته شده بود در خصوص فرس سحری  
 که از رود نیل مصر بولایت انگلیس آورده بودند این حیوان  
 حال ابلاست انولایت مزبور پای تخت لندن رسیده است  
 یکی از سابق در لندن داشتند نر بود و اینکه حالا آورده  
 داده است و آنکه سابق آورده بودند بچه بود حالا پنج ساله است  
 و اینکه درین اوقات آورده اند پاشای مصر بولایت  
 انگلیس فرستاده است آب و هوای انگلیس نسبت بولایت  
 مملکت افریقیه که اسباب آبی از آنجا بعل می آید بسیار سرد است  
 و لکن معلوم میشود که باین حیوان خوب سازش می کند از آنکه  
 اینبار که بولایت انگلیس آورده اند خوب به شده است

در مابین مملکت کاناده و خاک دولت جمهوری نیکی دنیا  
 شمالی دریاچه های بزرگ آب شیرین است که بعضی چمن چاه  
 فرنج طول و همفت مش فرنج تاده فرنج عرض دارند  
 در آنجا کشتی تردد می کند و لکن چون در رودخانه  
 لاریس که از آنجا بجزر محیط میرود آبش تند جاریست  
 در بعضی جایها عبور نمی کند زیرا که آب از سنگ بسنگ  
 کوه بکوه مانند آب شیرین کشتی در آنجا شکسته عرق  
 میشود و در شهرهای گوبک و طیفکنس که دو شهر مشهور کانادا  
 یکی دنیا شمالی اند مدینه کشتیهای خوب بزرگ می  
 و لکن تا بحال در دریاچه های آب شیرین که بالای رودخانه  
 چنان کشتی بزرگ ساخته اند که بدریا بفرستند بسبب  
 جاری شدن آب چنانکه نوشته شد درین روزها شخصی  
 کشتی ساز کشتیهای بزرگ در طر آنطو که بالای مایطرباست  
 ساخته است و از آنجا آرد بار کرده و بکسره آن دریا  
 آب شیرین بولایت انگلیس فرستاده است و تا بحال این

تا جرم کشتی بزرگ در آنجا ساخته و بدریا برده اند که  
 یکی هشتصد و هجسد و دوطن و یکی هزار طنو بار کبری دارند  
 و آنکه اول ساخته بودند قدری ازین دو کشتی کوچکتر است

در شهر توکیل مملکت انگلیس جان آتش افتاده و روزی کشتی  
 بود که تا بحال هیچکس در آن شهر اینطور سوزند که بنجا  
 نرفته است اول آتش بمیان انبار ریجان تابی افتاده بود  
 و چون که کارخانه مزبور بلند بود باستعانت باد و زود سوخت  
 و سقف بام بمیان آتش افتاد و درین بین حرارت آتش  
 چنان شدت کرد که انباری که پر از کورک در آن نزدیک  
 بود گرم شد بطوریکه کورک در آب شده بیرون ریخت و قشک  
 جاری شد و بیرون آمد کب آتش کرد ابتدای آتش  
 از نظر بود و کورک در شب آتش گرفت بعد از آن انباری که  
 پر از پنبه بود آتش گرفت در انبار دیگر نیز سرب زیاد  
 انجم از شدت حرارت آتش آب شده بیرون جاری  
 شد این انبارها مشت مرتبه بودند و پیه که اخته و سرب کورک  
 داخل هم بیرون می آمد بطوریکه مانند آب آتش بود کشتیها  
 که در رودخانه بودند اهل کشتی آنها را دور بردند که مبادا  
 آتش با آنها نیز سرایت نماید و درین هنگام امید داشتند که  
 آتش را بتوانند خاموش بکنند که بجای دیگر سرایت ننماید  
 اما در انبارهای نزدیک با آنجا لفظ و شوره و پیه و کورک  
 و غلیاب زیاد داشت و میگویند که کمی بار و طهم در آنجا  
 بود اما محقق نیست انبارها که این اسباب در میان آنها بود  
 بسیار محکم و مضبوط ساخته شده بود بطوریکه گمان داشتند که  
 آتش با آنجا تاثیر نماند دیدند که گره های این سوزندگی تاثیر کرد

بطوری که انبارها که آتش با آنها رسیده است نیز گرم شده  
یکبار دیدند که انبارهای مریز که ارتفاع زیاد داشتند  
مانند بار و ط آتش گرفته به هوا بلند گردیدند و زمین مانند  
زلزله سبکت آمد پلها که در رودخانه ساخته بودند کم  
بود که خراب بشوند در رودخانه مانند دریا موج میزدند  
که سبته بودند از صدمه آتش کسوده شدند که چنانچه  
از شیشه شکسته و سفالینه و غیره پر گردید مردوزن و  
اطفال که خوابیده بودند همه ازین مقدمه بیدار گردیدند بگوچنانچه  
ریختند که برینند چه خبر شد و آنها که در کنار رودخانه  
ایستاده بودند دیدند که پل بلند که در روی رودخانه ساخته  
بودند مانند سیم نازک در حرکت و لرزه است و فریاد  
و بیابانک خلق با سمان میرفت اطفال پر و ماد و خرد  
کم کرده بودند و پدر و مادر پی اطفال خود می کشتند بچانه  
سرباز که در آنجا بودند طولینه آب با شمی می آوردند سه نفر  
از این لشخاص سوخته و تلف و سی و دو نفر محترق که زنده  
اما قریب هلاکت بودند تا بحال معلوم نیست که چند کشته  
و زخم دار شده اند آنچه معلومست بقدر پانصد نفر کشته  
شده اند اما گمان میبرند که بسیاری در زیر خاک و حرا  
مانند اند که بجه معلوم خواهد شد ضرر که بمردم خورده است  
از چهار کرد و پول ایرانست و ضرب آتش گرفتن انبارها  
مربور ازین معلوم میشود که تا دو فرسخ دور شهر تخته و کاغذ و کتابها  
و غیره در روی زمین پاشیده بود و در کل خانهها که صد  
ذرع در صد ذرع دور آنجا بودند کجا پیش خرابی بهم رسیده بود  
و از احسن اتفاقات اینکه این سوزندگی در کنار رودخانه  
بزرگ شده بود بطوریکه از آب تنگدستی کشیدند و الا

۱۲۹۲

احتمال ضرر و خرابی بیش ازین مشهور بود انظر و ولایت  
انگلیس که آتش گرفته است بسیار آباد است شهرها و قصبه  
همه نزدیک بهم اند و از آنجا با نظام آتش خاموش کن با  
چرخ آب پاشی فوراً با آنجا حاضر شدند چنانکه فاعده است در  
اینطور آتش گرفتن اعیان شهر جمع میشوند که تحقیق نمایند تحقیق  
کردند اما معلوم نشد که در آنجا بار و ط بوده است یا نه بعضی  
میگویند که همان اجزا که در آنجا بود از شدت حرارت آتش  
خود سجد مانند بار و ط آتش میگیرد و خرابی میرساند در  
مملکت انگلیس قدغن است که کسی بار و ط زیاد در میان آب  
نگاه ندارد و اگر کسی بار و ط زیاد داشته باشد باید بسیار  
خبر کند که بجای خاطر جمع بگذارند از آنجهت یک صاحب  
از دیوان مامور شده است و با آنجا آمده که درین باب تحقیق

مکند

در روزنامه انگلیس نوشته اند که در پنجاه و شش سال  
پیش ازین که این دولت با دولت اسپانیول جنگ داشتند  
چهار کشتی کوچک انگلیس دو کشتی بزرگ اسپانیول را گرفته  
و بولایت انگلیس آوردند و بار این کشتیها خاک طلا و نقره و  
بود در ولایت انگلیس فروختند و پولش سیصد و یازده هزار  
تصد و نود و پونصد شده بود که تخمیناً یک کرو و صد و بیست  
هزار و سیصد و شصت تومان این ولایت میشود در چین  
جنگ در روی دریای مانت و عارت میشود و لکن چینی  
که در یکروز بد کشتیهای مریز افتاد کم اتفاق می افتد

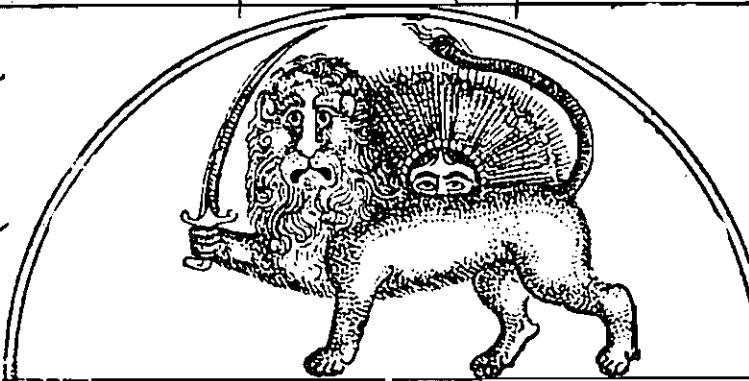
# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم ماه ربيع الاول مطابق سال ۱۲۷۱

مزد دویست و دو

قیمت روزنامه

یک نسخه دو شاهی یک

دو تومان و چهار هزار



نظریه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

میکسطلی چهار سطر کثیر آرد

پشتر باشد هر سطر پشتر

## اخبار و حمله مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده بود که بشکارگاه جابره و تشریف فرما شدند چون رسم شکار درین دولت علیه خصوصیت دارد و در هیچ یک از دول دیگر این قانون باین اساس و جلال که انشای دولت علیه و چاکران حضرت کرد و در بطلت سینه و عموم نوکر باب با لوازم اسباب شکار باید ملزم رکاب همایون باشد معمول نیست لهذا این قانون درین دولت علیه تفسیر و اساس تمام دارد و هر سال بعضی این شکارگاهها موکب همایون حرکت میفرمایند درین اوقات که بشکارگاه جابره تشریف بردند چنانچه سابقا نوشته شد جناب جلالت مآب امجد الفخیم صدر اعظم و سایر خدم و حشم و اغلب اهل سلاح در موکب همایون بودند و در آن اطراف توقف فرمودند و شکار از برقم فرمایند و از آنجا بجهارامیر که شش فرسخت تا شهر تشریف بردند شب در آنجا تشریف داشتند و نظر با احترام جانب علمای اعلام و القات خاطر ملوکانه بعضی شاهزادگان عظام که در موکب همایون نبودند

و ظهور مراتب و داد با سفرای دول متخاصمیت هر یک هر یک از لشکارگاه شکار کبک و عینره مخصوصا دارالخلافه مبارکه و ستاندند و در هنگام مراجعت در روز یکشنبه بعد از ظهر حسب الامر همایون چند فوج از افواج متوقف دارالخلافه مبارکه با توخانه و عینره در میدان خارج دروازه دولا ب حاضر شده بعضی مشق حرکات قشون و جنگ مغلوبه که طرزها و تازکی داشتند حضور مبارک نمودند و حرکات افواج قاهره مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه افتاد و دو ساعت بغروب مانده از دروازه دولا ب داخل شهر گردیده و از میدان خارج وارد ارک مبارکه که سلطانی شدند

از جمله ایرادیکه انالی یوروب برای این مملکت متذکر شدند یکی اینست که تقصیر متمم ثابت نشده تنبیه میکنند و قرار تنبیه هم بچوب کاریت در تحقیقت این شبهه بی اصلیت که در حق دولت ایران شهرت داده اند و ایامی دولت بصراحت خودشان نه احدی را بی ثبوت حبرم بمقام تنبیه و سیاست می آورند و نه چو بکاری و سیاست را بنیج مستحقین و مرکتین تقصیرات عظیمه در باره کسی جایز و روا میدارند بلکه کسانیکه

۱۲۹۳



از خود اهل یوروب در این مملکت هستند کمال ابرام و نهایت  
 اصرار دارند که محض ادعای این که فلان کس در نظر ما  
 مقصود است بدون رسیدگی و تحقیق تنبیه شود آنهم  
 بچو بجاری لاعیند و انجمنی در سرکو چها که زبهر وقت  
 آن در این مملکت از هزار گونه شکنجه بدتر است دور  
 نیست که این نوع تباهی کار آنها باعث اینگونه ارجح  
 بوده باشد باری اولیای دولت ایران محض رفع  
 اینگونه شبهه های امانی یوروب و استمرار در طریق  
 حقانیت و معدلت بر خود تدار و اندک تا تقصیر م  
 ثابت و محقق نشود پتنبیه او نپردازند و تنبیه هم منحصر  
 بحبس باشد آنهم باندازد مجرم و تقصیرش دیگر بنا بر  
 اصرار مدعی هیچ متهم را بدون اثبات تقصیر تنبیه که  
 منحصر بحبس است نکنند و بنا باصرار آنها تمکین آن نوع  
 تنبیه که در نظر کل امانی یوروب خوش آیند نیست نیند  
 و بهنگ حرمت مردم و مکتوب زجر شکنجه دست

هر چند که سال قدری خشک سالی شد باز بقدر کفایت  
 خلق غله نو و کهنه هست که بارزانی خرید و فروخت شود  
 اما چون از یک طرف مردم هول برداشته در فکر این  
 افتادند که تدارک آذوقه کل سال را یک دفعه به سپند و از  
 طرف دیگر صاحبان املاک و مایه بمقام امبار داری  
 برخواستند بدو جهت مسطوره چندیت که روز بروز  
 قیمت غله بالا میرود و از آنجا می که همیشه رفاه و آسایش  
 عموم خلایق منظور نظر می یونست حسب الامر الاقدس مقرر  
 آمد که امبار داری موقوف شود و نرخ غله و کاه در  
 دار الخلافه طران از قسرا تفصیل ذیل باشد که رفاه مشتری

۱۲۹۴

د فرو شدند بر دو هست کیمه در  
 مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دار الخلافه و فسخ خان  
 و احمد خان نوائی و قاسم خان جارچی باشی مامور شدند  
 که هر جا انبار سراغ نمایند بجهت مصارف ارباب احتیاج  
 ضبط نمایند و قیمت آنرا از قسرا تفصیل فوق کار سازی  
 کنند بموجب این اعلام نامه بر بکس لازم میگرد که هر جا  
 انبار غله سراغ نمایند مقرب الخاقان مشار الیه م را اطلاع داد  
 که آنها از روی دستور العمل خود رفتار نمایند و از آنجا بیکه  
 در رعیتت مقرب الخاقان مشار الیه م و بتدارک آذوقه  
 سالیانه خلق هستند و مکتوب ضامن رسانیدن آذوقه  
 بقیمت مسطوره فوق میباشد لکن لزومی ندارد که هر کس  
 یک دفعه آذوقه سالیانه خود را بخرند بلکه میتواند بتدریج  
 خریداری نماید و مطمئن باشد که عسرت نخواهد کشید و نیز  
 بتکام ولایات نزدیک اعلام میشود که هر کدام بتواند بقیمتیکه  
 معین شده است غله بطهران رساند باندازه این نوع  
 خدمتش مورد الثقات خاص سکارا علیحضرت شاهنشاهی  
 خواهد شد دیگر بجموعه امانی طهران تکلیف میشود که هر کس  
 مال و دو اب زیادی دارد در طهران نگاه ندارد یا بخارج  
 بفروشد یا جائی بفرستد که خسروانی و از زانی باشد

سایر ولایات

آذربایجان از قسرا یک در روز نامه آذربایجان  
 نوشته بودند امر آنجا از اهتمامات اولیای دولت علیه  
 کمال نظم و انضباط را دارد و نواب شاهزاده و الابرار  
 نصره الدوله نایب الایاله آذربایجان و مقرب الخاقان  
 قایم مقام در نظم امور مملکت و تحمیل موجبات آسایش

و آرایش رعیت کمال اهتمام را دارند و از هر کس خلاف قاعده ظاهر شود اعم از اهل نظام و غیر نظام مقرب الخاقان مشارالیه در رفع آن کمال اهتمام مینمایند از جمله بعضی افواج که احضار شده بپستریز وارد شده بودند بنیای دزدی گذشته که سفندی می گشته اند و اخلال با مرقصا بنجان می کرده اند مقرب الخاقان مشارالیه قدغن کرده اند که کشتن کوفند را موقوف دارند تا جماعت قصابان با سود کی و فسادت مشغول کسب خودشان باشند و آنها یک معده میرز کی شده بودند مقرب الخاقان مشارالیه پست سفند از مقصیرین را در اطاق نظام حاضر کرده تنبیه نظامی از آنها بعمل آورده اند و بالفعل امر

مقصا بنجان: اینجا کمال نظم را دارد

نوشته بودند بقدر هشتصد تومان جوایر و اسباب عالیجاه حبیبیل خان پسر مصمام خان سرقت شده بود مراتب را مقرب الخاقان قایم مقام معلوم داشته صادق داروغه را خواسته باوقغن کرده بودند که مال را از تو

میخواهم او بهم سپرد کرده آورد تسلیم محبتش کرد

از قراریکه نوشته بودند کبک جناب محمدالمجتهدین حاج میرزا باقر امام جمعه و جماعت وفات یافته بود در مسجد مجلس فاطمه خوانی برپا کرده بودند مقرب الخاقان قایم مقام و دسر محمام خارج مجلس تغزیه جناب مشارالیه رفته اند و وزیر نواب شاهنده بنجان جناب امام شریف برده مجلس تغزیه را برچیدند

کرمان

نوشته اند که قشونیکه با شاق عالیجاه موسی خان

سرحد داربیم و نرماشیر ما مور سفر بمپور و بلوچستان بود در هشتم ماه صفر از سمشد با تو بنجان و قورخانه روانه گردید بعد از ورود به بم کاندی از مشارالیه رسیده بود که بقدر دو هزار نفر از بلوچ سیستان و آنظر فها باراده تاخت و تاز و دزدی در شب سیتان جمع شده بودند و جاسوس آنها بدین جات نرماشیر آمده همه با تفنگچی و فتراول مستعد دیده مراجعت کرده بود در روز مراجعت جاسوس مزبور ناخوشی در میان اشرار مزبور افتاده بقتدر چهار صد نفر آنها لطف شده بودند و مابقی یکدیگر را در سرحد سیستان تاخت و تاز کرده متفرق شده اند امیر الامرا اعظام سردار بعد از استماع این خبر نوشتجات بعالیجاهان سردار علیخان حاکم سیستان و ابراهیم خان و دوست محمد خان بلوچ نوشته و با چاپار روانه داشته اند که یا متفقا اشرار مزبور را تنبیه و کوشمال بدینند یا صریحا بنویسند که ما قوه دفع این اشرار را نداریم تا از کرمان قشون ما مورد دفع آنها شود

مازندران

از قسرا ریکه در روزنامه مازندران نوشته بودند بعد از وفات مرحوم مصطفی قلی میرزا از بابت نبودن حاکم فی الجمله اختلالی در نظم امور آنجا حاصل شده بود سه نفر از متابعین داروغه بلده با فروش برای اخذ جزی آنجا شهیدی اسمعیل نام عطار با فروش انگارک ده صدقه کللی و اورا آورده بودند که نزدیک بلاکت ده مرده بود مراتب بعرض نواب شاهنده امیر تریب حکم صادر کرده آدم فرستادند که رفته مرکتین را گرفته بیاورد آنها را که خدمت نواب مغربی آوردند موافق حکم شرع و رضای رفته مقتول قرار گرفتند بقصاص عمر خود

۱۲۹۵

۱۲۹۵

### تیسرا خناس از اغانی طهران

دارچین یک من یک تومان	کنندم یک حسروار پست و دو هزار
زعفران ده سیر شانزده هزار	چوبک حسروار نهجده هزار
قدیزی یک من چهار هزار و هفتصد و پنجاه	گاهیک حسروار هشت هزار
قداریسی یک من هفت هزار	سخودرسی یکخوار سه تومان
زیره یک من دو هزار و یک عباسی	ماش یکخوار بیت و پنجاه
رز شک بیرانه یک من سه هزار	لوبیا یکخوار سه تومان و یکریال
رز شک تبریزی یک من چهار هزار	عدس یکخوار سه تومان
شکر یک من سه هزار و پانصد و پنجاه	ارزن یکخوار ده ریال
بنات یک من پنجاه دینار	کرچک یکخوار سه تومان و ششصد و پنجاه
فلفل یک من چهار هزار و پانصد و پنجاه	سکنیک یکخوار پانزده هزار
سکنجین یک من سه هزار	کجنج یکخوار چهار تومان و نیم
آب لیمو یک من دو ریال	یوسنج خشک یکخوار یازده هزار
حلویات خوب یک من پنجاه و پنجاه	برنج عنبرلو یک من دو هزار و سیصد و پنجاه
تباکوی اعلی چهار من شانزده هزار	روغن چهار من سیزده هزار و پانزده
تباکوی وسط چهار من یک تومان	برنج کرده چهار من دو هزار
	شیره چهار من دو هزار و هفتصد
	پینه کداخته چهار من هفت هزار و پانصد
	تان یکخوار بیت و سه هزار و پانصد
	گوشت یک من هزار دینار
	شع یک من دو هزار و چهارصد و پنجاه
	پنیر شور چهار من شش هزار و ده شای
	ماست چهار من یک هزار و هفتصد و پنجاه
	یل یک من بیت و یک هزار
	میخک یک من پنجاه و پانصد دینار

### اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید بیت و پنجم محرم بود علیا حضرت پادشاه انگلیس در آن تاریخ در عمارت ویترا تشریف داشتند و زرا که اهل خامر پادشاهند حسب احکام جمع شده بودند و حکم کرده بود که اهل مشورتخانه وکلای رعایا و خوانین بتاریخ ۲۶ صفر در مشورتخانه لندن بجهت انجام امور دولتی جمع بشوند این همه خلق اعلام کرده اند و لکن چنین میدانند که در وقت جمع نخواهند شد و در آن من حکم ثانی صادر خواهد کرد

جده بزرگ مستان جمع بشوند در روزنامه اسلامبول خبری که با نسیم و چرخ آتشی از لندن بتاریخ ششم صفر رسید نوشته بودند که آتش در میان خانه های شهر لوز پل افتاد و خانه های بسیار سوخته و اموال زیاد از مردم تلف شد

### اسپانیول

درین ولایت برهنجوردکی مخدود در میان مخلوق نشده بود و امید داشتند که کم کم نطفی در آنجا بگذارد که خونریزی و اغتشاش نشود

موسیو سولوزیر مختار ارجنانب دولت یونانی در مامور مدیو پای تحت اسپانیول از دولت اسپانیول اذن مراجعت خواسته بود و دستهای مابین دولتین را که هم رزده بود خودش از مملکت اسپانیول بیرون فرستاده بود و در خاک فرانسه نزدیک بسره نشسته بود تا از دولت خودش چه حکم شود تفصیل سبب برسم زدن دولتین و دولتین را نوشته اند و لکن چند وقت است که گفتگو مابین دولتین مذبذب است در خصوص جزیره کوبو بعضی مطالب دیگر و کمان داشتند که سایر دول فرانسه در میانه توسط و میا بجیکری بکنند و الا این دو دولت هر دو طالب جنگ اند

### فرانسه

تاریخ روزنامه آخر که درین هفته از این ولایت رسید روزنامه انگلیس بود چونکه در اکثر بلوکات فرانس حاصل آمده بود قیمت غله تنزل کرده و ارزان شده بود و امید داشتند که در اندک مدت بقیمت سنواه سابق برسد تا چونکه در بعضی بلوکات یونانی که از آنجا غله بفرستد

حاصل بسیار کم آمده و خشک سالی شده بود احتمال میرفت که غله در فرنگستان چندان تنزل کند تا بعد ازین چه معلوم بشود در بعضی بلوکات یونانی که در سالها متعارف افتاد غله فراوان دارند که نصیب حاصل آنها بجای میرفت اسال زیاد از قدر کفایت خود انالی آنجا بعضی نیاده است بلکه در بعضی جایجا عوض اینکه غله بجایجا حالا باید از خارج بخرند و در نیت کم کم آمدن غله یونانی باعث این بود که غله در فرنگستان چندان تنزل کند و الا

در ولایت فرانسه و ایتالیا و انگلیس و بعضی جایهای دیگر غله بسیار اسال بعضی آمده است احوال داو ضاع احوال از بسبب بسیار منظم و خوب بود و ولایت این تمام داشت همیشه و شغلی در آن ولایت خوب شرفت داشت در کون رزاعت خوب آمده بود مگر حاصل المور که با زرافت میان تاک المور افتاده بود و آنها که در سمت جنوب فرانسه و اسپانیول و سایر جایها گذران شان داشتند بجا المور بود ضرر کلی ازین مرضه با آنها دار و خواجده آمد

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که علیحضرت سلطان عبدالعزیز بن عبدالعزیز که کونت و لیز و وزیر جنگ فرانسه نشان مجیدیه از مرتبه اعلی فرستاده است و جناب ولی الدین رفت پاشا سفیر کبیر از جانب دولت عثمانیه مامور پاریس مای تخت فرانسه نشان فروردی

### سایر دول فرنگستان

پادشاه دینمارک که در تابستان گذشته در روی دریا

۱۲۹۷

نزدیک بولایت خود شگفت و سیاحت میکرد چونکه  
بعضی املاک در مملکت سوید دارد بیکر کشتی املاک خود با سجا  
رفته بود

پادشاه پورتو قال که مدتی است در فرنگستان سیاحت  
میکند در شهر برلین قدری ناخوش شده بود و لیکن صحت  
یافته و از آنجا بمت وین پای تخت مملکت استریم رفته بود

### احوال متفرقه

از جمله چیزهای غریب که درین روزها در ولایت انگلیس  
در کارخانه تازه ساخته اند یک ورق کاغذ بود که در  
نه خوار بود و طولش بیشتر از شصت ذرع

سیلات در مملکت انگلیس امسال منفعت خوب کرده است  
خصوصاً از داماهی در یکی از سیلات آنجا که این ماهی را  
میکینند درین چند ماه تا سبتان که موسم گرفتن این ماهی است  
بیشتر از سیصد خروار بوزن هشت عباسی ماهی گرفته بودند  
و بر روی هم هر یک چهار هزار و پانزده شاها بوزن  
رفته بود

در بعضی جایهای فرنگستان رعایا در عوض میزم خاک چمن  
میوزانند و خاک بدشتن خاک چمن باین طریق است که خاک  
دایم آب دارد و خاکش سیاه شده است باین می  
و خاک می کنند و نزدیک بخانه خودشان تخته میسازند  
میدارند مانند سوخت کا و عنبره که در این ولایت میوزانند  
میوز و حال در مملکت بواریه این خاک چمن را بطوری عمل  
می آورند که مانند ذغال سنگی می شود و در عوض ذغال  
در بعضی چرخهای بخار مصرف می کنند و بجهت چرخ کالک  
که در آن ولایت تردد و عبور میکند هم مصرف آمده است

۱۲۹۸

از شهر انشورپ مملکت منته که در اصطلاح فرانسه انشورپ  
ینامند نوشته اند که در هشتم ماه اول امسال پانزده هزار  
هشتصد و نود و شش نفر از آن شهر خارج شده اند که بروند

به یکی دنیا و جاهای دیگر سکنی بگیرند و این بیشتر از آن است  
که در تمام سال گذشته از آنجا بیرون رفته اند ازین اشخاص  
که از شهر انشورپ بیرون رفته اند ده هزار نفر از اهل سوید  
هستند و حساب کرده اند که از هر سیصد نفر یک نفر از اهل  
سوید آن درین یکسال و نیم از آن ولایت بیرون رفته اند که  
در جایهای دیگر ساکن بشوند

در مَم سنّت او تر که زوجی یکی از خوانین معتبر فرانسه بود  
درین روزها فوت کرده است و از قرار بکه نوشته اند  
مشار الیه یکسال عمر کرده بود

فراوانی حاصل غله امسال در مملکت انگلیس در بعضی بلوکات  
ازین معلوم میشود که یکی از زراعت کاران سمت جنوب  
آن ولایت که چهار هزار خروار تخم امسال کاشته است  
که در مدت چهل سال که باین شغل مشغولم تا حال بخاطر  
نمی آید حاصل اینطور آمد کرده باشد و نذر سبته است که در  
اکثر جایها که خودش تخم کاشته است تخمی هفده تخم بعل  
بیآورد

راه آهن سخته تردد کالک بخار ما بین اسکندریه مصر و قاهره هنوز  
گشوده نشده است و لکن در فصل بهار آیند کام خواهد شد  
اقتادان راه مزبور سببش این بود که در نزدیکی رود نیل  
جایها باید ارتفاعش نیم ذرع بلکه سه چهارم بیشتر از آن باشد  
که سابق بر آورد کرده بودند برای اینکه در وقت تدابیر  
بالای آید ضرر بر راه مزبور نرساند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در بعضی جناب رومیان  
 که اکثر حاصلش از میوهات خنجر است خصوصاً قوام  
 کشمش نسبت بسالهای سابق بسیار خوب عمل آمد  
 بود اگر چه باز آفتی میان تاک انکور افاده بود و لکن بعضی  
 از اعیان آنجا ظلم غریب بخلق کرده بودند قیامت کبیشش  
 در طریقت مملکت استریه که اکثرش بانجامی رود هر کلیه  
 که چهل و چهار حقه است از شانزده فلازن تا پست فلازن  
 میشود که تخمیناً صد و شصت یا دویست قروش راج مملکت  
 عثمانیه است بخلق حکم کرده بودند که هر کلیه شصت قروش  
 بفروشند و خودشان غنماً میخریدند و بنجارج میفرستادند  
 این کذا ریش زود بعرض امنای دولت رسید و رفع  
 ظلم از اهل آنجا کردند و ستپنه که سزاوار اعیان بودند نمودند  
 دیوان در محافظت احوال رعایای آنست اہتمام کامل دارند  
 از جمله مبالغ کلی خرج کرده اند بجهت کود کردن و بغیر  
 لنگر گاه کشتیها که بانجامی آیند و بار میرند که حاصل  
 رعایا بزودی و سهولت بفروش برود و لکن بعضی از اهل  
 خود آنجا بطوریکه نوشته شد ظلم کرده بودند

در شهر کل در انبار قبلا فاده بود شهر مملکی از بزرگترین شهرهای  
 مملکت پروسیه است و چونکه در کنار دریا واقعست تجارت  
 عمده بدولت خارج دارد یکساعت بعد از غروب آفتاب  
 ابتدای آتش گرفتن ظهور کرد چون باد شدت میوزید آتش  
 زود بنجانهای اطراف سرایت کرد و بانبار سیزم رسید نظم  
 آتش خاموش کن در آن شهر زیاد مضبوط است اما چون که  
 در اکثر خانهای اطراف انبارهای بزرگ از قبوت و کتان داشتند  
 بسبب باد شدید نتوانستند خاموش کنند بعضی از کشتیها  
 که در لنگر گاه بود میان ریاشیدند که از آتش سالم باشند بعضی  
 که آتش گرفته بود زیرش را سوراخ کرده در همانجا غرق کردند  
 که آتش بجای دیگر سرایت نکند و هزار ذرع ازین شهر آتش گرفته است  
 و کوچها و جایهای خوب آن شهر همه خاکستر و خراب شده اند  
 ضرابخانه دولتی پنج مدرسه و تماشاخانه سوخته شده است  
 معلوم نیست که چه قدر ضرر بخلق خورده است و لکن معلومست  
 که چند کرو و سحاب پول ایران میشود در روزنامه که تاریخ آن  
 دوروز بعد ازین آتش گرفتن بود نوشته اند که حساب کرده اند  
 پنجاه ملیان فرانک بحساب فسرانته که تخمیناً ده کرو و پول ایران است

ضرر بخلق رسیده است

ایضاً در روزنامه اسلامبول نوشته اند که علی افندی  
 که مدتی از جانب دولت علیه عثمانیه در برلین مصلحت گذر  
 بود بعد از مامور شدن کامل افندی برلین بمنصب وزیر  
 شماری مشارالیه باسلامبول مراجعت کرده است و در پنجاه  
 توقف او در برلین پایتخت پروسیه در امور دولتی محول نمودند  
 کمال اہتمام و غیرت و درستی عمل آورده است

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دولت جمهوری نیکی دینا  
 شمالی میخواهستند یکی از ممالک کوچک ایتالیا را که مناکو مینامند  
 بخرند در سر این مطلب خیلی کشکوشد کویا بعضی از دول راضی نبودند  
 که دولت مزبور زمین در اطراف بحر سیفند داشته باشند حال از  
 قرار نوشته آنها معلوم میشود که یا اصل داشت یا معامله آنها سرکرفت  
 اگر چنین کشکوشی بود پسار مخفی بود و در مانعتر که روزنامه دولی مملکت  
 فرانسه میاشد نوشته اند که این مطلب از اول اصل نمیشد

در شهرت مملکت استریه مردم زیاد کرده و مجوس کرده اند  
 و در سایر ممالک مجار که جزو ممالک استریه پیا شد نیز بسیار  
 از مردم را گرفته اند و اکثرشان از ایمان و از کیششان و بزرگ  
 دین آنها هستند از صاحبان اطلاق و مردم متمول سبب گرفتن  
 و مجوس کردن این اشخاص درست معلوم نشده است  
 در روزنامه انگلیس نوشته اند که کار معدنچیان در مملکت  
 بسیار خوب پیش میرفت و معادن خوب کار میکردند چنانکه  
 نذار که معادن ولایت فربور با نیرتبه در کار باشند اکثر  
 معادن این مملکت از مس و قلعست و معدن قلع در دو جای  
 دارند که اکثر ممالک روی زمین از ایام قدیم ازین دو جاقلع  
 میخریدند و حالا هم همینند یکی در جزیره بکار که یکی از جزایر  
 بحر هند است و یکی در مملکت انگلیس معدن قلع در ولایت انگلیس  
 از تواریخ معلومست که دو هزار سال پیش ازین در کار بود  
 و آنوقت هم قلع از آنجا ممالک اطراف بحر سفید میرفت که مصر و  
 عربستان و ایتالیا و اندلس و عینره در آن ایام مگر پیش ازین  
 قلع از ولایت انگلیس میخریدند

۱۳۰۰

می آیند بعضی خود را در زیر عراب می اندازند و خورد میشوند اما سال  
 هند و ما زیاد با بخار گرفته اند بطوریکه آذوقه آنها را نمید و بسیار  
 از آنها از کرسنگی درهما بمالفت شدند  
 در روزنامه کشتیک از ولایت نول ما لندی آمد نوشته اند که در  
 فصل بهار که گذشته و قیتکه رسیده بودند بدرجه پنجاه و شش  
 عرض جنوبی و صد و چهل و یک طول مغربی کوهی در میان دریا  
 دیده بودند اول سه چارپشته پیدا شد بعضی یک میدان آب  
 طول و نیم میدان عرض و صد ذراع ارتفاع داشتند هوا  
 رطوبت زیاد داشت و تاریک بود و کمال احتیاط بجهت کشتی  
 داشت و قیتکه بالای تیر کشتی رفتند از هر طرف که نگاه میکردند  
 دریا پر از کوهی بود و کمال احتیاط در رفتن کشتی داشتند که نشکند  
 شش کشتی یکی ازین کوهها خورد و کنگن بطوری نخورده بود که شکسته  
 بشود چهار روز در میان این کوههای یخ بودند و حساب کردند  
 که بقدر صد فرسخ دریا این یخ را داشت تا رسیدند بکپ مان  
 که سمت جنوب یکی دنیا پیدا شد در میان دریا یخ بود بسیار کم  
 اتفاق می افتد که درین درجه دنیا اینقدر یخ پیدا بشود

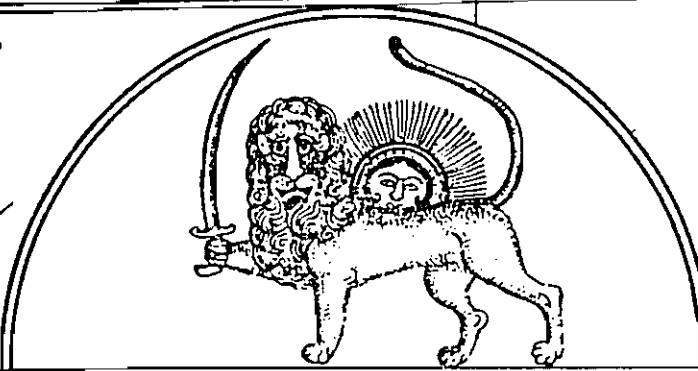
### اعلامات

در روزنامه جنریره سیلیا نوشته اند که حاصل غله در آنجا پیا  
 خوب بعل آمده بود و امید داشتند که حاصل انکور سینر در آن  
 ولایت خوب بعل پاید  
 در حساب تجارت دولت نیکی دینای شمالی نوشته اند که در  
 چهار سال گذشته چهارده هزار جنر در پوزن هشت عساکر  
 کهنه بجهت ساختن کاغذ از ممالک خارج داخل آن ولایت گشته  
 در سمت جنوب هندوستان جایی هست که جگر نات میند آمدند  
 که در آنجا بت بزرگ از سنگ تراشیده در روی عراب نگاه میدارند  
 و سالی یکدفعه آن بت را دورتجا میگردانند و هند و ما که بزیارت

کتابهای چاپی دار الخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید  
 با سچی در محل نزدیک دروازه دولا ب انطباع شده از انقباض  
 فروخته میشود  
 کتاب و سایل با فهرست یک جلد ده تومان  
 حمله نظامی دو تومان و پنجاه  
 سحر ایر دو تومان  
 زبده المعارف دو تومان  
 معراج السعاده یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شنبه شریف الاول مطابق سال با سنیل سنه ۱۲۷۱

نزدیکت و  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دوازده ریال  
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار خطی یک هزار  
بیشتر با هر خط پنجاه

اجمار داخل ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیت و ششم ایماه اعلیحضرت پادشاهی  
بجهت تفریح و تماشای اطراف دارالخلافه سوار گردیده تا  
یافت آبادت شرف بردند و الی حوالی عصر در آن اطراف  
بتفریح مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک کبیر  
سلطانی مراجعت فرمودند

نظر بخدمات و حسن صدق عالیجاه حاجی محمد بیگ پیشخدمت  
درین اوقات از قرار فرمان مبارک طبقه خانی سرفراز گردید  
درین اوقات چون بجهت نیامدن باران غلّه قدری تسخیر  
مردم فی ایچکله تسوئش داشتند از آنجا که اعلیحضرت پادشاهی  
اوقات رفاه و آسایش عموم رعایا را منظور دارند حسب الامتداد  
مقرر گردید که غلّه دیوان که زیاد از حد ضرورت بود بمردم بقدرد  
و بقدریکه نیاز حروار غلّه که در دارالخلافه انبار بود بخلق فروخته شود  
اطراف قزوین و غیره نیز علی التوالی حسب الحکم دیوان  
می آورند و بسبب حسن تدبیر امنای دولت علیته  
رفع تسوئش خلق گردیده درین چند روزه نیز یکدوم  
بارانی در دارالخلافه و اطراف آمده باعث امیدوار  
خلق گردیده و امید است که با زحمات بارندگی بشود  
و قیمت غلّه تنزل بکند که رعایا بدو برآید آسوده خاطر باشند

عالیجاه جمع قلیخان سرتیپ و فوج مرانه که احضار بدار  
همایون شده بود این اوقات برکاب فیروزی امنایان  
اعلیحضرت شاهنشاهی آمد در میدان ارک از حضور همایون  
گذشتند چون دو فوج مزبور زیاده داراسته بودند و عالیجاه  
جمع قلیخان سرتیپ آنها را با کمال نظم و شکوه آورده بودند  
نوازش و الطاف سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی گردیده  
نسبت بعالیجاه پشارالیه از جانب سنی ایچو انبار پادشاهی  
مرحمت مولا که بمذول افتاد و زیاد تحسین فرمودند

درین اوقات نواب میرزا پیر مرحوم شاهزاده ملک از افراس  
استخط همایون اعلیحضرت پادشاهی منصب حلیل ملک الشرفانی نواب  
مستطاب امیر نظام سرفراز گردید

افواج قاهره نظام هم روزه در میدان خواجه شریف مشغول مشغول  
سایر ولایات

۱۳۰۱



اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعلت بیاید  
باران جماعت جنازان آنجا قیمت نام را اگر آنرا کرده بود  
عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان مطلع شده بود  
جماعت جناز را حاضر کرده تیبیه معقولی نمود و قدغن کرده بود  
که نماز از قرار یکم شاه سه عباسی بفرود شد حتی کیست  
از مغرب گذشته خود عالیجاه مشارالیه بازار رفته بود  
که از کیفیت خرید و فروش آن مطلع شود بعد از آنکه  
بود جنازه فی السجده تعلق می کنند چند نفر آنها را در جنا  
تیبیه کرده بود فردای آن روز قیمت نام از آن شده بود  
بهرسانه بود که در سر هر که زمان فرودخت می شد

دیکر نوشته اند که در قریه از قراولان تقی نام دشتبان  
بارضا نام رعیت آنجا تراغشان شده سه چهارچوب به  
پهلوی رضاناام زوده بعد از دو سه روز از صدمه جان  
که بر پهلوی او زده بود فوت شده است عالیجاه چراغعلی خان  
بر این فقره اطلاع یافته فرستاده تقی نام را آورده بعد از  
ثبوت قاتل را بدست و شره مقتول داده بود و چون که پانجا  
صغیر در میان بوده است موافق حکم شرع انور قرار  
بأخذ دینه و ادیه تیبیه کامل از قاتل بعل آورد است

خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند قافله  
از بهرات بمشهد مقدس می آمد و قافله هم از مشهد  
بهرات میرفته است و ما بین کوستان بهرات و کاز  
جمعی از سواره قرایلی با محمد شیخ بفرم تاخت و تاز آمد بود

خبر بخرنی رسیده نسیس آنها با قصد نفر سوار همراه خود  
برد داشته باباخان هزاره را بهم اخبار کرده بود که منظر  
بعبد و چپانی که در اطاعت و انقیاد دولت علیه با نواب  
مستطاب هزاره و الا تبار فرما نفر ما کرده ام رجوع بشاه  
ندارم برای محافظت قافله از تاخت و تاز محمد شیخ میردم  
قافله که از مشهد میرفته اند و قلعه مشهدی ریره که از توابع  
یا خزر است و نواب هزاره آنجا را امسال تعمیر کرده بودند  
لوقف نموده و بابا خان و محمد رضا خان هزاره در صید  
کنجا بداری آنها برآمده بودند و لکن قافله که از بهرات مشهد می آمدند  
گرفتار محمد شیخ شده اسیر شده بودند خبر بعد از الامار العظام  
سید محمد خان ظهیرالدوله رسید جمعیت باستخوان آن قافله  
فرستاده بود درین بین محمد شیخ محاورت کرده بود ما بین آنها  
و جمعیت بهرات و سواره جامی و خوانی و هزاره که با جماعت برتی رفته  
بودند نزاع شده اسیرد که سفیدی که سواره محمد شیخ برده بودند تا  
و الکنار کرده و از اختیار نمود و مخلوب و مشکوب ماند و سواران  
و بهراتی قدری راه جنگ کنان آنها را تعاقب کرده چند نفر از  
ترکانان را زخمی و معقول نموده و بعد از محبت کرده اند چون آنها  
و کوه سفیدی که از ترکانان استردا کرده بودند از اسرار اسلام  
و متعلق برحیت این دولت علیه بودند نواب مستطاب هزاره  
و الا تبار فرما نفر ما و مقرب انخاقان وزیر نظام لعمده الامراء  
ظهیرالدوله نوشته بودند که قدغن نماید سواره بهراتی اسرانی را  
که مستخلص کرده بودند و تا بنابر قراریکه خبر رسید پنجاه و یک نفر  
از اسرار را در بهرات تسلیم میرزا محمد علی آدم مقرب انخاقان  
وزیر نظام کرده اند لکن عیت و پنجاه کوه سفید که پس گرفته اند  
هنوز پس نداده اند

## اجنار دول خارجه

سقیانیته چنانکه در روزنامه سابق نوشته شده چند وقت پیش ازین پادشاه سقیانیته فوت شده بود و چونکه بی اولاد بود برادرش آمده بجای او بسلطنت آنجا بر قرار گردید از فتد ارکشکوی خلق در فرمگستان دور مینت که در این مملکت برهسم خوردکی بشود چند وقت پیش ازین که در کل دول فرمگستان یاغی گری و برهسم خوردکی بود درین ولایت نیز اغتشاش روی داده بود و زور پادشاه سقیانیته آن فتد ربنود که این اغتشاش را خاموش نماید پادشاه پروسیه قشون با داد او فرستاده ولایت را آرام داد و لکن خلق راضی از پادشاه و برادرش نداشتند پادشاه که در این روزها فوت شده است چندان دخل و تصرف بکار ولایت بعد از آنکه آرام گرفت مینکرد امر دولتی را بوزر او چند نفر از خوانین و اگزار کرده بود خودش بسیار مایل به تحصیل علوم مخصوصا علم معرفت نباتات که در فرمگستان از جمله علوم عمده است اهل این مملکت دو مذہب از عیسوی اند اکثرشان پراتتند اند و لکن سلسله پادشاهان آنجا کتولیک اند این را هم سببی دیگر بجهت مشکل راه رفتن امر آنولایت میدانند چند بار هم در پای تخت اغتشاش شده است و همین شاهزاده که حالا پادشاه شده است در هنگام سلطنت برادرش از برتس از دو حام خلق از پای تخت فتر کرد ازین دلایل مشکل میدانند که کار این ولایت بارها پیش برود از سایر دول خارجه چنانکه مناسب

روزنامه باشد بود مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته شد

## احوال متفرقه

در کوهستان مملکت اسکاتلند که پادشاه هر سال بجهت شکار کوزن و خوشی آب و هوای آنجا با بنامیرود عمارت تازه بجهت علیا حضرت پادشاه انگلیس ساخته و سپار عمارت بازنیت و خوشنکب شده در مملکت کاناده هینکی دنیای شمالی که هر سال غله زیاد بخارج میفرستد اسال حاصل چنین فراوان است که ششصد هزار هندوار از سال گذشته بیشتر است در بلوکات سمت جنوب غربی دولت جمهوری هینکی دنیای شمالی هم حاصل غله فراوانست و لکن در بلوکات شمالی آن دولت چنانکه در روزنامه همیشه گذشته نوشته شد غله کم آمده و کم یابست

در مملکت ایرلند در و کران اسال مدخل خوب کرده اند روزی سی شاهی تا دو هشتاد و سه هزار مرد گرفته اند غیر از خوراک خودشان سابقا زارعین این مملکت بسیار بخارج میفرستند زیرا که در خود آن مملکت کذرا نشان خوب نمیشد اسال سپار کم بخارج رفته اند و اکثر آنها اشخاصی بودند که اقوامشان رفته بودند خودشان آن قدر بی بضاعت بودند که نمیتوانستند که عقب اقوام خود بروند آنها که بخارج رفته بودند شخواه بجهت اقوام خود فرستاده اند که عقب اقوام خود رفته اند

یکی از دو سازهای مشهور فرانسه میکوبیند چنری ساخته است که بجای کنه کنه بکار میتوان برد چونکه کنه کنه در این سالها بسیار گران کم یاب شده است اگر چنین چنری باشد خیلی بکار خلق خواهد آمد

از جمله حیوانات غریب که در مملکت استراپا پیدا میشود  
 قفسی از طيور است که بسیار شباهت به بوقلمون دارد  
 و گوشتش را کول و بسیار خوب و لذیذ است و جنگلهای  
 آن مملکت یافت میشود و مرغی بسیار خایف و حیوان است  
 و غرابت این مرغ این است که در عوض اینکه مانند  
 مرغها شبانه باز و در روی تخم بنشیند تا جوجه  
 برک و علف و غیره که در جنگل ریخته است در یکجا جمع میکند  
 و اینها بر روی سسم مانده بخار می کند و گرم میشود بعد از آن  
 تخم خود را در میان آن میکند و گاهی آمده با و نگاه میکند  
 و تخم در آنجا میماند تا بجاان حرارت بخار که از برک درخت  
 و علف منور حاصل شده جوجه بیرون می آید بعد از آن مادر  
 سایر مرغها جوجه را همراه خود میبرد و میپروراند و قطعه  
 از این مرغها بجهت تماشا بولایت انگلیس آورده اند و در  
 بعضی نواحی بدان طریق که نوشته شده جوجه در آورده است  
 نه بعضی اوقات خروس را دیده بودند که میرفت و علف  
 روی تخمها را پس کرده تا شامی کرده و لکن ماده او چندان  
 نزدیک تخمها میرفت امید دارند که این مرغها نیز مانند  
 مرغهای خانگی در ولایت انگلیس بکار آید یا بشوند  
 در اخبار هند و ستان نوشته اند که کمان داشتند که  
 دو کشتی که هشتصد نفر در میان آنها نشسته بودند دریا  
 غرق شده باشند یکی از آنها کشتی بود که عمده از اهل  
 چین در او سوار شده بودند که مملکت کلینا را میاروند  
 نزدیک بجزیره فارموسه در سحر چین بنام خورده و  
 کشتی کوچک در آنجا بود باید ادانها رفت بعد و چهل و هفت  
 نفر از آنها را سلامت بیرون آورد و لکن سصد و نود

نفر دیگر آنها خود را بر روی تخته و تیرهای آن کشتی شکسته  
 بیرون از آب بود کشیده چون نه آب داشتند و نه آذوقه  
 کمان داشتند که خلاص بشوند کشتی دیگر هم از شهر مدین  
 روانه شده بود که به برمه برود غیر از کشتیها نمان سصد نفر  
 سر باز در او بود که میخواهند با ولایت بروند و از آنها  
 هیچ خبری نیست چونکه در هنگام رفتن کشتی طوفان زیاد  
 شده بود کمان و ارند که این کشتی بطوری غرق شده که اثری  
 از او باقی نمانده باشد

### اعلانات

سبب چارنوطا صاحب معتمدی رعیت دولت استر  
 که در سال قبل در دارالخلافه فوت شده در روز دوشنبه  
 ربیع الثانی در کاروانسرای ارمنه در محله عالیجا خواجه  
 قریباً تا جریاشی بطور هراج فروخته میشود از قبیل ساعت  
 و کمانچه فرنگی و غیره است هر کس طالب باشد در روز دوشنبه  
 سجده عالیجا حاضر الیه برود

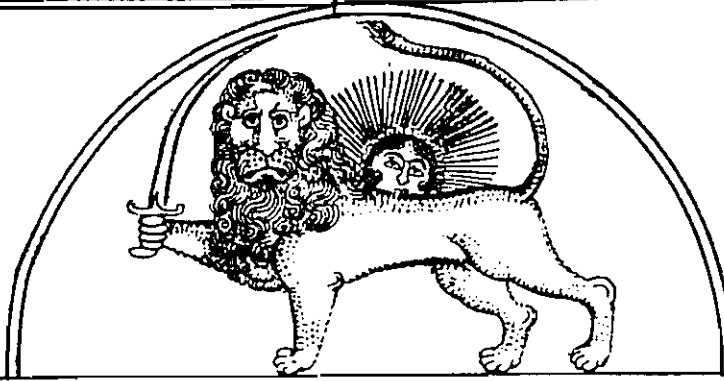
کتابهای چاپی و دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید  
 با سچی و مکتبزدیکی دروازه دولا بلطباع شده از این قرار گرفته  
 میشود

دو تومن	وسایل بافندگی یک جلد
۱۰۰	حمت نظامی دو تومن و پنجاه
۱۰۰	سر ایر دو تومن
۱۰۰	زبدۃ المعانی دو تومن
۱۰۰	معراج السعاده یک تومن

۱۳۰۴

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه ماه ربیع الثانی مطابق سن ۱۲۷۱

مهره دولت چهار  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی یک  
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره چهار هزار  
بیشتر با هر خطی

اخبار واحده ممالک محرویه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون هوای دارالخلافه طهران و اطراف دین اوقات بسیار  
خوب است و نسبت بفصل بسیار ملایمت و خرمی و در  
لهذا در هفته گذشته اعلیحضرت پادشاهی بعضی روزها  
عزیمت تفریح و تماشای اطراف دارالخلافه فرموده و در  
لشت و تفریح سوار شدند و بعضی روزها را بمیدان مشرف  
قاهره نظام تشریف فرما گردیده ملاحظه مشق انظار فرمودند  
در روز یکشنبه سیم شهر ربیع الثانی سرکار اعلیحضرت  
تشریف فرمای خانم جناب جلالت آباشرف امجد اکرم صدر  
افتم شده بنهار روز را در آنجا صرف فرموده تا عصر در آنجا تشریف  
و بعد از صرف عصر از جای معاودت بفرسطلت عظمی فرمودند  
و از حسن اتفاقات در آن روز که از جانب سنی ابواب مابون  
این نوع محرمت خاصی در باره جناب معزی الیه مبذول افتاد  
با اینکه مدتی بود که در دارالخلافه بارندگی نشد و جمیع خلق منتظر  
رحمت الهی بودند از صبح آن روز الی غروب چنان بارندگی  
که همه مردم از اضطراب و تشویشی که بسبب نیامدن باران داشتند

پهرون آمدند و در قلوب مردم بکنوع اطمینانی از این بارندگی  
حاصل آمد و فی الحقیقه در آن روز از مبارکی قدوم میمنت لزوم  
اعلیحضرت شاهی دو رحمت بابل ایران نازل شد  
یکی نزول حرمت سجانی و یکی شمول حرمت سلطانی  
طایفه اعراب و سید ثوبی سپهر امام مسقط در تابستان امسال  
بنای خود سری گذاشته بی خبر جمعیت زیاد بدو در بند عباس  
آورده آنجا را که ملک مختصی این دولت علیه است تصرف  
نموده این اوقات حسب الامر مقرب النخاقان عبدالغفار  
میر پنجه سپهر امیر الامراء النظام محمد حسن خان سردار حکمران  
و کرمان با فوج کرمانی ابو الجحشی امام علی خان سرهنگ فوج  
مخبران قراقرز و ابو الجحشی عالیجاه رستم خان سرهنگ فوج  
و سواره کرمانی که پنج شش هزار نفر قشون و سوار کرمانی بوده  
عزیمت بند عباس کرده با متحد و فرستند و از آن طرف هم  
امیرزاده عبدالباقی میرزا سپهر نواب موبد الدوله حکمران فارس  
بامقرب النخاقان عبدالغفار خان صارم الدوله و دو فوج ابو الجحشی  
او و عالیجاه رضا قلیخان با فوج عرب ابو الجحشی او و استعداد  
و جمعیت عزیمت قله فرورده کرده روز و نیم شهر ربیع الاول

۱۳۰۵

وارد آنجا شده اند و چند نفر تا جر و مردمان که خدش نزد  
 سید توپنی پسر امام مسقط فرستاده هر چه اورا نصیبی و دولت  
 کرده اند بمقد فایده اتفاق بنفاده است و سنکر بسیار محکم  
 بفاصله پانصد قدم از قشون دولتی با جلت و سبد خرماسخت  
 و خاکریز کرده اند و سه غراب بزرگ و دوه بقله کوچکی  
 در نزد یک قلعه میان آب دریا لنگر انداخته ایستاده بود  
 و دو عراده توپ در سنکر ماکه داشته و میت و پنج عراده  
 در سر قلعه ماکه آمده بودند قشون دولتی هم بعد از مشاهده  
 این حالت هر چه سر باز و تفکیکی و غلام و مهاجر بوده صف  
 کرده هزار قدم از اردو جلورفته بودند که بلکه از اعراب از  
 قلعه و سنکر ما بیرون آمده مشغول جنگ شوند چند توپ از  
 دریا بقشون دولتی انداخته اند کلوله با آنها نرسیده است  
 بقدر و وساعت و آنجا ایستاده بودند دیگر از اعراب  
 حرکتی ظاهر نشد بود قشون دولتی هم آرامی گرفته برآ  
 بار دوی خود کرده بودند و تا هشتم ماه ربیع الاول قشون  
 فارس و کرمان بملاحظه ایکنه تازه وارد شده بودند و خواسته  
 بودند آرامی بکمر بند صبر کرده بودند و در هشتم ماه جمیع قشون دولتی  
 بالاتفاق حاضر شده از یک طرف مقرب انخافان عبد الله خان  
 میر پنجه با قشون کرمان و توپخانه و از وسط مقرب انخافان  
 صهارم الدوله با افواج جمعی خودش و از طرف دیگر امیر  
 و رضا قلیخان با فوج و توپخانه جمعی خود صف آرانی کرده بودند  
 بسکری اعراب برده بودند طایفه اعراب از یک طرف از  
 سنکر توپ می انداخته اند و از یک طرف از قلعه تیر می انداخته  
 و از یک طرف این سمت دریا که نزدیک بقشون دولتی بوده اند  
 از غرابها توپ خالی میکرده اند تا چهار ساعت مابین قشون دولتی

و اعراب جنگ و نزاع اتفاق افتاده با اینکه قشون دولتی  
 سنکر و قلعه نداشته اند یک دفعه علی الاتفاق بانگک و شمشیر  
 نزد یک سنکر اعراب رفته آنها را از سنکر ما بیرون کرده اند  
 و دو عراده توپ و یک خمپاره که در سنکر داشته اند  
 و سر بارش از دست اعراب گرفته اند بعضی از اعراب فرست  
 ایکنه بقلعه بردند کرده خود را بدربار انداخته و برخی فرار کرده  
 قلعه رفته اند و بعضی پسر و مقتول شده اند و از طرفین جمع کثیری  
 بقبل رسیده تا اینکه قشون دولتی قلعه مزبوره را تصرف کرده  
 مفتوح داشتند و سید توپنی پسر امام مسقط بعد از مشاهده  
 این احوال تاب مقاومت نیاورده با سپر خودش و دو  
 کتیر کرجی که همسراه داشته از دروازه طرف دریا بگتینی  
 نشسته فرار کرده است و لکن سینه نفر از اعراب بدو بیخ  
 قلعه و لند نیز رفته از آنجا بطرف قشون دولتی کلوله انداخته  
 می کرده اند تا اینکه قشون دولتی یک شبانه روز جنگ کرده  
 یویش بان دو برج برده داخل میان اعراب شده مشغول  
 و محاربه شده اند و اعراب را مغلوب و منکوب و آنها را  
 مقتول و دستگیر کرده اند و از قرار تقریر چا پاران شیخ عبدالرحمن  
 قشیری و شیخ سعید مشیر زاده شیخ سبف که قشایر افغان  
 و فساد و محرک پسر امام مسقط بوده اند در آن دو برج و لند نیز  
 بوده بقتل رسیده اند و لکن تا هنوز خبر صریحی در خصوص قتل  
 این دو نفر نرسیده است تا از روی تحقیق نوشته شود  
 و چون چا پار دیوانی از طرف فارس و کرمان مرده فتح و  
 تصرف قلعه بندر عباس را در کمال تعجیل خدمت اوبای  
 دولت علیه آوردند بعالیجاه اسمعیل خان چا پارچی باشی کلان  
 شال کشیری از جانب سنی انجواب علیحضرت شافعی

۱۳۰۶

خلعت رحمت شده در باره هر یک از چاهاران کرمان  
و فارس بطاقه شال کرمانی خلعت عیاشی

و جان نثار بر اهل آورده خدمات آنها مستحق و مقبول  
ملوکانه گردیده لهذا در ازای خدمات آنها از اینقر خلعت

عالیجاه مقرب انخافان میرزا مصطفی قلی مستوفی که محاسبات  
خراسان را پرداخته عزیمت دارالخلافه نموده بر کاب مبارک  
می آید این روزها وارد شده شرف اندوز حضور هایون و  
مورد ماحم ملوکانه گردید

عالیجاه مقرب انخافان عسکرخان / عالیجاه امامقلیخان سرمنگ  
سربیب / فوج هفتم

شمیره غلاف / کل مرصع / نشان اول حامیل سفید شال  
و قلاب طلا / قطعه / سزشتکی رشته طاقه  
قبضه / قطعه

چون مقرب انخافان میرزا احتیاجان نایب الحکومه عراق  
در نظم امور عراق کمال اهتمام نموده محاسن انعامات او  
بعض خاکبای مبارک سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
بارنانه هم انقاد حضور هایون داشته بود بیکثوب جنبه  
ترمه بر رسم خلعت از جانب سنی انجوانب هایون بافتن  
عالیجاه مشارالیه رحمت و ارسال شد

در وجه چهار نفر یادور / در وجه سایرین

عالیجاه فتح البیت / عالیجاه قزوینی / مستنفر سلطان سربازان که در دست  
نشان / نشان / دیک نفر اجدان کرده اند نشان  
قطعه طاقه / قطعه طاقه / نشان طاقه انعام  
عالیجاه حسن بیگ / عالیجاه تقی بیگ / در وجه  
نشان / نشان / نشان  
قطعه طاقه / قطعه طاقه / قطعه طاقه

نظر بخدمات عالیجاه محمودخان کلانتر درین اوقات  
خدمات استحقاق و مقبول خاطر اقدس هایون اعلیحضرت  
شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده از جانب سنی انجوانب  
ملوکانه بیکثوب جنبه کرمانی بسیار خوب اعلی بجالیجاه مشارالیه  
بر رسم خلعت رحمت گردید

و نشان در حق آنها رحمت گردیده مرخص خانه شدند و بجای  
عسکرخان بجهت انجام بعضی امورات خود چندی در رکاب  
هایون توقف نموده بود این روزها روانه آذربایجان گردید

### سایر ولایات

کرمان از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
از جانب سنی انجوانب ملوکانه بجهت امیرالامرا العظام محمد حسن خان  
سروار حکمران بزد و کرمان مصحوب عالیجاه حبیب الله خان  
قاجار انقاد شده بود در سیم ماه ربیع الاول بر تو وصول  
انگیزه امیرالامرا العظام مشارالیه در باغ خارج شهر  
خلعت هایون رازیب برود و شش مهابات خود ساخته  
و صرف شربت و شیرینی نموده و بقاعده منسخره آجری  
شلیک توپ نموده لوازم توفیر و احترام خلعت هایون  
بمحل آورده اند

چون عالیجاه نصرالله خان مباشر خالصجات کبیران  
وجوه قسط دیوانی را خوب رسانیده از عنده خدمت  
محول بقرار شایسته برآمده بود لهذا بطاقه شال ترمه  
و بیکثوب قبای رزی از جانب سنی انجوانب اعلیحضرت  
شاهنشاهی بر رسم خلعت بافتن را و رحمت و ارسال شد

چون دو فوج هفتم و ششم افشاجی عالیجاه مقرب انخافان  
عسکرخان سربیب و دو سال در سفر خراسان لارمه خدمت

۱۳۰۷

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند در روز ششم  
صفر که عید مولود مسعود اعلیحضرت پادشاهی بود نواب  
مستطاب شهبازده و الا تبار مویدالدوله طهاسب میرزا  
حکمران مملکت فارس در میدان در ب خانه بساط سیلا  
کترده جمیع اعانم و اشرف و خوانین عظام و صاحب  
نظام و غیره در کمال شکوه و آراستگی حضور بهم رسانند  
اجرای شلیک توب نموده و لوازم جشن و سرور و  
شادمانی بعل آورده اند

دیکر نوشته بودند که بر حسب حکم نواب مویدالدوله ایالت  
کوکیلویه بنواب امیرزاده لطفعلی خان مقوض و مرجوع گردید  
و نواب معزی الیه با فوج ایلات قشقایی نقل مکان بخارج شهر  
نمودند که رفته در مقام تشبیت و ایصال مال دیوان انصاف برآید

تعبیر اجناس شیراز در این اوقات نوشته اند کندم خروار  
چهار تومان و نیم و جوسه تومان و سایر اجناس نیز بهین نسبت تعبیر و  
دیکر نوشته اند که نواب شهبازده مویدالدوله با قضای  
امور ولایت عالیجاه نصرالدخان لاری را که باعث اختلا  
امراض صفیات بود حکم کرده اند گرفته در توپخانه بقراول  
انداخته اند و سالی بمقدود پنجاه تومان بجهت معیشت او  
معین نموده و محل داده اند که گرفته صرف گذران عیال

خود نماید  
دیکر نوشته اند که شخصی کرانی مرکب قتل یک نفر از  
بادیه شده بود که ن مقتول آمده مراتب را بعض نواب  
مویدالدوله رسانده نواب معزی الیه محصل بعین فرمودند

قاتل را گرفته بحضور آوردند بعد از تحقیق و رسیدگی که  
محقق گردید او را حکم کردند بدست در شش مقتول دهند که  
قصاص نماید پیره زالی که مادر مقتول و وارث شرعی او بود  
زنجیر قاتل را گرفته بمیدان برده خوابانده بود و سنگی برداشته  
القدر بسرو معز او کوبیده بودند تا او را بپلاک کرده و قصاص  
خون پسر خود را نموده بود

دیکر نوشته اند که محمدقلیخان کلزن که از اهل این و احشام  
و سالها بود که بسرقت و سرارت اشتغال داشت  
و پیوسته دست اندازی بقوافل و مترددین مینمود بر حسب  
حکم نواب شهبازده مویدالدوله مقرر گردید که مقرب البخا قان  
محمدقلیخان البخانی او را دستگیر کرده بحضور نواب معزی  
بیاورد مشار الیه او را گرفته بحضور نواب شهبازده آورد  
چون زیاده مصدر قتل و سرقت و سرارت شده بود حکم  
نواب معزی الیه بسرای علی خودید

حسب حکم نواب شهبازده مویدالدوله عالیجاه محمد کریم خان باور  
با چهار صد نفر سربازان فوج فریدن مامور و روانه باخلو  
بندرابوشهر گردیدند

### اخبار دول خارجه

انگلیس علیا حضرت پادشاه انگلیس در عمارت ویرا  
که نزدیک شهر لندن است تشریف داشتند تا  
کاغذ اخر که ازین ولایت سید روزخنده دهم حضور بود

جناب جلالتاب لارڈ پارسین وزیر امورات  
بناد است بشهر پاریس برود که بخدمت اعلیحضرت  
امپراطور فرانسه برسد

### عظامت

تاریخ روزنامه آخر که از اسلامبول رسید رویش نوشته  
 ربع الاول بود و در آن تاریخ در روزنامه که بزبان  
 فرانسه چاپ میزند نوشته اند که بر حسب دستخط های  
 اعلیحضرت سلطان محمد رشید پاشا وزیر دول خارجه  
 جلیل صدرت عظمی سرفراز گردید و محمد پاشا که سابقا  
 وزیر اعظم بود معزول شد و در همان دستخط عالی پاشا  
 میر مجلس مشورتخانه نظامت بجای جناب رشید پاشا که  
 صدر اعظم شده است وزیر دول خارجه گردید  
 دستخط های یون دویم ربع الاول بود و در همان روز  
 جناب رشید پاشا و جناب عالی پاشا بیاب عالی قیام  
 هر یک بجای مخصوص منصب خود قرار گرفتند و کل  
 انمای دولت بمبارکبادی منصب وزرا اند

ایضا در همین روزنامه نوشته اند که در مینت دو ویم  
 صفر چنان طوفان شدیدی در قراقرم و ممالک آن اطراف  
 شده بود که هیچکس تا بحال چنین طوفانی بنجا نداشت  
 حتی مردمان بسیار پیر و معمر طوفان باین شدت و امواج  
 باین بلندی یاد ندارند بسیاری ارکشته ها شکسته و غرق  
 شده اند و ضرر زیاد به تجار خورده است

اینجاس در اسلامبول موافق روزنامه ها که نوشته اند  
 و موافق نوشته جات تجار قدری ترقی داشت گندم هرگز  
 چهل حقه میباش سابقا بی وشت فروش و چهل فروش  
 فروخته بشد حال کمتر از چهل و دو فروش فروخته میشود  
 آنهم گندم وسط و سببش این بود که بجهت باد مخالف کشتیها  
 که غله بار کرده بودند با اسلامبول نمی آمدند و قیمت افتاد

با منظور نوشته اند گندم قرمز سفید روم ایلی یکمید چهل و  
 فروشش تا پنجاه و سه فروش گندم سفید نرم روم  
 از چهل و پنج فروش تا پنجاه و سه فروش گندم وسط چهل  
 دو فروش زرت بیت وشت فروش وشت وشت  
 فروش جو بیت وشت فروش تاسی فروش  
 در جزیره رودس هم غله ترقی داشت چونکه این جزیره  
 جای خرید و فروش غله است مردمی که شناسان داد و  
 غله است در آنجا جمع میشوند حاصل آن است فراوان  
 بود چند نفر از دولتمندان آنجا که صاحب تنخواه بودند غله  
 و بنای انبار داری گذاشته بودند که اگر غله در دست  
 خودشان باشد با و کران بفرستند

وزیر مختار دولت اسپانیول مقیم اسلامبول در تاریخ  
 ۲۷ صفر از اعلیحضرت سلطان اذن مرضی حاصل کرده  
 بود که تا مدتی بوطن خود مراجعت نماید و بعد از چندی که در  
 وطن خود اقامت کرد باز آمد بجای خود قرار شد

### فرانس

گفتگونی مابین این دولت و دولت جمهوری سیکلی و ایتالی  
 شمالی شده است در خصوص موسیو سولکه که سابقا وزیر  
 مختار بود در دولت اسپانیول مشاور الیه اصلش فرانس  
 و چند سال پیش ازین بجهت اینکه در انعقادش فرانس  
 دخل و تصرف کرده بود اخراج ملبه شده و از آنجا بیگنی  
 دنیای شمالی رفت و نوکر آن دولت شد بمنصب وزیر  
 مختاری مامور پای تخت اسپانیول گردید و لکن حکم فرانس  
 او را مملکت فرانس باز برقرار است و درین چند سال که  
 بدولت اسپانیول ماموریت المپی گری میرفت از خاک

۱۳۰۹



فرانسه عبور کرد و لکن در آنجا توقف نکرد حال که چنانچه  
 در روزنامه سابق نوشته شده است دوستی ما بین  
 دولتین اسپانیول و جمهوری یونانی دنیای شمالی ابریزم  
 زده است و خودش از خاک اسپانیول بیرون  
 آمده است میخواست در مملکت فرانسه مکث و توقف نماید  
 و زیر امورات داخله فرانسه جانعت کرد و از آنجا موسیوی  
 بولایت انگلیس رفته است در خصوص مشارالیه در روزنامه  
 دولتی فرانسه که ما نیز مینامند نوشته اند که سابقا  
 که موسیو سولارین مملکت عبور میکرد با کمال عزت و حرمت  
 از آنجا عبور میکرد حالا که بنای توقف است باز با کمال  
 عزت و حرمت او را خبر کرده اند که توقف او در فرانسه  
 ممکن نخواهد بود و امنای دولت جمهوری یونانی دنیای شمالی  
 بناید از این معنی کلمه مذکور باشند زیرا که قاعده  
 این است که هر دولتی اختیار انتظام امور خود را باید  
 داشته باشد خصوصاً در باب اهل دول خارجه که  
 اگر نخواهند که یکی از اهل دول خارجه در دولت خودشان  
 بماند میتوانند آن شخص را از آنجا بیرون کنند بدون  
 اینکه سبب آنرا ابراز نمایند تا ریج کاغذ آخر که از پاریس  
 آمده است یوم شنبه دوازدهم ماه صفر المظفر بود  
 اردوهای مشفق شمال مملکت فرانسه که مدتی در بلون  
 جا بهای دیگر جسع شده بودند درین روزنامه مخصوص  
 متفرق شده اند  
**بند وستان**  
 موافق روزنامه های این ولایت در کل آن صفحات اعیان

وارا می بود که در مملکت برتیه که هنوز درست نظم نگرفته است  
 در چین نزدیک بکاشان کار باغبان در پیش بود و چنانچه  
 که همیشه با آنجا می آمد و داد و ستد چای بجهت اکثر روی  
 از آنجا می شد کم یاب شده است مدت یکسال می شود  
 که قشون باغبان نزدیک پای تخت هستند و لکن زورشان  
 نمیرسد که رفته پای تخت را بگیرند و زور پادشاه نیز  
 تقدیر نیست که آنها را قلع و قمع نماید و متفرق بکنند قشون  
 از اهل تارستان که نسبت با اهل چین بسیار شنیده  
 جنگی و شجاع هستند با آنجا آمده اند و امداد پادشاه  
 می کنند و نگاه داشتن پای تخت از رشادت آنها  
 شده است در اکثر سایر ممالک چین کار باغبان بسیار  
 و لکن در هر جایی که قرار گرفته اند نظم تمام در آن ولایات  
 نگارنده است و بیچکس از آنها بعد از اطمینان از جنگی  
 ندیده و کلمه ندارد  
 چند سال پیش ازین یکی از اهل انگلیس یکی از خرابی  
 رفته بود و در آنجا جمعیت بدو خود جمع کرده و در آن ولایت  
 تسلط یافته بود و اسم این شخص سهرجان بود که بود  
 مدتی در آن ولایت حکمرانی میکرد و در دریا های آن سیت  
 نظم تمام گذاشته بود و چونکه آنجا جا نیست که دایم الا  
 وزده رفته کشتی تجار را تاخت کرده و اهل کشتی را می  
 حاکم مزبور پیوسته با این دزدان جنگ می کرد چون  
 دزدان را تنبیه سخت نمود که آنجا که سابقا نهایت  
 اغتشاش داشت در آن اوقات کمال امنیت بهم  
 بود و لکن در جنگ با دزدان مزبور خونریزی و غارت  
 کشتی سوختن زیاد می شد درین بین بعضی از اهل انگلیس حاکم

۱۳۱۰

مربور نسبت به رحمی دادند و بر حسب عرض خلق دولت انگلیس  
 اورا از آنجا برداشتند که در بعضی مواد تحقیق شود از فر  
 روزنامه هندوستان اجده از برداشتن حاکم مزبور از  
 جزیره دزدان باز سر برداشته اند و اذیت زیاد است  
 مبرودین آن در یامی کنند و اهل مالک آن از افسان  
 افسوس از برداشتن حاکم مزبور از آنجا میجوید

**سایر مالک خارجه**

مشورتخانه خوانین و وکلای رعایای دولت بلژر آنجه از  
 صفر خبر کرده بودند که در بر و سلسله پای تحت آنجا جمع شود  
 بجهت انجام امور دولتی مشورتخانه مملکت دینارک هم  
 شده بودند و احکام به بلوکات آن مملکت رفته بود که  
 از خلق وکیل معین کرده بپای تحت آنولایت نفرستند  
 مشورتخانه مملکت اسپانیول تبارنج شانزدهم صفر  
 کشوده شده بود و خود پادشاه با آنجا آمده و بعضی  
 لازمه که ضرور بود باهل مشورتخانه و خوانین فرموده بود  
 پادشاه پور تو قال که مدتی در مالک فرنگستان کشت  
 سیاحت میکرد تبارنج جنجه دوازدهم ماه ذیحجه بر  
 بلژون پای تحت مملکت خود کرده بود و اهل آنجا از  
 خوانین و رعایا عموما با کمال شرف و شادمانی اورا استقبال  
 کرده بودند

مخل پیک صاحب منصب مهندس فرانس که مدتی در  
 مصر مانده بود و میخواست بندی در رود نیل باز  
 درین روزها باز بولایت مصر آمده است ابتدای سابقین  
 بند رود نیل در ایام عباس پادشاه بود بعد از آن بجهت زیاد  
 اخراجانش موقوف شده بود حال صاحب منصب مزبور

امید دارد که سجد پاشا و اهل آن مملکت بند مزبور را تمام  
 بکنند تا بحال شش کرده و نیم حساب پول ایران در سیر  
 بند خرج کرده اند و تا تمام نبود باید همین قدر هم خرج  
 و لکن چون که زمین مصر تجده بی آبی نم یزرع ماند است اگر  
 این بند بسته شود حساب کرده اند که حاصل بصیرت  
 مقابل بلکه سی مقابل زیاد تر خواهد شد و امید دارند  
 که درین ایام بند مزبور را تمام نمایند

**احوال متمرقه**

کریستینه و الهه پادشاه اسپانیول درین روزها  
 با بعضی از عیال خود به پاریس پای تحت فرانس آمده است  
 موافق روزنامه نیکی دنیای شمالی حاصل پنجه سال گذشته  
 سه کرد و چهار صد و سی هزار لنگه بوده است و از  
 سالهای گذشته کمتر آمده است بلکه سیصد هزار لنگه  
 از سال گذشته کمتر آمده است

از آن ماههای بزرگ که سال بسال اهل بعضی مالک خیر  
 بجز منجه بشکار او میدرند اما سال در سمت کناره مملکت انگلیس  
 و بعضی از آنها بدست اهل سواحل آنجا افتاده اند و حاصل  
 از رغن آنها دریافت کرده اند

چنانکه در روزنامه سابق نوشته اند بنا دارند سیم حرج نسی  
 در زیر بجهت از فرنگستان تا مغرب زمین بگذرانند تا بحال  
 دو سیم تمام کرده و گذاشته اند در روزنامه مملکت ابطال  
 نوشته اند که سیم دیگر که سیم سیم باشد از جزیره  
 ساروانی مغرب زمین گذاشته و تمام کرده اند

۱۳۱۱

مکه راجه ذیلب سینک که پسر رنجی سینک حکمران سابق پنجاب بود بعد از آنکه آنولایت بدست <sup>مظاہر</sup> افشار اورا برده در ولایت هند ساکن گردید مدتیست در ولایت انگلیس است و در روزنامه آنولایت نوشته اند که در کوهستان مملکت اسکاتلند کشت میساخت میگرد

سیم حیرخ آتشی که در هندوستان می کشند بنا دارند از هندوستان تا رنگون مملکت برمه هم ببرند از ولایت پگومیکند روتا برنگون میرسد در سمت دیکریم از رودخانه براس رسیده است و در سمت شمال غرب هندوستان این سیم را حاضر کرده اند که از رود سیطلج تا ولایت پنجاب بکشند بطوریکه وقتی که این سیمها هم کشیده شد از کل ممالک هندوستان در چند دقیقه بگلگت پای تخت و سایر شهرهای بزرگ حشر میرسد

در بنجاب هندوستان سال بسال تریاک زیاد بعمل می آید و داخل عمده اهل آن مملکت همین تریاکست در روزنامه تجارت حساب کرده اند که حاصل تریاک امسال چهل و هشت هزار صند و هفت

قاعده است در مملکت انگلیس در فصل دروغه بسیار از اهل ایرلند بان مملکت می آیند که حاصل را دور و نمایند امسال بجهت کثرت شعل کمتر رفته اند و فرد زیاد هم گرفته اند در بعضی جایاروزی چمبر اجرت در دگر کشند

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که در وبای سان گذشته از شهر بارسلونه ششزار نفر تلف شده اند و چون که جمعت آن شهر تخمینا صد و هشت هزارست از آن شهر

از هر هفت نفر یک نفر تلف شده اند و این نسبت بسیار شهرهای فرنگستان خیلست که و با این قدر آدم در آنجا تلف کرده باشد در شهر لندن اکثر اوقات که و با در آنجا افشاده است از هر سیصد نفر یک نفر برآورد کرده اند که تلف شده است

در فرنگستان روز بروز اسباب زیاد از چودن و این میسازند چونکه بسیار کم قیمت است و حمل و نقل آن نیند باسانی میشود از جمله درین روزها تا شاخانه بخت مملکت استرالیادرو ولایت انگلیس از چودن ساخته خانه مزبور دو از ده زرع و نیم ارتفاع دارد و ده زرع طول و شش زرع و نیم عرض و بت در یک زرع و نیم در میان خاک می نشیند قهوه خانه و راهس و پله همه چهر تمام دار و هس را پارچه پارچه کرده میان کسی گذاشته زوان کرده اند

اعلانات

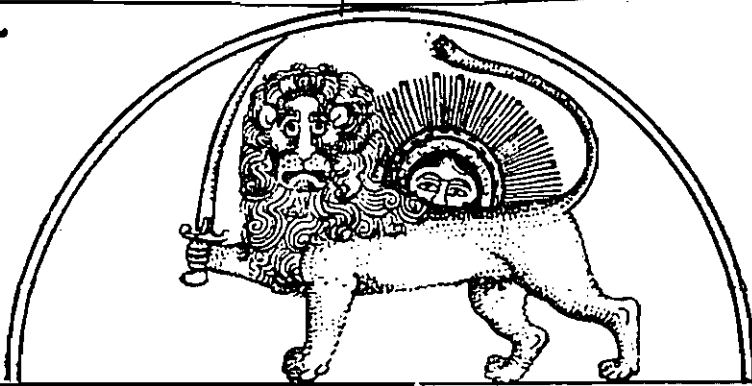
کتابهای چاپی دارالمخلاف طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید باسپی در محله نزدیکی دروازه دولاب انطباع شد از این دستد فروخته میشود

- وسایل باهرست یک جلد ده تومان
- نسخه نظامی دو تومان و پنجبرار
- سرایر دو تومان
- زبدۃ المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه چهارم رجب الثانی مطابق سال بارسیل ۱۲۷۱

منظبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات  
یکسطر ایچهار سطر یکبار و  
بیشتر با هر سطر پنج سطر



نزدک حبیب و بیخ  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی  
هفتاد و چهار هزار

اجبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته سرکار اعلی حضرت پادشاهی دربار  
الماس نشسته بار سلام عام دادند امنای دولت  
علیه و مقربان حضرت کردند و لبطف سینه و ضامن  
نظام و سایر اهل سلام شرفیاب حضور مبارک گردیدند  
هر یک در مرتبه و مقام خود ایستادند و عالیجاه محمدا  
که نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید اله و له حکم  
فارس با فتحنامه بند عباسی بخاک پای مبارک فرستاد  
بود و در بین سلام شرفیاب حضور مبارک گردید و فتحنامه  
بند روزم بود و در حضور جاپون خوانده شده و صد نیزه  
و سیصد نفر زنده که در جنگ دستگیر گردیده بودند  
سرمه را با اسب پیشکش که نواب معزی الیه فرستاده  
بود از حضور مبارک گذرانیده و آنها را که در جنگ  
شده بودند معروض پیشگاه جاپون گردید که در عقب اند  
و این روزنامه وار خوانند گردید

وز نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی و مقرر  
سلطنت عظمی معاودت فرمودند  
این روزنامه نظر بشمول رحمت ملوکانه در باره مقرب الخاقان  
عین الملک از جانب سنی الجوانب ملوکانه یکمیل و کلنج  
خزاز بلوس بن مبارک با فقار مقرب الخاقان  
مشاریه خلعت محبت و عنایت شد

محمد علیخان بختیاری مدتی بود که بنای هرزگی و شرارت  
گذرانیده قلعه دزرا که بسیار محکم است محکمه خود قرار داده  
بود و ماطمینان حصانت قلعه فرورده هر روز مصدر هرزگی  
شده چنان میدانست که محاصره و گرفتن در امر بسیار  
و آنجا را نمیتوان تصرف کرد این اوقات امیرزاده  
ابراهم میرزا بجهت رفع دفع آثار هرزگی او جمعیت و  
استعدادی فراهم آورده بادیست نفر از فوج عالیجاه  
محمد مرادخان سرتیپ و خود عالیجاه مشارالیه روانه  
طرف دز شده بودند و بجنینقلیخان بختیاری هم تاکیه کرده  
بودند که بطرف دز بیاید با جمعیت خود پس از آنکه امیرزاده  
بافوج و جمعیت بختیاری وارد آنجا شده بودند با آنکه

در روز یکشنبه اعلی حضرت پادشاهی بجهت تفریح اطراف  
دارالخلافه سوار گردیدند و تا حوالی عصر بتفریح و سیاحت آن

جای بسیار محکم و کوه بسیار صعبی بوده است حکم مجازاً در نوشته بودند در شهر ربیع الاول خود عالیجا پیشانی  
 کرده همه روزه در پای قلعه مزبور بنای مجادله گذاشته بیلوک بزخوار رفته قرار نشد آنجا را موافق قاعده داده  
 بوده اند و راه و رخنه که بوده است همه روزه از دست کمال مهربانی و دلجویی در باره رعایا بعمل آورده بر  
 محمد علی خان نجیب ساری گرفته تا دروازه دینسکر زده و بشهر کرده است و بعد از آن در شرفانی شهر مزبور  
 هر طرف راه آنها را مسدود کرده بودند و تا سه چهار روز بهین منوال عرصه را بر محمد علیخان و جمعیت او تنگ کرده  
 چهارشنبه شانزدهم شهر ربیع الاول تفنگچی و پسران که با امیرزاده بوده اند بصوابه امیرزاده شش ساعت از  
 شب گذشته یورش برده دروازه که محل شهربان محمد بوده است گرفته بودند و بعد رعبت نفر جمعیت محمد علیخان  
 مقتول و زخمی شده بودند محمد علی خان بعد از مشاهده این احوال تاب مقاومت نیاورده همان شب با اسباب  
 خود از قلعه در سپاهین انداخته فرار کرده بود و لکن امیرزاده ابراهیم میرزا تا صبح بر فرار کردن او مطلع نشد بودند  
 بعد از آنکه اطلاع یافته بودند فردای آن شب چند نفر از تفنگچی حینقلی از آن راعقب او فرستاده بودند بلکه  
 او را بگیرند مشا را ایسم تا عصر آنروز با جمعیت خود متعاقب او رفته اثری از او نیافته بود بعد از آن امیرزاده  
 ابراهیم میرزا اللهیارخان را با دولت تفنگچی خود و صد نفر تفنگچی حینقلی خان روان کرده بودند که بگویند سیر  
 رفته در هر جا که هست محمد علیخان را بدست آورده

### سایر ولایات

اصفهان از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته عالیجا چراغعلیخان نایب حکومت اصفهان در نظم  
 و نسق بلوکات اصفهان کمال اهتمام دارد از جمله

نوشته بودند در شهر ربیع الاول خود عالیجا پیشانی  
 بیلوک را سرکشی نموده قرار نشد آنها را بطور شایسته  
 داده است و قنوا و ورود آبی که فی الحقیقه تقییه لازم است  
 داده است تقیه نموده اند از جمله مادی که گرن که بیلوک  
 ایجان واقع است و سالهای سال بوده است که آن  
 ان مادی به سواری جاری می شده است مبالغی از  
 خود خرج آنجا کرده تا آب را بهسولت جاری ساخته  
 و بسبب همین عمل مالی آنجا زیان متوقع شده اند و این  
 در مادی اشتراک باغ و خوش مبالغی خرج کرده تا  
 آب آنجا را هم طوری کرده اند که بهسولت جاری شده است  
 و مردم آنجا این را گذر کینوع آسودگی حاصل کرده اند  
 از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته بودند بعد از آنکه  
 خبر فوت مرحوم امام جمعه دارالخلافه طهران با آنجا رسیده است  
 عالیجا چراغعلیخان نایب حکومت اصفهان بجزر و کالی  
 آدم فرستاده تمامی بازار و دکالین بسته خود با تمامی  
 عمال و مباحثین دیوانی مسجد جامع رفته با جناب امام جمعه  
 اصفهان مشورت تعزیه داری شده اند و عالیجا مشا را  
 تا سه روز مجلس تعزیه داری بر پا کرده هر روز از مال خود هشتاد و پنج  
 هزار در مجلس تعزیه داری نموده و درین سه روز در  
 کمال خوبی و پاکیزگی لوازم تعزیه داری را بعمل آورده است

۱۳۱۴

### استرآباد

چون مقرب الخاقان محمد و لیخان بیکلر کی استرآباد در  
 نظم امور ولایتی و امنیت آن حدود و دفع و رفع آثار  
 شرارت و هرزگی طایفه ضاله ترکمانیه و حفظ شعور  
 کمال مراقبت و اهتمام خود را ظاهر ساخته محاسن اینها  
 خود را پیش انپیش منبصه ظهور رسانده بود لهذا این اوقات  
 از جانب سنی ابراهیم سرکار اعلیحضرت شاهی  
 یک قبضه شیر براق طلای کل مرصع بافتار عالیجاه  
 مشار الیه رحمت و عنایت گردید

### خراسان

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند جعفر آقا  
 کلاتی که چندی پیشتر بعد از تصرف کلات فرار کرده از  
 بجوق رفته بود از آنجا مراجعت کرده بقرایاب آمده و  
 قریب یکبار نفر سواره قرایابی همراه خود برداشته  
 بدور کلات آمده است و خواسته است از راهی که  
 چند نفر سرباز در آن راه قراول بوده است در  
 کلات شود سربازان مزبور خبردار شده بنیای شلیک  
 بودند خبر بجالیجاه میرزا ابراهیمخان سرتیپ رسید  
 قدری سرباز بکوک آنها فرستاده بود قریب پنج شصت  
 سرباز را دعوا کرده با اینکه شب بوده است شلیک فاش  
 سواره مزبوره داده همسر امتواری ساخته و بخت  
 از آنها را بقتل رسانیده بودند و چند نفر از آنها را زخمی  
 کرده بودند عالیجاه میرزا ابراهیمخان سرتیپ آن  
 سربازان را بقتل رسانید خدمت نواب مستطاب شاهزاده  
 مخم و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان و رساند

و پنج نفر از آدمهای جعفر آقا از نزد او فرار کرده روز  
 ۲۱ ربیع الاول خدمت نواب مغزی الیه آمده از فرار  
 عرض کرده بودند یک برادر جعفر آقا هم زخم کلوله برداشته  
 و در حالت نزع بوده و زیاده از یکصد نفر هم از سوار  
 او زخمی شده اند

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده مخم و الا تبار  
 مملکت خراسان درین اوقات مشغول دیدن سان علامان  
 عراقی و خراسانی میباشند و قدغن نموده اند که سان  
 آنها را لشکر نوبان بوقت دیده مواجبت آنها را  
 بپردازند و در اسب و اسلحه و تدارک هر چه تا مامی داشته  
 باشند تهیه و تدارک نمایند که در وقت ماموریت بخدمت  
 بهیچ معطلی در تهیه و تدارکات آنها نباشد

### عربستان

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب  
 شاهزاده و الا تبار احتشام الدوله در ۲ ماه گذشته  
 نسبت عربستان حرکت نموده در روز دهم وارد خرم  
 و در ۱۱ از آنجا نسبت عربستان حرکت کرده اند  
 دیگر نوشته اند که دولت نفرفوج مراغه که بر حسب امر  
 دولت علیه امور خدمت نواب مستطاب احتشام الدوله  
 بودند در بیت و یکم ماه گذشته وارد بروجرد شده  
 که از آنجا روانه عربستان شوند و چون در عرض راه  
 بهم میرسید قبل از ورود آنها صاحب احکم نواب شاهزاده  
 احتشام الدوله سیورسات این سرباز و سیورسات  
 فوج خدا بند لورا که مامور عربستان مستند در عرض راه  
 کرده اند که معطلی در راه نباشند

۱۳۱۵

### کرمان

۴

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند که  
 و شکور یک فرستادگان جناب سردار کندل خان  
 حکم آن قذما که عیضه بدر بار تالیون می آوردند در  
 کرمان امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران  
 یزد و کرمان آنها را احضار داده نگاه داشته و عیضه آنها  
 برابر تالیون روانه نموده بود درین اوقات که جواب  
 عیضه آنها رسید مقصی المرام سبب قذما در محبت  
 کرده اند و امیر الامرا العظام سردار اخراجات و انعام  
 و قیمت اسب و شتر با آنها داده و از جانب دولت  
 علیه لوازم الققات را در باره آنها معمول داشته در ۶۹ ماه  
 ربیع الاول از انجا معادوت نموده  
 دیگر نوشته بودند که در باب انتظام امر چاپارخانه  
 ولایت و سرحدات انجا امیر الامرا العظام سردار  
 نهایت اتمام را معمول داشته آنچه متعلق بنجاک کرمان  
 خود مضبوط نموده اند و جناب سردار کندل خان  
 و عالیجاه علیخان نیز نوشته اند که چاپارخانههای  
 بنجاک خود را مضبوط نمایند که بجهت چاپار و وصول ابصار  
 مکاتیب و غیر معطلی حاصل نشود  
 و بیکر نوشته اند از پارسال الی این اوقات باران  
 در ولایت نبامده بود و مالی انجا قریب تسویش بودند  
 در ماه ربیع الاول نزول رحمت خداوندی در ولایت  
 شده بارانی بسیار بموقع و با منفعت یک شبانه روز  
 متصل باریده ریاضه باعث امیدواری مالی انجا گردید  
 تقدیم شکرانه و شادمانی نموده

دیگر نوشته اند که عالیجاه عبدالدبیک یا در توپخانه  
 با یک عراده توپ ۱۲ پوند و قورخانه که از دربار تالیون  
 انقاد شده بود در ماه گذشته وارد کرمان گردیده  
 و چون قبل از وصول آنها امیر الامرا العظام سردار قورخانه  
 مضبوطی نسبت بندر عباسی فرستاده بود احتیاج  
 فرستادن این قورخانه شده است مگر دوازده با  
 کلوله ۳۲ پوند و خمپاره و بار و طصحوب دوازده  
 نفر قورخانهچی با همان دوانی که از دار انخلاف قورخانه  
 حمل کرده بوده اند از انجا کرایه داده روانه بندر عباس  
 از قرار یک تسعیر انجا س کرمان را نوشته اند در ربیع الاول  
 کدم حومه یکم هزار سه تومان و پنجاه  
 کدم نزدیک یکم هزار سه تومان  
 جو یکم هزار دو تومان و دوریال  
 گاه یکم هزار چهار هزار و پانصد  
 نان یکم هزار سه تومان و دوریال  
 گوشت یکم هزار دینار  
 روغن یکم هزار و پانصد  
 نبات یکم شش هزار و ده  
 قند نباتی یکم هفت هزار و ده  
 قند وسط یکم شش هزار  
 قنداری یکم هزار  
 شکر یکم چهار هزار و شصت  
 برنج ازرونی یکم یک هزار و صد و بیست  
 برنج چمپا یکم نهصد و بیست

۱۳۱۶

### اخبار دول خارجه

انگلیس و راجب این مملکت نوشته اند که نسبت  
 که این مملکت رس امپد بعلیا حضرت پادشاه انگلیس  
 عریضه نوشته و مستدعی شده اند که اذن بدو  
 اتو لایت نیز مشورتخانه مانند ولایت انگلیس بر راه بنید  
 د حاکم آنجا نیز که جائین پادشاه است اذن کشون  
 مشورتخانه و بحث و مشورت در امور اتو لایت در  
 مبرورد آشته باشد در این اوقات فرمان پادشاه  
 در بطبق عرض آنها با اتو لایت رسیده و مشورتخانه  
 کتوده شده است و چون که خیر و صلاح مملکت را در  
 میدانند باعث افتخار و شادمانی کل انالی آنجا شده

تاریخ کاغذ آخر که از لندن رسیده چنانچه  
 صفر بود درین وقت سال همیشه حاکم تازه بجهت شهر  
 معین میشود و فاعده است که وزیر و ایچیان همه همان  
 حاکم مبرور میشوند امسال هم برب قانونی که دارند  
 این جنیافت با کمال نیت و اساس رسیده

### فرانسه

در روزنامه این ولایت تاریخ بیستم ذی حجه  
 که ناخوشی و با در اتو لایت بسیار کم شده بلکه بالمره  
 رفع گردیده بود از جمله چیزهای غریب که اجبا و راجب  
 که در اندکی این است که خیلی مردم از خوردن کافور  
 شده اند اجبا در فرنگستان کافور را مانع سیرت  
 مسدی میدانند ازین سبب مردم در فرانسه در ایام  
 ناخوشی مبرور هم کافور در میان رخت خود میکند

و هم در میان عرق آب کرده میخورند و دیده اند آنها که  
 کافور خورده بودند معشاشان عیب کرده بود و لکن در  
 این ناخوشی جوهر کافور را بجهت حاجت مفید استند بطور  
 که یک قطره جوهر کافور در روی قند ریخته در برنج سیاه  
 بریض میدادند تا مریض گرم شده عرق میکرد و صحت

در باب گفتگوی بین این دولت و دولت جمهوری  
 شمالی در خصوص موسیوسوله که تفصیل آن در روزنامه  
 گذشته نوشته شد از فرار روزنامه که تازه رسیده  
 از فرار روزنامه که تازه رسیده است با گفتگوی  
 زیاد دولت فرانسه متحد شده اند که حاکم آن سمت  
 فرانسه که پادشاه کلی میانند و وزیر مختار مبرور را خبر  
 بود که از آنجا برود از حکومت آنجا بردارند و بنا بود که  
 دولت فرانسه از دولت جمهوری یونانی دنیای شمالی  
 عذرخواهی نماید و لکن هنوز معلوم نبود که دولت یونانی  
 شمالی عذرخواهی دولت فرانسه را قبول نمایند یا نه در  
 یکی از روزنامه های آنجا که سیه کل میانند نوشته اند

که گفتگوی ما بین دولتین اسپانول و یونانی  
 شمالی بوساطت دول ویکر بطوری باصلاح انجامید که  
 بنا بود موسیوسوله مراجعت بملکت اسپانول نماید  
 و در بین راه اراده داشت که چند روز در قصبه  
 که وطن او بود توقف نماید که اقوام خود را که چند سال است

### احوال مفرقه

ندیده است و بدین نماید  
 در شهریان مملکت فرانسه بکطاقه شان بجهت زوجه مبرور



اتولایت یافته اند که چهل هزار فرانک که تخمیناً چهار  
هزار تومان پول ایران باشد تمام شده است و  
دولتین انگلیس و فرانسه را در آن باقی مانده

در تابستان گذشته پادشاه پروسیه ارکال که انقضا  
پایش قدیمی میبود همیشه بود اطباء و جراحان صلاح  
دانسته بودند که کنار دریا رفته باب شور دریا آبی  
نمایند مگر در کنار دریا بود و لکن چندان فایده از آن  
معاوجه ندیده بود

در روزنامه دولت جمهوری یونانی شمالی نوشته اند  
که در یکماه انقدر خانه و انبار آتش گرفته است که خلق  
چار لیان و الار که تخمیناً هفت کرد و صد هزار  
تومان پول ایران باشد متضرر شده اند

در روزنامه هند نوشته اند که استعماری مختاریکی از جانب  
دولت انگلیس و یکی از جانب دولت فرانسه و یکی از  
جانب دولت جمهوری یونانی شمالی بشهرانگان  
چین رسیده بودند و بنا داشتند پیکن بای تحت  
چین بروند که عهدنامه که سابقاً بسته شده بود و باین  
تجدید نموده و قرار بدهند سر استعماری هم بنا گذاشته  
بودند که بر جای خودشان قدغن نمایند که با جنگ با چین  
باغیان و پادشاه چین هیچ وجه دخل و تصرف ننمایند  
اعتناش آن مملکت بسیار تا تاثیر با مورات تجار کرده است  
حساب کرده اند که در بن سال داد و ستد تجار چهار  
گزار سالهای دیگر کرده است و بسیار هم متضرر شده اند  
سبب اعتناش درین ولایت در اول جنگ با چین باغیان  
و پادشاه چین اکثر اهل دول خارج خیر خواه باغیان بودند

و امید داشتند که اگر باغیان تسلط بیابند کار توالت  
بهر راه برود و حال می بینند که هر طور که باشد باز نظمی که  
سابق داشتند بهتر از اعتناش این ایام بود و هر طرف  
غالب بیابند نظم سابق تا چند وقت دیگر قرار نخواهد  
تاریخ کاغذ آخر که از چین با انگلیس سید اخزماه ذی قعدة بود

سیاحی از فرانسه که در جزیره مدیگر سیاحت کرده است  
درین روزنامه صحبت بولایت فرانسه کرده چند تخم مرغ  
مراه خود آورده است و لکن مرغی که این تخمها را گذاشته  
ندیده بوده است و این تخمها بزرگ اند بقدریکه تخم شتر مرغ  
از تخم مرغ خانگی بزرگتر است این تخمها هم از تخم شتر مرغ  
هفتصد برابر بزرگترند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه چاپی  
باسه چی در محله بزرگب دروازه دولاب نطباع شده  
از اینقرارداخته میشوند  
وساین بافرت یک جلد ده تومان  
خسته نظامی دو تومان و پنجاه  
سر ابر دو تومان  
زنده المعارف دو تومان  
معراج السعاده یک تومان

۱۳۱۸

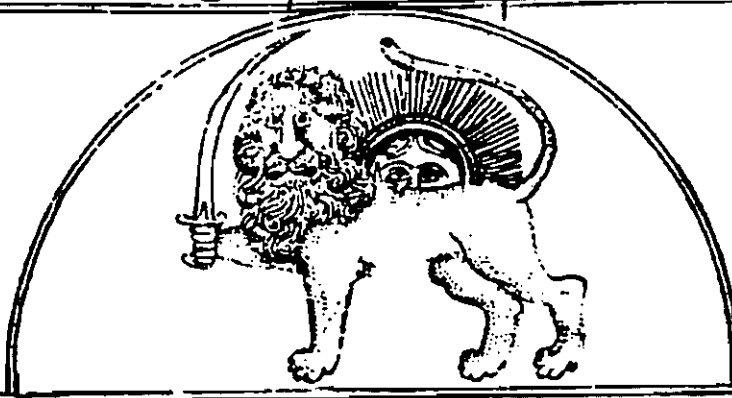
# روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ پوچم خورشید و یکم ماه ربیع الثانی مطابق سال باسنیل ۱۳۷۱

منه دیت و شش

قیمت روزنامه

یک نسخه بشماره یکسال

هفتاد و چهار هزار



منجد دارا خلیفه طهرانی

قیمت اعلانات

یک خط اچار خط

هشت و پنج

بسیار با خط

## اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

### دارا خلیفه طهرانی

### آینده مندرج خواهد شد

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بجهت ملائمت و تزیین هوا غنیمت تفریح و سیاحت اطراف دارا خلیفه مبارکه را فرموده سوار گردیدند و تا حوالی غروب سیاحت ساعات اطراف مشغول بودند نزد یک پل اقیاب مبارکه که سلطانیه و قمر سلطنت می باشد فرمودند

در روز سه شنبه گذشته سرکار اعلیحضرت پادشاهی میل شریف فریادی مبرک در دارالعلوم فرمودند که نفیس مایون توجه ملوکانه باحوال متعلین مدرس بهرمانه و از حالت تحصیل و ترقی مر یک از آنها خاطر مبارک در قریب آگاهی شود ازین نذیع مراقبتهای بزرگ و عمد که در کار مدرس میشود امیدواری زیاده حاصل است که در اندک وقتی شاکر ده متعلین سر علمی از علوم برسد کمال برسند و قابل رجوع خدمات عمده دولتی شوند تفصیل احکام و ذمائیهای ملوکانه و تشریح اراد و ای دولت علییه بهر طور که مقرر شده باشد در روزنامه

درین اوقات بعد از آن بارندگی که در روزنامه سابق نوشته شد باز سه چهار بارندگی کامل بسیار خوب بوقع در دارا خلیفه طهرانی و اطراف گردیده بطوریکه برای زراعت کاران امیدواری کلی روی داده و این تلویش کرانی اطمینان و آسودگی کلی حاصل شده و این بارندگیهای متوالی که بموقع آمد تا شیر بسیار در شیر اجناس بهم رسیده و نسبت سابق هرگز جنس نهایت فوراً دارد و هوای دارا خلیفه طهرانی در نهایت ملائمت و خورشید و در روز است که باقتضای فصل هوا قدری سرد گردیده است و پنج جزئی در روی آب بسته میشود ولی هنوز بطوری که بنحاله را آب بندند و پنج بکیرند نشسته

### سایر ولایات

دارالمهرزاز فرار بک در روزنامه این ولایت نوشته نواب شاهزاده احمد میرزا و عالیجا مقرب المحضه طلب اخبار میرزا اسد الله درین اوقات دارد بده ساری گردیده و محل حکومت خود فرار گرفته اند و جمیع اهل مازندران از

در کار مدرس میشود امیدواری زیاده حاصل است که در اندک وقتی شاکر ده متعلین سر علمی از علوم برسد کمال برسند و قابل رجوع خدمات عمده دولتی شوند تفصیل احکام و ذمائیهای ملوکانه و تشریح اراد و ای دولت علییه بهر طور که مقرر شده باشد در روزنامه

۱۳۱۹

۱۳۱۹

حسن سلوک نوابش براده و عالیجا بهیر از اسد بهیاست  
رضامندی و شکر گذاری دارند و امیدوارند که روز بروز  
بر حسن سلوک خود افزوده الهامی اولایت را قریب آسودگی  
دارند

دیگر نوشته اند که از ششم این ماه الی یازدهم باران  
بسیار خوب درمازندران آمد بطوری که از جمیع رودخانه  
آب جاری شده و رعایا ازین مرحله زیاده مشوق  
و شکر گزار گردیده اند و بکارشبار زمین و تدارک  
زراعت مشغول میباشند

دیگر نوشته اند که عالیجا مقرب انخاقان میرزا علیخان  
سرتیپ فوج خواجه و نذو عبد الملکی در امورات متعلقه  
کمال نظم را معمول دارد و طایفه مزبور که همیشه  
بشرارت و فساد بودند و بجا برین و مترددین آن  
دست اندازی میکردند درین اوقات از اتهامات  
عالیجا به مشا رالبه احدی از آنها یاری حرکت خلاف  
ندارد و همگی به نهایت انتظام حرکت می کنند و الهامی آن  
اطراف ازین فخره کمال آسودگی دارند

### عربستان و بربر

از فرار یک در روزنامه برود نوشته اند تعبیر اخبار  
در اولایت رو بترقی بود و مردم بجه خشک سالی و نیاید  
باران تشویش زیاد داشتند اما بعد از آنکه باران کمال  
در اولایت آمد امیدواری کثی برای الهامی آنجا حاصل گردید  
رفع تشویش مردم شد جنس بهمان تعبیر که بود دیگر  
ترقی نکرد و امیدوارند که باران دیگر اگر بیاید ازین  
هم که دارد تزلزل کند با بجد بارندگی متوجه بسیار باعث امیدوار

### الهامی اولایت شده است کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند در ماه ذیحجه  
ضعیفه مجوسیه بشرف اسلام مشرف شده و امیرالامرا  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان خرجی با و داد  
بزیارت ارض اقدس رفت بود بعد از مراجعت از  
زیارت نه نفر از اولاد و خویشان خود را ترغیب به  
اسلام نموده بهمکنی بشرف اسلام مشرف شده است  
و امیرالامرا العظام سردار رعایت حال آنها را  
نموده اخراجات یکساله با آنها داده با کمال شکر گذاری  
مشغول دعای و ام دولت قومی شوکت شدند

دیگر از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران  
یزد و کرمان در انتظام امر اولایت اهتمامات  
کافی معمول داشته و در نظم شهر و محلات و طینت  
طریق و سوارع و سرحدات بطوری اهتمام نموده  
که راهها نهایت اخیت دارد و قافله از آن راهها  
در کمال اطمینان و خاطر جمعی و دعا گوئی عبور  
و مرور می نمایند و در شهر و محلات و بلوکات  
نیز کسی هدرت و یاری حرکت خلاف قاعده نداند

دیگر نوشته اند در باب فرستادن قشون  
به بندر عباس که تقصیل آن در روزنامه های  
سابق نوشته شده است امیرالامرا العظام سردار  
بطوری اهتمام نموده بوده اند که از روز حرکت

۱۳۲۰

مقرب الخاقان عبدالقدیر خان میرپنج سمیت  
 بندر مزبور تا ورود بائج در هر یک از منازل  
 علی التوالی تعین کی و کویک و آذوقه بار دوی مزبور  
 ملحق می شده است و روز بروز جمعیت اردو کی  
 مزبور زیاد تر و آذوقه بیشتر میگردیده است و  
 نهایت کفایت و کار دانی را در فرستادن  
 قشون مأموره بقاعد لغظم لعل آورده است  
 چنانچه در اردوی مقرب الخاقان عبدالقدیر  
 میرپنج جنس از همه جای آن اطراف بیشتر و از آن  
 بوده است

### خراسان

از قریب یک در روزنامه خراسان نوشته اند  
 در املاک موقوفی سرکار فیض آثار بعضی خدمت  
 آن سرکار دست تصرف قوی کرده بودند  
 بطوریکه هر کس هر جانی را که در تصرف داشت  
 خود را مالک باستحقاق آنجا میدانت حتی در  
 قبایل و جات خود می انداختند و درین اوقات  
 مقرب الخاقان وزیر نظام درین خصوص وقت  
 کامل نموده هر کس هر قدر مفری داشته نقداً  
 جنت آباد میسراند و باقی منافع محصوله املاک  
 مزبوره صرف مرمت و تعمیر صحن و ایوان و  
 غیره خود حضرت و اطعام فقرا و مساکین میشود  
 و خدای که بسبب احجاف سایرین سخن خود میسراند  
 درین اوقات ازین تسرار داد نهایت رضامند  
 و شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که سابقاً معمول بود که غله در اینبار  
 سرکار فیض آثار جمع و انبار می شد و اینمغنی معایبی  
 داشت لهذا مقرب الخاقان وزیر نظام فرار انبار را  
 موقوف کرده و قرار گذاشته اند که آنچه محصول  
 املاک موقوفی سرکار فیض آثار راست بقیمت عادلانه  
 وقت بخلق فروخته شود و نتخواه آن مصارف مختصی خود  
 سرکار فیض آثار برسد

دیگر نوشته اند که فوج کردوسی که بقراول خانهای این  
 اقدس مأمور شده بودند نسبت بقراولهای سابق  
 و قرارهایی که مقرب الخاقان وزیر نظام در امر قراولی  
 گذاشته بود قدری بر دم بدسلوکی کرده بودند مقرب  
 وزیر نظام سرتیب و صاحب منصبان آنها را اجزاء  
 و قدغن نموده بود که از قراول سابق تخلف نمایند و بهمان طور  
 که قراولان سابق رعایت کسب را موقوفشان اند منظور شد  
 منظور دارند و اگر بعد ازین خلاف بیایند یا بی احترامی و بدسلوکی از آن  
 نسبت بکسی سرزنش نمود و مواخذة تمهید نمایند

دیگر نوشته اند که از مال شخصی هراتی چندی قبل ازین بیست و چهار  
 ابره بزرگ هزاره در ارض اقدس بسرقت برده بودند مشارالیه  
 بمقرب الخاقان وزیر نظام عرض نموده و بگلانتر و داروغه قدغن شده  
 بود که حکماً مال او را پیدا نمایند یا از عهده قیمت آن برابند درین  
 اوقات معلوم شده بود که برکهارا شخصی سبزواری  
 سرقت نموده و برده در در زوڈنشا لو بسپرده است  
 حسب احکام فرستاده برکهارا بعینه با آن شخص سارق  
 آورده برکهارا البصاحبش تسلیم و سارق را تمهید  
 مضبوط کرده اند

۱۳۲۱

### کردستان

از قرار که در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب الخاقان  
 وزیر نظام در انتظام امر آنجا اتهامات کافی معمول داشته  
 و اهل آولایت خصوصاً اهل ارض اقدس قرین کمال  
 رفاه و امنیت هستند و راه شرارت و دزدی شهر ابطور  
 محکم بسته شده است و اگر اجناس مالی از کسی سبقت برود  
 حکماً داروغه و کدخدایان یا پیدای کنند یا از عمده برمی  
 و مردم از این جمله نهایت شکر گذاری دارند

دیگر از قرار که تعبیر اجناس ارض اقدس را نوشته اند  
 بجهت نسبت بعضی ممالک محروسه نهایت وفور  
 ارزانی را دارد از جمله کندم خرواری یا زده هزار و آرد  
 خرواری سیزده هزار و نمان خرواری سیزده هزار و جو  
 خرواری شت هزار و پانصد دینار و برنج رسی یک من  
 هفصد دینار و برنج عنبر بوبک من چهار عباسی و گوشت  
 بکن چهار عباسی و سایر اجناس را نیز که مفصلاً نوشته اند  
 بهین قرار مطلقاً تعبیر دارد

دیگر نوشته اند ضعیف در صحن مقدس آمده مقرب الخاقان  
 وزیر نظام عرض کرد که اسبابی از خانه من سبقت برده اند  
 و رد پای در از هیچ طرف معلوم نیست مقرب الخاقان وزیر  
 نظام اسباب او را گفته بود سیاه کرده بودند تخمیناً  
 یازده تومان و کسری بوده است حکم کرده بود که داروغه  
 یا سه روزه پیدا نماید یا از عمده و جان برآید داروغه شب  
 رفته بهسایگان اطراف آن خانه گفته بود که حکم وزیر نظام  
 این است که اسباب این ضعیف از هر خانه که برور بگذران  
 حراب نمایند شب اموال ضعیف را تمام و کمال آورده بخانه  
 ریخته بودند

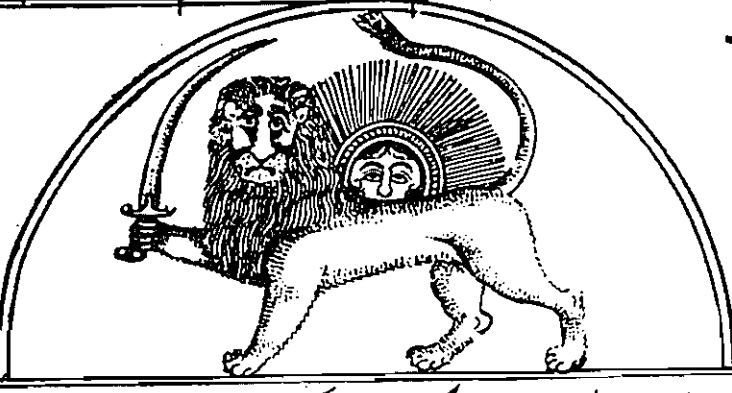
از قرار که در روزنامه کردستان نوشته اند امورات آنجا  
 از اتهامات اولیای دولت قاهره قرین نظام و انضباط  
 و مقرب الخاقان امان الله خان والی در انجام خدمات  
 و حصول امنیت در قافه و آسودگی رعیت نهایت اهتمام  
 دارد و بجهت نیامدن باران امسال رعایای آنجا قدری  
 قرین توشش بوده اند و لکن درین روزها از قرار که نوشته  
 در سرحدات آنجا بارانهای خوب آمده و رفع توشش  
 مردم گردیده و امید داشته اند که در خود سسنج نیز  
 باران بساید که زیاده باعث امیدواری اهل آنجا

دیگر نوشته اند که رودخانه بزرگی نزدیک بسنج میکند  
 که آنرا رود قشلاق مینامند و در اوقات طغیان آب عبور  
 سواره و پیاده از آنجا متعذر است مرحوم امان الله خان  
 والی سابق بی در آنجا ساخته بوده است ولی برور ایام ولی  
 اتهامی حکام بعد که تعمیر آن پل نکرده بودند کم خراب و  
 قدری قسم که باقی مانده بود در سال گذشته که آب طغیان  
 نمود بالمره از بنیان کنده و برده بود مقرب الخاقان والی  
 امسال محض رفاه عابریین و مترددین و حصول دعا کونی  
 ذات اقدس همایون مخارج نموده و بی در کمال استقامت  
 و خوبی ساخته است که بتصدیق اهل آنجا محکمتر از پل  
 اول است و مترددین ازین جمله آسوده خاطر و دعا  
 ذات اقدس بیهاں پادشاهی مینمایند

۱۳۲۲

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خورشید و ششم ماه ربیع الثانی مطابق سال ۱۲۷۱

نمره دویست و هفت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه دوازده ریگاله  
و تومان و چهار هزار



منطبه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
بکسر الی چهار سطر بکسر از پانزده  
بیشتر با هر سطر پنج ریگ

## اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی عریضت  
تفریح و شکار فرموده و سوار شدند و تا حوالی عصر بساحت  
اطراف مشول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک  
مبارک که سلطانی و مقرر سلطنت عظمی مراجعت فرموده

چون جناب نظام الملک نایب ممدار عظمی و شخص  
دویم دولت علییه ایران در انجام خدمات دیوانی و  
بکل محاسبات مراتب کفایت و کاردانی خود ایشود  
و ملحوظ پیشگاه حضور مهر فرمود خسر و انی داشته و طرز  
و خدمتگذاری او که همه اوقات مصروف خدمت دولت  
جاوید مدت علیه است در نظر اقدس هیایون سرکار  
اعلیحضرت پادشاهی مستحسن و مقبول افتاده در این اوقات  
نظر بظهور و فور محاسم ملوکانه بکثرت خرقه خرابه  
از بلبوس خاص بدن مبارک بجناب معظّم الیه خلعت  
و رحمت فرمودند که هر روز با همان خرقه سلام حاضر  
شده و بکرمی در رسیدگی محاسبات و سایر خدمات

دیوانی خاطر هیایون را پیش از پیش راضی و خوشند  
چون نواب عماد الدوله امستلی میرزا حکمران کردستان  
در جمیع خدمات دیوانی و انتظام آن ولایت کمال اهتمام  
نموده بود خاصه بهتر از همه است که جدیدی تدبیر کرده بود که  
امپریال اشرفی دوره تجسیره و صیقلی دو تومانی که بکری  
آن ضرب آن ولایت مسکوک بود و بکروی دیگر آن بصوب  
هیایون مزین بود و این معنی بسیار در خاکپای اعلیحضرت  
شاهنشاهی مطبوع و مستحسن افتاد لکن امواری بکثرت  
کلیجه زر از بلبوس بدن مبارک برای نواب مغزی الیه  
خلعت مرحمت و انفاذ گردید

درین اوقات چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته  
شده چند دفعه باران متوالی در دارالخلافه طهران و اطراف  
آمد و هوای نسبت بهای دیگر ملائمت داشت اما چند روز  
که یکدفعه برف خرنی آمد و بعد از آن هوا سرد شد است  
بطوری که درینچالها آب نماند و برف بکشد  
در نمره ۲۰۲ این روزنامه که بتاریخ ۲۳ ربیع الاول  
بود

۱۳۲۳

نوشته شد که جورا در بیچده هزار و کندم را در بیست و دو هزار بفرود شد اگر چه منظور امنای دولت بجهت آسودگی رعایا و کل امالی دارالخلافه این بود که غلّه باینطور فروخته

و لکن بسبب اینکه سخنان استند بصاحبان انبار سنجی که می بشود سعی و کوشش تمام کردند که رفع معطلی خلق شده اجناس در دارالخلافه فرادان بشود شتر و قاطر و سایر دواب بارکش سحرخان و قزوین و سایر جایها که غلّه زیاد بود فرستاده و غلّه فرادان حمل و نقل دارالخلافه نمودند بجهت

و علاف دادند که جنس زیاد باشد و از انبار دلوای

هم که دایم بجهت احتیاط غلّه نگاه میدارند فروخته و بجهت آنکه

کندم دادند و کار انبار همش انداختند و این کوشش امنای دولت علیه نتیجه خوب شد اگر چه اجناس آن قیمت

که منظور بود فروخته شد و قیمتش بقرابت که در آخر این روز نامه نوشته میشود و لکن هرگونه جنس فرادان است

رفع تنگی و تسویش و خوف و معطلی خلق شده است و امید

کلی است که روز بروز قیمت اجناس تنزل کند

نظر باینکه در این سنوات مستری ارباب و ظایف را در ما نذران خوب بپرسانند و مردم از آنچه ناراضی بودند مراتب بعضی امنای دولت علیه رسیده قرار دادند

که از بده بستانند و ما بعد ما مستری ارباب و ظایف بزرگ علایجاه میرزا اسدالدین و زیر با تفاق و اطمینان کاشته

مقرب انخاقان عضد الملک با ارباب و ظایف درست برسانند که موجب دعا گوئی موفقیین شود

### سایر ولایات

در پایتخت از قراریکه در روزنامه آذربایجان

نوشته بودند مقرب انخاقان قایم مقام در لوزم تقریب داری مرحوم امام جمعه دارالخلافه طهران کمال استقامت نمود و ختم سکین خوب سه روز گرفته اند

دیگر نوشته اند که در بناب مرافعه بکنفر توپچی را یکی از رعایا بقتل رسانده بود صاحب منصبان توپخانه قاتل را گرفته

به بست عالیجاه بچی خان ایلیخانی حاکم مرافعه سپرده مراب بتوسط عالیجاه محمد علیخان سرهنگ توپخانه مقرب انخاقان

قایم مقام عرض شد و محصل فرستاده اند که قاتل را با ورثه مقتول به تبریز بیاورند تا آنچه مقتضای عدالت و

احقاق حق است بعمل بیاید

دیگر نوشته اند که حاجی زمان نام تاجر مشهور بار دواب رعیت این دولت علیه از آقا فرج نام اهری مسلمان

مطالبه طلب میکرد و دو سه سال بود که مشارالیه در ایصال طلب او ملاحظه نمیدادند گاهی به بست میرفت و گاهی

ستواری می شد در این اوقات که بیرون آمد بود حاجی زمان عارض شد که طلب او را بگیرند بعد از آنکه آقا فرج را حاضر

کردند و مستر او داده بودند که در خانه حاجی زمان با جملات این امر را بگذرانند جمعی از تجار را هم حاجی زمان بجهت عدل

گرفته و در باب طلب خود گفتگو کرده بود آخر شب سکار بمنازل خود مراجعت کرده و آقا فرج در منزل حاجی زمان

خوابیده بود و صبح فوت شده بود ورثه او مکان کرده بودند که حاجی زمان او را مقتول کرده باشد خبرد

حکام شرع رفته درین باب مرافعه داشتند درین بین حاجی زمان هم وفات یافت

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان قایم مقام محض مزید علایق

۱۳۲۴

بجته ذات اقدس هابون مطالبه و جرحی الحکومه را  
از تبریز و نواحی آن موقوف کردند و احکامی که درین

باب نوشته بودند در ملا عام خوانده شده مردم  
اقدام بدعا کولی و شکر گذاری کرده اند

دیگر نوشته اند که یک لنگه امیرال مال حاجی عبدالرزاق  
تاجر که حاجی علی جلوه دار شیرازی در قزاق ملک کرده بود  
عالیجا همیز انصیر که خدا با شکی پیدا کرده بصاحبش تسلیم  
و قبض رسیدگی دریافت کرده است

دیگر نوشته اند که سید محمد نام همدانی قریب یکسال بود  
که در کار و اسرای حاجی سید حسین منزل کرده بود  
و ظاهر ابصلاح و سداد استه بود تجار کار و انتر احمچه  
رعایت جانب او یکصد تومان در میان خود سیاه

کرده بودند که با او بدیند ولی سبب مزبور بچاق و ضلح  
سدا و ظاهر دوسه دفعه در خفیة از حجات تجار نقد و  
سرفت کرده بود چون کسی بجان دزدی باو نمی برده متعوض  
او نمی شدند تا نوبتی از حجه تاجری باز بمشاد امیرال

سرفت نموده آقا صادق وار و نموده و او را گرفته بود  
بعضی اموال سر و قدر از او استرداد و بصاحبانش تسلیم  
و بجته مطالبه باقی اموال سر و قدر که تفریط کرده بود او را

حسب دارند  
و همچنین سیدی رشتی آمده در کار و اسرای میرزا شیخ  
منزل کرده و گفته بود بار بار بر شمش دارم و در عقبه است  
می آید چند روزی در آنجا مانده یکشب از حجه حاجی علی  
تاجر مرندی بقدر دویست سصد تومان نقد و حبس  
نموده بچارج شهر رفته و اسبی خریده بود که فرار نماید قاصدا

دار و نمه خبر شده او را گرفته و در حبس است تا حکم او بشود

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند در تعمیر  
خواج که خرابی بهم رسانده بود و حسب الامر اولیا

دولت قاهره مقرر شده بود که تعمیر نمایند عالیجان  
چراغعلیخان نمایب الحکومه و میرزا زکی پیشکار اصفهان  
اتهام کرده و تعمیر نموده با انجام رسانده اند بطوریکه  
بسیار باشکوه و خوب شده است که اگر بهتر از روز  
اول نشده باشد البته مثل آن است

### استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب  
محمد ولینجان بیکلر یکی در شهر استرآباد بوده و این واقعه

بنیاد استه است میان کولکان برود اگر چه رئیس سفیدان  
کولکان آمده و چند رس اسب پیشکش کرده بوده اند  
که مشارالیه رفتن خود را موقوف نماید و لکن بنیاد استه  
که بعد از انانام سان هوج قدر سکی که عالیجا همیز احمدی  
شکر نویس سان آنها را می بیند برای مطالبه مالیات  
بمیان طایفه مزبوره فتنه و اموات آنجا را منظم نماید

دیگر نوشته اند که عالیجا همیز اسمعیل خان مشغول بازنده  
بروج و باره شهر استرآباد و جاهای آنی که مقرب انحاقان  
بیکلر یکی ساخته است بود بعد از فراغت از آنجا به بازنده  
بند کرکان رفته بود چون پل آنجا خراب بوده است در  
عبور یکیشا را لیه را آب برده است

دیگر نوشته بودند درین اوقات مفتی سوارنگر  
بسرزمین محمد آباد آمده طفلی را میخواستند بگیرند اهل قریه

۱۳۲۵



خبردار شده بپست نرسوا بر راه ترکمانان رفته  
 و بعد از زد و خورد دو نفر از ترکمانان با داور رس  
 بست آمده مابقی فرار کرده اند و آن دو نفر ترکمان را  
 با ستر اباد بنزد مقرب انخاقان بکلر بیکی آورده اند  
 در حبس دارد

دارالمرزمازندان

از قراریکه در روزنامه اتولایت نوشته اند امورات  
 این اوفات از حسن اتهامات نواب احمد میرزا حکمران  
 و عالیجاه میرزا اسد الله وزیر انتظامی کامل دارد و از آنکه  
 بعرض و مطالب مردم رسیدگی میشود امالی آنجا کمال  
 رضامندی و شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که نواب احمد میرزا و عالیجاه میرزا  
 اسد الله در انتظام امر چایار خانهای آنجا اهتمام نموده و  
 قرار گذاشته اند که هر که ام خرابی داشته باشد تعمیر نمایند و در  
 کار تعمیر میباشند و سایر لوازمات چایار خانها  
 نیز از هر جهت منظم و مضبوط دارند که برای چایا  
 بچگونه معطلی نبوده باشد

گردستان

از قراریکه در روزنامه گردستان نوشته اند در  
 دوازدهم ماه گذشته صفر عالیشان رضایک نایب توختا  
 که از جانب اولیای دولت قاهره مامور بخدمات گردستان  
 بود با توپچیان ابو اجمعی خود بان مقرب انخاقان  
 رسیده همگی در کمال اشتهاسی و انتظام سان داده اند  
 و مقرب انخاقان مشارالیه از جانب اولیای دولت  
 علیه آنها را مورد التفات نموده و هر روز در میدان

دارالایالات مشغول مشق میباشند و با کمال نظم حرکت میکنند  
 دیگر نوشته اند که یک نفر از نوکرهای عالیجاه بختعلی خان که  
 از جانب والی حاکم جوانز و دست بجه تحصیل مالیات  
 بدست آن سرحد میرفته است در بین راه بگریس اسب

عربی بسیار خوب دیده بود که بی صاحب بچرا مشغول است  
 اسب را گرفته و صاحب آنرا بر چه شخص کرده نیافته بود  
 نیز: عالیجاه بختعلی خان برده بعد از تفحص زیاد معلوم شده بود  
 که اسب مذکور مال جناب آقا عبداله محمد کرمانشاهی میباشد  
 که از دست آدم او گرفته بختا ک گردستان آمده است  
 اسب را با بعضی تعارفات از خود مصحوب آدم خود بنزد جناب  
 آقا عبداله فرستاده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا تقی فرزند شای جناب جلالت  
 اشرف افخم صدر عظم که مامور بگرفتن اشرف ایشار و دستگیر  
 در نهایت معقولیت خدمات خود را با انجام رسانده است  
 بطوریکه امالی اتولایت کمال رضامندی از حسن سلوک  
 او داشته اند و فرمایشان ابو اجمعی را هم بملاحظه نظم و معقولیت  
 حجت ارتکاب خلاف و مناسبت نداشته اند درین  
 مأموریت مشارالیه یک نفر از فرمایشان جمعی او بی ادب  
 بهمانی تاجری رفت و مرکب شرب شده بوده است  
 صبح که مشارالیه مطلع شده فرایش را نادید کمال  
 نموده تا جراهم مانعت از جهان بردن بی اجازت  
 کرده است که در آینده بخلاف نظمی واقع نشود

دیگر نوشته اند که بعضی املاک گردستان بوزارت مالک بیرون  
 بوده اند مقرب انخاقان الی حکمی صادر کرده که بنصف مالک حقیقی  
 بنصف مالک بیرون  
 بنصف مالک بیرون  
 بنصف مالک بیرون

۱۳۲۶

### اخبار دول خارجه

انگلیس از قرار روزنامه این ولایت که نوشته اند از علیا حضرت پادشاه انگلیس حکم شده بود که بتاریخ دوازدهم ماه دسامبر انگلیس که مطابق سه شنبه ۲۱ ریح الاول است اهل دوشورخانه در پای تخت جمع شوند بجهت قرار امور دولتی اکثر سالها قاعده این بود که بگاه از نرستان گذشته اهل مشورتخانه جمع میشد امسال زودتر از سالهای گذشته حسب احکام جمع شده اند معلوم است که بجهت امور عمده دولتی خواهد بود

غله در مملکت انگلیس قدری ترقی داشت و سبب اینست میداند که در سه ماهه پاییز از خارج با نولایت غله کم آورده بودند در تابستان غله در ولایت انگلیس تنزل داشت اینهم چندین سبب داشت یکی این بود که حاصل ولایت انگلیس بسیار زیاد آمده بود که چاکسن بخاطر داشت که حاصل با این فراوانی در نولایت بعین آمده باشد و چونکه در ممالک خارجه که غله از آنجا می آوردند قیمتش گران بود بولایت انگلیس آوردن منفعت نمیکرد از آنجهت غله بجای دیگر فرستاده فروختند ازینکه دینار و پروسه و مصر و اسپانیول که جای غله خیزند در ایام الاوقات در ولایت انگلیس در ممالکی که غله کم یاب باشد از آنجا غله میفرستند درین سه ماهه هیچ غله نفرستاده بودند و در خود ولایت انگلیس نزدیک سحر واری یک تومان ترقی داشت و خرواری هشت تومان میفرجستند حال که غله آورده اند منفعت میکند و گشتمای زیاد دارند و حاصل و نفس غله اشکال ندارد معلوم است که در اندک مدت غله زیاد آنجا خواهند آورد و در اکثر جاهای

فرنگستان حاصل سال گذشته بسیار فراوان آمده است زارعبین در عابای انگلیس امسال منفعت زیاد کرده اند بجهت اینکه حاصل خودشان خبا نچه نوشته شده امسال خیلی زیاد آمده بود و قیمتش نسبت به سالهای پیش زیاد بود معلوم است آنها که تا بحال غله زیاد نگاه داشته اند و با این قیمت گران خریداری میفرستند منفعت زیاد خواهند کرد

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که بنا بود در اوقات اعلیحضرت امپراطور فرانس با زوجه اش بیدین علیا حضرت پادشاه انگلیس بیایند و مردم از این خبر بسیار خورشید و شغوف اند از آنرا که علامت دوستی و یگانگی دولتین است داهل انگلیس بسیار خیر خواه امپراطور فرانس اند از آنرا که سلطنت او باعث نظم نولایت شده است و نظم باعث اعتشاش در مملکت فرانس دایم است بایر ممالک سرایت می کند

### فرانس

تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید ما ریح الاول بود درست جنوب مملکت فرانس کمان اعتشاش داشتند و چند نفر بجهت تحقیق گرفته و مجبوس کرده بودند بعد معلوم شد که اصل نداشت و همه را محض کردنند از این اشخاص بعضی جا کران دیوان بودند باز هر یک در کار خود برقرار شدند اعلیحضرت امپراطور فرانس در پایتخت پاریس بودند و بنیاد اشند نرستان را در عمارت نویلیر بر بنیاد پارستین وزیر د خنده مملکت انگلیس پاریس آمده و منتهای محبت و التفات از اعلیحضرت امپراطور دیده بود در شهر پاریس باز مشغول تعمیر دارالش

۱۳۲۷

شهر بودند بعضی کوچه ها و خانه های کهنه را خراب میکردند و از نو بساختند و درخت می شانند و همه کس تصدیق میکند که در ایام پیک از پادشاهان سابق فرانسه چنین تعمیر و آرایش از پاریس بای تحت فرانسه شده بود و الهه پادشاه اسپانیول پاریس وارد شده بود

### احوال متفرقه

در مملکت ناپولی از دیوان حکم شده است که از سالیانه مالک ایتالیا بیچ روزنامه داخل آن ولایت نشود در مملکت سیسیس تازه معدن نقره کشف شده اند اگر چه چند منفعت نمی کند اما جمعی از دولتمندان آن ولایت با هم شریک شده و معدن فرورکاری کنند

در بسکام ناخوشی و باد شرشر آتش پای تحت یونان دروازه بزرگ آن شهر فرار کرده بودند و کل جمعیت آن شهر از سی و پنجاه نفر بیشتر نیست

از مملکت اسپانیول نوشته اند که جماعتی از کشیشان از قسم رزویت میمانند از آن ولایت بیرون کرده بودند مدتی است که در خصوص این کشیشان مابین دولت سبقت و گفتگو شده است اهل اسپانیول اشخاص فرور چونکه دایم الاوقات مشغول فضا بودند میخواهند از آنجا بیرون نمایند و دولت استریه مانع نمیکرد آخر الامر دولت اسپانیول آنها را از آن ولایت بیرون کردند و لکن در مملکت فرانسه کنی داده اند و آن در شهریان میباشد

در محرم خانه برلین پای تحت پروسیه ستاره دنباله دار

دیدند و لکن چنان بزرگ نیست که بدون دوربین چشمی بنظر بیاید

در مدینه ز پای تحت اسپانیول فراریها از دول دیگر بسیار بودند و از دیوان حکم شده بود که کلاً تا مدت مشت زوز از آنجا بیرون بروند سبب بیرون کردن آنها را چنین میدانند که در برانتشش که در آنجا زوی میدهند اشخاص منور شریک با غیاب میشوند بلکه خودشان باعث غشش و برسم خوردگی آن ولایت میکردند از آنجه حکم کرده اند که کلاً از آنجا بیرون بروند

در مملکت ساردینیه در فصل پائیزت و لرزه محرقه مطبوعه و ناخوشیهای دیگر بسیار میشود انسال چنان یاد شده است که لاپشند که کدایشتن سیم چرخ آتشی را بجهت بیرون خبر موقوف نمایند بجهت اینکه الله رفله و عکله پیدا کردند که در آنجا کابکنند

دولت انگلیس بدولت اسپانیول نوشته اند و خواست کرده اند که حکم سخت بشود در خصوص بیرون علام و کینز که این عمل در آن ولایت موقوف بشود و اشخاصی هم که مشغول این عمل هستند مثل وزدان در با هر وقت که بیاید کشته شوند

در روزنامه دینازک نوشته اند که پادشاه آن مملکت کل اهل مشورتخانه و کلای رعایا را مرخص کرده بود و حکم کرده بود که رعایا و کلای دیگر معین نمایند و پیش این بود که کلای رعایا با دز را راه میرفتند و حرفشان با دز را در خصوص مورد دولتی مخالف بود

در قورخانه فرانسه توبی ریخته اند که چند لولاست و لولها را

۱۳۳۸

۱۰۰	چهار تومان	سخت درسی	یکخوار	قزار چنان داده اند که میکردند مانند طها پنجه شش لوله
۱۰۱	تومان و چهار	لوبا	یکخوار	بشت لوله که چند سال است میزند و نفر توپچی میزند
۱۰۲	تومان	عدس	یکخوار	توپ مزبور را پر کنند و خالی نمایند و در یک قبه دوازده
۱۰۳	دو تومان و هفتصد	ماش	یکخوار	تیراز او خالی شود
۱۰۴	پنج تومان	کنج	یکخوار	در روزنامه یکی دینامی شمالی نوشته اند که در آرمه ماه
۱۰۵	چهار ده هزار	ارزن	یکخوار	صفر در بعضی جایهای آنولایت برف ریاده آمده بود
۱۰۶	هشتاد و پانصد	کاه	یکخوار	با اینکه در آنولایت بیچکس بنجا طرندارد که رستان اینطور
۱۰۷	دو هزار و پانصد	شیره	چهار من	پیش افتاده است
۱۰۸	چهار هزار	حزما	چهار من	در شهر نیویارک یکی دینامی شمالی از وقت قدیمی کران شده است
۱۰۹	هفتاد و پانصد	پیه کداخته	چهار من	و بعضی مردم فقیر بی بضاعت حال از انجام حجت نفرگشتن
۱۱۰	نه هزار	همه	یکخوار	میکنند حساب کرده اند که از اشخاصی که با بنجا وارد
۱۱۱	پارو هزار	یونجه حگ	یکخوار	شده بودند از هر صد نفر بارزده نفر حجت کرده اند
۱۱۲	چهار هزار و پانصد	کنک	یکخوار	در شد مثل درین روزها آتش افتاده است کلیسا
۱۱۳	سیزده هزار	سینک	یکخوار	پنج مدرسه و نه دست عمارت دیوانی از فقر خانه
۱۱۴	سه تومان	نان	یکخوار	و انبار و غیره و دولت و پنجاه و شش خانه و شستاد
۱۱۵	شش عباسی	کوت	یک من	انبار از تجارت و صدوسی و سه طوبه و چهل کاس که خانه
۱۱۶	دو هزار و چهارصد	برنج غبرلو	چهار من	و دو سیاه سوخته شده و ضرر که بخلق خورده است
۱۱۷	دو هزار و یکمسی	برنج کزده	چهار من	هشتصد و چهل و شش هزار و الار پول آنجا است که
۱۱۸	سیزده هزار و پنجاه	روغن	چهار من	پول ایران سیصد و سی و نه هزار و دولت تومان شود
۱۱۹	دو هزار و چهارصد	شع بک من	دو هزار و چهارصد	و این غیر از مال تجاری است که تلف شده است
۱۲۰	سی شاهی	روغن خراج	یک من	
۱۲۱	دو هزار و شصت	ماست	چهار من	
۱۲۲	پنجاه	پنیر شور	چهار من	
۱۲۳	هفت هزار	قداری	یک من	

مظنه تعمیر اجناس در آنجا و طران

کندم سا و جلا خوب      یکخوار سه تومان      ۱۰۰

جو      یکخوار      دو تومان و چهار      ۱۰۱

۱۳۲۹

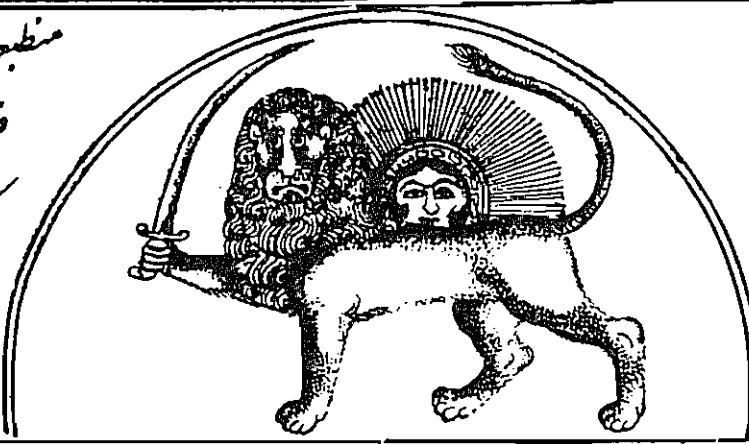
۱۰۰	حرفه نظامی	دو تومان و پنجاه هزار	۱۰۰	قندیزدی	یک من چهار هزار و مئصد
۱۰۰	سرایر	دو تومان	۱۰۰	نبات	یک من پنجاه هزار
۱۰۰	زبدۀ العارف	دو تومان	۱۰۰	شکر	یک من سه هزار و پانصد
۱۰۰	معراج السعاده	یک تومان	۱۰۰	جن	یک من بیت و دو هزار و پانصد
۱۰۰	شاهنامه	چهار تومان و نیم	۱۰۰	میخت	یک من پنجاه هزار
۱۰۰	حدیقه شیعیه	هشت هزار	۱۰۰	دارچین	یک من یکتومان و دهی
۱۰۰	شرح کبیر دجله	شش تومان	۱۰۰	فلفل	یک من پنجاه و پنج شاهی
۱۰۰	شرح لعه	سه تومان	۱۰۰	ریزه	یک من دو هزار و پنج شاهی
۱۰۰	تصحیح	پانزده هزار	۱۰۰	زردچوبه	یک من دو هزار
			۱۰۰	زرشک بیدانه	یک من دوریال
			۱۰۰	زرشک تبریزی	یک من چهار هزار
			۱۰۰	تباکوی اعلی	چهار من شانزده هزار
			۱۰۰	تباکوی وسط	چهار من دوازده هزار
			۱۰۰	آب لیمو	یک من دوریال
			۱۰۰	کنجبین	یک من دو هزار و پانزده شاهی
			۱۰۰	خرنوبزه نمی	یک من ده شاهی
			۱۰۰	مرغ قطعه	ده شاهی
			۱۰۰	تخم مرغ	چهار بیضه صد دینار

### اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجید  
باسهمچی در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع  
شده از این قرار فرودخته میشود  
وسائل بافروست یک جلد ده تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم خورشید ششم جمادی الاول مطابق سال ۱۳۳۱

نمره و دویست و هشت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاه کیس  
۷ تومان و چهار هزار



منطبعه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
بکسر الاجار سطر یک هزار و سیصد  
بیشتر باشد بر سطر پانزده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز خورشید ششم که نشسته اعلیحضرت پادشاهی عزیمت بابت حضرت الامزاده عبد العظیم و تفرج آن اطراف فرموده سوار گردیدند و نهار را در باغ دولت آباد صرف فرمودند بعد از آن تشریف فرمای ریبارت الامزاده واجب العظیم شده و تا حوالي عصر بباحث و تفرج آن اطراف مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک که سلطان معاودت فرمودند

چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله درین اوقات خاطر اقدس هالیون را از حسن اتمامات خود در خدمات دیوانی خورسند داشته بود لهذا یک خرده ابره ترمه بطانه پوست بمقرب الخاقان شایسته خلعت مرحمت گردید

نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره نواب شاهزاده حاجی محمد ولی میرزا درین اوقات از جانب سنی ارجوانب اقدس هالیون شاهنشاهی بکثوب خرده ابره ترمه بطانه پوست بنواب معزی الیه خلعت مرحمت گردید

چون شیلات مازندران و استرآباد بعالیجان میر علی اکبرخان دریا بسکی و میر عبد الصمد خان از جانب دیوان اعلی واکذا گردیده درین اوقات شرفیاب حضور مهر ظهور خردوانی شده مورد التفات گردیدند

بهریک بکثوب جبهه کرمانی خوب خلعت مرحمت گردید

و همچنین بجهت ظهور مرحمت ملوکانه در باره نواب شاهزاده فرهاد میرزا بکثوب جبهه ترمه دور حاشیه از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی خلعت بنواب معزی الیه التفات گردید

عالیجاه بلند جایگاه سیتون صاحب قوسول دولت بهت انکلیس که سابقا مقیم تبریز بود و این اوقات ما بوقایع دارالخلافه طهران گردیده در روز یکشنبه دویم اینماه وارد دارالخلافه طهران گردید

سایر ولایات

۱۳۳۱

### آذربایجان

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب انخاقان  
 قائم مقام درین اوقات داده است در بازار جا کشیده اند که  
 در ایام هفته روزهای شنبه و پنجشنبه را عموماً هر عرض و بی  
 باشد بیاید کسی نفع او نیست از عالی و ادانی درین دو روزه با  
 و عرض مطالب خود را نموده بکارهای بر کس رسیدگی کنند

دیگر نوشته اند که فوج دویم خومی در فراول خانهای تسبیر  
 مشغول فراولی هستند هر روزه در سربارخانه خارج شهر  
 جمع شده مشق کامل بنمایند و عالیجا به ابراهیم آقا سیرت  
 مربور نهایت اهتمام در مشق و انتظام و پاکیزگی بلبوس و آرا  
 آنها دارد و با کمال نظم حرکت می کنند و در فوج مشق کمال  
 مهارت را بهم رسانده اند خصوصاً از موزیکه چنان فوج مربور  
 بسیار تعریف نوشته اند که صاحب منصبان دول خارج  
 تصدیق می نمایند که مثل موزیکه چنان خوب فرنگستان  
 میوازند

دیگر نوشته اند که در ماه گذشته بیع الاول مقرب انخاقان  
 قائم مقام بواسطه دلی که عارض شده بود نمیتوانستند بدعا نیاید  
 حتی در منزل خود هم نمیتوانستند بنشینند و درخت خوابتبری بود  
 مع ذلک اوقات را تا شام مصروف رسیدگی بکارهای خدمات  
 دیوانی و رسیدگی بعراض مردم و دستنواست مطالب شاهزاده  
 و الایبای نصره الدوله در سبب یک ماهه مربور بجایا و مقرب انخاقان  
 مشارالیه آمد عصرانه و چای را در انجا صرف نمودند

دیگر نوشته اند که در ۱۷ ماهه مربور که عید مولود جناب خان

بقانون معموله نوابش بنزد بسلامتستند و اجرای شلیک  
 توپ کرده و ولوایم احترام عید مربور را معموله استند

### استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند در شهر ریج  
 سه چهار روز باز زندگی زیاد شده است و از شدت بارندگی  
 جزئی خرابی هم در خانهای مردم اتفاق افتاده بود و مقرب انخاقان

محمد و لیجان بکلیر یکی در نظم امور ولایت و رفع مآخض و تا  
 ترکمانان کمال اهتمام دارد و عالیجا میرزا مهدی لشکر نویس هم  
 که مأمور به دیدن نکر استرآباد و رساندن مواجب آنها  
 بود سان نوکر پیاده آنجا را تا نادیده است مگر فوج قدر  
 که چند نفر از آنها حاضر نبوده اند آدم فرستاده است بیافریند  
 تا سان آنها را هم تا ما به پند

از فراری که در ضمن روزنامه استرآباد نوشته بودند محمد تقی نام  
 کردی محله زنی داشته است درین روزا فرار کرده بخانه پدر خود که  
 در ساری بوده است رفته بود شوهرش رفته او را از ساری راضی  
 آورده بود در ثانی فرار کرده با سترآباد بخانه یک نفر از طلبان  
 آنجا رفته بود شوهرش با غیب آمده زن از رفتن با نموده گفته بود  
 میخواهم در شهر بمانم و بگردم محله نمی آیم شوهرش قبول کرده رفته بود  
 که اثاث البیت خود را بشهر سپارد و قتی که سباب خود را برداشته  
 بشهر آمده بود دیده بود در نش بشهری دیگر رفته و حامله نیست  
 معلوم نیست که از شوهر اول حمل داشته یا از شوهر ثانی حمل برداشته است

### اصفهان

از فراری که در روزنامه اصفهان نوشته اند این اوقاب نسبت  
 غله و نان عرصه بر مردم سنگ شده بود و عالیجا چراغعلی خان  
 نایب الحکومه اصفهان در شهر نموده برای سرکشی نسق بلوکات

بعد از آنکه خبر بی نامی شهر بجایجا مشارالیه رسیده بود فوراً عزت  
 شهر کرده پس از ورود دیده بود که مردوزن فریاد و شکایت  
 از بی نامی میکنند چند نفری را که میدانت جنس ازند حاضر کرده  
 خوش آنها را رضی کرده بود که خودشان هر یک سه چهار جیناز  
 قبول نمایند که تا سرخرمن کندم بجایجا نمانند که نان پنجه بفرود  
 بعد از این قرارداد فردای آرزو زمان و فوری بهم رسانده مردم  
 آرام گرفته بودند و قرار داده بود که کندم را از قرار خرواری  
 تومان و دو هزار و پانصد و کسری رایج دیوان بفرودشتند  
 نان را از قرار یک ششصد دینار رایج که خرداری سه تومان  
 بفرودشتند و با طراف چشم قدغن کرده است که جنس بخارج  
 و همه روزه شتر و قاطر و مال گرایه بچار محال روان میکند  
 مشد بخا جنس بشهر بیاورند و تقسیم بجماعت جنبا نمایند و  
 از اینجهت کمال اطمینان و آسودگی برای انالی اصفهان  
 حاصل شده است  
 و بکرنوشته اند که عالیجا چهراغعلی خان و نظام امور سربازان  
 فوج که که مامور باصفهان مستد کمال اهتمام دارد و همه  
 فوج مزبور مشغول مشورتند و با کمال نظم و قاعده حرکت  
 رفتار میکنند و همیشه بجایجا محمدباشم خان سربنگ  
 سایر صاحب منصبها تا که کرده زنجیب و تخریص مینمایند  
 که بیچو از خدمت و مشق غفلت نکنند  
 بروچرد و عربستان  
 از فراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند بعد از باران  
 که بانولایت آمده بود که در روزنامه سابق نوشته شد و بگر  
 بارانی نیامده بود و مردم بازنی بجمه تسویش داشتند تا از  
 اول جدی الی ۷ و ۸ متصل برف و باران دربر وجود

و مضافات آمده بطوریکه انالی آنجا زیاده امیدوار  
 و بجای از تسویشی که داشتند آسودگی حاصل کرده اند  
 تخم و نیم زار که در تابستان از نیامدن باران هرچه  
 زرو شده بود و مردم از محصول آن مایوس بودند  
 بارندگیهای متوالی همه سبز و خرم گردیده اند و رعایا  
 این بارندگیها بسیار شوق و شکر گزارند  
 درین اوقات که خبر فوت مرحوم امام محمد دارالخلافه بآنجا رسید و جنبا  
 آقای میرزا محمود سله الله تعالی در مسجد هرج و مرج مجلس فاتحه خوانی  
 سنگین برپا نموده نواب جلال الدین میرزا و عموم انالی آنجا  
 فاتحه خوانی حاضر شده لوازم احترام معمول داشته  
 عراق  
 از فراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند خلی که بمقرت  
 میرزا سخنان بلاخط خندان او حیرت شده بود و درود و  
 تا بکفرج استقبال کرده است با اعیان و انالی شهبه کمال عزت  
 و اکرام خلعت مبارک رانید بر دوش خود ساخته خلعت پوشان  
 بسیار سنگین کرده است  
 و بکرنوشته بودند که آب شهبه سلطان با دمنجهر یک فئات وقفی است  
 آن خراب بوده است و آب قلیلی از آن می آمده و در تابستان  
 باهل شهر از کمی آب بدمیکند شده است و آب خوراکی  
 از نیم فرسخی می آورده اند مقرب انخاقان مشارالیه  
 سید تومان از خود سخاوه داده فئات مزبوره را  
 تقسیم خوب کرده اند و بالفعل در هر یک از کوهها  
 آنجا نهری جاری و انالی آنجا قرین شکر گذاری میباشد و در خارج  
 دروازه قبله که آن فئات حارث بیدستان چمنی بنا نهاده  
 بسیار جای باصفالی شده است

۱۳۳۳



یزد

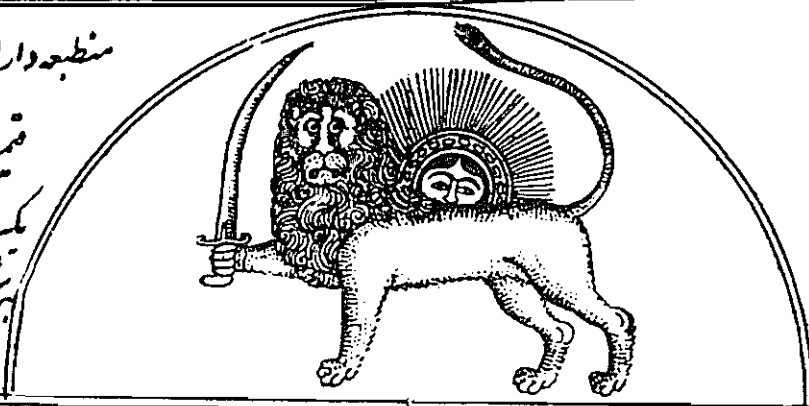
از قرار یک در روزنامه عراق نوشته بودند مقرب انخاقان  
 میرزا اسحاق خان در نظم و آبادی و معموری و ولایت کمال  
 اهتمام دارد و در هر جای شهر سلطان آباد که خرابی  
 بوده است همه را تعمیر کرده است از جمله دکاکین شاهی بازار  
 سلطان آباد که خراب و غیر مسکون بود تعمیر کرده است  
 و از قم و بروجرد و همدان و اطراف از قبیل صنعت کار  
 آورده در آنجا نشانده و همه را مریه داده است که مشغول  
 کاسبی باشند در سابق جز در مکان عطاری و برآز حتی  
 و کان جنابری هم نبوده است و مردم در خانه نمان  
 می نختند و میفرختند حالا در بازار سلطان آباد از  
 همه صنوف هم میرسد حتی سراجی و چیت سازی و دکا  
 جنابری ده باب دایر است دکا میزند  
 و همچنین عمارات دیوانی که اغلبی خراب بوده تعمیر کرده است  
 و در وازنای شهر که خرابی داشته است و از گل دشت  
 ساخته بوده اند از نو با کچ و آجر ساخته تعمیر کرده و سفید کاشی  
 و نقاشی نموده نشان شیر و خورشید دولت را در آنجا  
 نموده در وازن نقش کرده است و تخت پهلای هر چهار در وازن  
 خراب کرده از نو آجری ساخته است از هر در وازن  
 که داخل شوند بنظر باشکوه و بارونق و خوب می آید  
 باغ شاهی که در بیرون در وازن ارک است و خرابی ده  
 و اشجار او را بریده بودند مقرب انخاقان مشایر  
 داده است خرابیهای آنجا را همه تعمیر خوب کرده اند  
 از نو اشجار نشانده است

از قرار یک در روزنامه یزد نوشته اند امورات اولای  
 قرین انتظام است ولی بجهت خشکالی و بعضی نیامدن میوه  
 اهل آنجا قدری بعسرت میکند مانند از جمله در عهد اولفت که  
 حاصل عمده آنجا انار بود و بر سال انار سپار از آنجا حاصل  
 میشد امسال هیچ نیامده است و اجناس آنجا را از فراتر  
 نوشته اند ترقی دارد و از استقرار است  
 کدوم یکخوار پنج تومان دسی شاهی  
 جو یکخوار سه تومان و چهار  
 گاه یکخوار یک تومان  
 روغن یکمن سه هزار و پنج شاهی  
 گوشت یکمن چهار عباسی  
 ذغال یکخوار نه هزار و بیار  
 بیله یکخوار چهار هزار و پانصد بیار  
 برنج چمپا یکمن چهار عباسی  
 برنج رسی یکمن سه عباسی  
 انار یکمن ده شاهی  
 رب انار یکمن هزار و بیار

دیگر نوشته اند که درین اوقات زوار زیاد که زیارت  
 عبات عالیات رفته بودند مقصی المرام صحیحاً سالمه  
 با وطن خود کرده اند و از ایت راهها کمال رضامندی  
 و شکر گذاری داشته اند  
 یک نفر بنام در عمارت شخصی مشغول بنایی بوده است درین بین طاق بر سر او فرود  
 آمد و در زیر خرابی مانده بود بعد از آنکه بیرون آوردند فوت شده بود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه سیزدهم شهری ماه اول مطابق سال ۱۳۷۱

مزدویت و  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شش ماهه  
وقتان و چهار...



منطبه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر به چهار سطر یکروزه  
پنجاه سطر یک ماهه

اجبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات که بحسب اقتضای فصل و ملائمت هوا  
شکارگاه کن و سولقان مطلوب بود اعلیحضرت پادشاه  
عزیزت قریح و شکار آن صفحات فرموده در روز یکشنبه  
تشریف فرمای آن ساعات کردید جناب جلالت  
امجد اشرف اکرم صدر اعظم افخم و جناب نظام  
نایب صدارت عطشی و سایر مقربان حضرت کرد  
سبط سینه ملزم رکاب نسیم وزمی منتساب بوده  
چند روز در قصبه مزبوره توقف فرموده و در جمعه  
چهارم عینت دارالخلافه مبارک نمودند

درین اوقات جنس دارالخلافه طهران و نواحی فی اعلا  
ترقی داشت ولی بعد از آنکه بارندگیهای متوالی در دارالخلافه  
و سایر ممالک محروسه شد در بعضی جاها جنس همان تسبیح  
و ترقی نکرد و در بعضی جاها تزلزل کلی نمود از جمله در عراق  
سلطان آباد کندم تا خرواری چهار تومان رسیده بود  
ولی در این اوقات تزلزل کرده بدو تومان و هفت هزار و دویست  
نظر بطور شایستگی و قابلیت و استعداد عالیجاه پیشوایین اعظام  
عبد العلی خان پیشخدمت خاصه که مجتهد طالب علم ادب و  
راغب اشعار پارسی و عرب است درین اوقات اعلیحضرت  
ادس پادشاهی او را بقب ایدب الملکی سرفراز فرمودند که  
خاطر بشوین آداب و شعر ایجاز و دو مدایح و اشعار هر یک را  
در آستان هالیون معروض دارد

چون سواره اوقات که موکب هالیون عزیمت سفر  
شکار دور و نزدیک میفرمایند نظام امور دارالخلافه طهران  
بعده کفالت و کفایت نواب مستطاب زیاده و انانیت  
اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع و مقربان  
میرزا موسای وزیر موکول است درین اوقات که موکب  
هالیون در شکارگاه کن تشریف دارند زیاده مراقب نظام  
امور دارالخلافه میباشند

از وقایع اتفاقیه دارالخلافه طهران اینکه نصرالله خان پسر مرحوم  
حاتم خان روز قبل از حرکت موکب هالیون شکارگاه کن منت  
جناب جلالت نایب اشرف امجد افخم صدر اعظم اکرم آه  
عرض کرد که ملتزم این سفر باشم یا معاف مقرر شد که

۱۳۳۵

مترجم باشد به یو اتخانه شاهی و خلوت مشهور بکرنجانی آمده  
در آن بین اجوش بهم خورده بقدر اظهار اینکه چشم سیاه  
میشود و دلم بهم میخورد گفتن همان و رفتن همان بعضی طبیبان  
گفتند شاید سگته کرده باشد فصد کردند مفید نیفتاد  
در گذشت از غریب اینکه خود مرحوم حاتم خان پدشاه الیه  
سال قبل ازین بدون انار مرضی بدر بار جایون آمده  
در مراجعت بخانه خودش بهین قسم فوت کردید

### سایر ولایات

خراسان از فرار یک در روزنامه این ولایت  
نوشته اند در بیت دسیم ماه گذشته ربیع الاول بود  
مستطاب امجد والا تبار شاهزاده فرمانفرمای مملکت خراسان  
به ضیافت مقرب انخاقان وزیر نظام تشریف فرما گردیدند  
و بنا بر اورانجا صرف فرمودند جمیع کثیری از میران پنجه  
و صاحب منصبان نظام و خوانین و اعظام و اشرف  
در آن مهمانی بودند و مقرب انخاقان شایسته ضیافت  
سنگین نموده و نهایت تکلفات اسباب ضیافت را  
بجمل آورده و زیاده در نظر مانده بود و خصوصاً در نظر  
ترکانان سرخنی که ایل و ایلکون و اوضاع را ندیدند  
بوده اند پنجاه هشت نفر از آنها که در آن مهمانی بوده اند  
از وفور اطعمه و اشربه و اوضاع کمال تعجب با نهادت داده  
بوده است

دیگر در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند که محمد ششم  
اصفهان تمان و ماست میخورد است درین بین خبر فوت  
برادرش را باو میدهند فوراً باج و شل میشود چندی او را  
مدان نموده اند چاره شده است بعد از مالوسی از محالجه

التماس کرده است که اورا بحرم جناب امام رضا ببرند  
کسان او را پشت پنجره فولادی برده اند بعد از گریه و  
استغاثه بسیار در شب جمعیت و چهارم از توج جناب امام  
همام شفا یافته و تقاره شادیا نه زده آ

دیگر نوشته اند کسی و شش نفر سو ارتکان تباختند  
لواجی خراسان میرفته اند در کافرقعه سه خانوار هزاره را  
که از برات بقلعه کاربزی آمده اند اسیر کرده اند از جمله اسرا  
یکی گریخته خود را بقلعه کاربزی رسانده اهل انجا را خبر نموده بود  
فوراً از ترکانان را تعاقب نموده بودند نزدیک غروب در  
کنار رودخانه بهرت بسواره مبروره رسیده بعد از ساعتی  
رزد و خورد سه خانوار هزاره را مستخلص ساخته اند با عیال <sup>اطفال</sup>  
و سه نفر هم از ترکانان مقتول و سه نفر نیز زنده و اسیر  
شده اند و چند روس اسب نیز از ترکانان گرفتند اند چون  
شب بوده است بقیه ترکانان فرار کرده اند و اما قلع  
کاربزی نیز نیکان خود جمع نموده اند

دیگر نوشته اند که حسن نامی از اهل ارض اقدس شب فتنه  
از خانه محمد خان عرب قلیل اسبابی بسرقت برده بود  
دیگر همس بازن بزم سرقت رفته چون کارد برهنه در دست  
داشته است زن محمد خان از ترس سنگه مباد او را کتک  
بزند صد اکرده بود و رفت آهسته مسایکان را خبر کرده بود  
چند نفر آمده بودند که اورا بگیرند فرار کرده بود و لکن او را  
شناخته بودند صبح مراتب مقرب انخاقان وزیر نظام  
عرض شده فرستاده بود او را گرفته آورده بودند اسباب  
مسروقا را او استرداد و بصاحبش تسلیم کرده و او را بار  
حدت نواب فرمانفرما فرستاده اند تا بدینچه حکم فرماید معمول شود

۱۳۳۶

### فارس

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند در ماه گذشته ربیع الاول مقرب انخاقان مهرعلیخان شجاع الملک وارد شیراز گردید و بکارهایی که مقرب انخاقان شیراز به حسب امر پویای دولت قاهره محول است هر روز در دیوانخانه آنجا نشسته با مقرب انخاقان شیر الملک رسیدگی نماید و نهایت اهتمام را در امورات محول بخود معمول میدارد

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان حاجی فوادم الملک عازم بندر ابوشهر بوده است و در هفتم ماه ربیع با فوج اصغمان روانه مقصد گردیده است و بنا بوده است که میرزا محمد علیخان ناظم الملک نیز همراه مقرب انخاقان شیراز به بندر ابوشهر برود که از آنجا روانه عسکرت عالیات بشود

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب بنزاده والا تبار مؤید الدوله حکم ان فارس نواب امیرزاده لطفعلی خان را چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شد بگکومت بهبهان مامور و عالیجاه میرزا بزرگ را نیز پیشکار نواب مغزی الیه نموده با عالیجاه لطفعلی خان سرریب در یازدهم ماه ربیع روانه نموده اند و در عرض راه در دست ارژن از فراریکه توفیق بودند هم بطوری سرد شده است که بقدر و نفراز سر بازان شیرازی از نظر تلف شده اند

دیگر از فراریکه تعبیر اجناس شیراز را نوشته بودند که خرواری شش تومان و نان خرواری پنج تومان و جو خرواری چهار تومان و بر اجناس نیز با میناه تعبیر شده است

### اخبار دول خارج

اسپانیول امور این مملکت درین اوقات روز بروز رو بنظم است و پادشاه اسپانیول از تقصیر مقصرین که در این اغتشاش آخر بدست دولت افتاده بودند گذشت و انخار اعفو فرموده است و امید داشتند که کم کم قوا و قانون درستی در آن ولایت گذاشته شود که دیگر باین بزرگسجور و کی روی ندهد

### ویتمارک

پادشاه این مملکت با طرف سرحدات ولایت خود سیاحت میکند و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد اهل مشورتخانه کلام خص شده اند و بنا بود که از عا و کلای دیگر پهای تحت بنسند این و کلای نورموجین شده و لکن از فراریکه نوشته اند معلوم نیست که کلای تازه بعضی مصلحتها که در سابق بخت باین وزراء و کلای اوقات بود حرفش مطابق بیاید یا نه

### چیدمانت

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در مشورتخانه ریاد شده بود و در باب کرانی اجناس با اینکه حاصل امسال از سالهای گذشته بیشتر آمده بود باز کران بود اهل مشورتخانه میخواستند قدغن نمایند که جنس از انولای بیرون نبرند اما اکثرشان صلاح ندانستند و کرانی اجناس درین ایام باین سبب میدانستند که اگر چه از خارج غله زیاد آورده اند زیاد هم بیرون فرستاده اند چنین دانستند که اگر بیرون بردن جنس را قدغن میکردند از خارج هم جنس با تنجانی آوردند بلکه در خود این ولایت کران را از خا

۱۳۳۷

میشد از آنجه درین باب هیچ حکمی صادر نگردد و تجارت  
غله را مانند سایر تجارتها بازاری قرار دهند

### احوال متفرقه

موافق حساب دیوان که در ولایت نخلبس نگاه میدارند در  
دو کور و سیصد و شصت و دویست و دویست و سی و شش نسخه  
از روزنامه تصور دار شهر لندن رده اند که تخمیناً در هر  
هفته صد و چهار هزار از آن روزنامه بفروشد و هفت است  
و بیشتر از آن روزنامه این روزنامه مکتب در لندون میزند

در بعضی روزنامه های فرانکستان نوشته اند که پرنس ناپلیان  
که وارث تاج و تخت دولت فرانسه است بنا دارد که دختر  
پادشاه بلژیک که نوه لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه است  
بیکر و درین صورت اگر لوی ناپلیان امپراطور فرانسه بی اولاد بماند  
پادشاهان فرانسه که اولاد پرنس ناپلیان خواهند بود از دود  
سلطنت نسبت خواهند داشت

درین اوقات در شهر لندن فواره تبریک عزیز ساخته اند  
که حوض پائین او زمین است و آبش مینبت و پنج ذرع فواره  
روده بالا میرود و سر از بر می شود روی این حوض را سقف روده  
در و ستانی از آینه های الوان داده اند که آب فواره مانند  
شعاع الماس رخا رنگ مینماید و مستیکه قطرات آب  
از فواره سر از بر می شود بسبب پرتوی که از آینه های الوان  
باومی افتد مثل جواهر الوان بنظر می آید خیلی نازکی دارد  
و مردم بسیار بتاشای آنجا رفته اند

دو کده برابنت که ولیند و وارث تاج و تخت دولت  
بلژیک باشد اراده داشت در پاریس که شش بار و چه خود  
ایطالیا بود و بلکه در فرانسه را هم در آنجا ماند

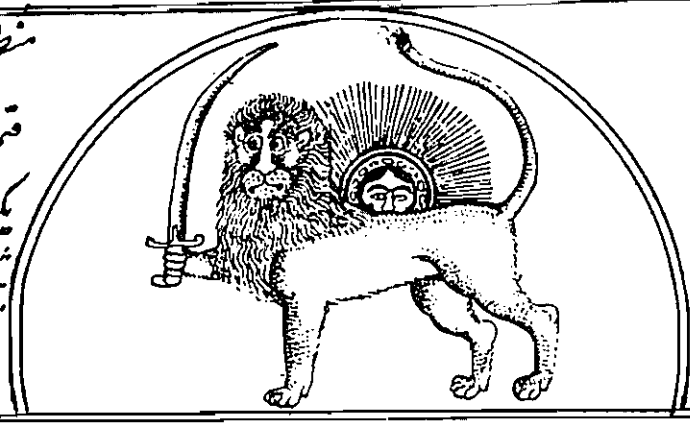
دولت استریه درین اوقات پول زیاد خرج میکنند  
که رود طونه را از سنک و ریک پاک نمایند که مانع  
کشیها نشود چونکه از رودخانه منور بجهت بارهای تجارتی  
و اجناس آنولایت تردد زیاد میشود دولت استریه  
این خرج را می کنند بجهت اینکه تجارت ولایت خوشان  
رواج باشد

از دولت نسیبیه ای از راه های آنجا میخواهند نعلین رفته  
و رانجا ساکن بشوند زیرا که آن مملکت را ارض مقدس میدانند  
و بعضی از دولت نسیبیه ای از دولت عثمانیه خواهش کرده اند  
که در آنجا بناها جاید که ممکن نمایند

شخصی در مملکت نخلبس سبالی تازه اختراع کرده است بجهت  
در آوردن درختهای بزرگ با خاک و ریش از جای خود  
و نشاندن بجای دیگر چند سال پیش ازین این سبب را در  
کرده بودند و لکن از فرار یک در روزنامه نشر آن نوشته اند  
این سبب که حالا این شخص درست کرده است خیلی بهتر  
از سبب سابق است شخص منور این سبب را بولایت فرانسه  
برده و حسب حکم امپراطور فرانسه برایشه پوآده بلون فرستاد  
و امپراطور یک درخت بزرگ نشان داده است و گفته است  
در بیاورند در اندک مدت این شخص با سبب منور آن درخت  
با خاک و ریش در آورده و بجای دیگر نشاند که هیچ عیب  
نگرفته است امپراطور حکم کرده است که سبب منور ازین  
شخص بخرند زیرا که در ولایت فرانسه بسیار بکار خواهد خورد  
بنا دارند از این سبب متعدد بازند که در ولایت فرانسه  
متداول بشود

# روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم شنبه سیم ماه جمادی الاولی مطابق سال باسنه ۱۳۷۱

نزهت و ده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شاهی  
رقمان و چهار روز



منظومه دارا خلیفه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره اجناس مطبوعه  
بیشتر با هر مطبعه

## اخبار و حمله مالک محروم پادشاهی

### دارا خلیفه طهران

درین اوقات هوای دارا خلیفه طهران در کمال پلا  
میکند و دیکه و دفعه برف جزئی آمد و دوسه روز هوای  
سرد کرد بطوریکه درینچهارگانه کیسج گرفت شد بعد از آن  
هوای ملایم و مانند بهار گردید تا در روز یکشنبه شانزدهم  
جمادی الاول بعد از ظهر بارانی بطور ترشح گرفته تا مغرب  
باینطور بود و بعد از مغرب الی صبح باران شدید  
متصل آمد که بیم سیلاب و خرابی بود و روز دوشنبه  
نیز همانطور بارید و بعد از خرابی بجای نرسیده است و  
این بارندگی امیدواری منافع کلی برای اهل زراعت حاصل  
و مردم فارغ از تشویش گرانی شده اند اگر در سایر ممالک  
محروم نیز اینطور بارندگی شده باشد نشانه غلظت  
هر جا تشویش کلی خواهد کرد

### سایر ممالک محرومه

ادربایجان علی قای شکاک اردمی که سابقا ایما  
در خدمات محو که خود داشت و از دایره حکام ارومی حساب

و درست بخدمت اقدام ننمود این روزها از استقام  
مقرب انخاقان قاجار مقام حسن سلوک نتیجه انخو امین  
حسنعلی خان پیشخدمت خاصه اعلیحضرت شاهنشاهی که ایل  
شکاک سپرده با دست مشارالیه نهایت دقت و تمام  
در خدمات خود دارد و پیشش احمد آقارا با چند نفر از  
آقابان ایل شکاک بجاکهای مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی  
فرستاد که در کبابهایون مشغول خدمت باشند و خود  
در سایر ایل مشغول خدمت است

### استرآباد

از قراریکه در ضمن تحریرات روزنامه استرآباد نوشته  
بودند این اوقات در آنجا باد و باران غریبی آمده است  
که از صدمه همان باد و باران خرابی و خسارت کلی با آنجا  
و مالی آنجا وارد آمده است از جمله پنج شش کله که سفید  
دیکه و نفر در بلوکات استرآباد و پنج شش نفر در شاکی  
که بیلاق استرآباد است تلف شده اند و هم چنین در کاک  
هم از صدمه آن باد و باران خسارت کلی وارد آمده

۱۳۳۹

از آنجمله آب جایش تیره را یکجا گرفته سبده کاو با الا حقیق  
 و اثبات این که داشته اند همه را تلف کرده است  
 شبیهی که از جانب سنی بجواب همایون بافتا بر قریب انجاقان  
 محمد ولیخان پیکری است آباد محترم شده بود این اوقات  
 با بخار سبده لوازم توقیر و احترام را در استقبال آن پسر  
 آورد با کمال افتخار و سربلندی زینت پیکر اعتبار خود ساخت  
 و در شرایط احترام آن لازمه اهتمام را بعمل آورده است

**عربستان جزیره**

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند از او  
 ماه ربیع الثانی تا آخر ماه فروردین متصل برف زیاد و جزیره  
 و بلوکات و نواحی آن اطراف آمده است در یلاقات  
 بمرتب برف باریده است که میچک باین زیادوی برف  
 بخاطرندشته است را بهما از کثرت برف مسدود بوده  
 رفع تشویشی که اهل آن ولایت از گرانی غله داشته شده است  
 اگر چه بسبب مسدود بودن راهها غله از خارج بانو ولایت  
 نمی آید ولی بسبب زیادوی برف و باران که خاطر جمعی  
 بصاحبان اطلاق و زراعت حاصل شده است و ایتمات  
 نواب جلال الدین میرزا انبار ما که در شهر بوده است غله  
 آنها را انجبار و علاف داد و اندونمان نجایت و فوراً وارد  
 و قیمت گندم درین اوقات در بر و جزیره خرواری دو تومان  
 پنجهزار است  
 دیگر نوشته اند که نایبجاه محمد مراد خان سرتیپ در شش  
 ماه با فوج زرندی وارد بر و جزیره شده اند و بواسطه کوفت  
 از ذوق اول از راه کپالان که اقرب طوق است بحرم آباد  
 بودند و در کپالان بشدتی برف آمد و بوده است که بگردید

۱۳۴۰

راه را در سه روز طی کرد و بودند از سرباز کسی تلف نشد  
 و لکن بقدر سبده الاغ از آنها در میان برف مانده و تلف  
 شده است سرباز مر بوجها روز در بر و جزیره مانده و  
 مقصد گردیده اند

و همچنین فوج خدا بند لو که روانه عربستان شده بودند  
 سه روز در پای کپالان توقف کرده و بجهت شدت برف  
 و سرما نتوانسته بودند از آن راه بروند و پانزده شتر  
 آنها در میان برف مانده و تلف شده بود آخر از راه  
 جای روانه مقصد گشته اند

**فارس**

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب  
 مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله حکمران فارس  
 در باب تعمیر اجناس آن ولایت اهتمام زیاد نموده اند و  
 اوقات بسبب سعی و ایتمات نواب سعیدی الیه قیمت  
 اجناس بسیار بیاضی تنزل نموده گندم از فرار خرواری  
 چهار تومان و جو و زرت خرواری بیست و پنجهزار و سایر  
 اجناس نیز بهین منطنه تنزل نموده است

**کرمان**

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند در چهارم ماه گذشته  
 ربیع الثانی تاج محمد خان و سایر آدهای آزاد خان جای  
 که عریضه پیشکش بدربار همایون آورده بودند و در خصوص  
 یافته وارد کرمان گردیده اند از اینکه مالهای سواری آنها  
 مفلوک بود امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار لشکران  
 و کرمان چند روز معاملاً برای آنها تعیین نموده و نهایت  
 محبت و نوازش را با آنها نموده و هر یک را فرار خور حال

خلعت و انعام داده و نوشتجات محبت آمیز منبسطی بر  
ترغیب خدمتگاری و دولت علیه باراد خان نوشته  
و آنرا امضای المرام بخش نمود است و بجایگاه علی قلی خان  
قاجار نایب عالیجاه موسی خان سردار بزم و وزیر  
و بلوچستان نوشته است که همه جا آدم مسرور نموده  
آنهارا ببردند

دیگر از سزا یک نوشته بودند این اوقات در کرمان  
بارندگی زیاد شده است و در جلگه و حوالی شهر باران  
آمده و در کوهسار برف زیاد آمده و برای مالی آن  
اطمینان کلی ازین بارندگی در امر زراعت خودشان  
شده است

از فراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند در عرض  
جنیص معبری میباشند که دو فرسخ مسافت آن است  
عبور و مرور از آنجا ممکن نیست و باید هر کس از آنجا میگذرد  
از اسب پیاده شود و با مشقت زیاد از آنجا عبور نماید  
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان  
محض ملاحظه آسودگی مترددین و عابرین قرار داده اند از  
خود خرجی متحمل شده پسند آن راه را هموار نمایند که  
مردم با آسودگی عبور نمایند

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه ربیع الثانی در دول  
شاهی عارض امیر الامراء العظام سردار شده بود  
بقتی که متعلقش نهایت اضطراب بسم رسانده بود  
و حکیم صاحب ابابیکه در بیض بستری بوده حاضر کرده بود  
مشارالیه بتوزیر انداختن زانو بر شکم و پهلو کرده بود و زانو  
بسیار انداخته بودند فایده کرده و در دل تسکین یافته بود  
و سردار بزم تمبیه اشرا بلوچیه روانه شده بود در منزل  
اول باز در دل عارض شده حکیم مزبور را حاضر کرده بود  
مجدداً بگرفتن خون و دادن دوائی مسهل معالجه کرده فایده  
حاصل شده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات مقرب انخافان عبداللہ  
میر سنج عالیجاه امام علی خان سرمنگ را از بند عباسی با  
دو عاآده توپ و یک چهاره و دو دست و صفت نیرہ  
سرکه در جنگ اعراب آنجا بدست قشون کرمانی افتاده بود  
روانه کرمان نمود است و چون امیر الامراء العظام سردار  
در شهر نبوده است مشارالیه توپها و چهاره و سه مارادر  
کار و سهرای خارج شهر مستحفظ و قراول گذاشته خود بنزد  
سردار رفته است تا بدینچه حکم شود معمول دارد

دیگر نوشته اند که در شهر ربیع الثانی خبر با امیر الامراء العظام  
سردار رسیده بود که جمعی از طایفه بلوچ از راه اوٹو بزم  
تاخت و تاز آمده اند بجز دستخوار قرار داده بود که روانه  
جنیص شده در صد در رفع تاخت و تاز بلوچ بر ایدار قرار  
نوشته بودند با حالت ناخوشی خود با چند نفر مشیخت  
و نوکر روانه شده و اخبار کرده بود که جمعیت و ادوقه  
بهم از غلبت روانه اوٹو نمایند که رفع تاخت و تاز آنها  
از آن حد و نموده گذار و بی اعتدالی و تعرضی از آنها بمانند  
الصفحات وارد آید

دیگر از بند عباس نوشته اند که بعد از فتح آنجا قشون کرمان در خارج  
قشون فارس رفته ستند و در روی قشون کرمان آذوقه از سراسر  
خزاوان است و سیورانی امیر الامراء العظام سردار در سیفند و روزه روز و نیم  
کرده بود علی التوالی مثل دواب بارکش شده روانه بند عباس شدند

۱۳۴۱



### مازندران

از فرار یک در روز نامه مازندران نوشته بودند آقا جان نامی  
 نعلبند که از ایام حکومت مرحوم مصطفی قلی میرزا بدار و علی انجا  
 بر فرار بود این اوقات سه نفر از همای و بیزار بمطابقه هفتگی  
 رفته بودند از صاحب دکانی هفتگی خواسته بودند او در مقام  
 امتناع بر آمد و بود چوبی بر سر او زده بودند فوراً بلاک شد بود  
 نوابش بر آید احمد میرزا دو نفر از آنهارا تپیه و سیاست نمود  
 مرض کرده اند و یک نفر دیگر را که اصل قاتل بوده در حبس  
 دارند که پورته معقول داده بقصاص یادیه امر آنها را بگذرانند

### خراسان

از فرار یک در روز نامه خراسان نوشته اند درین اوقات  
 اراض خان و سایر ترکمانان سرخنی بجهت اظهار اطاعت و  
 انقیاد این دولت قوی آیت و اطمینان نواب مستطاب  
 افخم و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب انخافان  
 وزیر نظام از حسن خدمتگذاری آنها با طایفه قریایابی که سران  
 اطاعت این دولت علیه باز زده بنای خود سری گذاشته  
 در مقام مخالفت بر آمد از جمله مفسد نفر سواره سرخنی بتخت  
 قریایابی رفته بودند و دست نفر آنها جدا شده بسر قافله که از  
 بخارا غلبه برای طایفه قریایابی می آورده اند رفته و غلبه آنها را  
 بر کرده اند و سجد نفر آنها نیز بسر قافله که جنبه و بلغای  
 حل و نقل میکردند رفته اند و دست نفر نیز بتخت قریایابی  
 رفته و از قریایابی نیز سوار بیرون آمده با هم نزاع و جدال کرده  
 چند نفری از طایفه قریایابی مقتول و مابقی مخدول و لاکشته اند و  
 قدری شتر و کوسفند از آنها باد و نیزه سر بدست ترکمانان  
 سرخنی افتاد و دویزه سر را بحضور نواب فرمانفرما آورد

بودند و با آورنده سر با انعامی از جانب نواب مغزی  
 مرحمت شده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات خبر بارض ارض  
 که جعفر آقایی کلانی قدری سواره ترکان از طایفه قریایابی  
 برداشتیم تاخت و نماز اطراف کلات آمده است  
 نواب مستطاب هزاره پنجم فرمانفرما بجزو استماع پانصد نفر  
 سواره و پیاده حسانی باید اوقون متوقف کلات و نشان  
 که مراقب بود مانع از تاخت نماز او بشوند

دیگر از وقایع اتفاقیه ارض ارض ارض نوشته اند که شخصی  
 از اهل محله حیدری خانه مرصین بود بعد از آنکه صحت یافته  
 بخانه خود رفته و گفته بود که قدری ذغال بساورد پیش  
 کرده خود را گرم کند منتقلی آتش آورده پیش او گذاشته  
 بودند بعد از ساعتی که متعلقانش بسر وقت او رفته اند  
 دیده اند که خون زیاد از کلوی او آمده و هر دو دست و  
 صورت او سوخته و فوت شده است معلوم نموده که بخانه  
 ذغال او را مد هوش نموده و دست با و صورت او سوخته  
 و زده است یا مرض دیگر در گذشته است

دیگر از فرار یک در ضمن تحریرات خراسان نوشته بودند صد نفر سوار  
 بعزم تاخت و تا سرحد جوین آمده بودند عالیجاه کریم آقایی سپر  
 عالیجاه محمد ابراهیم خان حاکم جوین با سی نفر سوار بجلو آنها رفته بنا  
 مقابله و مجادله گذاشته آنها را سگت فاحش داده مغلوب و شکست  
 ساخته است و چند نیزه سر و چند نفر اسیر آورده است  
 بعضی خاکپای مبارک رسیده از جانب سنی بجوانب  
 بمایون شمال و قبالی برسم خلع با فتحار عالیجاه کریم

مرحمت و ارسال گردید

۱۳۴۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پویم شبیهت و هم ماه جمادی الاول مطابق سال با رس سید ۱۲۷۱

مرد دولت یار زده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه و شاهر یکسال  
صفا ن و چهار هزار دینار



منطبه دار احواله طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر اما چهار سطر یکروزه  
بیشتر بهر سطر پنجسار

اخبار و احکام محروسه پادشاهی

دار احواله طهران

این اوقات بتدقیق ابولیاى دولت علیه چنان  
که بعضی از مردمان متقلب بنای تقلب در احکام دیوانی  
گذاشته مهربان جلالت تاب مجد اشرف اگر مردم  
افخس خسته بر حسب خوش مردم حکم نوشته بدست این  
میدادند جلب منفعت میسر و نند از جمله سرسند محمد نام  
پسر میر عبدالمجید اصفهانی است که اینطور تقلبات ایستاده  
امر معاشش خود ساخته مهربان معزی الیه احکام جعلی  
بدست مردم میداده است و این روزها تقلب او ظاهر  
شده است احکام مجعوله او بدست ابولیاى دولت علیه  
که چند تعلیف مهربان معزی الیه ساخته خود نیز در دست  
ابولیاى دولت علیه بعد از استکشاف تقلب خود اقرار  
و اعتراف نمود و باینجه در معرض قبیح عظیم برآمده از خاک  
ایران اخراج بلد شد و چون اینگونه تقلبات مردم با  
اختلال و اعتناش در احکام دیوانی می شد لکن ابولیا  
دولت علیه ازین تاریخ بیعده فرار دادند که آنچه از احکام  
دیوانی نوشته میشود هر چه را که ممکن باشد جناب عالی

بخط خود شرحی در حواشی آنها بنویسند و اگر بواسطه کثرت  
مشاغل ممکن نشود بخط خود شرحی بنویسند اینطور قرار داده  
که آنچه متعلق بعلالیات و داد و ستد دیوانی است حاشیه  
جناب مقرب الخاقان نظام الملک شرحی بخط خود نوشته  
مهر نامند و آنچه متعلق بمعامله و داد و ستد قشون است  
آن احکام را مقرب الخاقان میرزا فتح الله شکر نویس با  
شرحی نوشته میزند و آنچه متعلق بعل سفارتخانه وزارت  
دول خارجه است حواشی آنرا مقرب الخاقان میرزا سعید  
بخط خود شرحی بنویسند و میرزا و آنچه متعلق بامور دیوانخانه  
میاید از امنای دیوانخانه مبارکه بر طبق آن حکمی درست  
صاحب مسئله باشد و آنچه سایر احکام مفقوده است حواشی آنها  
مقرب الخاقان میرزا محمد حسین دبیر الملک شرحی نوشته  
نمایند و حکام و لایات ممالک محروسه هم ازین تاریخ  
تعلیفه و حکمی که صادر میشود درست ملاحظه نمایند اگر این  
علامات یاد دستخط خود جناب معزی الیه در احکام و  
تعلیفه باشد آن حکم را مجری دارند و الا حکمی که در آن  
دستخط جناب معزی نباشد با این علایم راز داشته باشد

۱۳۴۳

نگاه داشته مراتب را خدمت امینای دولت علیه عرض نمایند  
هر طور حکامانی صادر شد از آن قرار قیام نمایند

در عهد سلاطین سلف انار آمد بر اینست هم رسم چنان بود که  
در شب عید نور و سلطانیه بعضی از نوکران بزرگ دیوانی خلعت  
عیدی حرمت می شد برود و در وقت بجا این قاعده بطوریکه  
مداول شده بود که همه جا کران دیوانی حتی ادانی هم تمام  
خلعت عیدی می کردند تقسیمی که هم سالی سی چهل هزار تومن  
خلعت می گرفتند و خرج کزاف بیجانی برای دولت حاضر  
بود و هم عظمی برای خلعت پادشاهی و فرقی مابین مقربین و اعیان  
و ادانی مانده بود و این معنی در نظر ما بسیار رکیک و بد آید  
لذا حسب الامر پسین قرار شد که از عید نور و در وقت آیه توفیق  
بنیل خلعت عیدی بکلی موقوف شد و هیچیک از جا کران دیوانی  
اعتم از اعلی و ادنی خلعت عیدی حرمت نشود تا بر اجماع  
پادشاهی عظمی باقی ماند در درین تشریفات دیوانی فرو  
تفاوتی مابین اعلی و ادنی باشد

چون در مدرسه دارالفنون چند نفر از شاگردان مشق نوشتن  
می کردند و در نزد عالیجاه موسیو کریشیش قواعده و رموز نوشتن  
می آموختند و درین مدت در تیر اندازی توپ امتحان نشده بود  
باینجه عالیجاه موسیو کریشیش برای امتحان اطفال خود شنید شد  
هشت عراده توپ بیرون دروازه ببرند که در آنجا شاگردان  
مدرسه دارالفنون را امتحان نمایند لهذا در نخستین شب عراده  
توپ بیرون دروازه دولت بردند و در آنجا برای تیر اندازی  
امتحان نشانه گذاشتند و رای همایون شایسته ای عطا و یافت که دو  
عراده از توپهای بزرگ میان میدان در ب خانه راهم که تا بحال  
انهار از میدان ارکب دارالخلافه بیرون حرکت نداده بودند

آرزو برای امتحان بی بیرون دروازه ببرند سرکار اعلی حضرت  
شایسته ای هم در آرزو خاطر مبارکشان بران تعلق یافت که بیرون  
دروازه تشریف برده امتحان کردن مدرس و تیر اندازی توپها  
بزرگ را تا شایسته نماید بعد از آنکه بیرون دروازه تشریف بردند  
چون افواج قاهره در میدان مشق حاضر بودند و با کمال شکوه و نظم  
و ترتیب ایستاده بودند سرکار اعلی حضرت شایسته ای اول میان  
افواج تشریف برده مشق آنها را ملاحظه فرمودند و بعد از آن بیست  
شیک توپها تشریف بردند و عالیجاه موسیو کریشیش اطفال  
دارالفنون را در حضور همایون شایسته ای و جناب صلوات است  
مجدد اکرم صدر عظمی افخم در مشق توپخانه امتحان کرده تیر اندازی  
نمودند

نظر باینکه نواب نیر در سیف الدین میرزا حکمران قزوین در آنجا  
خدمات دیوانی و رسیدگی بامور رعایا و برای ایجاب درین اوقات  
خدمات او مقبول و حسن خاطر ملوکانه افتاده یک شوی کلجه از بلوس بن  
برسم خلعتی معری الیه حرمت و ارسال کردید

چون نواب ابراهیم میرزا در تیر اندازی چهار لنگ چنانچه در روز  
سابق نوشته شده کمال اتمام و رشادت را بعمل آورده بود خدمات  
مطبوع و حسن خاطر همایون افتاده درین اوقات یک ثوب جبهه  
از جانب سنی احوال ملوکانه با و خلعت حرمت و انفاذ کردید

چون عالیجاه چراغ علی خان نایب الحکومه صفهان در تقدیم خدمات محموله  
و تنظیم و ضبط امور ولایت مراتب اتمامات خود در بطور شایسته ظاهر  
حسن خدمت و فطرت و وفاداری و مشهور و مشرف ای جهان اراغی همایون  
پادشاهی افتاده مستحسن مقبول گردید لهذا نظر بظهور حرمت ملوکانه درباره او  
یک ثوب جبهه ترمه کشمیری برسم خلعت احوال سنی احوال همایون پادشاهی  
صفا

۱۳۲۴

### کرمان

از فراری که در ضمن تحریرات کرمان نوشته بودند این اوقات  
 آدمی از امیر قاین بجا پاری بنزد امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار  
 حکم آن بزد و کرمان آمد خبر آورده بود که بلوچ زبادی از رود بآ  
 سیستان بعزم تاخت قایمات آمده و در آنجا کاری نموده بطرف  
 هفتاد راه آمده اند مقرب الخاقان مشارالیه مجروح و وصول این خبر  
 بهمه دینجات آدم فرستاده خود نیز با آنکه ناخوش بوده در  
 دوازدهم شهر ربیع الثانی چهل پنجاه نفر سوار از خان زاده و غیره  
 ایلیجار کرده و بخیص که متصل بلوت است رفته و از بلوکات و ایلات  
 نزدیک بم تفنگچی خواسته بود و در ساعت درو و خنص ده نفر  
 از مهاجرین را که نوکر خود مقرب الخاقان مشارالیه بوده اند با سی نفر  
 تفنگچی خنصی مملوئ نموده است که بسرا راه سیستان قایمات بروند و با  
 او و وقت آنها را بشناسی خود حمل نموده از فراری که نوشته بود آن چند نفر مهاجر تفنگچی  
 در حوض نادر که پانزده فرسخ از خنص در و در میان لوط واقع است که شته خود با یکدیگر با  
 و نهاره خانه که بیت و مخفرخ الفطر حوض نادر است رفته و در آنجا سی نفر بلوچ رفتند  
 و شده اند و در نوبت هر مفرق و در حین آنکه از انقلاط رده و در قی ارفه بودند چون  
 دید خیال کرد و بود که این چند نفر اوله و از عجب بر حجت بنا خواهد آمد و آنکه کاه بر وجه نوره  
 آنجا بکوی عظیم با تفنگ فته و آنجا اسکر کردند از سواران که بفرجه بخار سردار و دیگر با خنص کوه  
 نادر که شته بودند فته و شت سوار یکدیگر با بلوچها نازدیک و دو کرده شت بلوچها را که بفرجه  
 بسیاران کشته و سواران هم دعوانا چنانچه فرنج آنها فته بلوچها بکوه و دیگر فته  
 آنجا را سکر کرده بودند چون جای بلوچها بسیار صاحب بود و سواران بنیستند با  
 بروند عقب بنه و شتر آنها فته بکنفر از بلوچها را با شترهای بنه و آذوقه شتران  
 بطرف حوض نادر آورده اند و باقی بلوچها از آنجا فرار اختیار کرده در سیستان  
 لوت بی آذوقه میمانند و از فرار تقریر آن یک نفر بلوچ که دستگیر شده بوده است  
 چهار نفر از بلوچیه سیر خورده و زخمی شده اند

عالیجاه میرزا بابیک پیشخدمت باشی جناب جلالت نواب امجد شرف  
 اکرم صدر اعظم انجمن با فتح را و مرحمت و عنایت کردید  
 چون عالیجاه میرزا اسمعیل مباشرت سیلالت مراتب خدمتگداری  
 خود را مشهور رای اقدس مایون داشته بود درین اوقات  
 بکتاب جبهه ترمه برسم خلعت از جانب سنی بچوانب ملوکانه بجهت  
 او مرحمت و ارسال شد

### سایر ولایات

عربستان از فراری که نواب مستطاب هزده و الا تبار  
 حکم آن عربستان و لرستان و برد جرد و بخشباری نوشته  
 در باب سده ناصری جویره اهتمامات کافی معمول داشته اند چون  
 طالع فریزی مطالع اقدس همایون شانشاهی سدی که تا بجا  
 میچیک از صاحب اختیاران سلف با وجود اختیار و اقتدار و فرج  
 کلی نموده اند با تمام برسانند درین اوقات در نهایت خوبی و  
 استحکام با تمام رسیده و آب بقدری جویره جاری شده است  
 که بی زورق عبور از آن نمیتوان کرد و عجب اینکه سسین  
 امسال آمده است که سه زرع از روی سدم نور بالا زده و با  
 وصف این خرابی بدم نور نرسانده است بلکه باعث استحکام  
 آن شده است و مامورین سکر است مزبور با وجود شدت کرمان  
 آن صفحات که چند نفر را با دسام کشته است از بنا و عمله و سیر  
 و غیره حسب الحکم نواب مغزی البه کمال استبادگی نموده و کار را  
 با تمام رسانده اند و حال از اطراف مردم هجوم آورده در فکر  
 آبادی خانه و عمارات و نخیلات جویره مینا و عمایرین  
 همایون شانشاهی و اهتمامات نواب مغزی البه آنجا بسبب  
 سدم نور نهایت محروبت و آبادی بهم خواهند رساند

۱۳۴۵

دیگر نوشته اند که درین اوقات قوافل شیراز و یزد با امتعه	رنگ یکمن هزار دینار	۱۰۳
تجارتی و غیره وارد کرمان شده بودند و از ایت راهها	الوی بخارا یکمن بکهار و پانصد	۱۰۴
و آسودگی عابرین و مستردین زیاد تعریف و توی	رز شک یکمن و و هزار دینار	۱۰۵
معموده اند	سرو	
از فراری که تسبیح اجناس کرمان را نوشته بودند در این	از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند چون خبر	
ادقات از این قرار است	که ظایفه ضاله بلوچ جمعیت کرده باخت و نماز آن صحافت	
گندم یکخروار سه تومان و پنجاه	امده اند مقرب الخاقان محمد یوسف خان سر تپ و نا محکم	
جو یکخروار دو تومان و پنجاه	یزد چجه آسودگی مستردین و عابرین بگدسته سرباز با	
کاه یکخروار شش هزار	سلطان دسته مرزور بقراولی نه گنبد فرستاده است	
تنباکوی شیرازی یکمن سه هزار	که در آنجا مستعد و آماده باشند و قافل که عبور نمایند	
تنباکوی وسط یکمن دو هزار و پانصد	آدم سمراد آنها کرده منزل می رسانند	
برنج شهری یکمن هشتصد دینار	دیگر نوشته اند که یک دکان صرافانی را شب بریده بودند	
برنج ارزولی یکمن شش عباسی	مقرب الخاقان محمد یوسف خان سر تپ حکم نموده بود	
برنج چپای فایر یکمن نوزده شاهی	که سارق حکما باید پیدایشود جبری که از دکان مرزور برد	
برنج رسی یکمن ده شاهی	بودند یک فنجری که بقدر بیت و پنج تومان نقد و جنس در	
گوشت یکمن چهار عباسی	میان آن بوده است بعد از اطلاع حکم مقرب الخاقان	
روغن یکمن دور بال	مشار به شب مجری را با نقد و جنس آن آورده در	
قند ارسی یکمن هشت هزار	میان کوچه اندخته بودند	
قند یزدی یکمن شش هزار	دیگر نوشته اند که سربازان فوج مجد بد کرمان متوقف	
نبات یکمن پنجاه روده شاهی	دار العباده یزد همه اوقات مشغول مشق میباشند	
شکر یکمن چهار هزار دینار	و مهارت خوبی بهم رسانده بسیار خوب مشق	
دار چینی یکمن هشت و پنجاه	می نمایند عالیجا میرزا کوچک خان فشک تمام کرده	
بل یکمن چهار تومان	و بانها داده چند روز مشق شیلیک میگردند و اهل	
زیره یکمن چهار هزار	اولایت از مشق و انتظام حسن سلوک آنها کمال بجز	
حنای یکمن دو هزار	و اظهار رضامندی می نمودند	

۱۳۴۶

اجبار و دل خارج

انگلیس در روزنامه این ولایت نوشته اند که علیا  
 پادشاه که در عمارت و نیز از شریف داشتند چند روز  
 آمده در شهر لندن مانده بعد مراجعت بعمارت مزبور نمودند  
 و بعد پادشاه انگلیس بتاريخ ۹ ماه نوامبر بقاعده انگلیس  
 که مطابق ۱۷ صفر است بیزده سال تمام بود و در روز  
 او پادشاه مهمانی سنگین با لوازم حسن و اسام تمام برپا  
 بودند

قیمت بعضی اجناس را در شهر لندن باین تفصیل گویند  
 کندم اعلی خرواری نه تومان کندم وسط خرواری پنج  
 سه هزار و خرواری پنج تومان بزرگ خرواری شش  
 نان یک من بیت دو و سه نان وسط یک من چهار  
 جای زیاد بفرش نیرفت و قیمت جای اعلی را نوشته  
 و لکن جای وسط خیلی فروخته بودند قیمت یک پوند  
 که شش سیر میباشد بهزار دینار شکر شازده من  
 بی و پنج شیلینگ که بحساب پول ایران سه تومان و  
 شش هزار و ده شاهی میباشد قد اعلی شازده من  
 به پنجاه شیلینگ که پنج تومان و پنجاه است قد وسط  
 شازده من چهار تومان و شش هزار و شصت شازده من  
 به پنج تومان الی پنج تومان دو و بهزار دینار قیمت که گشته  
 شازده من هفت تومان و چهار هزار دینار سیب  
 سه خروار و بیت من شش تومان و پنجاه الی دوازده  
 تومان موافق خوبی و بدی گوشت کا و یک من شش  
 سه هزار و ده شاهی الی چهار هزار و ده عباسی گوشت  
 یک من و شش سیر سه هزار و چهار عباسی الی چهار هزار و

فرانس

بتاریخ آخر ماه صفر از ولایت فرانسه نوشته اند که  
 اعلیحضرت امپراطور این ولایت بنا دارد که در استان  
 آینده مهمانی و ضیافت جشن و خوش گذرانی تمام در  
 شهر پاریس برپا نماید که هم بجهت خلق خوش بگذرد  
 و این جلال و اسام پاریس پای تخت فرانسه را که مشهور است  
 ببینند و بجهت زیاد خرج شدن پول صنعت کاران و  
 نفع ببرد خصوصاً آن قسم مجلس که مجلس رقص است  
 و هر کس که در آنجا است باید لباس مختلف که سواکی  
 مستعار فی است متلبس با خود اعلیحضرت امپراطور چندین  
 مهمانی سنگین از بر قسم خواهد کرد و بعد از آن حکم میکند  
 یک از وزرا که آنها نیز هر یک مهمانی سنگین برپا نمایند  
 خانه بزرگ که آپار با هم مانند در دست دولت است و  
 امپراطور حکم کرده است که هر یک از وزرا و چاکران  
 عمده در آنجا جای بگیرند

چند نفر از نویسندگان مشهور فرانسه مشغول نوشتن کتاب  
 هستند موسیو کیزو که در ایام لوی فلیپ از وزرای عمده  
 بود تا شیخ مملکت انگلیس را هیئت موسیو ویکتار کوزن  
 کتابی که موسوم به معرفت عالم است مینویسد و حسب نظر  
 نویسندگان دیگر هم این قسم کتابها مینویسند  
 اول برنی که در شهر پاریس آمده است در روز پنجم ۲۳  
 صفر بود و این برف نسبت با نولایت بسیار زود بود  
 چونکه یک ماه زمستان مانده بود اما بعد از آن هوا  
 ملایم شد و برف در زمین ماند ولیکن هوا رطوبت  
 زیاد داشت

۱۳۴۷

### چین

از کاتان چین نوشته اند که یاغیان نزدیک آن  
 شهر بودند و کمان داشتند که یکطرف شهر بدست آنها  
 بیفتد اهل شهرم از دیوانیان رضامندی نداشتند  
 و دور نبود که باند یاغیان برچینزند راهها خواه  
 آب و خواه راه خشکی همه در دست یاغیان بود و زدن  
 دریا زیاد شده بودند و در روی آب تاخت و غارت  
 بسیار میکردند و این همه ضرر تجارت جای که تجارت  
 عمده آن شهر است کم می آمد و آنهم که وارد می شد بسبب  
 اینکه هم یاغیان کم کم زیاد می گرفتند و هم دیوانیان  
 کران و کم یاب بود

بزرگ یاغیان حکمی صادر کرده و شراب خوردن را  
 در آن مملکت منع کرده است و قدغن نموده است که هیچکس  
 شراب نخورد

### هند

در روزنامه این مملکت نوشته اند که کلاب سینک  
 حکم آن مملکت کثیر بسیار ناخوش بود و کمان بستند  
 که خوب بشود و اگر وفات یابد و در دست که دولت  
 انگلیس لابد داخل و تصرف در آن مملکت نمایند زیرا که  
 پس کلاب سینک که موافق قاعده ارثی باید جگرانی آن  
 مملکت برقرار باشد بسیار بدسلوک بود و مردم از  
 او بیچ رضامندی نداشتند

در ولایت اوژی لظسی و اعتشاش زیاد بود و از قسم  
 دزدی و برهنه کردن مردم و دولت آنجا آن زور را نداشت  
 که در آن ولایت لظسی به بد دولت دکن که آنجا نیز مانند

ولایت اوژد دولت جداگانه و تابع دولت انگلیس است  
 اعتشاش بود یکی از خوانین صاحب املاک که در آنجا زمین  
 هینا منده چند صد نفر از الواط بد و خود جمع کرده بود و بقدر  
 بیست هزار پونیه پول انگلیس که تخمیناً چهل و چهار هزار لیره  
 پول ایران است وجه نقد از یک محال گرفته بود و این چه  
 غیر از جواهر آلات و اسباب گرانها و سایر اجناس است  
 که بزور از خلق گرفته بود

### سینکی و نیای شمالی

بنا تاریخ ۲۴ نومبر که مطابق سیم ربیع الاول است کشتی  
 بخار بشهر نیویارک وارد شده بود و قیمت یک طبلان نیم  
 دلار از کللی فارس با آنجا آورده بود که هر دالاری چهار  
 هزار و چهارشاهی پول ایران است

شخصی بدست چاکران دیوان افتاده بود که اسیر فروشی  
 میکرد و غلام و کنیز از افریقیه به سینکی دنیا میرد حکم قتل  
 او داده بودند و زکلین احتمال داشت که امنای آن دولت  
 از سرخون او که شته تمبیه دیگر با و بکنند بلکه جسد بری با

### احوال متفرقه

مابین دولت سن پائول و پورتو قال گفتگویی شد است که  
 مکرک را و آن ولایت بی بکنند و بیک طو بگیرند که بجهت خلق در  
 مکرک اذیت نشود و بعد ازین از برای سیاحت بجهت مکرک گفت  
 نباشد بطوریکه بروقت شخصی داخل یکی از سردت  
 این ولایات شد و مکرک مال خود را در آنجا داد و از سر  
 سر مملکتین هر جای دیگر که عبور بکنند دیگر در خصوص مکرک  
 و راهداری و هیچ جاد دیوانیان مانعت نکنند و شور تجار آنها  
 این دو ولایت مشغول حاضر کردن این حکم بودند

۱۳۴۸

موافق حساب که در روزنامه مکتوب نوشته اند حاصل معدن  
 نقره این ولایت در یکسال یک ملیان دالار که تخمیناً یک  
 گرو و چهار صد هزار تومان پول ایران است زیادتر از آن  
 روی زمین شده است باینطور که در یکسال از همه معدن  
 نقره روی زمین سی و دو ملیان دالار نقره حاصل شده است  
 و از معدن ماسکو در یکسال سی و سه ملیان دالار نقره  
 که از فرار برداری چهار هزار دینار تخمیناً بیت و شش گرو  
 و دو سیت هزار تومان پول ایران حاصل یکساله معدن ولایت  
 منور است

و در آخر وصیت نامه هم نوشته بود که خاطر جمع شدم که  
 کشته خواهم شد پس کشته شدن از بن بهتری شود که در  
 راه رفتن کاسک بخار کشته بشوم که خورد کرده دیده زودتر  
 از اذیت خلاص بشوم و چونکه امیدش این بود که در راه آن  
 کشته بشود دایم در سفر بود در انگلیس و بلژ و فرانسه و ممالک  
 آنجا که هر جا که راه آن بود میرفت و هر کالسه که تندتر راه  
 میرفت و توشیش زیادتر داشت در او می نشست یک وقت  
 با کاسک در زیر آب ماند که کاسک کشته و برود خانه افتاد بود  
 و لکن کشته نشد یک وقت هم کاسک کجا چپ و راست نزد یک کاسک

پارسال که سر شماری در مملکت کاناده میگردند چهارده  
 نفر مرد و نوزده نفر زن در آنجا بودند که سن آنها از صد  
 که کشته بود از جمله پیره مردی بود از مردمان وحشی که ولایت  
 که صد و بیست و شش سال او نیز از صد سال بیشتر عمر  
 داشت

که او کشته بود بهم خورده خورد و سگت شدند و خلق بسیار کشته  
 و زخمی کردند دیدند اجزای خلق کشته و دستخواران خورد کردند  
 و لکن باین شخص اذیت نرسید دید در فرنگستان کشته نمی شود  
 برینگی دنیا که در آنجا بچه تند رفتن کاسکها و بیباکی اهل آنجا  
 بلکه مقصود خود برسد سمت او خنجر و سینه و نیار کرده رفته بود با  
 وجود اینکه کوز یک بخار کاسک ترکیه بود باز با او اذیت نشد  
 سر تا سر آن ولایت وسیع رانفته بود و لکن کشته نشده بود تا بوقت  
 خود مراجعت کرد و ما بین شهرهای برین و لندن کشته گردید  
 و مقصود خود رسید اقوام او با صاحبان آن راه آن راه آمدند  
 و میخواهند ثابت بکنند که شخص منور مجنون بود و وصیت او  
 صحیح نیست و لکن صاحبان راه آن پیش خوانند برود اموال  
 شخص مقبول با آنها انتقال خواهد یافت

شخصی درین روزها در یکی از راههای آن ولایت انگلیس کشته  
 شده است و وصیت غریب با منزه کرده است این شخص صهلش  
 انگلیس بود و لکن درینگی دنیا بسیار سیاحت میکرد و قتیکه  
 شده بود دوستان و اقوامش او را با کمال حرمت دفن کرده  
 بودند بعد از آن جمع شده بودند که وصیت نامه او را کشف کرده  
 ببینند که اموالش کجا باید برسد چونکه او بسیار متمول میشد  
 و قتیکه وصیت نامه او را کشف کردند اول چیزی که نوشته دیده  
 این بود که چون من ازین دنیا بتنگ آمده ام هر چه اموال که در  
 خواه در ولایت انگلیس با در خارج وصیت میکنم که باین  
 اموال بصاحبان هر راه آنی که من در آنجا کشته بشوم  
 و امید دارم که زودتر از محبوبس خانه این دنیا خلاص بشوم

تس گرفتند همه عمل که تصیبات آن در روزنامه سابق نوشته شده است  
 زیاد با او آنجا زده است که کشته از آنکه آنقدر ما نشان تلف شده است  
 حال بچه خراب شدن انبارها و نامعروفی شهر تجارت روسی که در آنجا  
 تجارتها بود از آن شهر بریده شده و در شهر کازان بزرگ بوغ می شود

۱۳۴۹



چون چند سال است که در سمت جنوب مملکت فرانسه و بعضی  
 ممالک دیگر فرنگستان آفت در میان ناک المور می افتد امیر  
 فرانسه حکم کرده است که کمری که از شرابی که از خارج می آید  
 میگویند برداشته شود چونکه در میان اهل سمت جنوب آن  
 مملکت شراب از جمله ما محتاج خلق است که همیشه با طعام کمی  
 میخورند بهر وقت که گران شود بخلق بد میکند و بلکه پیش  
 اغتشاش هم در میان آنهاست از آنچه حکم امیر اطور  
 که شراب از خارج بی کمرک داخل اولایت شود با  
 اسودگی خلق شده است

در سمت رود موصل که داخل ممالک است اکثر  
 اهل آنجا بصل آوردن ناک المور بجهت شراب است حاصل باغها  
 آنجا را در اول صفر چیده بودند و بسیار خوب بهی آمده بود  
 و لکن شش یک حاصل سالهای متعارفی نبود و از این  
 ضرر کلی بصاحبان املاک و زارعین آنجا بسید است

در حساب تجارتی مملکت روس که چاپ میزنند نوشته اند  
 که در نه ماه سال گذشته چهل و دو هزار و نه صد و بیست و یک  
 چلیک پیمه از اولایت سنجاج فرستاده بودند

و دو معدن مس در نزدیکی باکرتسند در مملکت سویدن  
 درین روزها تازه بر آید اخته اند و کمان دارند که منفعت

زیاد بجهت اهل اولایت بکند  
 مرکبات که در ولایت نخلیس فراوان میشود از قسم پوچا  
 و نارنجی و لیموی ترش است امسال این مرکبات را زود  
 بولایت نخلیس آورده بودند بلکه بکجا پیش از ایام متعارفی  
 آید بود که در وسط ماه ربیع الاول این میوه در ولایت  
 نخلیس فراوان بود اکثر این مرکبات را از ممالک اسپانیا

و پورتو قال می آورند و قدری هم از ولایات اطراف  
 سحر سفید

شکل کشتی سازی در ولایت نخلیس بسیار رواج دارد  
 و بنجارا که در آنجا کار می کنند مزد زیاد میجوهند صاف  
 کشتی نیز لایه این مزد را خواهند داد

در روزنامه که نوشته اند که امسال نستان زود آمد در  
 وارش در اوایل ربیع الاول کالکهای پنج برافشان  
 بودند

در کوههای پرانی درین اوقات زلزله شده است و از سرتا  
 آن کوهها تا شیر کرده است که مابین فرانسه و اسپانیا  
 میگذرند و از دریا تا دریا نیز تا شیرش معلوم بود و لکن چند  
 خرابی در بیچیک از شهرها و قصبهات اولایت کرده بود

در وصیت نامه امپراطور ناپلیان بزرگ نوشته بود که نصف مال  
 بعد از وفاتش در میان اهل آن شهرها که در جنگ آخر بسیار

و خرابی دیده بودند تقسیم شود درین روزها بعضی از فقرات  
 این وصیت نامه را بعل آورده اند و حکم شده است که بخواه  
 فرانک شهرهای سمت رود سین تقسیم بشود در سر این مطلب

کرده اند و میجوهند پول مرزباز با انشاع آن برسم ستمی  
 سر بازهای پیر و ضعیف و زخم دار بدهند که الهی آن شهرها  
 بیباشند

۱۳۵۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم ماه جمادی الثانی مطابق سال ۱۲۷۱

نزهت و سیزده  
قیمت روزنامه  
یک نخود و شکر یک  
هفتاد و چهار هزار



منطبه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک طرا اچار سطر یک هزار  
بیشتر با هر طرا

اخبار واحد مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه گذشته سرکار علیحضرت پادشاهی عزیمت گشت و تفریح اطراف دارالخلافه مبارکه را که در این اوقات سبب ملایمت هوا کمال خرمی و صفا داد فرموده سوار گردیدند و تا حوالی عصر ساحات اطراف را گردش کرده نزدیک غروب آفتاب به ارک مبارکه سلطانی مراجعت فرمودند  
افواج قاهره نظام این اوقات همه روز مشغول میباشند و با نخایت ار استکی و نظم مندا از جمله سوار نظام و سرباز در میدان خارج شهر و کوی در میدان ارک هر روز در مشقه و صاحب منصبان اتمام وافی در مشق آنها دارند و بعضی اوقات سرکار علیحضرت شاهنشاهی خود بتماشای مشق و حرکات آنها تشریف فرما میشوند و همچنین شانگردان مدرسه دارالخلافه هم هر یک نهایت سعی در تحصیل فنون نجوم و طب و مهندسی و غیره دارند و ترقی خوبی برآنها حاصل شده است

چنانچه در روزنامه هفته گذشته نوشته شده است که در روز تیر اندازی حب الامرتالیون دو توپ از توپهای بزرگ میدان ارک را بم پیرون برده تیراندازی کردند چون توپهای مزبور میانشان صاف نبود و خوب بود و امتحان کردید لهذا صاحب اشاره این مقرر شد که آن توپها را پاکیزه پرداخت نمایند چند روز است که بر روی توپهای بزرگ که در روی تخت میدان ارک گذاشته اند چادر زده و سوهانکار و غیره مشغول پرداخت آنها میباشند  
هوای دارالخلافه طهران و اطراف درین اوقات بسیار خوب و ملایم است اگر چه امسال مستان بر چنانچه باید در شهر و جلگه میامده و بخرم مثل سالهای سابق گرفته نشد و لکن بارانهای نافع خوب آمده و رفع تشویش مردم که از خشکسالی و کرائی غله داشتند شده است و امید است که بعد از این هم بارندگی خوب شود  
لظهور رحمت طوکانه در باره نواب جهانوزیرنا

۱۳۵۱

ولایت و نایبگی و اتهامات نواب سمری الیه در انجام خدمات محول بخود که از بد و سر باری بنیابت اجودان بایر شکر سرافراز گردید درین اوقات از قرار فرمان مبارک او را بمنصب حبیب تیرچی و فوج عرب و عجم سرافراز فرمودند

نایب گویون در ازمای منصب مزبور بنوعی ایستادگی کرد  
**سایر ولایات**  
فارس از قرار یک در ضمن روزنامه فارس نوشته بودند نواب مستطاب شازده و الا تبار موبد الدوله حکمران فارس در انتظام و انضباط امور مملکت بجهت بیجا

اسودگی رعیت کمال اتهام دارند و در ایام هفت روزگی سه شنبه و چهارشنبه را بیرون آمدن بارعام میدهند عموم مردم خدمت نواب سعیدی الیه رسید و عرض خود را عرض میکنند و نواب سعیدی الیه بعبایض مردم رسید

نمایند و مقرات نجاقان شجاع الملک و شیر الملک نیز در خدمت نواب شازده بقرار و مدار معاملات و دعات محول بخود اشتغال دارند

**خراسان**  
از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتهامات نواب مستطاب شازده و امجد و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب نجاقان وزیر نظام امورات نواب در نهایت انتظام است و بجهت و فوریتم و کمال ارزادگی و اعلی و ادانی بدعا کوفی و شکر کزانی قدم دارند

از نکلات نوشته بودند که عالیجا میرزا بر اسم خان سپرد در حفظ و حرمت نکلات حسن سلوک با امانی آنجا نهایت اتهام را دارد و اهل آنجا کمال رضامندی از حسن سلوک و وفای

او دارند جعفر اتقانی کلماتی با سواره زیاد از قرار بانی دور نکلات آمده بوده است شک فاحشی خورد و مخدولان و بنا بر مزاجت کرده و بیکر از او خبری نیست

دیگر نوشته اند از قرار یک خبر رسیده بود شاه مراد ایلیا که از متعلقان خان خنوق است با دو هزار سوار و دو عراده توپ و قوش بیک نامی نیز با هزار سوار برآمده است نوشته است مطابقت با نفر با جمیع ولایات خراسان احکام فرستاده که سواره و پیاده قشون دولت علیه در هر جا مستعد و آماده باشند که بروقت احضار نمایند بدون محطلی حاضر شوند و از قسار مذکور خود خان خنوق نیز وارد قریا باشند

بوده است  
دیگر نوشته بودند که در دهم شهر ربیع الاول قافلگی از بخارا او را در ارض اقدس شدند و پوست بخارانی و جبه و ترنجبین و غیره هم داشتند و چون ترکمانان سمرخی که دست باین دولت علی بنمایند محافظت قافلگی نورا کرده صحیحاً سالها بارض اقدس رسانده بودند نواب مستطاب شازده و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان سه ثوب جبه ترمه بیک نفر از پسران اراض خان و نوشته اند و رحمانقلی خان ترکمان خلعت داده اند و منتهای توارش با آنها نموده اند

دیگر نوشته اند که نظر باینکه ترکمانان سمرخی حال نوکر و اطاعت این دولت علیه را می کنند و مصدر خدمات میشوند نواب شازده و الا تبار فرمانفرما با آنها اذن دارند که ما امانی خود را از کاز و کوسفند و شر از کوه فردوران بظرف آورده در ده فرسخی ارض اقدس زمین غلف چرداشته باشند

۱۳۵۲

دیگر نوشته بودند که امالی قدمگاه نیشابور بارش است  
بتظلم آمده بودند که صاحبان تجار عایان زیادتی کرده و زیاد  
از سرخطی که دستور العمل داده اند از رعایا گرفته است  
مقرب انخاقان وزیر نظام به اقا سید میرزا حاکم نیشابور  
شرحی نوشته قدغن اکید کرده اند که رسیدگی بکار ضابط  
آنجا بار عایا یکند در صورتیکه زیادتی کرده باشد او را  
تنبیه کامل نماید و آنچه زیادتی کرده باشد از او استرداد  
و بصاحبانش تسلیم کند

همدان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند مقرب انخاقان  
معهتملک در انتظام امر آنولایت و آسودگی رعیت اهتمام  
کامل دارد و خلاصی بی از کسی صادر نمیشود و اگر احیاناً مامور  
یا خلاف قاعده از کسی اتفاق بیفتد در مقام رفع آن بر می

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند نواب  
عمادالدوله در انجام خدمات دیوانی و رسیدگی بکار ریایا  
امل ولایت کمال اهتمام را معمول میزند در باب سبک  
وقت نموده اند که کسی سبک کم چیزی نفروشد از جمله شخصی پانزده  
سیر کوشت از قصابی گرفته بود و دوسیر او کم بوده است  
بمرض نواب عمادالدوله رسید قصاب را تنبیه کامل نموده  
و قدغن کرده اند که هر کس از سبک کم چیزی بفروشد  
مواخذة و جریمه خواهد بود

کرمان

از قراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند خالیجا  
سینانی که از جانب اولیای دولت قاهره مامور کابل

گردیده بود درین اوقات اعراب جناب امیر کورگان  
وسرور اکند انخان حکمرانان کابل و قدما و وارث کرا  
گردیده امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران  
یزد و کرمان چند روزی مشارائمه را مخص کرده که خوشگی  
سفر بیرون آمده بعد روانه دیار عیون شود و او را سیم میرزای  
که سابقاً منصب غلام پیشخدمتی سرسپر خاصه در نواز گردیده بهر  
مقرب انخاقان مظفرالدوله بعد فرستاده و معاودت نموده وارد  
کرمان گردیده امیر الامرا العظام سردار کمال احترام را بعمل آورده و منزل  
داده محتاج اورا از هر چیز میرسانند و لازمه خانه را بر او عمل آورده

دیگر نوشته اند در پانزدهم ماه جمادی الاول شت نغز تاز سواران  
سردار علیخان حاکم سینان شت نیزه سر از بلوچیه وارد کرمان  
و از قرار نوشته رالیه بعد از آنکه خانی غناله بلوچیه بفرم ساخت که کرمان  
و غیره آمد بودند و امیر الامرا العظام سردار چنانچه در روزنامه نوشته اند  
شده دفع آنها رفقه بود بعضی از آنها خمدار و دیگر سگرو آذوقه دانستند  
بیشتر نفر آنها که نور را بگوهای این کشتند و بنویست جان بد  
عالیجا علیخان رسید با استعداد بانها برخورد و همه را بقتل رسانید  
و شت نفر آنها را که اعمراف شمرار و بجدت شیو بود سرشود  
بکران فرستاده بود چون قبل از ورود سرفی بلوچیه امیر الامرا  
عالیجا و امتیخان با کوئی را با دو مراده توپ یک چهارده  
و اسیرمانی که ازین بیان است آمده بودند و بار عیون نمود  
بو این شت نیزه سر را نیزه خانبه فرستاده است در عرض پیش را لیدر

که بر بار عیون بیارند

دیگر نوشته اند که زوجه سینان این اوقات پسرکی را کشته پای آورده  
انگشت دارد و پنج دندان در رحم ز آورده بوده است

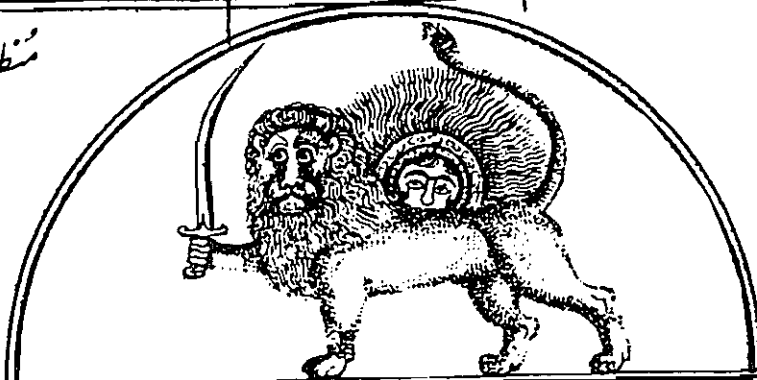
۱۳۵۳

از قرار یک در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند درین	تباکوی اعلی چهارمین شانزده هزار
اوقات زوجة فتحعلی نام مثال باف بیک شکم سه دختر	تباکوی وسط چهارمین دوازده هزار
زائیده بود امیر الامراء العظام سردار بچه سلماسی چو پیر شور	چهارمین هشت هزار
مبارک شاهنشاهی و از اینکه اینگونه موالید را بجهت	چهارمین دوهزار و صد در
ادس مایون شکون میداند انعام و مدد معاش	یکمین یازده شاهی
بانهاده است	یکمین هفت شاهی
مطمنه تعبیر جناس و اختلاف طهران درین هفته از قرار	واچینی یکمین یکمیان و ده شاهی
کندم ساوجبلاغی یکخوار سه تومان	فلفل یکمین شش هزار
کندم غریب یکخوار سه تومان	زیره یکمین دوریال
جو یکخوار بیت و دوهزار	زرشک بیله یکمین دوهزار
کاه یکخوار هفت هزار	زرشک تبریزی یکمین چهار هزار یکعباسی
همه یکخوار نه هزار	بنات یکمین پنجاه و یک عباسی
شیره چهارمین دوهزار و چهارعباسی	شکر یکمین سه هزار و ده شاهی
حزنا چهارمین چهار	قد یزدی یکمین چهار هزار و پانزده شاهی
کشش طعام چهارمین دوهزار و دو عباسی	قد روسی یکمین هفت هزار و پانزده شاهی
کشک چهارمین دوهزار و یک عباسی	زعفران یکپچارک شانزده هزار
سخت و قروینی چهارمین دوهزار و چهارعباسی	لمبوی غمانی یکمین دوریال
بوسنج خشک یکخوار هشت هزار	آب لیمو یکمین دوهزار و پانزده شاهی
مک یکخوار سه هزار و پانزده شاهی	
برنج غبرو چهارمین دوهزار و یک عباسی	
برنج کرده چهارمین دوهزار و صدینا	
روغن چهارمین ده ریال	
گوشت یکمین شش عباسی	
شع یکمین دوهزار و یکعباسی	
روغن خراغ یکمین هفت عباسی	

۱۳۵۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یکشنبه ۱۲۷۱

نزهت و سیرده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاهی  
هتومان و چهار هزار



مستطبه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط چهار سطر یکمته از  
بیشتر با هر سطر پنج مر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه گذشته نظر تجوی میوه ای شیرینات  
که درین اوقات کمال صفا و خرمی دارد موکب هایون  
اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف برمای آن ساعات کرد  
تا در بند و آن اطراف گشت و تفریح فرموده نزدیک  
عزوب آفتاب بارک سلطانی مرتبت فرمودند

چون مراتب لیاقت و شایستگی و فطانت و بایستی  
عالیجاه مقرب الخاقان میرزا علیجان پسر جناب عالی  
شرف امجد افخم صدر اعظم اکرم مشهور خاطر و محظوظ  
نظر اقدس هایون شاهنشاهی گردیده در این اوقات  
مقرت الخاقان مشارالیه را بمصوب جلیل وزارت  
مستطاب شاهزاده و الالباب امیر نظام سرافراز فرمودند  
که از روی کفایت و ذرات مقتضیات منصب مزبور اقدام  
نماید و در ازای منصب مزبور یکمصب جنبه ترمه بخیره  
و یک قبضه کار و دسته مرقع از جانب سنی الجوانب  
ملوکانه باو مرحمت گردید

چون مراتب اتهامات مقرت الخاقان عیسی خان ویا

کسیلان در انجام خدمات دیوانی و تحصیل موجبات  
اسودگی عیت مشهود خاطر اقدس هایون شاهنشاهی کرد  
درین اوقات یک قبضه کار و دسته مرقع و یکمصب  
کلیجه ترمه از ملبوس بدن مبارک مقرب الخاقان مشارالیه  
از جانب سنی الجوانب ملوکانه مرحمت و ارسال گردید  
چون درین اوقات منصب تجو بلداری و قریحه مبارک  
حاجی میرزا موسی خان حسب الاشارة العلی مرتبت کرد  
لذا در ازای منصب مزبور یکمصب جنبه کرمانی اعلی مرتبت  
خلعت مرحمت گردید

چون سرکردگان و صاحب منصبان وقتونی که از نظر  
فارس امور تبحر مند و عباس بودند در فتح و تصرف  
آنجاد مت و رشادت و جلالت کرده بودند لهذا در  
ازای خدمات آنها بدین موجب خلعت و نشان از جانب سنی الجوانب  
نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا مقرب الخاقان عبد الله خان صادم الملک

نشان سیرکال جامیل سرخ جنبه ترمه نشان میرنچیگی جنبه ترمه  
قطعه رشته قصب قطعه قصب

۱۳۵۵

عالیجاه ابدال خان یا در فوج  
علایری

علاء محمد حسین سلطان فوج  
نشان ظلالی سلطان

نشان در هم ساق  
سیر سنج  
قطعه طاقه ثوب

قطعه

عالیجاه مصطفی قلی سلطان صوبه دار  
تو سنجانه مبارک

نشان ظلالی سلطان  
ساق کرمان  
قطعه طاقه

س

مرحمت و ارسال کردید که موجب مزید افتخار و دلگرمی  
آنها شود

چون مراتب اہتمامات و محاسن خدمات عالیجاه عالی اتقا  
شکاک را در سر پرستی ایل و عشایر این اوقات عالیجاه

نتیجہ الامرار العظام حسعلی خان شیخ مت خاصہ بعرض چاقی  
سبارک رسانید لہذا یک طاقه شال ترمہ و یک ثوب قبا  
رزی بجهت اخلت مرحمت کردید و ارسال شد

در سال گذشتہ عالیجاه رضا قلیخان کہ منصب سرہنگی فوج  
عرب را داشت بلاخط خدمتی کہ در فتح بندر عباس کردید

بمنصب سیرتپی سرافراز شد و لکن بعد از آنکہ بر حسب امر  
اولیای دولت علیہ ترار شد کہ فوج او را در بندر عباس

ساخلو بگذارند فوج ابو الجحیمی او تقاعد و احوال و رزین هر یک  
نمودند حسب الامر امر و مقرر شد کہ فرمان سیرتپی او پس

گرفته و اطہار بی التفاتی نسبت باو شد تا اینکہ ایندفعہ  
خدمت ثانوی فتح بندر عباس میان آمد عالیجاه مبارک

با فوجش ایندفعہ آثار کمال حسن خدمتگذاری خود را اطاق  
ساختہ درین مغزوب خدمت کردند و نواب شایزادہ

والا تبار موبد الدولہ طہاسب سیرز حکمران فارس انشد

اور رضا مندی نوشته بودند لہذا حسب الامر مجدداً بمنصب  
سیرتپی سرافراز شدہ یک ثوب جبہ ترمہ بر رسم خلعت  
باقتخار او مرحمت و ارسال شد

چون این اوقات عالیجاه محمد ابرہیم خان سرتب افواج  
اصغہانی مبارک احمد خان اوزی را کہ از حیدر اشتر افشار

بود و ہمیشہ آثار شہادت و ہرزگی از مشارالیہ در  
استند و دبطور میر رسید گرفتہ قلعہ و را خراب کردہ بود

و قلع و قمع آثار شہادت او را بطور شایستہ نمودہ  
و مراتب این نوع خدمتگذاری مشارالیہ در خاکپای

سبارک مستحسن و مقبول افتاد لہذا یک ثوب جبہ ترمہ  
باقتخار عالیجاه مبارک مرحمت و ارسال فرمودند

چون قبادخان قشقائی بدتی بود کہ شیمہ خود را منضم  
بذروی و راہزنی و اغتشاش امر ولایات و محلات

حول و حوش فارس کردہ بود و ہمیشہ آثار ہرزگی از  
او بطور میر رسید این اوقات عالیجاه لطفعلی خان سیرتپی

قشقائی بر حسب حکم اولیای دولت علیہ او را گرفتہ بود  
لہذا نظر بحسن خدمت عالیجاه مبارک الیہ یک ثوب جبہ

ترمہ بر رسم خلعت باقتخار او مرحمت و ارسال شد  
سایر ولایات

خراسان از تہاریکہ نواب مستطاب  
شایزادہ و الا تبار افخم و مالفسر مای مملکت خراسان

در طی تخریرات خود نوشتہ بودند چند دستہ از طایفہ  
ضالہ ترکمانیہ از طرف بوخژورد گذشتہ بعزم تاخت

و تازہ بسطام میرفتند عالیجاه محمد حیم خان حاکم بوخژورد  
مستحضر شدہ سوار بجلو ترکمانان فرستادہ و آنها را برہم

### عربستان

از تیر یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 آنجا از اتهامات نواب مستطاب هزاره و الایبار  
 احتشام الدوله قرین اهیت و انتظام است و امر قوال  
 مستحفظ آن صفحات بسیار مضبوط و رعایا از جهت  
 استوده خاطرند مگر اینکه بارندگی در آنجا امسال نداشت  
 و سبب گران شدن غله اهل آنجا قدری پریشان حالند و بعبرت  
 میگذرانند

دیگر در بند پنجمه در او اخر شهر مزبور کاغذی برای تجار  
 آمده بود که در او اوسط ماه صفر در ممبئی چنان باد و طوفان  
 برخاسته بود که جهازات بسیار که در لنگرگاه بودند  
 اکثری را غرق کرده بود

دیگر از سر باز و توپچی متوقف آن ولایت بسیار ضعیف  
 نوشته اند که بسیار با نظم راه میروند و اهل آنجا  
 رضامندی از آنها دارند

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا ابوالفضل در انجام خدمت  
 دیوانی در رسیدگی بکار نوکر و رعیت مجرمه و آن اطراف  
 کمال سعی و اهتمام را معمول میدارد و اهل آنجا عموماً کمال  
 رضامندی از حسن سلوک و رفتار او دارند و همچنین عالیجاه  
 شیخ فارس خان حاکم حبیب و مضافات در خدمات  
 محوله بنحود و کار رعایای آنجا کمال اهتمام و حسن سلوک را معمول داشته است  
 و در وصول ایصال ایلیات دیوانی اهتمام زیاد بعمل می آورد و سربازان  
 فوج در لفافه نیر که و چپ مستند با کمال نظم رفتار میکنند و عالیجاه  
 شیخ فارس خان نهایت رضامندی را از آنها نوشته بود

زده است و پنج نیزه سر از زوس ضاله ترکمانیه بارض  
 اقدس خدمت نواب شاهزاده فرستاده است و نواب  
 معین البیسم بلاخط حسن خدمتگذاری او خلعتی برای  
 او فرستاده اند

دیگر در روزنامه لبظام نوشته بودند که در ماه گذشته  
 جهادی الاول بیت نفر سوار از طایفه ضاله ترکمان بقره  
 رویان که در سه فرسخ لبظام است شب تاخته و سیزده  
 نفر شبان را که در سر کوه سفند بوده اند اسیر کرده بودند  
 عالیجاه مطلب خان بعد از استحضار چون خودش میرض  
 بوده است بقدرسی سوار که موجود بوده اند بتعاقب آنها  
 فرستاده بود سوار با بعد از طی پانزده شازده فرسخ  
 ترکمانان رسیده اسرار استخلص کرده بودند و چند قبضه  
 تفنگ و شمشیر هم از ترکمانان بدست آورده چون شب  
 شده بود و اسبهای مأمورین نیز خسته بوده اند دیگر  
 ترکمانان را تعاقب نکرده مراجعت نموده بودند

و پنجمین در سیزدهم ماه مزبور نیز سی چهل نفر سوار ترکمان  
 بعزم تاخت بلوک بسیار لبظام گذشته بودند عالیجاه  
 سی نفر سوار متعاقب آنها فرستاده بود بعد از طی سی فرسخ  
 مسافت حوالی عصر ترکمانان رسیده و جنگ در پیوسته  
 بودند سواران مأمور سه نیزه سر از ترکمانان گرفته و  
 پنج راس اسب نیزه تیر کلوله زده بقیه ترکمانان هر چند  
 بسکین از قبیل پوشاک و آذوقه داشته اند نجاته با سه  
 نفر زخمی فرار کرده بودند سواران تا پنج شش فرسخ آنها  
 تعاقب کرده چون شب شده بود مراجعت کرده بودند

۱۳۵۷



# فارس

ازتسه اریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤیدالدوله حکمران فارس در باب تعیین اجناس آنولایت استقام زیاد دارند بعضی اینبار را که غلته داشته اند حسب احکام نواب معزی الب سگت غلته آنها را بختراز و علاف فروخته اند و چندی باین واسطه نرخ غلته تنزل کرده نان یک من دو عباسی و جو یک من پنجاهی و نیم بوده است بعد دوباره ترقی کرده بود در ثانی دو انبار دیگر که مال بقا بوده است حسب احکام نواب معزی الب سگت پنج هزار من غلته در آنها بوده است بختراز و علاف داده اند و مقارن آن سم در آن اوقات برف و باران زیاد در فارس آمده و رفع

تشویش مردم گردیده است

دیگر نوشته اند که مقرب اشخاقان شجاع الملک در انجام خدمت

دیوانی و وصول و ایصال مالیات ایتام و سعی وافی دارد و در انجام سایر خدمات دیوانی و رسیدگی بکار عموم نوکر

کمال اهتمام را معمول میدارد

دیگر نوشته اند که مقرب اشخاقان شیر الملک درین اوقات

و جشاهی اشرفی را حواله تقسیم کرده بود و در انتظام امور ولایت و مالیات نهایت ایتام را معمول میدارد

و یکروز ضمن روزنامه آنجا نوشته اند که یک نفر از این دناست

بازنی مرکب فعل شنیع بشود او را گرفته خدمت نواب مؤیدالدوله

اوروند او را حکم بسیار است او نموده بعد از آنکه مقرب اشخاقان

شیر الملک شفاعت نمود حکم کرد و در تنبیه مضبوطی از او

آورده و او را جسد نمودند

# کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند امر توپخانه آنجا از استقامات امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بسیار قسط است و توپچیان همه زوزه شنید مشق میباشند عالیجاه عبداله پیک باور توپخانه در مشق نظام آنها سختی و تمام معمول میدارد هم در مشق و رزیده و ما بر شده و هم با نظم حرکت می کنند و کمتری خلاف قاعده از آنها بطور میرسد مگر یک نفر از توپچیان در صبحه بازر که رسم است در روز جمعه بسج میزند و داد دست می کنند دعوا کرده بوده عالیجاه عبداله پیک در میدان توپخانه تازیانه مضبوطی باورده است

راهبهای کرمان چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته شده است

اهمیت خوب دارد و قراولانهای دهنه جات و برود عرض

راه از قرار یک نوشته اند همه در کمال انتظام و قراول و مستحفظ

در کل دهنه جات با استعداد دستند و برای عابرین و سرزید

ازین رکبذرا اطمینان و آسودگی حاصل گردیده است

دیگر امر شهر و محلات در نهایت نظم است و سرقت و

قاعده اتفاق نمی افتد و امانی بلده و بلوک بارفاه و آسودگی کمال

شکر گذاری دارند با بقا بواسطه نیامدن باران اهل آنجا

تشویش داشته اند و نرخ غلته بالا رفته بوده است و لی بعد

از آنکه برف و بارانهای بسیار و بوقوع که متوالیاً در جلگه و کو

آنولایت آمده است رفع تشویش امانی آنجا بگلی گردیده و آسودگی

کلی حاصل کرده اند و در بارزدهم جمادی الاول که نرخ اجناس

آنجا را نوشته بودند کندم از قرار خرواری سه تومان و نیم و جو

خرواری دو تومان و نیم و گاه خرواری شش هزار و سایر

اجناس نیز بهین منظمه است و در دو همه چیز فراوان است

۱۳۵۸

### اخبار دول خارج

**انگلیس** تاریخ کاغذ آخر که از ولایت انگلیس رسید نوزدهم ربیع الثانی بود مشورتخانه وکلای رعایا و خوانین بسپای تخت آمده و در تاریخ بیست و یکم ربیع الاول در مشورتخانه جمع شده و مشغول پیش بردن امور دولتی بودند و بجهت یوم مولود حضرت عیسی که در بیست و پنجم ماه ذی القعدة فرنگستان که مطابق دو شنبه چهارم ربیع الثانی مرخص شده بودند که ایام عید مزبور و سال نو بگذرد و بنا گذاشته بودند که بتاریخ شنبه چهارم جمادی الاول و باره در مشورتخانه جمع شوند بجهت راه بردن امور دولتی و زرابا اهل مشورتخانه اخبار کرده بودند که دستور العمل مملکت بجهت سال آینده حاضر کرده بنزد اهل مشورتخانه خوانند

### فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانس رسید بیست و یکم ربیع الثانی بود در تاریخ پنجم ماه مزبور مشورتخانه انجبا با جلال و اوضاع تمام کشوده شده بود و خود اعظمیت امپراطور در عمارت طویلیرینان مجلس آمده بودند

### دینمارک

اهل مشورتخانه که درین مملکت حبس احکام پادشاه دینمارک از بر شهر و قصبه معین گردیده و در پای تخت جمع شده در چند مجلس بحث و گفتگو در باب امورات دولتی کرده بودند و ایشان بامصلحت و زراعت مخالف بود منظور پادشاه این بود در مرض کردن وکلای رعایای سابق که بلکه وکلای تازه باوزار متفق باشند حال معلوم شده است که وکلای تازه نیز باوزار اتفاق ندارند بلکه در اکثر امور دولتی

وکلای تازه پیش از وکلای سابق باوزار اختلاف دارند و در سایر روزنامههای فرنگستان نوشته اند که بعد از آنکه پادشاه می بیند که وزیر کار و ولایت را نمیتواند پیش ببرند لابد آنها را عوض خواهد کرد

### هندوستان

سمت سرحد پنجاب که مدتی بود از بی نظمی طوایف کوهستان انجانا امن بود درین اوقات امنیت تمام وارد و نظم خوب در میان طوایف مزبور کدهشته اند

سیم چرخ آتشی از کلکتته پای تخت هندوستان تاشه اگره که دولت فرنج مسافت دارد کشیده و تمام کرده بودند بطوریکه خبر از اگره تا کلکتته کبیری آمد و بتاریخ دویم ربیع الاول کشتی که از مصر وارد ممبئی شده بود و خبر از لندن و سایر جاهای فرنگستان آورده بودند

در بیچده ساعت این خبر از ممبئی تا لاهور با چرخ الماسی فرستاده بودند که البته نزدیک بسید فرنج راه آورد و از ده ساعت جواب داده بود و این خبر از

لندن تا آخر هندوستان در بیست و نه روز رسید کشتی مزبور بسبب طوفان دو روز در بحر الاحمر معطل شده بود که اگر معطلی برای کشتی روی نمیداد در بیست و هفت روز خبر از لندن تا آخر هندوستان میرسید

در ممبئی باران بسیار بموقع آمده بود اکثر اوقات در انجانا خشکی میکند و موسم بارندگی در هندوستان آخر بهار و تابستان است اما سال بارندگی زیاد در روستاها شده بود و در حتما که در تابستان شکوفه و برک میگردند در روستاها برک و شکوفه کرده بودند و اهل انجانا نیز شکر دارند

بارندگی بجهت اشجار باغات و سایر محصولات نفع خواهد داشت  
یا طوفان زیاد در سمت جنوب بحر الاحمر شده بود بسیار  
کشتیها شکست و غرق شدند این طوفان در مهبسی تا بم  
کرده و بسیاری از دهنها را شکسته بود

در گرجی سندر و شنایهای غریب پیدا شده بود از  
قسم تبرشهاب دو ساعت پیش از صبح ابتدای  
روشناینها بود و تا وقتیکه آفتاب طلوع کرد پیوسته  
این روشناینها بود

### احوال متفرقه

در رفس امیدتجار و سایر دولتمندان آنجا نتوانستند  
کرده و ببردند داده بودند که بروند در میان ولایت  
و گشت بکنند بلکه معدن طلا در آنجا پیدا نمایند منورند  
طلایی که بکار بخورد در آنجا پیدا کرده اند و لکن پارسل  
معدن مس در آنجا پیدا کرده و براه انداخته اند و چون  
خوب کار میکنند که در مدت سه ماه سه هزار و نهصد  
خزوار مس از آنجا در آورده اند و چون عمل و فصد در آنجا  
کم دارند و مزد فصد زیاد بود بنا داشتند از اهل چین با  
بجهت زراعت و مزد فوری بیاورند

از قترایکه در روزنامه های فنکستان مین و سیند  
و کفگی سخت مابین دولت انگلیس و دولت روسیه و نیای  
شمالی شده است و در چند مطلب یکی در خصوص خبریه کوبه  
که جزو دولت اسپانول است و تفصیل آن کرد در  
روزنامه ها نوشته شده است دیگر در باب ولایتی که  
یکی دنیای جنوبی و شمالی که مملکت آگوه دار می باشد یعنی  
خط استوا را که در زیر خط استوا واقع است این

ولایت در دست چند دولت کوچک است چند وقت پیش این  
در سر بحث جزئی یکی از کشتیهای جنگی یکی دنیای شبلی  
یک قصبه تازه آباد آنجا را که گویون مینا مند تو است  
خراب کرده و در اویم سعی و کوشش می کنند که در آن سمت با  
گرفتن اطلاق با هر نوع که ممکن باشد تسلط آنها بیشتر شود  
دول انگلیس و فرانسه و سایر دول باین معنی را ضعیف  
بجهت اینکه اگر اهل یکی دنیای شمالی در آن سمت تسلط  
بهم برسانند ضرر کثلی بر عایا و تبعه دول خارج خواهد رسید  
حال خبر آمده است که معامله در میان است که جزایر کلبا کو  
از اهل مملکت یرو بگیرند و ب طیان دالار پول آنجا قیمت  
کرده اند سایر دول از این معنی هم رضامندی ندارند  
داخل این جزایر از دو چیز است یکی اینکه آنجا منزه نگاه داشته  
شمار آن است است که آنجا آمده آب شیرین و گوشت  
و نان و سایر ما محتاج بر میدارند خصوصاً کشتیهای باکی  
که می آیند با آنجا بجهت تعمیر کشتیها و برداشتن آذوقه و غیره  
داخل دیگر هم برداشتن زمین مرغابیت که اهل زراعت  
در فرنگستان و در یکی دنیای شمالی بسیار بکار زراعت مید  
و به قیمت گران هم میخرند و معلوم است که جزایر مزبور  
اگر بدست اهل یکی دنیای بیفقد غیر از اهل خودشان نخواهند  
کذاشت که دیگران منتفع ازین تجارت ببرند

هم برسانند ضرر کثلی بر عایا و تبعه دول خارج خواهد رسید  
حال خبر آمده است که معامله در میان است که جزایر کلبا کو  
از اهل مملکت یرو بگیرند و ب طیان دالار پول آنجا قیمت  
کرده اند سایر دول از این معنی هم رضامندی ندارند  
داخل این جزایر از دو چیز است یکی اینکه آنجا منزه نگاه داشته  
شمار آن است است که آنجا آمده آب شیرین و گوشت  
و نان و سایر ما محتاج بر میدارند خصوصاً کشتیهای باکی  
که می آیند با آنجا بجهت تعمیر کشتیها و برداشتن آذوقه و غیره  
داخل دیگر هم برداشتن زمین مرغابیت که اهل زراعت  
در فرنگستان و در یکی دنیای شمالی بسیار بکار زراعت مید  
و به قیمت گران هم میخرند و معلوم است که جزایر مزبور  
اگر بدست اهل یکی دنیای بیفقد غیر از اهل خودشان نخواهند  
کذاشت که دیگران منتفع ازین تجارت ببرند

۱۳۶۰

میان در میان دهن رود خانه است که ازین بزرگ  
می آید و داخل دریا میشود که هر کشتی که بخواد بشهر نیویارک  
برود باید از آنجا عبور بکند مهندس مزبور بنا دارد که این  
کشتی را کلاً از آهن بسازد که هر پارچه او یک چهار یک فرس  
ایران قطر داشته باشد زیرا که امتحان کرده است که این  
قطر آهن تاب کلوله توپ شصت و پنج پوند را می آورد و  
نمیکند چنین سم میسازند که از آب زیاده بند نباشد  
سراسیم میسازند هنوز نام تمام است و لکن اسباب  
تمام خواهند کرد و آنها که دیده اند میگویند که مهندس  
بسیار تدبیر غریب و فکر خوبی کرده است

چند سال پیش ازین شخصی در عوض بار و طنبه احتراع  
کرده بود که مانند بار و طش می گرفت و زورش از بار و  
بیش بود آنوقت چنان میگردند که این طنبه جای بار و  
خواهد گرفت و لکن نشد و توشش زیاد داشت یک سبب  
اعتیاض این بود که وقتیکه پر گرم میشد خود بخود آتش می گرفت  
سبب دیگر هم این بود که اگر ضرب از چکش و غیره می خورد  
نیز آتش می گرفت و چون که زود تر از بار و طش می گرفت بعضی  
اوقات توپ و تفنگ از آتش گرفتن او می ترکید باز نیم  
تو پنجاه مملکت استریه بکار می برند و گفتگونی درین خصوص  
در ولایت انجلس هم شده است که آباد در عوض بار و  
بمصرف می توان بردیانه

در روزنامه مونچ نوشته اند که پادشاه سابق بواریه  
سکه کرده و افتاده بود و لکن معالجه کرده بودند در سوئیس  
بود و این پادشاه پدر پادشاه این ایام است که در ایام  
انتقالش هفت سال پیش ازین که خلق از او باغی شدند

استغفا کرده و از آنوقت خائنین بود  
در کاغذی که از اسکندریه مصر نوشته اند بسیار مدح  
توصیف از حکومت حسن سلوک سجد پاشا حکمران مملکت  
نوشته اند که کاپا کاران مملکت را بطوری راه برود که در  
اندک مدت ترقی کلی خواهد کرد و فوراً حاصل مصر در برابر  
مشهور کل روی زمین است و حالانیز اگر درست مرا  
و محافظت بکنند حاصلش ترقی کلی خواهد کرد و عیناً  
حکمران سابق آنجا بسیار خراج بود و اساس زیاد پیدا  
و در بعضی چیزها خرجهای بمصرف میکرد اما سعید پاشا  
از طریقه معلوم میشود انقدر در قبه اساس خست کوشش  
و سعی زیاد میکند که کار مملکت خویش برود و از قرار  
اهل دول خارج که در آنجا هستند و اهل خود آنجا چنان معلوم  
میشود که کوشش او خوب است

شمال بافان مملکت نکلیر بسیار کاد است در شهر  
پیرلی ولایت اسکاتلند که دستگاه زیاده از شمال باقی دارند  
یک ششال بافان بکار بودند و در شهر دیگر نیز ترقی یافت  
مستعد نفر بیگانه بودند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که درین روزها که  
قرب و کل روی زمین زیاد ترقی دارد حیف است که در  
هندوستان جمع نمی کنند در سایر ولایات میکارند و  
یا رخت زیاد بپوش می آورند و لکن در هندوستان خود  
پوش می آید خصوصاً از یک پادشاه جهان آباد و سمت شمال  
هندوستان

در روزنامه یکی دیانی شمالی نوشته اند که بعد از آنکه  
کلیس که سابقاً جزو ولایت کتیکو بود از آن ولایت موصوع

۱۳۶۱

و داخل ممالک دولت جمهوری یونانی دنیای شمالی شده است  
 چونکه اهل دولت یونانی دنیای شمالی آنجا خوب مراقب بود  
 و محافظت کرده اند زیاد ترقی نموده و در هر جای او زراعت  
 کرده و شکر و پنجه و سایر محصولات آن اطراف را کاشته  
 و بعضی آورده اند درین روزها معدن ذغال سنگی فراوان  
 در آنجا پیدا کرده اند و ذغالش را در می آورند و بکار  
 اینهم یکی از سببهای ترقی او لایق خواهد بود  
 ایضا در همین روزها نوشته اند که در کنار دریای  
 در فصل پائیز گذشته امواج ماهیهای زیاد که مرده بودند  
 بکنار آکنده بود مردم دو سبب درین باب بگمان  
 میکردند یکی اینکه ناخوشی در میان ماهیها افتاده باشد  
 و یکی اینکه بسبب آتش زیر آب باشد که بعضی اوقات  
 اتفاق می افتد خصوصا در آن ستهای که آب گرم میشود  
 بسبب آتش و ماهیها را می کشد  
 در وینت پای تخت دولت استریه مدتی است که بعضی  
 از چاکران دیوان از هر یک از ممالک متجمع شده  
 و در مشورت می نشینند که فراری بکنند که کل طلای  
 شکوگ ممالک متجمع یک طرح باشد حال چندین دول  
 شده همه پولهای جداگانه باقیات مختلف دارند و با  
 اسطی و اذیت خلق در داد و ستد و اقتصاد معاش  
 کرده است اگر این قرار بگیرد که پول طلای کل ممالک  
 همه یک وزن و یک سکه باشد بعد از آن بنا  
 که پول نقره و مس را نیز یکطور نمایند  
 از روی پای تخت مملکت ایتالیا نوشته اند که باز در  
 که یکی از شهرهای آنوقت میباشد جزئی ناخوشی و با بود

۱۳۶۲

و امور آنولایت بسیار مغشوش بود در کوهستان آنجا  
 در زمان چنان فراوان بودند که مردمی که سفر میکردند  
 بایست با دسته و جمعی بروند و الا در زمان آنها را  
 برهنه میکردند  
 بعضی از کشتیهای انگلیس درین روزها بملکت بیان  
 رفته اند اول اهل آنجا مانع نشده بودند چونکه در آنولایت  
 نیز مانند ولایت چین اهل و دل خارجه را نمیکند از داخل  
 بشوند بعد از آن داده بودند که بلسکرگاه میان شهر بروند  
 اینها پنجه شهرهای آنجا که در کنار دریا واقع اند رفته اند  
 و در هر جایی که رفتند اساس و تجمل و نظم تمام دیده اند  
 و در یک شهر سنگره و توپهای زیاد در کنار دریا دیدند  
 اکثر توپها که در آنجا دیده بودند شصت و چهار پوند وزن  
 کلوله آنها بوده است در میان اهل آنجا بعضی زبان  
 میدانند و همیشه این است که اهل آنجا با تجارت آمد  
 تجارت دارند شخصی که این کاغذ را نوشته است جمیع آنجا  
 تخمینا چهل طایف که مشتاد کرده باشد میداند طعام خود  
 خوب و فراوان است و لکن گوشت در آنولایت کم یاب بود  
 چونکه اکثر خوراکی اهل آنجا ماهی و شکر و برنج و نباتات و  
 سبزیالات است و نباتات آنجا بخوبی مشهور است  
 سه کرده کشتی که با آنجا رفته است منظور دارد که عهدنامه  
 با اهل آنجا بنماید و از مضمون این کاغذ معلوم بود که امید  
 کلی داشتند که عهدنامه نیز فرار میکرد

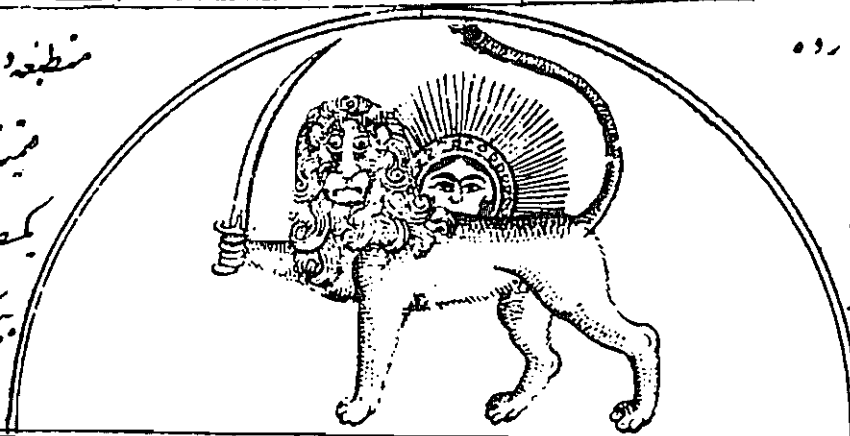
# روزنامه وقایع انامیه تاریخ پویم شنبه نوزدهم ماه جمادی الثانی مطابق سال ۱۳۶۳

نمره بیت و چهارده

قیمت روزنامه

یک ششم ده بریکال

و تان و چهار هزار



منطقه دارا خلاق طهران

میت اعلانات

بکسر الاجار سطر کیهان

بیشتر سطر پرنس

## اخبار و احداثیه مالک محروسه پادشاهی

### دارا خلاق طهران

در روز چهارشنبه گذشته سرکار اعلیحضرت شاهی

بنابر تئوین معین و شاکردان مدرس دارالفنون

تشریف فرمای مدرس مزبور گردیدند و بکار آنها

رسیدگی فرمودند و توجه خاطر بایون در کار آنها نمودند

از دیاد سعی و استقامت هر یک در تحصیل فنون متعلقه

سجود گردید

و هم چنین بنا بر خوبی و صفای باغ لاله زار که در

اوقات کمال خرمی را دارد در روز شنبه گذشته

طرف عصر سرکار اقدس بایون شاهی تشریف

فرمای باغ مزبور گردیدند تا نزدیک غروب آفتاب

بتفریح آنجا مشغول بودند و حوالی غروب بارک مبارک

سلطانی و مصلحت عظمی معاودت نمودند

درین اوقات که نزدیک بعید سلطانی سرکار

اعلیحضرت اقدس بایون شاهی عنایت فرمودند

که بفرمای معمولی هر سال بقصر تاجار تشریف فرما گردیدند

روزی در آنجا توقف فرمایند تا عمارت دیوانخانه

و باغ ارک مبارک که سلطانی سجدتیه آرایش ویرین

داده شود و در روز یکشنبه گذشته پیشانیه بایون

بقصر تاجار فرستند و موکب بایون در روز چهارشنبه

تشریف فرمای آنجا میشوند

در شب دوشنبه گذشته باز بارندگی خوب در

طهران و اطراف شده و در کوه شمیران نیز برف آمد

این معنی زیاده باعث امیدواری زراعت کاران و حباب

اطلاک و عموم مالی دارا خلاق گردید و چند روز است

که در هوای اجمعه برودت بهم رسیده است بطوریکه آبها

کمی یخ در شبهای بند دو لکن یقیناً که در پنج الی

یخ گرفته شود و امید است که بعد ازین هم باقی

فصل و موسم باز بارندگی شده رفع تشویش خلق از

گرانی غله بکلی بشود

فوج اول جدید مهندس کزاز می که در کباب بایون

انجام زیاده در مشق دارند و همه روز مشغول شش میباشند

۱۳۶۳

و صاحب منصبان آنها مخایب اہتمام و در مشق آنها  
 دارند و با کمال نظم حرکت مینمایند و درین ہفتہ  
 کہ روزنامہ آنها بنزد مباشرین روزنامہ کثرت  
 رسیدہ بمقصد نفریمہ روزہ مشغول مشقند سوای یک نفر  
 آنها کہ ناموہرستان است و در مشق خود ہفتہ ہفتہ  
 خوب بہ سہر ساندہ اند

سایر افواج قاہرہ نظام متوقف دارالخلافہ مبارکہ  
 نیز ہمہ روزہ سوارہ نظام و سرباز در میدان خراج  
 دروازہ دولت و توپچی در میدان ارک با کمال ارکی  
 و انتظام مشغول مشق میباشند و معلمین و صاحبان  
 نہایت مراقبت و اہتمام در مشق و حرکات آنها دارند  
 و همچنین شاگردان مدرسہ دارالفنون نیز ہر یک  
 تحصیل علوم و فنون متعلق بنحوہ ساعی و معلمین آنها نہایت  
 اہتمام در تحصیل آنها معمول میدارند

نظر با تہنات نواب مستطاب شایبہ زادہ والا تبار ام  
 حکمران عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری در  
 انتظام امور ولایات ابو اجمعی خود و انجام خدمات دولتی  
 و وصول و ایصال لایات و حصول امنیت و قطع و قطع  
 اشرا و وقطاع الطریق آن صفحات و نظور کفایت و کار  
 نواب معزی الیہ در انجام خدمات عمدہ کہ از جملہ بستان  
 حوزہ است درین اوقات خدمات امقبول دستخیز  
 ملوکانہ افتادہ بچہ الہار و فورہ جسم خدیوانہ درین اوقات  
 یک قبضہ شمشیر مرصع از جانب سنی الجوانب اقدس عالیہ  
 شامشای بنواب معزی الیہ مرحمت و فرمان مرلحان

مبارک بافتخار ایشان عن اصدار یافته از دربار ہایون  
 انقاد کردید

چون مرحوم حاجی ملا اسد اللہ مجتہد بروجردی کہ از اہل  
 علمای اعلام و فقہای عظام بود درین اوقات داعی  
 حق را البیک اجابت کفہہ بجا رحمت ایزدی پیوستہ  
 بود بچہ تفتہ احوال بازماندگان او از جانب سنی الجوانب  
 اقدس ہایون شامشای دو ثوب عبا بچہ عالیجنابان  
 آقا میرزا داود و آقا میرزا فخر الدین پسران مرحوم  
 مزبور رحمت و ارسال شد

و همچنین درین اوقات عموی جناب آقا میرزا محمود  
 مجتہد بروجرد بدار بقا ارتحال نمودہ بود مراتب بعض  
 امنای دولت علیہ رسیدہ از جانب سنی الجوانب  
 حضرت اقدس ہایون شامشای یک ثوب عبا مخصوصی  
 خوب برای جناب آقا میرزا محمود رحمت و ارسال شد

**سایر ولایات**

بروجرد و از فترت یکہ در روزنامہ  
 این ولایت نوشتہ اند در او اواخر چلہ بزرگ  
 و اول چلہ کوچک ہر سالہ ہوای آسجاریا ہوسد  
 شمش و بیخ نیچالہ سارامی انداختند اما سال او اخر  
 قوس و او اہل حبیبی قدری ہوا سرد شدہ  
 و چند روزی بیخ بستہ شد بعد از آن ہوا  
 برتب کہ بیخ بستہ شود سرد شد و بیخ لہای  
 بروجرد بعضی ٹٹ و بعضی نصف سالہای  
 دیگر بیخ انداختہ شدہ است

۱۳۶۴

دیگر نوشته اند که از اول قوس تا او اسطجد  
 برف و باران کم کم در بر وجه دو آن صفحات  
 می آمد اما در روز هفتم و بیستم جمادی الاول  
 بر تبه برف و باران در آنجا آمد که با غلبه عارت  
 شد بسبب کثرت بارندگی حسرابی رسید و به  
 بسیاری از دانات نیز ازین برف و باران  
 حسرابی رسید و در سیلاقات بشه فی بارندگی  
 شده و برف آمده بود که راه عبور و مرداران  
 بروجر و بختجرام آباد و جاپلق و بختیاری مسدود  
 شده بود بطوریکه از خسته م آباد به بروجر و که  
 سه روز راه است قافله در دو روزه روزی  
 بصعوبت تمام آمده بودند

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین همت  
 گندم در بروجر و بالا رفت و حسرابی تو  
 رسیده بود آنهم در شهر کم بدست می آمد و کالک  
 دیوانی از خارج فرستاده شهری آوردند درین  
 اوقات تنزل کرده و بطوری شده است که خرو  
 دو تومان حسرابیدار ندارد و لکن جو دو سال است  
 که از اصل بعن نیامده و بسیار کم یاب است  
 دیگر از فتره ای که در ضمن روزنامه بروجر نوشته بود  
 محمد نام بختیاری که در دار الخلافه طران نوکر عالیجا  
 نصر الدخان سردار باشی بود یک روس  
 مشارالیه را با اسباب برداشته نسبت بروجر  
 فرستاده بود و مقرب الخاقان فضان آقای میرچ  
 تو پنجاه مبارکه که مرتب را بنواب جلال الدین میرزا

نایب الحکومه بروجر نوشته و آدمی روانه کرده  
 بود توابع معنی الیه نیز بعد از استحضار و رستاده  
 محمد نام را گرفت بلاشب و باب مزبور روانه طران نمود

فوج گزازی که مامور خدمت عربستان بودند در اوایل  
 ماه جمادی الاول چون برف در سر راه سیرنج و شب  
 زیاد بود دسته بدسته و در بروجر دشته بود  
 و مقرب الخاقان علی بنقی خان سر قیپ در سیرنج  
 کرده بنه را از طایر وارد بروجر و ساخته بود و بنه را  
 ترتیب روانه بروجر و ساخته و خود در عشره او  
 ماه وارد بروجر و کرده بود نواب جلال الدین  
 جمعی را با استقبال فرستاده آنها را با نظام تمام  
 داخل شهر کرده اند و برای بعضی مدارکات لازمه اجناس  
 جمادی الثانی در آنجا توقف داشته اند و بسیار با  
 وسلوک در آنجا رفتار نموده اند که الهی آنجا از سلوک  
 آنجا کمال رضامندی داشته اند

دیگر نوشته بودند که حبیب الدخان پسر زاده کلانتر کرمان  
 از نواب عماد الدوله حکمران کرمان شامان روگردان  
 شده بود و در لیبای دولت علی بنوایستاد  
 شاهزاده و الاستبار احتشام الدوله حکم کرده بودند  
 که او را بکجه و نواب معنی الیه نیز بمجسول  
 اکاهی از حکم اولیای دولت علی نواب المیرزا  
 از لرستان فرستاده و مشارالیه را گرفت  
 مصحوب حسین خان پسر عبدالعلی خان حسنوند  
 بدار الخلافه طران روانه نموده اند

۱۳۶۵



### عربستان

از امورات غریبه که در ضمن روزنامه عربستان نوشته شد  
 مخیلات مطالع العرب امسال دو مرتبه شمر داده اند اگر چه  
 آثار ثانی حسد مثل اول بان بختگی و حلاوت نبوده است  
 ولی باز زیاد بمصرف فتنه است و درین سال که گفته  
 وجود رانولایت تعبیر داشته و کم یاب بوده است  
 آثار ثانی مخیلات بسیار بکار خورده و افاقه بجال آید  
 آنجا کرده است

دیگر نوشته اند که اکثری از تجار محبم که حال چهارم  
 سال است از بند را بوشه آمده و در محضره توطن نموده اند  
 بجهت وفور داد و ستد صاحب بضاعت و استطاعت  
 شده بسیاری از آنها امسال زیارت بیت الاحرام  
 رفته اند و از محضره تاجده از روی آب بیت روز  
 رفته بودند زیارت بیت الاحرام را نموده و درین  
 مقصی المرام مراجعت کرده اند

دیگر نوشته اند که در ماه ربیع الثانی در سمت اهواز  
 و حقیب و اطراف محضره از تفضلات خداوندی بارید  
 زیاد شده و زیاده باعث امیدواری و خورسندی  
 و امانی آنجا گردیده و در جمیع جاهانی که محل زراعت  
 بود رعایا مشغول بذراشتی بودند ولی بعلت کم بودن  
 بذر بطوریکه بایست زراعت زیاد بکنند کرده اند  
 معذورشان بوده است تخم کرده و تخم کاشته اند  
 اما در تعبیر جنس فوز تقادتی نکرده بوده است

دیگر نوشته اند که در اواخر شهر ربیع الثانی عالیجا  
 شیخ فارس خان و میرزا ابوالفضل مابین حقیب و

را مهر نوشتند و مشغول وصول و ایصال مالیات  
 و رساندن سیورسات نوکر و سرپرستی رعایا  
 و نهایت اتهام در انجام خدمات دیوانی دارند  
 دیگر نوشته اند که در اواخر ماه ربیع الثانی  
 سه چهار شب زلزله بستم بود و این حمله در نظر  
 اعراب آنجا بسیار غریب می آمده و زیاده تعجب  
 داشته اند و پیران منعم آنجا میگفتند که درین  
 سنواه بنحاطرنداریم که درین ولایت شیخ بسته شود  
 و برف بسیار دگر بار سال

### اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه ان که در کارخانه حاج  
 عبدالمجید باسمه چی در محل نزدیک دروازه دوازده  
 الطباع شده از این قرار فروخته میشود

- وسایل بافبرست یکجلد ده تومان
- حمت نظامی بیت و پنجرار
- سیریر دو تومان
- زنده المعارف دو تومان
- معراج العاده یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم
- حدیقه اشیه هشتمین
- شرح کبیر دو جلدشش تومان
- شرح لمعه یکجلد سه تومان
- تقریح پانزده هزار

۱۳۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم ماه جماد الثانی سنه ۱۲۷۱

نزدت دپانزده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شایر کمال  
و حقان چهاربر



منظف و اصلاح طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره ایچهار کله  
بیشتر با هر چیز

اخبار واحداثیه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در روزنامه گذشته  
نوشته شد در روز پنجشنبه نوزدهم جمادی الثانی  
تشریف فرمای قصر قاجار گردیدند و چند روز  
در آنجا توقف و تفریح فرمودند و جناب جلالت  
اشرف امجد مخمس صدر اعظم و بعضی از خواص خدمت  
مقرم رکاب تایون بوده در پنجشنبه و یکشنبه  
در روز یکشنبه گذشته بر حسب حکم اعلیحضرت  
تایون شاهنشاهی افواج قاهره نظام تبریز مشق  
جنگ بقاعده نظام مامور و توپچیان چند عاده توپ  
بیرون برده در زیر قصر قاجار سواره نظام و افواج  
قاهره حاضر رکاب مشغول حرکت جنگ مغلوبه و توپچیان  
مشغول شلیک توپ گردیدند حرکات و چابکی آنها  
و مستحسن خاطر ملوکانه افتاد مورد تحسین گردیدند و در  
تاوقت دولت تیره سر و شصت نفر اسیر و  
عاده توپ و یک عاده چهاره که قشون کرمانی مامور بند  
عباس با مقرب الخاقان عبدالدهخان میرنجه در قیام

بند عباس گرفته بودند آورده بعد از مشق نظام افواج  
از حضور مبارک گذشت  
درین اوقات هوای دارالخلافه طهران در نهایت خوبی  
اعتدال است اگرچه رستان بخلاف سالهای دیگر  
گذشت و مردم توشیش داشتند و لکن چندیت که باران  
نافع بیارد و بهفت نیت که یکروز یا دو روز بارندگی  
و امید است که همین قرار تا وقتی که باران مطلوب است  
بارندگی بشود  
عمارات و آبادی دارالخلافه طهران و ارک مبارک سلطنتی  
درین اوقات بسیار زیاد شده و بسج نسبتی سابق بزرگ  
و هر کس چند سال قبل دارالخلافه را دیده بود و این اوقات  
می بیند میدانند که چقدر بر شکوه او افزوده شده است  
از جمله آبادی بیرون دروازه محمدیه که خانههای بسیار  
شده و روز بروز در تراید است و هم چنین بازار جدید  
مانده است که از دروازه محمدیه تا میدان جدید جلوتخته  
بهم متصل بشود و میدان جدید هم بعضی ناتمامی که داشت  
درین روزها قریب با تمام است و همچنین در عمارت باغ سلطنتی

۱۳۶۷

سمت مالارالماس درین روز صاحب الامرهایون دریاچه بزرگی  
 میسازند و بنا و عمارت بنا و کارند و عنقریب سمت اتمام خواهد یافت و  
 همچنین امنای دولت علیه حسب الامرهایون معز و امین شده که بروج  
 ارک و شهرها خرابی داشته باشد پاکبینه تعمیر شود  
 چون خاطر مبارک سرکار علیحضرت قدر قدرت شایستهی خلد است  
 ملکه و سلطانه برانظام امور عساکر فیر و زنی تاثر زیاد تعلق دارد محض  
 ملاحظه ایمنی بر حسب تالیفات مآب اجل اشرف العجم اکرم  
 صدی عظم در مجده العالی ایروز نام دستخط هایون با فتح جناب علی  
 برای استعجال امیر الامر العظام سردار کل عساکر منصوره شرف صد  
 یافته بود جناب معظم الیه فرستادند دستخط مبارک را در حضور جمیع  
 سران و سرکردگان عساکر منصوره که در کرب مبارک حاضر بودند در نظام  
 نظام خوانند و بلاخط اینکه سرکردگان مأمور سرحدات ممالک محروسه  
 از بدلول حکم قضا شمول هایون بحضور حاصل نمایند شرح دستخط مبارک  
 در روزنامه اجناسی یافت و ان ازین قرار است  
 جناب صد عظیم الزم و اعظم امولک و دولت نظم قشون است  
 و قشون ایران بطور لخواه و کمون خاطر ما نظم کامل ندارد و این بی نظمی کل  
 عدم تسلط بر قشون و در حقیقت تسلط بر قشون با شامت اگر چه با آن عشی  
 شما در ان نظام امولک مملکت دارید هرگز اضی بی نظمی بر قشون و بی نظمی  
 لشکر نخواهد از آنچه پدید شما برای تسلط سردار کل این فقرات شد را قرار  
 که در کار خود تسلط تمام داشته باشد و بعد ازین هم مراقب باشید که ازین حالت  
 استقلال نیستد و کس تخلف کند فوراً مورد مواخذه شود و پاداش داده  
 اولاً موجب قشون را کلاً از نظام غیر نظام و توپخانه و سواره و پیاده  
 کند و بدقت برساند که سر کرده و صاحب منصب این زبان عیب و بی  
 و کس از سر کرده کار بفرماید ز مال او کور خورده است حکماً قصه کند و موجب

۱۳۶۸

گرفته برساند والا اگر معلوم شود در موجب نوکر کسی افراط و تفریط کرده  
 و سردار از او مواخذه و توبیه نموده است خود سردار مورد مواخذه  
 و عتاب خواهد شد تا بنا از دولت و حقیقت مواجیح که بصاحب منصبان  
 و سرکردگان قشون عموماً داده میشود از اول تا بحال محض تفضل و  
 رحمت ملوکانه بوده بامید اینکه در وقت خدمت بکار آیند این حرمت  
 در حق آنها فرموده و میفرمایم لکن اینها چنان معلوم میشود که خود بشخصه  
 قابل مستحق این حرمت میدانند و در محکام ماموریت جزئی تو قعاتی  
 بیجا می کنند اغلب سرزنان بر تبه سیرسی و تیر سپان بر تبه میر خجکی و  
 بیجان بر تبه امیر تومانی و سرداری حرکت می کنند و در مشق نظام  
 و در سبک کوه تاهای و غفلت دارند و بیچ سعی و تلاش در کار  
 نمی کنند موجب همین دستخط باید سردار کل این فقره را بکل صاحب  
 و سرکردگان حالی کند که بعد ازین مادم خدمتی از صاحب منصبان  
 ظاهر نشود و در جنگ و محاربه با خصم جلالت و رشادت از آنها بطور زرسیده باشد  
 ابد از یادتی موجب منصب و نشان و حمایل با جدی داده نخواهد  
 و البته شایم ازین نذارید بدینا مگر مثل صادم الدوله که در تخریب و فتح بندر  
 عباسی خود بر جمیع آحاد و افراد قشون سبقت حسبه ثبات و جلالت نمود  
 با نیطور اگر از کسی خدمت ظاهر شود مورد عطف خواهد شد و الا بجهت  
 دیگر ریادی منصب و موجب در حق احدی حرمت نخواهد شد تا لاشا در  
 بروات موجب و سورات و احکام نظام قشون کلاً باید بصحبه و مهر سردار  
 بگذرد و اگر سردار معلوم کند که از صاحب منصبان یا محررین و مشرفین  
 کسی برات غلط گذرانده است خود توبیه نماید و از لشکر نویان اگر کسی  
 چنین عملی را مرتکب شود برات غلط ندارد کند شما گوید و در حضور عرض  
 کند تا در مقام مواخذه و توبیه در آوریم البته بیاید سردار کل از  
 در کار خود تسلط تمام داشته باشد و امور قشون را در دست  
 و منصبوط نماید تجزی فی شهادت الشانی ما برین است  
 ۱۳۱۱

چون رای جهان آرای سرکار علیحضرت قدر قدرت شافقا  
 صان اندام شاکسته عن الثمائی تعلق یافت که برای آثار خیر  
 کسب در وضعه منوره و بقعه منتهبه که حضرت عبد العظیم تعمیر نمود  
 طلا کنند و انجام این خدمت را بعد مقرب انخاقان حاجب الدوله  
 محول نمودند تا این اوقات که سمت اتمام یافته باشکوه  
 و رونق تمام انجام یافت از جانب سنی احوال و اولیاد و  
 علییه چند نفر بآز دید این کار مامور گردید و بدقت باز دید  
 کردند معلوم شد که مقرب انخاقان مشارالیه کمال امانت و  
 خود را ظاهر ساخته بدستی و خوبی از عهده خدمت محوله برآمده  
 بی حیف و میل خدمت محوله را انجام داده است  
 درین اوقات حسب الامر اقدس هاجون عالیجاه مرتضی قلیخان  
 عرب منصب سرکنی فوج عرب بسطام سرافراز و بکتوب  
 جنبه کرمانی خوب نیز از جانب سنی احوال طوکانه بشارت  
 خلعت رحمت گردید  
 چون حسب الامر اقدس هاجون علیحضرت پادشاهی عالیجاه  
 میرزا عبد الغفار سمرجیم مقرب انخاقان موسیو کلکو که حکیم باشی  
 کتابی از زبان فرانسه بفارسی ترجمه کرده بود در نظر کمی  
 اثر هاجون موقع قبول و استحسان یافته مطبوع خاطر طوکانه  
 افتاد لهذا یک طاقه شال کشمیری بشارالیه خلعت رحمت  
 گردید  
 در بهفت گذشته دو نفر در دار امخلافه مرتکب سرقت  
 شده بودند آنها را گرفتند نیزه نواب مستطاب شاهرخ  
 و الاتبارار و شیر میرزا حکمران دار امخلافه طهران و  
 توابع آوردند نواب معزی الیه حکم بسیار است آنها نمود  
 بسیار شرعی رسیدند

**سایر ولایات**  
**استرآباد** از قراریکه در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند خلعتی که از جانب سنی احوال هاجون  
 بافتخار عالیجاه مقرب انخاقان محمد و لیجان بیکر سنی  
 مرحمت و ارسال شده بود در ماه گذشته با آنجا بر تو  
 انکند. مقرب انخاقان مشارالیه لازمه توفیر و حرام  
 در استقبال خلعت هاجون بعین آورده و جمیع سرکار  
 و خوانین حاضر شده و صرف شربت و شیرینی نمودند  
 از قراریکه نوشته بودند درین اوقات یارندگی  
 زیاد در استرآباد و اطراف آنجا شده بوده است  
 و با مالی آنجا زیاده از بابت محصول ذراعات امیدوار  
 حاصل گردیده است  
 دیگر نوشته اند که امورات نوکر استرآباد از سواره  
 و پیاده کمال انتظام و انضباط را دارد و عالیجاه  
 شکر نویس مشغول دیدن سان و رساندن موجب  
 آنها میباشد  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد و لیجان بیکر سنی  
 عالیجاه نصیر خان را با پنجاه نفر غلام میان طایفه خجری  
 فرستاده بود که حق الحکومه او را دریافت نماید مشارالیه هم  
 و چند نفر از ریش سفیدان طایفه نر بور را نیز بیکر سنی آوردند  
 که قرار مالیات و حق الحکومه را بدین  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات یک کمی در دریا در سمت باختر  
 طوفانی شده و عرق گردید بقدری نفراز اهل کی نر بور عرق شده  
 و بقیه سلامت ساحل رسیده اند

باز نویسی

### مازندران

از قسار که در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب احمد میرزا بکر دیش بلوکات رفته بوده است درین روز با بشهر ساری مراجعت کرده است و امالی آنجا کمال رضامندی از حسن سلوک نواب معزی ایبه و عالیجا میرزا اسدالله وزیر دارند

دیگر از قراریکه تعیر جنس مازندران را نوشته اند درین اوقات ازین قرار است

ببج	پنج من	یکهزار دینار
روغن	یک من	دو ریال
گوشت	یک من	چهار عبا
نان	یک من	پنج شاهی
جو	یک من	صد دینار
مرغ	چهار قطعه	هزار دینار
شالی	چهل من	سه هزار و ده شاهی
قند	یک من	چهار دینار
بنات	یک من	هشت هزار
ماهی	یک زوج	ده شاهی

### خراسان

از قسار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در دوم جمادی الثانی یک سوار از جانب سردار علیخان سیستانی وارد شده عریضه خدمت نواب مستطاب شاهزاده امجد و الا تبار فرمانفرمای مملکت خراسان آورده بود که قافله از قافین بارض اقدس می آمده اند بلوچ رود باری بر آنها ریخته آنها را فارت و اسیر کرده بودند سردار را

مجرد استحضار الیغنا کرده و به بلوچها رسیده جنگ در پیوسته چند نفر از بلوچها مقتول و مابقی اسرا و اموال را ریخته فرار کرده بودند و مشارالیه اموال و قافله را بقافین رسانده تسلیم امیر قافین نموده و قبض رسیدگی گرفته بود و قبوض قافله را سردار علیخان سیستانی بجز و بدر بارما یون نزد اولیای دولت علیه فرستاد

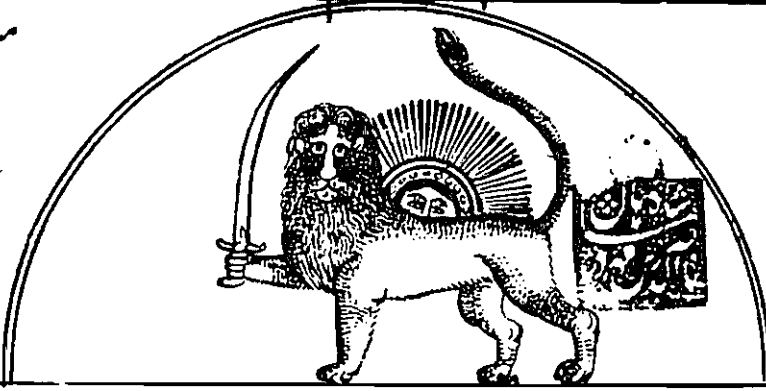
دیگر نوشته بودند که خان خبوق از وقتی که وارد مرود شده است تا حال حرکتی نکرده است اگر چه در میان مردم شهرت داشته است که خیال تاخت و تاصحاح خراسان را دارد و نواب سردار فرمانفرمای عالیجا محمد حسینی سر تیپ افواج فرمان را باد و فوج فرمان و یکفوج که در پانصد سوار و دو عراده توپ به ابق در بند فرستاده و خود نواب معزی الیه سم تدارک میدیده اند که با افواج قاهره و سواره و استعداد بان ستمها حرکت نمایند و از قسار یک نوشته بودند در مقدمه اسم این ماه حرکت کرده اند

دیگر نوشته اند که بجه اند در ولایت خراسان و فسر او انی است در هر چیز کمال و فور دارد و امور آن ولایت از مراقبت و اتمام نواب مستطاب شاهزاده امجد و الا تبار فرمانفرما و مقرب الخاقان وزیر نظام قرین استقام است

۱۳۷۰

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه ماه حبه المطا بون سال توشقان ۱۳۷۱

نزهت وین و شازده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شاکیر  
و تان و چهار هزار



منطبه دار اختلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره الاجاره مطر یکله از  
بیشتر با هر مطر پنج

## اجبار و احضار مالک محروپه پادشاهی

### دار اختلاف طهران

در روز چهارشنبه دویم این ماه یک ساعت و چهار دقیقه از طلوع آفتاب گذشته تحویل آفتاب از حوت بجل کردید عید نوروز سلطانی و ابتدای سال خیریت مال توشقان شد. سرکار اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی در کلاه عمارت باغ که علما و خواص برای مجلس تحویل حاضر شده بقاعده مستمره باسلام دادند جناب جلالت مآب امجد اکرم صدر اعظم انجمن و سایر امنای دولت علیت معزبان حضرت کردون لبط سنیه و صاحب منصبان و خاین عظام هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب حضور مهر ظهور خستروانی گردیده از دست مبارک شاهی عیدی دریافت نمودند و سلام تحویل منقضی شد. مقرر گردید که فردای آن روز در دیوانخانه بزرگ باسلام عام بنام علی بذا در روز پنجمه که روز دویم عید نوروز بود بفرمودی و خرمی تحت مرمر دیوانخانه بزرگ را بوجوه و فایض اسجود بخش کرده انعقاد سلام عام فرمودند و بقدر کنجایش مبارک از چاکران در بارهای بون و اهل نظام عنسیره ستر

صف کشیده بزیارت وجود های بون مباهی شدند و در میدان ارک بقاعده که معمول این دولت قوی مکت علیت اجرای شلیک توپ و زنجورک شده بعد از آن عالیجاه خطیب باشی خطبه بنام سرکار اقدس های بون شاهی خوانده و عالیجاه شمس الشعرا نیز قصیده غرادر پیشگاه حضور مبارک عرض نمودند مستحسن خاطر ملوکانه اقبال پس از انعقاد سلام دیوانخانه بزرگ اعلیحضرت پادشاهی بهمارت سردرب دیوانخانه که مشرف بمیدان ارک است تشریف فرمایید عموم اهل دار اختلاف مردوزن از صغیر و کبیر و برنا و پیر که بجهت زیارت وجود مبارک شاهی جمعیت و از دعای تمام در فضایی میدان و سرتاسر باهم و حجرات میدان نموده بودند بزیارت وجود های بون شرفیاب شدند و اسباب طرب بلوازم اساس حشمت و سرور پر و اخته از انعامات ملوکانه بهره یاب گردیدند

۱۳۷۱

مقرب الخاقان میرزا محمد صادق قائم مقام که استند عاگرد بوده  
برای عید فیروزی شرف اندوز خاکپای های مایون شود  
یک روز قبل انجمن حاضر شده در روز عید شرفیاب  
خاکپای های مایون کشته منتهای رحمت ملوکانه در حق او  
مبذول افتد و زیاده از حد از نظم و ضبط امور و خد  
او در مجلس تجویس سرکار اقدس مایون شامشاهی  
و تعریف فرمودند

چون عالیجا محمد اسمعیل خان چا پارچی باشی در انجام خدمات  
دیوانی و انتظام امر چا پارخانه سی و اہتمام خود در محوط  
و مشورہ خاطر امنای دولت علیت شسته بود لہذا دین  
اوقات خدمات اذ مقبول و سخن خاطر ملوکانه افتاد  
از جانب سنی ابجوانب مایون بجهت مزید استقلال و دلگرمی  
او در خدمات محموله بخود یکطاوشال کشمیری با و خلعت گرفت

### سایر ولایات

مازندران از جمیع اخباری که در ضمن روزنامہ  
مازندران نوشته بودند این بود کہ در ماہ گذشتہ بایکی  
زیاد شدہ باران شدید آمدہ است و تا مسدود  
علی الاصل باران آن باد سختی وزیدن گرفتہ کہ دریا طوفان  
شدہ است از تہ اریکہ نوشتہ بودند بیت و شرف  
کی تجارتی کہ بعضی مال التجار بجهت دولت علیتہ و برخی  
مال تجرہ دولت بیہ و وسببہ بودہ است شکستہ اگر کسی  
طوفان دریا چنان مفعول الاثر ساختہ است کہ تا بسجال  
اثری از آنها ظاہر نشدہ است و برخی دیگر کہ بایک  
از قبیل امن وس داشتہ اند در دریا سرنگون و غرق شدہ

از تہ اریکہ نوشتہ بودند نواب شاہزادہ احمد میرزا  
حکم ان مازندران و مقرب الخاقان میرزا اسد اللہ  
وزیر در انتظام و الضبط امور و لایت و تمہید  
اسباب اسودکی رعیت کمال اہتمام دارند و همچنین  
در دواج کارخانہ شکر و تمہید و جمع آوری اسباب  
لا رجحان منستہای مراقبت و اہتمام بعمل می آورند  
محصل تعیین کردہ اند کہ از جمیع بلوکات آنچه فی شکر  
بعض می آید عمل بکارخانہ شکر وقتہ ربزری کردہ قیمت

آزاد یافت نمایند

### استرآباد

از تہ اریکہ در روزنامہ استرآباد نوشتہ بودند  
محمد دلی خان بیکر سبکی در انتظام و امنیت آن حدود  
کمال اہتمام را معمول میدارد از تہ اریکہ نوشتہ اند  
حبیبیت عالیجا مشارالین باقیین رفتہ و نوکر  
استرآبادی را خبر کردہ است کہ در آنجا جمع شوند و  
مشیت امور مطابقہ موت را دادہ بعد از فراغت از  
عمل انہار روانہ کوکان شود کہ امور آنجا را نظم کامل  
دادہ منوجات بوانی آنجا بجهت وصول رساند

### خراسان

از تہ اریکہ مقرب الخاقان میرزا فضل اللہ وزیر نظام  
منولی باشی و پیشکار خراسان نوشتہ بود از مال خود  
چهار زوج دیرفشرہ کہ ہر یک دو ذرع طول و یک ذرع  
سہ چارک عرض دارد بجهت اطراف حرم محترم  
جناب امام ثامن ضامن علی ابن موسی الرضا تمام کردہ

۱۳۷۲

نموده است و هر یک را بنام نامی سرکار علی حضرت  
شاهنشاهی مزین داشته است

### فارس

از قترار یک در روزنامه شیراز نوشته بودند بواسطه  
مستطاب شاهزاده و الا تبار موید الدوله  
در بیرون نشسته بعراض فخر او ضعف رسیدگی مینمایند  
و مقرب انخافان شیرالملک نیز مشغول پرداختن سباج  
سال کنند و دستور العن سال نومیب باشد همچنین  
مقرب انخافان شجاع الملک هم در خدمات محوله  
بجود کمال اهتمام را دارد و از اهتمامات او یک  
دولت علیه امور است و در هر جهت و حیثیت  
منظم و مضبوط است

### عربستان

از قترار یک در روزنامه عربستان نوشته بودند درین  
اوقات جمعیت و آبادی بندر محمده بسیار شده  
روز بروز بتجار و کسب از اطراف باسجا آمده مشغول  
داد و ستد میباشند و عنقریب بندر مزبور یکی از بنا  
منظم خواهد بود

دیگر نوشته اند که توپچیان مامور ساحلوی محسره در  
غزه جهادی الاول وارد آنجا گردیده اند و توپچیان  
سابق که در آنجا بودند ازین مرفعی حاصل کرده و  
روانه بندر ابوشهر شده اند که رفته در آنجا مشغول  
خدمت باشند

دیگر نوشته اند که دیشتم و نهم ماه مزبور باریان شدیدی  
در محسره و آن اطراف آمد بطوریکه کل صحرا مملو است

شده بود امانی آنجا از آمدن باران که مدتی بود در آن  
ولایت نمی آمد بسیار خورسند و مسرور گردیده بلوازم  
شکر گذاری اقدام نمودند اگر چه غله باز در آن ولایت  
تعییر دارد و ولی بجهت این بارندگی امید واری کفلی را  
امانی آنجا حاصل گردیده است

دیگر نوشته اند که اومی از عالیجا محمد اسمعیل پیک  
که مامور بان نوکر آن سرحدات است چهل و پنج تومان  
شخواه مشارالیه را صرفت نموده فرار کرده بود عالیجا  
فتح الدخان یا در فوج امرالی سر باز بتفحص سارق باطراف  
فرستاده او را در میان نخیلات پیدا کرده بودند او را  
شخواه مسروق از او استرداد و تسلیم عالیجا محمد اسمعیل  
شده و سارق را بعد از تنبیه مضبوط اخراج  
نمودند

دیگر نوشته اند که شیخ حسن ولد شیخ مشکو بنجی بمحرمه  
بود بتجار آنجا هر یک بقدر مقدور امانتی با و نموده بودند  
و جی فرا هم آورده بجهاز نشسته روانه بصره شده بود  
که از آنجا بجنف اشرف برود و در نزدیکی بصره هوا انقلاب  
بهم رسانده چنانکه از ضرب امواج غرق شده بود با اینکه  
ساحل نزدیک بوده و اهل جهاز شنا نموده خود را بکنار  
رسانده بودند مشارالیه با سه نفر غرق شده بودند  
ملاحان بر سر دست و جستجو و تفحص کرده بودند اثری از آنها  
ظاہر نشده بود

از قترار یک بتجرا جناس آنجا نوشته بودند که مخروداری  
شش تومان وارد خزواری هفت تومان و نان خرواری  
نومان دجو خرواری چهار تومان و نیم و سایر جناس از اینقراری

۱۳۷۳



### کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب  
شاهزاده والا تباعده عماد الدوله حکمران کرمانشاهان  
در انجام خدمات دیوانی و حصول موجبات آسودگی عا  
استقامی کامل دارند و نواب امیرزاده علیقلی سرزار  
که بحکومت محال تنقیر فرستاده اند نواب معزی الیه  
امورات آنولایت را منظم و امیران آنجا را مسلوب  
کرده است بطوریکه کسی قدرت و یارای حرکت خلاف  
حساب ندارد و امانی آنجا از این معنی زیاده رضامند  
از نواب معزی الیه دارند

و هم چنین امورات شهر کرمانشاهان از اتهامات  
نواب عماد الدوله نهایت انتظام را وارد و فرمایشی  
نواب معزی الیه و داروغه و کدخدایان حسب احکام نواب  
معزی الیه مراقب و مواظب هستند که سرف و خلا  
حسابی از گنجی ناشی و صادر نشود

### اسد آباد

از قرار یک در روزنامه اسد آباد نوشته اند از وقتی که لاجا  
خانباخان با آنجا رفتند است این تمام در راههای آنجا  
حاصل گردیده است بخلاف ایام سابق که اشراطی نظیر  
بچهاردولی اغلب اوقات مرکب سرفقت و شرارت  
می شدند و دست اندازی مال و حال روز و قوافل میکردند  
درین اوقات از مراقبت عالیجاه مشارالیه دست نقدی  
بکلی منقطع و زوار قوافل با نهایت اطمینان خاطر آمد و رفت  
مینمایند و از اینر حلال شکر گذاری دارند و هم چنین در  
انتظام امر نوکرو رعیت رسیدگی نموده همه روز در دیوان

خود نشسته بعبایض رعایا غوررسی مینماید و اگر کبسی  
تعدی و احمافی شده باشد در مقام رفع آن می آید و جوی  
فوج و سواره آنجا را بمجتبی عالیشان محرم بیک تفنگدار که  
از دربارهایون مامور سازندن موجب آنجا بود پر دست  
مگر قدری از موجب سواره چهاردولی باقی بود آنهم درین  
اوقات حسب الامر امنای دولت علی از مودیان  
در یافت و با آنجا داده شده و تدارک خود را دیده اند که بر  
حسب احضار امنای دولت علی به زیان یابند

و یک نوشته اند که درین اوقات یک دو دفعه باران بسیار  
خوب در آنولایت آمده باعث امیدواری رعایا و زرا  
آنجا گردیده است

و یک نوشته اند که عالیجاه مقرب انخاقان مصطفی فلنجان  
که حسب الامر امنای دولت علیه بهماننداری جناب در غیر  
دولت بهینه الخلیس روانه بود با آنجا که وارد شده است عالیجاه  
خانباخان با جمعی با استقبال آمده و نهایت معقولیت را  
در بهماننداری مقرب انخاقان مشارالیه عمل آورده است

### اعلامات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالمجتهد  
باسمه چی در محل نزدیک دروازه دولا ب الطباع شده از نظر  
فروخته میشود

۱۰۰	انوار النعمان	سه تومان
۵۰	وسایل با فیهت	ده تومان
۱۰۰	حمه نظامی بیت و پنجهزار	
۱۰۰	سریر	دو تومان
۱۰۰	زبده العارف	دو تومان

۱۳۷۴

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه و نهم ماه حبه المرجب سال ۱۲۷۱

نزهت و هیبت و مغذ  
قیمت روزنامه  
یک نسخه و یک پیکر  
و تان و چهار هزار



منطبه دار الخلفه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر چهار سطر یک هزار  
بیشتر با هر سطر پنجاه

## اخبار و چند ممالک محروسه پادشاهی

### دار الخلفه طهران

هوای دار الخلفه طهران درین اوقات کمال خوبی و خرمی  
و صفار دارد و بانهایت خوشی و اعتدال است خصوصاً  
بیرون شهر و باغات دیوانی و ساحات شمیران و در  
روز دوشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی  
خداوند ملکه و سلطانه مایل تفریح شمیرانات گردیدند  
صفا و خرمی سست در بند و آن اطراف سوار شدند و  
هایون بدر بند و آن اطراف تشریف فرما گردیدند تا حوالی  
عصر مشغول تفریح آن ساحات بودند و نزدیک غروب  
آفتاب بارگ مبارک که سلطانی محبت فرمودند  
درین اوقات که ایام عهد از عهد نوز سلطانی است  
دربار هایون از التزام خدمت در ب خانه بجهت دید و بازدید  
عید معاف و مخص میباشند و عموم خلق از تبار و کسبه  
خود رسته بید و بازدید مشغولند مگر انسانی دولت علیه  
و بعضی مقرر بان حضرت کردون ببط سینه که بجهت انجام  
معات لازمه و تقدیم فرمایشات اقدس هایون درین  
اوقات نیز مشغول خدمات اند

نظر بملاحظه کمال موافقت و یکجائی که این دولت علیه را  
با دول متجاپه است و ظهور عنایت ملوکانه در باره جناب  
موسیو اینچکاف شارژد فرد دولت بید و ستیه مقیم  
طهران که کمال معقولیت موصوف است در هفته گذشته از  
جانب سنی اینجانب اقدس هایون یک قطعه نشان دو  
الماس مصور بمثال بمثال هایون بجناب مبارک حضرت  
کردید  
نظر بملاحظه یکجائی و اتحاد این دولت علیه با دول متجاپه بقا  
دولت علیه ایران و مراسم تهنیت عید در روز دوشنبه  
گذشته جناب جلالت آباشرف امجد اکرم صدر اعظم  
بجهت بازدید عید اول بیدین جناب طامسیر صاحب شارژ  
دولت بیه انگلستان رفته لوازم مودت و موافقت بین الدوله  
مرعی داشتند و بعد از آن بیدین جناب موسیو اینچکاف  
شارژد فرد دولت بیه روس رفتند و مراسم دوستی  
و داد و اسلوک داشتند و بعد از آن بیدین عالیجاه فحاش  
همراه جید رفتند شارژد فرد دولت علیه عثمانیه رفته  
قواعد یکجائی و اتحاد دولتین را بعمل آوردند

۱۳۷۵

مواقف خیر صریحی که رسید و رسماً از سفارت دولت روس اعلام شد اعلیحضرت امپراطور دولت بهتیه روسیه این سرای فانی بدارجاودانی شتافت و اعلیحضرت و لیعهد دولت مشارالیهما جلوس کرده و اعلام نامه بکل ممالک روسیه از پترزبورغ ارسال شده است این خیر باولسای دولت علیت رسید مقرب انخاقان میرزا محمد حسین عضد الملک حسب الامر اعلیحضرت شامشاهی سفارتخانه رفته در حالتی که کل صاحب منصبان سفارت حاضر بودند از جانب سنی اجوانب همچون بجناب موسیو انچکوف شارژد فرود دولت بهتیه روسیه اظهار افسوس از فوت اعلیحضرت امپراطور نمود معزنی الیه و ضمناً سفارت را حسب الامر دعوت بحضور مهر ظهور مبارک کرد با اتفاق عضد الملک شرفیاب حضور بهمیون شدند اعلیحضرت اقدس بایون بعد از اظهار افسوس زیاد از فوت اعلیحضرت امپراطور استعفا را از جلوس اعلیحضرت امپراطور جدید فرمودند جناب شارژد فرود جلوس اعلیحضرت امپراطور جدید را که عرض کرد از جانب بهمیون تهنیت جلوس فرمایش شد و بعد از مرضی از حضور مهر ظهور بایون بلافاصله بلاقات جناب اشرف امجد ارفع صدر عظم فرستند و بعد در حاضری از جانب سنی اجوانب بایون و جناب اشرف امجد ارفع شریفی از برای تهنیت جلوس امپراطور جدید بفرستاد ارسال شد و در همان روز جناب نظام الملک از جانب بهمیون بفرستاد رفت جلوس امپراطور را تهنیت گفتند فرزاد ای آن روزم جناب اشرف امجد ارفع بفرستاد خانه شریف برده جناب شارژد فرود کل صاحب منصبان سفارت جلوس اعلیحضرت

۱۳۷۶

امپراطور را تهنیت فرمودند روز دیگر امنای دولت از بزرگان نظام و اعظام و اکابر تهنیت فرست مبارک گفتند

بجهت خدمات کلیت که از مقرب انخاقان قایم مقام درین سفر ما موریت با دز با بجان صادر شده و مقبول خاطر خیر مبارک اعلیحضرت شه پاری کردیده هر روز بنوازشی تازه سرافراز میثوند از انجمله در روز پنجشنبه دهم شهر رجب المرجب محض رحمت و انکفات یکجا تمهید تمثال بود که بهترین و بزرگترین اسباب مفاخرت است بصحابت عالیجاه عبد العلی خان پیشخدمت خاصه مقرب انخاقان مشارالیه رحمت کردیده بین الامثال مفاخرت حاصل نمودند

### سایر ولایات

اصفهان از فترت که نوشته بودند عالیجاه چو در انتظام امور رراعات و نسق صبیبی کاری بلوکات و توابع کمال اهتمام و تاکید تمامی مشاط و عمال میساید و در تقویه قنات و جدا اول و انهار و مادیسای بلوکات و قرا خالصه کمال سعی و اهتمام دارد و همچنین در تنظیم امور بانمات مبارکات نهایت سعی و اهتمام دارد کمال تاکید به باغبانان و سرایداران و سایر علمه جات ینماید که در آبادی باغات و غرس اشجار اشتهای قریب و اهتمام بعمل آورند

### خراسان

چون چند است که خان خنوق با جمیعت و استعداد بفرم بقصر فرزاده از آنجا هم تجاوز با بنظر کرده است که بلکه بتواند ایل حسرت را مطح کرده از آنجا کو چنانچه بفرود

عیناً

ببرد و از آنها نوگرو زکوة بگیرد لهذا اولیای دولت علیه السلام  
 بلاخط اینکد ایل سرخس رعیت این دولت جاوید استند  
 بنواب مستطاب هراذم و الاتبار فرما نفر صاحب الامر حکم  
 مقرر داشتند که باجمیعت و استعداد تمام بطرف آن بند  
 و پس کمر بزدند که هم آنخده و در انظم کامل بپسند و هم باید  
 و حمایت ایل سرخس قوون و جمیعت بفرستند از قراریکه نوشته  
 بودند خودشان در مقدمه شهر جمادی الاخری از ارض  
 اقدس حرکت کرده اند و قریب ده هزار نفر از سواره و  
 پیاده برای این سفر اخبار کرده اند که باجمیعت و توپخانه  
 و استعداد تمام با آنخده و بر وند پیش از آنکه خودشان  
 باقی در بند و آنخده و در برسند عالیجا حسن خان سبزواری  
 باد و بیست نفر سوار بر سر فرستاده اند که مایه اطمینان  
 ایل سرخس بشود و بدانند که از جانب دولت علیه جماعت  
 و اندادی از آنها خواهد شد از حسن اتفاقات بعد از آنکه  
 دو بیست نفر سوار با عالیجا حسن خان سبزواری بر سر  
 رفته بودند مابین سرخسی و جمیعت او رکبخی که بغیرم تاخت  
 و تاز سرخسی آید بودند منازعه اتفاق افتاده جمعی که  
 از او رکبخی با آنخده و داده بودند مغلوب و منکوب شده  
 شش عراده توپ و پانصد قبضه شمشال و صد نیزه سر  
 از آنها بدست سواره دولت و سرخسی افتاده است که  
 بارض اقدس فروده بودند

دارد و کسی در بلده و بلوک حرکت خلاف حساب  
 ندارد و مالی آنجا از حصول امنیت قرین شکر گذاری و رفاه  
 هستند

و دیگر نوشته اند که در ماه گذشته جمادی الاخری در کرمان  
 و بلوکات بارندگی زیاد شد اگر چه تعمیر جنین تجمه این  
 بارندگی بسیار چندی تنزل کرده و زراعت کاران زیاد  
 امیدوار شدند ولی سبب برف و باران شدیدی  
 که سه شبانه روز علی الاتصال آمد بقنوات آنجا از آب سبیل  
 و پشته خرابی بسیار رسیده است بطوریکه اغلب قنوتها  
 باید مخارج زیاد نمود تا ایشان جاری بشود و همچنین در آن

برف و باران کوسفند بسیار تلف گردیده است و ضرر  
 بسیار بجا حبان قنوت و حشامی که کوسفند داشته اند  
 رسیده است و بیماریات شهر و ارک نیز از قراریکه نوشته  
 با اینکه اغلبی استحکام داشته اند ازین برف و باران  
 خرابی زیاد بهم رسیده است و امیر الامراء العظام سردار  
 و رضد و تعمیر عمارات ارک میباشند

در سمت دروازه ارک و شهر کرمان امیر الامراء العظام سردار  
 باغی تازه بنام علیحضرت آقاس هالیون شاهنشاہی  
 موسوم بنا صریح طرح انداخته بود از قدر ارکیکه نوشته اند  
 در این اوقات که زمان غرس اشجار بوده است از اطراف  
 نهالهای سیوه دار و عنسیره از هر قسم درختان آورده اند  
 و بطور سلیقه بردلیف و ترتیب نشاندند و بسیار جای با  
 و خوشه است و بهترین باغات آنجا خواهد

و دیگر نوشته اند عبور درم در قوافل این اوقات با کمال امانت و درین روزها  
 از یزد قافله با جماعت تجاری آورده و متاع کرمان با کبری کرده است

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند از حسن کفایت  
 در رعیت داری امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار  
 حکمران یزد و کرمان امور آنولایت در هر حیثیت کمال نظام

۱۳۷۷

# فارس

از فراری که در روزنامه بند بوشهر نوشته بودند امورات  
 آنجا از اتمامات اولیای دولت علیه از هر جهت انتظام  
 دارد و عسوم مالی آنجا از حصول ایت و انتظام شکر  
 و دعا کوتی ذات اقدس بایون علی حضرت قوی است  
 شاهنشاهی اقدام دارند و هم در آن اوقات نوشته  
 بودند که باری که خوب در آن ولایت شد اگر چه در  
 بقدریکه بایست کرده بودند ولی بهین قدر که غمت  
 شده است خوب است و از اینکه بر حسب قرارداد اتمام  
 دولت علیه غله از خارج با آنجا می آورند و از آنجا آنجا  
 نمیسرند نوع رفاهیتی بجهت مالی آنجا حاصل گردید  
 و کمال شکر گذاری دارند

دیگر نوشته اند که باستان بزرگی که حسب الامر احد  
 هایون مقرر شده بود در قرینه چهار برج مشهور آنجا  
 ساخته شود در نهایت استحکام است تمام یافته  
 و جزئی نامی که در تسمیر اطاقها داشته است اتم  
 درین روزها قریب با تمام است

دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان حاجی قوام الملک  
 که از شیراز روانه بند بوشهر شده بود در سیم ماه  
 جمادی الاول وارد بند ریز شده و در عرض  
 راه در هر یک از منازل لوازم استقبال را از مشارالیه  
 بعل آورده اند و اوسم رسیدگی کامل بکار عسوم  
 آنجا نموده و از نظم و رسیدگی او کمال رضامندی داشته  
 و بعد از ورود با آنجا انعامی هم به توپچی و سرباز و  
 فراخو احوال آنها داده است و همچنین فوج فریدین نیز

که مسراه مقرب انخاقان مشارالیه مامور خدمت آنجا  
 بوده اند با کمال نظم حرکت کرده اند و صاحب منصبان  
 آنها نیز مراقب بوده اند که خلاف حسابی بهیچ وجه از فوج  
 مزبور صادر نشود از جمله اوقاتی که فوج مزبور در منزل چاه  
 کوتاه که از مضافات بوشهر است بوده اند یک قبضه طباخچه  
 از شخصی از اهل آنجا که جوانی جو سبب بازمانی مزبور فرود  
 بود منقود شده مشارالیه مراتب را بمقرب انخاقان حاجی  
 قوام الملک و عالیجاه حاجی محمد باقر خان سرمنک فوج  
 مزبور اطلاع داده بود فرستاده سربازها را آورده بودند  
 سربازها گفت بودند ما اطلاع نداریم اگر باشد در میان  
 جوان جو خواهد بود و هنوز جوان را خالی کرده ایم فرستاده  
 بودند جوان را خالی کرده طباخچه در میان جوان بود سربازها  
 قسم خورده بودند که مانده استیم و اطلاع نداریم و نیز  
 میرزا جعفر نام مباشر فوج مزبور با چند نفر از صاحبان  
 فوج از راه بزازجان بمنزل چاه کوتاه می آمدند در عرض راه  
 یک کس مادیان عربی خوب با جمل و هستار و منج طویله  
 در راه دیده بودند آورده بشیخ حسین نام ضابط آنجا  
 داده و قبض گرفته بودند که بصاحبش برساند و قبض او را  
 بنظر حاجی قوام الملک و سرمنک خود رسانده بودند و  
 تا آن اوقات صاحبش هنوز پیدا نشده بوده است معلوم  
 شده است که مادیان از راه دور با آنجا آمده است و هنوز  
 در دست شیخ مزبور بوده است تا صاحبش پیدا شود با کمال  
 مالی آنجا از اینگونه نظم و سلوک فوج مزبور و معقولیت صاحبان  
 آنها نهایت رضامندی داشته اند

۱۳۷۸



مولود مسعود جناب ولایت آبا میر مومنان علیہ السلام  
 تہیہ اسباب جشن بازی بدہ در دیوانہ نما کہ بزرگ اور صاحب  
 آتش بازی را فراموش آورده بود حسن اتمام او مستحسن مقبول  
 پیشکاه حضور باہر النور علیہ السلام شادمانی افتاد محض حمت  
 بکلیت و شال برسم خلق از جانب سنی احوال بکلیت  
 بافتخار او مرحت شد  
**منظر تعمیر جناس دار الخلاء و طہران**  
 درین ہفتہ کہ تعمیر جناس دار الخلاء فراتر نوشته اند  
 بقرائت کہ درین صفحہ مسطور میگردد  
 کدہ منہ وغیرہ یکخوار سه تومان  
 کدہ ساوج بلاغی یکخوار سه تومان و دو کال  
 نان یکخوار سه تومان  
 برنج عنبر بو چارمین دو ہزار و صد پنجاہ  
 برنج کردہ چارمین یک ہزار و ہفتاد پنجاہ  
 گوشت یکمین شش عباسی  
 روغن چارمین دوازده ہزار  
 جو یکخوار دو تومان و یک ہزار پنجاہ  
 گاہ یکخوار نہ ہزار دینار  
 ماش یکخوار سه تومان  
 سخودرسی یکخوار چار تومان  
 لوبیا یکخوار سه تومان و نیم  
 عدس یکخوار سه تومان و نیم  
 ارزن یکخوار شانزده ہزار  
 کرکک یکخوار پنج تومان

مک یکخوار سه ہزار و نوزدہ شاہی  
 ہمہ یکخوار ہشت ہزار  
 ذغال یکخوار ہفتہ ہزار و دہ شاہی  
 شیرہ چارمین سه ہزار  
 کتھن طعام چارمین دو ہزار و پانصد پنجاہ  
 خما چارمین چار ہزار دینار  
 مات چارمین شش عباسی  
 پیرشوہ چارمین پنجاہ و پنج شاہی  
 شع یکمین دو ہزار و ہفتاد شاہی  
 قدروسی یکمین شت ہزار و پانصد پنجاہ  
 قدروسی یکمین چار ہزار و چار عباسی  
 نبات یکمین چار ہزار و دہ عباسی  
 شکر خام یکمین سه ہزار و یک شاہی  
 شکر صندوقی یکمین سه ہزار و پنج شاہی  
 پن یکمین دو تومان و پنجاہ  
 میخک یکمین پنجاہ  
 دارچین یکمین نہ ہزار و دہ شاہی  
 رزد چوبہ یکمین یک ہزار و ہفتاد پنجاہ  
 فلفل یکمین پنجاہ و پانزدہ شاہی  
 زعفران یکمین ہفت تومان  
 سرکہ یکمین سیصد دینار  
 تنباکوی اعلیٰ چارمین شانزده ہزار  
 تنباکوی وسط یکمین دوازده ہزار  
 لیموی عمانی یکمین دو ہزار  
**سایر ولایات**

# خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته اند در ماه گذشته  
و ه پانزده روز باران پی در پی در آن ولایت آمده و غنا  
اطلاک و زراعت کاران از غیر حد بسیار متوف بود  
و اظهار شکر کداری می نمودند و در هر تبای آن ولایت  
خز اوالی و ارزانیست و هر چیز از آذوقه و ماکولات  
و فز دارد

دیگر نوشته بودند درین اوقات بجهت نهایت امنیت  
و فراغت از برای امانی آن ولایت حاصلست و نواب  
مستطاب شاهزاده محترم و الایثار فرمانفرمای مملکت  
خراسان و مقرب الخاقان وزیر نظام کمال رسیدگی  
بامور عموم امانی آنجا می نمایند و نواب معزی لیس که در  
هفتم ماه جمادی الثانی نسبت به خشم و آق درین  
حرکت کرده بودند افواج و سواره خراسان بر حسب  
احضار متوالی بار دوی نواب معزی الیه ملحق میشدند  
از تخیمه فوج قرانی و فوج شاپور و سوار عالیچانمان  
عبدالباقی خان و امیر خان قورت بیکلو و سوار دوزه  
در اوایل ماه رجب علی التوالی وارد شده بودند آن  
و سایر افواج و سوار چشم در شرف حرکت و روان  
بار دوی نواب معزی الیه شده اند

دیگر نوشته اند که در نفر لشکر که حسب الامر اقدس  
شامشاهی وجه نقد بجهت قشون خراسان برده بودند تخم  
مزبور را رسانده و قبض دریافت و مخصی حاصل نمود  
در سیم این ماه عازم دربارهایون شامشاهی شده

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده محترم فرمانفرمای  
مملکت خراسان مقرب الخاقان امیر سپه الله خان حاکم  
قاین را احضار کرده بودند مشار الیه هم در تدارک  
بوده است که بعد از عید نوروز عازم ارض اوشان

دیگر عالیچا مصطفی قلیخان حاکم سبزوار را نواب شاهزاده  
در عین حرکت باقی در بند مخصی نمودند که سبزوار رفته  
بامر حکومت خود و انجام خدمات دیوانی بسپردند

# کرمان

از فرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت  
از مراقبت امنای دولت علیه حسن مستهام امیر الامرا  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان قرین نظام است  
و کمال فراغت و امنیت برای امانی آنجا حاصل است

دیگر نوشته اند که قشون مامور از کرمان ایوب اکبر  
عبدالله خان سیرنجه که در بندر عباسی بوده اند درین  
امیر الامرا اعظام سردار رجب امر امنای دولت علیه  
از آنجا بکرمان خواسته و قشون مزبور از بندر عباسی حرکت  
بسمت کرمان کرده اند

دیگر نوشته اند که عالیچا امیر زلفیج و وزیر کرمان رجب  
حکم امیر الامرا اعظام سردار محمد دوزه در دفتر نشسته  
باستوفیان کرمان مجاسبه مباشترین و صنایع  
بلوکات آنجا به وقت رسیدگی کرده و عمل آنها را سپردند

دیگر تبراجاس بخارا که نوشته اند که در تهمان شهر جرد و کرمان و خراسان



### کروکس

از فرار یک در روزنامه کروکس نوشته اند بجه الله در آنوقت  
 ارزانی و ایت است و عالیجاه زین العابدین خان در انتظام  
 امور آنولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام زیاد دارد  
 رستان باران و برف خوب در آنولایت آمده بود و در  
 ایام عید هم بارندگی خوب شده و غله کمال و فرور دارد  
 در عایا و مالی انجا از حصول امت و فراوانی کمال شکرگذاری  
 دارند

دیگر نوشته اند که پل خرابی در رودخانه قریل اوزن بود که  
 خاک کروکس بگذرد و بجهت خرابی پل مزبور عبور زوار و  
 بصعوبت میشد در این اوقات عالیجاه مشارالیه بر حسب  
 اولیای دولت علیه که خواهی هم از دیوان اعلی بجهت تعمیر آن  
 مرحمت شده بود پل مزبور را در کمال خوبی و استحکام تعمیر نموده  
 و زوار و عابریین ازین مرحله کمال دعاگوئی و شکرگذاری  
 میروند

از فرار یک در روزنامه بزد نوشته اند چون مقرب انجمن  
 محمدیوسف خان سرتیپ بلاخط رفاه حال رعایای انجا  
 فرستادن صنبا طرا از جانب خود به بلوکات متوقف  
 در عایار از تحمل مخارج آنها معاف داشته جمع دیوانی  
 هر بلوک و قریه را مشخص دارد و نفریش سفیدان انجا  
 متک گرفته بود در ماه گذشته جمادی الثانی که آخر سال است  
 بود که خدایان و ریش سفیدان بلوکات بزد مقرب انجمن  
 مشارالیه آمده محاسبات خود را پر داخته و میرفته اند  
 و رعایای انجا ازین حله کمال شکرگذاری داشته اند  
 دیگر نوشته اند که در ماه جمادی الثانی بارندگی زیاد در آنوقت

شد اگر چه از شدت بارندگی بعضی از عمارات شهر و بلوکات  
 خرابی بهم رساند ولی صاحبان املاک و زراعت کاران  
 ازین ووز باران امید واری فراوان بهم رسانند  
 و توشی که از تسخیر اجناس شتند رفع شده است

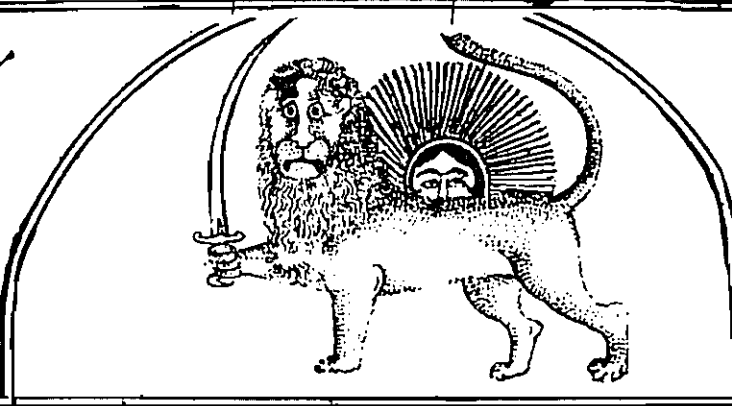
فوج جدید کرمان متوقف در العباده یزد از فرار یک  
 تمامی ایام هفته را بجز در جمعه و دو شنبه که ایام تعطیل است  
 در میدان ناسخ قلعه مشغول مشیباشند و در حرکات  
 نظامی خوب سنجیده اند و در آن دو روز که ایام تعطیل است  
 عالیجاه میرزا کوچک خان با انجا رفته با مورات سر باز میروند  
 و ارسسی سینما در قمار آنها موافق نظم و حسن سلوک است  
 و بندرت اتفاق می افتد که کسی از آنها خلائی کرده باشد که  
 مورد تنبیه نظامی بشود

دیگر نوشته اند که در بیت وستیم و بیت و چهارم ماه  
 مقرب انجمن محمدیوسف خان موجب نه ماهه فوج ساخلو  
 در العباده یزد در پرده چته در هر یک از احاد و افراد  
 موجب خود را دریافت نموده مشغول خدمات خود میشدند

و همچنین از امت طرق و شوارع انجا نوشته اند که عابریین  
 و متردین با نهایت اطمینان و خاطر جمعی آمد و رفت مینمایند  
 از چند در منزل نه کنند که سابقا بی جمعیت عبور مشکل بود حال  
 آبادی بهم رسیده و هر چیزی از آذوقه موجود و فراوان  
 و قاول و تحفظ مشغول حرمت عابریین

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه چهارم رجب المرجب سال ۱۲۷۱

نزدت و نوزده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه در یک  
هفتاد چهار هزار



منطبه دارا خلاق طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط الاجاره سطر یکصد  
برشده سطر پنجاه

## اخبار واحده مالک محروسه و شاهي

### دارا خلاق طهران

در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی  
بمیدان ارک سواره تشریف فرما گردیده و فوج لاریجانی  
و فوج جدید شقایق و سواره چهاردولی که در میدان حاضر  
شده صف کشیده بودند اول بملاحظه افواج توجه نمودند  
بعد از ملاحظه آنها بمیان سواره تشریف بردند امیرالاعظم  
سروا کل و سایر صاحب منصبان نظام در خدمت اقدس  
حمایون بودند از استکلی و انتظام سواره و نظام را تحسین نمودند  
بعد از فراغت از ملاحظه آنها نظر بر ارباب توقیر و احترام جاه  
علمای اعلام چندینچه در اعیان در رسم است بیازدید پس  
برادر امام جمعه مرحوم و چند نفر از علما تشریف فرما گردیدند  
تفقدات ملوکانه بمذول فرمودند و بعد بجا رسیدن  
و مقرر غلظت شای مرتبت نمودند  
چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام منظور خاطر اقدس  
حمایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه است درین اوقات  
جناب جلالت آب اشرف ارفع الفخیم صدر عظیم برسم باری  
عبد نور و بقانون معمول بجانانه هر یک از علمای عظام رفته

مراسم تفقدات را در باره هر یک مرعی داشتند و لوازم  
و اکرام آنها را بعمل آوردند  
چون مقرب انخاقان محمد ناصر خان ایلیک قاسمی باشی در  
عید مولود جناب امیر المومنین علیه السلام نظم و ترتیب  
سلام را بطور خوب و شایسته داده بود و مراتب امتیازات  
او در نظر اقدس حمایون مستحسن و مقبول افتاده لهذا بکوشش  
جبه ترمه لاکه بر رسم خلعت از جانب سنی انجوان ملوکات  
مقرب انخاقان شایسته التفات گردید  
از فرار یک بعض اولیای دولت علیه رسید از جانب  
دولت فحیمه فرانس جناب موسیو بوزره سفارت مخصوص  
معین و ارزاه بندر ابوشهر و فارس و اصفهان عنایت  
در باره حمایون را نموده اند بر حسب امر قدره اعلیحضرت  
اقدس شاهنشاهی مقرب انخاقان علیخان سرتیپ فوج  
جدید فراقوز لوبمانداری معین و در تاریخ ۸ شهریور رجب المرجب  
از دربار حمایون عازم و راهی فارس گردید که بالوازم  
اعزاز و احترام جناب پیلچی مشایخ را از جانب سنی انجوان  
ملوکات نیز فرستاده شرفیاب در باره حمایون سازد

۱۳۸۳

Handwritten notes in the left margin, including the date ۱۳۸۳ and other illegible text.

چون مراتب خدافت و مهارت عالیجاه حکیم مریم علی فرانس  
و در فن طبابت مشهور رای عالم آرای نوکانه گردید و در اوراد  
سلک چاکران دربار گردون و قاریتک و باعظای  
همایون و مرحمت شدن مواجب بن الاقران مقترن گردید

عالیجاه حبیب صاحب مترجم این دولت علیه که حب الامر  
همایون مباحث این روزنامه بود چون مدتی مریض و علیل بود  
و اطباء معایبه او را در تیسر آب و هوای پدید بود و پدید و غنوب  
او نیز انشا را لیه خواستش کرده بودند که یکساله اذن مرضی  
از این دولت علیه گرفته بولایت انگلیس برود لکن درین  
اوقات اذن مرضی از امنای دولت علیه حب الامر  
همایون حاصل نموده روانه ولایت انگلیس خواجگردد

چون عالیجاه آقا اسمعیل شیخ مت باشی سلام خداوند  
خود را مشهود حضور همزهور همایون داشته بود لکن مورد  
عنایت ملوکانه گردیده درین اوقات یک قبضه کار دکام  
دسته مُرّقع با و مرحمت فرمودند

چون حاجی محمد حسین جبه دار باشی این روزنامه بمرحمت ایزدی  
پیوست اولیای دولت قاهره محض پاس خدمات ارجوم  
و قابلیت عالیجاه میرزا نصر الدین پسر مرحوم رالیه حب الامر  
همایون او را در جای پدر خود بمنصب جبه دار باشی مقرر  
سبار که سرافراز و یک طاقه شال و یکوب قبای زری در حق  
عالیجاه شالیه مرحمت گردید که در کمال امده واری  
خدمات متوجه بخود باشد

چندی قبل ازین که قاطرچی های پادشاهی تجمیع مجلس بقرون فیه  
بودند بابا زکی نام قاطرچی باد و نفر تا بن خود قریب یکصد و پنجاه

تومان و کسری مال التجاره از قبیل پوسته بخارانی و غیره  
بسرقت آورده بودند صاحب مال بجهت دادخواهی بدار انخلاف  
آمده عالیجاه رکنجان که خدا مطلع شده نفحص و تجسس نمود تا  
اینگد بر که مال را بدست آورد چون خود بابا زکی در شهر  
بنو و بجهت اینکه مشاور الیه از مراتب مطلع ننمود مطلب دائمی  
نمود و محض ورود بابا زکی او را گرفته و تمامی مال را از او  
استرداد نمود مگر قریب بیست تومان از آن اسباب که  
تقریظ شده و خود بابا زکی حال مجوس است تا از  
عنده بقیه اموال مسردقه برآمده تمامی آن بصاحب مال تسلیم  
و قبض بقیه نیز دریافت شود

درین اوقات چند نفر زود بستاری که خدایان و غیره  
در محلات دار انخلاف گرفته شده بودند هر یک که در خور بست  
کلی نبودند تشبیه مضبوطی شده و هر یک مستوجب سزا  
بسیاری خود رسیده حب انکام نواب شایسته بنزاده و الی  
ار د شیر میرزا حکمران دار انخلاف و توان از شهر طرا این  
کرده اخراج بلد گردیدند

### امور قشونی

افواج قاهره نظام از نوپچی و سواره نظام و سرباز زنده روز  
در کمال ار استکی و انتظام در میدان ارک و میدان قاهره  
در وازه دولت مشغول شت میباشند و صاحب منصبان و  
معلمین آنها نهایت دقت و اهتمام در مشق و انتظام در کار  
نظامی آنها دارند

اعلیحضرت لاریجانی که برب امر علیحضرت شاهنشاهی سرباز شده  
و مخصوص سرکار نواب شاه بنزاده فخر امیر نظام گردیدند  
داشتند کسر آنها را عالیجاه غلام علی خان ولد مغرب انخلاف

عباسقلی خان که سرمنک فوج است گرفته برکاب هایون  
آورده و در روزیکه در صدر روزنامه نوشته شده  
نظر مبارک گذشته و مقرر شد که با آنها تفنگ سرزاری  
داده شود و داخل فوج باشند

و همچنین فوج جدیدی از شقاقی حکم شده بود گرفت شود  
درین اوقات با تمام رسیده بهر ای عالیجاه اللیار خان  
و له عالیجاه ابوالفتح خان سرپ در میدان ارک حاضر  
شده در روز منور با حضور هایون گذشته مورخین  
ملوکانه گردیدند

سواره چهاردولی که سابق بر این جهت ماموریت کرمان  
احضار شده بودند در روز منور در میدان ارک اول  
شکر زبان عظام سان آنها را دیده و بعد از دیدن  
سان از نظر هایون گذشته سینه نظر بود

امورات قریحانه مبارک که در این اوقات از اتهامات  
دوات علیه پیر عظم و مضبوط است و کارهایی که در  
روز صورت تمام یافته از اینقرار است

بیت لو که چهاره ۶ پوند ۴ پوند ۳ پوند و ۲ پوند  
ریخته شده و درین روزها مشغول سوار کردن آنها  
مباشند

توپهای بزرگ و وسط میدان را که حسب الامر سپاده نموده  
و پرداخت و مرمت کرده پاره سباب آنها را تازه کرده  
و سوار نموده اند

چهارمای بزرگ که در انبار تو سچانه بود حسب الامر برین  
آورده پاک و پرداخت نموده درین روزها سوار  
کرده اند

چهارصد دست اسباب توپ کشتی سوای اسباب  
توپ کشتی سابق که در انبار بود حسب الامر درین روزها  
تازه دوخته شده تحویل انبار توخانه گردید

در کارخانه کلوله ریزی حسب الامر مشغول ریختن کلوله بزرگ  
جهت توپهای بزرگ و وسط میدان و چهارمای بزرگ میباشند

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند  
عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه آنجا در اهت و ولایت و  
نظم و نسق صیغی کاری بلوکات از خالصه و اربابی و غیره

انجا و رفاه حال امالی آنجا چنانچه در روزنامه گذشته نیز نوشته  
شد اتهام زیاد دارد از جمله چنانچه وقت پیش ازین هدری ترمی  
کرده بود شایسته و ستاده از بلوکات و جاهای دست غله فروان

آورده و در شهر هم بر اینا بوده غله در انجا و عطف داده  
و با فعل غله در اصفهان کمال و فور و مردم ازین جهت نهایت اسود  
دارند

در ضمن روزنامههای اصفهان نوشته بودند که جعفر نامی فرانسوی  
در پیش خدا واد نامی را که در درخت تازی طلب نشسته بوده است از آنجا

کرده و در پیش آرزو خاطر شده او را نفرین کرده بود روزیکه  
همان فرانس با فرانس دیگر از دیوانخانه نبرد تبا که فروشی  
سجده می رفقه بودند و با او نزاع کرده و او را زده بودند بعد از آن  
جعفر نام پدر سه صد آمده بود که نازیکند و آن شخص تبا که

هم بحالت نزاع افتاده بوده است درین بین در مدرسه  
منور به جعفر فرانس خبر داده بودند که تبا که فروشی  
که زویه مرده است جعفر فرانس در عین صحت بدن فی الفور از دامه  
مرده بود بعد معلوم شد که تبا که فروشی مرده و با فعل نموده است

۱۳۸۵

یزد

از قرار یک در روزنامه یزد نوشته اند در روز عید سعید سلطانی  
 که ابتدای سال فرخنده فال توشقان میل بود عالیجاه مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان سرپ و نایب الحکومه یزد بلو از م جشن نوروز  
 و شلیک توپ از جانب این دولت قوی شوکت علییه  
 بقانون معهوده اقدام نموده و خطبه بنام اعلیحضرت قوی  
 شوکت شاهنشاهی خوانده شد و جمیع حضار ارض صاحب  
 نظام و خوانین و غیره تقدیم شکرانه و دعا کوفی ذات  
 اقدس جایون را نموده صرف شیرینی و شربت کرد  
 مبارکباد عید نوروز سلطانی را گفتند و منم در آن  
 ایام که امالی آنجا بید و باز دید عید مشغول بودند در  
 سیزدهم ماه رجب که روز عید مولود مسعود جناب  
 امیر المومنین علی علیه السلام بود چنانچه حسب الامر عالی  
 در سال گذشته مقرر شد که این عید مسعود را در کل ممالک محمی  
 مانند اعیاد بزرگ بگیرند عالیجاه مشارالیه نیز حسب المقرر  
 بلو از م جشن عید مولود جناب ولایت تاب اقدام نموده و  
 اجرای شلیک توپ و ادای خطبه بقانون اعیاد بزرگ  
 گردید و حضار از خاص و عام آغاز خورسندی و سرور  
 نمودند و از فترت را یک نوشته اند این عید مولود را  
 در آنجا مجلسی بسیار باشکوه منعقد شد و امالی آنجا  
 زیاده از اینمغنی مشغوف بوده اند  
 و یکم نوشته اند که مقرب انخافان مشارالیه در حصول  
 موجبات آسودگی رعیت و انتظام امر نوکرو ولایت بکمال  
 اهتمام را دارد و رعایا و برابا در نهایت رفاه حال مشغول  
 دعای این دولت ابدتصال اند

دیگر در ضمن روزنامه یزد نوشته بودند که در شانزدهم  
 ماه گذشته جمادی الاخری در شهر یزد و اطراف بادیه  
 و زمین گرفته هوارا بسیار تیره و تار کرد و هر جای  
 از بیوتات را که مغذی داشت پرازی یک و خاک نمود  
 و هوارا هم شدت سرد کرده تا عصر روز دیگر همین  
 باد شدت داشته بعد از آن هو اعلام شده بود  
 دیگر نوشته اند که از بلوکات یزد بزغال با آنجا آورده  
 بودند که سوای دست و پای متعارفی چهار دست و پای  
 دیگر در زیر شکم داشت که در وقت حرکت آن چهار  
 دست و پای ریزاده را از زمین می کشید سایر اعضا  
 تفاوتی با بزرگالهای دیگرند است  
 دیگر نوشته اند که شخص سیدی مدتی شیوه سرف را  
 پیشها کرده و اموال مردم را برفتمی برده است  
 درین اوقات تازه دزدی کرده بود مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان فرستاده او را بدست آوردند بعضی  
 اموال مسروقه مردم را دریافت و بصاحبانش تسلیم  
 و مشارالیه را بعد از تنبیه در حبس دارند که از سایر  
 اموال مسروقه نیز اگر بر که برور کند از او دریافت  
 اعلانات  
 کن بنای چایی دار انخافان طه ان که در کارخانه حاجی عبدالمحمد با  
 در محد نزدیک دروازه دولاب نطباع شده از اینقرار فرود  
 انوار النعمانیه سه تومان  
 وسایل باقرت ده تومان

۱۳۸۶

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه دوم شهر شعبان المعظم مطابق سال قوشمان سیک ۱۲۶۱

نزدیکت  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شش ماهه  
در تان و چهار روز



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک خط ایچ پیتر یکبار  
بیشتر با هر خطی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این سال فتنه فال باقتضای فصل چندین  
در بعضی از ولایات ممالک محروسه شده و بارش کم  
آمده خاصه در صفحات دارالخلافه مبارکه که از عید نوروز  
تا این روزها بارندگی نشد و با وجود این از آنچه  
برای مردم روی داده و تعبیر ماکولات نیز فی الجمله  
داشت تا اینکه در روز چهارشنبه بیت و سیم ماه رجب  
اعلیحضرت قدر قدرت شامشاهی دامت شوکتها و اولادها  
از راه ملاطفت و عطوفت ملوکانه بعد از ظهر عزم باز دید  
بعضی از علمای اعلام را فرموده بودند از حسن نیت  
قدم مینت لزوم آمدن سها بون در حینیکه هوا صاف  
اگر بود ابر رحمت خداوندی در حرکت آمده در آن بین  
بعد یکساعت باران نافع بسیار خوب آمده و شب بیست و چهارم  
نیز تا طلوع آفتاب علی الاتصال ترشگی در میا بود و این  
طلوع آفتاب الی یکساعت دیگر باران بسیار خوب آمد که  
آب از ناودانها جاری بود و امیدواری زیاد از برای  
امالی دارالخلافه در غایا حاصل گردید

در روز بیست و نهم ماه رجب نیز اعلیحضرت قوی شوکتها  
بعضی از علمای اعلام را که باز دید عسیدی فرموده بودند بعد  
از ظهر شریف فرمای منازل آنها گردیده و توقیر و احترام  
آنها را بعلل آورده مورد تهنیت و ابراز ملوکانه فرمود  
در شب عید مولود مسعود جناب ولایت تاج مظفر العالی  
و منظر العزیز اسد الله الغالب علی ابن ابیطالب صلوات  
وسلامه علیه که خبر بخت اشرافیت او را فرموده و در  
شدن سرخان خنوق بدر آسمان و قارهای یون سید  
و معروض خاکپای مبارک گردید عالیجاه نتیجه انجمن العظام  
عبد العلی خان ادیب الملک در پیشگاه آسمان جاه حضور  
داشت قصیده پسندیده در تهنیت عید و رسیدن فرود  
بنا کپای مبارک عرض نمود از فرط شایستگی مور و عنایت  
تشریف ملوکانه گردیده مسرکار آمدن سها بون شامشاهی  
یکتوب کلچیز از بلوس تن مبارک عالیجاهش را این چنین  
مبایات و سرافزای فرمودند و از ظهور اینگونه غنای  
و التفات ابواب مفاخرت و ابتهلاج بر چهره رسید  
کشودند

۱۳۸۷

معمول

مره

جناب جلالت آقا چارلس گرتس مری وزیر مختار و ایچو  
 دولت بهیه انگلیس که مامور با قام و توقف در باره  
 حلیه ایران بود بعد از آنکه وارد بندر ابوشهر کرد و دید و  
 اعزاز و احترام از جانب کارگذاران دیوانی بندر ابوشهر  
 بر حسب حکم و اشاره اولیای دولت علیت نسبت به جناب  
 معزی الیه بعمل آمد از سمت بغداد غایب در بارهایون شده  
 نوآب سقاب عماد الدوله امقلی میرزا حکمران کرمان  
 از جانب خود عالیجا مصطفی قلی خان دیوان بیکی و عالیجا  
 میرزا صادق طبیب و ترجم زبان انگلیس را بهماننداری جناب  
 معزی الیه مأمور و روانه لبر خدمت نمود و با کمال احترام  
 ایشان را وارد بکرمانشاه کردند در کرمانشاه انجان  
 مصطفی خان سر تپ که از دربارهایون برسم مهمانداری  
 دولتی از برای پذیرائی جناب وزیر مختار مأمور شده بود  
 ایشانرا پذیرفت در منازل عرض راه از کرمانشاه  
 الی دارالخلافه مراقبت تمام از جانب مهمانداری دولتی و مسافرت  
 و کارگذاران امور دیوانی و مراعات احترام ایشان بعمل  
 در زینت و ششم شهر حیب الرحیب در قریه نجفی آباد چاد  
 دولتی زده شد و امیر الامراء العظام مقرب اسحاقان  
 میرزا محمد خان کشیکچی باشی و عالیجاه نصر الله خان سر تپ  
 از جانب سنی بجوانب هایون و عالیجاه خانبا خان سر  
 از طرف جناب اشرف امجد رفیع صدر اعظم و عالیجاه میرزا  
 غفار خان نایب دو تیم وزارت امور خارجه از طرف جناب  
 وزیر امور خارجه و عالیجاه محمود خان کلانتر و که خدا بان  
 و استقبال بسیار از غلام و غیر غلام با استقبال جناب معزی  
 الیه

۱۳۸۸

رفتند و با احترام تمام وارد سفارتخانه خودشان شدند  
 و انظر احترامی که لازم پذیرائی سفر بود موافق تشریفات بطور  
 اکمل در حق جناب معزی الیه بهم جهت بعمل آمد  
 این اوقات نظر چا پارخانها با اینکه اول سال است تغییر  
 تبدیل در ضابط چا پاران شده است بسیار خوب میباشد  
 و خاطر اولیای دولت قاهره از حسن خدمتداری عالیجاه اسمعیل خان  
 چا پارچی باشی و مباشرین چا پارخانه زیاده خوشنود است  
 چنانکه چا پار از کرمانشاهان سه روزه و از کرمان خجور و در  
 در بارهایون شده و حامل اجبار جنگ نخس با اینکه از چا پارچی  
 داشت هفت روزه با اسب چا پاری از خراسان بدار انخلا و آمده  
 علی بن اولیای دولت قاهره در مزید انتظام چا پارخانه زود و خوب  
 رساندن تو شجات مردم قدغن اکتب نموده اند میاید کل مردم از کتبا  
 و غیره تو شجات خود را با عالیجاه اسمعیل خان چا پارچی باشی یا میرزا  
 باشی چا پارخانه به بند و پانزده روزه جواب مطالبه نمایند که بدو

عیب خواهد رسید  
**امور استقوننی**

تو پکیان و افواج قاهره سه روزه در میدان مشق با جمیع صنایع  
 مشول مشق میباشند در رتبه حب الامر اقدس چا پار  
 افواج قاهره در بالای میدان اسب دوانی حاضر که مشول  
 مشق و تیر اندازی نشانه شدند بهتر از تیر اندازی سابق  
 نشانه زدند و یک ساعت بزوب مانده مخصر شدند چنانچه  
 معلین و متعلین مدرسه دار الفنون سه روزه با کمال  
 و اتمام مشول تعلیم و تسلیم قواعد حوییه و غیره میباشند  
 و نهایت وقت در کارهای متعلقه بنجود دارند

### سایر ولایات

خراسان ملکت خوارزم که شهر سابق آن کرکاج بود که مشهور است باورکنج و شهر مشهور حال آنجا خبیث است و کس از طرف جنوب غربی متصل است باسترآباد و از سمت جنوب شرقی بمرو اتصال دارد و از آنجا که از قدم الایام از رود جیحون با این طرف همیشه داخل خاک دولت ایران بوده است آنجا نیز در تحت اداره اختیار او امر و نواهی سلاطین ایران بود و حکام آنجا هم اگر چه از جماعت او زبکیه بودند لیکن متابعت و انقیاد سلاطین ایران را می نمودند و اگر کیوتی یکی از آنها با ستظار بعد مسافت و صعوبت راه خیال خود سری کردند پاداش و کفیه یافتند چنانکه در عهد سلطان محمد صفوی جلال خان پسر محمد خان اوزبک که حاکم خوارزم بود لوانی خود سیر برافراشت و در دست مرتضی قلیخان حاکم مشهد مقدس بقبول رسید حاکم دیگر در آنجا تعیین کردند و همچنین وقتیکه عبداللہ خان سستانی بخوارزم استیلا یافت حاجی محمد خان حاکم آنجا آمد بشاه عباس صفوی پناه آورد و در سنه یکصد و شش شاه عباس سنجاسان رفته غاصبین آنملکت را بقبول رسانده حاجی محمد خان و عرب پسرش را بحکومت آنجا برکاشت و همچنین همگی سر بر ربه انقیاد اطاعت و خدمت سلاطین جنت مکین ایران داشتند تا بعد از انقضای ایام سلطنت صفوی و فرات آن زمان که افغانها بآنجا حاصل شد قدری خیال خود را لی کردند در زمان سلطنت مادری که همت بقتیه آنها بکاشت و حکمرانی آن عصر و او ان با اولاد فاضل او بیاق و محمد امین او بیاق بود مادری شاه در سنه هزار و یکصد و غزمت آنطرف نموده خان خوارزمی را کشته محمد طایر خان پسر او را اوزبک را حاکم کرد بعد از مادری شاه در سنه یک هزار و دویست

سردار ایلدیز ابن جوح او بیاق ابن محمد امین او بیاق حاکم آنجا شد و همیشه افتخار آنجا بخدمت و بر کردید کی سلاطین صفوی بود و کمال اطاعت و خدمت بدولت علی ایران میکردند و بهین واسطه چند سال بود که اولاد ایلدیز در حکومت آنجا متمکن بودند چنانکه بعد از ایلدیز محمد حسین خان بود بعد پسرش الله قلی خان بود بعد از آن که در عهد خاقان خلد آشیان فقهلی شاه مبرور بود و کمال خدمتگذاری و اطاعت داشت و همیشه در ارسال سب و عرض آن و انفا و پیشکش بیچ فرو می گذاشت بعد از رحیم قلیخان که حکومت بر او محمد امین خان رسید در زمان دولت شاهنشاه مبرور اولیای این دولت بواسطه بعد مسافت و کم آبی و صعوبت راه اعتنائی با نکرده او هم فرصت غنیمت شمرده از خدمت و دولت کناره گرفت سهل است که پس از چندی بخمال تصرف مرو که رعیت مخصوص این دولت ابدایت است افتاده اسباب تسخیر مرو را فرستاد هر دو سال یکبار به مرو می آمد و از آنجا با رسم زکوة چیزی می گرفت و معاودت میکرد و اولیای این دولت و حکام خراسان هم اعتقاد نمودند و رسم ازین بی اعتنائی جری شد تا درین عهد که الی الابد پاینده باد نیز در سنه هزار و دویست و شصت و نوزده حکومت و ایالت مملکت خراسان بعبده نواب جام السلطنه محول بود محمد امین خان از حقوق برای اخذ زکوة و مطالبه باج مرو شکر کشید نواب مغزی الیه بر حسب امر سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی صان الله ابام شوکت عن التناهی چند فوج از افواج پهلوانان با توپخانه مامور نمود و بجمایت مروی شکست فاحش باو داد بی بیل مقصود و مخدول و منکوب معاودت نمود و بدتی رسم قتل در مرو بود اگر چه اولیای دولت خیال اموریت قشون برای

۱۳۸۹



استقام امور آنجده داشته لیکن بجهت فخط و غلای شیء  
 که در مر و حاصل شد و ذخیره و آذوقه بجلی نایاب بود  
 اولیای دولت بمقتضای وقت قشون را از مر و معاودت  
 دادند و بدین واسطه تنبیه محمد امین خان بعهده تعیین و بر  
 ماند اما در انظار وقت و انتها فرصت بودند که درین  
 محمد امین خان را ماده خود سری در دماغ جا کرده اطا  
 و خدمت را بگردن کشتی و هرزه درانی مبدل ساخته  
 بیت هزار قشون او را کجی و حیویتی را بر سر خود کرد آورد  
 بمضمون اینکه صید را چون اجل آید پی صیاد رود و در  
 سینه بار سنبل که فرمانفرمانی خراسان بعهده کفایت  
 نواب مستطاب شاد برزاده فخر فریدون میرزا فرمانفرما مقوض  
 بود و برآمده از آنجایی آنکه تا مل کند و بیند که از ادای جواب  
 جتا رت بقیه و اینقدر جتاری که تازه کرده میتواند بر  
 یا کفر آنرا باقی و ج خواهد دید بی تماشای قشون بر سر سر  
 که رعیت مخصوص و ایل ترخان این دولت است و نسا  
 مالی سرخس مراتب را بنواب فرمانفرما معروض داشته  
 است و ولستعانت بکنند نواب معزی الیه نیز بموجب  
 اذن و اجازه اولیای دولت قاهره در اول مقدمه پیش  
 عالیجاه سخنان سبزواری را با رسید سوار خراسان  
 روانه نمودند و متعاقب آن عالیجاه محمد حسن خان سرتیب  
 فرج فرامانی را با دود فرامانی و یکفوج کزوسی و چهار  
 توپ و هزار سوار فرستادند که پانصد نفر از آن سوار  
 با یلغار محمد حسن خان سبزواری برساند و پانصد نفر دیگر را  
 خود داشته به راه پیاده نظام و توپخانه سبزواری عالیجاه  
 سرتیب نیز از فرار فرمایش نواب شاد برزاده فرستار  
 پانصد سوار را بمغلا روانه ساخت و خود نیز متعاقب آنها  
 باقی در بند رفت نواب شاد برزاده هم در روز نهم شهر  
 جمادی الثانی با افواج و سواره عراقی و ششانی و ده هزار  
 توپ حرکت کرده بجانب سرخس تنگ عزیمت تاخت و در روز  
 سخنان سبزواری میرخس قشون حیویتی مستحضر شده  
 بقدر دویسوار او زنگ از سرخس گذشته سوار حنیان  
 جلوی گیری کردند این سواره هم باک و هم از قلت خود گذشت  
 صد و نکرده باقبال بیروال همایون اعلیحضرت شاهی تکیه کرد  
 پای ثبات در میدان جلادت افشرد و خصم را شکست فاحش  
 داده از پیش برداشتنه بکلم کم من فینیه قلبیه غلبت فنیته  
 کینه ریاده از جیت نواز زنگ را بی سر کرده پی سپر  
 دار الفراسا حقه و خود صحیحاً سالیابی اسیب و کزندی  
 وارد سرخس شد و روز دیگر آن پانصد سوار دیگر متعاقب  
 آمد و سرخس وارد شدند خبر رسیدن سواره دولتی سبزواری  
 و آمدن محمد سخنان سرتیب و افواج و توپخانه باقی در بند  
 سخنان حیون رسید و پیش دستی بنجا حاضر شده فوراً  
 جمعیت کثیر با دقتون سابق خود فرستاده حکم تجمیع سرخس  
 و او خود نیز متعاقب آنها با قشونی بجهت مر قریب چهل هزار نفر  
 که از طوایف و اوایات جمشیدی و قریابی و تمینی و مینند و  
 شیرقان و ساوور و پرطوایف ترا که فراسم آورده بود  
 حرکت کرده بجانب سرخس روانه شد چند روز قبل از رسیدن  
 خودش به سرخس که سواره و پیاده او بدو در سرخس  
 می آمدند همه روزه سواره خراسانی و سرخی بیرون آمده  
 محاربات دلبرانه میکردند و درین چند روزه چند عا د و توپ  
 و صف شکن و بعد پانصد قرضه شحال و اسب و شتر بسیار

پانصد سوار را بمغلا روانه ساخت و خود نیز متعاقب آنها  
 باقی در بند رفت نواب شاد برزاده هم در روز نهم شهر  
 جمادی الثانی با افواج و سواره عراقی و ششانی و ده هزار  
 توپ حرکت کرده بجانب سرخس تنگ عزیمت تاخت و در روز  
 سخنان سبزواری میرخس قشون حیویتی مستحضر شده  
 بقدر دویسوار او زنگ از سرخس گذشته سوار حنیان  
 جلوی گیری کردند این سواره هم باک و هم از قلت خود گذشت  
 صد و نکرده باقبال بیروال همایون اعلیحضرت شاهی تکیه کرد  
 پای ثبات در میدان جلادت افشرد و خصم را شکست فاحش  
 داده از پیش برداشتنه بکلم کم من فینیه قلبیه غلبت فنیته  
 کینه ریاده از جیت نواز زنگ را بی سر کرده پی سپر  
 دار الفراسا حقه و خود صحیحاً سالیابی اسیب و کزندی  
 وارد سرخس شد و روز دیگر آن پانصد سوار دیگر متعاقب  
 آمد و سرخس وارد شدند خبر رسیدن سواره دولتی سبزواری  
 و آمدن محمد سخنان سرتیب و افواج و توپخانه باقی در بند  
 سخنان حیون رسید و پیش دستی بنجا حاضر شده فوراً  
 جمعیت کثیر با دقتون سابق خود فرستاده حکم تجمیع سرخس  
 و او خود نیز متعاقب آنها با قشونی بجهت مر قریب چهل هزار نفر  
 که از طوایف و اوایات جمشیدی و قریابی و تمینی و مینند و  
 شیرقان و ساوور و پرطوایف ترا که فراسم آورده بود  
 حرکت کرده بجانب سرخس روانه شد چند روز قبل از رسیدن  
 خودش به سرخس که سواره و پیاده او بدو در سرخس  
 می آمدند همه روزه سواره خراسانی و سرخی بیرون آمده  
 محاربات دلبرانه میکردند و درین چند روزه چند عا د و توپ  
 و صف شکن و بعد پانصد قرضه شحال و اسب و شتر بسیار

۱۳۹۰

و سرفزون از شمار آنها می گرفتند در روز و در خان خنوق  
 بد و سرخس نواب هزاره فرمانفرما با قشون ظفرنون باقی در بند  
 وارو شدند و محمد حسن خان سرتیب با افواج دو پانچا نیشی  
 سرخس رسیدند لیکن نواب والا بکر و زبجد از و رود باقی در بند  
 که خبر غزیت خان خنوق و جمعیت او را شنیدند در شب دو  
 سلج جهادی الثانی نواب محمد یعلی میرزا و مقر بونجا خان  
 ایلیخانی و شاهزاده محمد یوسف افغان و امیر خان سرتیب  
 قورنت بیکلو و محمد حسین خان هزاره را با دو هزار سوار صوبه  
 از آق در بند که تا سرخس پانزده فرسخ خراسانی است روان  
 ساختند خان خنوق نیز همان روز دو شبانه با آن جمعیت که  
 فزون از چهل هزار بود بد و سرخس آمده اقدام بجاریه نمود  
 که شاید قبل از رسیدن قشون کلکلیه و توپخانه دولتی کاری از  
 پیش برود ولی غافل از آنکه هر که بیهوده کردن افراز دوشستن  
 زکردن اندازد قشون خود را حکم بتخیر سرخس داد و خود در سر  
 تلی که مشهور است بقالو پشته و درست شرقی سرخس واقع است  
 و دو هزار قدم تا سرخس مسافت دارد چادری برافراشته  
 با خواص و اعوان و اصحاب خود فرار گرفت از قلعه سرخس  
 در اول و حلقه پیش تا حسن خان سبزواری با سواران حاکمان  
 از طرف دروازه جنوبی که غلبه قشون خوارزمی بود بیرون  
 آمده سرخس هم غیرت و عصیت کرده بیانات اجتماع آنها  
 ذکر آنصف از دروازه جنوبی سرخس و بنی از دروازه شمالی  
 بیرون آمده دست بمقابل و مقابله کشوند و قشون خنوقی را  
 منهزم ساخته قریب سه هزار سربا اسب و شتر بسیار و  
 شحال و فلک بی شمار و یک عراده توپ میجده پوند بزرگ و  
 شانزده عراده صف شکن و دو بیدق از آنها گرفته از جا  
 نین

قشون خنوقی را قریب انهزام و انعدام ساخته از پشته که خان  
 خنوق در آن قرار داشت که زانیند و حمله های مرده کرده  
 خان خنوق چون دشت سرخس را از خون بمشابه رود همچون  
 دیده خود را در غرقاب قماش بد نمود بمضمون کبریزی  
 سربرجای باز پهلوانی و سرزیر پای اسب خواست که شاید  
 از ورطه بلاکت جانی سلامت بدر بر چون براق آسب را  
 سکلل سجا هر کرده بود بلکه بقاعده سلاطین کوی طلا نیز در دوش  
 استوار داشت بمقادیر من حرج عن دیده قدمه بدر اساس جلالت  
 اسباب بگشاده شجاعان خراسانی و سرخی اسب  
 شناخته بقدر دولت سوار از دلبران و شجاعان خراسانی  
 و سرخی اسب بردی پشته تا خند و در شکا بیکه خان خنوق تازه  
 بر رکیب فرار گرفته بود خود را با در ساندند اصحاب و اعوان  
 که نرداو بودند هر یک اسب حاضر داشتند و سوار بودند فرار  
 نمودند و آنچه دستان با سب نرسید طمعه شمشیر آیدار شدند  
 تا اینکه خود او را باسی و دو نفر از بنی اعمام و محارم و خواص  
 که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل است بقتل رسانده سرخس  
 خود خان خنوق بنی امش که مشهور قاضی خوارزم عبداله محرم  
 دهنه  
 دار و غده محرم خدا مار که یکی از دولت یاران بیگان دیوان  
 صاحب منصفان مستبر بود  
 سردار بیجان نیاز قلی بیابان عبدالقوی یوزباشی حق نظر و یک باهی  
 دولت نیاز یوزباشی پسران خدای که تا وقت بای آق بر حکومت حاکم  
 پدرش حاکم نموده و شغال خنوق منمنه که با هزار سوار  
 بگو که آمده بود  
 یک مراد بای سلطان بکر از روسای محرمین سردار که تا  
 ننگه قراباب بنین قراباب باخته خنوق با هزار سوار از شاه میرزایاب است  
 می آمد

۱۳۹۱

صحت نیاز خان سپهراض خان که از دوسای شمس است جدا کرد  
 زو سسیرین را دلبران دیگر بریده چشم سنان ساخته و از سایر  
 صاحب منصبان آنچه مشخص شده دولت و مقام ذکر شده است  
 میر احمد خان جمشیدی هم زخم کاری برداشته در روز چهارشنبه و هم  
 شهر ۱۲۶۱ که روز عید نوروز و نیز در سال هایون فال توشقان  
 بود زو سسیرین را بار دو خدمت نواب و الا فرما فرموده آوردند  
 و آن دو هزار سوار که نواب مغزی الیه با بلغار فرستاده بودند  
 در وقت غروب همان روز دوشنبه چینی رسیدند که خان چوق  
 مقبول و قوشن مکتوب و محذول شده بود و بجهت مکی وقت جنگی  
 راکب و مرکوب شب را آرام گرفته صبح بتعاقب قشون شکسته  
 خیوقی شتافتند و نواب هزاره هم سر مارا البجانب علیجا  
 رضا فلیخان نایب شیک آقاسی با شنی بجا پاری روانه در بار  
 هایون نموده شب سیزدهم شهر جیب المرتب که شب عید بود  
 مسعود جناب امیر مؤمنان اسد الد الغالب علی ابن ابیطالب <sup>علیه السلام</sup>  
 بود خبر قل خان خیوق رسید در شب پانزدهم عالیجا <sup>صلی</sup>  
 با سرنا وارد کرده در روز شنبه نوزدهم در سلام عام بعض  
 خاکپای هایون رسانند و از آنجا که از بزرگ زادگان آباد  
 بودند و آباد اسداف آنها بساطین جنت مکن این دولت جای  
 خدمت کرده و منتب بکت حنیف احمدی و شرع شریف محمدی  
 صلی الله علیه و آله بودند احضار سرهای آنها را بحضور هایون <sup>موقوف</sup>  
 داشته امر و مقرر فرمودند که در کمال احترام تغیب و تکفین نموده  
 در جای مناسب فون سازند  
 دیگر در ضمن روزنامه خراسان نوشته اند چون به سال معمول بود  
 که چند روز قبل از عید سلطانی فرشتای استاز مقدسه رضوی  
 بیرون آورده در میان سخن کرد و خاک آنها را می نشاند

۱۳۹۲

درین سال وقف نامه بیرون آمده بود که ده روز بعد با نده  
 فرشتای استاز مقدسه را با علمهای حضرت رضویه و نقاره  
 و جمیعت خدم و غیره بطریق برده و خدم را در آنجا ضیافت نمودند  
 فرستار را در آنجا افتانده و از کرد و عبا ریاک نموده بروضه  
 بیاوردند مقرب الخاقان وزیر نظام هم امسال از فرار همان  
 معمول داشته و تمامی خدام را شام و نهار داده اند و فرستار  
 تکانه با علم و نقاره و احترام تام بروضه تقدیم آورده اند

### استرآباد

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در ماه رجب برف  
 شدیدی در آنجا آمده است بطوریکه از کوهکلان تا فیدیک که عابر  
 و سردین عبور میکردند برف تا زانوی آمده است مقرب الخاقان  
 محمد و نجان بیکریکی استرآباد در آن اوقات در میان <sup>مناظر</sup>  
 امور آن صفحات مشغول بوده است سرباز حاجیلر با استرآباد  
 بوده اند و عالیجا بهیر محمدی لکرنویس که مامورین نوکر استرآباد  
 مشغول دیدن آنجا بوده است در دو آردم ماه رجب در وقت  
 نارسج زلزله در آنجا شده بود ولی از فرار یک نوشته بودند از کشتی

### نرسیده است

### اعلانات

اسبانی فروخته میشود بقاعده هراج و خانیستری نزدیک سفارخانه  
 بیته انگلیس از جمله فروش و تحت و یک حمام فرنگی و ظروف و چینی  
 چادور و تصاویر و قطعات فرنگی از چند قسم و ده قبضه تفنگ  
 هر کس خریدار باشد در روز دوشنبه اینماه وقت ظهر <sup>سجده</sup>  
 خریداری نماید

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه شعبان المعظم بن سال توستان میل ۱۲۷۱

نزهت و بیت و یک

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهه

ه تومان و چهار برار

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار سطر یکبار در یک

بسته هر سطر پنج



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از روز چهارشنبه بیت و سیم ماه حیب که از فضل  
جناب اقدس الهی باران آمده بود در هفت گزشته  
شد تا این اوقات اگر چه هوا گاهی ابر و بعضی اوقات  
کجایش تر شوی داشت ولی بطوریکه مطلوب فصل و  
موسم است بارندگی نمی شد تا عصر روز جمعه که فردا  
آن روز اعلیحضرت اقدس همایون شانشاهی عین  
میدان اسب دوانی داشتند از مویدات اقبال نیز  
همایون باران بسیار خوب تا ساعت از شب گذشته  
آمد که زمین سیراب و آب در کوهها از جویها و نهرها جاری  
شد و شب هم با بزمجه دایبارندگی کرد و باقتضای  
فصل بسیار مطلوب بود صاحبان املاک و زراعت و عموم  
امالی ولایت امیدواری کامل حاصل کرده تقدیم شکر  
نمودند

و پیاده نوکریاب و تماشای بعضی سالها کرده و خاک زیاده  
احداث می شد درین روز چنانچه نوشته شد در شب  
قبل باران خوب آمده بود و راه عبور موکب سیروزی کوکب را  
از کرد و غبار شده و زمین تر و حرمت بود بسیار خوشتر از سابق  
دیگر گذشته و بقرار معمول هر سال از حرکت موکب همایون تا  
ورود به عمارت اسب دوانی در سه جاشیک بنبرک شد  
و با کمال آراستگی اهل سلام و صاحب منصبان نظام در حضور  
مبارک حاضر شدند و افواج قاهره و سواره نظامی  
شبهه و اکثر خلق دارالخلافه از صغیر و کبیر بجهت زیارت وجود  
مبارک همایون و تماشای اسب دوانی دور تا دور میدان  
جمع گردیدند بعد از آن اسبهای سوکانی را که از صطبل  
وسایر شاهزادگان عظام و امنای دولت علیه استوفان  
گذاشته بودند دسته دسته باهم قوشه نمودند و گشتا  
وجه نقد بجهت هر دسته که مبلغی معین است در پیروی میرفتا  
گذاشته شروع باسب دوانی کردند و هر کدام از اسبها  
اعلیحضرت شانهای و سایر شاهزادگان عظام و امنای  
دولت علیه و امرای کرام که پیش آمدند بنوبت جایگاه سوکان

۱۳۹۳

انها وجه انعامی شایسته را دریافت نموده بعد از نماز شب  
اسب دوانی موکب بپایون مبارک مبارک که سلطانی هم  
بترتیب شلک زنبورک معاودت فرستاد

در روز دوشنبه ششم سرکار اقدس بپایون شایسته

تشریف فرمای خانه جناب جلالت آفتاب شرف ارفع  
گردیدند و از جناب جناب معظم تقدیم قربانی و پیشکش  
پای انداز گردیده بنا بر آنجا صرف فرمودند و تا عصر  
در خانه جناب معظم تشریف داشتند و از برکت قدم  
بینمت لزوم اقدس بپایون شایسته امروز راتاشام

باران نرمی که اهل زراعت فایده آنرا سببه حاصل بهترین  
باران شدید میدانند باریده نهایت خورسندی

امالی دارا خلاصه حاصل گردید علیحضرت شایسته بعد از  
صرف عصرانه و جای بازگ مبارک که سلطانی معاودت  
فرمودند

در شب شنبه نیز از تفضلات خداوندی باز شروع  
نموده باران بسیار شدیدی آمد بطوریکه شش ساعت  
متصل بارید و بنزد و کوهها مملو از آب شد و تلویش سیل و جزا  
بود و بعضی از آبنی و عمارات که از حشت و کل بود هم  
خرابی رسید و دزین بهار اگر چه چند دفعه بارندگی شده  
روزنامه نوشته شد و لیکن باین شدت که در شب  
بارندگی کرد تا این اوقات نکرده بود و عموم امالی دارا  
خصوصا صاحبان املاک و زراعت ازین نزول رحمت  
بینهایت فرین و فورست و شادمانی گردیده بشکرت  
اقدام دارند

نظر بطور رحمت ملوکانه در باره مقرب انخافان جهانسویان

امیر انور و استقامات او در خدمات محوله بخود که مقبول و مستحسن  
اقدس جانان افتاده در روز اسب دوانی یکم شب کلید  
گرمانی خوب از طبیبس بدن مبارک بمقرب انخافان شایسته  
برسم خلعت رحمت فرمودند

باقضای عدل و انصاف و مراقبت کامله که اولیای دولت علیه  
در ترویج امور تجارت و مراعات خاطر تجار دارند وصول  
ایصال مطالبات حقانه آنها را زیاد منظور داشته و میداند  
و چون طایفه شایستهها و در اسلطنه تبریز از جمله بهترین  
تجار میباشند و از قدیمی رعایای دولت علیه و همیشه مورد  
التفات و مراعیه اولیای دولت علیه بوده اند لهذا در حق  
عالیشان آقا محمد قاسم تاجر تبریزی که از آن سلسله و طایفه  
در رعیت دولت علیه است مرحمت خاص مبذول فرموده بآن  
وصول کل مطالبات را لیه فراموشی دادند و محض کمال رحمت یکم شب شایسته

نیز برسم طلب شایسته

تفصیل ورود جناب کفالت نصاب چارس کتسری  
وزیر مختار و ایلمی مخصوص دولت انگلیس بدار استخلاف  
در روزنامه قبس سمت تظیر و تحریر یافته است سه روز  
بعد از ورود روز شنبه ۲۹ شهر رجب المرجب مقرب انخافان  
شهبازخان قویا اول باشی از طرف قرین الشرف جانان  
بسفارتخانه رفت جناب معزی الیه و سخن اجزا و جناب  
سفارت را دعوت بحضور مبارک نموده موافق تشریفات  
مداوله ایشان را بکثرت کجانه مبارک وارد کردند و از آنجا  
امیر الامار العظام مقرب انخافان محمد ناصر خان یکم شب  
باشی برسم و این معموله جناب معزی الیه و اجزای سفارت  
بانام مودت بخنامه در مجلس خاص شرف اندوز بزم حضور

۱۳۹۴

همایون ساختند احوال طرز آداب و اطوار جناب معزی لیس  
 در پیشگاه حضور همایون موقع استیذان پذیرفت چنانچه  
 سرکار همایون با کمال میل با الفاظ دربار کوهنرشار جناب  
 معزی الیه را مورد نوازشات ملوکانه فرمودند و بعد از  
 از حضور مبارک با افراد صاحبان سفارت بلافاصله  
 بلافاصله جناب اشرف امجد ارفع صدراعظم رفته بعد از  
 تعارفات و صحبتها محبت آمیز بهمان ترتیب که آمده بودند  
 معاودت بفراتخانه نمودند روز دیگر نیز جناب اشرف  
 امجد ارفع باز دیدیشان تشریف برده شرایط دوستی و محبت  
 بعمل آوردند و روز پنجشنبه دویم شهر شعبان المعظم نیز جناب  
 معزی الیه از جناب نظام الملک دیدن کردند و در صحبت  
 ششم هم جناب نظام الملک باز دیدایشان اقدام نمودند  
 در روز پنجشنبه پنجم شهر شعبان رمضان نامی که یکدفعه دزدی  
 و بقطع بد سیاست شده در ثانی باز مرتکب سرقت شده  
 و دو کوشش او را بریده بودند باز فایده بحال او نگردید  
 دزدی کرده بود این دفعه دست دیگر او را قطع کرده بودند  
 دست او سرقت بر نه داشته از زیادتی لعنت بیخ طویل  
 کرده بقتل انداخته می گشت و دزدی میکرد تا اینکه  
 در این اوقات سزای محسوس دزدی فرستاده او را  
 گرفتند حسب الامر اقدس همایون نیز نواب مستطاب نیز  
 و الا تبارار شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع  
 آورده نواب معزی الیه حکم نمودند که او را برای اعمال  
 خود برسانند

و همچنین حیدر نامی بر دزدی که یکدفعه دزدی کرده و دست  
 او را بریده بودند دفعه دیگر باز دزدی کرده و هر دو کوشش  
 او را بریده بودند درین اوقات در محله عود لاجان دزدی  
 رفته بود او را گرفتند حسب احکام نواب مستطاب نیز نواب  
 او را هم قطع کردند

و همچنین علی نامی ترک بخانه ضعیف هرندی دزدی رفته بود  
 او را گرفتند نیز نواب مستطاب نیز نواب مستطاب نیز نواب  
 بعد از تنبیه مضبوط هر دو کوشش او را بریده و چهار کوشش  
 بیازار کردند

سایر ولایات

استرآباد از قرائیکه در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند مقرب انخاقان محمد و لنجان بیکریکی استرآباد  
 بانو کرآترانی و سه عواده توپ درین اوقات در نوده  
 و رامیان و مستطاد وصول باقی نوکر استرآباد چاشد که  
 آن صفحات را نظم کامل داده مالیات طوائف کوهک و امیرقان  
 و تاتار و و چچی و غیره که در آنجا سکونت بجایند وصول بر  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه سیرا مهدی لشکر نویس که از دیار  
 همایون مامور دیدن آن نوکر استرآباد بود درین روزگار  
 تمامی نوکر آنجا را اسان دیده و خدمات خود را انجام داد  
 درین اوقات که احضار دربار همایون گردیده است در  
 مدارک روانه شدن بدار الخلافه مبارک میباشد  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد و لنجان در اوقات رفتن  
 بکوهکلان عالیجاه محمد جعفر خان پسر خود را بجای خود در استرآباد  
 گذاشته و مشارالیه کمال قهار و حسن سلوک را با مالیات  
 سلوک میدهد

۱۳۹۵

### اصفهان

غلیخان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه چرا  
 نایب الحکومه آنجا همه روزه از طلوع آفتاب الی یکساعت از  
 شب گذشته اوقات خود را صرف انجام خدمات  
 دیوانی و رسیدگی بعلیض مردم مینماید  
 و همچنین سرباز و توپچی مشوق اصفهان همه روزه مشغول  
 میباشند و عالیجاه نایب الحکومه کمال اهتمام در تسویق  
 آنها مشغول دارد و با نهایت انتظام حرکت میکنند

دیگر در باب نظم و نسق زراعات خالصه و اربابی بلوکات  
 کمال رسیدگی دارد و نهایت اهتمام را نموده است  
 نوشته اند که هوا چند روز بسیار سرد شد و سرد ختی را  
 سرما زیاد زده است و در بلوک مابین نوشته اند که  
 آفت سن پیدا شده بود اما چندان شدتی نداشت

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا زکی همه روزه با مسو  
 اصفهان مشغول تفریح محاسبات آنجا بوده است  
 بیت و بنفتم ماه چیب اراده آمدن بکربلای معلوم نیست  
 دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی اصفهان را آنا  
 بنا و عمارت است و در کمال خوبی تعمیر مینمایند هر روز  
 خود نایب الحکومه سرکشی بجای آنها میکند و اغلب عمارات  
 خوب تعمیر شده و بعضی هم که ناتمام است در این اوقات  
 اتمام دارند که تمام نمایند

و چنین امر قراولخانههای شهر و خارج شهر در نهایت انضباط است  
 در قراولخانههای شهر و سواره اردو قراولخانههای خارج شهر مشغول محاربت میباشند

### مازندران

X

نوروز

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند در روز  
 سلطانی نواب هزاره احمد میرزا حکمران مازندران  
 مجلس عید را بسیار باشکوه و آراستگی ترتیب داده  
 علماء و فضلا و خوانین و اعیان ولایت در آن مجلس حاضر  
 شده اند و خطبه بنام اعلیحضرت قوی شوکت شاهی  
 خوانده شده روز عید و روز بعد از عید را هم شبها  
 چراغان کرده و روزها اساس جشن فراسم آورده اند

دیگر نوشته بودند که امالی مازندران کمال رضامندی از  
 حسن سلوک نواب هزاره و مراقبت عالیجاه میرزا است  
 وزیر دارند و نواب معزی الیه همه روزه از طلوع آفتاب  
 تا دو ساعت از شب گذشته در دیوانخانه نشسته  
 بعلیض مردم و امور ولایتی رسیدگی مینمایند

دیگر نوشته اند که در روز نهم ماه رجب که یوم عید بود  
 جناب ولایت نایب امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام  
 بود نواب هزاره مجلس عید مانند اعیان بزرگ که رسم  
 این دولت علیه است منعقد نموده و شهر را این بستان  
 نموده اند و جمیع اعیان و اشراف ولایت و خوانین عظام  
 و صاحب منصبان نظام مجلس مزبور حضور بهم رسانده عید  
 با کمال شکوه و آراستگی گرفته بودند

دیگر نوشته اند که چند روز بعد از عید نوروز باران شدید  
 در مازندران باریده و بعد از آن برف زیاد در آن  
 افتاده است بطوریکه در همه جا از بلده و بلوکات بقدیم  
 برف در روی زمین بوده است

# فارس

از فسرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتهامات  
 نواب مستطاب بنزاده و الا تبار موند الدوله کمال ائمت در  
 حاصل است و در او اخر ربيع الثاني و او ایل جمادی الاولی  
 چند روز بارندگیهای متوالی در اغلب بلوکات فارس کردیم  
 زراعت کاران چون بجهت نابوسی از باران زراعتی چند آن  
 بودند در بین نزول رحمت الهی و این بارندگیهای پی در پی  
 هر یک بقوه و پیشرفت تخم کاری و بندر فشانى نموده و بسبب  
 این بارندگیها در تمامی بلوکات و شهر زرخ غله تنزل نموده و کمال  
 دوز را بهم رسانده است و رفع تشویشی که از خشک سالی داشتند  
 شده و کمال امیداری برای امالی آنولایت حاصل گردیده است

دیگر در ضمن روزنامه شیراز نوشته اند که مبلغ شش هزار و شصت  
 تومان و چند اشرفی از خازن عالیجاه میرزا محمد علیخان ناظم الملک  
 سمرقند برده بودند مراتب بعضی نواب مستطاب بنزاده و الا  
 موند الدوله حکمران مملکت فارس سید چون منظم کلی بنو کریم  
 خود را رایه میرفت حسب احکام نواب معزی البه بعضی از آنها  
 گرفته تبس نمودند ولی تنخواه مسروق از جانی بر روزگرد تابشی  
 در وقت نماز که جناب غلام عبدالعزیز پیشماز در مسجد عالیجاه میرزا  
 ابوالحسن مشغول نماز بوده است ضعیف جنبه پیش روی او گذشت  
 و اظهار کرده بود که مال ناظم الملک است و خود رفته بود  
 تمام نماز جنبه را بنزد ناظم الملک فرستاده بود و چیزی از او  
 از تنخواه مزبور در میان جنبه بود ضبط نموده بود اما معلوم  
 که ضعیف که بوده و سارق کدام

دیگر از قرار یک نوشته بودند اسامی تباکو در صفحات فارس  
 از سالهای سابق زرع شده و بسیار و فورد دارد از جمله

متعارفی یکین هزار دینار و تنباکوی عطری ممتاز یک مری  
 شاهی است

دیگر در ضمن روزنامه فارس نوشته اند که بعد از تسخیر بند عباسی  
 و استقلال قشون و مامورین سرکار امدتس هابون شاهی  
 و آن صفحات نهایت ائمت حاصل است بعضی از مشایخ  
 در عابای آنجا که بجهت اعتنا س سابق بندر مزبور بیرون رفته  
 بودند درین اوقات بجهت حصول ائمت یکی با و طمان خود فیرا  
 کرده و مشغول کار و کسب خود و دعا کونی ذات اقدس مایلین  
 میباشد

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد ابراهیم خان سرتیپ فوج  
 که پس از تسخیر شدن بندر عباسی حسب الامر نواب مستطاب  
 شایزاده و الا تبار موند الدوله حکمران مملکت فارس مامور  
 با نظام صفحات لار بود درین اوقات امورات محول بخود را  
 صورت انجام و آن صفحات را نظم تمام داده پیش از مراد  
 کرده است

دیگر نوشته اند که در جدی و دلو که موسم آمدن باران بود  
 در صفحات لار چندان باران نیامده و مردم آنجا ازین مرحله  
 بسیار تشویش داشته اند و غله هم تسعیر بهم رسانده بوده است  
 تا اینکه در شب غره ماه جمادی الثاني از تفضلات الهی باران  
 شدید ریاد در آنولایت آمده است بطوریکه نوشته بودند فایده  
 در حوالی آنجا بارانداخته و ما لهای خود را بچرا سرداده بودند  
 از شدت باران دواب خود را نتوانسته بودند از صحرا جمع آور  
 نمایند و پنجاه شصت ریس الاغ آنها در آن شب از شدت  
 بارندگی تلف شده بوده و در شب سیزدهم ماه مزبور نیز باران  
 ریاد مجددا در آن صفحات آمده بود بطوریکه آب انبارها و کورال

۱۳۹۷



عذیراً کلاً ملو از آب شده و امالی آنجا ازین نزول رحمت  
زیاده شکر گذاری داشته اند

از قرار اخباری که از مسقط رسیده بود میرزا علیقلی نام ترک  
بجته پید کردن معادن سیاحت در آن اطراف میکرد

ماه ربیع الثانی بجزیره هرتز فرستاده معدن که عبارت از  
سرب و فولاد و نقره بوده است پیدا کرده و صید ثونی نامی

مسقط از سنگ آن معادن بمسقط حمل و نقل کرده و در آنجا  
کدامتند ازشت من سنگ نقره پانزده سیر نقره خالص

بعل آمده و از من سنگ سرب یک من سرب و از من  
سنگ فولاد نیم من فولاد بعل آورده است و عالیجا سعید

مشاریه را باز با اطراف مسقط فرستاده بود و در یک سفر  
مسقط معدن فیروزه خوب پیدا کرده و تا دهم جمادی

اشت من فیروزه خوب بعل آورده است بطوریکه حاج حسن نام  
سلاسی تاجر که فیروزه بجهت فرزندش با آنجا برده بوده است

از او کسی نمیکرفت و از میرزا علیقلی میخریدند و بجهت اینکه فیروزه  
او هم بهتر و هم مناسبتر بوده است و عالیجا سعید

فرار معدن فیروزه را با اینطور داده است که دو مثقال  
و یک مثقال میرزا علیقلی باشد

دیگر از اخبارات مسقط نوشته اند که در آن اوقات حضرت  
صید خالد ولد ارشد صید سعید خان که در سمت زکبار بود

رسیده ضمیر فوت داماد او و شکست قشون او در بند عباس  
گردید و بالفعل آنجا فی الجمله اکتفاشی دارد

دیگر نوشته اند که در بندر لنگه که جہازات تجاری لنگه انداخته  
در او از جہادی الثانی باد قوس وزیدن گرفته طوفان

شده بود که شش جہاز و چند تجارہ شکسته و غرق شده و از

فرارند کور بقدر دولت هزار تومان تنخواه تجاری که اکثر قهوه  
بوده است تلف گردیده است

### گرمانشان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب عالی  
حکمران گرمانشان در انتظام امر آن صفحات اهتمام کامل

و در دیکر و قرا سوران در سر راهها گذاشته اند و باین  
کمتری سرفت و دزدی میشود از جمله نوشته بودند که دو نفر

گرمانشانی بنقر فرقه اسبابی از میرزا رضانام شب قرت  
کرده بودند دزد بیکر و راه آنها را گرفت و بنقر برده

اموال مسروق را نواب امیرزاده علیقلی میرزا حاکم سنه از  
استرداد و بصاحبش تسلیم و آنها را بعد از تنبیه و سیاحت

شایسته بگرمانشان فرستاده و بالفعل در آنجا محبوس  
مستحق

دیگر نوشته اند که در شب عید مولود جناب ولایت ماب  
علی ابن ابیطالب علیه السلام نواب عماد الدوله شهر اچراغان کرده

و تشریف فرما نموده و روز ششم مجلس جشن برپا نموده سران شاه  
خواین عظام و اعیان ولایت همگی بجهت نواب معزی لب

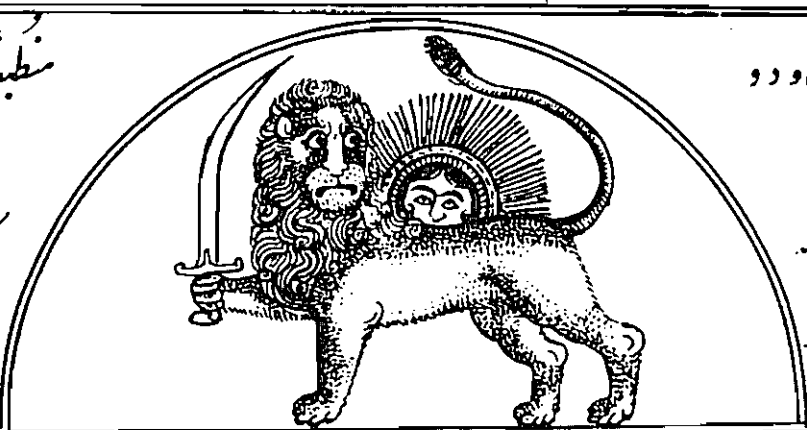
و جرای شلیک توپ بقانون اعیاد دیگر کردند و خطبه بام  
پادشاهی خوانده شده و آن روز را بعیش و شادمانی و شکرانه

و دعا کوفی این دولت ابدت گذرانده  
دیگر نوشته اند که در گرمانشان بعد از عید نوروز چند ان

بارندگی نشده بود مردم شوش بودند تا اینکه در بیت و یکم  
دو شب بارندگی کامل شده و امالی آنجا و زراعت کاران از

ایمنی اطمینانی به سرسانه بکار زراعت امبد و اگر گردیدند

# روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی یوم شنبه ۱۲۷۱

<p>منطقه دارالخلافه طهران قیمت اعلانات کلیط الاجار بر طر کله از ۱۰۰ بیشتر بر طر پرتخار</p>		<p>نزهت بیت و دو قیمت روزنامه یک نسخه شش ماهه در تهران و چهار هزار</p>
--	--	--

## اجبار داخله مالک محروسه پادشاهی

۱۳۹۹

<p>سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی سوار گردیدند اول میدان مشق بیرون دروازه دولت که افواج قاهره مشغول مشق بودند نیز فرما گشته تماشای مشق و حرکات نظامی آنها را فرمودند و زیاده پسند خاطر مبارک افتاده دو عراده توپ بزرگ ۳ پوند و ۲ پوند میان میدان ارک را که حسب الامتداد پرداخت و منت کرده بودند با پنج عراده خمپاره بزرگ از انبار قورخانه تخته تیراندازی بیرون آورده بودند در حضور مبارک تیراندازی کرده کلوله توپهای بزرگ یکی زمین و یکی هفت من و کلوله خمپاره که میان خالی بودند هر یک بیست و سه من وزن داشتند چاکلی و مهارت توپچیان در تیراندازی مستحسن و مقبول خاطر طوکانه افتاده مورد تحسین و انعام گردیدند و بعد از تماشای مشق افواج قاهره و تیراندازی توپچیان اعلیحضرت شاهنشاهی بقصر قاجار که درین اوقات کمال صفا و خرمی را دارد تشریف فرما شده تا بنجام عصر در آنجا تفریح فرمودند و نزدیک عروب قناب بارک مبارک که سلطانی و موقر سلطنت عظمی مرتبت فرمودند</p>	<p><b>دارالخلافه طهران</b> درین اوقات از نزول رحمت متوالی جناب قدس سبحانی و حسن اهتمامات انسانی دولت علیه کمال امانت و انتظام در دارالخلافه مبارکه حاصل است و مردم نهایت خرمی و انبساط را دارند و کسی را یاری حرکت خلافتی نیست و عموم مالی دارالخلافه از نوکر و رعیت و تجار و کسبه و غیره در این اوقات آسوده خاطر به غای ذات قدس جایون شاهنشاهی اقدام دارند هوای دارالخلافه در نهایت اعتدال است و بعد از بادانی که در روزنامه هفته گذشته نوشته شد درین هفته نیز باران نافع در دارالخلافه آمد و در اطراف غلبه احوالات بر دست و بارندگی میشود که همواره را سراسر برف گرفته است تسویشی که صاحبان املاک و زراعت از نیامدن حاصل شستند بکلی رفع شده است و امسال زیاد تر از سالهای دیگر زراعت کرده اند و از آفت سن که هر ساله در این نطقه داشت امسال اثری نیست نظر بصفا و خرمی اطراف دارالخلافه مبارکه در روز پنجشنبه گذشته</p>
--	--

چون مراتب کفایت و کفالت و حسن رفتار و کردار جناب  
 میرزا محمد صادق قایم مقام در امور معاملات و رتق و فتق  
 کلیه مهام آذربایجان از نظام و غیر نظام در پیشگاه حضور  
 هر ظهور نمایون بدرجه شهود و ظهور رسید درینوقت که حسب  
 برکاب مبارک شرفیاب شد محض کمال حرمت و عنایت عالی  
 بقطعه شان مکمل بالباس پوش و نوزین بمشان در مثال عالی  
 قرین غر و امتیاز گردید و بعد از انتظام امور متعلقه بخود آن  
 مرخصی از جانب سنی ایچوانب ملوکانه حاصل نموده در روز  
 شنبه بارزدهم بیابغ سردار نقل مکان نمود که روز شنبه  
 روانه آذربایجان شود

سرحدان جواز را قبول نخواهند نمود بجهت رفع عرض و شکایت  
 کمربچی سرحد و رسیدن خستارت بکرک از دیوان اعلی هم  
 یک مهر جواز جهت کل ممالک محروسه درست نموده و بجا  
 مقرب المحضرة العلیه میرزا عبد الله مستوفی کمربک سپرده که  
 من بعد در هر ولایت از تجار و دول خارج خریدی نمایند  
 بعد از تحقیق حال او و داشتن باش برزد و دادن صدیج  
 مال خود را بقانون کمربچی آن ولایت جواز بدد و صاحب جواز  
 نوشته جواز خود را مبرد و ولتی سفارتخانه رسانیده و بجا  
 نوشته جواز از نزد عالیجاه میرزا عبد الله مستوفی کمربک در دار  
 برده مهر جواز دولتی که در نزد اوست برساند تا بعد ازین  
 سایر تجار ایرانی با کمربچی باین اسم نتوانند تقبلی نمایند و  
 راهدار خانها و سرحد من بعد را بهیچوجه حرفی و معطلی وجهه تجار  
 دول خارج نباشد رفاه حال آنها و رفع شکایت کمربچی  
 خواهد شد و تجاری که از دول خارج در دار اختلاف میباشند  
 چنانچه بخوانند در ولایات خارج آدم فرستاده خرید نمایند  
 بعالیجاه مشارالیه اطلاع داده که بکمربچی های ولایت اطلاع  
 که خلافی نشود

امور اتقونی

چون در عمل کمربک تجار دول خارج که صدیج میدهند و جواز  
 از مباشرین کمربک میگیرند تجار ایرانی هم بجهت نفع خود با  
 کمربچی ماساختگی و تبلیس نموده با اسم تجار دول خارج جواز  
 میگیرند و ازین فقره بجهت کمربچی سرحدات قارض پوشاکی بود  
 و ضرر کلی باجارات و کمربکها میسرید و رهنه استند  
 قوشقان بن مهر جوار نخل ممالک محروسه را سوای آذربایجان  
 و کیلان و فارس که در آنجا ماقونول دول خارج میباشد  
 و تشخیص در رعیت ایران و سایر تجار دول میدهند و راضی  
 بضر کمربک هم نمیشوند کمربچی کمتر میتواند جواز سازی نماید در  
 سایر ولایات ایران قرار این است هرگاه تجار دول خارج  
 مالی خرید نمایند صدیج خود را بدهند و جواز بگیرند میباید  
 نوشته جواز خود را بدار اختلاف فرستاده بجهت هر یک از دول  
 خارج در سفارتخانه دولت متبوعه خود مبرد و ولتی برساند  
 که در راهدار خانها و سرحد بجهت ایشان وقتی نباشد و هرگاه  
 مهر دولتی نداشته باشد موافق قاعده در راهدار خانها

چون  
 جمینصان  
 پوچیان و افواج قاهره همه روز مشغول مشن مستند و عموم صنایع  
 کمال اهتمام را در تعلیم سربازان دارند و بوجب قرارداد  
 امیرالامراء العظام سردار کل روزهای شنبه را از ایام هفت  
 افواج قاهره در بالای میدان اسب دوانی تیر اندازی مینمایند  
 درین اوقات نظربشایستگی عالیجاه میرزا صادق خان پسر مقرب  
 مشیر الدوله انامی دولت قاهره بجهت اشاره العلیه سربشکی

۱۴۰۰

فوج جدید شقاقی را بعالیجاه شراییه مرحمت و در ازای منصب  
 مزبور یک طاقه شال باو خلعت عنایت فرمودند  
 چون سخنان سرسنگ فوج اردبیل و مشکین نتوانست اغیبه  
 نظم آن فوج براید و بسیار بی نظمی کردند لهذا سرسنگی فوج بوزیر  
 عالیجاه نتیجه الامراء العظام حسنعلی خان پیشخدمت خاصه  
 که حسن خدمت و قابلیتش در نظرهایون جلوه گردید و است حمت  
 و یک طاقه شال خوب نیز باو عنایت فرمودند و از دربارهایون  
 اذن مرضی حاصل نموده درین اوقات همراه مقرب انخاقان  
 قایم مقام روانه اذربایجان است

### سایر ولایات

**استرآباد** از قراریکه در روزنامه این ولایت  
 نوشته اند مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکلر بیکی استرآباد  
 عالیجاه قلیخان یوزماشی را با یکصد نفر جمعی مشایخه  
 قراولی سیاه بالا و اطراف شهر که داشته بود در آن اوقات  
 چند نفر از اشرا سررنگان بغرم تاخت و تاز بان صفحات آمد  
 بودند و دو سه نفر آدم با چند ریس مال برده بودند بعالیجاه  
 شراییه آنها را تعاقب کرده و یک نفر از آنها مقول چند نفر  
 زخمدار گردیده چند نیزه و تفنگ و قرامینا از آنها بدست  
 آمده باقی اسیر و مالی که برده بودند بجا گذاشته مخد و لاو  
 مشکو با فرار کرده اند

دیگر از فراریکله تعبیر اجناس استرآباد و درین اوقات نوشته  
 بودند ازین قرار است

- شالی بوزن بلده یکخوار یکتومان
- برنج غنبر بودسی یکخوار دو تومان
- گوشت یکمن چهارعباسی

- روغن یکمن چهار هزار
- کندم یکخوار هفت هزار
- عدس یکخوار سیزده هزار
- باقلا یکخوار سیزده هزار
- پیه که اخته یکمن دو هزار
- قد بوزن بلده یکمن دوازده هزار
- شکر سفید بوزن انصاف یکمن هشت هزار
- بنات بوزن انصاف یکمن دوازده هزار
- میزم یکخوار چهارعباسی
- ذغال یکخوار یکریال
- اسن یکمن دوریال
- شکر سرخ بوزن یکمن یکریال

### خراسان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات  
 کمال امنیت در آنجا حاصل است و مقرب انخاقان وزیر نظام  
 در غیاب نواب مستطاب شایخزاده مخمس و الاتبار فرمانفرما  
 امور آنولایت از هر جهت و حیثیت منظم و مضبوط دار  
 و امالی آنولایت در نهایت فراغت و آسودگی بدعا کونی دانست  
 اقدس هایون شایخزاده شغال دارند

دیگر نوشته اند که خبر سکت قشون اورکچی و مقبول شدن  
 خان خلیق که بهرات رسیده بود معرب انخاقان ظمیر الدوله  
 شهر امین بسته و چراغانی نموده اجرای شلیک توپ کرده  
 و آورند جبر النعام خلعت داده بود

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شایخزاده مخمس فرمانفرما از  
 سرخس پانزده فرسخ بسمت مرو گذشته و قشون شکسته

۱۴۰۱

خونی آنچه از دم شش شکر فیوزی ارجان بر برده اند  
 بست خوق فرار کرده اند و ریش سفیدان مروخت نوا  
 شاهزاده آمده اظهار تقیاد و اطاعت این دولت قوی با  
 کرده اند چون طایفه قریاب درین فترات اغلب اوقات  
 هرزگی و فساد می شده اند نواب معزی الیه بفرم تبیه آنها حاکم  
 فرموده اند

بلوکات دارد و که خدا بان دریش سفیدان قرار خالصه  
 اربابی را قدغن یک نموده است که لوازم اتمام را در زراعت  
 بعمل بیاورند و بقدر کفایت بذریعہ سیفی بهر یک از قرار  
 و اربابی داده است و هم چنین در تنقیه مادیهای اصفهان  
 عمده و آدم که داشته است که مادیها را تنقیه نموده پاک کنند

دیگر نوشته اند که در سیزدهم عید نوروز در ارض اقدس  
 جایهای خرابان هوا بشدت سرد شده بوده است بطوریکه  
 آبهای بسته و سرد رختی را سبز زده بود  
 مقرب انخاقان وزیر نظام از قراریکه در روزنامه انجا نوشته بود  
 علی التوالی وجه نقد و آرد و سایر آذوقه بار دوی نواب  
 شاهزاده میفرستاده اند

دیگر نوشته اند که عمارت نیراجریب خرابی بهم رسانده بود  
 عالیجاه مشایخه بنا و عمده گذاشته است که تعمیر حوض  
 عمارت انجا نموده و بنا و انجا اشجار غرس نماید  
 از اتمام عالیجاه نایب الحکومه در اصفهان و فرود آمدن  
 هر چیزی فراوان و از زمان است کندم بکین سید دنیا  
 جو بکین بکعباسی نخود یک من دو عباسی گوشت یک من  
 یک هزار و یکشاهی و سایر اجناس انجا هم از این قرار است

دیگر نوشته اند که چون صحن جدید روضه رضوی علیه الاف  
 و التیمه آب جاری نداشت مقرب انخاقان وزیر نظام قرار داد  
 که چهار حوضی خوب در وسط صحن مزبور بنا کند که آب  
 با انجا جاری شده و از انجا باز که نشسته بهر مزبور برود  
 و در این اوقات بنا و عمده در کار و مشغول ساختن چهار حوض  
 مزبور میباشند

دیگر نوشته اند که در ضمن روزنامه شیراز نوشته اند شخص بیاتی  
 آدم خود را بهی بیزار فرستاده بود آدم او دیر آمده بود  
 مشایخه تغییر کرده لکدی به بچلوی آن آدم زده بود فوراً  
 بلاک شده و شخص مزبور حسب الامر نواب مستطاب مؤید الدوله  
 مجوس است تا حکم آن بشود

### فارس

و هم چنین پل آق در بند خرابی بهم رسانده بوده است مقرب  
 وزیر نظام وجه نقد و بقدر سیصد خروار آرد و بنا و عمده  
 اسباب و اندیشه که پل مزبور را در کمال استحکام بنا کند

دیگر نوشته اند که امور آولات از اتهامات نواب مستطاب  
 مؤید الدوله قرین الضباط و انتظام است و نواب معزی الیه  
 بفرایض عموم المالی انجا بحال وقت در سیدکی دارند و اگر بنده  
 از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر شده باشد در مقام رفع  
 برمی آیند و المالی انجا از این معنی آسوده و بگلونی اقدام دارند

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه آولات نوشته اند در این اوقات  
 که موسم صیفی کاری است عالیجاه چراغعلی خان نایب الحکومه  
 اصفهان نهایت اهتمام و وقت در رسیدگی در صیفی کاری

برای اتمام و وقت در رسیدگی در صیفی کاری

۱۴۰۲

### بروجرد و لرستان

چون طایفه سگوند لرستانی سالها برقت و شرف  
 عادت کرده بودند درین مدت که نوابش هزاره و بالا  
 احتشام الدوله در میان جمیع طوایف آن صفحات نظر کامل  
 داده اند طایفه نربور را هر چه از بزرگی و شرافت منع و با  
 و انقیاد دلالت کردند آنها بواسطه جای سخت و سفناقا  
 که داشتند سر نخد مسکذاری فردونی آوردند و درین اوقات  
 بعضی از طوایف لرستانی را هم که رعیت بودند و مالیات  
 میدادند میان خود برده بکلی سر از اطاعت باز زده و  
 راه قوافل آمده دست اندازی بمال و حال قوافل میکردند  
 نواب معزنی البه در صد جنبه و کوشمال آنها بر آمده بعد از  
 ورود عالیجاه مقرب انخافان علیسقی خان سرینو  
 شاهزاده عالیجاه مشارالیه را با فوج گزازی و نوکر لرستانی  
 مأمور جنبیه آنها نمودند طایفه سگوند پشای سک جانیا  
 که داشته با قشون مأموره از در مقابله و مقاتله درآمدند  
 چند روز مابین نزاع و قتال در گرفته چند نفر از رؤسای  
 آنها که بهتور و جلادت مشهور بودند مقتول و باقی محصور  
 از در استیمان درآمدند عالیجاه علیسقی خان در اوقاتی که  
 نواب احتشام الدوله در دزفول بودند مراتب را خدمت  
 نواب معزنی البه عرض کرده مقرر شد که گروهی معتبر از آنها  
 گرفته و اموالی که از مردم تبعیدی برده اند استرداد و مالیات  
 آنها را بخیطه وصول در آورده بعد از انتظام امر آنها بدزفول  
 خدمت نواب شاهزاده بیاید عالیجاه مشارالیه نیز خب المقرر  
 معمول و آنها را بمقام اطاعت و انقیاد در آورده بدزفول  
 کرده است نواب شاهزاده حسن شادت و خدمتگذاری عالیجاه

علیسقی خان و نوکر ابوالجهمی او را بدر بارها یون عرض نموده  
 مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیدند  
 دیگر در ضمن روزنامه بروجرد نوشته بودند که قبل از عید با  
 در آن ولایت شده بود و بعد از عید هم تابیت و چهارم  
 ماه رجب بهمان منوال بخشگالی گذشته الهی انجام اضطرار  
 زیاد داشتند و بعضی از ایلات لرستانی نیز بسبب عدم  
 از اماکن و اوطان خود متفرق شده به بروجرد و آن صفحات  
 آمده بودند و نرخ کندم خرواری سه تومان رسیده بود  
 تا در بیت و چهارم رجب المرجب از تفضلات خداوند  
 بارندگی کامل در بروجرد و آن صفحات شده تسویشی که مردم  
 از بخشگالی داشتند رفع کردید و فی السجده الطینان بجهت  
 آنجا حاصل شده است

دیگر نوشته اند که قبل ازین بارندگی الهی دما نخت باری  
 و سیلا خور و اکثری از رعایای دما نخت دیگر از قبیل خایان  
 و غیره که سردختی آنها را سر مالغف کرده بود با سده عای  
 تخفیف بروجرد آمده بودند بعد از نزول رحمت الهی البینانی  
 بجهت زراعت به سر سانه مقرر شد که با و طان خود رجعت  
 نموده به لکرمی مشغول عیسی خود باشند و ثلث اول مالیات  
 نیز بانهاجو الا شود تا و رود نواب احتشام الدوله که بعد از ورود  
 قرایی در کار هر یک از دما نخت نبودند

### ضمیمه اخبار و احکام

در روزیکه سرکار اقدس همایون شاهنشاهی میدان مشق  
 تشریف فرما گردیدند طر مشق حرکات نظامیه افواج مراب  
 مستحسن و مقبول خاطر مبارک افتاد و آنها را نهایت محبت  
 عنایت در حق مقرب انخافان جعفر قلیخان قیبر فوج مراب

۱۴۰۳

مقدم فرمودند

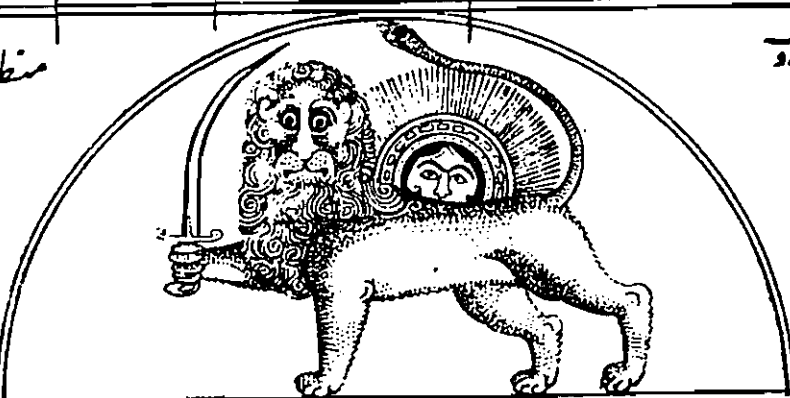
در روز شنبه یازدهم این ماه سرکار اعلی حضرت شانشاهی  
 بجهت تشویق متعلمین مدرس دارالفنون ساعت یغروب بانه  
 بدرسه مزبور تشریف فرماید بهر یک از اطرافهای مدرس  
 که صنفی از شاگردان مشغول درس مخصوص خود بودند فردا  
 فردا تشریف برده بدرسههای آنها رسیدگی فرمودند و  
 شاگردان مدرس مراتب اشکاماتشان مستحسن و مقبول خاطر  
 اهداس هایون افتاده اظهار عنایت و رحمت بانها فرمودند  
 و مراحسم و عنایات ملوکانه باعث امیدواری و موث  
 تشویق و ترغیب در تحصیل شاگردان و تعلیم متعلمین گردید  
 چنانچه عنقریب بر حسب تعهدات متعلمین و از قرار تحصیل متعلمین  
 امید است شاگردان لایق که قابل ارجاع مرکونه حدیث  
 نظامیه و غیره توانند شد از مدرس مزبور بیرون بیایند  
 درین اوقات که جناب مقرب الخاقان میرزا محمد صادق  
 قایم مقام اذن مرحضی از دربارهایون حاصل نمود  
 که بازر بایجان برود و علاوه بر نشان مکلل بالماس  
 موشح بمشال بمیشال هایون که بمقرب الخاقان مشارالیه  
 مرحمت شده و در روزنامه نوشته شد یکتوب جبهه  
 سکنین خوشب از جانب سنی احوال ملوکانه مرحمت گردید  
 مستدعات مقرب الخاقان مشارالیه را نیز امنای  
 دولت قاهره حسب الاشارة العلییه بانجاح مقرون  
 داشتند از جمله عالیجناب میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام  
 تیریز که چند سال بود احضار بدربارهایون شده و  
 دارالخلافه مبارکه توفیق داشت بر حسب استدعای

۱۴۰۴

مقرب الخاقان مشارالیه مرحضی آذربایجان گردید  
 که مسراهایشان بقصد روانه شود و همچنین بجهت علما  
 واعیان و اشرف آنجا و صاحب منصبان نظام ستیری  
 و تخفیف و مواجب و منصب مستدعی گردیده از دیوان  
 اعلی محجری و اشتمد و نیز رجب استدعای مقرب الخاقان  
 مشارالیه حکومت خوی بنواب شاهزاده محمد رحیم میرزا  
 و حکومت ارومی بنواب سلطان احمد میرزا و حکومت  
 اردبیل بنواب اکبر میرزا و حکومت مشکین بجایگاه  
 حیدرقلیخان بجنوردی مرحمت شده و بهر یک از جاه  
 سنی احوال ملوکانه یکتوب جبهه ترمه خلعت مرحمت گردید  
 و از صاحب منصبان نظام نیز رجب استدعای  
 مقرب الخاقان مشارالیه عالیجاه آقا جانی خان منک  
 فوج بهادران بمصب سرتیپی فوج مزبور و عالیجاه  
 اسمعیل خان بیک یاورتو سچانه بمصب سرتیپی توپخانه  
 و عالیجاه اللتیارخان یاور فوج شقایق بمصب سرتیپی و  
 عالیجاه مرتضی قلیخان بمصب سرتیپی سرفراز و بجهت  
 بریک ازین صاحبمنصبان نیز از جانب سنی احوال سب  
 هایون موافق ایشان و منصب خلعت و القات گردید  
 و چون جناب قایم مقام نقاضی در مزاج داشتند لهذا  
 بجهت مقرب الخاقان میرزا محمد حکیم بابشی که در خدمت اقدس  
 هایون محل اعتماد و اعتبار بود مستدعی شده اذن  
 مرحضی حاصل نمودند که بجهت تدوای ایشان مسراهایون  
 برود و حسب الاشارة العلییه الغام و خلعت در حق  
 مشارالیه نیز مرحمت گردیده درین اوقات مسراهایون  
 قایم مقام روانه آذربایجان میشود

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم بیست و نهم شهریور المعظم مطابق التوین سن ۱۲۷۱

نزد ویت میست  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شایکل  
و نان و چهار برار



منظومه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر لاجه سطر یک کلمه  
بیشتر با هر سطر پنج

## اخبار دجله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز سه شنبه چهاردهم این ماه بلا حظه خوبی  
هوای دارالخلافه و اطراف و نریت و خرمن باغات و  
عمارات دیوانی بیرون شهر خصوصاً قصر قاجار که درین  
اوقات جد اول و قطعات آن مشخون بانواع یا صین  
بصفا و سبزی باسین و شکوفه اشجار و طراوت جو بار  
نهایت ابتیاز و اشتیاق دارد سرکار اقدس جمایون  
شاهنشاهی بفریبت چند روزه توقف و تفریح تشریف فرما  
انجا گردیدند و شب پانزدهم ماه جب را که شب بر  
بود از قورخانه مبارکه اسباب شکاری و اسب شکاری  
در حضور مبارک فراسم آورده آنتب البیث و سرو  
گذرانند و در روز شانزدهم غلامان سرکاری اوچمی  
امیرالامرا المعظم مقرب الخاقان میرزا محمدخان سیرجی با  
که در روز قبل جناب جلالت آفتاب شرف ارفع صدر اعظم  
در بالای باغ لاله زار سان آنها را دیده بودند در جلو  
سر در ب قصر قاجار با کمال راستگی و انتظام و شکوه  
لباس و سلاح از حضور مبارک گذشته سان دادند و

انها از حیث اسب و اسب سوار و مقبول خاطر ملوکانه افتاد  
مورد رحمت و التفات گردیدند حضوره اسواره نظام جدید  
انها که زیاده پسند خاطر اقدس جمایون شدند و بلا حظه  
حسن اهتمامات مقرب الخاقان کشیکچی باسی که در انتظام و  
اراستگی و استعداد اسب و اسب آنها معمول داشته  
با کمال شکوه از حضور مبارک گذرانید در خو عنایت ملوکانه  
آمده بکوب کلیجه از طوبوس بدن مبارک مقرب الخاقان  
مرحمت فرمودند و هم چنین عالیجاه موسی بربری که معلم علمای  
نظام بود خدمتس متحن خاطر اقدس جمایون افتاده بکفا  
شال ترمه تیرا و خلعت مرحمت فرمودند  
مقرب الخاقان قائم مقام که برکاب مبارک آمده بود در روز سه  
پنجدهم بقصر قاجار آمده از خاکپای سپیون مرحضی حاصل فرمود  
در روز یکشنبه نوزدهم روانه آذربایجان گردید  
درین اوقات اگر چه این روزنامه نسبت سابق طالب و خرید  
بیشتر دارد و از نوید روزنامه مردم فی الحمله استحضار حاصل  
لکن هنوز مثل سایر قوالها و دول روزنامه اشتها رندارد و  
انتشاری یابد و چنانچه بامردم طالب شوند نمیباشد

۱۴۰۵



حاکم محراب ایران از فواید روزنامه درست اطلاع و استحضار  
 بهم نرسانده اند اگر چنانچه اهل ایران نیز مثل امانی یورپ  
 فواید روزنامه را بدانند و رعایت که در پامی تحت دخیل  
 جا و هر روزه بنای با سسه کردن روزنامه مثل ولایات کتای  
 بگذارند که هر روز دو دفعه یا سه دفعه روزنامه در می آید و  
 منتشر میگردد و مردم از خواندن روزنامه از تمامی اوضاع خبری  
 و کلی آنولایت و اخبارات و احوالاتیکه از اطراف بیایند  
 میرسد مطلع و مستحضر میگردد و علاوه بر اینکه فواید که در  
 روزنامه است فایده عمده دیگر دارد که اکثری از آن فایده غافل  
 و آن این است که پاره اشخاص که چندان مشغولیتی ندارند و بکار  
 نشسته اند و بدین واسطه خیال زور آور آنها کشته پی پاره  
 ناظایمات میگردند و عقل خود را با خیالات محال ضایع و  
 خراب میسازند اگر روزنامه متعدد از هر طرف بانها برسد  
 این خصله مشغولیتی است که آنها را از خیالاتی که بجا حاصل است  
 باز میدارد و عبرت و بصیرتی جهت ایشان حاصل میگردد  
 و نیز در روزنامه های دول دیگر قرار است که اگر کسی در یکی از  
 علوم مسئله حل کرده باشد یا در صنعتی اختراع کرده  
 دخل و تصرف یا تصنیع بکند می آید و جمیع میسر بد و در دنیا  
 اعلان میکند که مردم از نسیم و ادراک و معرفت آن شخص  
 بشوند و بهره از آن مطالب ببرند درین روزنامه ها این قاعده  
 تا حال معمول نبوده حال رسما اعلان میشود که هر کس در علمی  
 علوم مثل نجوم یا هندسه یا ریاضی یا طب یا حکمت یا سایر علوم  
 متداوله مسئله منکشف و حل کرده و اجتهادی در طلبی بکند یا  
 تصنیعی در صنعتی کرده یا خود مختصر شود آن شخص بد قرضا  
 روزنامه بیاید و مفصل کیفیت را بگوید و بدین اینکه وجهی

۱۴۰۶

در روزنامه نبویا ند که این قاعده در روزنامه این دو  
 علیه نیز رواج بیاید و مطالبه وجه اعلانات ازین اشخاص  
 محض اینکه خود بر عتبت در روزنامه اعلان کرده فایده آن  
 عاید خود آن شخص و سایر مردم بشود و سایرین هم بسوق  
 تعلیم و تحصیل بیایند کافی خواهد بود و از سایر ولایات هم  
 کسی مطلبی بنویسد و بفرستد بدون مضایقه در روزنامه  
 خواهد شد  
 درین اوقات مقرب النحاقان میرزا محمد حکیم باشی کتابی مضمون  
 در علم طب شش بر مباحث تشریح انسانی با پنجاه و شش لوحه تصویر  
 تشریح بسیار قواعد در و پا دیگر در لفظ نمودن جسم یعنی هر  
 عضوی از اعضای انسانی را بچه کیفیت و چگونه باید تشریح نمود  
 دیگر در حفظ اجسام موات که چگونه باید محافظت نمود که پوسید  
 نشود دیگر در معالجات جمیع امراض بطور و طرز فرنگستان دیگر  
 در علم جراحی دیگر در علم سگته بندی دیگر در ادویه مفروضه و  
 که در معالجات حکمای فرنگ معمول و متداول و مستعمل است  
 تالیف نموده بنظر جناب مستطاب شرف ارفع صدر اعظم رسیده  
 بسیار پسندیده و مطبوع آمد و بحضور مبارک سرکار اقدس چون  
 عرض شد تحسین و توصیف فرموده و بجناب مقرب النحاقان  
 قائم مقام امر و مقرر داشتند که در وزارت سلطنت تبریز از روی  
 همین نسخه ششصد نسخه با تصاویر و اشکال با سسه نموده بتمامی  
 ولایات محروسه بفرستند که مردم از فواید این کتاب  
 بهره مند باشند  
 در سال گذشته در روزنامه اعلان شد که جرب میامن وجود است  
 هایون شاهنشاهی و برکت تربیت جناب جلالت آفتاب شرف افشا  
 صدر اعظم توفیق خداوندی شامل روزگار عا لیا جهه میرزا محمد براسم

نواب بدایع نثار گشت تا کتاب مستطاب شرح ابن  
 ابی الحدید بر پنج البلاغه را که در استیفا حقایق علوم و دقائق  
 ادب و لطایف عربیت و کلمات بلغاء و مواعظ فضیله از  
 دیگر مصنفات او ایل و او اخر ممتاز بود و از جهت طول ذیل و کثرت  
 کتابت همه کس را کنت افتخار آن نبود و مردم منسرجوی  
 و طلبه علم از کتاب فواید دریافت مطالب آن محروم  
 بودند با اتمامی تمام و مخارجی زیاد در دارالطباعة طهران  
 حفت بالامن و الامان طبع نمود تا درین اوقات تمام از  
 طبع برآمد و در نظر صاحبان علم زیاد مستحسن افتاد و از دیگر  
 کتب که در ممالک محروسه بل از غالب سبهای خارج در حسن  
 و موزونیت قطع و تمامی طبع کمال امتیاز بهم رسانید و چون  
 غرض کلی عالیجا پشار الیه این عمل نشر فضایل امام علیه السلام و دعای  
 خیر و بقای نام دولت جاوید است بود این کتاب را که به جهت یکصد  
 چهل هزار بیت کتابت دارد و در دو جلد است و اگر با چنین خط و  
 تمام می بایست کرد البته متجاوز از دولت تومان خرج می شد از  
 هر هزار بیت ده شاهی که هر دو جلد هفت تومان شود قیمت گذشت  
 و تفرقه نمود و لازم نمود که مراتب در روزنامه دولتی بگاشته  
 همه کس را اعلان شود

درین اوقات که اعلیت شاهی در قصر قاجار شریف دارند امور شهرت  
 نواب مستطاب برده و الا بتارار و شیرمیرزا حکمران دارالخلافه توابع در نظام  
 و اگر کسی ایحانا مصلحت شریارت شود و مقام مواخذه و تنبیه می آیند از جمله  
 روزها و نفرکی قلی نام یکی علیقلی نام صدر شریارت است بود در آن زمان  
 نواب سزئی الیه آوردند بعد از تنبیه مضبوط است صاحب حکم ماکر در

بازارها گردانده اخراج بلد نمودند  
 نظر محسن خدمتگذار می و مراتب قابلیت عالیجا محمد اسمعیل خان چاچی

در روزه اسنه تو شقان نیل مبلغ دولت تو مان بر سبده تو مان حب  
 سابق او علاوه رحمت شد و فرمان همایون شرف صد دریافت  
 بجهت هر یک از چاکران در بار همایون از اهل نظام و سیره علامت و نشان  
 رحمت شده بود که سبب تشخص هر یک علی قدر مراتبهم بوده با و در  
 چاکران غلام چا پاران بدون نشان بودند و در سیاه بانها چاق  
 چا پارد و لقی گاهی از جماعت قطع الطریق صدمه بانها میرسد لهذا  
 مقرر شد که عالیجا چا پارچی باشی بر نقشه و طرحی که جناب علامت  
 شرف ارفع صدر هم شخص نمودند چنانچه قطع نشان برای غلامان  
 سازد که در کلاه آنها نصب نماید و عالیجا پشار الیه حسب الامر  
 مشغول ساختن نشانها باشد

از فراری که مباحث چا پارخانها بعض او لیبای دولت قاهره رسانیدند  
 اشخاصی با اسب چا پارچی عبور نمیدانند تا قوه دارند ضربت سبب نمیرند و  
 بعضی لنگ نموده و بعضی می کشند و این با عتک است و چا پارخانها  
 لهذا معارضت که هر کس اسب چا پارخان را بکشد و یا معیوب نماید  
 در بدو قرار کرایه حکم شده بود میاید از غمده قیمت اسب بآید و ضابط چا پارخان  
 آن منزل تا قیمت اسب را بگیرد بیکه از آن منزل ره شود و نیز هر کس از چا پارخانها  
 اسب بر وارد داد و نیت اسب دقیقه در منزل خود نگاه دارد مخفی در  
 اسب را بچا پارخان برساند که اسب عرق دار گرم و سرد تلف شود که از غمده  
 قیمت آن بر آید

**امور آسونی**

در روز یکشنبه ۱۹ خواجه قاهره نظام در میدان مشق خارج در دانه دولت مشغول  
 شلیک بودند و تا عصر روز مرفور دسته دسته شلیک نموده با کمال  
 مهارت مشق کردند و سایر روزها را نیز استمرار مشغول مشق می  
 و صاحب منصبان نهایت اهتمام در مشق آنها دارند

**سایر ولایات**

۱۴۰۷

### عراق سلطان آباد

دین  
انخاقان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه مقرب  
میر حسن خان در انجام خدمت دیوانی و رسیدگی بعراض رعایا  
کمال اهتمام را معمول میدارد از جمله بجهت روانه کردن فوج  
خلج ابو الجحعی عالیجاه مقرب انخاقان شیخی خان سرتیب که  
حساب الامریون بکرمان نامور بودند مقرب انخاقان میرزا  
بقریه ابراهیم آباد آمد و قدغن نموده بود که هر کس چیرسیر  
لازم داشته باشد خریداری نماید و کسی با اسم سیور  
دیناری از رعایا مطالب نکند و در برابر ایم آباد اولابکار  
فوج مزبور رسیدگی نموده صاحب منصبان و عموم احاد  
افراد سرباز را از خانه و عیال خاطر جمعی داده با کمال  
آراستگی و دلگرمی آنها را روانه کرمان نمود است بعد از آن  
عمال و مباشرین عراق را که بجهت قرار دستور العمل و داده  
حال جدید تویشان میل با براسیم آباد حاضر شده بودند  
خواستند قرارهای درست که مبنی بر رفاه حال رعایا و سبب  
دعا کوئی آنها بود گذشته هر کس قرار بدی خود افهین  
وشا کردیات خود رفته اند چون در سال گذشته بعد از  
تحقیق از هر یک هر یک از رعایا مسأله بر شده بود که زیادتی  
بسیار با آنها شده است و این معنی اگر در سال جدید هم  
جمع قرار می شد زیاد باعث پریشانی و تفرقه رعایا میگردید  
قراری در مالیات انجام داده است که زیاد از مالیات و فروغ  
دیوانی و یک جمع حق محکوم دیناری از رعیت گرفته شود و  
از کدخدایان و مباشرین گرفته است که زیاد از این  
بهیچ اسم و رسم از رعایا مطالبه نمایند سوائی تدارک سرباز  
که از نام رعایا بمیل خاطر خود نهند کرده بودند و خواهند

دیگر نوشته بودند که بعضی از رعایا پاره از مباشرین  
و زیادتی کرده و جریمه گرفته بودند عالیجاه مشارالیه بعد از آن  
آن مباشرین را که تعدی کرده بودند تنبیه مضبوط نمود  
که جریمه گرفته بودند بعینها از آنها استرداد و بصاحبان  
تسليم نموده است و نیز بعضی از مباشرین و کدخدایان با  
پاره قالیچه و اسباب از رعایا خریده و بخواجه آنها را نیمه بها  
داده بقیه را بدفع الوقت میگذرانیدند بعد از آنکه رعایا  
رسیدگی عالیجاه مشارالیه و احقاق حق هر کس مطلع شدند  
مراتب را عرض کردند حق هر کس در نزد هر یک از کدخدایان  
و مباشرین مانده بود محصل گذشته است حکما از آنها گرفته و  
بصاحبان تسلیم کردند

### بروجرد

از قرار روزنامه بروجرد که نوشته بودند بعد از بازگشت  
متوالی در آن ولایت نزع غله که ترقی کرده از جمله کدیم  
خرواری تا سه تومان رسیده بود منزل نموده و  
آذوقه و ماکولات و فو بهیم رسانده است و درین  
اوقات تعمیر اجناس انجام بقرار تفصیل ذیل است  
کندم یکخوار دو تومان و چهار برابر  
جو یکخوار هفده هزار  
روغن سه من و سیزده سیر هفتاد و پانصد  
گوشت سه من و سیزده سیر سه هزار و سیصد  
ماکولات و حبوبات نیز همین مظهره تنزل بهم رسیده است

### مازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات  
که بشارت جنب خراسان و سگت قشون او رنجی را این

۱۴۰۸

دولت علیه بنو اب احمد میرزا حکمران مازندران نوشته بودند نواب مغزنی الیه این مرده را کوشید و جمیع امانی نموده لوازم خویشی و شادمانی معمول کرد

دیگر نوشته اند که چند نفر دزد در مازندران بهم رسیده اند که بطور غریب سرقت می کنند اول آمده در خفیه ولی خبر خانه را آتش میزنند اهل محله که خبر دارند بیرون بیرون خاموش کردن آتش میروند درین بین دزدان فرست کرده بقدر محنت و اسباب از خانه های مردم سرقت میبرند نواب شاهزاده احمد میرزا درین باب قدغن اکیه کرده اند که در تجسس باشند و مرتکبین این اعمال بدست بیارند ولی تا بحال کسی ازین اشخاص بدست نیامده است و از فرار تقریر بعضی میگفتند که این اشخاص از ظایفه ضاله بابی میباشند

دیگر نوشته بودند که امانی مازندران از حسن سلوک و رفتار نواب شاهزاده احمد میرزا و مقرب انخاقان میرزا اسد الله وزیر کمال شرف و رضامند برادران خصوصاً نواب شاهزاده بعراض مردم رسیدگی نمایند و اگر نسبت کسی تعدی و اجحافی شده باشد در مقام رفع آن برمی آیند

دیگر در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند درین اوقات ضعیفه بکام رفته عصر بیرون آمده و بمحض بنجانه فرود گشته بود

### استرآباد

از قریب یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات عالیجاه مقرب انخاقان محمد و لیجان

بیکر بیکی در قزل تخت کوکلان بوده است و از قشون حول و خوش استرآباد عالیجاهان عبد الصمد خان مقصد بود و محمد باقر خان انزلی و آقا خان کنول و غیره کرد محمد باجمعی بود انجمنی خودشان و سه عرابه با چهل نفر توپچی در نزد مقرب انخاقان مشا را الیه و مشغول انظام امور آن صفحات بوده است و بعد از شنیدن خبر وفات امیر اطوار اعظم روسیه و جلوس اعلیحضرت امیر اطوار جدید برای ادای تعزیت و نهایت سچا پاری باسترآباد آمده خود با چند نفر از اعظم بقونسو لکری رفته ادای مراسم تعزیت و نهایت نموده مراجعت کرده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات بقدر بنجانه نفر از ظایفه ضاله موت ترکان بعزم تاخت و تار نیست و روانه استرآباد آمده بودند اهل انجا جمعیت نموده و با سواران مزبور جنگ در پیوسته یک اسب از آنها گرفته و آنها سگت فاحش داده و ترکانان مخدولاً مراجعت کرده بودند

و هم چنین بقدر صد سوار از ظایفه مزبور که موسوم بجغفسر با و اما بای میباشند بعزم تاخت و تازان صفحات آمده بودند و چهل سوار از آنها بقریه فوج برداشته بودند غلامان ابو انجمنی عالیجاه محمد علیجان خبر داده شده سر راه بر آنها گرفتند سه نفر از آنها را مقتول نموده که یکی را برود در کرکان انداخته و دو نفر دیگر را اسیر کرده بودند و سه اسب هم از آنها بدست آورده مابقی راه هزمت پیش گرفته بودند و آن دو سر را که تبر

۱۴۰۹

مترسب انخاقان بیکر سبکی آورده بودند معلوم شده بود که یکی سرعابد سردار و دیگری سرعفربای بوده است که از اسرار مشهور طایفه مزبور و دایم الاوقات مشغول تاخت و تاز و بردن اسیر بوده اند

### خراسان

از نیولایت بعد از اخباری که در روزنامه های سابق نوشته شد دیگر خبری تازه نرسیده است مگر اینکه امر انولایت از اهتمام مقرب انخاقان وزیر نظام محال نظام را دارد و در غیاب نواب مستطاب شایر باده افختم والا برفرمانه ما بجزئی و کلی امور انولایت عوزرسی تمام دارد و بعد ایض ضغفا و فقر رسیدگی کرده در رفاه حال رعایا اهتمام کامل دارد و امالی انولایت مرفه بحال داسوده خاطر بدعا کونی این دولت قوی گشته علیت اشتغال دارند و نواب شایر باده فرما فرما با واسعه ادکامل در سمت مرودان صفحات مشغول انتظام امر استخرد و بوده اند خبری مجدد از اردوی نواب معزی البیه نرسیده است که در روزنامه

### اخبار دول خارجه

چون روزنامه های که از دول خارجه درین اوقات میرسد اغلب گزارش احوال حاضره مابین دول انگلیس و فرانسه و عثمانی با دولت روس است و امشای این دولت علیه مذاکره این گزارشات را بلاخطه محال بیکانچی با دول متحایه عمو مانع نموده اند که در روزنامه نوشته نشود لهذا چندین مرتبه است که از دول خارجه چیزی نوشته نمی شود درین موقته بعضی اخبار که طی

۱۴۱۰

بجنگ مابین دول مذکوره نوشته شود از تفرار یک در روزنامه جریده الاحداث اسلامبول نوشته درین اوقات بجهت احوال حاضره فرنگستان در وینه پای تحت دولت استریه قرار مجلس مکالمه گذاشته اند که از هر یک از دول فرنگستان و کیلی در آن مجلس حضور بهم رسانند بمقتضای وقت اجلاس مشورت و گفتگو قرار می بگذارند و از جانب دولت علیه عثمانی عالی پاشا ناظر امور خارجه بچجلس مزبور مامور گردیده و بجای رالیه صفوت افندی مستشار امور خارجه معین شده است

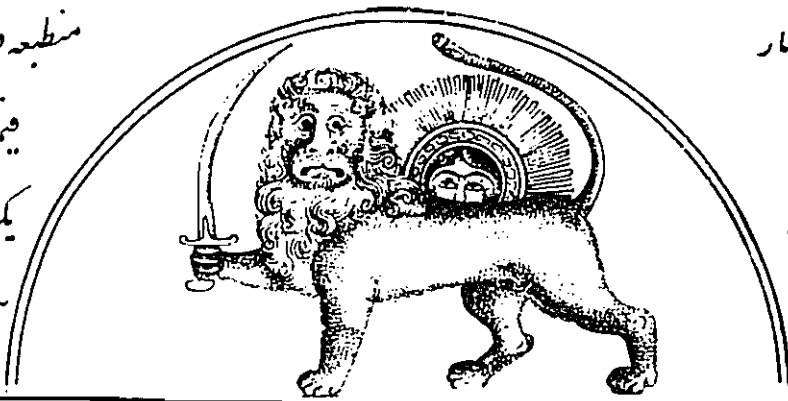
دیگر نوشته اند که بسبب زلزله که چندی قبل ازین در برو اتفاق افتاده خرابی بعمارات و پریشانی بحال امالی انجبار روی داده بود از دولت علیه عثمانی از راه جهان بفقرا و ضعیفای انولایت مقرر شده است که تنخواهی روانه نمایند از جانب وکلاد اولیای آن دولت هم هر یک فراخور حال و جوی ارسال داشته اند

دیگر از قرار یک نوشته اند علیحضرت امپراطور فرانسه در دهم ماه جمادی الثانی از پای تحت پاریس بشهر بولون که قشون فرانسه در آنجا اردو دارند رفته بودند و در آنجا وکیل امور خارجه انگلیس خدمت امپراطور شرفیاب شده بود و امپراطور بعد از تماشای اردوی مزبور و مکالمات لازمه با وکیل امور خارجه انگلیس بکلفور رفته و از آنجا در پانزدهم ماه مزبور پای تحت پاریس بر حثت کرده است

دیگر از قرار یک نوشته اند علیحضرت امپراطور فرانسه در دهم ماه جمادی الثانی از پای تحت پاریس بشهر بولون که قشون فرانسه در آنجا اردو دارند رفته بودند و در آنجا وکیل امور خارجه انگلیس خدمت امپراطور شرفیاب شده بود و امپراطور بعد از تماشای اردوی مزبور و مکالمات لازمه با وکیل امور خارجه انگلیس بکلفور رفته و از آنجا در پانزدهم ماه مزبور پای تحت پاریس بر حثت کرده است

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه شهبان المعظم مطالب توشقان نیل ۱۲۷۱

نمره بیت ویت و حمار  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده هر کیساله  
ه تومان و چهار ریزار



منطبه دار الخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یک سطر اجاره سطر یکبار  
بیشتر باشد هر سطر پنج

## اجبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

### دار الخلاف طهران

درین چند روزه که سرکار آقدس هایون شاهی در قیصر  
شریف داشتند نظر بصفا و خرمی تصفیات شمیران اغلب روزها  
عزیمت گشت و تفریح آن صاحب میفرمودند از جمله روزهای  
بجهد صفا و عزیمت باغ و عمارات و امتیاز حجام و او دیده  
خوبی آب و هوا و طراوت بساین آنجا که شخون با انواع یاقین  
و مطبوع خاطر آقدس هایون بود و شرف بانجا برده بتمام  
بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته ملاحظه کردیدند و بعد از  
صرف عصرانه و چای بقصر مراجعت فرمودند و در روز شنبه  
بیت یک ماه شهبان نیز بملاحظه ظهور رحمت ملوکانه در باره امیرالامرا  
مقرب انخاقان میرزا محمد خان سرکشکی با شرف شریف فرمای  
در بند گردیده لوازم پیشکش و قربانی و پای انداز از جانب  
مغرب انخاقان مشارالیه تقدیم شد و اتهامات او در تهیته  
ضیافت شهنشاه مطبوع خاطر آقدس هایون افتاده مورد رحمت  
و القاب ملوکانه گردید

بجهد داد و ستد و معامله حکام ممالک محروسه نوشته  
شده بعض خاکپای هایون میرسید و بجهت جمیع حکام فرستاده  
می شد نظر بر اینکه انجام این کار خالی از زحمت و مشقت نبود  
در سنوآه سابق قدری بطول می انجامید درین سال فرخنده  
توشقان نیل از جناب سنی بجواب علیحضرت آقدس هایون  
شاهی و جناب امجد شرف ارفع صد اعظم رسیدگی  
انجام این خدمت را و اگر بحسن کفایت و مراقبت جناب نظام الملک  
فرمودند جناب معظم الیه آتی و دقیقه آسودگی بر خود قرار نداده  
اوقات شبانه روز خود را مصروف انجام این خدمت نمود  
و بر یک از ستوفیان کرام دستور العمل ولایات مرجوعه بخود را  
نوشته بنظر جناب معظم الیه رسانیدند بعد از تحقیق و رسیدگی لفظاً  
لرانی در جمع و خرج با سنوآه سابقه بهم رسانده تفاد و تعلیم  
با دستور العلمای تمام شده جمیع ممالک محروسه با مستوفیان  
در یکروز در قصر قاجار بنظر جناب شرف امجد رسانیدند بعد از  
ملاحظه و تصحیح ایشان بخاکپای هایون سرکار علیحضرت شاهی  
برده و عرض داشتند مراتب خدمتگذاری جناب معظم الیه

۱۴۱۱

زیاده از حد در خاکپای هایون محل قبول و استعجاب یافت  
 چند ساعت نقیص نفیس مبارک رسیدگی بکتابچه های دستور  
 ولایات و تشخیص بقایا نموده کمال حرمت و التفات را در  
 خدمات مسطور نسبت بنظام الملک شفا فرمودند و باقتضا  
 ظهور مرهم بیکرانه و اشفاق خستروانه حسن مراقباتی که از  
 جناب معظم الیه بطور رسیده بود از راه و فور حرمت دستخط  
 مبارک سرافراز گردید و یکسر شسته شربت مر و ارید مرصع او نیز  
 زمره که از جمله علامات التفات بزرگ این دولت علیهاست  
 در حق جناب معظم الیه حرمت و ازین نوع التفات مفاخر  
 کلی بجهت جناب معظم الیه حاصل شد

چون حسن خدمتگذاری و صداقت و ارادت و دو تخواهی  
 مقرب انخاقان میرزا فتح الله شکر نویسن باشی در معاملات  
 و امورات قشون در نظر انور ملوکا خبلوه کر شده در این  
 مورد رعایت و التفات خاطر اقدس هایون گردید که یک  
 کیلجه لاکلی از طبوس بدن مبارک برسم خلعت با در حرمت  
 و مبلغ بکیزار تومان برسم بر موجب مقرب انخاقان  
 افزودند که مایه دلگرمی او شود و پیش انپیش در رسم  
 و خدمتگذاری جا به داعی گردد و برای مزید امید داری و  
 امورات و خدمات محوله مقرب انخاقان مشار الیه دستخط  
 مبارک بنی بر التفات و حرمت صادر گردید که سبب  
 مفاخرت و مبایات او گردید هر حسن خدمتگذاری و صداقت

بفرزاید

اعلیحضرت قوی شوکت شانشاهی که در قصر قاجار تشریف  
 داشتند در روز یکشنبه پست ششم شهر شعبان عزیمت  
 مبارک فرموده از قصر که سوار شدند اول بمیان افواج قاهره

نظام که در بالای باغ نکارستان مشق حرکت و شلیک  
 میکردند تشریف فرما گردیده تماشای مشق و حرکات  
 آنها را فرمودند و بعد از آن بلاخط مشق توپچیان که تیر اندازی  
 میکردند توجه فرمودند صاحب مضبان نظامی و معلمین  
 مورد تحسین و التفات ملوکانه شده بعد از آن بجهت تفسیح  
 باغ نظامیه که متعلق بتجارب اشرف امجد ارفع انجم صدر اعظم  
 و تازه ساخته شده است تشریف فرما شدند و جانطور سوار  
 گردش و تماشا فرمودند و از دروازه شمیران داخل شهر  
 گردیده از میدان جدید بارک مبارک که سلطانی و مفر  
 شرف ورود ارزانی داشتند

از بند اسنه توسقان نیل و ما بعد با بقار بکه در فرزه ۲۱۱  
 روزنامهها نوشته شد خلعت های عیدی را انسانی دولت قاهره  
 حسب الاشاره العلیه موقوف فرمودند ولی بجهت حکام و  
 امور دیوانی ممالک محروسه فرستادن خلعت شانشاهی  
 دلیل بر قرار بودن و امارت استقلال آنهاست لهذا درین  
 اوقات حسب الامر اقدس هایون بجهت هر یک احکام  
 و صاحب اختیاران ولایات و اشخاصیکه در ممالک محروسه  
 مصدر خدمات دیوانی هستند خلعت مهر طلعت از دربار هایون  
 مرحمت و ارسال گردید که سبب مزید امید داری و استقلال  
 آنها در انجام خدمات مرجوعه بخود بوده بد لگرمی مشغول  
 باشند

نظر باعتمادال هوای دارمخلافه الباهره و بجهت آسایش و استراحت  
 عاونه نوکر باب و اجماع ایشان در مساجد و معابد و اشتغال با  
 طاعت و عبادت و وظایف دعا کوئی درین ماه مبارک مضان  
 سرکار اقدس هایون شانشاهی عزم تشریف بردن میلافا

۱۴۱۲

نفرمودند شاه الله تعالی با کمال خوبی و خوشی ایام صیام را  
 در در آن خلقت شریف خواهند داشت چون بعبادت و سبقت  
 سایر ایام در ماه مبارک رمضان اجتماع در درب خانه و  
 اشتغال بخدمات دیوانی باعث رحمت و شفقت است لهذا  
 حب الامراض همین فراری جهت آمدن در درب خانه و مشغول  
 شدن بخدمات مقرر گردیده در روزنامه این بخت نوشته  
 و رسماً اعلان و اجتناب میگردد که احدی از فراری مقرر نباشد  
 تحلف و رزدا مالی نظام از توپچی و سرباز و سواره و غیره  
 که هر روزه در میدان ارک و میدان خارج شهر مشغولند  
 درین ماه مبارک از غزه الی سلاح از مشق نمودن مرخص و  
 هستند که فرادلهای فرادول خانها و غیره بفرار نوبت معین در  
 سر خدمت بوده و سایر با سرحت و عبادت مشغول شوند  
 متعلمین و متعلمین مدرسه دار الفنون نیز از غزه الی سلاح آزاد  
 مرخص میباشند لکن از متعلمین آنها که طالب ترقی هستند البته  
 بیکار نخواهند بود از مباحث و مطالب درس خودشان  
 و مطالعه کرده اگر بتوانند در سینه وقت تحقیق کرده سرچی  
 نوشته باشند که مقبول محکم و غیره باشد در روزنامه خواهند  
 نوشت که سبب استناده و امتیاز آنها کرد و سایر لوکر با  
 از مستوفیان عظام و امنای دیوانخانه مبارک و متعلمان  
 و منتبان سلام و غیره رسم بیاید و ساعت بغروب آفتاب باده  
 در روز بخت مبارک که سلطانی حاضر باشند و افطار در خدمت  
 جناب جلالت مآب اشرف امجد اکرم صدر عظم خواهند بود  
 اشخاصیکه باید بسلام خاکپای مبارک شرفیاب شوند با  
 چهار رزق گذشته را خواهند بود و بعد از آن اذن مرخصی خواهند  
 داشت و اشخاصی را که جناب معزی الیه کار داشته باشند

تا دو ساعت بصبح مانده در ارک سلطانی خدمت جناب  
 معزی الیه خواهند بود و بعد از آن هر کس برای سحر بختهای خود  
 خواهند رفت

**امورات قشونی**

نظر بر آیت خدمتگذاری و جان نثاری مقرب الخاقان عبدالرحمن  
 میر نیجه که در فتح و تسخیر بند عباسی بطور رسیده بود درین اوقات  
 بصدور فرمان التفات مباحی شده از جانب سنی اجواب ملوکا  
 یک قطعه نشان میر نیجه از مرتبه اول و یک رشته حایل و یک شمشیر  
 جبهه ترکه کشمیری رحمت و بجهت مقرب الخاقان شار الیه ارسال  
 گردید و بجهت سایر چاکران هم که در بند رزم نور مصدر خدمات  
 خلق مرطوبت ایون حمت و ارسال خواهد شد

چون افواجی که حاضر کاب مبارک بودند شب در و مشغول فرادول  
 مشق بوده و زحمت زیاد میکشیدند سرکار اقدس ایون شایسته  
 از بابتال تو شقان نیل با اینکه وقت موجب آنها نموسا عده حمت  
 فرمودند لشکر نوبان عظام افواج را بعضی در میدان ارک بعضی  
 در سرباز خانها حاضر نمودند و مساعد و محنتی را نفر بنفر میان سربازان  
 قمت کردند

چون افواج مفصله مدتها بود در کاب مبارک مشغول خدمت بودند

فوج کولنی جمعی عالیجاه فوج سسم فر اکر لوجبی فوج بخران فر اکر لوجبی  
 تیمور پاشا خان سپهر عالیجاه لطفعلی خان سپهر عالیجاه احمد خان سرتک  
 و زمان خدمت آنها بسر آمده بود علی هذا حسب الامر از کاب مستطاب  
 دادن آن مرخص خواهند

چون در اول سال با سربازان چندین فوج قشون طومورین لایات برواتی  
 جانب ایگ و ولت طومور بود که موجب آنها را نفر بنفر رساند درین اوقات تا مورین  
 و عین و قزوین اصفهان موجب ذکر آنها را پر و ختم بد بر جایون مر حمت کردند

۱۴۱۳



۱۰۱۵	دو هزار و صد دینار	چهار من	کوک	اجناس مالکولات دار الخلا فوجمه اینکه درستان بارندگی کامل نشد
۱۰۱۶	سه هزار و پانزده شاهی	چهار من	خرما	بود ترقی داشت مردم در شیش بودند بخصوص گندم و جو و کاه
۱۰۱۷	دو ریال	چهار من	کشمش	تغیر هم رسانده بود تا درین بهار که از میان الطاف خداوند
۱۰۱۸	شش عباسی	یک من	گوشت	و برکت قدمینت لزوم و نیت پاک و فطرت تا بناک سرکاه
۱۰۱۹	دو هزار و هفت شاهی	یک من	شعیر	افس بجایون شامشاهی که هر وقت به سمت حرکت فرمودند
۱۰۲۰	شش عباسی	چهار من	ماست	ترول حمت الهی بود بارندگیهای کل متوالی در دار الخلا و اطراف
۱۰۲۱	سه هزار و پانزده شاهی	چهار من	پنیر شور	و بلوکات شد بطوریکه زیاد تر از حد امید داری خلق باران
۱۰۲۲	دو هزار و پنج شاهی	چهار من	برنج غنچه	اگرچه بعضی بناها که ازشت و کل بود از کثرت بارندگی فی الجمله
۱۰۲۳	دو هزار و پنج شاهی	چهار من	برنج کرده	روی داد ولی بجهت حاصل و زراعات که مقصود منظور عموم خلق بود
۱۰۲۴	یک هزار و مئصد دینار	یک من	روغن پنجه	فواید کثیره حاصل شد و بجهت اندرون برود قیمت اجناس روغن
۱۰۲۵	سه هزار	یک من	قداری	دارد و از بر کو خنس و نور هم رسانده و از زائر خواهد بود
۱۰۲۶	شش هزار	یک من	قدیری	از این معنی زیاد مشغوف و امیدوار و بشکرانه و دعا کونی ذات
۱۰۲۷	سه هزار و بیست	یک من	شکر	افس بجایون اقدام دارند و تغیر اجناس دار الخلا و درین هفته
۱۰۲۸	چهار هزار و پانصد	یک من	بنات	بهراریست که درین صفحه مسطور میگردد
۱۰۲۹	شش هزار	یک من	فلفل	کندم یکجورار سه تومان و پنجاه
۱۰۳۰	دو هزار و پنجاه	یک من	زیره	نان یکجورار سه تومان و پنجاه
۱۰۳۱	دو هزار	یک من	رز شکبینه	جو یکجورار دو تومان و چهار
۱۰۳۲	چهار هزار	یک من	رز شکبیری	لوبیا یکجورار سه تومان
۱۰۳۳	دو هزار	یک من	رز و چوبه	عدس یکجورار سه تومان
۱۰۳۴	دو هزار و بیست	یک من	لیموی عمانی	ماش یکجورار دو تومان و هفتاد و پانصد
۱۰۳۵	سه هزار	یک من	زعفران	نخودری یکجورار سه تومان و هفتاد و پانصد
۱۰۳۶	چهار ده هزار	چهار من	تنباکوی اعلی	کرچک یکجورار پنج تومان و دو هزار و پانصد
۱۰۳۷	پانزده هزار	چهار من	تنباکوی وسط	روغن چهار من دو هزار
۱۰۳۸	دو هزار و پانزده شاهی	یک من	البلیمو	شیره چهار من سه هزار و بیست
۱۰۳۹	مئصد دینار	یک من	البغوره	پیه که اخته چهار من هشت هزار

۱۲۱۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه هفتم ماه رمضان المبارک مطابق سال شتان بیست و یک ۱۲۷۱

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه هفتم ماه رمضان المبارک مطابق سال شتان بیست و یک

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

یک نسخه شاهی  
چهاران و چهارمیلار  
بکسر الحجاره یکصد و پنجاه  
بیشتر با هر طرزی



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه سلح شهر شعبان اعلیحضرت شاهی مبارک  
مشق خارج دروازه دولت بجهت تماشای مشق مهندسی که  
خیابان مینویی ساخته و آتش میدادند تشریف فرما گردیدند  
تفصیل آن از این قرار است که عالیجاه موسیو بهنگر که معلم  
مهندسی است و فوج مهندسی را تعلیم میدهند چهارمیلار  
ساخته بطوریکه بزوربیت من بار و طبع در بیت و پنجره وار  
سنگ را از روی صندوقی که بار و طبع در آن گذاشته اند  
میدهند تا دولت سبب دوزخ به او برده از آنجا سنگها پائین  
پسوند و تا شصت قدم زمین را میگیرند بطوریکه در وقت  
افتادن زمین را گود میکنند در روز مژبور که اعلیحضرت شاهی  
تماشای آتش دادن چهارمیلاری مطلوب تشریف بردند و جناب  
امجد شرف انجمن صدر اعظم هم در خدمت اقدس تباران  
بودند چهار عدد از آن چهارمیلاری که ساخته شده بودند  
زدند و در نظر مبارک بسیار مقبول و تحسین افتاده بهمین  
بیلکه صاحب و هم بشکر دادن مشارالیه که چهارمیلاری را ساخته  
بودند انعام شایسته محبت فرموده مورد تحسین و الثفات

ملوکانه گردیدند و مقرر شد که اسباب این چهارمیلاری  
رئیسینی را زیاد ساخته در فورخانه مبارک که حاضر و آماده  
داشته باشند  
در شب شنبه دویم ماه رمضان المبارک مجدداً بارندگی  
زیاد در دارالخلافه طهران و اطراف شد چنانکه شب مژبور  
تا نزدیک سحر لایق قطع باران آمد بعد از آن تا صبح و گذشت  
ولی هوا همانطور آبر داشت و مستعد بارندگی بود تا نزدیک  
ظهر بار شروع بارندگی کرد و بارش شدت آمد بطوریکه آب  
از گویا و نهرها جاری شد و گاهی چند دقیقه چنان شدت  
میکرد که اگر یک ساعت آن شدت میبارید بیم سیلاب و سیلاب  
خرابی متصور بود و پنجم در بعضی کوهپایهجات و جایهای خیلی  
کجایش خسارتی بهم رسیده باشد با بکله آرزو و شب دیگر  
الی طلوع فجر شب یکشنبه و شب دیگر باران کامل آمد  
پس از آن هوا صاف شد و زمینها سبز و خرم و هوا  
خوبی و اعتدال را دارد بخلاف لهای دیگر که درین موسم سیلاب  
مطلوب بود الی بحال بطوری هوای دارالخلافه خوش میکند که مردم غالب  
سیلابات نیتند ایشا را در این رحمتهای الهی مسافع کلی حاصل خواهد

۱۲۱۵

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته شده  
در غرة ماه رمضان المبارک یکساعت از غروب گذشته  
زلزله شده و سه دفعه متعاقب بهم زمین حرکت کرد و  
سجده الحشر ابی بجانی و اذیت کبکی ترسیده است

دیگر از قراریکه نوشته اند در بعضی بلوکات اصفهان سن  
بروز کرده است ولی چون حال وقت درویش کام  
محصول است از قراریکه نوشته اند معلوم نیست که سن  
بتواند اذیتی بجاصل برساند مگر در باب کندمی که هنوز  
سبز است فی الجمله تشویشی داشته اند که مبادا سبز

دیگر نوشته اند که عالیجاه چراغعلینجان نایب الحکومه اصفهان  
چند روز بزرده است که باده پانزده سوار به بلوکات  
بود و بجهت نظم و نسق آنجا اهما مات نموده و کارهای بلوکا  
انتظام داده در این اوقات بشهر مراجعت کرده است و  
بچنین امورات شهر اصفهان نیز به جهت قطع و رعایا  
در کمال آسودگی میباشند و از اینکه عالیجاه نایب الحکومه  
خودش همه روزه بعراض مردم رسیدگی می کند کسی  
بکسی نمیتواند خلاف حساب رفتار نماید و عالیجاه ابراهیمجان  
بشغل میرابی برقرار شده و هر کس مشغول انجام خدمات  
محوله بخود میباشد

### کرمان

از قراریکه از کرمان نوشته بودند درین اوقات طرق و  
شوارع ولایت کمال انتظام و امنیت دارد قواصل و مسرود

و ضرری نخواهد رسید و پس ازین بارندگی غله بسیار از  
خارج بشهر آورده و از اتهامات اولیای دولت علت  
کندم وجود آن تنزل کرده نان بسیار خوب از قراریکه  
سید دینار فروخته میشود و فراوان است و کندم  
بسیار اعلی خرواری سه تومان و جو خرواری هجده هزار و  
نوزده هزار فروخته میشود و از قراریکه مذکور میگردد و از غله  
هم هر روز غله فراوان می آورند و مردم از این معنی کمال آسودگی  
و شکر گذاری دارند خصوصاً فقرا و مردمان بی بضاعت  
که تشویش کرانی بسیار داشتند بجهت این اوقات  
که همه چیز و فواید بسیار مانده مایه امیدواری و شکر گذاری  
این اشخاص گردید

چون عالیجاه مقرب الحضرة العلیت میرزا رحیم شیخ مت  
محصل کل محاسبات در اتام دستور العمل ولایات و در  
امر محاسبات در خدمت جناب نظام الملک کمال وجد  
بعل آورده بود مراتب صداقت و حسن منکذاری او  
خاطر اقدس همایون و ملحوظ اولیای دولت علیه گردید و  
این اوقات از جانب سنی اجواب بلوکا نیز یکسوی جنبه  
از صند و قحانه خاص برسم خلعت و یکقطعه نشان از مرتبه  
ادل سرنسکی بایک رشته کابل در وجه عالیجاه مشارالیه  
مرحمت فرمودند و جناب جلالت آتای شرف مجد ارفع صید  
چون از خدمات حسن اهما مات عالیجاه مشارالیه ریاض  
رضامندی داشتند یک طاقو شال اعلی از خود علاوه بر خلعت  
و نشان جمعی سرکار اقدس همایون بجایگاه مشارالیه  
نمودند که سبب مزید دلگرمی و اتمام او در خدمات مرجوعه

۱۴۱۶

در نهایت اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند و از اینها  
امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کراچی  
قراول و مستحق در هر یک از منازل راهها و دهنه جا  
که سابقا مخوف و محل نشوینش قطاع الطرق بلوچیه و غیره بود  
مشغول حفظ و حراست میباشند و قافله با تسودی از طرف

و شوارع عبور نمایند  
نام  
از قرار یک در روزنامه انولایت نوشته بود تکمل محظوظ  
که از اشرا و متمر دین بلوچیه است قلعه ایرندجان را محکم  
نموده و بخصانت انجامه و ر کرده سر از اطاعت و

خدمتگداری این دولت قوی کنت علیه باز روزه بود عالج  
نضر الدخان یاور پسر عالیجا میرزا کوچک خان شکر

جمعیتی از قشون مأموره که امیرالامرا العظام سردار  
بجه نظم صفحات بلوچستان فرستاده بود برداشته

و بسر قلعه منوره فرست متمر دین نیز از در مقابله و مجادله  
ور آمده قشون مأموره در اندک مدت بقهر و غلبه قلعها

تغیر و چهار و نفر از اشرا را متغیر مقول نمودند و  
عالیجا نضر الدخان درین جنگ کمال رشادت و جلا

د تهور را بعجل آورده بود  
دیگر نوشته اند که عالیجا میرزا شفیق وزیر حرب الحکم الامرا

سردار همه روزه با ستو فیان آنجا در در فرشته تحسین  
و ادوسته ضبساط و مباشرین بلوکات رسیدگی

نمایند و مقرر است که هر یک از ضبساط و مباشرین که خوب  
خدمت کرده و از عهد حساب برآمده و اهل آن بلوک از

اورا منی باشند در بده سنه تو شان پیشل نیز کما فی السبق

در کار خود برقرار باشد

معلیمی

دیگر از قرار یک در روزنامه آنجا نوشته بود ند عالیجا  
سر منک را امیرالامرا العظام سردار مأمور خدمت بلوکات  
اربعتم کرده و در بیت و ششم شهر شعبان عالیجا  
قرار بود و از مقصد کرد و در محل ماموریت بود

دیگر نوشته اند که عالیجا رستم خان سر منک با فرج  
خود همه روزه در میدان باغ ارک مشغول شت میباشند  
و با نهایت انتظام و حسن سلوک راه میروند و مردم کمال  
رضامندی از رفتار سلوک آنها دارند

دیگر از قرار یک تغیر اجناس کرمان را نوشته اند درین  
اوقات از اینقرار است

کندم	یکمخوار سه تومان	۱۰۰
جو	یکمخوار دو تومان و دو هزار	۱۰۰
گاه	یکمخوار شش هزار	۱۰۰
گوشت	یک من ششصد و پنجاه	۱۰۰
برنج چمپا	یک من هزار دینار	۱۰۰
برنج رسی	یک من چهار عباسی	۱۰۰
روغن	یک من دوریال	۱۰۰
گورگ	یک من چهار هزار	۱۰۰
پشم	یک من دو هزار	۱۰۰
شکر	یک من چهار هزار	۱۰۰
بنات	یک من چهار هزار	۱۰۰
قدیردی	یک من چهار پانصد	۱۰۰

ح

۱۴۱۷

بروجرد

از تشریح یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب  
 امیرزاده جلال الدین میرزا نایب الحکومه بروجرد و غیر  
 نواب مستطاب شاهزاده والا بتا احتشام الدوله نهایت  
 مراقبت و اهتمام را در انتظام امور ولایت و حصول رفاه و  
 آسودگی رعیت وارد و از وقتی که نواب احتشام الدوله سمت  
 عربستان رفتند تا این اوقات از انتظام و حسن مراقبت  
 نواب نایب الحکومه امور آن ولایت بجهت انتظام کامل دارند  
 و عمل سرفت که در آن ولایت بقا شیوع داشت بتجلی موقوف  
 شده و اذیت تمام بجهت امالی آنجا حاصل است و مردم بشکر آن  
 و دعا گوئی ذات اقدس بجا یون شتغال دارند

دیگر نوشته اند که غله و سایر اجناس در آن ولایت تسخیر  
 بهم رساند بود و مردم بسیار شوش و پریشان خاطر بودند  
 تا اینکه در ششمانی ماه شعبان الی بیستم بارندگی فراوان  
 علی التوالی در بروجرد و اطراف شده و نرخ اجناس نیز  
 تنزل نمود و بعد از یکسوم روز بروز و بارزانی است  
 جمله کندم که سابقا خریداری دو تومان و پنجاه گرم یاب بود  
 بدست نمی آمد در این اوقات در چهارده هزار و پانزده هزار  
 نهایت و فورا دارد و امالی آن ولایت از بن نزول باران  
 رحمت الهی و فیوضات لایتنای جانی تازه یافته و قرین  
 مرتب بی اندازه شده اند و اغلب سکنه بلوکاست در روز یک  
 آنجا که از شوش خشک سالی از اماکن خود متفرق شده و بشهر  
 بروجرد و جایهای دیگر رفته بودند در این اوقات باطنیان  
 خاطر با وطن و مسکن خود مراجعت کرده بر یک مشغول  
 کسب و کار و رعیتی خود میباشند

۱۴۱۸

دیگر نوشته اند در این اوقات که شده شکست قشون  
 اورنگی در نرس از دربارهایون بروجرد رسید نواب  
 نایب الحکومه و عسوم امالی آنجا از وضع و شرف لوازم  
 شکرانه و شادمانی و دعا گوئی ذات اقدس بجا یون راقبکم  
 نموده بودند

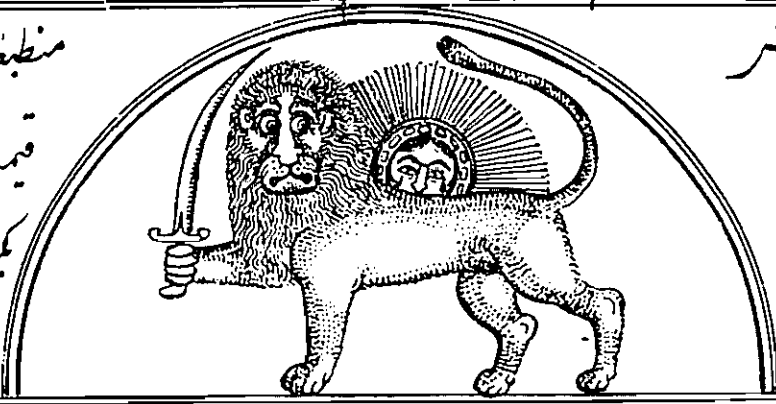
دیگر نوشته بودند در این اوقات که ایلات لرستان از  
 کرسیات حرکت کرده سمت میلاقات میرزند نواب  
 نایب الحکومه نهایت اهتمام را نموده اند که مابین آنها در  
 سر محل و خلف چر زراعی شود ایلات بپرانوند در سر محل را  
 مابین خود زراعی کرده بودند نواب نایب الحکومه عالیجاه میرزا  
 که خدا را با چند نفر از ریش سفیدان فرستادند که مابین آنها  
 اصلاح داده و محلی که در سر آن نزاع کرده اند تحقیق دید  
 شود مال هر طرف که باشد مالک و اگر نموده و قاری  
 بدینند که رفع منازعه آنها بشود

عربستان

از تشریح یک در روزنامه این ولایت نوشته اند بعد از  
 خرابی سد ناصری بسیاری از رعایای آنجا حیف سال بود  
 که با اطراف متفرق شده بودند در این اوقات که سد نامه  
 از زمین طالع فیروزی مطالع اقدس بجا یون شاهنشاهی  
 و اهتمام او یای دولت علیه حسن مراقبت و سعی و کوشش  
 نواب شاهزاده احتشام الدوله در کمال استحکام بسته شده  
 و آب بجزیره جاری گردید رعایای مزبور بجنس استحضار معابد  
 بانجام نموده مشغول فلاحت و زراعت و عمارت و آبادی آنجا  
 میباشند و غمخیزان شاه السد بکلبه آبادی خواهد در آمد

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پویم پنجم ماه رمضان المبارک مطابق سیال تو شقان سن ۱۲۷۱

نزد ویت بیت و شتر  
قیمت روزنامه  
یک نسخه در شهر یکسال  
و دهان و چهار هزار



منطبعه دار انخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره الی چهار سطر یکدوازده  
بیشتر با هر سطر پنج هزار

## اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

### دار انخلاف طهران

درین اوقات که ایام صیام است علما و فضلا و متقدمین و عموم اهالی دار انخلاف مبارکه در مساجد و معابد مشغول طاعات و عبادات و موعظه و نماز جماعت میباشند و امسال الی حال نسبت بایامی دیگر بجهت برودت و خوشی هوا بسیار خوش گذشته است و تا این اوقات هوای دار انخلاف طهران بسیار خوب است و هیچ نسبتی بایامی گذشته ندارد چاکران دربارهایون و نظام نصرت فرجام چنانچه در روزنامه گذشته نوشته شده از التزام خدمت در خانه روزگار آنچه عبادت و استراحت معاف در محض میباشند و شبها را چنانچه مقرر گردیده است جنابکلیک امجد ارفع الفخیم صدر اعظم در دربار خانه مجلس افطار دارند و اشخاصیکه بطریق خدمت مستند در مجلس جناب معظّم حضرت بعد از افطار بر کس مشغول انجام خدمات نموده بخود بوده و سایر بزرگان نظام و باشیان در بارهایون بریک که در دربار منزل و اطاق دارند چنانچه مقرر است وقت افطار را در اطاق خود نشسته تا دو ساعت بطلوع فجر مانده در دربار خانه بنشینند

خودشان بخدمات محوله و امورات اتفاقیه مشغول هستند میدان جدید را که حال دو سال است قرار اجتماع کسبه و اصناف در ماه مبارک بجهت داد و ستد در آنجاست درین اوقات حادثه علاوه بر حجرات بلور فرشی و غیره اطراف میدان مزبور که کمال نیت و آراستگی را دارند در فضای آن نیز ترتیب دکا کین و تهنیه بساط اندازی نموده اند و تجار و اصناف اقمش و نقاشی کران با آنجا آورده داد و ستد میکنند و اکثر دکا کین نزدیک میدان مزبور هم تا نزدیک طلوع فجر بازار است و اهل در بجان و غیره جمع عرض مطالب و انجام امورات خودشان الی صبح امتداد

بهمه جا است

لفظ بطور رحمت و عنایت خاطر اقدس بهیون علی حضرت شایسته در باره نواب شاهزاده و الا تبار عبد القدر میرزا و توجه ضمیر طفت تخیر بر تربیت نواب مغزی الیه درین اوقات حکومت فریون را با و رحمت فرمودند و عالیجا مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان خونی اجودان باشی سابق را که کسب کفایت و صداقت و کار داری موصوف است بمنصب وزارت نواب مغزی الیه و پیشکاری انجام امور فرمودند و در زمان التفات و خلعت رحمت گردیده

۱۴۱۹

این روز با مقرر حکومت روانه میشوند

باقضای کمال محنت و عنایت در باره نواب میرزا حسن  
و ظهور کفایت و کاردانی حسن سلوک و مردم داری نواب  
معزی الیه از فرار صد و نسرمان مهر لعلان بیون حکومت  
و تویسیرگان بایشان محنت و عنایت و خلق آفتاب طلعت  
نیر از جامه خانه هایون التفات شد و بهین روز نواز  
رکاب مبارک مقرر حکومت خواهند رفت

چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شد بعضی از  
افواج که در دربار اخلاف مشغول خدمت قراولی و غیره بودند  
با اینکه وقت مواجب آنها نبود محض محنت ملوکانه مقرر فرمودند  
مساعده با نهاد داده شده و نیز چند دست از توپچیان که  
قدری از مواجب آنها باقی مانده بود درین اوقات که ایام  
صیام است باستحضار شکر نویسان عظام و مقرر آنها  
فضان آفای میر پنجه توپخانه مبارک که هر روزه دست از آنها  
حاضر کرده مواجبشان را در اطاق نظام میزدند

چون امنای دولت علیه اهتمام تمام در رساندن مواجب  
خصوصاً آنها که در سرحدات مشغول خدمت و ساخوی میباشند  
دارند لکن بعضی از سرحدات که مالیاتش کفایت موجب  
نوکرانجا را نمیکند از دربار هایون تنخواه نقد مصحوب آدمین  
روانه ینمایند که در آنجا بنوکر رسانده قبض وصول گرفته  
بیاورد از جمله از جهت موجب نوکر استرآباد از نظام و غیره  
این اوقات سه هزار تومان مصحوب یک نفر صاحب منصب  
نظامی و عالیجاه ممر ظاهر کماشته مقرب انخاقان محمد و لیجان  
میکر یکی استرآباد روانه نموده باستحضار میکریکی بنوکرانجا  
قبض وصول آنرا گرفته بنظر اولیای دولت علیه برستند

در این اوقات چهارده نیر از شرار بلوچیه نظام  
که تقضیل آن در روزنامه هفتگی گذشته نوشته شد  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بدر بارهایون  
روانه نموده بود از حضور مبارک گذشته عالیجاه نصرالله خان  
یا در پسر عالیجاه میرزا کوچک خان سرسنگ و سایر مامورین  
که درین جنگ جلادت و رشادت لعل آورده بودند  
مورد تحسین ملوکانه گردیدند

عالیجاه مقرب المحضه العلیه قاسم خان که از جانب بی  
هایون بر تبه کار پردازی اول که بلبقت اهل او روپا مرد  
معنی جنرال قونسولی است در تعلیس اقامت داشت  
حکم هایون بر کاب مبارک احضار و روز شنبه ۹ ماه  
که روز ورود عالیجاه پش رالیه بدر بارهایون بود چون  
اوقات توقف تعلیس با کمال کاردانی و کفایت و عقل  
درایت سلوک و رفتار کرده و خاطر محنت مظاہر ملوکانه  
از طرز خدمت و صدقت خود قرین رضامندی و حوریه  
داشته بود بحکم هایون از دایره وزارت امور خارج  
و سایر چند نفر صاحب منصبان باشان باسی نفر نظام  
دیور باشی با استقبال او تا خارج شهر دار اخلاف بیرون  
رفتند و باقضای دوستی و مودت فیما بین دولتین  
ایران و روس از سفارت دولت بیبه روستیه نیز  
چند نفر صاحب منصب با استقبال رفته عالیجاه پش رالیه  
با کمال عزت و احترام شرفیاب در بارهایون گردید و  
پس از شرفیابی خاکپای هایون باقضای رضامندی  
خاطر مبارک از خدمات او کمال محنت و عنایت نسبت  
باد بسبب دل شد و هم چنین جناب جلالت ماب شرف امجد

۱۴۲۰

ارفع المحتم صد اعظم نیز بقضای خدمت و وقت  
 و کار دانی و کفایتی که از عالیجاها مشارالیه ظاهر شده بود  
 محبت و مهربانی و اظهار رضامندی از عالیجاها مشارالیه نمود  
 از فراریکه مأمورین دولت علیه مقیمین مالک خارجه این  
 نخواستند و کلاهی دولت متخاصمه در شهر وین باقی بماند  
 دولت بهینست مجتمع گردیده در خصوص مسئله حاضر  
 چه مجلس گفتگو کرده و همه از جانب دولت متبوعه خود  
 اظهار کمال میل بانقاد مصاحبه و رفع موجبات منازعه  
 متخاصمه نموده اند از ایتفا رچنان استنباط میشود که امر مصاحبه  
 بزودی مست انجام پذیرد و کیفیت جنگ که خالی از  
 شایبه شبهه و تردید ضرعمومی از برای عامه دول رومی  
 که مدخلیت در منازعت دارند یا ندارند بجای مرتفع گردد و  
 چون دوام این جنگ مایه عدم رونق تجارت و ضرر تجار  
 این دولت نیز بوده و خواهد بود اولیای این دولت  
 در حال امیدواری منتظرند که بزودی کار مصاحبه بگذرد  
 و کفایتی سابق رونقی در امر تجارت و اطمینانی از برای  
 و تجار این مملکت عموماً حاصل شود

### سایر ولایات

عربستان از فراریکه در روزنامه این ولایت  
 امورات آنجا از حسن مراقبت و اهتمام نواب استیجاب  
 شاهزاده و االاتبار احتشام الدوله خانمیرزا صاحب اختیار  
 عربستان و لرستان و بروجرد و نجف و نهایت نظام  
 دارد و نوکر و رعیت هر کس در کار خود مشغولند و نظام  
 نصرت فرجام از توپچی و سرباز و مستحفظ و غیره هر  
 و محمل مأموریت خود مشغول انجام خدمات محوله میباشند

و این اوقات که موسم آمدن جهازات به بند محتم است  
 چند کشتی برنج و کدوم وارد محسره گردیده است جهازات  
 دیگر هم از سایر اجناس متاع هند و غیره با آنجا  
 آورده بار آنها خالی شده و در عوض خرما و غیره بار کثیر  
 کرده میروند و داد و ستد تجار و غیره در این اوقات  
 بسیار خوب رواج دارد سابقاً بجهت کمی آذوقه قدری  
 پریشانی با مالی آنجا روی داده بود لکن در این اوقات  
 بجهت اینکه هم اجناس از خارج با نولایت می آید هم  
 سیویات قشون مأموره آن صفحات را نواتش برده  
 از خارج با نهار رسانده اند اجناس و آذوقه در نولایت  
 و فور هم رسانده و مالی آنجا ازین برسد کمال است  
 و شکر گذاری دارند

از فراریکه در روزنامه محسره نوشته بودند چندی  
 قبل ازین خواجه محمد نام تاجر شوشتری رفته بود در بصره  
 متاعی خرید کرده حمل چهار نموده قدری از بصره بیرون  
 آمده بود قطاع الطریق سحری غفله بر کشتی او ریخته جمیع  
 اورانقد اجنبی و غارت برده بودند تا جرم بزرگ  
 بمیان آن طایفه رفته فریاد کرده بود که من رعیت دولت  
 علیا یرانم و در تحت اختیار و حکومت نواب شاهزاده  
 سجه مطالبه اموال منسوبه خود بنزد شما آمده اجبار میکنم  
 متاع مرا نقد اجنبی را در کردید بسیار خوب و آلا رفته  
 خدمت نواب شاهزاده عرض خواهم کرد اعراب بر بروجرد  
 چون کمال حساب و دادرسی نواب معنی الیه امیدوار  
 اموال آن شخص را نقد اجنبی تمام و کمال بدون کفصا  
 آورده با و تسلیم کرده بودند

۱۴۲۱



### کرمانشاهان

### نواب امیرزاده مرخص کردند

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند در اول  
 به استه نوشتان نین نامذت یجاء بارندکی در آنجا نشاند  
 و نرخ غلات قدری کران جنس کم کرده بود و امالی  
 انجا از تیمعی زیاده در تشویش بودند ولی از غره شعبان  
 الی بیست و پنجم ماه مزبور بحدی بارندکی شده است که  
 لشری از مردمان سن معمر بخاطر داشته اند و در وسط بارند  
 تکرکی بارید است بعضی از آن بقدر نصف تخم مرغ قدری  
 از آن تکرک سیب و خنارت باغات و صیفی رسید  
 ولی غله بسیار خوب است و روز بروز از آن تر میشود و تسعیر  
 انجا درین اوقات بفرار مسطور ذیل است

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند  
 عالیجا بمقرب انخاقان فضا ن آقا میرنجه توپخانه مبارک  
 از رعبات عالیات محبت میکرد از منزل خانقین آدم  
 روانه قصر نموده سر باز و سواره عالیجا به الله  
 قلعه رنجیری که مشغول حفظ و حراست آن راهبا هستند  
 عالیجا مشارالیه را همراهی کرده با بهران اوسالمان  
 رسانده بودند ولی بعد از او پسرزاده نواب حیدر قاسمی  
 متعاقب روانه شده در راه در قلعه سبزی چند نفر از سوار جا  
 مرادی بسیار آن ریخته زد و خوردی کرده بودند یک نفر از  
 جاف مقتول و یک نفر نیز از اهل زوار کشته شده و زوار را  
 تاخت و غارت کرده بودند نواب عماد الدوله بعد از استحضار  
 بزروار خرجی داده و محبت نموده اند ولیکن چون تکمیل وقت  
 از رعیت دولت عثمانی بوده اند هنوز در باره آنها  
 حکمی نشده است

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند  
 عالیجا بمقرب انخاقان فضا ن آقا میرنجه توپخانه مبارک  
 از رعبات عالیات محبت میکرد از منزل خانقین آدم  
 روانه قصر نموده سر باز و سواره عالیجا به الله  
 قلعه رنجیری که مشغول حفظ و حراست آن راهبا هستند  
 عالیجا مشارالیه را همراهی کرده با بهران اوسالمان  
 رسانده بودند ولی بعد از او پسرزاده نواب حیدر قاسمی  
 متعاقب روانه شده در راه در قلعه سبزی چند نفر از سوار جا  
 مرادی بسیار آن ریخته زد و خوردی کرده بودند یک نفر از  
 جاف مقتول و یک نفر نیز از اهل زوار کشته شده و زوار را  
 تاخت و غارت کرده بودند نواب عماد الدوله بعد از استحضار  
 بزروار خرجی داده و محبت نموده اند ولیکن چون تکمیل وقت  
 از رعیت دولت عثمانی بوده اند هنوز در باره آنها  
 حکمی نشده است

کندم	یکخوار	دوازده هزار
جو	یکخوار	هشت هزار
نان	یکخوار	دوازده ریال
برنج	یکمن	ده شاهی
خرما	یکمن	ده شاهی
شکر	یکمن	سه هزار پانصد
قد اصغرها	یکمن	هشت هزار

و یکر نوشته اند که در این اوقات نواب علی قلی میرزا سرد  
 نایب الحکومه مشرف سوار کلیانی را آورده خدمت نواب  
 عماد الدوله حکمران کرمانشاهان داد و نواب معری  
 بدقتسان انخارا دیده تقریب رسیدگی نمودند و انخارا  
 با لغات اولیای دولت قایم امیدوار نموده مسراه

۱۴۲۲

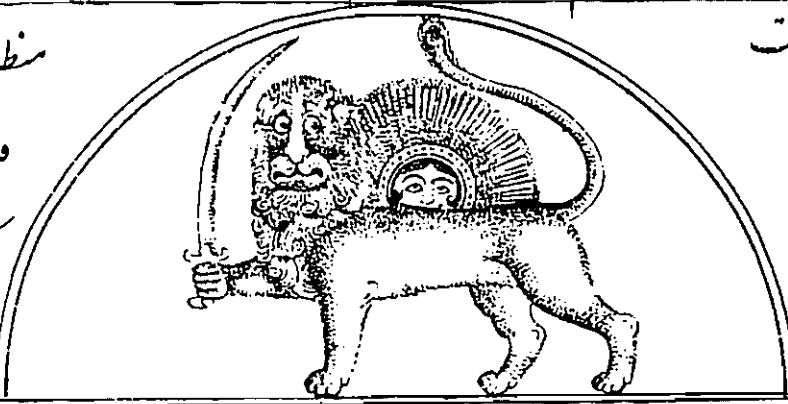
# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچم شنبه یکم ماه رمضان المبارک مطابق سال توشکان ۱۲۷۱

مره دولت بخت هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شاهی

و تان و چهار هزار



منظور دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار خط یکبار

بیشتر با هر خط پنجر

## اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

### دار اختلاف طهران

درین اوقات که ایام صیام است میدان جدید را چادرها و تجیرها کشیده و حجرات ترتیب داده و امتعه و نقایس چیده اند اگرچه چند روز قبل باد شدید آید بعضی از چادرها را افکنده و غراب کرد ولی دوباره سرپا کردند و کمال زینت و آراستگی را بهم رسانده و بجهت روزه داران تفریح و مشغولیت خوبیت که مشغول تماشا و داد و ستد میشوند و امر او خوانین در ب خانه در اینجا اجتماع و ازدحام مینماید شبهارا تا پنج شش ساعت بازاری با بازاریست و مردم مشغول معاملات و خرید و فروش بستند سرکار اقدس جایون شامای در عمارت باغ تشریف دارند و هر یک از چاکران در بار جایون را که انجام خدمت و فرمایش جایون لازم دارند احضار میکنند و ابل سلام نیز هر کدام که بسلام باید بروند شبهارا تفریح حضور مبارک میشوند و تا نزدیک سحر اغلب چاکران و خوا و عمده حضور که مصدر خدمت میباشند در در ب خانه حاضر

چنانچه معمول و رسم این دولت علیه است که هر سال در ماه مبارک رمضان اعلیحضرت شاهی با تفریح حجرات و دکا کین که بنفایس امتعه آرایش و تزیین یافته تشریف فرما میشوند و کسبه و اصناف و صنعت کاران که مقصود اصلیشان از جمعیت و ازدحام زیارت و وجود فالین ایچود جایون است شرف اندوز زیارت و وجود مبارک میشوند و از نقایس و بدایع صنایع بعضی عرض حضور مبارک میرسد و توجه خاطر مظاهر ملوکانه به امتعه و صنایع سبب فرید شود و صنعت کاران و باعث رونق و گرمی داد و ستد کسبه و اصناف میگردد و درین سال نیز در روز دوشنبه ۱۸ ماه رمضان المبارک بعد از ظهر با اساس و احتیاط ملوکانه میدان جدید تشریف فرما گردیدند جناب جلالت آبا امجد ارفع محترم صدر اعظم عظیم و سایر امشای دولت علیه و خواص مقربان حضرت کزدون سینه در خدمت اقدس جایون بودند دکا کین و حجرات میدان منور را که مشغون با انواع ظروف بلورالات و آینه و کراهنها و صنایع غریبه بود گردش فرمودند و دستار کسبه و

۱۴۲۳

و اصناف زیارت وجود فایض بحد هایون چشم رسیده  
 حاصل نمودند و آنچه از بلور آلات و نفایس گرانها که پسند  
 خاطر هایون کرد بد امتیاع و ارباب صنایع را تشویق و اعان  
 فرموده بعد از تفریح و تماشای آنجا بارک مبارک که سلطان  
 معاودت فرمودند

چون مقرب انخاقان عیسی خان والی کیلان برکاب مبارک  
 آمده بود و حسب الامر معاودت بمقر حکومت خود می نمود  
 لهذا سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی محض مرحمت مواری کفقطعه  
 نشان مثال هایون و یکثوب جبه ترمه در حق او مرحمت فرمودند

چون محمد علیخان جوان شیر سرتیپ فوج اول خاصه شریف  
 بعباسات عالی درجات رفت در آنجا مجاورت  
 اختیار کرد لهذا عالیجاه محمد قلیخان سرهنک حوی  
 برادر او را بمنصب سرتیپی فوج اول خاصه شریف  
 سرافراز و فرمان بهیون و خلعت مرحمت فرمودند

چون مرحوم قاسم خان پشاسرهنک فوج اول  
 پشادر در مأموریت فارس در بندر بو شهر مرحوم  
 شد لهذا سرکار اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی  
 عالیجاه خانلرخان پسر عالیجاه کلبعلی خان پشادرا  
 که جوانی رشید و قابل بود بمنصب سرتیپی فوج مزبور  
 منصوب فرموده فرمان مبارک و خلعت مرحمت  
 شده مأمور فارس شد که رفته فوج مزبور را

بیاد د

عالیجاه حیاقلی خان سرهنک فوج گردی چون  
 بسبب امراض مزمنه چشمش معیوب شده و از قوه  
 خدمت باز مانده بود لهذا محض مرحمت منصب سرتیپی  
 فوج مزبور را عالیجاه ملک نیاز خان پسر عالیجاه  
 که قابل و شایسته است مرحمت فرمودند و فرمان هایون

بشرف صد و مقرر گردید

نظر بسو سلوک سعادتقلی خان حاکم در جزیره مرحوم سلیمانخان  
 در جزیری دنار رضامندی نواب شاهزاده فرمانفرمای  
 خراسان و مقرب انخاقان وزیر نظام و عموم مالی در جزیره  
 از او سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی او را از حکومت در جزیره  
 معزول و عالیجاه اللهیار آقای پسر کوچکتر مرحوم مزبور را که برکاب  
 هایون آمده بود و مراتب قابلیت و شایستگی او در نزد  
 دولت علیه معلوم و مشهود گشته و مالی در جزیره هم یکی از طرز  
 رفتار و سلوک او رضامندی داشتند بکومت آنجا سرافراز  
 فرموده فرمان هایون و خلعت مرحمت شده این روزها  
 رکاب مبارک مرخصی حاصل نموده بمقر حکومت خود خواهد رفت

باقضای کمال مرحمت و عنایت در باره مقرب انخاقان  
 محمود خان سرتیپ و مصلحت گذارد دولت علیه مقیم بطبرستان  
 و رضامندی خاطر مرحمت مظاہر ملوکانه از طرز  
 سلوک و رفتار و خدمات مشارالیه از فرار  
 صد و فرمان مهربانان مسایون بلقب  
 خجایی که از عنقه القاب این دولت جاوید است  
 علیه است سرتیپ سربلندی و مفاخرت گردید

۱۴۲۴

که با کمال دلگرمی و امیدواری مشغول انجام خدمات

محو له بخود باشد

چون چاکران دربارهایون و قشون ظفر مقرون که از  
کرمان بتیخیر بند عباس مأمور شده بودند نسبت بانها  
اتفاقی نشد مگر مقرب انخاقان عبداللہ خان میرنجه که  
نشان اول میر خنکی و حامیل سرخ و سفید بجهت او رحمت و ارشاد  
شده و در روزنامه گذشته نوشته شد درین اوقات  
که مراجعت بکرمان نمودند در حق سایرین نیز انعام و  
و مواجب از قرار تفصیل ذیل از جانب سنی اسجوانب ملوکانه

مرحمت شد

عالیجاه امامعلی خان سرمنگ کوه گچاچاه موسوسلیمز حکیم قشون کرمان  
که بنصب سیرپی سرافراز شده  
نشان دوم سیرپی  
قطعه پنجاه تومان

فرج بغمتم کرمان  
نشان علامه سلطان مظلا نشان نقره  
ده قطعه سیزده قطعه صد

علیخان طایفه قش  
نشان نقره  
یازده قطعه

میرسعید خان بلوچ سیستان  
کار و دستبسته طلا  
نشان نقره

چشم آقار بادکوبه  
نشان از مرتبه دوم یادری  
قطعه چهار قطعه

نوروز علی بیگ در سرد بلوچ آذربایجان  
انعام  
پنجاه تومان

جمالیگر خان جبال با برزی شاهسوار خان  
مواجب  
چهل تومان  
نشان سلطان طلا  
قطعه

کمال خان سیستان  
علاوه مواجب سابق  
بیت تومان  
اسد اللہ خان نایب اول بلوچ  
نشان سلطان طلا  
قطعه

میرزا ابراهیم اللہ خان باور فوج  
کرمان نشان از مرتبه اول یادری  
قطعه  
اصلاح بیگ باور توپخانه مبارک  
نشان از مرتبه اول یادری  
قطعه

سهراب بیگ پسر امامعلی خان سیرپی  
که بنصب خان اسرافراز شده  
نشان از مرتبه دوم یادری  
قطعه

### سایر ولایات

کردستان از قراریکه در روزنامه این ولایت  
خلعت آفتاب طلعت هایون شاهنشاهی که با فتح مقرب انخاقان  
والی مصحوب عالیجاه مهدی بیگ پیشخدمت جناب نظام الملک  
از دربارهایون انقاد شده بود با آنجا بر تو وصول افکنده مقرب  
مشاریه لوازم توقیر و احترام استقبال خلعت هایون را بعین آورد  
با جمیع اعیان و اشرفیاستقبال شاقه خلعت هایون را بر  
برود و شرفی خود نموده ظهور عنایت ملوکانه سبب رسیدن  
و تقویت کارشاریه گردیده و امالی آن ولایت را بمعنی زیاد خورد  
و چاه مهدی بیگ امالی آنجا را امید و ایریاد بعوظف اولیای دولت  
علیه داده است چنانچه قبل از درود در الیه اغلب کند آنجا خیال نقره  
داشته اند مشاریه آنهارا دلگرمی داده مشغول ریختن خود  
عیباشند

۱۴۲۵

# خراسان

از قرار یکدین اوقات از خراسان خبر رسید نواب شاهزاده  
فرمانهای مملکت خراسان که با قشون ظفر نمون بصفحات سپهر  
شریف برده بودند بعد از قتل خان جنوق و شکت قشون او بجای  
شریف سرمای مرده شده قریب را که قریب ده دو از ده هزار  
خانوار از اشرا ترا که او ایامات آن صفحات در اینجا مجتمع  
انجا را برای خود محکم و متعاقب قرار داده بودند و همیشه آن  
و حول و حوش بلکه ولایات خراسان را تاخت و تاراج  
مینمودند و بجهانت و زرانت محکم خود مستطرب بودند نیا بجهت خود  
بروه شادونی الی انجیل یغضیبی من الما کوبان متحصن شدند  
نواب مغزی البیه هم بخطاب لا عاصم الیوم لکم جواب داده  
باقشون ظفر نمون جنگ عنیت را بجانب قریاب بسک عنان  
فرمودند حصار یان چون تاب مقاومت با عی کرد و در  
در خود نیندند و در حالت خود حال بینما الموج نکان من  
مشاهده نمودند از در استیمان در آمده گفتند حکم حکم  
ما فرمان پذیر و مؤمن امر است ما حد متکدار و مؤمن  
نواب مغزی البیه آنها را از قتل و نهب امان داده حکم حیرت  
ان قلعه نمودند و ان جمع را که چانده از هر جا که فراسم  
آمده بودند بواطن اصلی خود معاودت دادند و هشتاد خانوار  
با خانه و کوچ از معتبرین مروی کردی گرفته خانوار سلطان  
و را اینجا ب حکومت منصوب نموده بهمت خراسان عطف  
عنان کردند و از جانب سنی ابجوانب جایون شاهان  
بتفصیلی که مطور میکرد برای نواب مغزی البیه و  
همر امان ایشان نشان و خلعت مرحمت فرموده ارسال  
داشتند

۱۴۲۶

نواب والا فرمانفرما	مقرب الحاقان وزیر نظام
نشان نشان بکون جبهه ترمه بخیره سککل بالاس قطعه نوب	عصای صرع جبهه ترمه عد نوب
عایجا پاشا خان ایلیخان	شاهزاده محمد یوسف هراتی
جبهه ترمه نوب	جبهه ترمه کرمانی نوب
امیرزاده جعفر علی میرزا	امیرزاده مهدی علی میرزا
جبهه ترمه کرمانی نوب	جبهه ترمه کرمانی نوب
محمد حنیفان بیگ اواج درانی	امیرخان سرتشاهتون
جبهه ترمه کرمانی نوب	نشان اول میرزا قطعه
محمد حسین خان قوللر قاسمی هزاره	محمد خان سرهنگ فوج ساوری
جبهه ترمه کرمانی نوب	شال کرمانی طاقه
کاظم خان سرهنگ فوج سیر	محمد تقی خان سرهنگ فوج صید
شال کرمانی طاقه	فراغ کرمانی طاقه
عبا سفلیخان کروی	امیر حسین خان راد پاشا خان ایلیخان
شال کرمانی طاقه	شال و قبا دست
محمد رفیع خان یوزباشی علان خراسانی	پهادرخان
ناب و قبا دست	ناب و قبا دست
عبدالباقر خان افغان	محمد رضا خان پور
جبهه کرمانی نوب	ناب و قبا دست

<p>و امیدواری برای امالی اینجا حاصل گردیده است دیگر نوشته اند که در سیم شهر شعبان تکرک شدیدی مجال دشتان و کنکان و آن صفحات آمده بود که از فرار نکور بردان آن بقدر بیضه مرغ و کویچکتر بوده است بعد تیس نفر از امالی اینجا و جنیلی دو اب و اغنام ازین تکرک بعضی تلف در آمده است</p>	<p>سید علیخان خوانی شال و قبا دست</p>
<p>و همچنین در دویم شعبان در سمت جنوبی شهر برقی زد که کل اهل شهر متحیر بودند بعد که معلوم شده بود برق بخانه صند سلطان که یکی از سلاطین فوج شیراز است زده یک نفر جاریه و دو در اسب تلف کرده و خانه را هم خراب نموده بود</p>	<p>میر منصور خان خوانی شال و قبا دست</p> <p>مهدیکان یا ورفوج قدیم و اول نشان اول یاوری قطعه</p>
<p>چون بر ساله در اوقات عبور و تردد ایلات از دور شهر بعضی تعدیات از آنها نسبت بیکدیگر یا سایر مردم ظاهر شد امسال از اتهامات نواب ستطاب شاهزاده و الا تبار مویه الدوله حکم آن فارس با نکال نظم حرکت کرده اند بطوریکه هیچ چیز بازرع و محصول کسی از عبور و مرور آنها آید و خسارت نرسیده است</p>	<p>محمد علی بیک یا ورفوج کروی نشان دویم یاوری قطعه</p> <p>یحیی بیک یا ورفوج و اول شال کرمانی طاقه</p> <p>اولاد عبدالرحیم خان بیک سبزی موجب بدین موجب حتم شده صد تومان</p> <p>عظیم خان برادر کلاریع خان موجب پنجاه تومان</p>
<p>دیگر نوشته اند که امور معاملات و محاسبات دیوانی شهر و بلوکات در کمال انتظام است و مقرب انخاقان مشیر الملک حب الامر نواب شاهزاده و الا تبار مویه و بمقتضای کفایت و کار دانی خود کمال رسیدگی در امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی دارد و رعایا قرین فایده و آسودگی و شکر گذاری میباشند و همچنین امور لوگر انجا از نظام و غیره بسیار منظم است و افواج هر روز از توپچی و سرباز مشغول مشق میباشند و صاحبان</p>	<p>حسینان سزوری که در جمیع محاربا بود و برکاب هالیون نیز آمده بود اصافه موجب اقام پنجاه تومان پنجاه تومان نشان یاوری خلعت شال کرمانی طاقه</p> <h2 style="text-align: center;">فارس</h2> <p>از تفریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امورات انجا بنهجه قرین انتظام و ایت است در اوایل ماه شعبان که هنگام آمدن باران بود در شیراز چند روزی باران نیامد و مردم زیاده اضطراب داشتند تا در هفتم ماه فرورد شروع بارندگی نموده بارانهای نافع و موفع زیاد آمد و در شب ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هوار اشدت تمام سرد کرده بود بطوریکه در او اسطر مستانهای شدید اینطور سرما کسی بخاطر ندانسته است اگر چه ازین سرما بس درختی خنجر بسیار رسید و اغلب درختها را که برک و شکوفه کرده بودند سرما سیاه کرد ولی ازین بارندگیها جنیلی فایده بزراعت رسیده</p>

۱۴۲۷

کمال اهتمام در مشق و انتظام آنها دارند و مقرب انخاقان  
شجاع الملک در وصول مالیات و انتظام کار نوکرو با  
خدمات دیوانی نهایت سعی و رسیدگی دارد

دیگر در روزنامه فارس نوشته بودند که چون هوای بندر  
عباس بغایت گرم است و این روزها برای افواج بیلا  
زیت در آنجا مشکل بود و کمال صعوبت داشت نواب والا  
مؤید الدوله با تمام مقرب انخاقان شجاع الملک یکفوج کرسی  
که شصده نفر از تنگستانی و غیره و چهار صد نفر لاریست  
سیرمنکی عالیجاه با قرخان تنگستانی گرفته بندر عباس  
روستادند که با فوج عرب ابواجمعی عالیجاه رضاقلینان  
سرتیب مشغول محافظت بندر عباس باشند و از آنجمله  
کمال نظم در امر ساخو بندر مزبور حاصل شده است

شکر گذار و دعاگوی این دولت پایداری باشند

دیگر نوشته بودند که در ماه شعبان عالیجاه مقرب انخاقان  
محمد ابراهیمخان سرتیب افواج اصفهانی از سفر کرسی شیراز  
برگشته و یکفوج از ابواجمعی او در بندر ابوشهر متوقف و یکفوج  
همراه خود مشارالیه آمده در خارج شهر شیراز منزل گرفته  
نوابش هزاره مؤید الدوله بجهت بازدید آن فوج مزبور  
رفته در میان فوج گردش کرده اند و بعد از ملاحظه اجمالی  
مفصلتاً سان آنها را دیده اند چون کمال راستی و انتظام  
مقرب انخاقان محمد ابراهیمخان و سایر صاحبان منصبان  
تحسین گردیده اند و نوابش هزاره کمال محبت و التفات  
در باره آنها معمول داشته و بعوظف اولیای دولت علیه

کامل داده اند

### دار انخلاق و طهران الضا

جناب مجتهد شمس‌الجمالی برسیلف از جانب اعلیحضرت  
امیرالطوره دولت بهتیه روسیه بانامه حلت علامه سید  
جلوس تحت سلطنت و عالیجاه فحاشه همراه بار توله  
نیز از طرف جناب جلالت نصاب مرادیف جانشین  
مالک فقاریه با ذریعه مخالفت و دایعه مأمور بدربار  
دولت علیته گردیده بعد از ورود بسردن نواب مستطاب  
شاهزاده نصرت الدوله فیروز میرزا حکمران مملکت  
مقرب انخاقان قاسمخان سرتیب را بهماننداری ایشان  
مأمور و با کمال احترام وارد دارالسلطنه تبریز گردیدند  
چند روز توقف مقرب انخاقان علینقی خان سرتیب که  
از جانب سنی ابجانب همایون بهماننداری ایشان مأمور بود

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی سیراز در انتظام  
امر بندر عباس و صفوحات شمل میناب و آن نواحی آنها  
کامل بعمل آورده اند از جمله بعضی از مفسدین شبگرد که یکی از قلچاق  
محکم آنجاست بنای خود سری گذاشته و با اللهو بر سر  
که از جانب نواب امیرزاده بحکومت و انتظام امر آنجا  
بود و مخالفت برخواستند و در مشارالیه مراتب را بنواب  
معزی الی عرض کرده جمعی از قشون مأمور بدفع مفسدین  
مأمورین فیه عباسخان نامی را که رئیس مفسدین بود  
با سایر اشرار بقهر و غلبه و کبر کرده خانهای آنها را  
و خود آنها را مقید و محسوس خدمت نواب امیرزاده آورده  
اللی قلعه مزبوره از حصول امنیت و دفع مفسدین استجاریا

ایشانرا پذیرفته از دار السلطنه تبریزی دار الخلافه الباهره  
 مراقبت تمام از جانب مماندار دولتی و مباشرین و  
 کارگذاران اموردیوانی در مراعات احترام ایشان بعمل آمده  
 در روزیکشنبه ۱۷ شهر رمضان المبارک در قریه طرشت  
 چادر دولتی زده شد تیر الامراء العظام مقرب الخاقان  
 محمدخان بیکر بیکی و میرنجه و مقرب الخاقان محمد رضا خان  
 سرتیپ از جانب سنی ابوالنبی هایون و عالیجاه خانبا  
 سرتیپ از طرف جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم  
 و عالیجاه میرزا عبدالغفار خان نایب دویم وزارت امور  
 خارجه از طرف جناب وزیر امور خارجه و عالیجاه محسن  
 کلاتر و کدیان شهر و استقبال بسیار از غلام و غیر  
 غلام با استقبال ایشان رفته با احترام تمام وارد باغ دو  
 مشهور باغ میرزا بنی خانی که از برای ایشان قبل از وقت  
 منزل معین شده بود گردیدند و آنطور احترامی که لازمه  
 سفر بود موافق تشریفات بطوریکل در حین ایشان بهمجهت  
 بعمل آمد

فارس ایضا

از قراریکه در روزنامه بهبهان نوشته بودند نواب میرزا  
 لطفعلی خان که بگومت انجانا مورست امورات انجارا  
 انتظام کلی داده است بعضی از مفیدین هنگام طلب که غلب  
 اوقات در انولایت مشغول فساد بودند بسی و تمام عیال  
 مقرب الخاقان لطفعلی خان سرتیپ فوج قشقایی و سرتیپ  
 و تادیب کامل شده اند و بالفعل نهایت انیت و انتظام  
 در انولایت حاصل است و رعایا در رفاه و آسایش مشغول

عیسی و دعا کونی میباشند  
 مقرب الخاقان حاجی قوام الملک که با انتظام بندر اوشهر  
 و آن صفحات رفته بود در ۱۴ ماه شعبان مرخصت از  
 نموده است و نواب شایسته برادره مؤیدالدوله جمعی را با استعجال  
 فرستاده و لوازم توقیر و احترام او را مرعی داشته اند  
 و در وقت شرفیابی حضور از نواب علی کمال التفتاب بیگمبل آمده است

از قرار روزنامه بندر اوشهر که نوشته بودند در اوقات  
 توقف مقرب الخاقان حاجی قوام الملک در بندر مزبور در حصول  
 دعای دوام دولت علیه و رفاه حال سکنه آنجا آب انباری  
 بزرگ قدیم واقع در نزدیکی برج سحری را که سالها خراب  
 بی آب بود فرستاده باز دید نمودند و بنا و عمل زیاد بجهت  
 بیرون آوردن خاک و تعمیر آنجا بکار انداخته مسافتی زیاد  
 از اراکلی فلاب انبار مزبور را هم قرار داده است که مسافت  
 دیواری بدوران باشند که در موسم بارندگی آب باران جمع  
 بان آب انبار بیاید و همچنین در دور شهر نیز عمل در کار تطیح و هوار  
 کردن زمین اند که نهری هم از آنجا حفز نمایند و آب آنجا هم شهر هم  
 بر آب انبار مزبور بیاید این آب انبار نوشته اند بسیار بزرگست  
 بر بیت و نطق قریب بسی ذرع طول و یازده ذرع عرض و در  
 عمق دارد و آب او کل الهی انجارا تا شش ماه بن متجاوز کفایت  
 الهی آنجا ریاده از این معنی دعا کونی و سکرانه داشته اند  
 از قرار روزنامه که در ۲۶ شعبان نوشته بودند تعمیر  
 و زدن طاقهای آن و تطیح منینهای اطرافش همه در کمال  
 استحکام با تمام سیده و کلیه کارهای آن شده است  
 بعضی جزئیاتش که فی الجمله نامامی داشت آنهم قریب با تمام انجام  
 بوده است

۱۴۲۹



م

دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان مشارالیه قرار داده است  
 که کار و انصرای مشهور میان کتل را که کوچک است و در  
 رستان کفایت کنجایش و توقف عابرین و مزد دین را  
 نمیکند بزرگ نموده در کمال استحکام بازند که عابرین  
 در آنجا با سود کی منزل نمایند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه دریا یکی محض رفاه حال رعایا  
 جزیره خارک و حصول دعا کونی چجه ذات اقدس بایون  
 شاهشاهی و جوه تخیلات جزیره مر بوره را موقوف و معاف  
 داشته و نوشته لغت بود نوشته است که بعد ازین  
 در پیچوفت مطالبه وجه مر بوره از آنجا شود که اسوده خاطر  
 مشغول کار و کسب خود دعا کونی دولت علیه باشد

دیگر نوشته بودند که در لنگرگاه بندر لنگه طوفان شدت  
 کرده سه فروند بخله را غرق کرده بود یکی از آنها مال بند  
 بود که از نمبسی بارگیری شده به بوشهر می آمد موج او را غرق  
 شکر و نبات آنچه داشت تلف شد و سایر اجناس  
 که ممکن بود بیرون آوردند و خود بخله مر بوره را هم آتش را  
 با سباب خالی کرده بیرون آوردند کسی نگرفته بود یکی دیگر  
 مال عبد الله بن خلیفه سحر نینی ساکن بندر لنگه بود که از نینی با بود  
 شد موج او را شکسته و غرق کرد بقدر دوازده هزار موه  
 برنج و سایر اشیا که در آن بود بالمره تلف شد چیزی  
 بدست نیامد از قرار مذکور بقدر دوازده هزار تومان خسارت  
 مشارالیه رسیده است و یکی دیگر که غنچه نمینامیدند از  
 اهل کویت بود که از مسقط می آمد شکسته و غرق شد و نیز  
 نوشته بودند که یک فروند بخله دیگر از اهل کویت مشی برنج  
 که از نمبسی بطرف بوشهر می آمد در مقابل سور که توابع مسقط است

۱۴۳۰

بجل فرو نشست اعراب آن نواحی که سابقا چهار سنظر نام  
 ملک التجار را غارت کرده بودند این بخله را نیز غارت کرده  
 بعد بر پنج شش هزار تومان تخواه از تجار تبعه دولت علیه  
 در آن بوده است و با صطلح اهل سفاین آنجا نیمه مال البحاره  
 که صاحب کشتی و جهی معین گرفته ضامن درک آن میشود که کسب  
 منزل برساند و در صورت تلف از عهد خسارت صاحب مال  
 برآید درین بخله نوشته بودند که مال بیمه و غیر بیمه بود ولی  
 قدر هر یک هنوز معلوم نشده بود

از وقایع اتفاقیه بوشهر نوشته بودند که علامه رضای چقان  
 از اهل کرون شیراز در بازار بوشهر یعنی ذکی مال شیراز  
 داشت و تمیز می نمود غافل از اینکه چهار پاره پر بوده است  
 در حین استعمال ناگاه نفکند زبور خالی شده چهار پاره پاره  
 بسای اسفند یا نام کروی قدی ساز که عموزادش را لیه بود  
 خورده پایش مجروح گردیده بعد از چند روزی بهمان  
 صدمه درگذشته است

درین هفتقه بسبب لیالی ۱۹ و ۲۱ و ۲۳ که شبهای اعیان  
 و ایام آن چجه بیداری و عبادت روزه داران در کام  
 ایام تعطیل لهذا این روزها ما که بقاعده ستمه روزهای  
 پنجشنبه بیرون می آمد تقسیم می شد در ایام تعطیل دار الطباع  
 کار کرد و بقب افتاده باین سبب در روز مقرر از دوازده  
 بیرون نیامد

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیست و نهم ماه رمضان المبارک مطابق اول شوال سنه

نزد هریست وشت

قیمت روزنامه

یک نخود و شش کیکاله

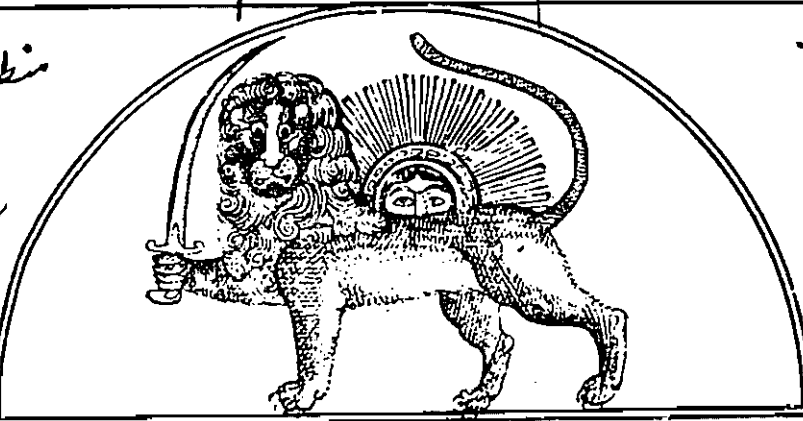
دو تومان و چهار نیر

منطقه دارالخلافه طهران

اعلانات

بکسطه چهارسطر بکبارد

بیشتر با هر سطر پنج نیر



## اخبار واحوال مالک محروسه پادشاهی

درین اوقات که ایام و اخزامه رمضان المبارک است هوای دارالخلافه طهران بسیار بخوبی گذشته است بطوریکه کثیری از سالها درین موسم که متهای بلندی روزهاست هوا باین خوبی بود سالهای دیگر درین فصل اغلب امالی و سکنه دارالخلافه مبارکه بشیرانان و سایر ییلاقات رفت بودند اما سال بجهت خوبی و طایمت هوای دارالخلافه طهران تا حال کسی بشیرانان نرفته است و احتیاج باین شده است که مردم ییلاق بروند دیگر هر سال درین موسم انواع ناخوشی در میان خلق بود اما سال بحمد الله تعالی مطلقا هیچگونه ناخوشی در میان مردم نیست و از این معنی کمال حور و شکر که ازیرا دارند تعبیر اجناس هم از فضل جناب باری تعالی بسبب بارندگیهای زیاد که در دارالخلافه و اطراف و بلوکاتش روز بروز در منزل و بحمد الله همه چیز فراوان و ارزان است از جمله کدوم خرواری به تومان و نیم و چهار تومان رسیده بود

حال خرواری دو تومان و دو هزار و هشت میشود کندم خوب اعنی و کمال و فور را دارد و بجهت این که از اطراف و جوانب علی التوالی کندم بدارالخلافه طهران می آید آ کلی هست که ارز آن ترسم بشود و چونیر که سابقا کم یاب بود و خرواری دو تومان و بیست و دو هزار و کتر بدست می آید حال در دوازده هزار دینار بهای و فور را دارد و سایر اجناس و آذوقه و حیوانات از قبیل برنج و سحود و ماش و غیره بهین نسبت ارزان و فراوان است و همچنین نان نهایت تنزل را کرده است و درین روزمانان بسیار خوب از قرار یکمن پنجشاهی فروخت میشود و از قرار یک معلوم است کمان کلکی هست که اجناس ازین تعبیر هم که حالا دارد تنزل نماید و ارز آن تر بشود با جمله امالی و سکنه دارالخلافه طهران را بجهت و فور و ارزانی هرگونه نعمت و حصول رفاه و آسایش و امنیت دریه اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی و بودن ناخوشیها بچندین سبب جای شکرانه است و امید

۱۳۳۱

که این سال خیریت مال چنانچه تا بحال بخوبی گذشته است  
بعد ازین رسم با کمال خوشی بگذرد

نظر بطور و فورم رسم ملوکانه در باره جناب امجد شرف  
ارفع افخم صدر اعظم و جناب نظام الملک شب ۲۷  
ماه مبارک رمضان را اعلیحضرت پادشاهی از جهت  
افطار بخانه جناب نظام الملک بصفیافت تشریف فرما  
گردیده از جانب جناب معظم و جناب نظام الملک  
بوازم پیشکش و پای انداز و قربانی بعل آمده و در اینجا  
و سخرمی میل فرمودند و بسیار بر وجود مبارک حرم  
سلفان جناب معظم الیه که مباشر خدمت هیئت  
صیافت بودند مورد تحسین ملوکانه گردیده افطار و سجود  
صرف شده بعد از اذان صبح مبارک که سلطنت  
معاودت فرمودند

در روزنامه قبل سمت نگارش یافت که جناب کفالت  
جنرال بر ویلیوف الهی دولت بهیته روسیه و عیال  
پو لگو نیک با رطالامی فرستاده جناب جلالت  
جائین مالک قفقازیه با احترام تمام وارد دربار  
گردیدند روز دوشنبه ۲۵ شهر رمضان المبارک  
عالیجاه مقرب المحضت العلیه محمد حسن خان نایب  
باشی از طرف قرین شرف مایون بمنزلی که از جانب  
دولت بجهت جناب معسری الیه و سرالمان ایشان  
تعیین شده بود در وقت ایشانرا دعوت بحضور مبارک  
موافق تشریفات متداوله وارد کشیکخانه مبارک گردید  
و از آنجا امیر الامراء العظام معرب النخاقان محمد ناصر  
ایشیک آقاسی باشی بر رسم و این معمره جناب الهی و همه

۱۴۳۲

اجزای سفارت را با نامه مودت ختامه و در بعضی  
جناب جلالت مآب جائین در مجلس خاص شرف  
بزم حضور مایون ساختند و اعلیحضرت شاهنشاهی  
جناب معزی الیه و عالیجاه مشارالیه را مورد نوازش  
ملوکانه فرمودند و بعد از مرخصی از حضور مبارک بلافاصله  
بملاقات جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم رفته  
بعد از طی تعارفات و صحبتهای محبت آمیز بهان مت  
که آمده بودند معاودت بمنزل خودشان نمودند و در  
بعد نیز جناب شرف امجد ارفع بیازدید ایشان تشریف  
برده شرایط دوستی و محبت را بعل آوردند  
چون از قدیم قیامین دولت علیه ایرانیه و دولت  
فخیمه فرانسه دوستی و مراودت برقرار و اسباب  
و مسالمت بطور اکل محکم و استوار بود و در این باره  
بیان مافی الضمیر و استخبار و اعلام مراتب دوستی و محبت  
باقتضای وقت از جانبین سفرائی متین بدر بار دو  
ما مور میشدند درین زمان فرخنده نیز جناب کفالت  
مآب موسیو بوزره بسفارت مخصوصه از جانب دولت  
بهیته مزبور بجهت تشدید مباحثی موالات مأمور دربار دولت  
علیه گردیده است توابع مطاب شاهزاده مؤید الدوله  
طهاسب میرزا حکم ان مملکت فارس پس از استحضار  
و اطلاع باینکه جناب معسری الیه از راه بندر ابوشهر  
عازم شرفیابی استن مبارک مستند عالیجاه محمد  
همراه میرزا علی محمد خان را از طرف خود بر رسم معاند  
روانه بندر ابوشهر نموده مراتب را بدر بار دولت  
علیه نگاشتند و عالیجاه مقرب النخاقان علیخان تیسر

فراگوز لونی از جانب سنی اجوائب مایون مبهانداری  
ایشان معین و از دربار شوکت مدار عازم شیراز  
کردید موافق خبری که از ابو شهر رسید عالیجاهان  
محمد مستر امان میرزا حسنعلیخان حاکم دریا یکی بو شهر  
و میرزا علیچرخان مهادار نواب مغزی الیه چادر  
پوشش بزرگی در کنار دریا زدند و ملزومات چادر  
از هر چیزی که مدخلیت با سایش و استراحت جناب  
مغزی الیه داشت همه را بطور خوب مرعوب آماده نمودند  
صبح روز یکشنبه ۱۹ شهر شعبان المعظم را که  
جناب مغزی الیه وارد خلیج بو شهر شده بودند عالیجاهان  
محمد مستر امان میرزا علیچرخان و میرزا محمود خان  
نایب اجودان و وزارت امور خارجه که در ابو شهر  
مشغول خدمت دولت است بکشتی کوچکی سوار شده  
ایشان از جانب نواب مستطاب معظم الیه پذیرفته  
تکلیف ورود با حل و استراحت در چادر نمودند  
عین ورود ایشان ببت و یک تیر توب از برای احترام  
ورودشان از توپخانه مبارکه خالی شد و از جانب  
صاحب منصب و سر بازاری که محض احترام ایشان در  
جلو چادر حاضر بودند و از اعیان و اشراف بو شهر که  
باستقبال رفته بودند احترام و لوازم اکران بپوش آمد  
بعد از استراحت در چادر با اسبکه در بو شهر منزل  
منتهی و ممتاز بجهت ایشان مهیا و موجود کرده بودند و تکلیف  
شد که بمنزل مزبوره بیایند میل خود و قرار منزل را در  
کوتی دولت انگلیس دادند و روز ۲۵ شهر شعبان  
باتفاق عالیجاه علی محمد خان از بو شهر حرکت کردند که از

طبق شیراز عازم دربار محبت مدار طابون گردید  
هوزوار و شیراز شده که مقرب انخاقان علیخان مستر  
مهادار دولتی رسیده ایشان را از جانب دولت پذیرفته  
عازم شیراز فی استبان مبارک گردیدند

**سایر ولایات**

**استرآباد** از قراریکه در روزنامه این ولایت  
سجده کمال انیت و ارزانی و فراوانی در آنجا حاصل  
از جمله برنج یک من بلده که عبارت از دو من و دو سه  
بوزن تبریز است بده شاهی و روغن بهان وزن  
یکم پنجاه و از آن است ترکیمن چهار هزار و ده شا  
و کندم و جو نیز بهین قرار نهایت و فوز ارزانی را  
دارد و اما فی آنجا در رفاه و آسودگی و انیت عا  
ذات اقدس علیون شتخا دارند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد ولیخان پسر  
بجهت نظم طوایف ترکمان و وصول و ایصال مالیات  
و رسیدن کولگان توقف دارد و در دویم ماه رمضان  
تقسیم مایات آنهار نموده و برات داران دیوانی بجهت  
وصول و ایصال آن شخص و بجل ماموریت روا شده  
و امور آن صفحات از اتهام مقرب انخاقان شالی  
کمال استظام را دارد

دیگر نوشته بودند که در ۲۴ رمضان المبارک بعد از خوردن سحور  
هونبای انقلاب و رعد و برق گذاشته مقارن طلوع آفتاب  
باریدن نموده تا دو ساعت چنان شدت کرد که سیلاب طرا جاری  
از جمله نهری در کنار رود بوده اسیل آن بطوری شد کرد که یکمیر  
پیش کرده بود اگر چه بجهت بیرون آوردن دولی از ضربت تلف کردید

۱۴۳۳

### فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند فوج  
 اخلاص ابوالجمععی مرحوم قاسم خان سرهنک که مابعد  
 ساخلوبند را بوشهر بودند در این اوقات که مشارک  
 وفات یافته است از بوشهر مرخص بشیر از کرده اند  
 چون مرحوم قاسم خان مادام الحیوة بطریق اخلاص  
 مشغول خدمتگذاری و جان نثاری بود نواب مستطاب  
 شاهزاده دالاتبار مؤیدالدوله حکمران فارس از فوج  
 او زیاد اظهار تاسف نموده اند و در روز و روز  
 مزبور بشیر از خود نواب هزاره بمیان آنها رفته و  
 از صاحب منصبان نموده آنها را بوالطف این دولت  
 علیهم امیدواری زیاد داده اند

۱۴۳۴

دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد رضا خان نوری که  
 با علمای ابوالجمععی خود مامور بحفاظت طرق و سوا  
 فارس بود در ۱۱ شعبان در حضور نواب شاهزاده  
 مؤیدالدوله سان داده بجل ماموریت روانه گردید  
 و منازلی که بمشارالیه سپرده شده است این اوقات  
 کمال امنیت را دارد

دیگر نوشته بودند که معصوم خان نامی که از جمله سواران  
 مشهور و سالها بقطع طرق و سبک و مار و هنب  
 اموال مردم اشتغال داشت و حکام سابق هر  
 سعی کرده بودند که مشارالیه را بدست آورده رفع  
 شر او را از سر مردم بکنند میرنشده بود و همیشه  
 اوقات در بیغولها متواری بود درین اوقات دست  
 اجل بر قفای او زده بیاد اشرفیات اعمال خود

گرفتا گردیده بدست مأمورین که بگرفتن دو سه نفر  
 از فراریهای فوج عرب باصری رفته بودند افتاد  
 او را بحضور نواب شاهزاده آوردند و حسب احکام بسیار  
 رسید و مردم زیاد از این معنی اظهار خورسندی  
 مینموده اند زیرا که از جمله وزد های مشهور بود و ازیت  
 زیاد بجابرین و مترددین کرده بود و همه امالی آن  
 صفحات از نعت او ستوده بودند

### کردستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند حاج  
 محرم پیک تعقدار که از جانب اولیای دولت فارس  
 مأمور بر رسیدگی و سان سرباز فوج کردستان  
 و تشخیص تعیین مواجب آنها بود و در دوازدهم ماه  
 شعبان وارد آنجا گردیده و از فرار حکم اولیای دولت  
 قاهره که در دست دارد مشغول انجام خدمات محلی  
 سجد میباشند و مقرب انخافان والی نیز قدغن کرده  
 که سرباز را جمع آوری نموده حسب المقرسان بدینند  
 مواجب آنها تشخیص یافته از فرار محمول شود

دیگر نوشته اند که سبجه خشکالی این پستان گذشته صاب  
 اطاک زیاد پریشان خاطر و از زراعت مایوس بودند  
 لیکن از ۲۰ جنب الی پانزدهم شعبان بارانهای متوالی  
 فراوان بانولایت آمده و آب رودخانهها چشمهها  
 جنی زیاد شده در کردستان و سیلا قات نیز برف  
 بسیار آمده و رفع تشویش امالی آنجا بگلی گردیده است  
 و امید داری زیاد سبجه امالی آنجا حاصل شده بحال  
 سگر گذار پیرا داشته اند

روزنامه قایم القایه بتاریخ یوم ششم ماه شوال المکرم مطابق سیال پوشقان سیل سنه ۱۲۷۱

مذمت بیت و نه  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شاه کیله  
و تکان و چهار هزار



منطبعة دار الخلفه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره الا چهار سطر یک هزار  
بیشتر با هر سطر پنجاه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز شنبه گذشته که روز عید فطر بود اعلیحضرت پادشاهی بقراریکه در ایام و قانون و رسم این دولت علیه است باسلام عام دادند انشای دولت علیه و مقربان حضرت کردند بطلت سینه از شاخه نازک و خواص و انرا و سرگردان عظام و صاحب منصبان نظام شرفیاب حضور مهر لهور خیر و انی گردیده هر یک در بر و مقام خود ایستادند سلام عام انعقاد یافته اجرای شلیک توپ و زنبورک بقاعده معموله شد و خطیب در حضور مبارک خطبه بلیغ بنام اعلیحضرت پادشاهی ادا نموده شرایط مبارک با عید تقدیم گردید و سفرای دول متجاپه نیز شرفیاب حضور مبارک و مورد التفات گردید بعد از انقضای سلام اعلیحضرت پادشاهی بجمارت سردرب دیوانخانه مبارک تشریف فرما گردیدند توپچی و سرباز سرتاسر میدان ارک صف نظامی کشیده و عموم اهالی دار الخلفه که بجهت زیارت وجود فالینج ایون در میدان مزبور جمع شده بودند شرف اندوز

زیارت وجود مبارک گردیدند و باصحاب طب که اسباب جشن و سرور در حضور بایون فرانس آورده بودند انعام طوکا نیکمذول افتاد چون طبع شریف آدس بایون شایسته عادت سواری نموده و وزیاده مایل گشت و تفریح میباشند در ایام ماه مبارک میضان سوار شده بودند درین اوقات که کل سرخ باغات اطراف شهر تمام شده و ابتدای خرمی و صفای شمیرانات خصوصاً سمت درین و آن اطراف است لهذا در روز یکشنبه گذشته که روز بعد از عید فطر بود غزمت سواری و تفریح سمت در بند فرموده اول بیان افواج قاهره نظام که در میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول مشق بودند تشریف فرما گردیده ملاحظه مشق و حرکات انهارا فرمودند و بعد از ان سمیت شمیرانات و در بند تشریف برده تا حوالی عصر مشغول گشت و تفریح آن صفحات بود نزدیک غروب آفتاب مبارک که سلطانی و مقرا سلطت عظمی را بجهت فرمودند

۱۴۳۵

چون چاکران دربارهایون در ایام ماه مبارک رمضان از الترام خدمت در خانه معاف و مرخص بودند درین اوقات که ماه مبارک منقضی شده است هر بقرا مقرره در سرکار و خدمت خود حاضر و مشغول انجام خدمات محوله بخود میباشند جناب نظام الملک در وقت مبارک که سایر باشیان در خانه هر یک در اطاق مشغول انجام خدمات دیوانی مستند و جمیع معاینه در دربار الفنون همه روزه در تعلیم و تعلم فنون عربیه و غیره مشغول میباشند

سرکار اعلیحضرت شاهی نواب شاهزاده والا حتمه حمزه میرزا را بحکمرانی ولایت اصفهان منصوب فرموده فرمان بجایون شرف صدور یافته یکشوب جبه پولک در دوره نفعه خلعت مرحمت فرمودند و عالیجاه میرزا پیکار سابق اصفهان را نیز کافی السابق به پیشکاری سرافرا و خلعت مرحمت فرموده از خاکپای جایون مرخصی حاصل نمود پیشرفت که در غیاب نواب معزی الیه مراقب و متوجه امور ولایت باشد تا نواب معزی الیه نیز این امور بمقر حکومت روانه شوند

در روز سه شنبه چهارم این ماه جناب امجد شرف رفیع افخم صدر اعظم بهر کشتی قورخانه مبارک که وجبه خانها بهمته کارخانجات آنجا بر یک بر یک بوقت رسیدگی نمود و بعد از ملاحظه تمامی کارخانها در اطراف نشسته قرار نظام قورخانه وجبه خانها را دادند و بجهه اینکه تا رسیدن تنخوا از محل معطلی برای آنها حاصل نشود مبلغ دو هزار تومان وجه نقد بجهت اخراجات قورخانه مبارک التقات فرمودند عالیجاه

عبدل بیک یا و قورخانه مبارک که مباشر سر آبخانه که فاسقه سر بازی با تمام رسانده بود فالتقمای او بنظر جناب معظم رسید و چون بسیار خوب و ممتاز با تمام رسانده بود مورد تحسین و التقات گردیده یکشوب جبه ماهوت خلعت دادند

چون تفریح محاسبات مباشرین و تنوید ارهای قورخانهها وجبه خانهای مبارکات را اولیای دولت قاهره بعبده عالیجاه میرزا حسین تفرشی سررشته دارد دفترخانه مبارک که استیفا محول و مرجوع داشته بودند در این اوقات که محاسبات را تمام کرده و بعد از ملاحظه جناب امجد شرف رفیع افخم کتابچههای مزبور بعرض اقدس بجایون شاهی رسید و خدماتش در خاکپای مبارک مستحسن و مقبول افتاد محض عنایت یکشوب جبه ترمه خلعت و دولیت تومان نقد بر سر انعام در حق عالیجاه شاهی مرحمت گردید و اولیای دولت قاهره نیز محض وثوق و اعتمادی که در صداقت و کار دانی درست قلمی او بهر ساینه ند حسب الامر فرادادند که در دفترخانه مبارک استیفا دفتر و جلد داشته باشد و خط گذاشته مهربانید که ثبت و سررشته صحیح ضبط کرده

د از عهد محاسبات محوله بخود یا محاسبات و خدمات دیگر که باو محول مرجوع شود بخوبی برآید

**امور قشونی**

افواج قاهره نظام که در ایام سیام از شش معاف و مرخص بودند در این اوقات که ماه مبارک منقضی گردیده است کافی سابق همه روزه توپچی در میدان ارک و سوار نظام و سرباز در میدان مشق خارج در واژه دولت یک ساعت از

روز بالا آمده حاضر مشق شده مشول مشق نظامی میشدند  
و از جانب صاحب منصبان و معلمین نهایت اهتمام در مشق  
و انتظام امر آنها میشود

فوج خرقان که احضار برکاب مبارک شده بودند در روز  
بیت و نهم ماه مبارک رمضان وارد دارالخلافه مبارکه گشتند  
و هم چنین فوج قزاقه داعی و سواره قدم نیر که از آذربایجان  
برکاب مایون احضار شده بودند در روز یکشنبه دویم  
این ماه وارد دارالخلافه گردیدند و در روز منور که عیادت  
شاهنشاهی در بند تشریف فرمائیدند بر دو فوج سواره  
منور در بیرون شهر حاضر شده بودند نیز افسران  
رسیدند چون آر استکی و انتظام آنهاستحسن و مقبول  
شاهنشاهی افتد و عالیجا بان محمد علیخان سرتیپ فوج قزاق  
و علیقلی خان سربنک فوج خرقان و علیخان سرکرده  
مقدم مورد حسن و التفات ملوکانه شدند

### سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان  
نوشته بودند بعد از شکست خوردن قشون اورکنجی از  
قشون دولت علیه و کشته شدن خان خینوق نواب  
مستطاب شاهزاده محسنم و الا بتبار فرمانفرمای خراسان  
پنج روز در سرخرس کمنه اقامت نموده نظم کامل و امورات  
طایفه که داده اند و بعد از آنجا بجانب مرو شاهجهان  
گرفته اند پانصد نفر سواره سرخرسی نیز در رکاب نواب  
معزی الیه بوده اند در منزل دربند خان ریش سفیدان  
طایفه ساروق کلاً باستقبال آمده مراسم اطاعت  
و انقیاد معمول داشته اند چون منزل دیگر است

از آنجا وارد آب دوروزه برداشته یکشب را در  
بیابان منزل کرده روز دیگر وارد کوچ قم شده اند کصد  
از سوار ساروق بجهت آنها رخصت گزای در منزل بیابان  
که آب نبود است پنجاه شتر آب بار دوی نواب سرتیپ  
رسانده اند اگر چه اهل اردو احتیاج بآب نداشته اند  
ولی این خدمت از خایفه مزبورستحسن و مقبول خاطر نواب  
معزی الیه آمده آنها را مورد التفات نموده اند و در  
۱۴ رجب نواب شاهزاده با عا کر منصوره وارد  
مرو شده اند و ایل ساروق نیز از قرباب حسب الامر  
تا ماهرکت کرده در حوالی مرو در کنار دریا فرود آمده اند  
و کتل مرو و یها و ریش سفیدان آنها خدمت نواب معزی الیه  
آمده بخواهف اولیای دولت قاهره امید واری حاصل کرده  
و نواب معزی الیه هر یک را فر احوال خلعت داده و التفات  
نموده اند بعد از سه روز که کل ایل از قرباب حرکت و پنجاه  
تخلیه نموده اند نواب معزی الیه حکم تخریب آنجا نموده آنجا  
با خاک یکسان نموده اند و شتاد خانواران معتبرین ایل ساروق  
برسم گروهی بار دوی کوچ چایند ما بقی را بجایهای خود  
فرستاده اند و هم چنین ایل سالور نیز خدمت نواب شاهزاده  
آمده مورد التفات شده اند و یکی از معتبرین آنها بن  
نواب معزی الیه در میان خودشان حاکم نموده و حاکم  
هزاره راهم در مرو ب حکومت برقرار و در راه اشجان  
مرو مراجعت و شت روز در حوالی سرخرس توقف نموده  
و امورات سرخرسی را مجدداً موافق دلخواه آنها انتظام داده  
ریش سفیدان آنها را مورد التفات کرده اند و عالیجا بان  
عبدالجبار خان فرستاده ظهیر الدوله را بمخلع و رخصت گزای

۱۴۳۷



# استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات  
 از اتهامات مقرب الخاقان محمد ولینجان بیکریکی استرآباد  
 کمال امنیت و انتظام در آنجا حاصل است و احدی  
 از نوکر باب و غیره مصدر حرکتی خلاف حساب نیست و  
 بشود و اگر احیاناً از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر  
 شده باشد در مقام تبیه و تادیب برمی آید از جمله  
 دو نفر از علما ان ابوالجیمی عالیجاه قلیخان یوزباشی  
 دور رس مادیان از بلوکات مازندران سرقت  
 کرده بودند عالیجاه محمدجعفرخان بغدادی استحضاران  
 غلام را تنبیه مضبوط نموده و مادیانها را بدست  
 سپرد است تا صاحبانشان پیدا شود

دیگر نوشته اند که پیر قلیچ خان بیوت بجه عروسی  
 باو بجعفر بای رفته بود در وقتی که با سواران مشغول  
 اسب روانی بوده است اسبش با اسبی دیگر بهم خورد  
 مشارالیه از اسب افتاده و آن اسب دیگر از روی  
 او گذشته از صدمه لگد اسب که بسینه او خورده فوراً  
 هلاک گردیده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات باران زیاد با سربازان  
 آمده و اغلب روزها در شهر و بلوکات بارندگی میشود  
 و صحرا همه از و نور علف و گیاه سبز و خرم است از قریب  
 نوشته اند که کتر سالی باین و فور بارندگی در انیول  
 شده بوده است

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا علیستغنی خان شکر  
 فوج جدید قدریکه با فوج خود در ششم ماه رمضان المبارک

وارد اردوی مقرب الخاقان محمد ولینجان گردید و عموم  
 احاد و افراد فوج مزبور بنظر مقرب الخاقان مشارالیه  
 در کمال ارادت و انتظام بودند و هم در آن شب یک  
 کومه که عبارت از انبار علف با آتش گرفته شویس  
 سربایت بجایهای دیگر داشت ولی مردم چون بیدار  
 بودند جمعیت نموده و آتش راز و خاموش کردند  
 و نگذاشتند بجای دیگر سربایت کند

دیگر از قراریکه نوشته اند و فو نعمت در انولایت حاصل  
 و تسعیر اخبار ساسانجا درین اوقات از اینقرار است  
 نان بوزن بلده یکمن سیزده شاهی

کندم	یکمخوار	دوازده هزار
روغن	یکمن	پنجاه
گوشت	یکمن	سی شاهی
برنج	یکمخوار	دو تومان
بیزم	یکبار	دو عباسی
نمک	یکمن	صد دینار
پنیر شور	یکمن	سی شاهی
ذغال	یکبار	هزار دینار
مرغ	یکقطعه	پنجاه
قد	یکمن	دوازده هزار
بنات	یکمن	هیجده هزار
تباکو	یکمن	شش هزار
شکر سنج	یکمن	سه هزار
پیه کداخته	یکمن	سه هزار
این	یکمن	سه هزار

۱۲۳۸

### فارس

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند کمال است  
 در آنجا حاصل است و نواب مستطاب شانزده و  
 موید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس مورسید کی  
 با مور ولایتی و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت  
 اهتمام را دارند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مهرعلینجان بنجاع الملک  
 در انجام خدمات دیوانی و وصول و ایصال ایات  
 کمال سعی و اهتمام را معمول میدارد و هم چنین سایر حکمران  
 دیوانی همه روز مشغول انجام خدمات محوله خود هستند  
 دیگر در باب تعمیر نارنج قلعه شیراز نوشته بودند که بواجب  
 شانزده تا یکم نموده اند که بعد از ماه مبارک رمضان  
 مشغول تعمیرات آنجا شده با کمال خوبی و استحکام بنا

تعییر اجناس فارس را که درین اوقات نوشته اند  
 از این قرار است

کندم یکخوار	هفت تومان
جو یکخوار	دو تومان و پنجاه
برنج یکخوار	هفت تومان
روغن یک من	دو ریال
شمع یک من	سه هزار و یکصد
ذغال یکخوار	یک تومان
بیمه یکخوار	پنجاه
شیره یک من	چهار عباسی

### کرمانشاهان

از فراری که در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودید  
 کاشانی فرانس خلوت نواب عماد الدوله شب در  
 خواب بوده است شخصی کار د بکلوی او گذاشته بود  
 که سر او را بره و قدری که بریده شده بود مشا را بیه  
 بیدار گردیده و قاتل فرار کرده بود مراتب نواب  
 عماد الدوله حکمران کرمانشاهان عرض شده و مقام  
 تحقیق و تجسس برآمده بودند معلوم شده بود که خواهر  
 مشا را بیه تخریک زن اد که با هم رفیق بوده اند مز  
 این عمل شده است فرستاده خواهر زاده او را که  
 عتبات فرار کرده بوده است گرفته آورده اند بعد از  
 واقعه زن و خواهر زاده او نواب معزنی الیه بر  
 تمیبه بسز نموده اند

از غرایب امور نوشته اند که در محله میدان عباسعلی  
 ضعیفه چهار طفل بیک شکم را دیده و شوهر نیردا  
 از او تحقیق کرده اند گفته است که بچگامی که مردانه بود  
 بعد زمانه شده رفته بودم در آنجا حمل برداشته ام  
 اطفال من بوز نیز تا چهار ساعت زنده بوده اند بعد  
 هر چهار فوت شده اند

فوج کرنزی را نوشته بودند که نواب شانزده در ماه  
 مبارک رمضان با عالیجاه حیاتعلی خان احضار شهر  
 نموده مواجب آنها را هر چه مانده بود تا ما پرداخته و  
 نمودند اند  
 دیگر نوشته اند که قبل از ماه مبارک رمضان در یک

بارندگی زیاد در کرمان مانده و درین مدت دو  
دفعه هم مگر آمد و دفعه اول ضرر جزئی بیباغات و اشجار  
از دولی و دفعه ثانی مگر کی درشت بقدر نصف بیضه مرغ آمد  
و بقدر چهار ساعت نیز امتداد یافته ضرب بسیار ازین  
تکرک بیباغات انجا رسید

تعییر اجناس کرمان مانده را که نوشته بودند درین  
اوقات از این قرار مستعانت

- کندم یک چار دو دوازده هزار
- جو یک چار یک تومان
- برنج یک من ده شاهی
- روغن یک من دو هزار
- قد اصفهان یک من شش هزار پانصد
- شکر یک من سه هزار و پانصد
- حزما یک من ده شاهی
- بروجرد

۱۴۴۰

شریبت و شیرینی نموده اند  
دیگر نوشته اند که در این اوقات نواب مستطاب  
شاهزاده احتشام الدوله نواب ایلدرم میرزا از لرستان  
خو است و نواب جلال الدین میرزا را که در بروجرد  
نایب الحکومه بود بحکومت لرستان برقرار و بپاکستان  
با کفایت و استعدادی شایسته روانه لرستان  
نموده اند و امالی لرستان نواب معزی الیه را استقبالی  
نموده اند و کمال شغف و خورسندی از ناموریت او

داشته اند

دیگر نوشته بودند که ماه ثور در بروجرد آن طراف  
بارانهای پی در پی آمد و کمال خورسندی و آسودگی  
برای عموم امالی انجا حاصل گردید و بالفعل کندم حردار  
چهار ده هزار تا دوازده هزار فزاوان است و تمام

تعییر حیوانات موقوفه متعارف است

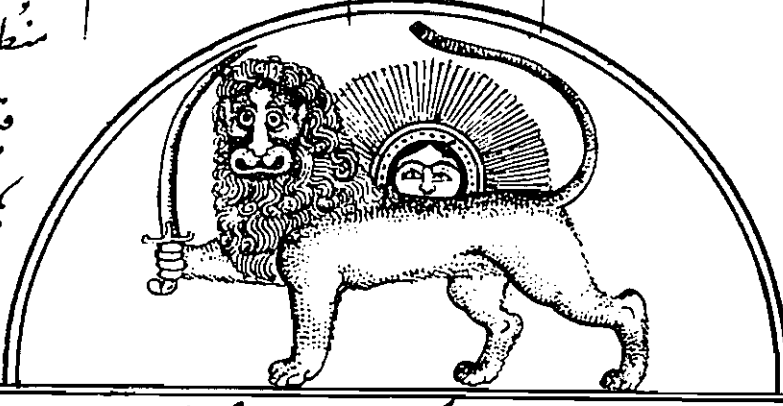
عربستان

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
انجا از حسن مراقبت و اهتمامات نواب مستطاب  
شاهزاده والا تبار احتشام الدوله قرین نظم و  
انضباط است و چاکران و کارگذاران دیوانی هر  
در انجام خدمات محوله بنحو کمال سعی و اهتمام را دارند  
و عموم امالی و سکنه انجا با نهایت امیدواری و  
شکرگذاری مشغول کار و کسب و خیرتی خود و دعاگوئی  
این دولت قوی گشته اند

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
مهر طلعت بایون که بجهت نواب شاهزاده والا تبار  
احتشام الدوله مرحمت و ارسال شده بود در نیمه  
مبارک رمضان بانجا پر تو وصول افکنده نواب  
معزی الیه با تمامی چاکران دیوانی و اعیان و شهرآورد  
ولایت تا باغ شاه که محل خلعت پوشان است  
باستقبال شتافته لوازم توقیر و احترام را معمول  
داشته اند و خلعت بایون را زیب برود و ش  
مفاخرت و مباهات خود ساخته بشهر مراجعت اجراء  
شدیک توپ بجهت احترام خلعت پادشاهی کرده و صر

روزنامه قایم اتقا و تیشاخ یوم شنبه سیزدهم شوال المکرم بون شقان سن ۱۲۷۱

نزهت و سر  
 مهیت روزنامه  
 یک نسخه شام  
 یکملاست چهاربردار



منطبعه دارالخلافه طهران  
 قیمت اعلانات  
 یکملاست چهاربردار  
 بیشتر با هر طریقی

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه گذشته سرکار علیحضرت شاهنشاهی  
 تشریف فرمای صفحات شمیران کردید بقریه متعلق  
 بنواب محسن میرزا تشریف بردند از جانب نواب معزی  
 لوازم پیشکش و قرمانی و پای انداز تقدیم کردیده تا  
 حوالی عصر در آنجا تشریف داشتند و نزدیک عرو  
 آفتاب مبارک مبارک سلطانی و مشرطنت عظمی حضرت  
 فرمودند

چون بعد از ماه مبارک رمضان هوای دارالخلافه طهران  
 قدری گرم شده و سرکار علیحضرت شاهنشاهی غیور  
 عزمت توقف سیداق شمیران را فرموده اند در روز چهار  
 شنبه تشریف فرمای نیاوران کردیده سه روز تو  
 در آنجا خواهند فرمود بعضی از خواص و مقربان حضرت  
 که درون لبطت نیز ملزم رکاب همایون اند و جناب امجد  
 ارفع صدر عظم هم درین سه روزه که موکب همایون  
 در نیاوران تشریف دارند بقریه آدران ملکی خود میروند  
 که با آنجا رسیدگی نمایند

امورات دارالخلافه طهران از بهر جهت انتظام کامل دارد  
 و نهایت امنیت و وفور نعمت برای انالی این شهر حاصل است  
 و از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده و الایتاب  
 اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع و ایتما  
 مقرب انخاقان میرزا موسی و زبرد دارالخلافه خلافت حاجی  
 اتفاق بنی افتد عالیجا محمود خان کلانتر و که خدایان  
 محلات زیاده مراقب نظم شهر میباشد خصوصاً در ماه  
 مبارک رمضان سعی و اهتمام تمام در انتظام شهر و محلات  
 نمودند که با وجود عبور در و در گردش و ازدحام مردم  
 در مساجد و میدان جدید و محلات از احدی صدا بلند  
 نشده و خلافی ناشی و صادر نگردید و اگر حیثاً از محلات  
 چیزی سرقت شود بسی و ایتما کلانتر و که خدایان احوال  
 مسروق پیدا و بصاحبش تسلیم و سارق دستگیر و محبس  
 نواب شاهزاده مجبوس میشود از جمله یک دست سریراق و رشمه  
 و الاقیش طلا که قریب پانصد تومان قیمت داشت با  
 اسباب دیگر که نواب نصره الدوله فیروز میرزا بدار الخلافه  
 فرستاده بود در خانه امیر اخور نواب معزی الیه بوده است

۱۲۴۱

شاراییه در وسط روز در باطاق رابسته بجهت مهمتی  
 بیرون رفته بود وقتی که مراجعت کرده در باطاق را  
 کشود اسباب مزبوره را معلوم شد که سرقت کرده اند  
 چون در محله سنگلج این دزدی شده بود عالیجاه زکیخان  
 خبردار کرده مشارالیه در مقام تفحص برآمده تا ساعت  
 از شب گذشته دزد را بدست آورد طلا آلات و اسباب  
 دیگر هر چه بود بعینتها از او استرداد و بصاحبش تسلیم  
 و سارق را حسب احکام نواب مستطاب هزاره و بالا  
 ارد شیر میرزا مجوس نمودند تا بعد حکم آن بشود چون  
 عالیجاه زکیخان در پیدا کردن سارق و اشیاء سرقت  
 اهتمام نموده و خدمات او در نظر جناب اشرف امجدی  
 صدر اعظم مستحسن و مقبول افتاده بود و یک طاقه شال ترم  
 بسم خلعت باو مرحمت گردید

از وقایع اتفاقیه در سیم شوال و ساعت از روز  
 گذشته هوای منقلب شده و رعد و برق نمود درین بین  
 سیدی نظری بجهت خریدن خیار بصحرای دولاب رفته  
 بود برق بر سر او زده فوراً درها بجاهاک کردید لکن  
 جایی برق که بر او زده بود بقدریک بند انگشت  
 بیشتر عمق نداشته است

چون حسب الامر اقدس هایون مقرر گردید است که  
 محاسبات ولایات محروسه در دفترخانه مبارکه  
 از جمله حساب اودئیل بروجر و عربستان و غنیزه  
 نواب مستطاب احتشام الدوله خاطر میرزا عالیجاه  
 مقرب المحضه العلیه میرزا ریج مستوفی و وکیل بروجر  
 و عربستان و لرستان از جانب نواب معزنی الیه در وقت

۱۲۴۳

مبارکه در نزد جناب نظام الملک نجوبی پرده خسته و  
 کتابچه آنرا بعد از ملاحظه جناب اشرف امجدی رفع و  
 صدر اعظم جناب نظام الملک بجای مبارک سرکار  
 اقدس هایون شامشاهی عرض نموده خدمات توابع  
 معزنی الیه در وصول و ایصال مالیات و رسانیدن  
 وجوهات به برات داران دیوان مقبول و مستحسن خاطر  
 افتاده نسبت بنواب معزنی الیه التفات زیاد فرمود  
 و مراتب صداقت و راست قلمی عالیجاه میرزا ریج  
 مشهود خاطر اقدس هایون گردیده یکثوب چیه ترم  
 از جانب سنی بجوانب ملوکانه باو خلعت مرحمت  
 چونکه در اوقات سواری سرکار اقدس هایون شامشاهی  
 مقرر است که یکی از امنای دیوانخانه مبارکه در موکب  
 ملترم باشد که عرایض مردم را رسیدگی نموده بجا  
 مبارک عرض نماید و عالیجاه مقرب المحضه العلیه عباس  
 سرتیپ که از امنای دیوانخانه مبارکه است اغلب اوقات  
 ملترم رکاب هایون است لهذا از راه ظهور رحمت ملوکانه  
 یک روساسب از اصطلب مبارکه باو مرحمت گردید  
 که در اوقات سواری ملترم رکاب هایون بوده عرایض  
 مردم را رسیدگی نموده بجا مبارک عرض نماید

عالیجاه میرزا محمد علی سررشته دار توپخانه مبارکه در انجام  
 خدمات محوله بنجد اهتمام کامل نموده بود لهذا خدمات او  
 مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده درین اوقات امنای  
 دولت قاهره حسب الاشارة العلیه یکصد تومان بر بخوا  
 سابق او افزودند که مایه دلگرمی او بوده مراتب صداقت  
 و راست قلمی خود را پیش از پیش مشهود رای اقدس هایون دارد

چون رعایای شاهرود و بطام از تعدیات حاجی سلیمان  
حاکم آنجا بمرض اولیای دولت قاهره رسانند و اولیای  
دولت قاهره نیز تحقیق مراتب نموده تعدیات او را اولیای  
دولت علیه ثابت شد لهذا او را معزول و عالیجاه <sup>سقلین</sup> عتبات  
پسبان را که سابقا حاکم کاشان بود و مراسم مردم  
معلوم و مشهود اولیای دولت شده بود بحکومت آنجا  
منصوب فرمودند و خلعت نزر مرجمت شده درین روزها  
محل ماموریت خواهد شد

و هم چنین بنا بطور تعدیات ابراهیم خان حاکم کاشان  
او را از حکومت آنجا معزول و نظربرات قابلیت لیا  
و شایستگی عالیجاه محمد حسن خان پیشدمت بحکومت کاشان  
منصوب فرمودند و فرمانهای آن صادر شد و خلعت او  
مرجمت شده این روزها محل ماموریت روانه میشود

### سایر ولایات

**خراسان** از قراریکه در روزنامه خراسان  
نوشته بودند نواب شاهزاده افخم فرمانفرمای  
خراسان این اوقات پانصد نفر سوار دیگر بمرو برآید  
محافظة و ساخوی آنجا و ستاده اند

### عربستان

از قراریکه در روزنامه محمده نوشته بودند در ماه گذشت  
شعبان نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار حاکم  
بجهت استحکام سد ناصری از دزفول حرکت و پانزده  
روز در سر سد مزبور توقف نموده حسب الامر نواب  
معزی الیه ناتمامی آنجا در کمال استحکام صورت اتمام  
یافت بعد از فراغت از کار آنجا امورا عراب آن صفحا

انتظام کامل داده چهار روز نیز در ایستادگی توقف نموده اند  
و در اواسط ماه مزبور وارد شوشتر گردیده اند چون رعایای  
آنجا بواسطه گرانی غله پریشانی داشته اند نواب معزی  
محض حصول دعای خیر بجهت ذات اقدس بایون شافعی  
هر چه مالیات از بدی دیوانی آنها باقی مانده بود تخفیف  
مقرر داشته اند

عالیجاه شیخ فارس خان محاسبات ولایتی را در  
خدمت نواب احتشام الدوله از مالیات و غیره برداشت  
و چون با صداقت و کفایت از عهده برآمده بود نواب  
معزی الیه او را مخلص بخلع فاخره و امیدوار بخواه اطف و دولت  
علیه ساخته بمقر حکومت خود مرخص و روانه نموده اند  
و هم چنین بجهت شیخ حاکم خان برادر شیخ فارس خان  
که مصدر انجام خدمات دیوانی بوده و کمال ارادت  
نسبت باین دولت علیه ظاهر ساخته بود یک قبضه بر

تغلاف و کریمک طلا فرستاده و نسبت بادالتفات  
شایسته نموده اند و مشارالیه نیز در انجام خدمات دیوانی  
و وصول و ایصال مالیات و انتظام امر آن صفحات اهتمام  
کمال دارد

دیگر در روزنامه محمده نوشته اند که مستر بیچ صاحب کله  
تجار تبعه دولت بهیه انگیس است بقدر پانصد جزوار کند  
خوب از بغداد اتباع کرده به بصره آورده بود که بولایت  
چون موسم جازرائی گذشته بود کندم را فرستاد و محمده  
فرز خند و عالیجاه شیخ فارس خان بجهت سیورسات  
مامورین عسیره خریدار افاده کلی بجهت اهل محمده این  
مرحله حاصل شده بود

۱۴۴۳

### اخبار دول خارجه

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که تجارت تریاک در مملکت چین رواج خوب دارد و در شهر کانتان که محل اقامت و بندر دادوستد تجارت دول خارجه است تریاک تنباک و قی سید و پنجاه دلار و تریاک بنا سس سید و پنجاه و دو دلار و مال مالو اچهار صد شصت دلار و مال ترکستان چهار صد و پنجاه دلار بوده و بسیار هم بفروش رسیده است و سال گذشته چین هزار صد و قق تریاک بنگاله و بیت و هفت هزار تریاک مالوه ارسال آنجا شده بود چون اهل چین تریاک زیاد مصرف می کنند و طور استعمال تریاک در آنوقت اینگونه است که تریاک را غلیظ حل کرده و میل آهن باور و بهر میل را روشن کرده باینچه دود او را مانند تون و تنباکو می کشند که مد هوش میشوند و می افتند و زیاد هم مایل استعمال آنستند و همه کس از اعالی و ادانی مصرف می کنند لهذا از اطراف ممالک روی زمین تریاک فراوان با نولایت میرود و دادوستد تریاک در ولایت چین عمده است و در بندر شنکائی چین هم تریاک مالوه سید و چهل و پنج دلار الی سید و پنجاه دلار و مال تنباک و شصت و پنج دلار و الفروشن میرفت دیگر نوشته بودند که ابریشمی که از چین بولایات دیگر ارسال می شد بسیار خوب رواج داشت در ماه دیسبر چهار هزار و پانصد سبته ابریشم بفروش رسیده بود و در سال گذشته تا آخر دیسبر سی و دو هزار سبته بفروش رفته بود و اکثر طالب ابریشم وسط تسلیم بوده اند و در این وقت

۱۴۴۴

قیمت ابریشم در آنولایت ترقی داشته است چنانچه ابریشم اعلی سبته سیدوسی دلار و ازان قدی سبته دولت و منقاد و الاری دولت و منقاد و پنج دلار و ابریشم وسط دولت و چهل و پنج دلار الی دولت و شصت و پنج دلار و ابریشم پست تر از همه از دولت و بیت دلار الی دولت و سی و پنج دلار و الفروشن میرسد و ابریشم بسیار اعلی بقیچه دولت و پست و پنج دلار الی دولت و سی و پنج دلار و الی دولت و شصت و پنج دلار و الی دولت و سی و دو دلار و مال مالو اچهار صد و پنجاه دلار و مال ترکستان چهار صد و پنجاه دلار بوده و در آنوقت اینگونه است که تریاک را غلیظ حل کرده و میل آهن باور و بهر میل را روشن کرده باینچه دود او را مانند تون و تنباکو می کشند که مد هوش میشوند و می افتند و زیاد هم مایل استعمال آنستند و همه کس از اعالی و ادانی مصرف می کنند لهذا از اطراف ممالک روی زمین تریاک فراوان با نولایت میرود و دادوستد تریاک در ولایت چین عمده است و در بندر شنکائی چین هم تریاک مالوه سید و چهل و پنج دلار الی سید و پنجاه دلار و مال تنباک و شصت و پنج دلار و الفروشن میرفت دیگر نوشته بودند که ابریشمی که از چین بولایات دیگر ارسال می شد بسیار خوب رواج داشت در ماه دیسبر چهار هزار و پانصد سبته ابریشم بفروش رسیده بود و در سال گذشته تا آخر دیسبر سی و دو هزار سبته بفروش رفته بود و اکثر طالب ابریشم وسط تسلیم بوده اند و در این وقت

### تجارت در آنجا خوب میشود

دیگر نوشته اند که نواب کورنر بهادری بمبئی مجلس اجلاس مشورت منعقد نموده بود در باب تخواهی که فرما نفرمای هندوستان بقرض خواسته است مبلغ این تخواه دو کرو و منقاد و پنج لک روپیه است پنجاه لک از از بمبئی خواسته است و مابقی آنرا از سایر ممالک هندوستان و کورنر بهادری حکمران معمر بمبئی درین خصوص مجلس مشورت منعقد نموده بوده است که پنجاه لک روپیه را تدارک نموده بجهت فرما نفرمای هندوستان بفرستد

از فراری که در روزنامه احسن الاخبار ممبئی نوشته بود  
 از رانی کج مند وستان تا کلکته که بقدر یکصد و بیست  
 فرسخ مسافت است راه آهن بجهت ترده کالکته بخار  
 ساخته و با تمام رسانده اند و بالفعل کالکته بخار از  
 سرتاسر آن راه عبور میکند و بجهت اهل مند وستان  
 از نیم حله رفاه کلی حاصل گردیده است  
 دیگر نوشته بودند که در دلی و مرته و اگر در روز  
 بیست و سه ماه مارچ قریب بظهور زلزله شدید می شود  
 و لیکن چندان خرابی بجائی نرسیده است  
 و چشم چین از سمت فرنگستان نیز خبر رسیده بود که در  
 شهر کانیه زلزله بسیار شدید شده و کوه سوزیده  
 است که در سینیلیاست ترکیده و خراب شده است  
 در ایام قدیم نیز یک وقتی از کوه منورسک و فلزات  
 جاری شده بقدر سه فرسخ عرض و پانزده فرسخ طول  
 تا دریا سرتاسر آن زمین را فرو گرفته بعضی دماغت معتبر را  
 بجلی خراب کرده و بعضی دماغت دیگر را کم و بیش خرابی  
 و چشمه های آب کو را که در آن راه بودند بعد از جاری شدن  
 فلزات و سنگ که اخته از روی آنها همه خشکیدند و چنان  
 و حیوانات زیاد تلف شده بودند بعد از آن جریان  
 فلز و سنگ که اخته موقوف شده بود ولی دو دو  
 علی الدوام از بالای آن کوه مرئی میشد تا درین اوقات  
 که دوباره ترکیده و خراب شده است  
 نوشته بودند که یکی از تفنگ سازان اختراع تازه  
 تفنگ کرده است که تفنگ را بصاعقه خالی می کند

و احتیاج به باروت ندارد کلوله آن مثل کلوله تفنگی است  
 که در انگلیس رایفل می نامند و فوجی که بان تفنگها مسلح باشند  
 فوج رایفل میگویند و از غرایب اختراع این شخص بجای این است  
 که از تفنگ منور در بره ثانیه یک تیر خالی میشود که در هر  
 دقیقه شصت کلوله بیرون می رود و یکبار فوت الی دو بار  
 فوت که عبارت از دو هزار قدم باشد میدان کلوله آن  
 با سنج بسیار مرغوب و مطبوع طبایع افتاده و تا حال  
 اختراعی کسی نکرده است و در جنگ بسیار بجاری است  
 دیگر نوشته اند که دختری خواننده از انگلیس که در فنون  
 لغات ماهر و مشهور است در کلکته به بازیکر خان صاحب  
 و بازی و خوانندگی می کند و مردم که تماشا جمع میشوند  
 پول زیاد با و میدهند از جمله در یک شب دو هزار پانصد  
 روپیه برای او در تماشا خانه جمع شده بود پانصد روپیه  
 از آن بجهت چراغان و سایر اخراجات تماشا خانه مجموع  
 داشته و دو هزار روپیه دیگر برای اخراجات زمان  
 بیوه و اطفال یتیم فسون انگلیس که در جنگها کشته شده اند  
 داده است  
 در روزنامه نوشته اند که در این اوقات اعلیحضرت  
 امپراطور استریه قدغن کرده است که رسم سیاستی  
 که در آن نقصان عضوی از اعضای انسانی باشد در  
 دولت استریه موقوف و متروک باشد و بعد از این  
 کبریا بطور شوق و سیاست نهند  
 منجی در رگه برلین در چهاردهم جنوری قریب وقت سحر در طرف  
 آسمان در حوالی برج عقرب ستاره دو ذره دیده است

۱۴۴۵



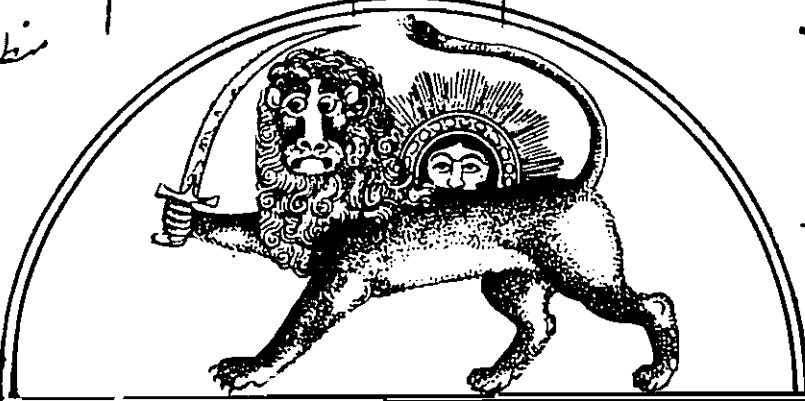
در خصوص سیم چرخ آتشی که بجه فرستادن پیغام از  
 شهر بشهر و ولایت بولایت در اغلب دول فرنگستان  
 براه انداخته اند درین اوقات دولت انجلیس این اسباب  
 در هندوستان نیز براه انداخته و در روزنامه بیسی  
 داک صاعقه بنویسند و نوشته اند که این کار امریت  
 غریب و صنعتی است عجیب و عجب تر اینکه صنعتی دیگر  
 در داک صاعقه بکار برده اند که عقل عقلا بیچونست  
 پی به آن برد و آزاد ریافت نماید و آن این است که دو  
 جنز را از دو جهت مخالف در یک سیم بیک دفعه  
 میفرستند و اکثر اشانی بزرگ کار خانات داک  
 صاعقه واقع در هندوستان استهاری بر این  
 و اطلاع مباشرین داک صاعقه هر ملک و دیار میدهند  
 که نمایان باشد داک مزبور در هر جا که باشند  
 ایشانرا قهغن شدید و تا که آید است که پیغامهای  
 داک را که در باب معاطه تجارت است تا دو دفعه  
 بکنند و اجرت آنرا دو برابره نهند پیغام را بصاحبش  
 فرستند و عدد الفاطمی که در پیغام است از آنجا حساب  
 نمایند که شروع بطلب میشود و اسم شخص و مشن  
 منصب او و تاریخ نیز از جمله آن است و نقطه را که در  
 انفصال مطلبی میکند آنرا نیز یک لفظ حساب می  
 و حرف تنها را نیز اگر از چهار زیاد تر نباشد یک  
 کلمه حساب نمایند و لفظی را که در پیغام می نویسند که  
 مشتمل بر چند لفظ است اجرت آنرا سخاوتند گرفت یا کلمه  
 اجرت آن را پیش داده نیز بی اجرت است زیرا که این  
 دو لفظ برای آسانی دریافت مباشر کارخانه میباشد

۱۲۴۶

و ضرورتی برای فرستنده خبر ندارد و طریق فرستادن  
 خبر این است از (در اینجا باید اسم تاریخ و جارا نوشت  
 مثالش از کلکته مورخه اول فروری) از (در اینجا باید  
 اسم و خطاب شخص را نوشت مثالش از جان اسمیت  
 به (اسم جارا نویسند مثالش بمبئی) برای (اسم  
 شخص را بنویسند مثالش برای سترمنری جو نرو واجرت  
 الفاطمی که داده شد مثال پیغام این پیغام سمیت و  
 لفظ است از کلکته اول فروری از جان اسمیت  
 محله کلیمو بمبئی به منری جو نرو قطعه پول سمیت و لفظ  
 پیشکی داده برات شما رسید و قبول هم کرده شد  
 چنانکه پول این سمیت و لفظ را میکیند و برای چهار لفظ  
 که این پیغام مشتمل بر سمیت و لفظ است نمیکیند و موافق  
 سیزدهم هر پیغام تجارتی و یا معاطه که مشتمل باشد بر نرخ بازار  
 قیمت اجناس و غیره و بخصوص صرافی و اجناس و اجناس و خبر  
 کردن و بپیمنودن و غیره آن پیغام را باید دو بار تکرار کرد و دو  
 برابره پول داد و در صورت بعد از لفظ پیشکی داده بنویسند  
 اجرت داده و دوباره گفته و برای این الفاطم نیز پولی سخاوتند گرفت و  
 کرده میشود نمایانرا که پس از رسیدن این حکم اگر اجناس تجارتی یا معاطه  
 پول دو برابر بکنند و بفرستند نصفه دیگر آنرا از نمایانرا بکنند  
 کاست و نمایان سو پرتیقتند کلکته و مدرسی را اجناس  
 مزبوره در آن مملکی که با اختیار ایشان است جاری نمایند و نیز  
 حکم است که اگر نمایان اطاعت حکم مزبوره را نمایند یا فراموش  
 کنند آن وجه معین را که ذکر شده از نمایانرا آنهاکم نمایند  
 صح اشانی مباشر داک صاعقه هندوستان مورخه ۱۲  
 فروری از اگره

# روزنامه وقایع اتفاقیه تبایح یوم شنبه ششم شهریور سال المکرم مطابق سال اوسقان سنه ۱۲۷۱

مزه پس ورد یک  
قیمت روزنامه  
یک نسخه شام



منطبعه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
یکسره چهار طبعه یکم  
بیته بهر طبعه یکم

## اجبار و احسانه ممالک محروسه پادشاه

### دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی که بنیوان  
تشریف برده بودند چهار شب در اینجا توقف فرمودند  
و در روز یکشنبه شانزدهم اینماه بارک مبارک  
سلطانی و مقربان عظمی مراجعت فرمودند  
میں طالع فیروز میطالع و میمنت قدوم حجت لزوم  
شاهنشاهی در روز و در موکب هایون هوای دارالخلافه  
طهران نسبت بخدر و رقیب تفاوت کرده خنک و جو  
گردید و جناب امجدشرف انجم صدر اعظم نیز که بقبر  
صدرآبا و ملکی خود رفته بودند نیم ساعت قبل از ورود  
موکب هایون بدار الخلافه مبارک آمده در خلوت کریم  
منظر و و اعلیحضرت شاهنشاهی بودند و اینجا شرفیاب  
حضور مهر ظهور گردیدند

و روس سفیری از جانب سنی اجواب بیون بدین  
اندولت بهیته مامور شود که مراتب اندوه و جور دولت  
وسرور خاطر مرحمت مظاہر اقدس را در انجمن حضور  
اقاب ظهور اعلیحضرت امپراطوری لعرصه شود و برو  
آورد و لهذا جناب عمده الامراء العظام مقرب انخافان  
سیف الملک عباسقلی خان میرنجه را که از اجده جانگزا  
دولت و مقربان اعقاب علیت حضرت و قدیمی  
سلطنت قوی شوکت است بعد از ظهور مرحوم ملوکا  
از اعطای القاب و منصب و نشان و حامیل میرنجه کی  
و خلعت و شیره و کمر مرصع و دیگر رحمتهای شایان گویا  
بر تبه ایچی کری کبیر بانامه مهر علامه بدر بار اندولت  
بهیته مامور فرمودند و تا بیت و بهتم شهر شوال حسب  
روانه مقصد خواهد شد و همچنین عالیجاه مقرب انخافان  
قاسم خان که سابقا بر تبه کارپردازی اول دولت  
علیه متوقف تفلیس و حسب الامر برکاب بیون احضار  
شده بود چون خدمات او کلاً منظور نظر اقدس ملوکا  
گردیده بود مستشاری سفارت کبری با جناب سنجکبیر

۱۴۴۷

### امورات قشونی

توپچیان و زنبورکیان و افواج قاهره و سواره نظام ملتزم رکاب بجایون همه روزه در میدان ارک و میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول مشق هستند و عموم صاحب منصبان در کمال دقت در تعلیم آحاد و افراد توپچی و سرباز اهتمام دارند

جناب ایلیچی دولت بییه روسیه از امیرالامرا العظام سردار کل عا کر منصوره خواش دوستانه نمود که تماشای مشق حرکت و تیراندازی قشون دولت علیه بیاید و امیرالامرا العظام معزی الیه سنجاکبای مبارک عرض کرده اذن حاصل نمود اگرچه افواج قاهره که در دارالخلافه تعلیم یافته و درست از موزنظام و مشق کمال حاصل کرده اند بجهت ماه مبارک رمضان مرخص شده بود مگر چهار فوج و قریب بیاضد سوار که بجهت قراولی در بخانه مبارک در دارالخلافه متوقف بودند در روز شنبه یازدهم این ماه فرار دادند که دوازده عراده توپ و یکصد لوله زنبورک و چهار فوج مزبور و سواره مقدم در بالاب میدان اسب دوانی حاضر شده ساعت بغروب با جناب ایلیچی بمنزل امیرالامرا العظام سردار کل آمده از آنجا باتفاق میان نظام آمدند توپچیان و افواج قاهره مشق و در کمال چابکی حرکت و تیراندازی را بجا آوردند بعد از اتمام تیراندازی توپخانه و افواج و سواره در حالت سبک آمده از حضور سردار کل و جناب ایلیچی گذشته مرخص شدند مشق و تیراندازی توپخانه و افواج قاهره زیاده مستحسن شد جناب ایلیچی بسیار تحسین کرده بعد مراجعت نمودند

ماوریطرز بوزغ خواهد شد و علاوه ناموریت مخصوصه نیز بعد از او مقرر و متحول است که بجناب جلالت با جانشین مملکت قفقازیه از جانب سنی ابجواب هاوان و از طرف اولیای دولت علیه تفویض شدن مناصب عالیه و شاعل عظیمه را بعد از کفالت و کفایت ایشان تبریک و تهنیت بگویند

امور شهر دارالخلافه از اتهامات اولیای دولت علیه و نزاع و نوابستطابش هزاره و الایبارار دیشیر میرزا و مقرب انخاقان میرزا موسی قرین انتظام و انضباط است عالیجاه محسود خان کلانتر و که خدایان محلات پیر در انجام خدمات محوله بخود نهایت مراقبت را داشته اجبار تازه نیست مگر اینکه چند نفر در در محلات دستگیر شده بقرار شرح ذیل بسزای اعمال خود رسیدند از جمله نصیر نامی شیرازی که بکرات دزدی کرده بود درین روزها نیز مرتکب عمل سرقت گردیده و گرفتار حسب احکام نوابش هزاره اردشیر میرزا یکدست او را از آنچه قطع کرده عبرت للناظرین بدور بازار ماگرداند و بهم چنین اسکندر نام نهادی دزدی کرده بود دستگیر شده بعد از استرداد اموال مسروقه و کوشش بریده در بازار ماگرداند دیگر حد بر جردی که سابقا دزدی نموده و یکدست او را از آنچه قطع کرده بود بدست از دزدی دست برنداشته بود درین روزها مرتکب دزدی گردیده در ثانی دستگیر شد او را خدمت نوابش هزاره آوردند حسب احکام نواب معزی الیه هر دو کوشش او را نیز بریده در بازار ماگرداند اخراج بگردد

۱۳۴۸

فوج خرقان جمعی عالیجا علیقلی خان سربنک مأمورین  
فارس گردید

فوج پانزدهم شقاقی جمعی مقرب انخاقان ابوالفتح خان  
سرتیب وارد دارالخلافه شده بودند هنگام  
تشریف برون موکب هایون بطرف شیرانات بال  
باغ لاله زار بنظر هایون رسیده مورد انعام و  
کر دیدند این روزها مأمور خراسان گردیده بعد از  
گرفتن مواجب خواهند رفت

توپچیان که مأمورین خلو کرمان بودند روز شنبه  
وارد دارالخلافه شدند روز یکشنبه هنگام  
تشریف آوردن سرکار اقدس هایون ازینا و  
در دیوانخانه بزرگ شرفیاب حضور مبارک و مورد  
التمعات ملوکانه شدند

سواره مقدم جمعی عالیجا علیخان که احضار شده بودند  
این روزها عالیجان لشکر نویان عظام سان این  
دید و عمل مواجب و جیره آنها را پرداخته حبس  
مأمور خراسان شدند

### سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه اینولایت  
امورات انجا در نهایت انتظام و امانی قرین رفاه  
و شکرگذاری پیداشد و در ایام ماه مبارک صیام  
همگی در ساجد و معابد لطاعات و عبادات جناب  
اقدس سبحانی و دعا کونی وجود فایض ابجد هایون  
شاهشاهی دامت شوکه مشغول بودند و نواب مستطاب  
شاهزاده والا تبار موید الدوله لها سب میرزا حکمران فارس

ایام ماه مبارک رمضان را در باغ شهر بوده اند  
هر شب جمعی از علماء و سادات را بجهت حصول دعای  
وجود اقدس هایون شاهشاهی ضیافت کرده بعد  
ساعت از شب که مجلس ضیافت منقضی میشد مشغول  
انجام مهمات دیوانی بوده اند

از قراریکه نواب امیرزاده لطفعلی خان حاکم بهبهان  
بنواب شاهزاده موید الدوله نوشته بودند بعد از آنکه  
عالیجا مقرب انخاقان لطفعلی خان سرتیب فوج  
بمقتدین و اشرا الواران صفحات کوشمال شایسته  
داده است انتظام کامل در امور انولایت حاصل گردید  
و احدی مرتکب تعدی و خلاف حساب نمیتواند بشود  
و رعایا و امانی انجا از حصول امنیت و انتظام کمال  
شکر که ازیرا دارند

دیگر نوشته بودند که از استقامات نواب شاهزاده موید الدوله  
در طرق و شوارع فارس کمال امنیت حاصل است  
از جمله یکبار و چه نقد مال تجار محل قاطر مکاری بوده که با شهر  
ببر دست در باجگاه که دو فرسخی شهر قاطر مزبور از آنها  
گرفته و بار از دوش او افتاده بوده است مکاریان و  
صاحب امانت خبردار شده بمقام تفحص برآمدند و تنخواه  
مزبور را در همان حوالی سر بهر بدون کسر و نقصان پیدا کرده  
با اینکه در محلی که وجه افتاده بوده است محل عبور و مرور بود  
تنخواه مزبور را با کسی ندیده یا از احتساب منهای دولت علیه  
دید و جرت برداشتن نگرفته اند با بجمله تنخواه مزبور  
باینطور در معبر عام عیب نگرفته و درست بدست صاحبش  
رسیده از نوادرتفاقات است

### عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند نوکر متوقف آن ولایت از توپچی و سرباز با کمال نظم حرکت می کنند و همه روزه در میدان مشق حاضر شد معلم آنها نهایت سعی و دقت در مشق آنها دارد و در حفظ و حراست سرحدات و حسن سلوک با رعایای آنجا با کمال معقولیت حرکت می کنند

دیگر نوشته اند که تجارت شوشتری در پانزیر نتیجه خرید مال التجاره بیبسنی رفته بقدر پنجاه هزار تومان اجناس فرنگستان و هند وستان خریده بودند چهار آنها درین اوقات وارد محسره شده و بقدر بیت و توقف نموده حساب داد و ستد خود را که با شجاعت محسره داشتند مفروغ نموده روانه شوش شده اند

### کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از امیر الامرار العظام محمد حسن خان سردار کرمان ید و کرمان انتظام کامل در بلده و بلوکات و طرق و شوارع حاصل است و عسوم مالی آنجا از حصول امنیت و انتظام بدعای دوام دولت جاوید قیام و اقدام دارند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات سعید نفر خلامان ابویحیی عالیجاه مراد خان را امیر الامرار العظام سردار سان دیده بود چون بعضی اسبهای آنها تلف شده بودند مقرر داشته است که بر کدام داغ اسب خود را بپسند و جبهی برسم انعام با آنها

۱۴۵۰

بدهد که تهیه و تدارک خود را دیده روانه بلوک ایلیه بم بشوند

دیگر از قراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بودند عالیجاه سردار علیخان سیستانی بنا بر اظهار طاعت و انقیاد این دولت قوی شوکت علیت صفیات بلوچستان را بنظم کامل داده و دست نظاول شهر و قطاع الطرق بلوچیه بجلی از تاخت و تاز طریق و شوارع سمت کرمان و غیره کوتاه گردیده است

### استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند در ماه مبارک رمضان رعایای کتول شخصی عروسی کرده عروس او را از استرآباد رستاق می آورند چند سوار از ظالیفه ضاله میوت ترکمان که اکثر اوقات تباخت و سرقت آن اطراف مبادرت می کنند رعایای کتول بغرم دست اندازی آمده بودند ظفرین و ست بستیز و آویز کشوده چون رعایای کتول شین از اسرار مزبور بوده اند بر آنها فایق آمده و ترکمانان مخدول و مشکوب شده فرار کرده اند و سه رهن از آنها بدست عالیجاه محمد صادق خان افتد کتول آورده است

از قضایای اتفاقیه نوشته اند که طفلی در محله سبزه مشهد که در بلده بالای درخت رفته بوده است فوت بجزد طفلی دیگر تعنگ بجهت شکار طیور پر کرده در دست داشته است غافل از اینکه آوم بالای درخت است تعنگ را باندخت خالی کرد تیر آن طفلن بیچاره خورده فوراً افتاده و هلاک شده است

### اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه احسن الاخبار بمبئی هندستان نوشته اند درین اوقات امیرالبحر کشتیهای دولت انگلیس با دولت چین که تابع دولت چین است بنا دوستی و مودت گذاشته است و عهدنامه نوشته اند که دو بند را بنیاد در چنان بجهت اقامت و داد و ستد انگلیس معین باشد چون ولایت مزبور تابع چین است و اهل آنجا نیز بقانون اهل چین مالی دول خارجه بولایت خود راه نمیدادند درین اوقات که بزرگ کشتیهای انگلیس که در آن سمت است قرار عهدنامه گذاشته و بجا در آن ولایت در دو بند را از آن اقامت و داد و ستد دارند راه تجارت بانو لایت مفتوح و منافع کلی عاید تجار و صاحبان کشتیها خواهد شد

دیگر نوشته اند که چند نفر از سیاهای حبش و زنگبار لاتاری بشرکت خرید و یک لک دالار برده بودند

دیگر نوشته اند که دولت فرانس سه هزار لیان فرانک که هر فرانکی سه هزار و پانصد دینار است برای ساختن راه آهن که کالکته بجا در آن عبور میکند جمع کرده اند که در بعضی جایهای آنولایت که راه آهن ساخته نشده است بازند و ازین مبلغ یک هزار لیان را دولت فرانس داده است و دو هزار لیان دیگر را سایر مردم از بجا و عنبره که شریک شده اند

دیگر نوشته اند که از دولت فرانس سه بیت هزار فرانک و طیفه بجهت عیال مثل سنت آرنو سر کرده کل قشون فرانس

که در مملکت قرم نوشته بود قرار داده بودند درین اوقات امپراطور فرانس سه بیت هزار فرانک دیگر از خزانه خاص خود بر وظیفه مشارالیها افزوده است که چهل هزار فرانک بهمه جهت عاید او بشود

دیگر در اخبار مزبور نوشته بودند که چون در مملکت ایرلند که جزو ممالک انگلیس است قیمت نان ترقی کرده بود باینجهت فی ایجهت اعتقاشی در آنولایت بود

دیگر در اخبار هندوستان نوشته بودند که غلام حیدر پسر امیر کابل که با چند نفر از معتمدین با بلوچی کری مامور شد و در آنجا رسیده بود در ورود با آنجا از جانب حکمران پیشا و کمال اعزاز و احترام نسبت بانها بعمل آمده است از جمله دسته اول از قشون دوم توپچیان سواره و فوج بت و جهام خاصه پادشاه انگلیس و جناح فوج پانزدهم پیاده هندوستانی و فوج اول سواران عنبر نظام را بجهت احترام آنها بر آورده و منظم پیاده هر یک چهل فشنگ بجهت شلیک داد بودند

دیگر در روزنامه بمبئی که بتاريخ ۱۱ رجب سمت سحر که هر فرانکی سه هزار و پانصد دینار است برای ساختن راه آهن که کالکته بجا در آن عبور میکند جمع کرده اند که در بعضی جایهای آنولایت که راه آهن ساخته نشده است بازند و ازین مبلغ یک هزار لیان را دولت فرانس داده است و دو هزار لیان دیگر را سایر مردم از بجا و عنبره که شریک شده اند

دیگر نوشته اند که از دولت فرانس سه بیت هزار فرانک و طیفه بجهت عیال مثل سنت آرنو سر کرده کل قشون فرانس

دیگر نوشته اند که از دولت فرانس سه بیت هزار فرانک و طیفه بجهت عیال مثل سنت آرنو سر کرده کل قشون فرانس

مأموریت روانه شده اند

۱۴۵۱

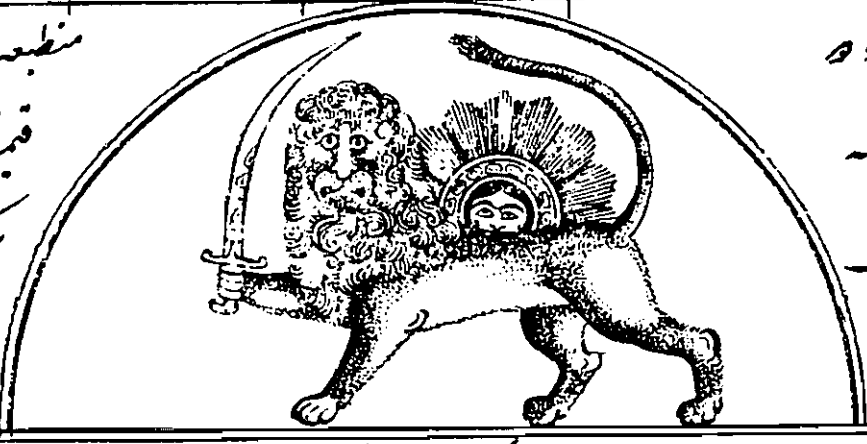
از نیویارک یسکی دنیای شمالی تا بفلو که بیشتر از این  
فرسخ مسافت است پیغامی که مثل برده هزار لفظ با  
از سیم چرخ آتشی فرستاده بودند در پنج ساعت و نیم  
که اگر میخواهند این ده هزار لفظ را در پنج ساعت و نیم  
بنویسند میسر نمی شد و بجای آن که در هند برای فرستادن  
خبر از سیم منوره که داک صاعقه مینامند میگیرند  
کرات می شده و واقعه روزنامه حسن الاخبار  
حساب آنرا کرده است از قرار شش هزاره لفظ بیکروز  
شده و بیت و پنج روپیه میشود  
بزرگترین جهازات تجاری که در عالم است چهارموسوم  
بنوری پیلک است که حال سه هزار و سیصد و  
طن است و جهاز منور را اول که ساخته بودند حال  
چهار هزار و چهار صد طن بوده است وقتی جهاز منور را  
گرفته و آنچه از آن که از آب بیرون بود سوخت بعد  
اوراد و باره ساخته هزار طن اوراکم کرده و کوچکتر  
نمودند و هر طن عبارت از سه خوار بوزن این ولایت است  
در روزنامه بمبئی نوشته بودند که در احمد آباد هندوستان  
امالی آنجا از راه حسن بقرانه هزار روپیه بجهت زنان  
بیوه و اطفال یتیم شکر بیان انگلیس که در جنگها کشته  
بودند داده اند  
دیگر نوشته اند که راه سیم چرخ آتشی که در هندوستان  
ساخته اند در این اوقات تا آنکه با تمام رسیده است  
و تا سه ماه دیگر االی پشاور ساخته خواهد شد و وقت  
از پای تخت لندن تا بمبئی و از آنجا تا پشاور پیغام  
اندک مدت رفته و جواب می آید

۱۲۵۲

دیگر نوشته بودند که زنی هندوستانی در کلکتا درین  
اوقات فوت شده است که یکصد و هشت سال عمر  
کرده بود از ابل سرحدات که میداق میباشند این قدر  
عمر کردن غرابتی ندارد ولیکن از ابل هندوستان که مردم  
کر میزند باین سن نرسیده اند غرابت دارد  
قرار است دوانی در مجبور بمبئی را باین پنج نوشته اند که  
در روزی معین که سه شنبه چهارم فروردست چهار دسته  
اسب دوانی می کنند دسته اول شرط بر سر دو هزار  
روپیه است و بر آبی بیت کل مهر و دو میل میدوانند  
و دفعه دوم بر سر چهار صد روپیه است و بر آبی پانزده  
کل مهر و این دسته نیز دو میل میدوانند و دفعه سوم بر  
دولت روپیه و بر آبی پنج کل مهر و یک میل و نیم میدوانند  
و دفعه چهارم بر سر سیصد روپیه و بر آبی ده کل مهر  
و یک میل میدوانند  
دیگر نوشته بودند که جهاز آتشی موسوم بمدر رس با اجاب  
پای تخت لندن که در بیت و ششم فروری نوشته بودند  
و در هفدهم ماچ از بندر عدن لشکر کشیده و در  
بیت و پنجم ماه منور وارد بمبئی شده بود و از جمله  
اخباری که داشت این بود که لار و جان رسل که  
سابقا وزیر اعظم دولت انگلیس بود و بعد استعفا  
درین اوقات از جانب دولت انگلیس منصب وزیر  
مختاری مأمور بویته پای تخت دولت استرلیه  
گردیده است  
اخبار آخر که از بمبئی بلندن رسیده بود در هفدهم  
ماه جنوری بوده است

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه بیست و هفتم ماه شوال المکرم بنو توشکان

مزه ولایت وی ده  
قیمت روزنامه  
یک نسخه ده شهر



منظومه دارالخلافه طهران  
قیمت اعنانات  
بکسره چهارم سطر کله بار  
بیشتر بهر سطر بخار

اجتار و احسنه مالک محمد شاه پادشاه

دارالخلافه طهران

نظر بخوبی هوا و صفا و خرمی امیر آباد در روز دوشنبه  
اعلیحضرت شاهی شریف فرمای آنجا کرده تا  
حوالی عصر تفریح و تماشای آنجا مشغول بودند و نزدیک  
عروب آفتاب بارک مبارک که سلطانی و مقرر سلطنت  
مراجعت فرمودند

نوابش برادر خسرو میرزا که این اوقات بدر باره ایون  
آمده بود شرفیاب حضور مبارک آمدنس شریاری شده  
و مورد مرحمت ملوکانه کشته عریض و مستدعیاتی که داشت  
همه را از راه مرحمت قبول فرموده و از راه عنایت یکپوش  
جبهه رسم برسم خلعت بنواب معظم الیه مرحمت شده  
در نهایت امیدواری بهمدن مراجعت کردند  
جناب جلالت نصاب موسیو بوده وزیر مختار و دولتی  
دولت بهیبه فریبه که امور بشارت دربار دولت  
علیه ایران بود بعد از ورود به بندر ابوشهر که بر حسب حکم  
اولیای دولت علیه لوازم احترامات از جانب کارگذاران

دیوانی آنجا نسبت بنجاب معزی الیه عمل آمد از راه شیراز  
عازم دربارهایون شدند نواب مستطاب مؤید  
حکمران مملکت فارس از جانب خود عالیجاه محبت  
تجدت تسره امیرزاعلی محمدخان را بهماننداری مأمور نمود  
جناب معزی الیه را با کمال احترام وارد شیراز کردند و در  
شیراز مقرب الخاقان علیخان سرتیب فراگوزلو که از  
دربارهایون برسم هماننداری دولتی مأمور پذیرانی  
جناب معزی الیه بود ایشانرا پذیرفته در منازل عرض راه  
از شیراز الی دارالخلافه لوازم هماننداری و مراسم احترام  
ایشانرا بمن آورده تا روز شنبه بیستم شهر شوال  
در قریه نخچی آباد چادر دولتی زده شده و عالیجاه  
مقرب الخاقان علیقلیخان افشار میرنج و عالیجاه نظر  
سرتیب از جانب سنی اجوانبهایون و عالیجاه خانبابا  
سرتیب از طرف جناب اشرف امجدار رفیعه صدر اعظم  
عالیجاه میرزا غفارخان نایب دوم وزارت امور خارجه  
از جانب جناب وزیر امور خارجه و عالیجاه محمودخان

۱۲۵۳



### عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند در یکماه مبارک رمضان عالیجاه مقرب انخاقان میر خانشان سبب حصول دعا کوی ذات اقدس هایون شانشاهی هر شب جمعی از علما و سادات و تجار و کسبه و غیره را به بسی چهل ضیافت دعوت نموده مجلس روضه خوانی بر پا کرده و علاوه بر آن سبجه فقرا و مساکین هر شب سی من برنج طبخ نموده و تمام لیالی اخصیام را بهین منوال معمول دانستند و شبهای احیاء را هم در دیوانخانه بزرگ دولتی تعزیه داده و اطعام فقرا و مساکین کرده است

دیکر نوشته اند که روز بعد از عید فطر که مرده خلعت افتاب طلعت هایون که سبجه مقرب انخاقان میرزا حسن خان مر شده رسیده بود با جمیع اعیان و اشراف و امانی ولایت با استقبال خلعت هایون شتافته لوازم توقیر و احترام را بعل آورده و خلعت مبارک را زین برود و شش اعتباراً و افتتاح خود ساخته و جمیع اعیان و امانی آنجا مبارکبادی لوازم شکرانه و شادمانی را معمول داشته اند و شب نیز محض احترام خلعت هایون اس حشن و چراغانی برپا نموده روز دیکر میزبان صاحب منصبان با لباس نظام مبارکباد داده

دیکر نوشته اند که امسال زراعت کل ولایات عراق بسیار خوب و بهتر از سالهای دیکر بعل آمده است مگر چند پارچه از فرمان و شراره و کزازرا که تلگر زده اذیت بمجول انجام است میوجات سرد رختی را نیز در اول بهار سرما زده و ضایع کرده سوای انکور که در همه جا زیاد و بسیار خوب بعل آمده است بطوریکه تمامی کل میوجات که سرما زده بود کرده است

و که خدایان شهر و مستقبلین بسیار از غلام و غیره با استقبال جناب معزی الیه رفته و با احترام تمام وارد سفارتخانه خود شدند و آنطور احترام که لازمه پذیرائی سفر بود موافق تشریفات بطور کامل در حق جناب معزی الیه بعل آمد در روز پنجشنبه بیستم ماه فروردین مقرب انخاقان محمد حسن خان پوری نایب ایشیک آقایی باشی از طرف بهی الشرف هایون رفته جناب معزی الیه و اجراء و صاحب منصبان سفارترا بحضور اقدس هایون دعوت نموده موافق تشریفات معمول ایشیک آقایی باشی مبارک وارد کردند و از آنجا امیرالاعظم مقرب انخاقان محمد ناصر خان ایشیک آقایی باشی برآ معمول جناب معزی الیه و صاحب منصبان را با نامه علامه در مجلس خاص شرفیاب بزم حضور هایون ساد و طرز آداب و اطوار جناب معزی الیه در پیشگاه حضور تالیون درجه ارتضا پذیرفت چنانچه سرکاری اقدس در نهایت میل خاطر با لفاظ علیه و خطابات سینه جناب معزی الیه مورد نوازشات ملوکانه فرمودند و بعد از مرخصی از حضور مبارک بلافاصله با افراد صاحب منصبان بلاقات جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم رفته بعد از ای مکالمات محبت آمیز بهمان ترتیب که آمده بود معاودت بسفارتخانه نمودند روز دیکر جناب اشرف امجد ارفع ایشان را باز دید کرده لوازم دوستی محبت بعل آوردند و روز شنبه بیست و دوم جناب معزی الیه رسیدن جناب نظام الملک آمده و روز یکشنبه بیست و سوم جناب نظام الملک باز دید ایشان را بعل آوردند

### سایر ولایات

۱۲۵۴

# فارس

از قراریکه در اخبار کرمیرات فارس نوشته بود  
 در کله دار که بلوکیست در او اخر کرمیر مرض طاعون  
 عارض شده و جمعی از اهل آنجا را هلاک کرده است  
 چون بجای دیگر سزایت نکرد است امیدوار بوده اند  
 که از آنجا هم بزودی رفع بشود نواب مستطاب شاهزاده  
 و الا تبار مویله دولت طلماسب میرزا حکمران فارس فرستاد  
 که داشته اند که در دو منزلی یا یک منزلی کله دار گرام  
 گذاشته پرس اگر از آن سمت می آید هفت روز نگاه  
 داشته بقاعده که اگر ختین دو دبد بند بعد از خاطر جمعی  
 مرخص کنند که خدای نخواست این بلیه بجای دیگر برآید  
 کند

دیگر نوشته بودند در شب عزه شوال از قضایای اتفاقیه  
 آتش بخانه عالیجاه مقرب انخاقان میرزا نعیم افتاده معلوم  
 که بعد کسی انداخته باشد یا سهوا آتش گرفته باشد  
 با بجه ضرر بسیار الیه رسیده است اگر چه سرباز  
 و غیره اتهام در خاموش کردن آتش نموده اند ولی  
 مفید نیفتاده و آنچه آلات ختینیه بوده است از آتش  
 و دروب و سقف شیر وانی و غیره همه سوخته است  
 و مقرب انخاقان شجاع الملک و عالیجاه محمد ابراهیم خان  
 سرتیب با جمعی قریب سه هزار نفر جمعیت آتش را منجم  
 اغلب جا های عمارت را خراب کردند که سزایت سجا  
 دیگر نکرد خاصه که قورخانه هم نزدیک بهمان عمارت بود  
 و ازین خراب کردن طوری شد که آتش بقورخانه  
 نرسید

از جمله غرایب امور که نوشته بودند در یکی از دامت خود  
 شیراز که قریب بشهر است و دبی دیگر که در میان حرم  
 و بلوک کربال واقع است در وقت حاصل در یک هفته  
 سه دفعه بلخ حاصل آنجا ریخته بار اول یک روز و یک  
 و در دفعه ثانی و ثالث دو شبانه روز در میان حاصل  
 بوده است سجدی که هر سنبلی البتیه بیت بلخ متجاوز داشته  
 از تفصیلات خداوندی مطلقا اسیب و ضرری بجای  
 نرسانده اند و این از جمله غرایب امور است

دیگر نوشته اند که شخصی مدتی مشغول سرفت بود و از خانینا  
 مردم اموال بزودی میرزد درین اوقات دستگیر کرده  
 نواب مویله الدوله حکم حبس او نمودند تا اموال مسروقه  
 از او استرداد شد بعد بفرای عمل خود برسد

افواج قاهره متوقف شیراز از قراریکه نوشته اند  
 همه روز مشغول مشو میباشند و کمال انتظام را  
 دارند و نواب مویله الدوله در رساندن جیره و جواهر  
 آنها کمال اهتمام را معمول میدارند

دیگر نوشته بودند که تسعیر اجناس در آن دولت  
 رو به تنزل است با اینکه قلت محصول و نفور آفت در  
 امر زراعات آنجا حاصل بوده مع ذلك سجد الله روز بروز  
 جنس رو به تنزل بوده است

## اسداباو

از قراریکه در روزنامه اسداباو بودند نهایت  
 دارزانی و دوفور نعمت در آنجا حاصل است و بخلاف  
 ایام سابق که قطاع الطريق در آن حول و حوش بال  
 روار و قوافل دست اندازی میکردند درین اوقات

۱۴۵۵

ک	کویت یک من و پنچ سیر یکمزدینار	دست تطاول سارقین بجلی کوتاه گردیده و کمال
گ	برنج یک من پانزده شاهی	امیت در راههای آنجا حاصل است و عالیجا خانبا
ا	روغن یک من دو ریال	به اقب و سستی تمام در انتظام امر آنولایت دارد
ح	یک من ده شاهی	نخ نغز سوار فراسوران بجا فطت راه اسد آباد
ب	یک من هفت هزار دینار	گرفته است ده سوار آنجا همیشه در سرگردنه اسد آباد
د	یکمخوار چهار هزار	میباشند و پانزده سوار دیگر در راهها مشغول حفظ
س	سه من هزار دینار	هستند که زوار و قوافل را صحیحاً و سالمآ منزل میرسانند
ع	سه من هزار دینار	و چا پارخانه اسد آباد را بنبر حسب حکم اولیای دولت
ف	یک من و نیم هزار دینار	تعمیر و بنائی خوب نموده و امور آنجا را بهبه تنظیم
ق	برنج قطعه هزار دینار	و منظم دارد
ک	هشت من هزار دینار	دیگر نوشته بودند که در ماه مبارک رمضان بقدر کسالت
ط	یک من ده شاهی	تکرک بسیار شدیدی که هر دانه آن بقدر کردونی
ل	سه من هزار دینار	بوده است در آنجا آمده و بسیاری از محصول
<b>کنکار</b>		باغات راضایح و تلف نموده است خصوصاً باغات
ت	از قراریکه در روزنامه کنکار نوشته اند درین اوقات	مشهور بشهراب را که در دامنه گردنه اسد آباد واقع
ث	زوار بسیار از اطراف آمد بعبتات عالیات میروند	صرب بسیار زده است و بدو سه قریه نیز کجا پیش ختارت
ج	و تخمیناً روزی پنجاه شصت نفر با عبتات میروند بامرا	و خراب رسانده است و لکن محصول سایر دریا
ح	کرده می آیند و عالیجا حاجی محمد علی خان افشار در انتظام	نکرده است و غله سجد اللد در آنجا بسیار خوب فراوان
ط	طرق و شوارع آنجا است تمام زیاد دارد و شهباز	و بیشتر از سالهای دیگر آمده است با اینکه امسال کمتر از
ق	و تفکیک بصر را بهار روانه می کند که زوار و قوافل را	سواه سابقین بذر کاشته بوده اند آنچه کاشته شده
ک	با سود کی عبور بدهند با اینکه نوشته اند درین روزها	خیلی خوب بعل آمده است و تسعیر اجناس آنجا را که نوشته
گ	و قطاع الطریق از جماعت لرستانی در آنجا بسیارند	بودند از اینقرار است
د	لکن از حسن مراقبت و اتهام عالیجا مشارالیه که آدم	کندم بک معمولی آنولایت یکمخوار چهارده هزار دینار
س	سجرات گذاشته است دزدانمیت توانند دست انداز	جو یکمخوار یک تومان
ف	بمال زوار و مترودین نمایند	نان یکمخوار دو تومان

۱۴۵۶

تسعیر اجناس و اختلاف طهران در این مقیاس  
از این مقدار است

یکهزار و نهصد و نسیار انگ	روغن چراغ	یک من	یکهزار و نهصد و نسیار انگ
چهارهزار و شصت و نسیار	قد بزودی	یک من	چهارهزار و شصت و نسیار
هفت هزار	قداری	یک من	هفت هزار
پنج هزار	نبات	یک من	پنج هزار
سه هزار و شصت و نسیار	شکر	یک من	سه هزار و شصت و نسیار
یک من بیت و یک هزار	بل	یک من	یک من بیت و یک هزار
پنج هزار	میجک	یک من	پنج هزار
یک تومان	دارچین	یک من	یک تومان
پنج هزار پانصد و نسیار	فلفل	یک من	پنج هزار پانصد و نسیار
دو تومان	زعفران	دو من	دو تومان
سه هزار	زیره	یک من	سه هزار
دو هزار و چهارصد و نسیار	زرچوبه	یک من	دو هزار و چهارصد و نسیار
چهار هزار	حلویات	یک من	چهار هزار
سه هزار	آب لیمو	یک من	سه هزار
چهارمینی	آبغوره	یک من	چهارمینی
دو عباسی	سرکه	یک من	دو عباسی
دو هزار	بادنجان	صد عدد	دو هزار
نه عباسی	خیار	صد عدد	نه عباسی
چهار هزار و صد و نسیار	کرک	بیت من	چهار هزار و صد و نسیار
دو هزار	پیه که اخته	یک من	دو هزار
شش عباسی	برنج رسی	چهار من	شش عباسی
چهار هزار	گشمسبز	یک من	چهار هزار
دو هزار و دو	گشمس طعام	یک من	دو هزار و دو
پانزده هزار	مغز بادام	یک من	پانزده هزار
دوازده هزار	مغز پسته	یک من	دوازده هزار

۱۴۵۷

### اخبار دول خارجه

از فرار یک در روزنامه جریده الاحداث سابق  
 نوشته بودند راه سیم حرج اثنی سجده فرستادن  
 خبر که از وارنه و سشنی در و سنجق ویرکوی و بکرش  
 بسمت وینه و سایر دول فرنگستان قرار شده  
 بود که کشیده شود درین اوقات از فرار خبری که  
 از فرم آمده است راه مزبور از زیر دریا از وارنه  
 الی فرم کشیده میشود و اسباب لازمه او قبل  
 از انخليس با کشتی بخار با سنجار رسیده از وارنه الی  
 چور چند وسیانه بالوقلو تا ایایور کی مناسری نام  
 این سیمها کشیده شده است بالجمله راههای مزبور  
 در کمال استحکام تا اواسط ماه گذشته شعبان با تمام  
 رسیده و در ابتدای کثود شدن راه مزبور اخبار  
 از جانب مرشل لاردرکلن سر کرده قشون  
 بسمت وارنه مبسني بر سفارش رسیده و از  
 اردوی انخليس که در نزدیکی بالوقلو بوده است  
 در مدت هجده ساعت جواب و سؤال شده  
 و در ساعت از در سعادت اسلامبول الی  
 لندن مخا برده آن محقق گشته است و این راه مخصوصاً  
 سببت مخا بزه جناب لاردرکلن سر کرده قشون  
 انخليس و جناب ژنرال فارو بر سر کرده قشون  
 فرانس معین است و بغیر از اینها کسی ماذون  
 که ازین راه اخبار نماید  
 از فرار یک در روزنامه احسن الاخبار مبسني نوشته  
 واکتر میلر که یکی از نامورین انخليس دانسایر طبای

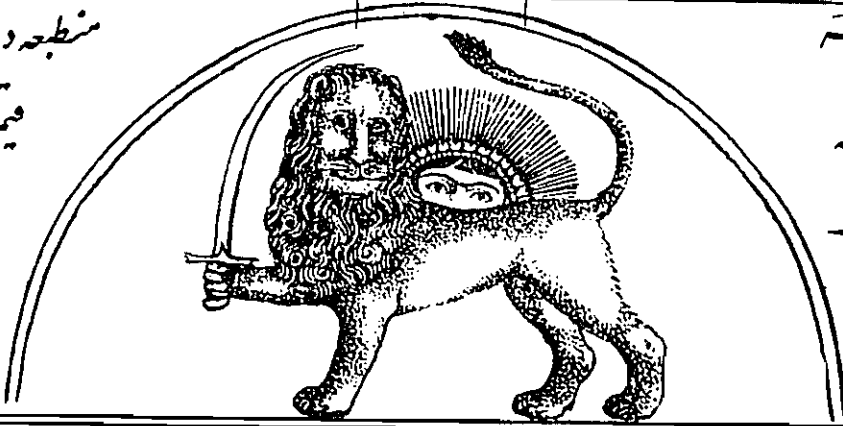
۱۴۵۸

ماهر تراست در مهوره مبسني اظهار و اعلان نموده  
 که بر روز از ساعت دو تا وقت ظهر در خانه خود  
 که در راسته ریمیرت را واقع در قطع مبسني است  
 بمعالجه دندان مشغول است و مقرر داشته است که  
 اجرت آن را از آنچه سابق مسکرفه تحفیف  
 واکتر بکیرد امضا دندان نو تمام در طلا یا در نقره باشد  
 یا از استخوان از حال نبض قیمت سابق درستی  
 نماید و کار زرگری آن بعد و اهتمام یکی از زرگران  
 خوب انولات است و قیمت متعارفی این است که  
 برای کشیدن یک دندان پنج روپیه و برای  
 جاسج کردن دندانها و صاف نمودن آنها بمقدار  
 اوقاتی که صرف آن میشود از ده روپیه الی سی  
 روپیه و برای ساختن تمام دندانها موافق قیمتی که  
 معین شود و ولوح ساختن برای تمام دندانها نیز  
 بموجب قیمتی که مقرر شود و واکتر صاحب مزبور  
 تمامی روزها را بغیر از آن ساعتی که مذکور شد بکلیت  
 و طبابت مشغول است و اخبار کرده است که هرگز  
 مرضی باشد با و رجوع نماید که در صحت آن مرتب  
 حدیقت و مهارت خود را ظاهر سازد  
 دیگر نوشته بودند موافق اخباری که از لندن پای  
 انخليس رسیده دولت انخليس سواهی توپهای بزرگ  
 و کوچک که در بند و ستان دارند بنا داشته اند  
 که سه هزار توپ بزرگ و کوچک نیز تازه ساخته  
 از انجا بسمت بند و ستان بفرستند

# روزنامه قایق آفتاب پنج یوم خورشید چهارم مهر و یعده سیزدهم مطابق سال اشعانی ۱۲۷۱

نمره کسب پروتیه  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شبر

منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
هر سطر پنج شبر



## اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

چون هوای دارالخلافه طهران درین اوقات که آیام گرم گردیده و سیلاب نیادران و صفحی شیرین مطلوب و مطبوع خاطر اقدس هایون بود لهذا در روز پنجشنبه ۲۷ ماه شوال موکب هایون تشریف فرمای نیادران گردید و چند روز در آنجا توقف خواهند فرمود و بعد از آن سمت لواسان و سیلاب لاغریت شکار میفرمایند و جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم سببه انجام بعضی مامات دیوانی دوسه روز در شهر متوقف بودند و بعد از فراغت از امور مهمه در روز پنجشنبه موکب هایون پیوسته در وقت حرکت موکب هایون سمت لواسان و لار ملزم رکاب سیروری انتساب مستند نواب مستطاب سزاوده و الایبار و سیر حکمران دارالخلافه طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی درین اوقات که موکب هایون در نیادران تشریف دارند بیشتر از سابق با مورجهو خلق رسیدگی دارند امنای دیوان

مبارک که حسب الامر مقرر است که کماکان در اطاق دیوانه بخانه هر روز تا عصر نشسته بعبایض و مطالب مردم رسیدگی نمایند و همچنین چند نفر از مستوخین عظام و لشکر کربان کرام ملزم رکاب هایون و مابقی با عالیجا مقرب انخاقان میرزا جیم پیشینت و محصل محاسبات مقرر است که در روز در دفتر خانه مبارک که جمع شده بتفریح محاسبات و معالط دیوانی مشغول باشند و هم چنین صاحب منصبان نظام حضرت فرجام در مشق احاد و افراد توپچی و سرباز همه روزه کمال مراقبت و مواظبت را بعمل می آورند و خلاصه حسابی احدی ناشی و صادر نمی شود امور قورخانه و جنبه خانه و دارالفنون همه جنبه منظم است و بعلین و تعلیم دارالفنون و صاحب منصبان قورخانه و جنبه خانه هر کس در سرکار و خدمت خود میباشد عالیجاه محسود خان کلاتر و کله در محلات و نظام و اول خانها هر یک در انجام خدمات محوله بنحود اتمامات کافی معمول دارند

۱۴۵۹

چون مراتب اتهامات نواب مستطاب هزاره و الا بتبار  
 مؤید الدوله طکاسب میرزا حکمران فارس در انجام خدا  
 دیوانی و فرستادن بیت هزار تومان مالیات اقط  
 جوزا و قتل فرستادن دولت هزار تومان از مالیات  
 هذاه السنه فارس بدر بارها یون مشهور خاطر اقط  
 کردید درین اوقات از جانب سنی احوال مستطاب  
 یکشوب جبهه ترمه رنجبره در جبهه نواب معزی الیه حرمت  
 و هم چنین مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک در  
 خدمات مزبوره اتهامات کامل بعل آورده مراتب مستطاب  
 او سخن مطبوع خاطر خطیر ملوکانه افتاده یک ثوب کلچ  
 کرمانی خوب از طپوس بدن مبارک بجهه مزید افتخار  
 بمقامت مقرب الخاقان مشار الیه حرمت کرد

اقدس پادشاهی و منظور اولیای دولت علیه  
 شده بود لکن پس از احضار شدن برکاب مبارک  
 درین اوقات از جانب سنی احوال ملوکانه با عطا  
 نشان اول و حایل میر خجکی و خلق مهر طلعت پادشاهی  
 قرین مفاخرت و آواز گردید

امور دار الخلافه طهران هر جبهه قرین انظام و الصباط  
 و کنی مرکب خلاف حساب نمیتواند بشود و اگر احوال سنی  
 اتفاق بیفتد سارق دستگیر و توبه و اموال مسروقه  
 استرداد و بصاحبش تسلیم میشود از جمله مالی از مقرب الخاقان  
 میرزا جعفر خان شیرالدوله در شاه هزاره عبد العظیم  
 کرده بودند و در اوقاتی که موکب پادشاهی مسنور  
 ییلاق نیوران شده بودند بکمال مسروقه بدست  
 بود درین اوقات سارق با اتهام مقرب الخاقان  
 وزیر دار الخلافه طهران و توابع بدست آمد چون بعد  
 اموال را تلف کرده بود آنچه موجود بود بعینها  
 و آنچه تلف کرده بود قیمت آن از او دریافت  
 و سارق بجهه استرداد اموالی دیگر که وزید  
 و حبس است

نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا در انظام امر بندر عباس  
 مراتب جان نثاری و خدمتگذاری خود را معلوم و مشهور  
 خاطر خطیر خسروانی داشته و درین اوان که موسم شد  
 کرمانی بندر مزبور و آن صفات است و زیت در انجام  
 کمال صجوبت را وارد محض امثال امر اولیای دولت  
 در انجام ستوقف و مشغول انظام امور آن صفات باشد  
 خدمات نواب معزی الیه زیاد و مستحسن و مقبول افتاده  
 درین اوقات حسب الاشارة العلیه منصب جلیل شیری  
 سرافراز و در ازای منصب مزبور یک ثوب جبهه ترمه بجهه  
 نواب معزی الیه خلق حرمت گردید

چون عالیجا مقرب الخاقان علیقلی خان میر خجکی در سفر  
 ما موریت خراسان مصدر خدمات کتبه گردیده و حسن  
 اتهامات او در انجام خدمات محدود مشهور خاطر

وز رفعت گذشته و و نفروز و آریکلانی از زیارت مهذب  
 مقدس مراجعت کرده و رسا و جلاع مال آنها را بزر  
 بودند مراتب بعض نواب مستطاب هزاره و الا بتبار  
 اردو شیر میرزا حکمران دار الخلافه طهران و توابع سینه  
 از قرا سوزانهای سا و جلاع حکما و زود را خواستند  
 قرا سوزانها نیز حسب حکم رفته سارقین را پید کردند  
 چون مال را فروخته بودند پنجاه تومان قیمت آن دریافت

نواب معزی الیه خلق حرمت گردید

۱۴۶۰

بصاحبان مال تسلیم کردید

چند نفر نذر دوز در محله حاج شهر با یک نفر صادق نام  
در آتش سفارتخانه انگلیس شرب و شمرات کرده بودند  
آنها را گرفته نزد مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر <sup>انقلاب</sup>  
آورند صادق نام را نیز مقرب انخاقان <sup>عصه الملک</sup>  
فرستاده و انهای دیگر را در میدان ارک تبنیه مضبوطی  
که عبرت دیگران بوده کسی دیگر مرتکب شرب و شمرات  
و اعمال ناشایست نشود

مقرب انخاقان میرزا موسی از اول صبح الی یک ساعت  
گذشته در ارک مبارک چاشد و بعد از آن بجهت اینکه کسی  
و مطلبی اگر داشته باشد رسیدگی نماید بنجازه خود میرود

امور آتشونی

مقرب انخاقان محمد خان میر پنج حب الامر برای نظم  
ارک مبارک و عمارات سلطانی و قراول خانهای شهر  
و میدان مشق و محل قورخانه و جنبه خانه و امور نظامی عساکر  
قاهره من جمیع الجهات مانور است که مراقب بوده و قیظ دارد  
و آنچه از اهل نظام خلاف قاعده ناشی و صادر بشود مقرب <sup>انقلاب</sup>

میرزا موسی وزیر در انخلاق طهران بهیچوجه <sup>بدر</sup> حمله نکرده خود  
میر پنج تبنیه نظامی نماید و همه روزه جمیع مباشرین امور <sup>بدر</sup>  
روزنامه میر پنج بد بند بار دوی هایون بفرستد خود  
مقرب انخاقان مشارالیه روزنامه اوقات در تالار <sup>بدر</sup>  
جناب امجد اشرف ارفع افخم صدر <sup>عظم</sup> مراقب امور  
مرجوعه بوده شبها هم در عمارات عالی سلطانی <sup>بدر</sup>

فوج طهران جمعی مقرب انخاقان محمد رضا خان سرتیپ که <sup>حضا</sup>

دار انخلاقه شده بودند در کمال نظم و آراستگی وارد <sup>بدر</sup>  
شدند روزیکه سرکار قدس هایون شامشای بنیاد <sup>بدر</sup>  
تشریف فرما شدند فوج مزبور را ملاحظه فرموده و التفات  
کامل در حق سرتیپ مشارالیه مبذول و انعام <sup>بدر</sup>

فوج پانزدهم شقای جمعی مقرب انخاقان ابو الفتح خان  
سرتیپ که احضار در انخلاقه شده بودند حسب الامر <sup>بدر</sup>  
هایون با کمال نظم و آراستگی مامور <sup>بدر</sup>

مقرب انخاقان پاشا خان سرتیپ حسب الامر <sup>بدر</sup>  
خود با کمال نظم و آراستگی مامور <sup>بدر</sup>

فوج بند پنجمی جمعی عالیجهه نظر <sup>بدر</sup>  
شده بودند حسب الامر مامور <sup>بدر</sup>

فوج تخته قاپوی قراجه داعی جمعی عالیجهه <sup>بدر</sup>  
دار انخلاقه شده بودند با کمال آراستگی <sup>بدر</sup>  
بازده عراده توپ با قورخانه که لازم <sup>بدر</sup>  
که به بند را بوشهر برونند

چهار عراده توپ با قورخانه که لازم <sup>بدر</sup>

عالیجهه کلب حسین خان نایب اول <sup>بدر</sup>  
هایون منصب حیل تیسری قورخانه مبارک <sup>بدر</sup>  
جبهه ترمه از جانب سنی ابوجانب قدس <sup>بدر</sup>  
مرحمت شد

۱۴۶۱

۱۴۶۱



### عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 دولتی سلطان آباد را مقرب انخاقان سرز حسن خان  
 بنا و عمده گذشته خرابیهای انجا را خوب تعمیر کرده اند  
 و بسیار بشکوه و رونق و آبادی انجا افزوده شده است  
 خاصه میدان خاج شهر و سردری انجا که کمال سکوه  
 و صفار ابراهیم رسانده است و همچنین قنات و قعی  
 سلطان آباد را محض حصول دعای خیر بجهت ذات  
 اقدس هاجیون داده است تنقیه کرده اند بطوریکه  
 آب بگل شهر کفایت می کند و عسرتی که امالی انجا در  
 سواة گذشته از بی آبی داشتند که از نیم فرسخی آب  
 بشهر می آوردند رفع شده و اهل انجا زیاد از اینجی  
 شاکر و دعا گو میباشند و همچنین دورشته قنات  
 جالسه را نیز تنقیه مضبوطی کرده اند که کل باغات انجا  
 ازین دو قنات سیراب میشوند  
 دیگر نوشته اند که آنچه از فوج کراز مامور استبان عباس  
 و متوفا بود یا با فوج و عالیجا علیسقی خان رفته بودند  
 الی دو تیم شهر سوال همگی کسر آنها با تمام مقرب انخاقان  
 میرزا حسن خان گرفته شد. بخدمت ماموره  
 روانه گردیدند  
 دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان مشارالیه در  
 حصول امنیت و انتظام ولایات عراق اهتمام کامل  
 بعمل آورده و عموم خلق انجا از حسن سلوک و مردم داری  
 او کمال رضامندی و شکرگذاری دارند

۱۴۶۲

### کنکاور

از قراریکه در روزنامه کنکاور نوشته بودند زراعت  
 انجا اسال بسیار خوب آمده است و جو را در کابل  
 در و کردن بوده اند و امالی و رعایای انجا با کمال سود  
 و رفاه بکار و کسب خود و دعای دولت قاهره  
 دارند و عالیجاه محمد علیخان بازواری که از هر ولایت  
 با انجا آمده روانه عتبات عالیات میشوند با نهایت  
 معقولیت رفتار کرده اغلب شبها محترمین زوار را  
 صیافت کرده و بقرا و اهل استحقاق بقدر مقدور  
 خرجی داده روانه مینماید  
 دیگر نوشته بودند که شخصی از اهل کنکاور بمیان خزل  
 بکار ماهی رفته بود در رودخانه بزرگی که از انجا  
 دام انداخته ماهی بسیار بزرگ بدام او افتاده بود  
 که زور صیاد نرسیده بود او را بیرون بیاورد  
 و ماهی زور آورده صیاد را بمیان آب کشیده بود  
 نزدیک بوده است غرق کند صیاد فریاد بر آورده  
 چند نفر بآمد او آمده بودند و او را با دام و ماهی بیرون  
 کشیده بودند ماهی بسیار بزرگی بوده است که پانزده  
 من وزن داشته است  
 دیگر نوشته بودند که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره  
 مقرر شده است که چا پارخانهای مالک محروسه را  
 تعمیر و درست نمایند از جمله چا پارخانه کنکاور را عالیجاه  
 محمد علیخان بصحلول آگاهی و ورود میرزا محمد علی غلام چا پار  
 داده است بنائی کرده و سفید کاری نموده در کمال استحکام  
 درست کرده اند و امر چا پارخانه انجا نهایت انتظام را دادند

### اذربايجان

از قساريکه در روزنامه دار السلطنة تبريز نوشته  
 افضلات الهي و من طالع فسري مطالع مکر  
 اعلي حضرت شاهنشاهی نهایت ارزانی و امانت و نوریت  
 و انولایت حاصل است و نواب مستطاب شاهزاده  
 و الایب حضرت الدوله و مقرب انخاقان قائم مقام  
 در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی نوکروست  
 اهتمام کافی معمول داشته اند و مقرب انخاقان  
 قائم مقام بعد از ورود پتبریز قرار داده است از  
 ایام هفتة دوروز در اطاق نظام نشسته از طلوع قبا  
 الی غروب بجار آحاد و افراد نظام رسیدگی مینماید  
 و در روز شنبه در دیوانخانه مبارکه نشسته بجار  
 رعایا و عمرا ایضاً و مطالب آنرا غوررسی میکند و  
 از نوکرو رعیت عرض و مطلبی داشته باشد درین  
 چهار روز بدون مخالفت و مزاحمت نیز و مقرب انخاقان  
 مشارالیه رفته حوایج خود را صورت انجام میدهند  
 و شبهای جمعه را نیز فحوض حصول دعاگونی بجهت وجود  
 مبارک سرکار اقدس هالیون شاهنشاهی مجلس  
 تعزیه داری و صنیافت برپا داشته و علماء و فضلا  
 و سادات و اعزّه و اشراف و اعانم و اعیان در هر  
 جمعه جمعی دعوت شده بمجلس فربور حاضر میشوند  
 و بعد از فراغت از روزه خوانی و صنیافت در همان  
 مجلس آن اعزّه و اشراف هر کس مهی داشته باشد  
 رسیدگی میشود حکام جزو اذربايجان نیز که اسراره  
 مقرب انخاقان مشارالیه از دربار هالیون رفتند

هر یک بمحل ماموریت و مقر حکومت خود رفته مشغول  
 انجام خدمات مرجعه میباشد و سایر بر ماسه  
 و چاکران دیوانی هر کس با انجام خدمات مجوله خود  
 قیام و اقدام و امور انولایت از جهت قرین نظام  
 الهی نظام حضرت فرجام از توپچی و سربازان  
 در میدان مشق حاضر گردیده مشغول مشق نظامی میباشند  
 و از جانب صاحب منصبان و معلمین کمال اهتمام در  
 و انتظام امور آنها بعمل می آید و چمنین امر مشهور است  
 در نهایت اشطام است و که خدایان و مستخفین محلات  
 و نظام قراول خانها نهایت مراقبت و محافظت را  
 از کار و انسران و بازار و دکانین و غیره بعمل می آورند  
 و اگر بندرت سیر قوی اتفاق بیفتد سارق بدست  
 آید و اموال مسروقه استرداد و لصا حبس تسلیم  
 میشود و کسی مرتکب شرارت و خلاف حساب نمیشود  
 بشود و عموم خلق در عین رفاه و آسودگی بکار و  
 خود دعاگونی و و ام دولت جاوید مدت علی  
 دارند و چمنین امور طرق و شوارع سرحدات انخاقان  
 از مراقبت و مواظبت نواب شاهزاده حضرت الدوله  
 و مقرب انخاقان قائم مقام و اهتمام سایر چاکران  
 دیوانی امانت و انتظام کماض دارد و مستخفین و قراول  
 در هر یک از طرق و شوارع مامور و مشغول حفظ و حرا  
 عابرین و مسرودین مستند و قوافل در کمال آسود  
 و الطینان از منازل و طرق عبور و مرور مینمایند  
 و بعضی اشرار و قطاع الطریق که دست اندازی بالعیان  
 میکردند در این اوقات دست نظاول آنها بکلی کوتاه گردیده است

۱۴۶۳

### بروجرد و عربستان

از تشریح که در روزنامه این ولایت نوشته بودند  
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حشام الدوله <sup>خان</sup>  
 بروجرد و عربستان و لرستان و خبثیاری در <sup>نظام</sup>  
 امور ولایات ابوالجهمی خود کمال مراقبت و اهتمام <sup>معمول</sup>  
 داشته اند و از هرجهت آسودگی و امنیت برای نوکران <sup>معمول</sup>  
 حاصل است و بجای نظام رسیدگی کامل دارند از جمله  
 در ماه گذشته فوج عالیجاه و لیجان سرتیب را دسته  
 بسته احضار فرموده و یک یک رسیدگی کرده <sup>قرار</sup>  
 داده اند که طبعوس فوج را در کمال امتیاز تمام کنند  
 و از تنگنای فوج مزبور هر یک نقص و شکستگی داشته  
 در میدان عمارات دیوانی استادان چغاقی ساز  
 و قذاق ساز نشاند و مشغول تعمیر مستند و اگر <sup>بسیار</sup>  
 از محلی فوت شده با فزاری بوده است عوض آنها  
 سرباز خوب گرفته اند

و بیکر نوشته بودند که در دووم ماه شوال چهارصد نفر  
 سرباز ابوالجهمی عالیجاه خسترو خان مومین <sup>عبدالله</sup>  
 ایوتیوند که سرباز قدیم لرستان هستند و با کمال  
 صداقت خدمت می کنند و اردبر و بروجرد شدند  
 نواب شاهزاده حشام الدوله کارمای آنها را <sup>معمول</sup>  
 انجام داده اند که بعد از تدارک طبعوس و تنگنای <sup>چهار</sup>  
 سایر ملزومات مأمور و روان نسبت هر دو <sup>کریه</sup>  
 شوند

سوارمای باجلان و خبثیاری ابوالجهمی مقرب <sup>انجان</sup>  
 نورمحمد خان دسته بسته وارد بروجرد شده <sup>انجان</sup>

و از سان نواب مستطاب حشام الدوله گذشته  
 مقرب انجانان نورمحمد خان مشغول انجام نامتاهی کاریها  
 سواره مزبور بوده است که اسب و اسلحه آنها درست  
 شده و موجب شان عاید گردیده مأمور خدمت شوند

دسته بار احمدی ابوالجهمی عالیجاه خانبان خان <sup>انجان</sup>  
 دادن سان و گرفتن مواجب با دسته عربان ابوالجهمی  
 عالیجاه یوسف خان مأمور لرستان شدند که در خدمت  
 نواب جلال الدین میرزا باشند و سایر دستجات  
 بعد از انجام کار مأمور مت خواهند گردید

و بیکر نوشته بودند که امالی بروجرد و لرستان و کمال  
 آسودگی مشغول امر زراعت و عیشتی خود هستند امور <sup>خارج</sup>  
 و داخل شهر در کمال انتظام و عموم امالی آنولایت <sup>معمول</sup>  
 دولت جاوید مدت علیه استعمال دارند و کمال فراوانی  
 و ارزانی در آنولایت حاصل است که کم خرداری <sup>دو</sup>

امور عربستان و سرحدات محترم و غیره منظم و <sup>شهر</sup>  
 امور دیوانی آنولایت هر یک در انجام خدمات <sup>معمول</sup>  
 سجد و کمال مراقبت و مواظبت را دارند و کوچی و سرباز  
 ساخلوان سرحدات همه روزه مشق حاضر میشوند و  
 بانهایت نظم و قاعده حرکت می کنند و امالی انجان  
 رضامندی تمام احسن سلوک و رفتار آنها دارند که <sup>مطلقا</sup>  
 خلاف قاعده از آنها ناشی و در نمی شود

۱۲۶۴

# روزنامه قیام اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ذی‌عده ۱۲۷۱

مزه ویت وی و چهار

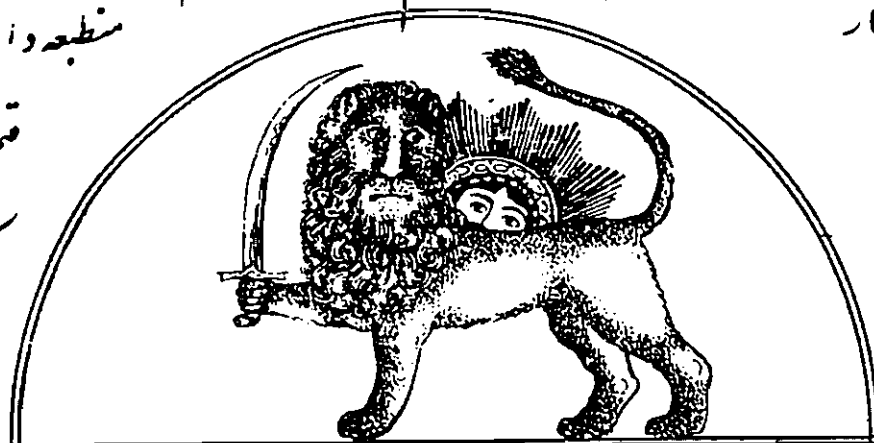
منطبه دار اختلاف طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه ده شابر

یک شابر



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### اردوی هایون

سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی که تشریف فرمایا سیاق نیاوران گردیدند بجهت خرمی و صفا و اعتدال هوا آنجا بروند مبارک بسیار خوش گذشته خدرو در آنجا توقف فرموده اند و بعضی از روزها را سوار بیاحت و تقیح اطراف تشریف فرما شده و طرف عصر بقصر سلطانی نیاوران معاودت فرموده اند

گذاشته اند که بخرمنهای دیگر سه ایت نماید و آنجا از خرمنها که سوخته بود و ضرر لبها جانان رسیده بود و مقرر فرمودند که خنک آنجا را بر آورده نمایند آنچه مشخص کردید بعلاوه آن حالت سحت وجه نقد بانها مرحمت شده و ظهور این عنایت سبب از دنیا آمدن واری ددعا کوفی عموم نوکر و رعیت گردید

یکروز بعد از ورود موکب هایون به نیاوران چند خرمن کندم و جوارز رعایای نیاوران که درو کرده و خرمن نموده بودند از قضایای اتفاقیه آتش گرفته بود چون قصر سلطانی نیاوران مشرف بخرمنگاه است اعلیحضرت شاهنشاهی سوختن خرمنها را ملاحظه فرموده از راه رفت بجال رعایای تمام سقایان و فرشان سرکاری حکم فرمودند که بخرمنها رقه آتش را خاموش نمایند آنها نیز با جمعیت تمام بنجاموش کردن آتش اقدام نموده زود الطاران نایره را گرد

نظر بطور و فورم جسم ملوکانه در باره جناب نظام الملک در روز شنبه گذشته اعلیحضرت شاهنشاهی بفرمایا که منزل جناب بوعظم الیه که در قریب نیاوران است و عمارت و باغ با فضا و خوش روح ساخته شده است لطف فرما گردیدند و از جانب جناب نظام الملک لوازم پیش و پای انداز و قربانی تقدیم شده و حسن بندگی آن سلطان مطبوع و مستحضر خاطر اقدس هایون افتاد با عصر در آنجا تشریف داد و بعد از صرف عصر بپای نیاوران مراجعت

۱۴۶۵

### دارالخلافه طهران

درین اوقات که موکب فیروز کوب <sup>علیحضرت</sup> بایون <sup>کلیه</sup> شامی بہت سیلاقات شہر ان و لو اسان حرکت <sup>فرود</sup> نواب مستطاب شاہزادہ افخم و الہد و ولایت <sup>کلیه</sup> پایدار حب الامر بایون در دارالخلافه طهران متوقف <sup>شدند</sup> و اعظم جا کران در بار بایون بعضی از روز نماز <sup>شد</sup> نواب معظم الیہ شرفیاب گردیدہ مورد التفات <sup>شدند</sup>

نظر بطور کفایت و شایستگی و کاروانی عالیجاہ <sup>علینقہ</sup> مستوفی رسید کی امورات در ب خانہ نواب مستطاب <sup>کلیه</sup> شاہزادہ اعظم افخم و ولایت جاوید مدت <sup>کلیه</sup> امر اقدس بایون بعدہ عالیجاہ مشار الیہ مفوض <sup>کلیه</sup> گردیدہ کہ از روی صداقت و کفایت با امورات دبخانہ <sup>کلیه</sup> نواب معظم الیہ ویر خدات مجموعہ بخود پردازد

در روز پنجشنبہ چہارم اینجاہ مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر <sup>کلیه</sup> دارالخلافہ و محمد خان و علیقلی خان میران بیچ و محمد رضا خان <sup>کلیه</sup> و جمعی دیگر از صاحب مضبان نظام شرفیاب حضور <sup>کلیه</sup> نواب مستطاب و ولایت گردیدہ و مورد التفات <sup>شدند</sup> و در روز یکشنبہ نیز مقرب الخاقان میرزا زمان امیر <sup>کلیه</sup> و عالیجاہان محمود خان کلانتر و کہ خدا بان بقرار مقررتہ <sup>کلیه</sup> خدمت نواب معظم الیہ و مورد التفات <sup>شدند</sup>

چون در ماہ مبارک رمضان عالیجاہ حکیم پولاک <sup>سفر</sup> ما زدران رفتہ و امر رضیخانہ کہ متعلق مشار الیہ <sup>کلیه</sup> شد کرد از مرتبہ اول کہ میرزا علیستغی و میرزا حسین <sup>کلیه</sup> و اکداہ کردہ بود و میرزا علیستغی ناخوش شدہ رسیدگی

۱۴۶۶

از ای

امر رضیخانہ میرزا حسین انحصار یافته و خوب از عمدہ <sup>کلیه</sup> برآمد و از قرار تصدیق عالیجاہ جعفر قلیخان سر تپ <sup>کلیه</sup> نظر مرلیض سہار با تمام و معالجاتہ مشار الیہ <sup>کلیه</sup> دو طاقہ شال از جانب سنی ابجواب ملوکانہ برسم <sup>کلیه</sup> مرحمت شد و پس از آمدن معتہم معالجاتہ و عمل <sup>کلیه</sup> رضیخانہ اتفاق افتادہ از اینقررتہ <sup>کلیه</sup>

جوانی بس سیزدہ و چہار دہہ مرض استغای زقی مبتلا <sup>کلیه</sup> شدہ بود و او را بزل نمودہ بقدر سہ من آب از خوف <sup>کلیه</sup> او خارج کرد

ضعیفہ سہرطانی در چشم از زیر مقلہ بقدر سیب <sup>کلیه</sup> بیرون آوردہ بود و او را نیز در کمال مہارت و تروستی <sup>کلیه</sup>

جوانی بی اورا کلولہ بردہ بود از جلد پیشانی او بقدر <sup>کلیه</sup> نمودہ و بر محل بینی وصل کردہ تا مدت دو ہفتہ <sup>کلیه</sup> و صحت یافت

شخصی مرض شقاق فلو س شدیدی مبتلا گردیدہ و در <sup>کلیه</sup> شدت و التهاب بود چہار انگشت بالاتر از مفصل <sup>کلیه</sup> قطع نمودہ تا یکجاہ صحت یافت

شخصی انگشت سبابہ او صدمہ خوردہ و استخوانش <sup>کلیه</sup> کردہ در میم شدہ بود عالیجاہ حکیم آمدہ بمیرزا رضا ولد <sup>کلیه</sup> مرحوم حاجی میرزا مقیم تبریزی کہ از جملہ شاگردان <sup>کلیه</sup> از مرتبہ اول بود مجول داشت و مشار الیہ آنرا از <sup>کلیه</sup> مشط قطع نمود و خوب از عمدہ برآمد

معالجات دیگر نیز کہ از عالیجاہ مشار الیہ بطور <sup>کلیه</sup> ہفتہ آئندہ نوشتہ میشود

ایامی که موکب بیون تشریف فرمای قصر قاجار و فرج چید  
 شقایق جمعی عالیجاه سرزاد صدق خان سرهنک قراول بود  
 سربازی یکی علف چیده سرهنک را لیه گفته بود که با  
 علف او را جستجو نمایند اگر از زراعت مردم چیزی چیده و در  
 بار علف پنهان کرده باشد او را تنبیه نمایند درین بین سرباز  
 مزبور که در بار او غیر از علف چیزی نبود از ولتسکی گفته بود که  
 دیگران قاطر را با پارمی برند و سرهنک بجهت یک خوشگند  
 جستجوی بار علف مامی کند سرهنک در مقام تحقیق حرف  
 برآید مشخص شده بود که پاشا سلطان و عهد یعلی سلطان  
 و اسکندر بیگت نایب پسر و برادر زادگان حاجی عباسعلی  
 سربازی چند پیشتر که حسب الاحضار بدار انحلاف می آمده  
 در عرض راه قاطری با بار بدست آورده میان خودشان  
 قسمت نموده اند چون جدید بودند و حرفشان آیین بود که بار  
 در راه پیدا کرده ایم فقط با خذ اموال مقومه بقرار اقرار خود  
 و اخراج دو نفر آنها اکتفا شد این روزها پاشا سلطان  
 مزبور که در منصب خود باقی بود با نجات رت کرده و نفر  
 از سربازان خود را فراری قلمداد نموده و باطناً بهمت از نذر  
 فرستاده یکدفعه دو قاطر سرفت کرده پاشا سلطان  
 دو دفعه دیگر الاغی و زردیده و درین بین دستگیر شده  
 صاحبان قاطر و الاغ که محلاً نزدیک بهم بوده سربازان  
 مزبور را گرفته خدمت اولیای دولت علیه آوردند سربازان  
 بتفصیل مسطور اعتراف نموده بعد از تحقیق و غوررسی مشخص  
 که پاشا سلطان قاطرهای سرور و قدر از دار انحلاف و سجاج  
 فرستاده است چون اینگونه حرکت او و انگی بعد از مقدمه  
 ماضیه و اخراجی بنی اعوام بغایت جسارت و خلاف بود

علیهند حسب حکم اولیای دولت علیه در حق او و سربازان  
 مزبور تنبیه نظامی بعمل آمد. قیمت قاطر با المصاعف مستر  
 و خودشان هم از منصب نظامی و نوکری اخراج ابدی شد  
 تا با سیرین نیز عبرت شده هرگز پیرامون خلاف و  
 بی نظامی مگردند

**سایر ولایات**

**قزوین** از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته  
 لوایش هزاره عبدالصمد میرزا و مقرب انخاقان حاجی  
 که با آنجا وارد شده اند انالی آنجا از اعیان و اشراف و  
 اعلی و از انالی لوازم استقبال را بعمل آورده اند و بواسطه  
 شاهزاده و مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان کمال حسن  
 سلوک و رعیت داری را معمول داشته و در منزل  
 عرض راه با سم سیورت جنبه و دیناری مکر فیه  
 و رعایا از اینغنی زیاده راضی و شاکر و دعا گوئی  
 اندس تا یون شاهشای بوده اند

مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان محض حصول دعای خیر  
 بجهت وجود فایض ایچود تا یون شاهشای تخواهی از خود و  
 که قنات و قبی آنجا را تقیه نموده آب و راه شهر قزوین جاری  
 نمایند که انالی آنجا از بی ابی عسرت نکشند و هم چنین قنات  
 خالصه را نیز آدم گذاشته است که تقیه نمایند  
 و رعایای آنجا را نیز بیدر و مصالح الاطاک سعادت  
 کرده است که مشول زراعت و آبادی آنجا باشند  
 از جمله غریب نوشته بودند که قطعی مرده از راه آب پرن آوردند که  
 داشت و هر دو سر او تمام اعضای زبیه داشته است اگر کسی از  
 علما و اعیان غیره او را تاش کرده و دیده بودند

۱۲۶۷

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند بنام  
 انیت و انظام در امور آنولایت حاصل است و بواسطه  
 مستطاب شاهزاده افخم و الاتبافرمانفرما حکمران  
 مملکت خراسان و مقرب انخاقان وزیر نظام بحال  
 اهتمام در رفاه و آسودگی حال نوکر و رعیت دارند و  
 رسیدگی و عوزرسی کامل با مورجمهور جنق خراسان  
 می نمایند و امالی آنولایت از اینمغنی زیاده شاه کوه  
 و عاکوی این دولت جاوید مدت علیه میباشند

حاصل آنولایت از قراریکه نوشته بودند امسال  
 از تفصیلات جناب اهدس الهی سپار خوب عمل  
 و هر چیزی نهایت و هوزادار و و از قراریکه تعبیر  
 اجناس آنجا نوشته اند کدم خرواری دو  
 هزار و جو خرواری یک تومان و سایر اجناس  
 بهین منظمه مستقر است

جعفر آقای کلانی که منشاء فساد و مصدر آشوب  
 صفیات مرد و آن اطراف بود و غالباً خان خجوق  
 سحرک بناخت و تازولایات خراسان میکرد  
 بعد از گشت قشون او رکنجی و کشته شدن خان خجوق  
 مشارالیه با آنها که از دم تیر و شمشیر عاکر منصوره  
 جان جنگ پابرون برده بودند بنجوق فرار کرده بود  
 از فرار که نوشته اند بعد از ورود بنجوق سردار در  
 آنجا بریده اند

۱۴۶۸

دیگر نوشته بودند که حاجی میر اسحق نام جلگه را حسن  
 ناکهانی مقتول ساخته بوده است متعلقان مقتول  
 او را با عرض اقدس آورده بوده اند مراتب بعض  
 نواب شاهزاده افخم و الاتبافرمانفرما حکمران  
 مملکت خراسان رسید یک نفر تفنگدار را مأمور  
 فرمودند که رفتن حسین بک ناکهانی را بیاورد  
 تا قصاص فرمایند

دیگر نوشته اند که شخصی شابوری در استانه مقد  
 رضویه برفت مبادرت کرده در خضیه از در باب  
 ضریح قبر که نقره می کند است خدام سرکار فیض انان  
 از عمل وزدی او مطلع گردیده بمقرب انخاقان وزیر  
 نظام عرض کرده بودند او را فرستاده آورده اند  
 بعد از تحقیق و ثبوت تبه مضبوطی نموده و بعد  
 اخراج بلده کرده اند

امورات سرکار فیض انان از اتهامات مقرب انخاقان  
 وزیر نظام از هر جهت و هر حیثیت نهایت نظام  
 وارد اغلب املاک موقوفه که بمورد دهور متصرف  
 غیر درآمده و بخلاف حق حساب مالک و متصرف  
 بوده اند مقرب انخاقان مشارالیه آنها را از  
 بدعایین انتراع و منافع آنها را صرف تعمیرات  
 روضه قبر که در مخارج خود سرکار فیض انان  
 چنانچه تا بحال بسیاری از جایهای صحیح و ایوان و  
 رواق را که تعمیر لازم داشته است داده و بحکم  
 تعمیر کرده اند

### استرآباد

سبک

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند عزیز  
 پیشخدمت جناب نظام الملک که جمیع اوری خانوار  
 متفرقه استرآباد رفته بود در انجام خدمت مرجوعه بخود  
 کمال اهتمام راجع آورده است و عیشتی که از اول  
 جاوید مدت از ساکن و اوطان خود بخارج رفته بودند  
 همه را جمع اوری نموده و آورده به بلوک باشیها  
 و قبض وصول آنها را گرفته با نهایت محولیت حسن  
 سلوک حرکت کرده است بطوریکه هم رعایای مزبور  
 با دلخوشی و امیدواری تمام با ماکن و اوطان خود آمده  
 هر یک مشغول عیشتی و شغل و کار خود شده اند و هم  
 مقرب انخافان محمد ولیخان بیگلربیگی استرآباد و سایر  
 انالی ولایت از نوکرو عیث منتهای رضامندی از او  
 داشته اند

دیکر نوشته بودند که در اوایل ماه شوال که بارندگی  
 مطلوب بود باران بسیار خوب و به موقع در محال انزانی  
 و آن اطراف آمد و اراضی آنجا را سیراب نموده رعایا  
 آنجا از جهت زراعت بسیار امیدوار شدند خصوصاً  
 بجهت زراعت شلتوک که نوشته اند فایده کلی این  
 بارندگی حاصل گردید

دیکر نوشته بودند که هم در آن اوقات کرکی دیوانه در کنار  
 محله رایتکان پشت کوه پیدا شده پیره مردی را زخمی  
 کرده بود که بعد از سه روز فوت شد و از آنجا رفته  
 یک نفر دیگر را زخمی کرده و از آنجا بچمن در رفته صوت  
 یکی از جلوداران مقرب انخافان محمد ولیخان بیگلربیگی را

کنده و یک اسب را نیز زخمی نموده بود جمعی اورا تعقیب  
 نموده بودند که شاید به تیر زده دفع نمایند ولی  
 نرسیدند

دیکر نوشته بودند که سید طاووس نامی از سادات  
 بلده استرآباد را طایفه جعفریای ترکمان با سیرنی برد  
 مقرب انخافان محمد ولیخان بیگلربیگی مستحضر شده دو نفر  
 از مجوسین طایفه مزبوره عوض سید مزبور فرستاده  
 بود که اورا را بکنند قبول کرده بودند در ثانی نوشته بعد  
 عالیجاه محمد علیخان فوجردی نوشته بود که یک نفر از مجوسین  
 طایفه انابای را عوض سید مزبور بشهر سیار و در مشا رالیه  
 نیز از همان قرار معمول داشته یک نفر از معتبرین آنها را  
 گرفته و بشهر آورده مجوس نموده بود آنها نیز لا علاج سید  
 بشهر فرستاده آدم خود را بکشتن نمودند

دیکر نوشته بودند که چند نفر از طایفه ضاآه ترکمان با  
 یک نفر سردار سبجه چپاول بقرای کتول آمده بودند قراول  
 آنجا عالیجاه آقاخان را خبر نموده مشا رالیه با چند نفر  
 پیاده بر سر راه آنها رفته در بیرون قریه با آنها برخورد  
 شده بنای زد و خورد را گذاشته بودند در بین جنگ  
 سردار آنها مقتول و ده نفر زخمی شده با بقی تاب  
 مقاومت نیاورده مخدولاً و مسکوباً مراجعت نسبت آنک  
 کرده بودند عالیجاه آقاخان سردار را با اسب  
 براق او برداشته مراجعت کرده و مراتب را بمقرب  
 محمد ولیخان نوشته بود او هم اسب و براق سردار  
 مزبور را بخود عالیجاه آقاخان بخشیده و خلعت و انعام  
 نیز بجهت او فرستاده بود

۱۴۶۹



و هم چنین یکصد نفر سوار از طایفه ضلالتگان بجزم خیت  
 فریاد یکی محله بیرون آمده بودند مستحقین معابر  
 بجایگاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد اخبار نموده  
 غایبها مشا را لیه در همان شب ملک رمضان که خدای  
 فریه مزبور را اطلاع داده و قدغن نموده بود که جمعیت معابر  
 آنجا برده مشغول حفظ و حراست باشد مشا را لیه نیز با جمعی  
 پیاده بر سر گذر مارفته از سر شب الی دو ساعت از  
 روز رفته مشغول قراولی بوده اند درین بین سواره گران  
 رسیده پیادگان شلیک کرده یک نفر سردار آنها را  
 با دو نفر دیگر بکری زده از اسب انداخته بودند و مشغول  
 گردیده ترکانمان دیده بودند که کاری از پیش نمیرود  
 افتد کرده بودند که آن دو نفر را که نیم جانی داشتند  
 بدر برده و مخدولاً فرار کرده بودند ملک رمضان  
 سرسوار آنها را بنزد عالیجاه محمد جعفر خان آورده  
 عالیجاه مشا را لیه انعامی پیادگان او داده بود  
 دیگر نوشته اند که چون سابقا جمال استرآباد و دو  
 از ترکانمان ایل را ندانسته بخمال اینکه از جمله اشترارند  
 که سیرت آمده اند مشغول نموده بودند بقدر صد نفر سوار  
 از ایل مزبور برسم طافی آمده بقریه سلطان آباد  
 چپاول انداخته دو نفر کادوچران و چند راس کادو  
 پیش کرده مراجعت میکردند در بین راه عالیجاه  
 آدینه خان اتابای با آنها رسیده از در مخالفت در آن  
 کار بجاول انجامیده چند نفر از آنها زخمی و خود او  
 هم زخم برداشته معتمد دست از مجاول برداشته  
 تا عه کادو را با باد و نفر اسیر سرد و بصاحبان

۱۲۷۰

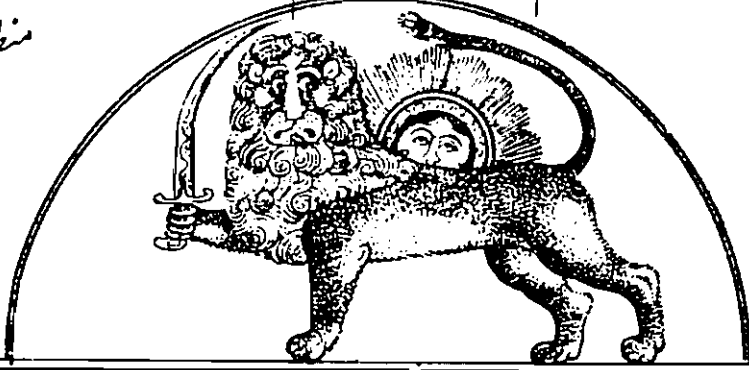
تسلیم کرده بود عالیجاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد  
 بعد از استحضار بر این محسنی حالت جهه عالیجاه آدینه خان  
 دشیرنی بجهت سواره او به اتابای فرستاده و انظار  
 خورسندی و رضامندی از حسن خدمتگذاری آنها  
 کرده بود

دیگر از قراریکه تعبیر اخبار اسرآباد در ماه گذشته  
 سوال نوشته بودند از اینقرار بوده است

سب	یکخوار بیت و پنجاهار	سب
۱۰۰	یکخوار دوازده هزار	۱۰۰
۱۰۰	یکخوار چهار تومان	۱۰۰
۱۰۰	یکخوار یک تومان	۱۰۰
۱۰۰	یک من ده شاهی	۱۰۰
۱۰۰	یک من ده شاهی	۱۰۰
۱۰۰	یک من ده شاهی	۱۰۰
۱۰۰	یک من دوریال	۱۰۰
۱۰۰	یک من پانزده شاهی	۱۰۰
۱۰۰	یک ریس یک هزار دینار	۱۰۰
۱۰۰	یک قطعه یک هزار دینار	۱۰۰
۱۰۰	هشتاد و پنجاه یک هزار دینار	۱۰۰
۱۰۰	یک من هشت هزار	۱۰۰
۱۰۰	یک من شش هزار	۱۰۰
۱۰۰	یک من دوریال	۱۰۰
۱۰۰	یک من هزار دینار	۱۰۰
۱۰۰	یک من دو هزار دینار	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم شهریور سنه ۱۲۷۱

مزه دیتوسی و بیچ  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شهر



منصبه دارانخلاف طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پنجاه

احبار و احنه ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

موجب بهایون اعلیحضرت شاهنشاهی در روز شنبه  
نهم این ماه از سیلان و نیادان بسمت سیلان  
حرکت فرمودند و غنیمت چند روزه تفریح و کشت  
در صفحات لواسان و لار دارند جناب حاکم آذربایجان  
امجد اشرف ارفع صدر اعظم و جناب نظام الملک  
و بعضی از مقربان حضرت گردون لبط سینه و  
لرزم از سایر خدم و حشم مقدم رکاب حضرت  
بهایون میباشند

دارانخلاف طهران

امور دارانخلاف مبارکه از هر جهت در کمال انتظام است  
و از حسن مراقبت و رسیدگی نواب مستطاب شاهزاده  
والا تبارار و شیر میرزا و مقرب انخاقان میرزا موسی  
قدرت سرفقت و شرارت و حرکت خلاف ندارد و اگر  
بندرت شرب یا شرارتی اتفاق بیفتد در مقام خدمت  
و تنبیه بر می آیند.

امورات در بجان نواب مستطاب شاهزاده اعظم فخر  
و لیعهد دولت جاویدند تا از حسن کفایت کار گذاران

مضبوط و منظم است مقرب انخاقان میرزا علی قلی  
حسب الامور روزی در خدمت نواب معظم الیه مشغول  
انتظام امور آن سرکار و انجام سایر خدمات مرحومه  
بخود میباشد و تا ساعت از شب گذشته در ارک  
مبارکه با مورات لازمه رسیدگی نموده بود از آن بجان  
خود می رود و چنانچه در هفته گذشته نوشته شد بعضی  
از روزگار که مقرب انخاقان میرزا پنجه و سایر اعظم  
چاکران در بار بهایون شرفیاب خدمت شاهزاده اعظم  
اعظم می شوند بعد از شرفیابی و حصول التفات نواب  
ساسان میرزا الله باشی آنها را با طاق علی حده برده

لوازم  
توقیر و احترام هر یک اموات و تبرع می آورد  
در هفته گذشته اهل محله ملک آباد که از بی بی و حضرت  
خدمت نواب مستطاب شاهزاده اعظم فخر آمدند  
شدند که ابی با آنها رحمت شود چون آب قنات مهر کرد  
در روز چهارشنبه قیمت کار و انشای جدید دولتی بود  
محض حصول دعا کوئی ذات اقدس بهایون شاهنشاهی  
مقرر فرمودند که عالیجاه آقا مهدی ملک التجار را حواسته  
خواستش نمایند که در آن روز و شب آن آب را با اهل محله

۱۴۷۱

مر

ملک آباد و اگدا نماید که خانهای خود را سیراب و آب انبار  
 و حوضهای خود را پر آب نمایند نواب ساسان میرزا بر  
 فرمایش عالیجاه ملک التجار را خواسته فرمایش نواب  
 معظم الیه را القاف نمودند عالیجاه ملک التجار نیز برضا و رغبت  
 خود و محض امثال امر نواب معظم الیه و حصول دعا کوئی  
 ذات اقدس هائون یک شبانه روز آب قنات مزبور  
 بجله ملک آباد و اگدا نموده جمیع آب بنارها و حوضهای  
 ملو از آب و باغها و خانها سیراب گردیده سبب  
 شکر گذاری و دعا کوئی عموم مالی دارا اختلاف مبارک خصوصاً  
 اهل محد مزبور شد که عسرت و پریشانی که از بی ابی داشتند  
 رفع گردید

چون عالیجاه مقرب انجان محمد قاسم خان که سابقاً  
 بکار پردازی اول امور با قنات تعلیس بود از عهد  
 خدمات محوله بخود بخوبی برآمد و خاطر اقدس هائون  
 و امنای دولت علیه را از طرز خدمت و ارادت خود را  
 و خورسند داشت لند از نده سپنه تو شقان نیز از  
 فرار فرمان مهر لجان مبارک او را بستاری سفارت  
 و بعد از آن بر تبه مصلحت گذاری مامور توقف سنتی  
 فرمودند و یک قطعه نشان سپسی از درجه اول با حمال  
 سرخ از جانب سنی انجوانب ملوکانه بجهت مزید افتخار او  
 مرحمت شده و این اوقات حسب الامر عازم محل  
 خواهد گردید

از معالجات و کارهای عالیجاه حکیم پولاک و شاگردان  
 ارشد قابل او که بعضی در نغمه گذشته نوشته شد بعضی نیز  
 که درین نغمه مسطور میگردد و از این قرار است

شخصی سلعه از طرف ایر کون بقدر تخم مرغی داشت  
 که بر روی ظروف شریفه و موسی اتفاق افتاده بود  
 عالیجاه مشار الیه در کمال وقت و مهارت بیرون آورد  
 که هیچوجه آسیبی بظروف و مویه نرسید و بانذک زمانه  
 شفا یافت

شخصی پیره مرد هفتاد ساله مدت دو سال بود که مرض  
 جنون و مالخویا و لگنت زبان سجدی مبتلا بود که در  
 حرف زدن نداشت و بسیار مداوا و استعلاج کرده  
 مفید نیفاده بود میرزا سید علی که در قواعد طب هرا  
 و از جمله شاکردنای ارشد و از مرتبه اول بود و او  
 داده و پشت کردنش را خوش کشیده و تدابیر دیگر بکار  
 برده در مدت بجا شفا یافت و بکار خو و مشغول شد

دیگر جوانی مادر زاد لب شکری بود میرزا محمد علی که در قواعد  
 طب و جراحی ایرانی خدافت داشت و از جمله شاکردنای  
 ارشد در مرتبه اول بود او را بریده بهم وصل کرده و با  
 نکی صحت یافت

میرزا حسین ولد مرحوم میرزا احمد طبیب تکابنی که در قواعد  
 طب مهارت دارد و از جمله شاکردنای ارشد از مرتبه  
 اول است کتابی در امراض ناک در عهد محمد علی پاشا  
 در مصر در کمال دقت از فرانسه بعرنی ترجمه شده  
 مشار الیه بفارسی ترجمه میکند و بسیار بکار خواهد  
 آمد و نقش عام خواهد بود

از اخبار شهر درین نغمه چیزی نیست که در روزنامه کو  
 مکر اینکه بجهت الله و فزولت و کمال ارزانی و امین حاصل

۱۴۷۲

کتابخانه  
 وزارت  
 معارف  
 و  
 امور  
 عالی  
 دولت  
 تهران

وعموم چاکران دربار همایون هر یک در انجام خدمات  
محوله بنحو نهایت اهتمام را دارند

### امور اتقونی

افواج قاهره توفیق داران خلفه مبارکه از کوچکی و بزرگی  
و سرباز همه روزه در میدان ارک و میدان مشق  
خارج دروازه دولت مشغول مشق هستند و در کمال  
نظم میباشند و همچنین امورات دارالفنون و قوچا  
و جبه خانه در نهایت انتظام است و مقرب اسحاقان  
محمد خان بیکر بسکی و میر بیچ کمال مراقبت و موابت را  
در انتظام امر نظام و انضباط بیوتات مزبوره و سایر  
خدمات محوله بنحو بعمل می آورد و سایر صاحب منصبان  
نظام و معلمین هر یک در کار و خدمت خود ساعی و جاهد  
میباشند

فوج قراکوزلو ابوالجمععی عالیجاه محمد حسین خان سرنگ  
که در قراول خانهای دارالخلافه مشغول حفظ و حراست  
بودند درین اوقات که مدت قراولی آنها بسر رسیده  
بود حسب الامر مرخص گردیدند و از جانب اولیای دولت  
قاهره کمال التفات بجایجا پشارالیه و سرباز مزبور  
بعمل آمده خلعت همایون نیز در حق عالیجاه محمد حسین خان  
عنایت گردید و فوج طهران ابوالجمععی عالیجاه مقرب اسحاقان  
محمد رضا خان سرتیپ بجای فوج قراکوزلو مامور قراولی  
قراولخانها شدند

عالیجاه فتحعلی بیک نایب سیم اجودان باشی چون در  
خدمات محوله بنحو کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده  
بود و مراتب خدمتگذاری او معلوم و مشهود انسانی است

علیه گردیده درین اوقات بمنصب نیابت دومی سرفراز  
و یکصد تومان هم بر بروجی سابق او علا و حمزه

چون عالیجاان بابابیک افشار در رضابیک لک یاوران  
تو پخانه مبارکه از قدیمی خدمتگذاران و در سفره مصدر  
خدمات و جان نثاری شده بودند مراتب قدیمت  
خدمت و لیاقت و شایستگی آنها معلوم و ملحوظ انسانی  
دولت قاهره شده درین اوقات حسب الاشاره  
بمنصب جلیل سرتیپی تو پخانه مبارکه سرفراز گردیدند  
و فرمان همایون نیز در باب منصبش را الیهما شرف  
صدور یافت

### سایر ولایات

قزوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته  
نوابش نیراده والا تبار عبدالصمد میرزا و مقرب اسحاقان

عاجی حسنعلی خان بعد از ورود بانو لایت قاره ای در  
که منی بر امنیت ولایت و آسودگی رعیت است گذاشته اند  
از جمله مقرب اسحاقان حاجی حسنعلی خان مستخفان  
قرا سورا نهایی طرق و شوارع را خواسته و در باب  
حفظ و حراست راهها قدغن اکید نموده و التزام از  
آنها گرفته است که اگر مال کسی در راهها سرقت شود  
از عهده غرامت آن برآیند و آنها نیز بر حسب التزام  
خود مشغول حفظ و حراست طرق و شوارع میباشند  
و نهایت دقت و اهتمام را درین باب دارند و بجهت  
عابرین و مترودین کمال اطمینان و خاطر جمعی ازین امر  
حاصل گردیده و همچنین امور شهر و محلات در عین انتظام است  
و خلاف حساب از احدی ناشی و صادر نمی شود

۱۴۷۳

# فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند نواب مستطاب  
 مویته الدوله حکمران مملکت فارس در موجبات حصول  
 ولایت و رفاه و آسودگی نوکرو رعیت و انجام خدمات  
 دیوانی بحال اسامی را معمول میدارند خصوصاً در و بیول  
 مالیات دیوانی و افتاد آن بدربار جهاندار شاهنشاهی  
 و موالبت تمام دارند که علی التوالی بحیطه وصول رسیده  
 از فرار سقا افتاد و از انخلا فمبارک شود و نیز در انتظام  
 طریق شواغ قدغن اکیه نموده و مستحفظ و قراسوران  
 نواب معسزی الیه در همه راهها مشغول حفظ و حرست  
 میباشد که قواغل و مترددین بی تلویش دزد و قطاع  
 با اطمینان و آسودگی عبور و مرور نمایند  
 دیگر نوشته بودند که رعایای بلوک کربال بجهت کمی آب  
 بودند جمعی از آنها خدمت نواب مویته الدوله آمد عرض کردند  
 که اسال با وصف قلت آب در بلوک مزبور تقدیر هم که است  
 رعایا در آن باب تعدیل منظور نمیدارند و باین شرح کار خود  
 نسبت بضعیف ستم شریکی ظاهر میشود نواب معسزی الیه نیز باین  
 میرزا مادی حاکم حومه را مقرر فرمودند که به بلوک مزبور رفته  
 ملاحظه بندهای آنجا را که از قدیم بجهت جاری شدن آب  
 بقرا و مزارع بسته اند نموده درین باب وقت نماید و  
 حق حساب قرار درستی باین رعایای آنجا بگذارد که هر  
 حقا به خود را برده نسبت بیکدیگر تعدی و اجحاف نکنند  
 عالیجا مشارالیه هم حسب الامر نواب شاهزاده بلوک  
 مزبور رفته و بندهای آنجا را بدقت داری کرده و قرار  
 تعدیل باین رعایای آنجا که داشته مراجعت کرده است

۱۲۷۴

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا  
 حکمران لارستان و بنا در ماه گذشته سوال این  
 عباس بلار مراجعت کرده اند و علاوه بر شصت نفر  
 که سه اه عالیجا با قریخان تکستانی ساخلو بند رعایت  
 میباشد پانصد نفر دیگر تفکیمی پادار با اعتبار جدال  
 ساخلو کشیده بنزد عالیجا مشارالیه روانه کرده اند  
 که با خلوی بند مزبور و محافظت و محاربت ان حدود  
 دستور مشغول باشند و خود امیرزاده در لار مشغول نظم  
 آن صفحات و وصول و ایصال مالیات و انجام خدمات  
 دیوانی میباشد  
 دیگر نوشته بودند که در بیت هشتم ماه سوال نواب  
 عالیجا مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ و فوج  
 اصفهان را با سرباز ابوالجهمی او مأمور بند را بوشهر نموده  
 و موجب وجیره آنها را تا کار سازی نموده با پونجا  
 و قورخانه و سایر ملزومات و تدارکات شایسته بحال  
 اراستگی و انتظام روانه بند مزبور گردیدند که  
 ساخلوی آنجا باشند  
 و هم چنین در بیت هشتم ماه مزبور فوج شیرازی ابوالجهمی  
 مقرب انخاقان مهر علیخان شجاع الملک را مأمور بلارستان  
 نمودند که در خدمت نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا  
 باشند و مقرب انخاقان شجاع الملک صاحب منصبان  
 و احماد و افراد فوج مزبور را احضار کرده موجب وجیره  
 آنها را برداخته سایر ملزومات آنها را از هر جهت تدارک  
 شایسته دیده با بحال اراستگی و انتظام روانه لار نمود  
 که در خدمت نواب امیرزاده مشغول انجام خدمات محوله بخود باشند

روزنامه قایم اتها بیست و یکم پانجم شهر رجب مطابق شوال ۱۲۷۱

نزهت پریش  
قیمت روزنامه  
هر نسخه دوازده



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
هر پانچ

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

اعلیحضرت شاهی که در نهمین ماه ازینیاوران بسبت  
سیلاقات لواسان و لار حرکت فرمودند و شب گذشته  
که متعلق جناب جلالت آفتاب شرف ارفع اکرم صدر اعظم بود  
توقف فرمودند و بعد از آن تا روز چهارم در لواسان  
بسیروسکار مشغول بودند و روز بعد از آن اردوی هایون  
بلاز نزول اجلال فرمودند جناب شرف امجد ارفع مخم  
صدر اعظم نیز در حین حرکت موکب هایون در رکاب  
مبارک بودند پس از ورود سرکار اعلیحضرت شاهی  
بنزل کل هندوک اذن مرخصی از رکاب هایون حاصل  
بقریه آنچه که یکفرسخی آنجا و ملک مخصوصی جناب معظم  
رفتند و روز چهارم در راه از آنچه قبل از ورود موکب  
هایون بچشم منور وارد گشته چون در این چند روزه که  
موکب هایون در لواسان تشریف داشتند جزئی ضرر  
و خسارت با مالی آنجا رسیده بود اعلیحضرت شاهی

یکصد تومان وجه نقد بر عیایای آنجا انعام محبت  
فرمودند که بتوسط جناب مقرب انخاقان نظام الملک  
بر عیایا تقسیم گردید و یکصد تومان نیز از مالیات  
آنها تخفیف محبت نمودند که سبب از ویاد امیدوار  
و دعا کونی رعایای منور باشند

چون عالیجا میر هاشم خان حاکم سراب و کرورد  
در انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک با رعیت و لزوم  
ولایت داری اهتمام خود را مشهود داشته خدمات  
او در نظر امنای دولت علیه تحسین افتاده لهذا درین  
اوقات حسب الاشارة العلیه بحکومت ولایت  
مفتخر و سرفراز گردید

چون مراتب خدمتگذاری عالیجان حسن خان سر  
و نجفعلی خان نایب اول قراپا پاق بعض اولیای دولت  
قاہرہ رسید در این اوقات از جناب سنی ابجواب  
هایون بهره و خلعت محبت گردید

۱۲۷۵

### دارالخلافه طهران

جناب مجدت مشرف جنرال بر وسایل ایلچی دولت  
 بهیه روسیه که از جانب اعلیحضرت امپراطور بانام میوه  
 ختامه بتاریخ ۲۱ ماه رمضان المبارک شریف  
 حضور اعلیحضرت شاهی گردید و کیفیت ورود  
 شرفیابی جناب معزی الیه در نمره ۲۲۷ و ۲۲۸ این  
 روزنامه سمت الطباع یافت بعد از آن نیز لوازم اکران  
 و احترامات از جانب سستی اجواب ملوکانه و از اولیا  
 دولت علیه من جمیع الجهات بعمل آمد نظر بر اینکه جناب  
 معزی الیه مسافر بود و اولیای دولت علیه خواستند  
 بضيافت دعوت نمایند چون کتبه مزاج داشت  
 و ناخوش بود اجابت دعوت ضیافت را نمود  
 معذرت خواست در اوقات معاودت و شخصی  
 از دربار هائون از جانب اعلیحضرت شاهی  
 ایلچی معزی الیه و سایر صاحب منصبان موافقشان  
 و مرتبه هر یک نشان مدلمان و خلعت آفتاب طلعت  
 مرحمت و عنایت گردیده عالیجاه علیستی خان پسر  
 قشربها نذاری آنها مامور گشته روانه شدند

امورات دارالخلافه مبارکه در نهایت انتظام است  
 و کمال امانت و وفور نعمت حاصل است بحمد الله خبری  
 فراوان و ارزان است ناخوشی نسبت بهالهای دیگر  
 بسیار کم است بلکه هیچ نیست چاکران دربار هائون  
 دارالخلافه مبارکه از اعالی و ادانی نظام غیر نظام  
 هر یک در انجام خدمات رجوعه بخود نهایت سعی تمام  
 دارند هوامی دارالخلافه طهران چند روز شدت کرم بود

۱۴۷۶

ولی دوسه شب قبل ازین فی اجماع بارانی در شهر شریف  
 آمده که ششبران را نیز کمی برف زده بود از آنوقت  
 در هوا اتفاقی بهم رسیده شبها خشک است و روزها  
 هم بآن شدت که کرم بود حال نیست عمارات مبارکه  
 ارک و غیره را در کار بنانی و تعمیر میباشند در این اوقات  
 بنانی زیاد دیوانی و غیر دیوانی میشود و بازارچه پشت  
 میدان جدید سمت بازارچه صند و قدار را تازه میکنند  
 و بازارچه صند و قدار وصل میشود قرینه آنجا نیز که  
 جبه خانه و سمت بازار قدیم است اینطور ساخته شود  
 بسیار برشکوه و رونق میدان جدید خواهد افزود و  
 آبادی بازار سمت دروازه جدید مجدیه روز بروز در  
 تراید است و عنقریب بازار آن سمت نیز از دروازه  
 مزبور تا میدان جدید بحدیکه متصل خواهد گردید افواج  
 قاهره نظام از توپچی و سرباز همه روزه در میدان  
 ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق  
 میباشند و از جانب صاحب منصبان و معلمین کمال  
 و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها میشود امر قراولی  
 عمارات ارک مبارکه و قراول خانهای شهر نظم و  
 مضبوط است و سرقت و شرارتی اتفاق نمی افتد

### سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند  
 نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار حشمت الدوله  
 حکمران اصفهان وارد التولایت شده اند و مالی  
 لوازم استقبال و احترام را بعن آورده اند اما  
 معزی الیه قبل از ورود آدم فرستاده و خبر کرده بودند

که استقبالیان تا منزل مورچه خورت بالاترین  
و بعضی تکلفات که ضرر و زحمت مالی و رعایاست موقوف  
بدارند و در روز و روز و با صفهان نهایت التفات  
بعوم مالی انجام نموده و بحسن سلوک و رعیت داری خود  
و تفقدات اولیای دولت علیه آنها را امید داری  
زیاد داده اند

و دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی اصفهان را بنا  
و عمل ریاد در کار و مشغول تعمیر کردن آنها میباشند

پیره مردی بجمام رفته داخل حرات جمام که شده بود  
فورا تسلیم کرده و بروی آب افتاده بود

و دیگر از قراریکه تعمیر اجناس اصفهان را نوشته است  
تا آن بکسر پنجشاهی و نیم و گوشت یک من هزار دینار  
و برنج یک من سه عباسی و روغن یک من سه هزار  
و گندم یک من سه عباسی و نیم شاهی و جو یک من یک  
و سایر اجناس نیز با این منته معتبر بوده است

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند کمال  
و انتظام در آن ولایت حاصل است و نواب مستطاب  
شاهزاده و الا تبار موید الدوله حکمران مملکت فارس  
در نظم و ولایت و رفاه حال رعیت و امنیت طرق و شوارع  
مراقبت و مواظبت تمام دارند خرابیهای شهر از  
که از زلزله بهم رسیده بود هر جا که خراب شده  
بود و تازه ساخته اند بسیار بهتر و محکمتر از سابق شده  
و جایهایی که سابقا زخمت خام ساخته شده بود

بعد از خرابی همه را با آجر نخته در کمال استحکام ساخته  
مقرب الخاقان حاجی قوام الملک مسجد نور تعمیر فرمایند  
طرف رو بقبله مسجد را از روی شالیده بنیانی کرده  
و با تمام رسانده اند و سه بدنه دیگر آزا در کارند  
میازند آنچه ساخته شده است بحسب وضع و استحکام  
بتر از سابق است و بعد از اتمام از قراریکه نوشته اند  
خیلی باشکوه خواهد شد مقرب الخاقان میرزا ابوالحسن خان  
مشیر الملک مسجد جدیدی که ساخته بود از صد مزرعه  
خراب شده و در این اوقات مجددا خرابیهای انجارا  
در کمال استحکام تعمیر فرمایند بعضی از مالی و اعیان نیز  
برخی از مساجد و کاروانسراها و حمامها و خانها را که از  
زلزله خرابی بهم رسانده بودند اقدام به آبادی آنها  
کرده محکم و مضبوط میازند و کوهها و سیعرا از سابق  
و بسیار بافضا و صفا شده است

و دیگر نوشته اند که باعستان جدید ریاد در جمیع  
بلوکات فارس احداث کرده اند حصه نما در مسجد  
بردی شیراز و سایر بلوکات در شهر که میوه  
ممتاز بعل آورده اند از آنجا که اشجار نهال نارنج در  
خانهای شهر شیراز و باعستان بعل آورده اند و  
نهال نارنج بسبب وفور بسیار ارزان شده است  
و همچنین در صفحه جات کرمیرات نیز نخلستان ریاد  
احداث کرده اند و روز بروز آبادی باعستان  
نخیلات ریاد ترمیشود و هم چنین قنوات جدید  
هم در هر بلوک و محله بقدر فراخ حال خود در آورده  
و در می آورند و قنات قدیم و جدید را هم تقویت فرمایند

۱۲۷۷



### استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند مقرب انخافان  
محمد ولینخان بیکری یکی در انتظام امر ولایت و تحصیل  
موجبات استواری رعیت و وصول و ایصال مالیات  
و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل دارد و هم چنین  
عالیجاه محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد و غیاب  
مقرب انخافان بیکری یکی با نظام امور شهر رسیدگی گتتام  
دارد

دیگر نوشته بودند که درین اوقات ده نفر از پیاده  
دزدمای شهور علی قول ترکان ببرداری سعد نام ببرد  
راه مرزدین اردو آمده بودند مقرب انخافان  
محمد ولینخان متحصر شده عالیجاه آفاخان کتول را  
با چند نفر سوار بر آنها فرستاده دزدان خود را  
بجنگل و نیز از انبوهی که مامن خود کرده بودند زده عالیجاه  
شارالیه با همسرانی که داشت پیاده شده و  
بجسجوی دزدان برآید و بودند با آنها رسیده سردار  
دستگیر و پنج نفر زخمی و یک نفر مقتول کرده بودند  
سردار مزبور را نیز مقرب انخافان بیکری یکی آوردند  
اظهار کرده بود که چهل نفر بعضی خود میدسم مرا حصص  
چون مردی مفدت پشه و از دزدان مشهور بیکری  
مصدر سفک دمار و شرارت شده بود مقرب انخافان  
بیکری یکی حکم کرد او را بدم توپ گذاشته آتش دادند

دیگر نوشته بودند که یکصد نفر سواره چار و ایتنا  
قدسگ رفته بودند فراوانان انجا خبردار شد

با جمعی پیاده ببرد راه آنها رفته با هم زد و خورد کرد  
یک نفر از اشرا مقتول و دوس نفر زخمی شده  
بیکری سب نیز از آنها بدست فراوانان افتاده باقی  
با کمال خدلان و خواری فراری شده نهمت کردند  
بودند

دیگر نوشته بودند که در ماه گذشته قریب شصت  
ترکان بکنار شهر استرآباد آمده بودند که دستبرد  
بزنند اتفاقا چهار نفر از رعایای قریه زنگی محمد که تا  
یک میدان مسافت دارد بسوار مار و برود بر خورده  
مشغول زد و خورد شده بودند قریب یک ساعت جنگ  
کرده و دو نفر از ترکانمان را تیر زده یک نفر از رعیت  
هم زخم کلوله برداشته از دانات حول و حوش رعایا  
خبردار شده با مد آمده بودند ترکانمان تا به  
بیاورد و الله کرده بودند که از دو نفر زخمی خودشان  
یکی را بدر برده فرار کرده بودند و یک نفر دیگر را  
سرموده سراور با استرآباد آورده بودند

مقرب انخافان محمد ولینخان از قراریکه نوشته اند هنوز  
در میان کولکان مشغول وصول مالیات بوده است و  
بعضی از او به جات مالیات خود را پرداخته اند بعضی  
بیکری که دور دست بوده اند در ادای مالیات تعلل و دفع  
میسند و از مقرب انخافان مشارالیه نیز آدم نیز عالیجاه  
محمد حسین خان کرد فرستاده بود که سواره کرد در رفته  
بارد و ملحق شود که با جمعی و استعداد بسوار و جات  
رفته مالیات آنها را وصول نماید

۱۲۷۸

### کرمان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اتهامات  
 امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران بزرگو  
 کمال امانت و انتظام در آن ولایت حاصل است و عموم  
 اعیان و مالی و رعایا و برابری در عین رفاه و آسودگی  
 و شکرگزاری میباشند داروغه و کدخدایان و سخطین  
 حسب احکام مراقب و مواظب نظم شهر و محلات هستند  
 و سرقت و شرارت از کسی ناشی و صادر نمیشود و چنین  
 طرق و شوارع و معابر بلده و بلوک در نهایت امانت  
 و عابرین و مسرودین با اطمینان و خاطر جمعی عبور و مرور

### نیماسینه

دیگر نوشته اند که چون بسبب خرابی که در قنات آنجا  
 از سیلاب بهم رسیده بود صاحبان قنات <sup>جنس</sup>  
 اجناس را بقیمت زیاد خریداری نموده بمصرف <sup>تنقیه</sup>  
 قنات می رسانند در ماه مبارک رمضان جنس کباب  
 شده و تغییر میسرسانده بود امیرالامراء العظام سردار  
 محض رعایت حال رعیت و حصول دعای خیر سجدات  
 اقدس بمایون شاهنشاهی حبشی که در انبار باغ گلشن  
 ارک و باغ نظر سجده خیره ارک موجود بود حکم کرد  
 بنجازه و علاف دادند و فرار شد که در رفع محصول  
 جنس را بعینه پس بدهند و باین سبب و فوری اجناس  
 و توسعه در امر معاش مردم بهم رسیده رفع تشویش

### خلق شد

دیگر نوشته اند که در ماه مبارک رمضان هوای کرمان  
 نسبت به ماهی دیگر بسیار خوب و با عدال بود و در

فی الجمله گرم بود و لکن شبها را باد خنک میوزید و مردم  
 در ایام صیام شبها در روزهای در مساجد و معاشرت  
 عبادت و تعزیه داری بوده اند و اوقات شبانه روز  
 بعد از طاعات و عبادات مصروف دعا گوئی وجود  
 فایض بحدود مایون شاهنشاهی میباشند

دیگر نوشته اند که سپید نوز محمد شاه و سید جمال شاه  
 قد ثامری که از جانب جناب سردار کمدل خان <sup>بعض</sup>  
 و پیشکش و نوشتجات بجهت اولیای دولت علیه آمده بود  
 در این اوقات و اندک کرمان شده اند چون از اجله  
 و از زمره اشرف قذما بودند امیرالامراء العظام سردار  
 نهایت احترام و هماننداری از آنها بعل آوردند چون  
 مالهای آنها قدری لاغر و مغلوک شده بود چندی  
 کرمان توقف نمودند که مالهای سواری آنها بحال آمده  
 روانه دارالخلافه مبارکه شوند که عرابین و پیشکشی  
 خود را از نظر اولیای دولت علیه بگذرانند

اموالی که چندی قبل ازین طایفه بلوچیه در راه لوت برده  
 بودند امیرالامراء العظام سردار قورخمرخان مهاجر <sup>مختل</sup>  
 کرده با یک نفر از صاحبان مال بیستان نزد عالیجا سردار  
 علیخان فرستاده بود عالیجا به شارالیه نیز پنج بار الاغی سال  
 کرمانی و سه ریس الاغ و دو ریس قاطر از ابراهیم خان <sup>مختل</sup>  
 مسترد کرده و مسجوب آدمی از خود بنزد امیرالامراء العظام  
 فرستاده و نوشته بود که این مال را بچنگ و نزاع پس گرفتیم  
 مابقی را نیز وصول کرده با اتفاق محصل صاحب مال جو هم فرستاد  
 سردار نیز بلطافه شال بسیار سنگین خلعت و پنجاه تومان نقد انعام  
 بفرستاده سردار علیخان داد و پرخص کرده بود

۱۴۷۹

### اجبار و اول خارجه

سختی کلوله تازه در شو برین اختراع کرده و مکرر آنرا تجر  
 نموده اند و آن بقسی است که کلوله سازنده پوندا  
 دو پوند و نیم بار و طمید و تیران دویست و هفتاد  
 کرد و رتر از کلولهای متعارفی میرود و در تفنگ و طباخچه  
 نیز این قاعده را مجرب کرده اند و در جنگها بسیار بکار  
 حوزو

ذیکر نوشته اند که در لذن پای تحت انگلیس تحت روانی  
 تازه اختراع نموده اند برای اشخاصی که در جنگها زخم  
 دوازده نفر زخم دار در آن جایگیر و موضع مسطح آن جای  
 ده نفر مجروح است که برای چهار نفر آنها هر کدام چهار پایه  
 در پیش رو او نیخته است که با ستراحت بتوانند در آن  
 سجا بند و شش نفر دیگر در میان تحت روان و در مرتبه  
 آن جایگیر میشوند و در جانب سفلی تحت روان صندلی  
 بسته اند که آلات و ادوات جراحی و دوا و اما و غیره در آن  
 گذاشته میشود و هرگاه آن صندوق را بیرون می کنند  
 مانند نیزه منتهی میگرد که عضو مجروحی را بر آن توان گذاشت  
 و برید یا بنجیه کرد و در زیر وسط آن تحت روان همایا  
 که چهل پنجاه کلن آب و پانزده یا بیست کلن شراب در آنها  
 میریزند و کلن و زن معمول آن ولایت است و این سجه است  
 که آب یا شراب هر چه برای بیمار آن و زخم دار آن لازم  
 باشد درهما سجا موجود و نمیداشته باشند و  
 سخته استر تجر نیز در آن است که زخم داران را در آنها  
 گذاشته تحت روان بیاورند و دیرک و کرباس نیز  
 در آن گذاشته اند که در وقت ضرورت در دو طرف

۱۴۸۰

تحت روان خیمه بزنند و زخم داران را در زیر آنها  
 معالجه نمایند و استر تجر را چنان ساخته اند که  
 هر یک خیمه جداگانه میگیرد و دیرک تحت روان را  
 بر آورده در وسط آن نشاندند که سقف خیمه فرو نیفتد  
 و این تحت روان را بطوری بسک ساخته اند که با  
 نفر زخم دار و آن همه اسباب لازمه دور پس اسباب  
 باسانی بیکند و این تحت روان را ساخته و بچشمور  
 پادشاه انگلیس و پرس البرط آورده بسیار بحسن  
 نموده بودند و مخترع آن مورد الثفات شد بود

ذیکر نوشته اند که از معدن طلا که تازه در مملکت روس  
 پیدا شده است در این اوقات دو کاری پر از طلا کی  
 روانه سنت بطر بورغ نموده بودند حال دو سته است  
 که این معدن پیدا شده است و این دفعه سیم است  
 که طلای آذربای تحت حمل و نقل کرده اند و از معدنی  
 که در کوه آرال پیدا شده است چهار پوند و ارقان  
 و محال آنجا نیز درین سال هجده هزار پوند که هر پوند  
 عبارت از شش سیر باشد طلا در آورده اند

و هم چنین در کلیفاری نیکی دنیا نیز نوشته اند که  
 سوای معاوونی که خد سال است پیدا شده و طلای  
 فراوان از آنجا حاصل کرده اند درین اوقات در  
 حوالی رود خانه کرن که از آن ولایت میگذرد معدن  
 طلا تازه پیدا کرده اند

عمارت بلور مانند آنکه در لذن پای تحت انگلیس بر پا  
 کرده بودند درین سال در پاریس پای تحت فرانسه

با اساس و زینت تمام برپا کرده اند و مردم بسیار از  
ولایت انگلیس و سایر دول تماشای عمارت مزبور  
رفته اند و از جمله نفایس و جواهر که آنها که در عمارت  
مزبور گذاشته اند الماس بسیار بزرگ شفاف بدار  
مشهور است و جنوب که مستر کاستر است مردم نام  
آزاد تراشیده و صاف نموده در عمارت بلور بجهت  
تماشا گذاشته است

دیکر نوشته اند که مارگیری مارهای خود را بیرون  
آورده بود و با آنها بازی میکرد درین بین یکی از  
مارها را بدور که خود حلقه کرده بود و مار چنان زور  
زده بود که سه دنده مارگیر را شکسته بود

دیکر نوشته اند که در ضلع مرآت مملکت برازیل نیز  
طلاتمازه پیدا شده و طلای فراوان از آنجا بدست  
می آید و مردم بسیار از هر ولایت بجهت در آوردن  
طلا با آنجا میروند

در آنجا زمیندوستان نوشته اند که از جانب فرنگ  
هندوستان حکم شده است که بر روی بعضی از  
راههای سکه و سکار پور در سر رودخانه و نهرها  
پلهای سنگی بسازند و بر او در اخراجات از آنجا  
چهار هزار و یکصد روپیه کرده اند و از قرار یک نوشته  
این پلهای بسیار بکار اهل ولایت خواهد خورد

در آنجا چین نوشته اند که در کانتان و بندر شنکائی  
اعتیبت تمام بود و سکنه آنجا در رفاه و آسودگی مشغول  
کسب و کار و داد و ستد خود بودند و اعتشاش باغبان  
از آنولایت بکلی رفع گردیده بود و لکن دزدان دریا

در اطراف آنجا بسیار بودند و شرارت و تاخت  
زیاد میکردند سر کرده کشتیهای انگلیس در آنجا چند  
کشتی با جمعیت و توب برای دفع دزدان مزبور فرستادند  
بازار تجارت در چین است بوده و رونق نداشته است

دیکر نوشته بودند که یک کشتی انگلیس موسوم بکوسن  
که حامل چهارصد و پنجاه طنو که هر طنو تخمیناً سه خردار برون  
تبریز است تماش و متاع چین از بندر شنکائی روان  
لندن بود چون شرعهای او را همه بالا کشیده بودند  
و سرعت تمام حرکت میکرد ناگاه بکوه خورده شکسته و  
عزق گردید

و هم چنین چهار دو دوی موسوم بهت که از سنکا پور  
هندوستان روانه مملکت استرالیایا شده بود در دریا  
عزق گردید و لکن کسانی که در او نشسته بودند ببلات  
پرون آمدند و کسی از آنها تلفت

دیکر نوشته اند که در بروسه که یکی از مالک عثمانیه است  
زلزلههای شدید پی در پی وقوع یافته و بار هم اغلب  
زلزله میشود و ضرر و خسارت بسیار بر عیایای آنجا  
رسیده و میرزا علیحضرت سلطان بقدر که  
تخواه با آنجا برسم انعام فرستاده است که صرف  
خوابیهای آنجا نموده و با شخصی که ضرر و خسارت رسیده  
به هند

همچنین در قسطنطنیه نیز نوشته اند که سه روز متواتر  
زلزله شد ولی معلوم نبود ازین زلزله خرابی بجا می  
یا ازت بکسی رسیده باشد

۱۴۸۱

براه چرخ آتشی بجهت فرستادن پیغام از شهر بشهر این  
 طو رین و نیز درین اوقات با تمام رسیده است و همه  
 پیغامها را در آنجا بزبان ایتالیایا میفرستند و لکن چون  
 زبان فرانسه بیش از زبان ایتالیایا در آنجا متداول است  
 اهل آنولایت سعی دارند که پیغامات را از راه مزبور بزبان  
 فرانسه جاری نمایند

در این وقت غله گران و نان کم یاب بود است از قراریکه  
 نوشته اند مزدور و عمه انواریت که کرسنه و بی بضاعت  
 بودند یکروز از دحام کرده بد کاکین جنابزی هجوم آوردند  
 و آنها را غارت کرده بودند

چون قرار کشیک بیان مستحقین که در بیستی شها و روزها  
 مشغول حفظ و حراست اسواق و محلات میباشد خصوصا  
 لشکریان هندوستان سابقا چنین بوده است که سیاه  
 شخصی را که میدیده اند صد میکرده اند اگر آن شخص حراست  
 نمیداده است مستحق با آلات حرب بضر او اقدام  
 میکرده است درین اوقات این قرار را میجو ایند و متروک  
 نمایند و بر لشکریان مستحقین قدغن شود که در ایام آفت  
 و عدم فتنه وقتا در بجهت عابرین دست سلاح حرب بند  
 مگر اینکه در دو حرامی بودن عابر مستحق محقق شود یا خط  
 در محل کشیک متصور بشود در آن صورت کشیکچی ماذون  
 باشد که دست با آلات حرب برد

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه می در سرانندیکه سیلان  
 نیز میماند طوفان شدیدی بارعد و برق بسیار شدت  
 شده بود و هم چنین در هفتم ماه مزبور در سالم طوفان شد  
 و مگرک بسیار هم باریده و در همان روز در او تگند او

بگلور طوفان شدیدی شده و رعد و برق بسیار ظاهر  
 گردیده بود

دیگر نوشته اند که یکی از دارالشفاهای شهر پاریس تشکر کرده  
 و هر چه اسباب و بیمار و زخما را که در او بوده است با لاله  
 سوخته و تلف گردیده است در ثانی نوشته بودند که  
 تلف شده است

و همچنین در طرا بزان نوشته بودند که پیش زد کی عظیم که  
 تبرکی یا نقون میگویند شده و بازار عطاران و قنادان  
 و قهوه خانها و چهار دکان جنابزی و یکباب مسجد بکلی سوخته  
 اما بکرک خانه اسپری نرسیده است

دیگر نوشته اند که صاحب مضبان انگلیس که درس  
 زبان هندوستانی و مرثه میخواند معلمین زبانها  
 مذکور آنها را امتحان کردند کمال مهارت در تکلم و  
 بهم رسانده بودند

اعلانات

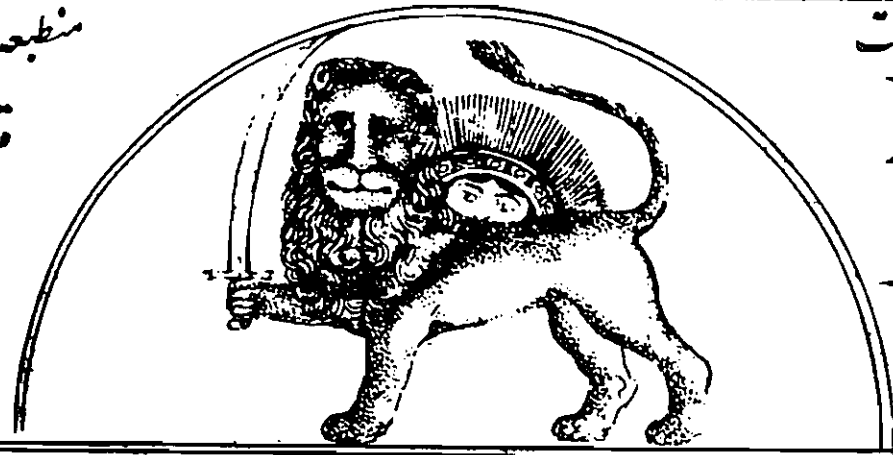
کتابهای چاپی دار اختلاف طهران که در کارخانه حاجی  
 با سده چی در محله نزدیکی دروازه دولا ب نطباع شده  
 از تیرا فرورخته میشود

- وسایل با فست یکجگده ده تومان
- ضمت نظامی دو تومان و چهار
- سرایر دو تومان
- زبدة المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان
- شاهنامه چهار تومان و نیم
- هدیقه الشیعه هشتاد

۱۲۸۲

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم شنبه دوم شهر ذیحجه الحرام بوق انون سنه ۱۲۷۱

مزه ویت و سر و هفت  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده هر



منطبعه دار الخلفه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پنج م

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاه

اردوی جمایون

سرکار عالی حضرت شاهنشاهی که در چهارم و پنجم ماه گذشته  
تشریف فرمای سیلان لاریشند از قراریکه نوشته اند  
در انجا بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته است  
سیلان مزبور در هوای خوش و چشمه های کوار از  
اغلب جایها امتیاز نام دارد بعضی از روزها  
شاهنشاهی بجهت شکار و تفریح اطراف سوار شده و از  
هر قسم شکار کوهی و غیره فرموده اند از قورخانه  
مبارک که حسب الامر اساس تشبازی باردوی جمایون  
برده بودند در شب یکشنبه بیت و یکم ماه ذیقعد  
اسباب تشبازی را در قفل کوه بهای بلند حده در  
اول شب بنای تشبازی از قفل مزبور و آغاز  
توب و زنبورک در دامنه کوه نموده اند چون اسباب  
تشبازی را در جایهای مرتفع تشبازی داده بودند  
از اغلب دوات لوانسان و شمیران پیدا بوده و

یکساعت امتداد داشته بسیار مطبوع و مستحسن خاطر  
ملوکانه افتاده بهمه قورخانه و زنبورکچی و صاحب  
که مشغول تشبازی بوده اند انعام رحمت شده است  
دیگر نوشته بودند از هر قسم آذوقه و مایحتاج علی التمام  
از اطراف باردوی جمایون می آورند و هر چیزی فراوان  
و ارزان است و بهمه ملزمین رکاب مبارک بسیار خوش  
میکرد

نظر بحسن اتمامات نواب مطاب شاهزاده و الایبار ام  
خانم میرزا حکمران بر وجود و عربستان و تختیاری و لر  
در انتظام امر ولایات ابوالجمعی خود و انجام خدمات  
دیوانی و ظهور مرآسم خاطر اقدس جمایون ستایش  
در باره نواب محسنی الیه درین اوقات یک نوب  
کلیجه ترمه از طبوس بدن مبارک برسم خلعت باطلعه  
زمان مبارک مبنی بر التفات از جانب سنی الجوان  
ملوکانه بجهتشان رحمت و بارشند

۱۴۸۳

نظم مراتب استعداد و شایستگی عالیجاه فتحعلی بیگ  
 نایب اجودان باشی درین اوقات حسب الاشارة  
 منصب سرمنکی فوج نسا بور باو مرحمت و بقلب خانگی  
 سرافراز گردیده فرمان مایون در باب منصب و لقب  
 او شرف صدور یافته بخلعت مهر طلعت شاهنشاهی مخلص  
 شد و درین روز ماهیبه و تدارک خود را دید و بسرفوج  
 مزبور خواهد رفت

و هم چنین عالیجاه کریم خان سرمنک قدیم فوج نصاری  
 در این اوقات حسب الاشارة العلیه بمنصب سرمنکی  
 ترشیزی سرافراز و فرمان مایون شرف صدور یافته  
 خلعت آفتاب طلعت باو مرحمت شده این روزها  
 و بسرفوج مزبور روانه است

نظر بحسن خدمات و لیاقت عالیجاه حاجی شکر الیک  
 یاور توپخانه مبارکه و آردلی باشی جناب جلالآب  
 اشرف امجد از فتح انجم صدر اعظم در این اوقات منصب  
 سرمنکی توپخانه مبارکه باو مرحمت و فرمان مهر لعلان  
 شرف صدور یافته در ازای منصب مزبور یک طاق شال  
 از جانب سنی بجانب لوکای خلعت باو عنایت

و اراخلاف طهران  
 عالیجامان سید نور محمد شاه و سید جمال شاه قدما  
 که از جانب جناب سردار کندل خان حکمران قندهار  
 با عرضیه و پیشکش بدربار مایون شاهنشاهی آمده بود  
 درین روزها و اراخلاف مبارکه که شدند و در روز  
 و روز شان حسب الحکم نواب سبطا شاهزاده و الا تاسا  
 اردشیر میرزا حکمران اراخلاف طهران و توابع عالیجاه

۱۴۸۴

میرزا زمان و میرزا رضای که خدا و زکیخان که خدا  
 با ابراهیم میرزای قدما ری آنها را استقبال نمود  
 بعد از ورود و دهم نواب مغزی الیه شیرینی بمنزل آنها  
 فرستاده لوازم اعزاز آنها را بعل آوردند

### سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان  
 نوشته اند و فورعت و فراوانی در آن ولایت حاصل  
 و امسال بجهت زراعت هر جای خراسان بهتر از  
 سالهای دیگر بعل آمده است ولی میوهجات سرد خنجر  
 از قراریکه نوشته اند سرما زده و تلف کرده است

دیگر نوشته اند که قشون متوقف خراسان از نظام  
 و سواره در کمال نظم و معقولیت و حسن سلوک حرکت  
 میکنند و خلاف حسابی از آنها نسبت بکسی ناشی و  
 نمیشود و افواج قاهره متوقف ارض افس هر روز  
 در میدان توپخانه مبارکه حاضر شده تا ساعت  
 از روز گذشته مشغول مشق میباشند و از جانب  
 صاحب مضبان نهایت اهتمام در مشق و انتظام  
 امر آنها بعل می آید امر قراول خانه های ارض افس  
 بسیار ضبط و منظم است و اگر بذرت سرقی  
 اتفاق بقصد سارق با تمام مستحقین و اولاد  
 بدست آمده بیه بزد اموال مسروبه مسترد و بوجه  
 تسلیم میشود

دیگر نوشته اند که نواب سبطا شاهزاده محترم و الا  
 فرمانفرما حکمران مملکت خراسان و مقرب الخاقان

در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی نوکرو عت  
 اتهامات کافی و مراقبات کامل بعمل می آورند کسیران  
 مباحثین و غیره کبسی جبرنت تعدی و قدرت زیاد  
 نیست و نهایت رفاه و فراغت برای رعایا و اهالی  
 آنجا حاصل است مقرب انخاقان و زیر نظام در  
 نظام امور سرکار فیض انارسی و کوشش زیاد  
 دیگر نوشته اند که روار زیاد از اطراف مالک  
 بزبانت روضه مبرکه رضویه می آیند چنانچه اغلب  
 اوقات دو سه هزار روار در ارض اقدس مستند  
 با وصف این بر حده کمال ارزانی و فراوانی است

### کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند  
 از حسن مراقبت امنای دولت علیه و اهتمام مقرب انخاقان  
 امان الله خان و الی امور آن ولایت از پریشانی  
 انتظام و کمال امنیت و وفور نعمت و رفاه حاصل است  
 غله و حبوبات هر جنسی فراوان و ارزان است  
 از قراریکه نوشته بودند از غره شهر شوال الی شتم  
 هواد رعایت اعتدال بود و از نهم تا یازدهم هر روز  
 حوالی عصر در هوا بجز سحر و کی و انقلاب همسرم سیده  
 شروع بارندگی نمود مگر که زیاد و باران شدید  
 آمد بطوریکه در تمامی رودخانهها آب زیاد شد  
 کرده و در کردستان سیلاب جاری گردیده و بعضی  
 از دوات که در کوه پایها و نزدیک رودخانهها بود  
 کما بیش خرابی رسیده بود و در هنگام سیل چند نفر

از مردوزن را نیز سیلاب غلبه و تلف کرده بود  
 از جمله در دیر مولی دو نفر دختر را آب برده بود  
 که یکی از آنها مفقود الاثر و از مرده و زنده او خبری  
 ظاهر نشد و یکی دیگر کیوش بد رحمت پیچیده و بند  
 شده بود که بعد از فروکش کردن سیلاب مرده  
 اورا با نظر باقیه بیرون آورده دفن کرده بودند  
 قریه سرنجانه هم یک نفر فالیزبان راز سرهان فالیز  
 آب سیل پیش کرده برده بود که از مرده و زنده او خبر  
 اثری ظاهر نشده است

دیگر نوشته اند که از ایلات جاف که هر ساله تعدی  
 و اجحاف بابل کردستان می شد امسال از اتهام  
 مقرب انخاقان و الی تعدیات آنها بکلی موقوف جمعی  
 از معتبرین آنها برسم گردی در نزد مقرب انخاقان  
 مشارالیه مستند و باین واسطه دست تطاول اشترار  
 اهل مزبور بکلی کوتاه گردیده و امانی کردستان این  
 مره در عین رفاه و آسودگی و شکر گذاری میباشند

دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه شوال در جوانرود باران  
 زیاد شده و کربلین را که داد و ستد عجمه اهل آنجا  
 از آن است بالمره شته و یاس کلی بجهت اهل آنجا از  
 حاصل کربلین روی داده است و در پاره نیز که از  
 مجال جوانرود است مگر که شدید آمده بوده است  
 که هر دانه آن بدبشتی گردونی بوده است اگر چه  
 چند ان طولی کشیده بود ولی در همین قلیس بدبشت  
 زباد با شجار و میوه جات آنجا زده و بسیاری از شاخهای درخت

۱۴۸۵



### سمنان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نهایت  
 نیت و ارزانی در آنجا حاصل است و عالیجاه <sup>ایجاب</sup> نایب  
 عالی و اهالی آنجا کمال حسن سلوک در رفتار را دارد  
 در عالی از هر جهت آسوده و شکر گذارند

دیگر نوشته اند که عالیجاه علیخان که با سواره ابو کجبچه  
 خود مامور خراسان بود در چهارم ماه شوال وارد  
 سمنان شد چون چادر بجهت آنها از دیوان اعلی حواله  
 بآنجا شده بود سه چهار روز بجهت گرفتن چادر با  
 توقف نموده و چادر را دریافت کرده روانه محل مأمور  
 شده اند در ایام توقف آنجا خلاف حسابی از آنها ستر  
 نزده است و موافق قاعده حرکت کرده اند مگر یک نفر  
 از سواره مزبور بدکان بقالی رفته بود انجیر بخرد قبل  
 خریدن چند دانه انجیر خورده بود بقال با او نزاع نمود  
 بنزد عالیجاه پشالیه رفته عارض شده بود او هم  
 آن سوار را خواسته و تنبیه مضبوطی کرده بود

دیگر نوشته اند که در سال قبل قدری اسباب از خانه  
 شخصی برفت رفته و آنچه تفحص کرده بودند سارق معلوم  
 شده بود درین اوقات جهت آن شخص را که از جمله  
 اسباب سر و قه بود در دست ابراسیم نام خاشاکرد  
 او دیده بودند او را بنزد نایب الحکومه بردند پشالیه  
 بزبان خوش و طمایت او را با قرار آورده آنچه از اسباب  
 سر و قه موجود بود بعینه مسترد کرده و آنچه فروخته بود  
 قیمت آنرا گرفته بجا بش تسلیم کرده بود

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان ابو الفتح خان سرتیپ

فوج شقاقی که با فوج خود مامور خدمت خراسان بود  
 در نهم ماه شوال وارد سمنان شده بود چون در روز  
 ورود دایره باران او قدری خجری منهای رعایا دست  
 شده بود صاحبان خرمها آمده عارض شدند شاربیه  
 نیز آن سرباز را خواسته تنبیه نموده و قراول بر سر  
 خرمها گذاشته بود که کسی از سربازان دست درازی  
 بجای عت نکند و همین در دو از دهم ماه مزبور  
 مقرب الخاقان پاشا خان سرتیپ افواج سمنان  
 و وانسان وارد آنجا شده و در روز ورود صاحب  
 خواسته و قدغن کرده بود که تا پانزدهم ماه مزبور  
 جمیع سربازان را از دوات حول و حوش و بلوکات  
 حاضر نمایند که روایه هر خراسان شوند روز دیگر  
 صاحب منصبان و سربازان خانه شهری یکی در  
 خارج شهر چادر زدند و سرباز دوات و بلوکات  
 هم معاقب و متوالی با آنها ملحق شده مقرب الخاقان  
 پاشا خان اتمام زیاده در نظم آنها نموده همه سربازان  
 و صاحب منصبان را خواسته و اقرار نام از آنها  
 گرفته بود که اگر احدی از آنها در منازل عرض راه  
 بمحصل و میوه رعیت دست درازی نماید یا بخلاف  
 حساب با احدی رفتار کند تنبیه نظامی شده صد  
 تومان جریمه بدد از منصب و نوکری معزول باشد  
 آنها نیز موافق الترامی که سپرده اند در کمال نظم  
 و بقاعده و قانون حرکت میکنند و از بیم جرم و  
 سیاست نظامی جرئت تعدی و حرکت خلاف حسابی  
 نسبت با احدی ندارند

۱۴۸۶

# کرمان

از قرار که در روزنامه کرمان نوشته اند زوار  
 بسیار از انولایت بزیارت مشهد مقدس رفته بود  
 درین اوقات باو طمان خود صحیحاً سالماً مراجعت کرد  
 نهایت شکر گذاری از اینت طرق و شوارع داشته اند  
 که کتربای می طریق کرمان بخراسان این قسم امن بود  
 که زوار و مترودین باین آسودگی و الطمینان بتوانند عبور  
 و مرور نمایند و مذکور میباشند که محض حصول این امت  
 که بجهت زوار فراغت و آسودگی میسرست در اوقات  
 توقف در ارض اقدس کل زوار همه روزه در روضه  
 مقدسه رضویه علیه الاف الثناء و التمجیه مشغول دست  
 بدعای وجود فایض اجمود اقدس بجا یون شامشاهی  
 بند میگردد و اندوخته حفظ و حراست زوار در راه لوت  
 امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان  
 پنجاه نفر تفنگچی مخصوصاً معین کرده است که زوار را از  
 منازل مخوف آنجا باطمینان و آسودگی عبور و مرور بکنند  
 و نیز از قراریکه نوشته اند زوار در مراجعت مذکور بود  
 بودند که در راه لوت حوضی بود که زوار از آنجا آب بر میدا  
 و آب آنجا منحصر بهمان حوض بود در این اوقات حوض  
 مزبور خراب و پراز خاک و گل و خالی از آب است و بجهت  
 زوار و عابرین ازین حمله عسرت حاصل است امیر الامراء  
 سردار بعض استحضار آدمی بخصوص مأمور و ببلوک راه  
 وجه مخارج حوض مزبور را بر آه کرده قرار داد که مقنی و عظم  
 و چادر و سایر ملزومات آنچه در کار باشد با آنجا برده  
 حوض مزبور را پاک و تعمیر کرده بر آب نمایند که عابرین

ازین بابت نیز آسود و خاطر باشد

دیگر نوشته بودند که فوج خلیج ابو اجمعی عالیجاه مغرب  
 شیخی خان سرنیپ با سواره چهار دولی که مامور مست  
 کرمان بودند در این اوقات وارد آنجا شده اند و عا  
 رستم خان سرنیپ در دوازدهای شده و ارک را که تبار  
 فوج او بر قرار بود ب فوج خلیج سپرده خود با فوج فراقوزلو  
 در خارج شهر نقل مکان کرده چون قدری از سر بار  
 او نیز در ارک بم ساخلو بودند دعوض آنها نیز از فوج  
 خلیج مشخص شده و روانه گردیدند که پس از وصول آنها  
 بارک بم بقیه فوج عالیجاه رستم خان از آنجا بکرمان  
 آمده با ولحق شوند که بدار اختلاف مبارک که روانه گرد

دیگر نوشته اند که امالی بلوکات از رویه و اسفند قه  
 بعض سردار رسانند که محصول آنها از نیک زده  
 و بخی صنایع و تلف کرده است و ضرر فاحش با آن  
 آنجا رسیده است بطوریکه بقدر بذ آئینه محصول  
 ندارند عالیجاه محمد علیخان و چند نفر مقصدی و مینر کرمان  
 حسب الامر رسیدگی این مراتب مأمور شده و قند  
 رسیدگی کردند فی الحقیقه ضرر زیاد ازین حمله بلوکا  
 مزبوره رسیده بود بعضی از اهل آنجا که بی بصاعت  
 بودند و قوه زراعت نداشتند امیر الامراء العظام  
 از خود بیدر و غیره آنها را مساعدت کرده و در آن  
 نموده بود که از کار عمیستی و زراعت خود بازمانند  
 و مالیات بلوکات مزبور را علی احباب موقوف احوال  
 داشته است تا بعض اولیای دولت قاهرین را بجمعی و حق

۱۴۸۷

آنها بزدل شود

دیگر از فراری که تسخیر جناس کرمان را نوشته بود

در ماه گذشته از این قرار بوده است

کندم یکچوار سه تومان و نیم

جو یکچوار دو تومان

ارزن یکچوار هفتصد هزار پانصد

برنج چپای از زونی یک من یکصد و سی

برنج چپای فارسی یک من هشتصد و بیست

برنج سیسی یک من هفتصد و بیست

برنج شهری یک من ده شاهی

روغن یک من دو ریال

گوشت یک من هشتصد و بیست

کشک یک من هشتصد و بیست

شیره یک من هزار و بیست

قداریسی یک من هشتصد

قد بزوی یک من ششصد

نبات یک من ششصد

شکر یک من چهار هزار

سایر جناس ماکولات و غیره آنجا نیز بهین

منه بوده است

دیگر نوشته بودند که خلعت مهر طلعت ما بون که از جانب

سنی اسجوانب ملوکانه بجهت امیر الامراء العظام محمد خان

سردار حکمران یزد و کرمان مرحمت شده بود در

چهارم ماه شوال بانجا بر تو وصول افکنند معرب آنجا

مشاریه با تفاق جمعی از خود این دستوفیان داعظم

واعیان خلعت همایون را استقبال نموده لوازم

توقیر و احترام را بعل آورده اند و در باغ خارج شهر

زیب پیکر مفاخرت و مباحث خود کرده اما علی و امان

رسوم مبارک با دلیل آورده صرف شربت شیرینی

نموده بشهر مراحت کرده اند

دیگر نوشته اند که در باب اخذ منال دیوانی بلوکات

کرمان امیر الامراء العظام سردار در هر حال رفاه و

اسودگی رعایا را منظور دارد و از جمله در بعضی بلوکات

همان که خداورش سفید انجارا خواسته و قرار داده

که بدون مطالبه و مزاحمت محصل مالیات خود را از

قرار قسط آورده تحویل بدهند و بعضی از بلوکات سرحد

و دور دست را که بدون ضابطه نمی شود ضابطه این

درست رفتار معین و مامور نموده است که بحسن سلوک

رعایا را از خود راضی داشته باشد و مراقب باشد

که کسی زیاده تری و اجحاف بدگیری ننماید و همچنین کسانی که

در سال گذشته ضابطه بلوکا بوده و بار رعایا حسن سلوک

و رفتار سلوک داشته و رعیت آن بلوک از او راضی

بوده اند و در همه اینها نیز همان ضابطه را بار همان

بلوک مامور نموده است و هر یک از ضابطه که در سال

گذشته بر رعیت زیاده تری و اجحافی کرده بوده است

مقرر داشته است و در قرقخانه عالیجاه میرزا شفیع

و مستوفیان کرمان رسیدگی کرده اند هر چه زیاده

کرده بوده است محصل گذاشته حکما از آن ضابطه

بر رعیت تسلیم و او را از عمل خود معذور کرده است رعایا از آن

زیاده تری شک کرده و عا کوی دولت جاویدت علیه پشیمان

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور ۱۲۷۱

منبعه دارالخلافه طهران

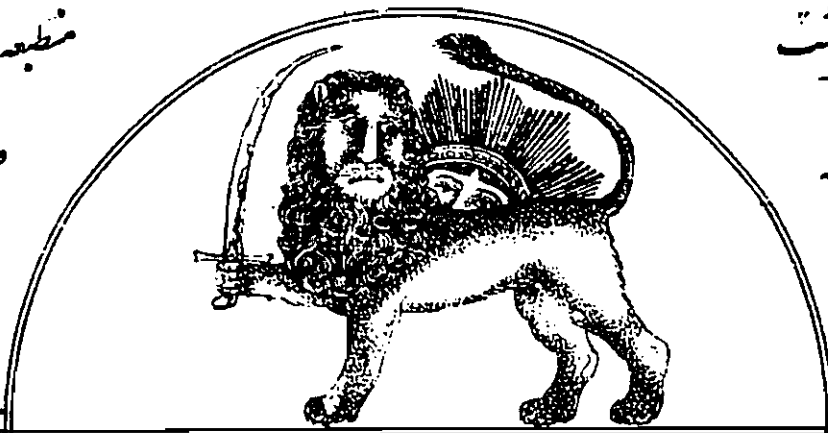
نزدیک بر وقت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پنجاه

هر نسخه ده



## اخبار واحسنه ممالک محروسه پادشاهی

### اردوی بهایون

برکاب حضرت آفتاب معاودت نمودند از فرار که حضرت

اعلیحضرت اقدس شاهی از آن محل سباق لاری  
که تشریف داشتند در روز ۲۲ ماه گذشته  
حرکت نسبت پانین رودخانه لاریجیل موسوم به بستک  
فرموده دوسه روز در آنجا تشریف داشتند  
باران شدید و تگرگ زیاد در شب ببت پنجم  
آمد بطوریکه سبیل از رودخانها و بعضی جا بهای  
دیگر جاری کردید از آنجا موکب بهایون بقریه پیچ  
بجناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم تشریف فرما  
گردیده لوازم پای انداز و قربانی و پیشکش از جناب  
متعلقان جناب معظم لعین آمد چون خود جناب امجد ارفع  
و جناب نظام الملک بر حسب اذن و اجازت اعلیحضرت  
شاهی بجهت رسیدگی امور ولایتی و دیدن متعلقان  
اهل ولایت از سبلاق لاریجیل روزمخص شده بودند  
رفته بودند در روز تشریف فرمائی موکب بهایون پیچ

از اردوی بهایون رسید بجهت خوبی و صفای آنچه عید  
اصحی را اعلیحضرت شاهی در آنجا تشریف داشتند  
و سلام عید در آنجا می شود و مقرر فرموده اند که اهل اسلام  
و اصحاب طرب و غیره بطوریکه سال گذشته در دادگاه  
حاضر شده بودند امسال در فریاد آنچه شرفیاب شوند

چون جناب جلالت آفتاب موسیو بوره وزیر مختار و  
الهی محض و دولت قرآن از روز و روز بدیدار  
دولت علیه ایران بکمال معقولیت و حسن رفتار  
مبارک اعلیحضرت اقدس شاهی را از خود شنیدند  
راضی ساخته در انعقاد عهدنامه دوستی و تجارتی  
بنامین ولتین دیشوکتین ایران در سه نهایت تمام  
بعین آرد دهند اعلیحضرت اقدس بهایون شاهی  
محض ظهور مکرمت خاصه در حق جناب سزای الهیه و بجهت

۱۴۸۹

تشیه بنانی اتحاد دوستی دولتین یک قطعه نشان  
 مکمل بالماسس و شج بتمال مهرشال هاپون و جمل  
 آئی مخصوص و رجه و سره نشان مبارک که از اعظم  
 اجل نشانهای این دولت است بافتجا جناب مغزی  
 مرحمت و دو قطعه نشان شیر و خورشید یکی از مرتبه  
 دویم و ستاره دار بافتجا عالیجاه فحامت سراه  
 کنت دو کبیو و دیگری از مرتبه دویم بدو ستاره  
 بافتجا عالیجاه مجد سراه موسیو نیکو لا تمهرم  
 اول سفارت عنایت گردید و نشانهای مبارک  
 روز چهارشنبه غزه ماه ذیحجه الحرام که عید تولد  
 امپراطور فرانس بود بصحابت عالیجاه میرزا ملکهم  
 و مترجم مخصوص دولت علیه ابلاغ شد که این کمر  
 دلیلی واضح بر اتحاد دولتین و استحکام روابط  
 دوستی جانین بوده با و جناب وزیر مختار شمال  
 همرشال هاپون و صاحب مصبان مشارالیه نمایان  
 مبارک را در کمال توقیر و احترام در روز مزبور  
 که عید مولودا علیحضرت امپراطور فرانس بود رینب  
 پیکر مفاخرت خود ساخته احسن نیت و مراتب  
 یکجستی اولیای این دولت نهایت امان را  
 حاصل نمودند

چون عالیجاه مقرب انخاقان عباسعلینجان باد کوبه  
 میر پنج مدت هفت سال است که در رکاب هاپون  
 مشغول خدمت و جان نثاری بود درین روزها او را  
 از رکاب ظفر انساب برخص و مامور آذربایجان گردید که  
 رفقه فوج امیریه را بصواب مقرب انخاقان قایم مقام

۱۲۹۰

گرفته برکاب مبارک بیارود و بجهت ظهور رحمت ملوکانه  
 یک قبضه شمشیر کل مرصع بشار الیه التفات شد که  
 سبب مزید مفاخرت او شده بکمال خوشدلی مشغول  
 انجام خدمت محوله بخود باشد

و نیز نظر بطور مرحمت ملوکانه در حق مقرب انخاقان  
 و ملاحظه شایستگی و لیاقت عالیجاه بقیه انخاقان  
 ابراهیم خان سپهسالار و منصب سر بنکی فوج جدید  
 امیریه را عالیجاه ابراهیمخان رحمت و بکمال شوال  
 کرمانی خوشم با خلعت عنایت گردید

دار انخلاقه طهران

امورات دار انخلاقه مبارک که به جهت قرین انتظام و با  
 سجد الله نهایت ارزانی دفر او انی است و بهر خبری  
 کمال و فوراً دارد در شب پنجشنبه بیت و پنجم ماه که  
 در شهر دار انخلاقه نیز باران شدید آید لیکن  
 خرابی بجائی و اذیت بکسی نرسید و بالفعل هوا کی  
 دار انخلاقه کمال خوبی و اعتدال را دارد نواب  
 شاهزاده والا تبار را در شیر میرزا حکمران دار انخلاقه  
 طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی در دربار هاپون  
 و مقرب انخاقان میرزا زمان امیر دیوانخانه مبارک که در  
 اتاقی نایب الصدر و عباس خان وکیل دیوانخانه و  
 میرزا عبد الرحیم مثنی باشی در دیوانخانه مبارک که  
 محمد خان بیکر بیکی میرنجه و اغلب صاحب مصبان  
 نظام در عمارت باغ جناب شهرت امجد ارفع هم  
 صدر اعظم و مقرب انخاقان میرزا رحیم محصل کل محاسبات  
 و مستوفیان عظام در عمارت مزبور هر یک مشغول

انجام خدمات محوله بخود میباشند و همه روزه  
 عموم صاحب منصبان نظام بمنزل مقرب انخافان  
 محمد خان بیکر بسگی و میر پنجه جمع شده هرامی که  
 داشته باشند اظهار کرده صورت انجام داد  
 میشود و امور نظامی در کمال نظم و قاعده است  
 و خلا فی اهل نظام نسبت بکسی سر نمیزند و اگر  
 بندرت از یکی خلا فی ظاهر شود تا آن ساعت  
 در جلو اطاق نظام تلبیه نظامی میشود

چون سخته گرمی هوا چندی مشق توپچیان و زنبور  
 و افواج قاهره متوقف دارانخلا فیه مبارکه که حسب  
 موقوف شده بود این روز که شدت گرمی  
 یافته و هوا اعتدال بهم رسانده و خوب شده  
 ارز و زب شنبه سلخ شهر ذی قعدة الحرام نیای  
 مشق گذاشته شده افواج قاهره از طلوع آفتاب  
 تا دو ساعت ارز و زبالا آمده همه روزه و میدا  
 مشق حاضر گشته مشق مینمایند

و هم چنین معین و متعلمین دار الفنون همه روزه در  
 و تعلم قواعد لفظیه از حربیه و طب و غیره کمال سعی  
 و اهتمام را بعمل می آورند  
 در یوم چهارشنبه غزه اینماه که روز عید تولد  
 امپراطور فرانسه و در چهار روز جناب جلالت تاب  
 موسیو بوره در زیر مختار و ایلمی مخصوص دولت  
 بهیته فرانسه و صاحب منصبان نشانی حرمی  
 اعلیحضرت شانشاهی را آویزه بیکر مفاخرت خود  
 کرده بودند عالیجاه محمد حسن خان نایب شکیک آقا

باشی از جانب نواب مستطاب شاه هزاره اعظم  
 و لعیبه دولت ابدار و مجموعه شیرینی و عالیجاه  
 محمود خان کلانتر از جانب نواب مستطاب شاه  
 والا تبار در شیر میرزا حکمران دارانخلا فیه طور ان  
 و توابع پنج مجموعه شیرینی بقیره رستم آباد که منزل  
 جناب مغزی الیه و صاحب منصبان سفارت  
 بود برده لوازم تهیت و مبارکباد را بعین آوردند  
 و جناب مغزی الیه نیز کمال معقولیت و اطمینان را

معمول داشتند

چون عالیجاه زبده الا کا بر ایچیه خواجه الله پیردی  
 ارمنی مراتب امانت و صداقت و درست کاری  
 خود را مشهور و ملحوظ او لیای دولت قاهره ساخته بود  
 درین اوقات حسب الاشاره العلیه بمنصب ناظر  
 تجارت ارمنیه آذربایجان تبعه این دولت علیه سرافراز  
 و در ازای منصب مزبور خلعت مهر طلعت تا یون نیز عالیجاه  
 مشار الیه مرحمت کردید که از روی کمال امانت و کفایت مأمور  
 محاسبات و داد و ستد تجارت مزبور رسیدگی نماید

چند نفر از رها بای سید اسفان قرظین مدبر بارها یون عالی  
 شده بودند که برادر ما را در حمله کشته اند و نسبت قتل بر  
 عالیجاه میرزا عبد الجواد شیخ الاسلام ابرود داده بودند  
 انسانی دولت علیه محصلی از دیوانخانه مبارکه معین و تعلیقه  
 بعهده مقرب انخافان حاجی حسنعلی خان پیشکار قرظین صادر  
 شده چهار نفر قاتلین را گرفته مدارانخلا فیه فرستاد معلوم  
 که دغلی بجای شیخ الاسلام کسان نوشته مقرب انخافان سزای  
 ابرود دیوانخانه آنها را داده در نظام مجوس کرده اند تا محکمان  
 شود

۱۴۹۱

# سایر ولایات فارس

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نوشتند  
 مؤید الدوله پهلوی میرزا حکمران مملکت فارس در نظام  
 امر ولایت و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت و  
 مواظبت را بعمل می آورند و روزی یک ساعت از روز  
 بالا آمده الی یک ساعت از ظهر گذشته در دیوانها نشسته  
 بعبایض و مطالب مردم رسیدگی می نمایند و در فاقه  
 حال عموم اهل ولایت و اسودگی رعیت نهایت وقت  
 بعمل می آورند و همچنین در انتظام امر طرق و شوارع  
 و تعیین مستحفظ و قراسوران قدغن اکیده نموده اند  
 که اسودگی و اطمینان بجهت عایرین و سردین حاصل باشد

دیگر نوشته اند که سرفت در شهر شیراز نسبت سابق  
 بسیار کم شده است و درین اوقات دو نفر سارق  
 دستگیر شده بودند بعضی نواب شاهزاده مؤید الدوله  
 رسیده حسب احکام سیاست شدند و بواسطه  
 اتهام نواب معززی الیه در قلع و قمع سارقین اگر چه  
 در زدی باشد سرزاده به حمل کشیده جزوت سرفت  
 ندارد

دیگر نوشته اند که در شب هجدهم ماه شوال  
 چهار ساعت و نیم از شب گذشته زلزله شدیدی  
 در شهر شیراز شده لی بجهت الله استی بکسی و خرابی  
 بجائی نرسید

دیگر نوشته اند که حاجی محمد علی نام مشرف فوج اصعبان

بد فرخان مبارکه آمده برات یکا به سیورسات ایام  
 شوال المکرم فوج اصفهانی را که از دفترخانه مبارکه  
 صادر نموده بود دست و پاهای او را و اظهار کرد که درین  
 در هر روزی دو اوزه من علق و پست من جیره علاوه بر  
 سیورسات فوج قلندار شده چنانچه عالیجناب  
 محمد ابراهیم خان سر تپ مطلع شود در مقام مواظبت  
 و تنبیه بر می آید مستوفیان نیز زیاده جیره و علق را  
 از برات مذکور بر گردانده و مشارالیه را بسبب  
 قلمی تخمین کرده بود

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا  
 در انتظام امر لارستان و بندر عباس کمال سعی  
 اهتمام را دارند عالیجنابان رضاقلینجان سر تپ فوج  
 عرب و مصطفی خان بسکی و باقرخان تنگستانی هر یک  
 با جمعیت خود مشغول نظم امور صفحات بندر عباس  
 میباشند و در مراسم ساحلوی و حفظ و حرمت  
 باوصف شدت کرمای آن صفحات کمال اهتمام را  
 دارند

مقرب انخافان عبداللہ خان صارم الدوله باصفهان  
 ابواب جمعیتی خود در دارالبحر و توقف دارد بعد از جهت  
 از بندر عباس اغلب سر باز و اهل اردوی مشارالیه  
 مریض بوده و بعضی هم تلف شده بوده اند بعد  
 ناخوشی از میان اردو رفع شده بوده است در  
 ثانی باز ناخوشی در میان آنها بهر سیده و بقدر  
 پنجاه شصت نفر تلف شده اند ولی از فراریکه نوشته  
 بودند مقرب انخافان رالیه سلک جمعیت خود در کمال نظام دارد

۱۲۹۲

آذربایجان

افترار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند  
از اتهامات نواب سطاتش برزاده و الانبار نصره الله  
و مقرب الخاقان قایم مقام امور آنجا از هر جهت در  
انتظام و انضباط است و نوکر و رعیت مرز و محال  
هر کس مشول شغل و کار خود میباشند و خلاف حسابی  
از کسی ناشی و صادر نمیشود

مقرب الخاقان قایم مقام افواج قاهره و سواره و پونگی  
متوقف آذربایجان را بجهت دیدن سان و تعیین زیاد  
و نقصان و رسیدن سایر اعمال ایشان به تبریز  
موده بود

سواره شاطرا الموا حضار تبریز شد و مقرب الخاقان  
قایم مقام سان آنها را دیده و آنچه اسب بدو داشته  
عوض نموده و اع کرده اند و در دهم سوال روانه  
خلخال گردیده اند که چند روزی در آنجا توقف کرد  
بعد از پرداختن مستجاب شش ماهه روانه در با  
هایون شوند

فوج جدید مراند ابو الجحی مقرب الخاقان حسین باشا خان  
میر بیچ در مرحد خوی ساخلو بودند چون فوج ماکونی  
مرخص خانه بودند و نصف فوج نهم ابو الجحی عالیجاه  
ابراسیم آقا میث در خوی مستند بودن فوج مراغه  
در آنجا لرغومی نه است لهذا آنها به تبریز احضار شد  
بعد از دادن سان مرخص خانه گردیدند چون عالیجاه  
اسکندر خان سرشک فوج مرزور در انتظام امر فوج  
اتهام کرده بود و مقرب الخاقان قایم مقام از جانب

اولیای دولت علیه یکتوب کلجی با و خلعت داده  
بمراه فوج مرزور مرخص خانه گردید

فوج اردبیل و مشکین ابو الجحی عالیجاه حسنعلی خان  
به تبریز آمدند و بان آنها رسیدگی شده جدید  
و بمصرف در میان آنها بسیار بود و اشخاصی که بجا  
خدمت نمی آمدند دبی پا بودند مقرب الخاقان قایم مقام  
انهارا اخراج کرده و قدغن نمود که جوانان خوب و پاد  
و او طلب بگیرند و چندی در تبریز بود و مشغول مشق  
باشند معلن نظام حسب الامر در میدان سربازخانه  
مشغول مشق دادن آنها باشند

تو پیمان آذربایجان که متوقف خانه بودند بطایفه  
بطایفه از هر ولایتی که بودند به تبریز احضار شده  
بان آنها نیز بدقت رسیدگی شد در میان آنها  
هر چه بمصرف بود اخراج شد و آنچه با امور بودند بعد از  
سان مرخص خانهای خود گردیدند که رفته مواجب  
سه ماهه محلی را بپردازند بعد به تبریز آمده در اطلاق  
نظام مواجب سه مائنه مانی را نیز نقد دریافت کردند  
روانه در بارهایون شوند

فوج مخبران شقاقی ابو الجحی عالیجاه قاسم خان سیر  
که فراول در ب خانه بودند سان دادند و بسیار  
اراسته و بالظلم بودند مقرب الخاقان قایم مقام  
انهارا نیز مرخص خانه کرده فوج مهاباد و ان ابو الجحی عالیجاه  
آقا جان خان سرتب را که مدتی بود در مرخص خانه بودند  
مشق معاف بودند بقراولی در ب خانه معین نمود که  
مشغول امر عراولی باشند

۱۴۹۳



سواره فراچورگوا ابو اجمعی مقرب الخاقان جعفر قلخان  
 میریچ و سواره جمعی عالیجاه جواد خان نیرسان  
 مقرب الخاقان قایم مقام از هر که ام پنجاه سوار در  
 حوالی شهر قرا سوران تعیین نمود که این یکصد سوار  
 از قافلان کوه تا خلعت پوشان همیشه در گردش  
 بوده مشغول حراست باشند  
 فوج دهم خوی ابو اجمعی عالیجاه نجفعلی خان بنک  
 که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره احضار  
 بپایون شده بودند هنگام رسیدن حکم مزبور خود  
 عالیجاه نجفعلی خان در تبریز حضور داشته است  
 مقرب الخاقان قایم مقام حکم نوشت که موجب  
 سه ماهه محلی فوج مزبور از محل خودشان برداشته  
 و بمشراق الیه قدغن آید درین باب نمود که بزودی  
 سه ماهه محلی آنها را عاید ساخته فوج را بر داشته  
 به تبریز بیاورد که سه ماهه ثانی را نیز در اطراف  
 وجه نقد دریافت کرده روانه دربار جهاندار  
 شوند و بعالیجاه نجفعلی خان نیز تهنیت تمام از نظم  
 فوج مقرب الخاقان قایم مقام از جانب اولیای  
 دولت علیه یکتوی کلجی تر خلعت داده بود  
 فوج شقایق ابو اجمعی عالیجاه رحمت الله خان بنک  
 که حسب الامر مأمور گردستان بودند مقرب الخاقان  
 قایم مقام در اوقات غزیت در بارهای یون عرض  
 راه از منزل میانج حکم داده بود که موجب سه  
 محلی فوج مزبور را بر دازند این اوقات که حکم فتن  
 فوج بتاکید رسید چهار دسته از فوج مزبور بجهت

۱۲۹۴

قراولی در تبریز بودند در اطاق نظام موجب سه  
 آنها را وجه نقد داده و بجهت شش دسته دیگر موجب  
 سه ماهه ثانی را وجه نقد مسرا به یک نفر میرزا با  
 مشرف همان فوج روانه نمود چون اگر فوج مزبور  
 به تبریز آمده از آنجا روانه گردستان می شدند  
 طول می کشید قرار دادند در میانج وجه سه ماهه را  
 با آنها داده روانه گردستان نمایند در سیزدهم  
 ذی قعدة تنخواه فوج مزبور را فرستادند  
 و همچنین فوج خلخال ابو اجمعی عالیجاه علی اکبر خان بنک  
 که تا مور خدمت میباشند مقرب الخاقان قایم مقام  
 مؤکداً نوشته است که موجب سه ماهه محلی آنها  
 از محل پرداخته و وجه سه ماهه سینه ماضیه فوج مزبور  
 نیز که وصول شده باستحضار عالیجاه اسمعیل خان  
 سر بنک توپخانه نایب الحکومه خلخال و میرزا نصر الله  
 محرر لیسر بازان عاید دارند که حالت معطلی در مأموریت  
 فوج مزبور نباشد  
 سواره فشار ابو اجمعی عالیجاه زمان خان در دهم  
 ذی قعدة وارد تبریز شده اند مقرب الخاقان  
 قایم مقام در بالای باغ شمال بان آنها بدقت  
 رسیدگی نموده جمیع اسبان آنها را ملاحظه نموده  
 هر کدام بدو دند عوض نموده و داغ کرد و نهایت  
 دقت در راستگی سواره مزبوره نموده در پارک  
 مرض شدند  
 سواره جواد خان و محمود خان چلبیانو نیز درین  
 وارد تبریز شده اند بواسطه آنجا بوده است

فوج ششم تبریزی ابوالنجمی عالیجا محمد باقر خان  
 سرمنگ نیز در این اوقات وارد تبریز گردیده است  
 و بنا بوده است که سان آنها دیده شود  
 است  
 افواجی را که مقرب انخاقان قایم مقام سان  
 یک نفر پیر و پمصرف در میان آنها یافت نشود  
 ازین قبیل بوده اند اخراج کرده و آنچه کسر انواج  
 بوده است قدغن اکیده است که سرناز خوب  
 و او طلب بکیرند و از جمیع صاحب منصبان و  
 و سر و سته کان التزام گرفته شده است که اگر  
 یک نفر هم زده و شریر در میان فوج و دسته بهم  
 برسد خود صاحب منصب انضیب معزول باشد  
 حکام جزو آذربایجان که در تبریز بوده اند معزول  
 قایم مقام محض فرار عمل و زود راه انداختن آنها چند  
 روز در باغ مرحوم نجفعلی خان بیکر سبکی رفته است  
 که فرار کار آنها را داده روانه کند  
 دیگر نوشته بودند که یک نفر بنده دوزخ او را محله بیرون  
 شهر شب کشته بودند و آورده بخندق انداخته چند نفر  
 در آن حوالی آب پمده اندنشی در خندق دیده بود  
 خون او را برداشته سجانه کلاه دوزی رسانده  
 که خدای آن محله را خبر کرده بودند که خدا او را فرستاد  
 همان کلاه دوز را باقیه خون او گرفته نزد مقرب انخاقان  
 قایم مقام آوردند مشارالیه منکرش گفته بود که  
 مرد با بر او من که امر است ربطی داشت بر خود هموار  
 نکردم و او را کشته بکیم نواب مستطاب شاهزاده

والا تبار نصره الدوله اور بقصاص رسانند  
 دیگر نوشته اند که اسال زو از بیشتر از سالهای  
 دیگر از تبریز و سایر ولایات آذربایجان بعبادت  
 عالیجات میروند و درین اوقات فوج فوج روانه  
 میباشند  
 دیگر نوشته اند که در اوایل ماه ذی قعد هجری نام  
 طبال فوج خاصه ابوطالب نامی را که چند سال قبل  
 برادر او را کشته بود با خنجر زده بقتل رسانده  
 و رفته و رسید خمر لبشین است  
 قزوین  
 از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند بجهت  
 کمال امانت و ارزانی در این ولایت حاکم است  
 و نواب مستطاب شاهزاده و الایا عبدالصمد  
 و مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان در انتظام امور ولایت  
 و رفاه حال رعیت اتهام کامل دارند و عموم المایلی  
 آن ولایت در عین فراغت و آسودگی بدعا کوفی دان  
 اقدس هایون شایشی اقدام دارند  
 از شهر و محلات نظم عام دارد که خدا بان و مستخفین  
 حسب الامر مراقب و مواظب اند که سرقت و خلاف  
 حسابی اتفاق نیفتد و همچنین مستخفین و قرا سوارها  
 سیخط و حراست طرق و شوارع مشغول اند و عابری  
 با کمال آسودگی عبور و مرور مینمایند در ماه شوال  
 هوای قزوین شدت گرم شده بوده است ولی  
 از غزه ذی قعد که با دشتالی برخواست است بجز  
 حوب و خشک گردیده است

۱۲۹۵

# گرس

از قرار یک از این ولایت نوشته اند کمال اینست و دوفور  
 نعمت در اینجا حاصل است با این که اسان بجهت نیاید  
 باران در پائیز و بهار زراعت درستی شده بود و  
 سالهای دیگر غله کم است باز کدم خرواری هفت هزار  
 و شت هزار دوفور دارد از این قرار است  
**تعمیر اجناس دار احکام و طهران**  
 کدم ساوجبلاغی سیحور بیت و دوهزار و پانصد  
 کدم زرندهی کبخوار بیت و هزار  
 کدم دور شهر کبخوار بیت و یک هزار  
 کدم ورامینی کبخوار دو تومان  
 جو کبخوار دوازده هزار و پنجاه  
 کاه کبخوار چهار هزار و نود و شش  
 باقلا کبخوار دو تومان  
 لوبیا کبخوار سه تومان و دویست  
 ماش کبخوار سه تومان و چهارصد  
 نخودرسی کبخوار سه تومان و چهارصد  
 ارزن کبخوار دو تومان  
 نان کبخوار بیت و چهار هزار  
 شیر شهد چهار من دوهزار و شصت  
 کنگ چهار من شش عباسی  
 خرما چهار من سه هزار و یکجای  
 کشمش طعام چهار من چهار هزار  
 خربزه چهل من پنجاه هزار  
 هندوانه چهل من سه هزار و پانصد

۱۰۰۰	دو هزار	اکتور	بیت من
۱۰۰	یک هزار دینار	گوشت	یک من
۱۰۰۰	دو هزار و یکجای	برنج	چهار من
۱۰۰۰	یازده هزار پانصد	روغن	چهار من
۱۰۰۰	دو هزار و یکجای	شعیر	یک من
۱۰۰۰	هشت هزار	پسته	چهار من
۱۰۰۰	شش عباسی	ماست	چهار من
۱۰۰۰	پنجاه هزار	پیرشوز	چهار من
۱۰۰۰	دو تومان	پل	یک من
۱۰۰۰	شش هزار	میجک	یک من
۱۰۰۰	نه هزار	دارچین	یک من
۱۰۰۰	پنجاه هزار	فلفل	یک من
۱۰۰۰	سه هزار و شصت	زیره	یک من
۱۰۰۰	دو هزار	زرشک	یک من
۱۰۰۰	پانزده هزار	زعفران	دو سیر
۱۰۰۰	چهار هزار و شصت	بنات	یک من
۱۰۰۰	سه هزار و شصت	سکر	یک من
۱۰۰۰	هفت هزار	قداری	یک من
۱۰۰۰	چهار هزار و یکجای	قد زردی	یک من
۱۰۰۰	پانزده هزار	تباکوی اعلا	چهار من
۱۰۰۰	یازده هزار	تباکوی وسط	چهار من
۱۰۰۰	سه هزار	آب لیمو	یک من
۱۰۰۰	ده شاهی	انگوره	یک من
۱۰۰۰	سه هزار	سکنجین	یک من

۱۴۹۶



تسلیت عبدالعزیز آوردند و بعد از شرفیابی نواب  
ساسان میرزا الله باشی و مقرب الخاقان میرزا علی  
مستوفی لوازم احترام هر یک را موافق شان  
منظور داشتند

چند نفر در وزن در شهر مشغول بزرگی و خلاف شرع  
بودند انهارا گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده  
والا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران  
و توابع او را در حساب احکام تبیه مضبوطی شده از  
شهر اخراج و هر یک بوطین اصلی خود فرستاده

باقر تمام رنجانی در میدان کاه فروشها دکان عطار  
رفته بود سرفت نماید توسط میرزا بزرگ که چندان  
دستگیر شده چون از دزدانهای مشهور و بکرات میرزا  
سرفت شده بود حسب احکام نواب شاهزاده بعد از تبیه  
در سیاست مهار کرده در بازارها کرده اند اخراج  
بله کردند

محمد قاسم نام ترک پختومان میرزا خلیل بروجردی  
قرض داده و اسبابی بهم کرده گرفته بود درین اوقات  
و عده تنخواه رسیده محمد قاسم مزبور اسباب کرده  
بر داشته با تفاق شخصی بروجردی که واسطه بوده است  
روانه خانه میرزا خلیل شده اند که تنخواه را دریافت  
نمایند در بین راه حالت مشارالیه بهم خورده و  
بدیوار خورده خور آورده گشت

مرحوم میرزا ابوالقاسم خان که از فو بان جناب  
اشرف اجداد فرخ صدر اعظم بود در نور حرمت ایستاد  
پوسته نفس او را بدار الخلافه مبارکه آوردند و در روز

ورود عالیجنابان محمود خان گلستانه و که خدایان و محارفات  
بیرون رفته با احترام تمام جنابزاده او را آورده در بنا  
مقرب الخاقان میرزا فتح الله شکرلوئیس باشی گذاشتند  
در خانه مقرب الخاقان قایم مقام مجلس فاستحه برپا نمود  
تا سه روز عالی و اعیان دار الخلافه از وضع و شریف  
و نوکر باب و غیره بجلوس فاستحه حاضر شده روز ششم  
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران  
دارالخلافه طهران و توابع با سنجار فاستحه را چندی

بچ طاق از بازار نو قدیم سمت دکان علی یک قازی  
که بعضی وقف مسجد شاه و بعضی مال اشخاص دیگر است  
سگت خورده در کار خراب شدن بود مراتب بعض  
نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران  
دارالخلافه طهران و توابع رسیده مقرر داشتند که  
صاحبان دکانین خراب کرده از نوب زبند در

خراب نمودن طاقها فضا ن آقا برادر عالیجناب مقرب  
میرزا رحیم شیخ مت که در تو پخانه صاحب منصب بود  
شب در ارک کشیک داشته صبح بمنزل خود حجت  
مینمود از قضایای التفاقه مقارن عبور مشارالیه از بازار  
مزبور طاق بر سر او فرود آمده بکران او را خورد کرد  
و همان ساعت تسلیم نمود یک نفر آدم او نیز در زیر  
خرابی مانده بود بیرون آوردند بنوعیب نگه داشته

عالیجناب میرزا رحیم در خانه خود مجلس فاستحه خوانی برپا  
نموده روز دویم چون روز عرفه بود مقرب الخاقان  
میرزا موسی وزیر دارالخلافه از جانب نواب مستطاب

۱۲۹۸

شایسته اعظم و الا تبار و لیعهد دولت علیه و نواب  
مستطاب هزاره اردشیر میرزا با سخا رفته مجلس

### برجید امور اتقونی

تو پیمان و ز بنور کیمیان و افواج قاهره مستوفین دار کلا  
مبار که همه روزه از طلوع آفتاب در میدان ارک  
میدان شوق خارج در وازه دولت حاضر که مشغول  
مشق میباشند و عموم صاحب منصبان کمال بر آ  
در تعلیم قواعد نظامی دارند

در یوم چهارشنبه پانزدهم امیر الامرا، العظام سرت  
کل عا که منصوره که بعد از ورود موکب های یون بیا  
بشهر آمده بود صبح روز منور بملاحظه قورخانه و جبه خانها  
رفته بکار خانها و کارهای هر یک هر یک دقت و  
رسیدی کی نموده قرار انظام امر آنها را داده مرا  
نمود

سواره نظام که مرخص خانه بودند احضار در انخلافه  
مبار که شده حاضر گردیدند و سان دادند و همه روزه  
در بیرون در وازه دولت مشق میکنند

از قرار یک خبر از اردوی بایون رسید در روز یکشنبه  
دوازدهم موکب فیروز کوب از آنچه حرکت  
کرده یک شب هم در کنار رودخانه جاجرو توقف  
فرموده روز دوشنبه را بنیاد و ران تشریف فرما  
گردیدند و عید غدیر را نیز از قرار مذکور در آنجا  
خواهند داشت

چون امسال عید قربان را اعلیحضرت شاهنشاهی در  
افچه تشریف داشتند حسب الامر مقرر شد که شتر  
قربانی در آنجا شخ شود عالیجاه محمود خان کلانتر محج  
اصناف را که از هر صنفی یک اسب یورغ پالانی سوار  
و چند نفر پیاده خوب دارد پیش روی او و نقاره خانه  
در جلوسوار بقربانگاه رفته بعد از شخ شتر قربانی هر صنفی  
عضومی از آنرا که سهم آن صنف است برداشته پیش  
روی مالهای خود گذاشته خوب داران پیش روی

انها افتاده از قربانگاه مراجعت می کنند امسال بهمان  
ترتیب بقریه افچه برده شخ شتر قربانی را موافق معمول  
در محلی که مسافتی تا عمارت و جای سلام داشت نمود  
هر صنفی سهم خود را برداشته مراجعت کردند چون  
عالیجاه محمود خان کلانتر در انظام آنها اهتمام نموده  
و بهتر از سالهای دیگر از عهده برآمده بود خدمات  
او مستحسن خاطر ملوکانه افتاده حسب الامر یک ثوب جنبه  
ترمه لاکه کرمانی خوب بشا را لیه خلعت مرحمت کردید

### سایر ولایات

هم از قرار یک در روزنامه قم نوشته اند امور الزلایات  
در کمال انظام است و از حسن مراقبت و موظبت  
مقرب انخافان دو الفقار خان نهایت رفاه و  
از برای رعایا و امالی آنجا حاصل است و کسی قدرت  
سرفت و شرارت و خلاف حساب ندارد و اگر  
بندرت سرفقی اتفاق بیفتد سارق دستگیر شده  
تنبیه میشود و اموال مسروقه مسترد و بجا حبس تنبیه  
و هم چنین در بیرون شهرها مستوفین در گردش میباشند

۱۴۹۹

قره‌قروین

از قراریکه در روزنامه قره‌قروین نوشته اند لواب شایسته  
 والا تبایع عبدالصمد میرزا حکمران قره‌قروین و مقرب انخاقان  
 حاجی حسنعلی خان پیشکار در انتظام امر ولایت و قضا  
 و اسودکی رعیت نهایت سعی و اهتمام را دارند  
 خصوصاً در آبادی ولایت و تنقیه قنوات قری و مزایع  
 از جمله قنات سکر آباد را که خرابی بهم رسانده بود  
 مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان مقنی و آدم و سایر  
 فرستاده تنقیه خوبی نموده اند و آب زیاد از آنجا  
 جاری شده است بطوریکه از قرار تصدیق رعایا تا  
 بحال اینقدر آب زیاد از قنات منور جاری شده  
 بود و چون در سنوات سابقی بجهت قلت آب رعیت  
 در آنجا کم می شد امسال که آب آنجا زیاد شده است  
 مقرب انخاقان مشارالیه آدم بدایت تحول و حوس  
 فرستاده است که بجهت زراعت سبزه عوامل و آدم  
 امداد نموده بقدر کفایت در آنجا زراعت نمایند  
 اینمعی سبب از دیاد شکر گذاری و دعا کونی رعایا  
 گردیده است  
 دیگر نوشته اند که رضاخان نامی آدم آقا محمد جعفر لیسر  
 از قریه آقا بابا بجهت مهمی بشهر آمده در کار و انسر حاجی  
 از آقا محمد تقی نام سقط فروش قند و چای خرید در  
 حوزجین گذاشته و بانفک خود بدست آقا محمد تقی  
 سپرده بود که بیازار رفته سایر کارهای حوز را  
 صورت انجام داده بیاید و روانه شود بعد از مراجعت  
 از بازار حوزجین را گرفته برک اسب بسته و لشکر را

۱۵۰۰

خواسته بود آقا محمد تقی لشکر را از طرف ته قضا  
 بدست او داده بود و بعضی رسیدن دست او به قضا  
 لشکر در رفته و کلوله به آقا محمد تقی گرفته مقبول شده است  
 و رضاخان قاتل محبوبس است که اگر معلوم شود  
 بعد از کتب قتل شده باشد بقانون شریعت مطهره  
 قصاص شود یا بدیهه امر او را با ویرانه مقبول بکنند  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان  
 هر روز از طلوع صبح الی غروب در عمارت باغ  
 نشسته بعبایض و مطالب مردم کمال دقت و غور  
 نماید و در انجام مهات دیوانی نهایت اهتمام معمول  
 میدارد و بعضی بهر کی ما که سابقاً در آن ولایت بود  
 حالا بکلی موقوف شده است از جمله قمارخانه قره‌قروین  
 و رجز و عمل دار و غنی شصت تومان در سال اجاره در آنجا  
 و باین واسطه الواط و او باش بر ملا قمار بازی میکردند  
 و احياناً در خانهای مردم نیز باین سبب سرفقت الفا  
 می افتاد مقرب انخاقان مشارالیه شصت تومان را  
 از خود تخفیف داده و عمل قمار بازی را موقوف کرده  
 و قدغن نموده است که اگر کسی مرکب قمار بازی بشود  
 مورد مواخذه و سیاست باشد و از آنوقت که  
 این عمل موقوف شده است امانی آن ولایت نهایت  
 اسودکی و شکر گذاری دارند  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مشارالیه در انتظام  
 امر طرق و شوارع نهایت سعی و اهتمام را دارند و در  
 اوقات فراغ آنها مستحفظین را خواسته و التزم گرفته است  
 که اگر مال کسی در راهها سبقت برود آنها از عمده برآیند

میرزا

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند از ابتها ما مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان سر قیپ نایب الحکومه یزد امور انولایت  
 قرین انتظام و انضباط است و رعایا و برادر کمال  
 فراغت و آسودگی مشغول عیشتی و کار و کسب خود و اولاد  
 ذات اقدس هائون شاهنشاهی میباشند و خلافت  
 قاعده از کسی ناشی و صادر نمی شود امر حراست و مستحفظی  
 شهر و محلات بعد از سر باران فوج جدید کرمانی انولایت  
 عالیجاه میرزا کوچک خان سر بنک است و شبها  
 در سر گذر و محلات شهر مشغول قر او لی میباشند  
 و باین واسطه کسی نمیتواند مرتکب سرقت و شرارت  
 و خلاف حساب بشود و عموم مالی انولایت از حصول  
 رفاه و امنیت کمال امیدواری و شکر گذاری  
 دارند

چون در منازل عرض راه یزد آذوقه و اجناس را  
 بنرخ کران بجا برین و متر دین می فروخته اند و بجهت  
 این مرتبه عسرتی حاصل میشد است مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان بحسب حکم دیوان اعلی درین باب  
 قدغن الکیه کرده و التزام گرفته است که در منازل  
 مزبور زیاده از نرخ آبادیها اگر جنس بجا برین و  
 متر دین بفروشند مورد هوا خذ و جریمه باشند و  
 زیاده اتمام درین خصوص نموده قوافل و راهگذر  
 باین سبب کمال شکر گذاری و آسودگی را دارند

دیگر نوشته اند که از خانه شخصی یک مجری بر قیپ

بودند صاحب مال آمده مراتب را بعضی مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان رسانده و سبب لغی کز اوت او  
 نموده بود که در مجری بوده است مقرب انخافان  
 بداروغه و کد خدایان قدغن الکیه کرده بود که حکما  
 سارق بدست بیاید و مال مسروقه پیدا بشود آنها  
 نیز در مقام تفحص بوده اند همان روز چهار نفر سر بار  
 از کنار خندق میکند شده اند مجری شکسته یافته  
 بودند درین بین آدمهای داروغه رسیده سر بار  
 گرفته با مجری نیز مقرب انخافان مشارالیه آورده  
 بودند تا زیاده را با نهان زده و مطالبه مان را کرده  
 بود گفته بودند ما از مال خبر نداریم این مجری را شکسته  
 در خندق یافته ایم گفته بود آنها را بجنس برده بودند  
 شخص سارقی که چند وقت قبل دستگیر شده و  
 حبس بود سجال سر بار که بی خبر از وجه مسروقه  
 بودند ترجمه نموده گفته بود که من دزد این مال را نمی  
 حسین نامی است یزدی در فلان محله فرستاده او را  
 آورده بودند معلوم شده بود که چند دفعه هم دزد  
 کرده بود و گرفته بودند بعد از عیبیه مرخص کرده اند  
 در باب این مجری تحقیق کرده بودند گفته بود مجری  
 من برده ام و دوازده تومان وجه نقد در میان او  
 بود دفن کرده ام آدم همسراه او فرستادند تنخواه  
 آورده بصاحبش رد کردند و دوز را تیبیه و سیاه  
 نموده اخراج بلد کرده سر بار را که بی تقصیر تا زیاده  
 خورده بودند آورده بتلافی صدمه و اذیت بانها  
 و نوازش کرده بود

۱۵۰۱



دیگر نوشته بودند که سه چهار نفر اطفال کوچک بسن  
هفت شش ساله در صحرای مشغول شترچرانی بوده اند  
و با هم بازی میکرده اند از راه شوخی بازوی یکی  
بهار شتری بسته بودند درین بین شتر رم خورده  
حرکت کرده بازوی آن طفل از گتف جدا شده

بود

از قراریکه تعمیر اجناس و ماکولات یزد در نوشته  
بودند در ماه گذشته دقتند بحرام ازین قرار شتر

بوده است

کنم	یکهزار	سه تومان و ششصد
جو	یکهزار	دو تومان و چهارصد
گاه	یکهزار	شش هزار
هیزم	یکهزار	شش هزار
گوشت	یکم	پار و پشاهی
برنج چپا	یکم	هزار و بیست
قد	یکم	چهار هزار و پانصد
روغن	یکم	سه هزار
پیر شور	یکم	هزار و بیست

سایر اجناس نیز باین منطف تعمیر داشته است

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا کوچک خان سر  
در انتظام امر سر باز و مشق آنها نهایت اهتمام با  
دارد و روزهای هفته را با التمام تشرار گذشته است  
در میدان نارنج قلعه مشق می کنند و در مشق مهارت  
تمام بهم رسانده اند و در رساندن جیره آنها اهتمام

زیاد دارد و در اول هر ماه در دیوانخانه سر باز را  
حاضر کرده در حضور مقرب انخافان محمد یوسف خان  
جیره آنها را فردا فردا میرساند و سر باز نیز بورد کمال  
انتظام و حسن سلوک با مالی آنها رفتارینمایند  
و خلاف نظامی از هیچیک از آنها ناشی و صادر نمیشود

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالامرا  
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در انتظام

امرو لایت و رفاه و آسودگی نوکر و رعیت و انجام  
خدمات دیوانی اهتمامات کافی معمول میدارد و هم  
در انتظام امر طرق و شوارع قدغن آید کرده و مستحفظ  
و قراول در هر جا گذاشته است که مشغول حفظ و حرا  
باشند و عابرین با اطمینان و خاطر جمعی عبور مود

### نماینده

چون حسب الامر امنای دولت علیه مقرر شده بود  
که چاپارخانه های ممالک محروسه در همه جا ساخته  
تعمیر شود از جمله چاپارخانه های کرمان را امیرالامرا  
سردار بجمول آگاهی و ورود محمد جعفر بیک چاپار حکم  
نوشته و آدم روانه کرده است که از کرمان الی آخر  
خاک یزد آنچه چاپارخانه ها تعمیر لازم داشته باشد  
در کمال خوبی و استحکام تعمیر کرده بضابط چاپاران  
سپرده قبض رسید از آنها دریافت کرده بدر باب  
جامع اربابون بفرستد

۱۵۰۲

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیس بیست و نهم ماه رجب الحرام مطابق سال ۱۲۶۱

نزد دولت و چند

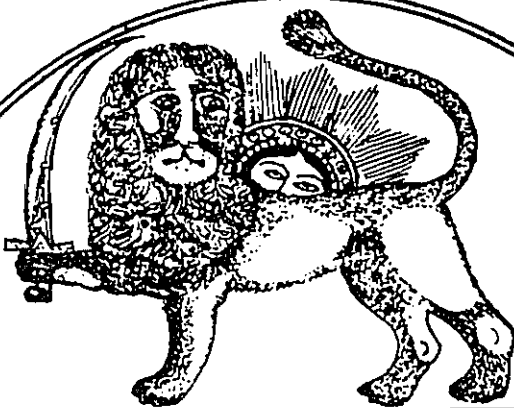
قیمت روزنامه

هر نسخه شاهی

منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی هر



## اخبار واحده مالک محروپه دشا

### اردوی هایون

در روز پنجدهم این ماه که روز عید غدیر و اعیاد معظم تبرکه این دولت علیه است عیادت قوی شوکت شاهی در عمارت نیوران با سلام عام دادند جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم و شاهزادگان عظام و سایر امانت دولت علیه و مقر بان حضرت کرد و در لیسبت سینه و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام و عموم جاگران در بار سپهر احبام شرفیاب حضور مبارک گردیده هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شلیک توپ و زنبورک تقالو معموله گردیده یکصد و ده تیر توپ بجهت تمینت شلیک شده و ادای خطبه بلنج در حضور مبارک بنام جناب ولایت آتاب علی ابن ابیطالب علیه السلام

گردیده بدعای بقای وجود فایض وجود هایون ختم شده و عالیجاه میرزا سر و ششم شمس الشعرا قصیده عزاکه بجهت عید غدیر برشته نظم کشیده بود در حضور مبارک عرض کرده موقوع قبول و استعجاب یافته و اقعین مواقف حضور مبارک از عنایات ملوکانه بهره مند گشته سلام عام منقضی گردید چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام و فقهاء همواره اوقات منظر خاطر اقدس هایون شاهی از جمله جناب حاجی ملا محمد مجتهد کاشانی که بزیمارت ارض اقدس رفته و معاودت بدر بار هایون نموده در نیوران شرفیاب حضور مبارک و مورد تفقدات ملوکانه شده بودند لهند در روز عید غدیر اعلیحضرت شاهی بیازدید جناب مشارالیه که

۱۵۰۳

در عمارت جناب اشرف امجدارفع انجمن صدر اعظم منزل داشت تشریف فرما کردید لوازیم واحترام اورابعل آورده بکثوب عجبای ترمه و نچاه توان وجه نقد سجو و جناب شارا لیه و بدین موجب خلعت

جناب آفاسید لهوروی  
عاجناب میرزا جلال الدین  
سال رمضان وجه نقد  
پس جناب حاجی حاج محمد  
طاقه پنجاه تومان  
عجای ترمه وجه نقد  
نوب پنجاه تومان

در وجه هرامان جناب  
وجه نقد پنجاه تومان

وانعام بهرامان او رحمت فرمودند و از جناب اشرف امجدارفع انجمن صدر اعظم و جناب هم لوازم تعارفات در حق آنها بعل آمد مقضی رخصت انصاف از موکب هایون بکاشان حاصل نموده در روز یکشنبه که جناب اشرف امجدارفع صدر ابدار امخلاف می آمدند جناب شارا لیه هم همسر ایشان بدار امخلافه مبارکه آمدند که روانه وطن شوند

چون خاطر مظهر اعلی حضرت قدر قدرت اندس هایون شایسته سواره در ابداع و اختراع در طلبه امور تصرفات بدعت که هیچیک از ملوک باضی را اینگونه جودت ذهن و استقامت تلیقه دست نداده من

چندی قبل مقرب انخاقان آقا محمد حسن صندو قداری خان جواهر لیس خا صیاد شاهی حکم شده بود که کل کمری بالما سهای بر لیانت که در صفت زر کرمی و حسن بر

وسبکی وزن و سنگینی قیمت از سایر کل کمرهای باشاهی امتیاز داشته باشد با تمام رساند مقرب انخاقان شارا لیه اهتمامی تمام در این باب نموده با ستادی استاذ زر کرمی موافق فرمایش اعلی حضرت شایسته کل کمر بزرگ در مدت چند ماه در کمال خوبی و امتیاز با تمام رسانید و در روز عید غدیر که در آن روز زر کرمی دین احمدی قیمت اسلام را رسیده بود در قصر نیاوران بنظر کیمیا اشراف زر کرمی بزرگ زر کرمی مورد تحسین انعام و خلعت شایسته از جناب

سنی اسجوانب هانئون کردید از قرار که قیمت اورا حسب الام معین نمودند بمبلغ دولیت هزار تومان با تمام رسیده

چون عالیجا میرزا علی اکبر اجودان باشی توپخانه مبارکه در خدمات محوله مراتب اتهامات و صدقات و استیجای خود را ظاهر ساخته و مقرب انخاقان فضان آقا میر خجه توپخانه مبارکه رضامندی از حسن خدمتگذاری او داشت لهذا بر طبق استدعای مقرب انخاقان شارا لیه اسنای دولت قاهره حسب الاشارة العلیه مبلغ یکصد تومان بر مواجب بق او افزوده و تحویل داری کل توپخانه مبارکه و اصطلب توپخانه مبارکه را با عالیجا شارا لیه واکد فرمودند

چون عالیجا نصر الدخان سرهنگ زنبورکخانه مبارکه در عید اضحی و عید غدیر و جشن بازی آنچه زنبور کیمیا را بارده همچون برده و خوب شلیک کرده بودند لهذا بطا شال لاکو خوب شارا لیه

۱۵۰۴

خلعت و وجه نقد به زنبور کچیان بر رسم انعام مر

کردید

و هم چنین عالیجاه الله خان سرمنگ قورخانه مبارکه و قورخانچیان او اسباب آتش بازی با چوب و خوب آتش بازی کرده بودند یک طاقه شال کشمیری عالیجاه مشا را لیه خلعت و وجه نقد بقورخانچیان آتش بازی کرده بودند انعام فرمودند

و از آنجا که طهران

در روز یکشنبه نوزدهم جناب امجد اشرف ارفع انجم صدر اعظم تجیه رسیدگی امور قورخانه مبارکه و جنبه خانها و بناهای عمارات مبارکات و سایر بناهای دیوانی از نیادران بشهر آمدند اولاً بناهای سرودس بخارستان و سایر جایهای انجار را ملاحظه و بدقت رسیدنموده بعد از آن بیاع نظامیه آمده ساعتی در آنجا بودند وقت عصر بخانه مقرب انخاقان قایم رفتند و بجهت فوت مرحوم میرزا ابوالقاسم خان دلجوئی از متعلقان آنجا کرده بعد از آن بنجانه مقرب انخاقان میرزا فتح الله کوشکباشی که مکر مزاج داشت رفته عیادت نمودند و شب را معانی بیاع نظامیه کردند و روز دوشنبه بشهر آمده خرابی متصل مسجد شاه را ملاحظه کرده و از ساختن انجار او را و از آنجا بقورخانها و جنبه خانها آمده جمیع کارخانها سرکشی نموده و بکار هر یک از اصناف بدقت تمام رسیدگی نموده نمونه از هر اسبابی که در کارخانها ساخته

بودند برداشته بمقرب انخاقان حاجب الدوله سپردند که بنظر اقدس همایون شاهنشاهی برساند و با حاد و افراد استادان کار و از باب صنایع نهایت التفات نمودند پس از تماشای جمیع کارخانها بکارخانه فالتقه رفته در آنجا با امیرالامرا العظام سردار گل نشستند و مباحثین قورخانها و جنبه خانها را احضار و رسیدن تجواه قط هر یک را سؤال و تحقیق نمودند و معلوم شد که قط هر یک تمام و کمال رسیده است و در گرفتن حاصل کار از مباحثین و تحویل دادن بعالیجاه حاجی موسی خان کمال تا یکد و سفارش را بمقرب انخاقان کلب حسین خان رسیدت نمودند که ماه بامه مطابق قطی که معین شده است اسباب بدون عیب و نقص از مباحثین گرفته بخیل انبار نماید بعد از فراغت از امور انجابه بازارچه جدید سناری شکرگینی مقرب انخاقان حاجب الدوله و عالیجاه محمود خان کلاتر آمده تماشا نموده فرار دستور العمل انجار دادند و بعد از آن بیازدید بناهای و تعمیرات ارکه مبارکه از قبیل دفترخانه و توپخانه و دیوانخانه بزرگ و عمارات باغ و کلاه فرنگی و حوض بزرگ و بناهای و تعمیرات عمارات اندرونی و عمارات پشت تخته پل جدید هر یک بدقت رسیدگی و تاکیات اکیده و اتمام آنها نموده از آنجا بکاغذگرخانه پروان شهر رفته تمامی اراضع و بناهای انجار را ملاحظه کردند بعد از فراغت از این امور سه ساعت بفرمان بنیاداران سایر ولایات روانه گردیدند

۱۵۰۵

### کرمان

### کاشان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امور  
 انولایت از بهر حجت و بهر حثیت منظم و مستقیم است  
 امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکم ان بزد  
 و کرمان در خالصه سعدی خارج شهر بوده است  
 و بنا بوده است که بجهت ماه محرم بشهر بیاید <sup>اینجا</sup> معرب  
 عبدالمدخان میرنچ نیز در خارج شهر نقل مکان کرد  
 اراده ما کو داشته و بنا بوده است که در دویم  
 ماه ذیحجه از آنجا حرکت نماید از قراریکه خبر از راه  
 خبیص سیده بود جمعیتی از بلوچ بجهت دست اندازی  
 از ان راه گذشته بود اندامیرالامرا العظام  
 سردار بخص استحضار احکام موکه بهم منازل <sup>شماره</sup> فرود  
 بود که قراولان دستخفین در بهر جا با استعداد  
 و جمعیت آماده و خبردار باشند و اگر از ان فرود <sup>گاه</sup>  
 خبری بشود و احتیاج بجمعیت باشد رود خبر بفرستند  
 که امداد برای آنها روانه نمایند  
 دیگر نوشته بودند که چون سال تجار از هر جانی و ج  
 نقد فرستاده بودند که کورک خرداری نمایند <sup>بجهت</sup>  
 کورک در کرمان ترقی کرده بجهت شایانهای کرمان  
 حترتی حاصل می شد امیرالامرا العظام سردار  
 درین باب قدغن نموده و احکام بتخل بلوکات فرستاد  
 بود که کورک بخارج نفر و شدند و بکرمان بیاورند  
 که کارشال بافهای کرمان از رونق و رواج نیفتند

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند  
 در آران و بیدکل چند وقت پیش ازین ناخوشی  
 و بابرور کرده و بقدر یکصد و پنجاه نفر ازین ناخوشی  
 تلف شده بودند و مردم ازین حمله زیاد شوش  
 بوده اند لکن از تفصیلات خداوندی چند رویت  
 که بکلی رفع گردیده و اثری باقی نمانده است و  
 همه مردم آسوده خاطر گردیده هر کس بکار و کسب  
 خود مشغول میباشد  
 دیگر نوشته بودند که صفنامی که بذردی و شرارت  
 مشهور بوده است در روز روشن شخص سیدی و  
 و مرد صراف را زخم زده بود خواسته بودند او را  
 بکیند فرار کرده با نام زاده پشت مشهد بربست رفته بود  
 عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان نیز جناب  
 آقا سید مهدی پشت مشهدی فرستاده او را  
 خواسته بود جناب مشا را الیه هم چند نفر آدم  
 ز خود فرستاده همان صفنام را بدارت بیارند  
 و سبک کرده بزند حاکم فرستاده حاکم او را <sup>سخت</sup>  
 نموده چون از اشرا مشهور انولایت است او را  
 مجبوس کرده و مراتب را با ولیای دولت علیه  
 عرض نموده است تا بد آنچه حکم از دربارهایون  
 در باب مشا را الیه صادر شود حاکم در آنجا از <sup>تعارف</sup>  
 رفتار نماید

۱۵۰۶

### استرآباد

از قرار که در روزنامه استرآباد نوشته اند امور  
 انولایت از حسن مراقبت مرتب انخاقان محمد و انخاقان  
 بیکر بیکی قرین انتظام است خود مراقبت انخاقان مشایخ  
 بجهت انتظام امر طایف ترکمان و وصول مالیات آنها  
 در میان کوکلان است و تا دهم ذیحجه احرام نورما  
 نکرده بوده است عالیجاه محمدجعفرخان پسرش بیابان  
 در استرآباد مراقب انتظام امر ولایت و انجام خدمات

### دیوانی است

در هفتم ماه ذیحجه احرام از قرار که نوشته بودند  
 باران بسیار شدیدی از وقت ظهر تا حوالي عصر  
 آمد بطوریکه در اندک مدت راه آمد و رفت از اغلب  
 جایها آب گرفت و دده پانزده خانه را خراب کرده  
 بروج و بدنه شهر نیز قدری خرابی رسانده بود  
 دیگر نوشته بودند که در نوزدهم ذیقعد بقدریکصد  
 پنجاه نفر از طایفه ضاله آتابای ترکمان بنا بر عداوتی که  
 با عالیجاه قلیخان یوزباشی دارند بجزم تاخت و تاز  
 اطراف شهر استرآباد آمد و گاوهای شهر را پیش کرده  
 بودند در مراجعت علامان سیل سپر جمعی عالیجاه محمدجعفرخان  
 که در نواحی شهر مشغول قرار داشتند سر راه با آنها گرفته  
 و چون جمعیت قراولان زیاد از چهل و پنجاه نفر بود  
 آدمی بنزد عالیجاه محمدجعفرخان بجهت اخبار و استمداد خبر  
 بودند عالیجاه مشایخ را لیه نیز فوراً مستحفطین بروج و دروا  
 باند او فرستاده خود نیز بیرون آمد و بعد از وصول  
 مستحفطین پیاده سوار سپر جوی شده بسوارخانه

حمله و رو پنجاه نفر از آنها را بتیر کلوله روانه سفر کرده بکرس  
 اسبم از آنها بدست تحفطین پیاده افتاده مابقی چاره  
 بجز فرار ندیده همین قدر توانسته بودند که رخساران خود  
 تبرک کشیده دست از کاد و ما برداشته مخد و لا و  
 با کمال خواری فراری شده بودند

و همچنین در شب بیست و یکم ذیقعد سوار بسیاری از  
 طایفه مزبور آمده در نزدیکی قلعه محمود کین کرده بودند  
 فردای آن شب قریب بنهر قلعه مزبور تاخت آورده  
 عالیجاه قلیخان یوزباشی نیز با سواره و استعداد خود مقابل  
 و مقابل شتافته سواره ترکمان صرفه در جنگ ندیده  
 بی من مقصود مراجعت کرده اند

و همچنین در بیست و سیم ماه مزبور باز یکصد و پنجاه نفر  
 سوار از همان طایفه خیمه بقریه قلی آباد تاخته گاو و درم  
 مزبور را زانده دو نفر مرد و زن نیز اسیر کرده بودند  
 ملک اسمعیل عموی قلیخان یوزباشی که کدخدای انجاست با  
 پیاده و ایلیجاری خود آنها را تعاقب کرده بود سواره  
 ترکمان نیز بکثرت عدت خود وقت جمعیت مشایخ را معر  
 بر گردیده دندان طمع تیر و مشول تیر و او نیز شده بود  
 بعد از زود و خورد و کیر و دار ملک اسمعیل بر آنها فاتی آمده  
 و نیزه سر و شش رگس اسب از آنها بدست آورد  
 و چنانچه نیز زخمی نموده دو نفر اسیر را نیز سرد کرده  
 سواره ترکمان گاو و رگه را بجا گذاشته جان خود را  
 بدر برده بودند

و هم در آن اوقات سواره بسیار از ترکمان مزبور بجزم  
 تاخت فوج برد آمده بودند چون عالیجاه محمدعلیخان

۱۵۰۷

اینکه چند وقت پیش ازین از اسب افتاده بود هنوز نمانش  
 بیاید سواره نر بوریان واسطه قدم جرتش کشته  
 طایفه حاجیلر و بلوچ که بزراعت و قراولی انجامشوند  
 بقدم محاربه پیش رفته بنای تیراندازی وزد و خورد  
 گذاشته بودند چون کل سوار در بسقو قبلی در میدان  
 جنگ بوده اند لکچی حاجیلر و بلوچ جری شده با آنها  
 رور آور و سواره نر بوره نیز توسن کریر اسب بسقو  
 سبک عنان کرده تا بچین گاه رسیده مابقی سواره از  
 بسقو بیرون آمد لکن چنان بعد از مشاهده این حال در  
 یکجا جمع شده محصور گردیده اند چون از آبا بای یا  
 دور بوده اند و رسیدن آمد اقدری طول کشیده  
 بود چهار نفر از آن لکچیه از خدمت تخریب و شدت و  
 بیخمال فرار از میان جمعیت خارج شده بودند سواره نر  
 پی باین معنی بر وجهی فرستاده از بیره آنها را جلو  
 و یکی را مقتول و یکی را زخمی رود و نفرزاد سیکر کرده  
 مابقی لکچی در ها بنجای پای ثبات فشرده خود داری نمود  
 بودند و ترکانمان توانسته بودند سبک جمعیت آنها را  
 از هم بپاشند تا اینکه علامات آمد از اطراف نمایان  
 شده سواره ترکان مایوس از پیشرفت کار و دست  
 از مجادله برداشته مراجعت کرده بودند  
 دیگر نوشته بودند که چون طایفه انابای ترکان درین  
 اوقات زیاده هرزگی می نمایند عالیجاه محمد جعفر خان  
 نایب الحکومه مراقبت تام در حفظ و حرارت معا بر و قراول  
 و قراول خانها دارد و بحسب سرکردگان مستحقین  
 قدغن کرده است که با جمعیت و استعداد خود همیشه آمادگی  
 داشته

و از اطراف خبردار باشند و انانیر کمال آنها مرا  
 هر کدام در حفظ سمت و سامان خود بعل می آورند  
 از جمله عالیجاه احمد علیخان سرکرده پیاده استرآباد  
 رستاقی که سکر او نزدیک او به ترکان و قریب  
 بد و فرسخ از آبادی دور است چه در غیاب عالیجاه  
 مشارالیه که در کولکان مشغول خدمت بوده و چه این  
 اوقات که خود در سر سکر نر بوریان است همیشه امر محاربت  
 انجام کمال انتظام داشته است چنانچه بکرات از طایفه  
 ضلعه ترکان جمعیت بجهت اینکه اگر بتوانند سکر نر بوریان  
 اش بزنند یا اسبهای با خلوص مستحقه آنها برسانند  
 آمده اند و هر وقت که آمده اند از دست مستحقین سکر  
 بلوچ یافته اسب و آدم از آنها زوده شده بی نیل مقصود  
 مراجعت کرده اند عالیجاه احمد علیخان از راه کمال  
 و کد خدائشی که دارد درین اوقات بارش سفیدان  
 و کد خدایان طایفه نر بوره طرح مراد و ریخته است که  
 کافی سابق در مقام ایت و انقیاد بر آمده دست  
 تطاول و عنان ترداد از چپا و ل نواحی کشیده و از نزدیک  
 در صد و تصنیع و تلف اسب و آدم خود بر نیاید تا  
 مراجعت مقرب انخافان محمد و لیخان بیکر بسکی از کولکان  
 قراری در کار آنها داده شود که رفع کدورتی که فیما بین  
 آنها و عالیجاه علیخان یوزباشی حادث شده است  
 گردیده امر آنها بطور اصلاح بگذرد ریش سفیدان  
 طایفه نر بوره نیز متعهد گردیده و در مقام استمالت و  
 اطمینان المکره برآمده از تاخت و تازمانعت کرده اند  
 از آنوقت دیگر از آنها خبری نیست است

۱۵۰۸

بروجرد

از فراری که در روزنامه بروجرد نوشته اند کمال وقت  
 در ابولایت حاصل و امالی در عایانهای رفاه  
 و آسودگی را دارند و امور ابولایت از حسن مراد  
 و اهتمامات نواب استطابش هزاره و الا بتبارک  
 خانلر میرزا حکم آن بروجرد بخت ساری و عربستان  
 و لرستان از هر جهت قرین انتظام و انضباط است  
 چهارم آنرا آنست که با قورخانه مامور عربستان شده  
 بودند در ماه گذشته ذیقعد و اردیبهرد کیده  
 چون اسبهای توپ کشتی در عرض راه قدری  
 صدمه خورده و لاغر و مغلوك شده بودند در میان  
 قلعه بروجرد توپچیان و اسبان توپخانه را جا و  
 داده اند که چند روز در آنجا توقف نموده اسبهای  
 آنجا بحال بیاید روانه عربستان شوند  
 و هم چنین شترهای دیوانی را که حامل قورخانه بود  
 چون در راه لاغر و مغلوك شده بودند بحسب حکم نواب  
 شاهزاده علوفه یکجا به با شترها و جیره بشتر داران  
 داده شد که بعد از آنکه شترها را بحال آورده  
 روانه داران بخلاف مبارک شوند  
 و ولایت نغمه مبارزان مراغه که مامور خدمت بروجرد  
 بستند ملبوس بده پسند آنها را درین اوقات  
 داده اند و همه روزه با کمال آراستگی در میدان

قلعه مشغول مشورت میباشند و صاحب منصبان  
 آنها نهایت مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها  
 دارند  
 فوج عالیجاه مقرب انجاقان و لیجان سیلاخوری  
 که مامور عربستان بودند تا اوقات آنها بجهت  
 از ملبوس و مواجب ششماهه و سایر ملزومات  
 دیده شده در اول ماه ذیحجه احضار بروجرد شدند  
 که بحسب حکم حرکت بفرع عربستان در کار آنها هیچ وجه  
 معطلی نباشد و افراد فوج مزبور را درین  
 سال نواب شاهزاده حشام الدوله خود بدست  
 رسیدگی نموده و نظام و دستوری در کار آنها گذاشته  
 دیگر نوشته اند که نواب جلال الدین میرزا که  
 مامور اکثر شده اند بسیار با نظم و قاعده حرکت  
 کرده اند و امالی و ایلات آنجا کمال امیدواری  
 نهایت رضامندی و شکر گذاری از حسن سلوک  
 و رعیت داری نواب معزی الیه دار  
 و همچنین نواب غلامحسین میرزا که روانه همدان و بالا  
 کرده بودند بعد از ورود امور آنجا را نظم دست  
 داده و ایلات و احشام آنجا هر یک بجای خود  
 قرار گرفته مشغول عیسی میباشند و از حسن مراد  
 و مواظبت نواب معزی الیه از احدی خلاف خیالی  
 ناشی و صادر نمیشود

۱۵۰۹



# فارس

از قرائیکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند کمال  
 اهیت و انتظام و فراوانی و ارزانی در آن ولایت حاصل  
 و هوای آنجا اسال در نهایت طایمت و اعتدال  
 مالی آنجا از این حد بسیار خرسند و خوشوقت بودند  
 که در هیچ سال هوای باین خوبی و اعتدال در آن  
 ولایت که اغلب لها کرمانه است شدت را داشته  
 ندیده بودند

دیگر نوشته بودند که چون عباس خان زیر امانی  
 قلعه زیاده معرور و سر از اطاعت و انقیاد این دولت  
 قوی شوکت باز زده و در ادای مالیات دیوان  
 مینمود و علاوه بر آن تعدی و اجحاف زیاد با مالی نیرا  
 میکرد و زیاده از بدی رعایا مالیات از آنها دریا  
 و پنجد سری و ترمه سر بر آورده بود عالیجاه دریا  
 میرزا ابراهیم نویسنده خود را با اعلان ابو اجمعی خود  
 و بلوچهای جزیره خارک و محمد رضا بیک خوشابی را  
 با تفکیکی قریه زیارت عشیره و برادر رضا خان  
 با تفکیکی انکالی و که خدایان رود حد را با تفکیکی بسیار  
 واحد خان ضابط حیات و او در با تفکیکی حیات و او  
 به همیشه رالیه و تنجیر قلعه زیاده مامور نموده مامورین  
 بالاتفاق جمعیت کامل انعقاد داده یورش قلعه مر نوره  
 برده عباس خان و محصورین نیز دست تیر و او بر  
 کشته بعد از کوشش بسیار که اغلب جمعیت خود را کشته و

و خود را در معرض تلف دیده بود آنچه مقول و زخم را در  
 با عیال و اطفال خود برداشته با کمال خذلان و  
 راه فرار پیش گرفته مامورین بقهر و غلبه بر بروج و بند  
 استعلا و بیدتی استیلا افزاینده قلعه را تصرف نمودند  
 درین یورش از تفکیکی زیارت سه چهار نفر مقول  
 و چهار پنج نفر مجروح شدند و از قلعه کیان معلوم  
 چند نفر مقول و زخم دار بوده اند زیرا که هر چه بود  
 عباس خان سمره برده بود عالیجاه دریا بیک  
 استماع خبر فتح قلعه زیاده بجهت میرزا ابراهیم و چند  
 از ضباط و که خدایان فرخویشان و خدمت خلق  
 و بجهت زخم داران جراح روانه نموده بود و همچنین  
 شبانکاره را نیز که مردی مفدت بیسه و دو خود را  
 مالی عباس خان بود عالیجاه دریا بیک بوشهر  
 و پس از ورود گرفته مجوس و زیاده و شبانکاره  
 مجرمانه بر دمان معقول معتبر خدسگذار و اگذار کرد که  
 مالیات آنجا مارا برودی و خوبی بکلیه وصول رسانند  
 روانه دارند و مالی آنجا از اینکه شر آن و منفعت  
 از سر آنهار رفع و دست تعدی و تجاوزشان از  
 آنولایات کوتاه گردیده است زیاده شاکر و دعا  
 این دولت جاوید مدت علیه میباشد و با  
 فراغت و آسودگی مشغول عیسی و کسب و کار خود  
 هستند

اخبار دیگر ازین ولایت بود که در هفته آینده نوشته میشود

۱۵۱۰

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ یوم پنجشنبه ششم شهریور الحرام مطابسا اول سنه ۱۲۷۱

نزد هریست و چهار و یک

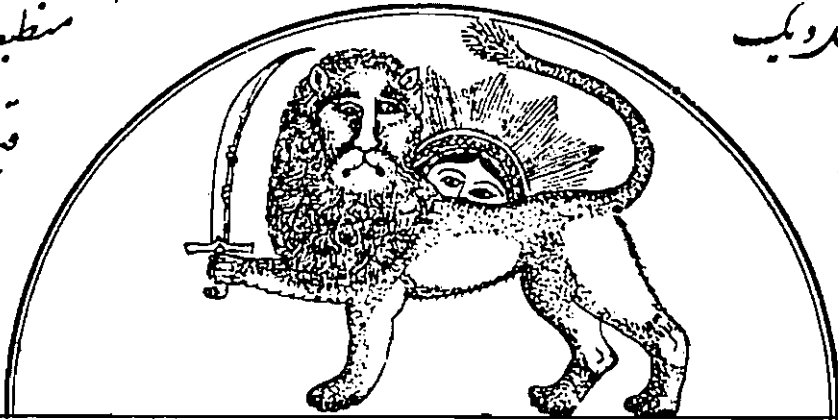
منطبعة دار اخلافة طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

برینجه ششبر

هر طریحی هر



اخبار واحده مالک محمد شاه پادشاهی

دار اخلافة طهران

اعلیحضرت پادشاهی که در نیاوران تشریف فرما شدند در روز یکشنبه شب بیست و ششم ماه ذیحجه الحرام عزیمت دار اخلافة مبارکه فرموده چاکران دیوانه عمارت سلطانی را بجهت ورود موکب سیروزی کوکب هایون زینت و آرایش داده و بهم چنین کوچهها و بازارها و جاهائی که محل عبور موکب هایون بود آرایش داده و عموم ایلی دار اخلافة مبارکه بجهت زیارت وجود قایم بیرون آمده در سیرون شهر و داخل شهر همه جا از دهان تمام نمودند و از آنجا که موکب هایون حرکت فرمودند همه جا نظام نصرت فرجام از توپچی و سرباز و سواره نظام و زنبورچی فوج فوج و دسته دسته در دو طرف راه صف نظامی کشیده و شلیک توپ و زنبور بکرات بقاعده معموله کردید سواره نظام و افواج

قاهره در کمال شکوه و آراستگی بنظر مبارک رسیدند و موکب هایون از دروازه شمیران وارد شهر گردیدند چاکران در بارهایون از اعالی و ادانی و عموم ایلی دار اخلافة از زیارت وجود هایون مردم دیده با چشم روشنی داده تقدیم قربانی و پیشکش و پایی نمودند نزدیک بعصر اعلیحضرت شامشاهی مبارک سلطانی نزول اجناس فرموده تحت مرمردیوانخانه بزرگ را بقوه وجود هایون زیب و زینت بخشوده سلام عام القادیا یافت تامنی شاهزادگان عظام و دولت علیه و سمران و صاحب منصبان نظام و خوا کرام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده بعد از شلیک و زنبورک ادای خطبه بلیغ بنام اقدس هایون و ندای غم و شوکت ابد معز و ختم شد جناب شرف امجد محمد صدراعظم مخاطب بوده در باب خوشگذشتن و میلاقات و خوبی هوای این اوقات

۱۵۱۱

و از آنجمله مبارک که و اینکه در پند عاشورا نشاء له هوا  
 بهتر و مردم در تفریه داری جناب سید الشهدا قرین فاه  
 و از خدمات که مافایع خواهند بود فرمایشات علیه  
 رفت سلام عام منقضی گردید  
 سرکار اعلیحضرت اقدس هاپون ظل اللہی نظر با  
 احکام شرع بین و ملزومات رای اقدس عدالت  
 قرین که جمیع طوایف مل و ادیان و قاطبه اهل کتاب  
 و ذمه که در بلاد و ممالک اسلام در خلق شریعت مطهره  
 بستند از هرگونه تعرض محروس و مصون و در تحت  
 حمایت این ملت ظاهره و دولت قاهره بشمار اهل  
 محفوظ و نامون باشند امر و مقرر فرمودند که مجازا  
 این کیفیت بعموم خلق اعلام و اخبار شود اگر از جمله  
 و عوام بالفرض در صد و خلاف آن برآیند بداند  
 که منافات کلیه بارای اقدس هاپون دارد و نباید  
 احدی از افراد نامس بیچو جرمین الوجوه آذیت و آزار  
 بیچیک از اهل کتاب اعم از نصارا و یهود و کبر و مجوس  
 و غیره رعایای این دولت برساند بلکه آنها را در ظل  
 ظلیل اعلیحضرت اقدس هاپون در هر نفع از موهله  
 حفظ ناموس و جان و مال و آسایش و امنیت و  
 آرامش و بهره یافتن از آثار حمایت دولت  
 و سلطنت عظمی مساوی و برابر دانند و نیز امر و  
 فرمودند که که خدایان و ریش سعیدان جمیع بلاد محروس  
 عامه اهل بد خود را وضعاً شریفانه از بدلول حکم قضا  
 قبول

۱۵۱۲

شاهنشاهی آگاهی داد و مطلع سازند که هرگاه کسی بر  
 تعرض یکی از اهل ظل مزبور باشد شود مورد مواخذه و خوار  
 چون امیر الامراء العظام میرزا محمد خان سرکشکی با شی  
 در سفر بیلاقات خاطر اقدس هاپون شایسته  
 از حسن خدمتگذاری خود خرسند داشته بود  
 لهذا خدمات مقرب انخافان مشارالیه مستحسن و مقبول  
 خاطر ملوکانه افتاده در روز و روز و موکب هاپون  
 از نیاروان بدار آنجمله مبارک که بکثوب کلیچه  
 ترمه از بلوس تن مبارک با و خلعت مرحمت فرمودند  
 و همچنین مقرب انخافان حاجی علیخان حاجب الدوله  
 نیز در انجام خدمات محوله بخود مراتب حسن کفایت  
 و اهتمامات خود را در پیشگاه حضور مظهر ظاهر ساخته  
 در خور عنایت ملوکانه آمده بودند لکن هم در روز و روز  
 موکب هاپون بکثوب کلیچه ترمه نیز از بلوس  
 بدن مبارک بمقرب انخافان مشارالیه خلعت  
 مرحمت گردید  
 نظر بحسن قابلیت و شایستگی عالیجاه عبدالعفی خان  
 ادیب الملک و لبتامات او در انجام خدمات  
 مرجوعه بخود مورد التفات خاطر اقدس هاپون  
 گردیده در روز عید فدیبرد نیاروان یکطاقه  
 ترمه با و خلعت مرحمت گردید

چون عالیجاه مقرب انخاقان جعفر قلیخان سیرتیب  
 مراغه در مشق و آراستگی و انتظام سر باری جمعی خود  
 آثار کفایت و معقولیت ظاهر ساخته و خاطر افسان  
 بپایون را از حسن خدمتگذاری خود خوشنود  
 داشته بود خدمات او مطبوع و مستحسن خاطر  
 اقدس بپایون شاهنشاهی افتاده لهندورین  
 اوقات از جانب سنی ابجوانب بپایون یک  
 لوب جبهه ترمه بسیار خوب بمقرب انخاقان  
 مشارالیه خلعت مرحمت گردید

چون امور رسیدگی و راه انداختن معادن  
 محروبه مسلوبه المنفعه و جدیده اعدائی ممالک  
 محروسه بموجب فرمان مهر لعلان بپایون بیجا  
 مقرب المحضه انخاقانیه حاجی میرزا اجتناب ناظم  
 محول و واکذا بود مشارالیه نیز بربط اموریت  
 همیشه در خدمت محوله مراقبت و مواظبت تام  
 بعمل آورده در بعضی جایها که سراغ و مظنه معدن  
 داشت آدم فرستاده بکار کردن مشغول شدند  
 و از بعضی جایها هم نمونه سنگ و خاک آوردند  
 و امتحان نمودند از جمله در چند جا از صفحات  
 و بلوک سبزوار که آثار معدن مس داشته است  
 کار میگردند در این اوقات که حاصل صنعتی  
 از آنجا معلوم گشته و عاید شده بود در برابر  
 بعضی اولیای دولت ابد آیت قاهره رسانده

مورد عنایت و التفات گردید و یکموجب جبهه  
 ترمه از جانب سنی ابجوانب ملوکانه حسب الاشارة  
 بعالیجاه مشارالیه خلعت مرحمت شد که ریب  
 برود و دوش مفاخرت و بیامات خود ساخته  
 بیش از پیش در انجام خدمات محوله بخود جا به  
 وساعی باشد و چون خود مشارالیه متقبیل  
 و متعهد پیشکش گردید اولیای دولت علیه تمامی  
 معادن مس و غیره صفحات سبزوار را بشمارایه  
 واکذا کردند که هر چه منافع و مداخل حاصل  
 شود بخود او عاید گردد و احکام منوکه منجذ و در  
 این باب نوشتند که در صفحات سبزوار  
 بدون اذن و اجازت کسان مشارالیه احد  
 به احسنه در امر معادن آنجا نماید و در سایر

جایها نیز هر جا که مباحترین و کسان او سراغ  
 معدن بکنند و خواسته باشند کار نمایند  
 احدی مانعت نگردند از احکام و ضوابط آنچه  
 لازم است و تقویت است بعمل بیاورند  
 است که بعد ازین امر معادن در تمام ممالک  
 رواج و انتشار یابد و فزاید آن عاید دولت  
 و رعیت گردد  
 این اوقات که دهنه عاشور انزدیک است  
 و از اختلاف و رتبه و مدارک سبتن تکلیف و غیره  
 داری جناب سید الشهدا میباشد

۱۵۱۳

### سایر ولایات

اوربايجان درین هفت ازین ولایت  
اخباری نرسیده است که در روزنامه نوشته شود

### استرآباد

ازین ولایت نیز اخباری نرسیده است که نوشته شود

### اصفهان

ازین ولایت نیز اخباری درین هفت نرسیده است

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند کمال  
انتظام در امور آنجا حاصل و بجهت ابد نهایت

فراوانی و ارزانی است و قیمت بر خیز از مالکولای  
و غیره نسبت بق تزل کرده است فقر و ضعیف

از این جمله کمال دعا کونی و شکر گذاریر دارند

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده و اب  
حشمت الدوله که وارد اصفهان شده اند در روز

ورود جمیع اشراف و اعیان و اعزّه ولایت باستقبال  
آمده اند و نواب مغزی الیه کمال التفات بانها نمود

و بعواطف اولیای دولت علیه امیدواری تمام داد  
و هر یک از مباحثین و کارگذاران دستور العمل

و طریق تسکین خود را مطابق غرایشات نواب مغزی  
دانسته مشغول انجام خدمات محوله بنحو در دیده اند

و همچنین در نظم حفظ و حراست شهر و محلات و قراول  
بعد از ورود و قرارهای درست داده اند از جمله باچها

ساعت از شب رفته هر کس از قراولها عبور نماید  
بافانوس یا بی فانوس متعرض نشوند مگر کسی که سب

کرده و شرارت نموده باشد بکینند و بعد از چهار ساعت  
هم اگر کسی با فانوس میگذرد و مزاحمت نرساند و اگر

بی فانوس است قراول او را نیز دسترنک فوج سوار  
و معلوم نموده روزنامه بکنند اگر شرارت تبیه شود

و الا مخص نمایند و همچنین در نظم افواج متوقف اصفهان  
از توپچی و سرباز قرار داده اند که هر روزه از طلوع

صبح صاحب منصب تا بین در میدان حاضر شده تا دو  
ساعت مشق نمایند و دو ساعت بغروب مانده نیز

سربازان و سربازان و جمیع صاحب منصبان در میدان  
حاضر شده تفنگ سربازی بدست گرفته مشق میکنند

و بجهت تسوین اهل نظام بعضی روزها را خود نواب  
سربازان آنها حاضر میشوند و همچنین در انتظام طرق و شوارع

الترام از ضابط و مباشر هر بلوک گرفته اند که هر  
خاک خود را محافظت نمایند اگر صرفت اتفاق بنقید

سارق را حکما بدست بیاورند و الا از عهد عجم  
اموال مسروقه برآیند و در عرض راه در هر جا که لازم

بوده است از سواره افشار و غلامهای جمعی عاجز  
ایاز خان قراول و قراولان مشخص و مأمور نموده

که مشغول حفظ و حراست طرق و شوارع باشند که عابر  
و سربازان با اطمینان و خاطر جمعی عبور و مرور نمایند

و همچنین در باب روزنامه شهر و بلوک و توابع  
روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

روزنامه شهر و بلوک و توابع

دیگر نوشته بودند که قبل از ورود نواب حشم الدوله  
 با صفهان چهارصد تومان از خانه که خدای محکم <sup>ایجاد</sup>  
 سرقت کرده بودند داروغه و که خدایان در صد  
 تلفض برآمده و منطقه در در اسخر ابر برده تخواه  
 مرزبور را در اینجا از زیر خاک پیدا کرده بحضور <sup>نواب</sup>  
 معزی الیه آورده بصاحبش تسلیم نمودند و مکان  
 این سرقت به رجعی نامی بتا میرفت است او را  
 گرفته مجوس دارند تا حقیقت معلوم شود

**بروجرد و بطام**

ازین دو ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است  
**خراسان**

از قراریکه در روزنامه ارض اقدس نوشته بودند  
 در محله عیدگاه منزل ملا حسین نام حفر آتش گرفته  
 و متاسفانه هر قدر خواسته بودند خاموش کنند  
 ممکن نشد بود از آنجا سربت کرده یک اطاق نشین  
 و یک باب دکان که متصل با آنجا بوده است آتش گرفته  
 و از آنجا بنجانه مسایه آن حفر آتش افتاده مردم  
 مشغول خاموش کردن آنجا شده بودند درین  
 بین بعضی اسباب که از شخصی شرفان و بعضی <sup>سایه</sup>  
 دیگر از زواری سبقت رفته بود در خانه آن <sup>میش</sup>  
 حفر یافته بصاحبان تسلیم نمودند و آتش را خا  
 کردند با اینکه خانه او دکانین اطراف اغلب خوب  
 بوده است سربت بجای دیگر کرده بود

دیگر نوشته بودند که درین اوقات چند خانوار از  
 طایفه هزاره بشهر نوآمده ریش سفیدان آنها بحضور <sup>نواب</sup>  
 مستطاب شاهزاده محترم و الا تبار فرما نفرما حکمران  
 مملکت خراسان آمده مورد التفات گردیدند و  
 امیدواری تمام بجایات اولیای دولت علیه صل  
 کرده خلعت و الغام با آنها داده شده مقضی المرام  
 بشهر نورفتند سایر طوایف هزاره نیز بعد از استماع  
 التفاتی که در حق آنها که بشهر نورفته اند شده است  
 بمیل و رغبت خود دسته دیگر باز بشهر نوآمده و ریش  
 سفیدان آنها نیز شرفیاب خدمت نواب معزی الیه  
 و مورد التفات گردیدند

دیگر نوشته اند که در ب صحن جدید که از طرف خیابان  
 دکانین متصل دیوار صحن را مقرب الخاقان وزیر  
 نظام گفته بود که خراب کرده از نوب سازند پی  
 دیوار را که بر میداشته اند خمره پیدا شده بود  
 مقرب الخاقان مشارالیه مطلع شده چند نفر آدم  
 فرستاده بود خاک اطراف خمره را برداشته در  
 او را کشوده بودند از قرار مذکور پراز خاک بودند  
 و غیر از خاک چیزی دیگر نداشتند  
 در باب شایباف خانه ارض اقدس نوشته بودند  
 چون تا پارسال قرار بدعی دیوانی نداشتند  
 پارسال مباشرین جمعی با آنها بسته و تخواهی <sup>حوله</sup>  
 کرده و گرفته بودند در بنده اسنه محض رفع بعت

۱۵۱۵

دیگر نوشته اند که بهروز نامی از اهل لیراوی بهبهان  
 که در یکی از قرای حیات داود ساکن و بدزدی و ریزش  
 مشهور بود و عالیجاه دریا یکی اتمام داشت که او را  
 دستگیر کرده شش را از سر مردم رفع نماید در  
 اوقات مشارالیه بغزم دستبرد منزل میرزا ابراهیم  
 نویسنده دریا یکی که در حیات داود حاکم است رفته  
 بود یکی از بلوچهای مستحفظ او را دین تعاقب کرده بود  
 در خارج آبادی باورسیده بجز و زرد و سه زخم کار  
 باور زده و بلوچ نیز در زخم شمشیر بهروز زده اهل  
 آبادی خبردار گردیده بهروز را گرفته بودند عالیجاه دید  
 بعد از اطلاع نوشته بود که بهروز را به پو شهر بفرستند  
 از فرار مذکور زخم هرد و کاری است معلوم نیست  
 کدام یک رود تر خواهند مرد از فرار روزنامه که  
 در ثانی رسید زخم بلوچ مستحفظ التیام پذیرفته  
 و خوب شد و بهروز بهان زخمها در گذشته روان  
 دیار نیستی کردید

دیگر نوشته بودند که در این اوقات عالیجاه دریا یکی عالی  
 محمد باقر خان سر بنک فوج فریدن و محمد کریم خان یاور  
 بایک سلطان و یک سینه سرباز بجزیره خارک گشتند  
 و قرار داده است که قلعه انجرا را هر چه تعمیر لازم داشته  
 باشد کرده مشغول حفظ و حراست انجا باشند و  
 یک عماده توپ شش پوند و پنج قبضه جراب و بقدر  
 لزوم قورخانه با توپچی و قورخانچی متعاقب آنها روان

۱۵۱۶

جزیره مزبور کرده است  
**قسم و قزوین** از این ولایات نیز درین هفته  
 روزنامه نرسیده است

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند درستم  
 ماه ذیقعد ز قوار زیاد از بلده و بلوکات کرمان  
 ارض اقدس روانه شده بود

دیگر نوشته بودند که عالیجاه مقرب الخاقان شجاعی حاج  
 سرتیپ هر روز در میدان بیرون شهر سربازان  
 خود را مشق میدهد و کمال اتمام در مشق و انتظام امر آنها

دارد

### کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته بودند شخصی  
 که بدزدی مشهور بود و در سنواة قبل در دار اسخلافه  
 کرده و یک دست او را حکم اولیای دولت قاهره در  
 طهران قطع کرده بودند در این اوقات در کاشان نجاش

ضعیفه رفته و دو بچه رخت زمانه بسرقت برده بودند  
 محمد حسن خان حاکم کاشان فرستاده او را دستگیر  
 سر و قدر امته و تسلیم ضعیفه مزبور نموده او را بعد از  
 مضبوط اخراج بلد کرده التزام گرفته بود که او را هیچیک از

بلوکات و بلده راه نهند  
**کرمانشاهان** و **کردستان** و **کروس** و **کلیان**  
 و **مازندران** و **نهاوند** و **همدان** و **یزد** ازین ولایات نیز درین هفته  
 اخباری نرسیده است

۷

و حصول دعای خیر بجهت ذات اقدس هانیون  
 شاهشاهی مقرب انخاقان وزیر نظام بعضی نواب  
 شاهزاده رسانده و نواب معزی الیه حکم داد  
 که نوشته شده و در سنگ کده نصب نمایند  
 که بعد ازین دیناری دجنه از صنف شال باف  
 مطالبه نشود که آسوده خاطر مشغول کسب خود و  
 کوئی ذات اقدس هانیون باشند  
 حمزه و خوانار و کلیایکان و غیر  
 و عراق سلطان آبا و ازین ولایات  
 نیز درین هفته اخباری نرسیده است که در روز  
 نوشته شود

### فارس

از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بود  
 چون عالیجاه دریا بیکی در انتظام امور آن صفحات  
 و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را  
 ظاهر ساخته بود لهذا نواب مستطاب شاهزاده  
 و الایبار مؤید الدوله طماسب میرزا حکمران مملکت  
 فارس یک طاقتشال کشمیری و یک ثوب قبا  
 یک قبضه کار و مرصع تجبه مشار الیه خلعت فرود  
 و مشار الیه نیز لوازم اعزاز و احترام خلعت را در  
 روز و در دجله آورده با امانی و اعیان آنجا  
 استقبال کرده و نهایت دکر می با تلفات اولیا  
 دولت علیه هم رسانده مشغول انجام خدمات محوله

### سجود پناشد

چون از جانب اولیای دولت قاهره بعالیجاه  
 دریا بیکی حکم شده بود که دیوار حصار شهر بوشهر  
 که نسبت دریاست باز و عالیجاه مشار الیه در  
 دویم ماه ذیقعد بنا و عمله بکار انداخته و شروع  
 ساختن آنجا نموده ابتدا از برج سحری تا برج اول  
 که جنب برج مزبور است شد و قرار شد که بهین  
 برج سرج دیوارش را بنام چهار برج دیوار  
 متصل شود و تا مسج شهر مزبور دیوار حصار از برج  
 سحری الی برج اول از قرار یک مایه و یک کرده اند  
 از شالیده تا سه ذرع ارتفاع ساخته شده است  
 و آنچه ساخته اند در کمال خوبی و استحکام است  
 و از فرار یک نوشته اند در ماه ذیحجه بنا بوده است  
 که شروع ساختن جان پناه نمایند و عالیجاه قریبا  
 سعی و اهتمام زیاد دارد که بزودی حصار چهار  
 برج متصل شود

عالیجاه مقرب انخاقان محمدا برهیم خان سیرت  
 با فوج سه ده اصفهان در یازدهم ماه ذیقعد  
 وارد باغ لیل که یکفرسخی بوشهر است شده و عالیجاه  
 دریا بیکی او را استقبال نموده و در روز و در  
 وارد بوشهر کرده تمامی نوکرهای دیوانی با توپخان  
 و فوج فریدن در روز و در استقبال رفته لوازم  
 احترام او را بجل آورده اند

۱۵۱۷



تاکید اب اکیده نموده اند که همه روزه که خدایان  
 و تابع اتفایقه را بت و ضبط نموده نواب معزی  
 از جزئی و کلی امورات استحصار بدمند و نیز جازتی  
 ببازار انداخته جازده اند که در هر هفته دوروز  
 خود نواب معزی الیه بعراض و مطالب عموم الی  
 آنجا رسیدگی می نمایند از عالی و ادانی هر کس  
 عرض و مطلبی داشته باشد بی مزاحمت در بان و غیره  
 آمد عرض نماید و در سایر ایام هفته هر کس مطلبی داشته  
 باشد بدیوانخانه حاضر شد عرض بکنند کار گذاران  
 دیوانخانه مطلب او را نوشته بعرض نواب معزی الیه  
 برسانند تا حکم آن بشود و همچنین در تعمیرات و آباد  
 عمارات دیوانی تاکیدات اکیده نموده اند و بنا  
 بنجار و تجارت مشغول کار میباشند و در تعمیر عمارات  
 جدید و پل خاجو و عمارت جدید هفت دست اهتمام  
 نموده اند که زود با تمام برسانند و همچنین در بنا  
 محاسبات دیوانی بدهیها و انجام قسط مالیات  
 و قرارداد امور رعایا و تشخیص بقایای دیوانی بجا  
 میرزازکی سفارشات بلیغ شده همه روزه با  
 مستوفیان و سررشته داران در دفترخانه  
 انجام خدمات محوله بجا بوده هر عملی و حسابی که در  
 دفترخانه مشخص شد روز بروز عالیجاها مشارالیه  
 صورت آنرا خدمت نواب معزی الیه معروض داشتند  
 خود جزو سجز رسیدگی مینمایند

۱۵۱۸

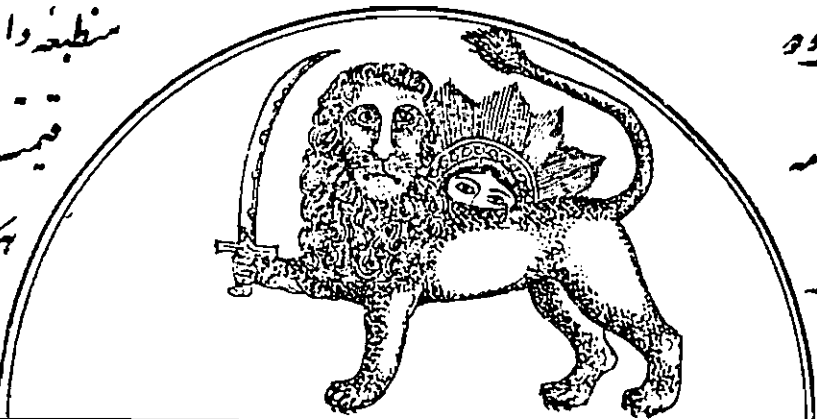
درین اوقات چند نفر از که خدایان و رعایای  
 بلوک ماریین در دفترخانه بزرگ عالیجاها میرزازکی  
 آمده مذکور داشته بودند که مادی حسینی چند سالت  
 که از خاک و گل انباشته شده یا زده قره که بیشتر  
 آنها خالصه دیوانی است از آب این مادی مشروب  
 میشوند اگر مادی مزبور تنقیه نشود مبالغه کلی بدیوان  
 و رعایا ضرر خواهد رسید مراتب بعرض نواب  
 حتمت الاوله رسید حسب احکام بقدر پنجاه ارد  
 تقسیم شد که مادی مزبور را تنقیه نموده زرافات  
 خالصه و اربابی را مشروب سازند و همچنین بجهت  
 تنقیه مادیهای کلیت و بلوک لجان عمده مشخص نموده  
 و سایر قوا خالصه و مادیهای بلوک بر آن ادم  
 فرستاده اند که باز دید کرده آنچه خرابی داشته  
 باشد مشخص بکنند که هر قدر عمله لازم بشود روان  
 نمایند که آنجا را تنقیه بکنند عموم رعایا و اربابان  
 اخلاک این مرسد زیاده شاکر و دعاگوی دولت  
 قوی کنت علیه میباشند

و بیکرجهت باز دید محصول شتوی و صیفی بلوکات و توابع  
 جمعی از که خدایان این را با اتفاق عالیجاها ن علی اکبر جان  
 و ابراهیم خان روانه نموده اند که از روی وقت  
 و امانت و راستی محصول آنجا را باز دید کرده  
 ثبت آنرا بد دفترخانه مبارکه بسیارند تا قوار آنها  
 بمقتضای عدالت داده شود

۵

روزنامه قایم انقاییه تاریخ یوم بیستم محرم سنه ۱۲۷۲  
امطاس سال اول سنه

نزهت و لذت چهره  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شبر



منطقه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خطی شبر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

**دارالخلافه طهران**  
در روز پنجشنبه شمس زینت محرم اعلی حضرت است  
همایون شاهنشاهی عزیمت زیارت بقعه قبر که امامزاده  
عبدالعظیم فرموده اول افواج قاهره و سواره نظام  
که در خارج دروازه دولت مشغول مشق بودند تماشا  
فرموده بعد از آن بجایگاه خانه که تازه در خارج دروازه  
دولت میازند تشریف فرما گردیده ملاحظه وضع  
و اسباب کارخانه مزبور را فرموده از آنجا بتوجه باغ  
نظامیه جناب جلالتاب اشرف امجد خیم صدر اعظم  
تشریف فرما شده مدتی تفریح و سیر آنجا فرموده  
و بعد از آن بزیارت امامزاده واجب العظیم تشریف  
فرموده و در آنجا مژده مبارک مبارک که سلطان  
معاودت فرمودند  
عالیجاه سید نور محمد شاه فرستاده جناب سردار کاند  
میر علم خان پسر مقرب الخاقان امیر قاین از کیفیت  
مورد القات خسروانی گردید

حکمران قندهار که با عرضیه و پیشکش بدر بار جهانگزار  
همایون آمده بودند چون در وقت ورود مشا را لیه  
که دویم ذیحجه بود و در نزهت ۳۳۴ این روزنامه  
شد موکب همایون شاهنشاهی در سیلابات تشریف  
داشتند مشا را لیه در مهاجخانه دولتی توقف داشتند  
تا بعد از ورود موکب همایون در روز ۲۸ ذیحجه  
که اعلی حضرت شاهنشاهی باسلام عام داده بودند  
فرستاده مزبور مشرفیاب حضور مهر ظهور و عرضیه  
دیشکس او معروضه سینه سلطنت شده  
مورد القات خسروانی گردید

از قراریکه در این اوقات عرضیه امیر قاین معروضه  
حضور همایون گردید سید سوار افغان بغرم باخت  
قایمات آمده و بسجه طلسم گذشته بودند عالیجاه  
میر علم خان پسر مقرب الخاقان امیر قاین از کیفیت  
سلطان

۱۵۱۹

شده با جمعیت و استعداد با آنها مقابله نمود و طرز  
 جنگ در پیوسته از اقبال بیروال سرکار اقدس  
 هایون شاهی جمعیت میر علم خان غالب آمد و چهل  
 تیره سر و چهل نفر زنده از افاغنه مرزور دستگیر  
 بقیه السیف مخدولاً و منکوباً سرخویش و راه فرار  
 پیش گرفته هم در روز شنبه ۲۸ ذیحجه الحرام  
 که اعلیحضرت شاهی در دیوانخانه بزرگ با سلام  
 عام داده بودند عریضه شارالیه و اصل و معروض  
 پیشگاه حضور هایون گردیده مواری یکثوب جنبه  
 بجهت مقرب انخاقان امیر قاین و یکثوب جنبه ترمه  
 کرمانی و یک قطعه نشان از مرتبه دویم میر سپی  
 حق عالیجا میر علم خان حجت شد  
 در روز پنجم سلخ شهر ذیحجه الحرام حسن یکادم  
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان وارد  
 خبر فوت مرحوم شارالیه را آورد که در ماه ذیحجه  
 بر حمت ایزدی پیوسته است از اینکه شارالیه از  
 عمده چاکران این دولت علیه و بکمال کفایت و کمال  
 موصوف و مصدر خدمات کلیه بود اعلیحضرت اقدس  
 هایون شاهی و جناب جلالت مآب امجد محسن  
 صدراعظم از فوت او بسیار تأسف خوردند  
 و فرمان مهر لعلان هایون مبنی بر اظهار رحمت و  
 عیال بکل اولاد و بازماندگان آن مرحوم شرف صدور  
 یافت تا بعد از عاشورا و فراغت از ایام تعزیه دار

۱۵۲۰

در حق هر یک مرتعی مخصوص بنیاد

نظر با همت مآتی که از مقرب انخاقان میرزا ابوالحسن  
 شیر الملک در وصول قسط دیوان و محاسبات  
 و معاملات فارس در پیشگاه حضور هایون واضح  
 لایح گردیده بود لهند درین اوقات از جانب  
 اقدس ملوکانه یکثوب جنبه ترمه مقرب انخاقان شارالیه خلعت حجت  
 و ارسال گردید

چون اعلیحضرت اقدس شاهی زاویه معده  
 حضرت امامزاده عبدالعظیم را برای مظلومین بست  
 قرار دادند که ساینکه پناه بان زاویه مقدم برده  
 هر هفته عریض ایشان بتوسط نواب شاهراده علی میرزا  
 بنظر مبارک اعلیحضرت شاهی رسیده و از نظر  
 جناب جلالت مآب اشرف امجد محسن صدر اعظم  
 گذشته حکم هر یک صادر گشته بعد از زیارت حکام  
 که بتوسط نواب شاهراده علی میرزا بانها رسیده  
 هر یک باز درست مانده بیرون نیامده یاد انخاقان  
 بنای کسب را گذارده باشد البته مورد مواظبه  
 خواهد شد

در این اوقات که دهنه عاشورا و ایام تعزیه دارگی  
 سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء میباشد  
 حسب الامر اقدس شاهی عسوم چاکران در  
 هایون از نظام عنسیر نظام از التزام خدمت در  
 رخصت و معاف اند که به نکایا و جایهانی که مجلس تعزیه

داری جناب اباعبدالله الحسین علیه السلام برپایه رفته اوقات راضف تغزیه داری و دعا کونی ذات اقدس بیا یون شاهنشاهی نمایند تکیای دوتی ارک مبارک سلطانی و سایر تکیای شهر خوب بسته اند و درین سال بیشتر و خوشتر از سال دیگر تکیا بسته شده است و نشاء السبب انیت و وفور جمیعت درین عهد ابد مقرون سال بال زیاد تر خواهد شد چنانچه امسال در چه نیکه و مسجده و جایهای دیگر که تفصیل آن نوشته خواهد شد مجلس تغزیه داری و روضه خوانی بر پاست خاصه در کتبه دولتی ارک مبارک که صفتها و طاق نماها و ایوانها مشحون با انواع نفایس از قبیل شالهای کرابهها و بلورالات میباشد و شبها چراغانی خوب میشود و با کمال سکوه و زینت و صفا و آسکی بسته شده است و هر روزه اعلیحضرت شاهنشاهی بجهت حصول ثواب تشریف فرمای آنجا میشوند و از امنای دولت علیه و شاهزادگان عظام و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین کرام و عسوم چاکران در بار چشم و قاطبه ناس زکورا اناناکبیر اصغیر از زیاد و در آنجا نموده مشغول تغزیه داری و دعا کونی مباشند جناب امجد اشرف الفخیم صدر اعظم علاوه بر کتبه دولتی شبها را هم در عمارت باغ	مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت جناب اباعبدالله دارند و در برش جمعی از علما و سادات و اشرف واعیان و بعضی از معارف چاکران در بارهای مخصوصا دعوت نموده بعد از ذکر مصیبت و صرف شام و قهوه چون در کتبه دولتی چراغانی و می شود با بنجارفته اوقات راضف تغزیه داری و حصول دعا کونی ذات اقدس بیا یون دارند درین اوقات که چند روزی با دل میزان مانند هوای دارالخلافه طهران کمال اعتدال را می بینند و صولت کربابگی شکسته است و با وصف از و جمیعت تغزیه داران در تکیا و مساجد و مجلس تغزیه کسی از گرما و حرارت متالم نیست و از صدمات گرمای تابستان فارغ و آسوده مشغول تغزیه مباشند دیگر مسجد الدین اوقات در دارالخلافه طهران و نور نعمت و کمال فراوانی و ارزانی است و چهره از ماکولات و میوهجات و آذوقه و جو بات غیره فراوان است و عسوم خلق در زمین رفا و امنیت آسوده فاطر مشغول تغزیه داری و دعا کونی ذات اقدس بیا یون شاهنشاهی میباشند و با وجود کثرت خلق در تکیا از اعدای شرارت و هرزگی ظاهر نمیکرد و صد از کسی باندنی شود مگر در ذکر مصیبت جناب سید الشهدا علیه السلام
--	---

۱۵۲۱

سایر ولایات

اذربایجان و استراباد و سایر ولایات درین هفته نیز اخباری رسیده

اصفهان

از قرائیکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند بواسطه استیضاح هراده والا بتا حمت الدوله حکمران

اصفهان در انتظام امر ولایت و اسودکی تو کور و کمال مراقبت را دارند خاصه در امر نظام که بسیار و توپچی متوقف اصفهان راهه روزه بمشق حکم کرده

و بعضی روزها خود بس مشق آنها حاضر میشوند و درین اوقات یکروز چهار عراده توپ بجهت تیراندازی بر تخته فولاد برده خود نوا محبتی الیه یک تیر را

فراول رفته نشان زده بودند بعد از آن عالیجاه هاشم خان سر تنک نیز یک تیر فراول رفته نشان زده بعد از آن توپچیان مشغول مشق تیر اندازی گردیدند

تا نزدیک بغروب مشغول بوده اند

دیگر نوشته بودند که یازده عراده توپ که از دریا بمایون مامور بندر ابوشهر بود در بیت پنجم دلیقه وارد اصفهان گردیده در میدان نقش جهان در

سر توپخانه چادوزند نواب هراده مقرر فرمودند که بعضی چوبهای چرخ و عراده توپخانه که در عرض راه سنگینی بهم رسانده بودند ساخته و تعمیر شوند و شش روز

نیز توپچیان مامور در آنجا توقف داشته بعد از آن

کار روانه مقصد گردیدند و نوابش هراده حکم نمودند که در هر یک از منازل سیوریات آنها را تا از خاک اصفهان بیرون بروند و بماتیرین کاری نمایند

دیگر تسخیر اجناس اصفهان را که نوشته بودند در ماه ذیقعه از اینقرار بوده است

نان پکین بوزن	کوسب بوزن	برنج	روغن
حاصه	الغن	الغن	صنک

سجود	حدس	جو	کدم
سجود	حدس	جو	کدم

بر وجود و بطام و خراسان حمت و دارا و سمنان ازین ولایات نیز درین هفته اخباری ترسیده است

عراق سلطان آباد از قرائیکه در روزنامه عراق نوشته بودند مقرب انخاقان میرزا حسن خان بتامی بلوکات عراق گردش نموده و بکار رعایا بواسطه

عوزرسی و دقت تمام کرده است و در دانات هیچ جا سیورسات و اخراجات مکرفته و جمیع اخراجات از شهر نوبجل مال خود برداشته است و هر یک از

عمال و مباحثین که نسبت بر عیت نقدی کرده بوده است او را معزول نموده و اگر چیزی از عینت بهم گرفته بومه است مسترد و بصاحبش تسلیم و هر یک از

عمال و مباحثین که بارعایا بکد خدمتی حسن سلوک رفتار کرده در رعایا از اراضی بوده اند او را نوازش

نموده باز کاگان در سر شغل و عمل خودش برقرار کرده است و رعایا از این جهت کمال شکر گذاری و دعا گوئی را داشته اند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان شارالیه در بنا سلوک مباشر و نایب و تحصیلدار بار عایا چند فتره قرار داده و حکم بهمه بلوکات فرستاده است که باعث رفاه و دعا گوئی رعیت است از جمله نایب که بدعات ابو اجمعی خود میرود و قربانی کشتن جلور و رسوم قربانی و رسوم سفرد و رسوم فرایش و موقوف و مطلقا از رعیت مطالبه نشود و دیگر بر آن که بر حسب امر اولیای دولت قاهره ممنوع است موقوف باشد اگر عمرتی تقصیر کند نایب باندازه تقصیر او را تنبیه نماید و دیگر خدمتانه آدم نایب که بجهت آوردن مقصود یا اخبار مالیات یا اجبار بر آن و ازین قبیل کارها مأمور بشود از یک هزار دینار تا یک تومان مجوز باشد و نایب باندازه آن در حکم جنون و اگر معلوم شود که زیاده از یک تومان در کارهای عمده خدمتانه گرفته اند مواخذ باشند و دیگر هر وقت نایب بجهت وصول مالیات یا خدمت دیگر از خدمات دیوانی بلوک برود باید بهمه جهت از آدمهای خودش و ارباب رجوعی که با او کار دارند زیاده از ده سوار شب و هیچ دهی نمانند و سکار هم بدعات نزنند و اگر از رعیت غیر از زمان و کوشش

و جو و گاه زیاده از قبیل روغن و برنج و قند و چای و عنبره بخواهند رعیت مازون است که ندهد و آمده بجایم حالی نماید و دیگر دعاوی کهنه سنوآلی که مردم با یکدیگر داشته باشند نایب در آن مله کند بیایند در شهر در حضور حاکم شرع با اطلاع حاکم بگذرانند و دعاوی ایام نیابت خود نایب با او باشد که رسیدگی کرده بروفق عدالت رسان آنها حکم نماید و دیگر مالیات دیوانی را بقسطی که معین موافق دستور العهل دیوانی از رعیت دریافت کنند و قبض بدهند اگر بی قبض بخواهند خواه بکیر بد رعیت مازون است ندهد و آمده بجایم اظهار کند

### عربستان

از قراریکه در روزنامه محمده نوشته بودند نواب امیرزاده ابراهیم میرزا حکمران عربستان در امر ولایت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل دارند و عالیجاه حاجی محمد علی مستوفی عربستان را درین اوقات مأمور بیدین سان مهربار و نوبت و نوکر بلوچ مأمور خدمت محمده کرده بودند که با اطلاع عالیجاه میرزا ابو الفضل سان آنها را بدقت بدین طومار پامبهر گرفته بنزد نواب معزی الیه بفرستند که روانه حضور نواب مستطاب احتشام الدوله نماید

چون هر ساله در اوایل تابستان دوازده هزار بجهت

شدت جزو تدویر یا آب از سایر فصول بیشتر  
 طبعان دارد درین سال سنگا مدد دریا آستان  
 بالانده بود که بازار و دکانهای محرمه را در یکدیگر  
 اخرا لا مربسی و استمام عالیجاه میرزا ابو الفضل اعراب  
 اطراف ایلیجاری کرده بچوب نخل و خاشاک جلوه  
 آب راستی محکم بسته و مردم آسوده شده  
 دیگر نوشته اند که در ماه شوال هوای محسره شدتی  
 گرم شده بود که نیم ساعت از روز بالا آمده  
 قدرت بیرون آمدن نداشت اکثری از سربازان  
 و نامورین و امانی محسره مبتلای بههای حاره و  
 امراض مختلفه شده بودند چند نفر از توپچی و سربازان  
 و کسان عالیجاه میرزا ابو الفضل فوت شدند و  
 مستطاب احتشام الدوله طبیب فرستاده و مقرر  
 داشته بودند که مرخصها را مداوا نموده خارج و  
 غذا بدهند و عالیجاه میرزا ابو الفضل حسب احکام  
 اهتمام در پرستاری آنها نموده بود  
 دیگر نوشته بودند که چون سابقا شربازان و توپچی  
 مامور خدمت محرمه همه روزه صبح و عصر مشغول مشق  
 بودند در اوقات گرمی بواسطه شدت حرارت آفتاب  
 مشق کردن صعوبت تمام داشت و از مشق صبح بصر  
 صبحها را مشق می کردند  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه آقا حسین غلام پیشخدمت

نواب مستطاب احتشام الدوله که عامل فرعون  
 مطاعه و خلع مرمیتی از دربار جهاندارها یون بخت  
 نامورین خدمت محسره بود در رفت و روده  
 عالیجاهان میرزا ابو الفضل و شیخ حاکم خان فتح  
 خان یا و با سایر اعیان و اشراف با استقبال  
 شامته لوازم توقیر و احترام خلع و شمع رعب  
 آورده زینت میکرد معاشرت خود نموده  
 دیگر نوشته بودند که در سال گذشته چهل نفر کوک  
 بلوچ در بند محسره مشغول خدمت بودند درین  
 سال نواب مستطاب احتشام الدوله حکمی فرستاده  
 بودند که عالیجاه میرزا ابو الفضل از بلوچهای سابق  
 و لاحق بقدر رسیدن نفر جمع آوری نماید تا حکم ثانی  
 در باب مأموریت آنها برسد و تا این اوقات بقدر  
 و ولایت نفرات آنها جمع آوری شده است

### فارس

از فراریکه در روزنامه فارس نوشته اند نواب  
 مستطاب شاهزاده و الا تبار مؤید الدوله حکمران  
 مملکت فارس بقانون معهوده مشغول انتظام امر و  
 در فاه حال نوکرو رعیت و انجام خدمات دیوانی  
 میباشند و در چهارم ماه دیقعد بعزم شکار  
 روزه شکارگاه در کوک بیاغ نونقل مکان کرده  
 چون تکسر مزاجی بهم رسانند بشهر معاودت  
 در یوم یازدهم ماه مزبور که خلعت مطلقیت مایون

۱۵۲۴

شاهشاهی بر تو وصول افکنده بود کمتر مزاج تو است  
 معزنی الیه - رفع شده با جمیع حاکزان دیوانه  
 و اعظم و عالی و اعیان و مالی با استقبال  
 همایون شتافته لوازم توقیر و احترام <sup>مغلول</sup>  
 و در باغ نوحهت همایون رازیب پیکر مبارک  
 نموده بعد از تقدیم مبارکباد و صرف شربت و  
 شیرینی بشهر جمعیت کرده اند  
 و همچنین خلعت مقرب انخاقان <sup>ملک</sup> میر علیخان شجاع  
 نیز در همان روز بر تو وصول افکنده رزیب برد  
 و دشش مفاخرت و مباحث خود نمود  
 دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده مؤید الدوله  
 بصواب دید مقرب انخاقان حاجی قوام <sup>الملک</sup> الملک  
 یکبار حوزار غله مقرر داشتند که حمل شده به شهر  
 برده تحویل عالیجاه میرزا حسنعلی خان دریابگی  
 نمایند که در انبار آنجا بجهت اذوقه مأمورین <sup>صنعت</sup>  
 نماید و هم در آن اوقات حکم نمودند مقرب <sup>انخاقان</sup>  
 میر علیخان شجاع الملک سیصد نفر سرباز <sup>سوار</sup>  
 روانه لار نماید و حسب الامر سربازان نور <sup>آورد</sup>  
 دیده روانه نمود  
 دیگر نوشته بودند که صید ابراهیم نام دزد  
 مشهور که بکرات سرقت کرده و بلبغهای مختلفه  
 رسیده بود باز متنبه شده مشغول سرقت

و شرارت بود ایند فقه دستگیر گردیده نوشت  
 معزنی الیه مصلحت در اعدام او دیده او ریاست  
 و مردم را اجنابت او آسوده کردند  
 دیگر نوشته بودند که نوز الدنام <sup>کسوفی</sup> دزد مشهور  
 در اوقاتی که نواب مؤید الدوله حکومت کرمان <sup>افرا</sup>  
 بودند در قلعه علی آباد را جمعیت از اشهرار و قطاع <sup>الطریق</sup>  
 بدو رخود جمع کرده و یک لوله توپ چو دنی هم <sup>باجا</sup>  
 گذاشته علی رؤس الاسهاد راههای کرمان و  
 فارس را میزد و مال قوافل را میبرد نواب <sup>عسکری</sup>  
 از سمت کرمان جمعیت را با استیصال آنها مأمور نمود  
 سارقین تاب مقاومت نیاورده فرار کرده بودند  
 مأمورین قلعه را که محکمه آنها بود و عالیها سا <sup>فلهما</sup>  
 نوز الدنام باز در جاهای دیگر مشغول سرقت  
 شرارت بود تا در این اوقات دست اجل بر  
 قهای او زده کوفت بشیر از او رده بود و بفرود  
 در بین مباحثه با مشتری نماز کرده نیز مقرب <sup>انخاقان</sup>  
 حاجی قوام الملک آمده بودند نواب شاهزاده <sup>مطلع</sup>  
 گردیده فرستاده مشار الیه را دستگیر و حکم  
 بجهت او نمودند تا بعد بسزای اعمال خود برسانند  
 دیگر نوشته بودند که درین اوقات اجناس و  
 ماکولات فارس نسبت سابق بسیار تنزل <sup>کرد</sup>  
 و هر چیزی و فور بهم رسانده است و سجد <sup>الدهنات</sup>  
 فراوانی و ارزانیست و مالی آنجا کمال شکر گذار <sup>را دارند</sup>

۱۵۲۵



دیگر از قراریکه نوشته بودند نواب امیرزاده عجب‌قلی  
در صفحات لاریستند و امور انجرا را هرچه منظم  
مضبوط دارند و از تفکیک لاری مجذود است  
نفر نیز بجهت مستحق بنده عباسی فرستاده

دیگر نوشته بودند که دو بند از بلوک کربال را که  
موسوم به بند جهان آباد و بند خشک هستند  
برده و خراب کرده بود و بدین واسطه بجهت  
و صاحبان ملک و زمین کربال که همه شلوک کار  
و ایشان از بندهای مزبور بود ضرر فاحش روی  
داده مراتب را بعرض نواب مویدالدوله رسانیدند  
نواب معزی الیه اوم فرستاده بر آورد و خرابی  
انجرا را سه هزار تومان مشخص کرده بودند معرود  
که بنا دعله و تنخواه و اسباب با انجا فرستاده  
بندهای مزبور را در کمال استحکام سازد که رعایا  
انجا مشغول زراعت و عیسی خود بوده متفرق و پرا  
نشوند

عالیجاه علیقلی خان سرهنگ فوج فشار خرقانی که  
ما مور خدمت فارس بود در پانزدهم ماه ذیقعده  
با فوج وارد شیراز شده در پهلوی باغ نوارد  
زوه و در شانزدهم ماه مزبور فوج را در کمال  
آرامشگی و شکوه بحضور نواب مویدالدوله برده  
در میدان صف نظامی کشیده بودند نواب معزی  
انها را یکی یکی ملاحظه فرموده بعد از آن عالیجاه

عالیجاه علیقلی خان سرهنگ فوج فشار خرقانی که  
ما مور خدمت فارس بود در پانزدهم ماه ذیقعده  
با فوج وارد شیراز شده در پهلوی باغ نوارد  
زوه و در شانزدهم ماه مزبور فوج را در کمال  
آرامشگی و شکوه بحضور نواب مویدالدوله برده  
در میدان صف نظامی کشیده بودند نواب معزی  
انها را یکی یکی ملاحظه فرموده بعد از آن عالیجاه

حکم مشق با آنها داده با اینکه میدان مزبور چندان  
وسعتی نداشته است بطوری مشق کردند که اهل نظام  
همه تحسین نموده بودند چون نوشتجات و عرایض حکام  
و صبباط عرض راه که رسید انجا رکال رضایت

از معقولیت و نظم عالیجاه علیقلی خان کرده بودند  
که بسیار با قاعده و نظم حرکت کرده و سربازان  
بسیچوجه خلاف حسابی نموده بودند لهذا نواب معزی  
التفات زیاد به عالیجاه پشالیه نموده حلقه بجهت  
او فرستادند و مقرر داشتند که تهیته و تدارک  
خود را دیده بخدمت صفحات لاریستان روانه  
شوند

مقرب انخاقان عبداللخان صارم الدوله که در  
دارا بجد با فوج توقف داشت و بعضی از افواج  
او هم در شیراز و جایهای دیگر ما موریت داشتند  
نواب مویدالدوله مقرب انخاقان پشالیه را از  
احضار و مقرر داشتند که سرباز خود را جمع آوری  
نموده روانه دبار بایون شود

دیگر نوشته بودند که خرابیهای شهر شیراز را که تازه  
بنائی کرده اند بسیار خوب و باصفا تر از اول شد و فی الحقیقه  
شهر نوی کشته است و باز هم مشغول ساختن جاها هستند  
و هر چه ختمه شود در کمال استحکام و بهتر از بنای اول است  
قسم کرانمان و کروس و کروستان و  
کیلان و جهران و مرز دزین و ایلات نیز درین بنعمته

۱۵۲۶

۲۴۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم چهارم شهریور ماه سنه ۱۳۷۲

نزهت چیدرس

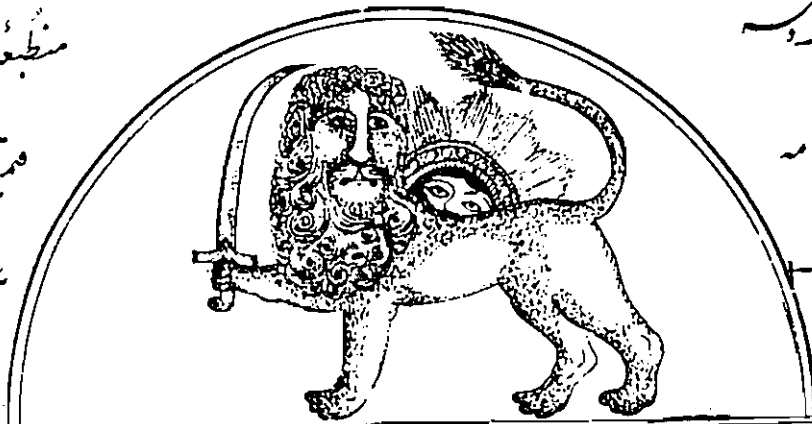
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

برخطریختر



## اخبار و خنده مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

چون برسانه از جانب دیوان اعلیٰ جبهه تعزیه داری  
جناب اباعبدالله حسین علیہ السلام در ونه عاشورا  
در میدان ارک چادر پوشش زده میشود اما سال نیز  
حب الامر اقدس هایدون شاهی چهارده فروردین  
که تازه مخصوص تعزیه در میدان ارک دوخته اند زود  
شده در روز نهم محرم الحرام تفراسنواست باقی  
اعلیٰ حضرت شاهی بکیه میدان ارک تشریف فرما  
کر دیده لوازم پیشکش و قربانی از جانب مغرب انجان  
عین الملک که ناظر کارخانه مبارکه و مباشران بکیه  
بعمل آمده شربت و قهوه در آنجا صرف فرمودند و از  
بجارت ارک جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم به  
فرمانگشته بهار را در آنجا میل فرموده بعد از ظهر از آنجا  
بکیه دولتی تشریف بردند چون از محلات و بعضی

دارالخلافه در روز نور تعزیه داران دسته دسته  
با ادضاع تعزیه داری در بگیه میدان ارک یاد بکیه  
دو لاله شرفیاب حضور مبارک میشوند از روز ارکا  
فی السابق از محلات و تکیای دارالخلافه از غریب و  
بومی اعلیٰ و ادانی با اسباب تعزیه داری بکیه  
آمد شرفیاب حضور مبارک گردیده و رسوم  
تعزیه و ایرایر بعین آوردند و از جانب سرکار اعلیٰ حضرت  
شاهی لازمه انعام و القات در حق مستحقین و آنجا  
لازم بود سبذول گردید و شب ششم و شب عاشورا  
سرکار اقدس هایدون شاهی همه تحصیل لوازم  
تعزیه داری و تفریح چنانچه بکیه دولت تشریف  
فرما گردیدند

چون از قدیم الایام در و محله دارالخلافه که عبارت  
از چال حصار و چال میدان باشد در روز عاشورا

جمعیتی شد اوضاع تعزیه را درین دو جا برپا  
 میکردند و این هر دو مکان جای مخزوبه و غیر  
 قابل بود امثال جناب اشرف اجمدار رفع مخم  
 صدر اعظم و جی از خود بجهت تعمیر میدان چال  
 و بنائی تمیبه در آنجا داده بودند با تمام عالیجا  
 محمود خان کلانتر میدان مزبور تمیبه بسیار خوب  
 و پاکیزه ساخته شده دوز تا دور میدان  
 مزبور را حصار و دیوار کشیده و طاق نما کرده و  
 صفتی است که در مرتبه اول بعضی از اعیان  
 و اشراف چادر میزنند و در دو مرتبه دیگر با  
 مردم می نشینند و استماع تعزیه داری و در  
 می کنند و در وسط تمیبه آب انبار بسیار بزرگ  
 خوب ساخته شده که بالای آب انبار مزبور صفت  
 و میدان بجهت تعزیه خوانهاست و این تمیبه در  
 دهه با تمام رسیده بود جناب اشرف ارفع صد  
 اعظم و جناب نظام الملک در روز ششم انجا  
 بتمیبه مزبوره آمد بسیار تعریف و تحسین و  
 محمود خان کلانتر نهایت التفات و نوازش نمود  
 و در روز عاشورا که در آنجا بنای تعزیه بود  
 از دحام عام جمعیت تمام شده مردم بخلاف  
 سالهای دیگر با کمال آرام و استراحت نشسته  
 بلوازم تعزیه داری جناب سید الشهدا و دعاگو  
 ذات اقدس عالیون پر و جنتند و بعد از اتمام

تعزیه داری آنجا اساس و اوضاع تعزیه را  
 محمود خان کلانتر و زکیخان که خدا بر دستها  
 دولت برده بقرار معمول مراسم تعزیه در ایراد  
 بعمل آوردند  
 از سنو آه سابقه بعضی رسومها و قانونها در کجا یاد  
 در تعزیه داری فیما بین عوام الناس مجال معمول و  
 متداول بود اقبیل شبیه سر بریده از مقوا ساختن  
 و مجلس آوردن و ساز و ثنی در مجالس تعزیه زد  
 و غیر ذلک از سکوته چیزها که شرعا و عرفا جایز و ممدوح  
 و علمای اعلام فتوی به تجویز و ترویج میکنند افعال و  
 اعمال میدادند امسال بر حسب فتوای علمای اعلام از  
 جانب سرکار علیحضرت شایسته ای امر و فرمایش بر  
 منع اینگونه حرکات کشته حب الامر موقوف شد  
 و اینجند سبب مزید دعاگوئی انالی و از اختلافه و کام  
 اهل ملت و مذمب کردید  
 گوی فقره مال مقرب انخافان ملک الکتاب از کرد  
 اسبکان او در کوچه افتاده و مفقود شده  
 بود سر بازان قرا و نخانه جمعی عالیجا و مخبر رضا خان  
 سریع پیدا کرده و نزد مشا را لیه او برده بودند  
 او هم سپرده بود که نگاه دارند تا صاحب معلوم  
 شود درین اوقات معلوم شد که مال مقرب  
 ملک الکتاب است او را و مقرب انخافان مشا را لیه  
 تسلیم نمودند

۱۵۲۸

سایر ولایات  
 اذربایجان و استرآباد و اصفهان  
 ازین ولایات درین مهفته اجاری رسید  
 بروجرود

از قراریکه در روزنامه بروجرود نوشته بودند لواء  
 مستطاب هزاره و الا بتبار حشام الدوله فوج لخواه  
 و لیجان سرتیب را احضار به بروجرود کرده و در  
 باغ شاه چادر زده اند و توپخانه مامور عربستان  
 هم از شهر خارج نموده روز بروز دسته دسته  
 سرباز را میبرند و مواجب آنها را رسیدگی نمایند  
 هر یک از سربازان که کارشان ناتمام است  
 نموده بانجام میرسانند که مسکنام حرکت ناتمامی  
 در کارشان نباشد

دیکر نوشته بودند که در ۲۱ ماه ذیحجه سرمای شدید  
 در بروجرود شده بود بطوریکه آب بخیل بسته و بسیاری  
 از زراعات شلتوک و جوزق و ماش و لوبیا  
 را سرما زده و بیافات انگور نیز ضرر رسانده است  
 زارعین از اغلب زراعات مایوس گردیده چنانچه  
 مگر زراعت شلتوک را که کمان داشته اند نصفه  
 عاید بشود و شب دیگر هم هوا سرد شده ولی  
 بدت اول نبوده است لاجد از آن هوا با عدال  
 آمده بود و در تاریخ مزبور از کرمانشاهان هم نوشته  
 بودند که هوا در آنجا نیز بسیار سرد شده بود

دیکر در روزنامه لرستان نوشته بودند که لواء  
 جلال الدین میرزا با فوج عالیجاه جعفر قلیخان ضدانند  
 و سوار دسته عربان و یار احمدی دسته خانجانشان  
 از الشتر حرکت کرده بسبت خاوه رفقه و امر  
 انتظامی کامل داده و نواب مستطاب حشام الدوله  
 تاکید نموده اند که امور کا کا و نذر اهرم نظم بند

دیکر نوشته اند که نواب غلام حسین میرزا که با  
 نفر دلفان و دولت نفر پشتکوهی و دولت نفر  
 والوند و سواره قاید رحمان دیکه عراده توپ  
 بهر تو و بالا کر لویه رفقه اند امور آنجا را نظام تمام  
 مشغول وصول و ایصال ولایات دیوانی نمایند  
 با اینکه ایلات مختلفه در آنجا هستند از احادی

خلاف بی ناشی و صادر نمیشود  
 خراسان  
 از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند که  
 امنیت و انتظام در امور آنجا حاصل است و نواب  
 مستطاب هزاره فوج و الا بتبار فرمانفرما حکمران  
 مملکت خراسان نهایت رسیدگی و اهتمام را در نظم  
 ولایت و آسودگی نوکرو رعیت دارند و از جاهای  
 که سابقا سی چهل نفر با حتماط میرفتند حال یک نفر  
 و دو نفر با کمال آسودگی و خاطر جمعی عبور و مرور  
 می نمایند

۱۵۲۹

شایسته ای بفقرا و مساکین زیاده اطعام جهان کرده اند

بر وجود و بطام و خراسان و خواف و دارالمز و عراق و عربستان ازین ولایات نیز درین مهفته اخباری رسیده است

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند عالیجاه محمد علیخان سرتیپ فوج تحفه قاپوی قراچیه در دویم ماه ذیحجه با فوج وارد شیراز شده فوج مزبور را با کمال اراستگی بحضور نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مؤید الدوله حکمران مملکت فارس برده بود ولی از قراریکه نوشته بودند

بقدر سیصد نفر از سرباز و صاحب منصبان و ناخوش بودند و بعضی ستم فوت شده اند نواب مؤید الدوله حکیم بجهت آنحال تعیین نموده خود سرتیپ مشارالیه همه روز با خاد و افراد میر رسیدگی نموده و آنها را اولداری داده برادر و معالجه و پرستاری آنها استمام زیاد دارد

دیگر نوشته بودند که محمدجعفر بیک چابار که محقق چابار خانها بود بحضور نواب مؤید الدوله آمد عرض کرد که کار و انسر ای خان خزه که در بیابان واقع و آب در آنجا کم یاب و قلبی آب در نزدیکی

کار و انسر بود که کفایت عابریین را نمیکرد در این اوقات که خواستم راه قنات اوراپاک کنم چهل ذرع بدین قنات مانده حوض بزرگ مثنی پیدا شد که از یکپارچه سنگ تراشیده اند و در وسط آن جاه عینی پیدا شده تا شش ذرع که پاک کردند و سوراخ ظاهر گردیده آب فواره زده حوض را پر کرده و جاری شد آبی بسیار کوراز دارد عابریین ازین نقره زیاده خوشوقت شده در رفاه هستند و دو قنات معتبر دیگر هم در آنجا پیدا شده است چنانچه آن قنات متقیه تعمیر شود علاوه بر اسودکی عابریین و متر دین زراعت کثلی در آنجا خواهد شد

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند مسجد جامع دارالسلام قزوین موقوفاتی داشت که واقف بشرایط چند وقف کرده و از داده بود که بمصارف موقوف علیه بر درین سنه و آنجا چند موقوفات ضبط کرده بمصارف خود میسر نماند و مسجد خراب شده و از رونق افتاده بود مقرب انجانان حاجی حسین خان و نیز قزوین از که ارشش مستثنی آدمی از خود کماشت که موقوفات آنجا را باستحضار جناب خود ملا حسن مجتهد ضبط نموده بمصارف موقوف علیه برساند چند روز است که بنا و عمده مسجد بزرگ انداخته آنجا را از وجه موقوفات خودش تعمیر نمایند

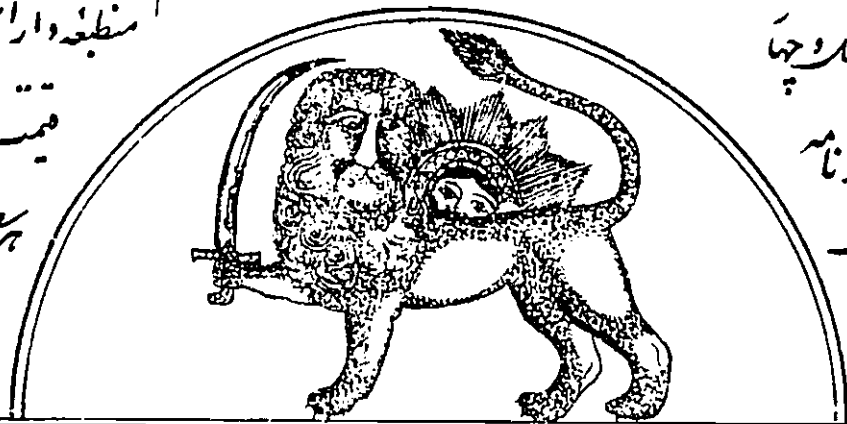
فم و کریمان و کیلان و کمر و کس و کمر و کستان و کرمان و نهماوند و همدان و میرزا زین و ولایات نیز اخباری رسیده است

۱۵۳۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج‌شنبه بیستم محرم الحرام مطابق با ششماه ۱۲۷۲

نزهت و تفریح و چها

قیمت روزنامه  
برنج و دیش



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنجاه

## اجبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت امیرالمؤمنین شاهنشاهی عزیمت تفریح و تماشای امیرآباد و آن اطراف را فرموده بعد از ظهر سوار شده و آن اطراف را گردش فرموده و هنگام شب اقیاب مبارک که سلطانی و مملکت عظمی را حجت فرمودند

رفتند و حضرت امیرالمؤمنین شاهنشاهی عزیمت چند روز توقف در آنجا دارند چون روز قبل مرحوم حاجی محمد نظام العلماء بر حجت ایزدی پیوسته بود جناب امیر از غم اختم صدر اعظم در روز حرکت مرکب مایون در سرسواری مجلس فاستخه خوانی مرحوم رفقه مجلس فاستخه را برچیده از آنجا حرکت مایون پیوستند

چون درین اوقات بعضی ناخوشیهای مختلف در دارالخلافه طهران بروز داشت و هوای داغ و شیرهانات خوب و ملایم بود اعلیحضرت امیرالمؤمنین شاهنشاهی در روز و شب گذشته امیرالمؤمنین عزیمت و او دیر فرموده تشریف فرمای آنجا گردید و از خواص و مقربان حضرت کردون ببطور بعد از لزوم از سایر خدمت و چشم در مرکب مایون

چون بر سال در فضل پانیر سخته اختلاف و او فور میوجات ناخوشیهای مختلف در دارالخلافه طهران بهم میرسد حتی بعضی استتباط ناخوشی و با می کنند در این اوقات اگر چه با عتقا و بعضی ناخوشی و با در طهران فی اسبکه بروزی دارد ولی بعضی ناخوشی که فوت شده اند محقق معلوم نیست که از ناخوشی و با بوده باشد یا از امراض دیگر و اگر ناخوشی و با

هم باشد چون در کاشان نیز فی الجمله بروزی  
داشت و زود رفع شد امیدست که از دارالخلافه  
هم در همین روزها ایشاد الله از توجه انده اطهار و خلوص  
نیت اعلی حضرت شایستهی رفع شود و از قرار روزهای  
شهر بجهت اتهام عالیجان کلا نتر و که خدایان در  
پاکیزه نگا بد اشتن کوچها و محلات روز بروز  
ناخوشی در تناقص است و کمان کلی است که کبر  
امراضی باشد مخرب رفع شود

نواب مستطاب هزاره و الاتبار اردشیر میرزا  
حکمران دارالخلافه طهران و توابع و مقرات  
میرزا موسی وزیر در انتظام امور ولایتی و اسود  
رعایا و بر ایما اتهام وافی دارند و بهره جبهه امر  
دارالخلافه منظم است و کسی قدرت حرکت  
خلاف ندارد و سایر چاکران در بارهای  
از میران پنجه و صاحب منصبان و عالیجان  
محمود خان کلا نتر و که خدایان هر یک در انجام  
خدمات محوله بجز و مراقب و موظف هستند

در قلعه ارامنه مارکو صاحب خانه داشته است  
و اسمعیل خان زرگر نیز در خانه مشاریه بوده  
در هفت گداشته که ایام عاشورا بود سه نفر در  
باجتار رفت و از دیوار رخنه بنیان خانه زده و با  
سرقت کرده بودند و مارکو صاحب مطلع شده  
انهارا تعاقب کرده بود و سارقین سه زخم

باورده و در رفته بودند ابو القاسم بیک داروغه  
خارج شهر حسب الحکم در تفحص دزدان بود تا مگر  
بعد از عاشورا انهارا گرفته با اسباب مسروق  
با اتمام بحضور نواب شاهزاده و الاتبار اردشیر  
آورده اسباب مسروق و صاحبش تسلیم شده  
و ابو القاسم بیک در ازای این خدمت  
مورد التفات گردیده نواب معتمدی الیه  
یک طاقه شال و خلعت دادند

درین روزها ضعیفه و طاقه شال و بعضی  
اسباب در بقیچه گذاشته و بنزد ضعیفه دیگر  
برده بود که برهن گداشته تنخواه قرض نماید  
بعد از آنکه شال و اسباب را نشان داد  
گفته بود که چون اینها امانت شخصی است و منجم  
مصنوب باشد مبرم بقیچه را میدوزم و لاک و مهر  
زده می آورم بقیچه را برده و تبدیل کرده بجای  
شال و اسباب پلاس در میان آن گذاشته  
و سر بقیچه را دوخت و مهر کرده بنزد صاحب  
تنخواه برده و بیت تومان پول گرفته در قفسه  
بعد از رفتن او ضعیفه صاحب پول خدعه او را  
فهمیده و که خدای محله را بلا فاصله خبر کرده  
آن ضعیفه مکاره را پیدا کرده مراتب بعرض  
نواب شاهزاده رسیده و ضعیفه مزبور  
بجهت مطالبه تنخواه در حبس است

بجهت مطالبه تنخواه در حبس است

۱۵۳۲

کشت چارمن دو هزار و شصده	در این اوقات بسبب انقلاب هوا افواج
پیه کداحه چارمن هفت هزار و نوزده	فاهره نظام متوقف دارا اخلا و سب که از
خربزه چهل من پنجاه پانصد	مشق حسب الامر افسر با یون معاف و
هندوانه چهل من سه هزار و پانصد	میباشند
انگور خوراکی بیست من سه هزار	در روز سه شنبه نوزدهم این ماه افواج قاهره
انگور ترشی بیست من دو هزار	نظام و توپچی و زنبورکچی و سواره نظام را به
نان یک من پنجای	این لشکر و سایر لشکریان سان دیده
گوشت یک من یک هزار دیر	رسیدگی نمودند
پنیر شور چارمن هفت هزار	تسعه اجناس دارا اخلا و طهران
ماست چارمن یک هزار و شصده	هفته تقریبا مسطور ذیل است
شع یک من دو هزار و چاهصد	کندم دور شهر یک خورار بیست و دو هزار
برنج غنبلو چارمن دو هزار و هفت	کندم سا و جبلا غنی یک خورار بیست و سه هزار
برنج کرده چهارمن دو هزار و هشتاد	چو یک خورار سیزده هزار
روغن چارمن دوازده هزار و پانصد	یک خورار پنجاه
قنداری یک من شش هزار و پانصد	یک خورار هشت هزار و پنجای
قندیزدی یک من چهار هزار و چاهصد	یک خورار بنفده هزار و پانصد
بنات یک من چهار هزار و چاهصد	یک خورار بیست و شتهزار
شکر یک من سه هزار و پانصد	یک خورار سه تومان
تبا کوی اعلا چارمن شانزده هزار	یک خورار سه تومان
تبا کوی وسط یک من دوازده هزار	یک خورار سه تومان
انغوره یک من ده شای	یک خورار دوازده هزار و پانصد
آب لیمو یک من سه هزار	چهارمن سه هزار و پانصد
سکنجبین سه هزار و پانصد	چهارمن سه هزار

۱۵۳۳



### سایر ولایات

آذربایجان و تبریز و اصفهان  
ازین ولایات درین هفته نیز اخباری رسید

### اصفهان

از فرار که در روزنامه اصفهان نوشته اند بواسطه  
استطابته نژاده و الا تب حمت الدوله حکمران  
اصفهان چند روز علی التوالی بجهت رسان نوکر متوفی  
اصفهان بعمارت چهل ستون آمده غلامان علی  
ایازخان و غلامان صدالدینک و سربازان  
علیجاه محمد ششم خان و سربازان زدن را  
بدقت تمام سان دیدند چون سربازان زدن را  
زیاده مریض داشتند و جمعی بجهت مداوا بانها انعام  
نموده معترف داشتند که اطباء مشغول معالجه و مداوا  
انها باشند

دیگر نوشته بودند که در چهار فرسخی مورچه خورت  
جمعی از قطاع الطریق طایفه نجیباری و دکل کوفته  
وقدری اسباب سروت برده بودند خبر حجت  
رسیده اقا قربان علی نام که خدای انجا بقدری نفر  
تفکیچی برداشته بتعاقب دزدان رفته و بانها  
نیای زود خورد که داشته بقدری حمت دعوا  
انها طول کشیده بود یک نفر از دزدان مقتول  
یک نفر از تفکیچیان نیز زخمی شده باقی دزدان  
کوفته و اسباب را بجا گذاشته فرار کرده بودند

مشارالیقش آن یک نفر دزد را با اصفهان آورد  
نواب حمت الدوله در از این خدمت او را  
داده بودند و ده نفر فراسوران که بجهت تحقیق  
مورچه خورت مستخص بودند در امداد به اقا قربان علی  
که خدا اجمال کرده بودند مراتب بعضی نواب شاهزاده  
رسیده آنها را خواسته تا دیب مصبوط کرده بودند  
که بعد ازین در خدمت محوله بخود تکامل و اجمال نوبت

دیگر نوشته بودند که چون حاجی محمد رضا خان چاکه  
از جمله اشخاص معتبر و بصفت کفایت و حد تکلیف  
موصوف بود نواب شاهزاده بلوک لجنان را با  
واگذار کرده اند که امور اشجار اعظم و رعایا  
از خود راضی داشته منال دیوانی بلوک مزبور را  
بخطه وصول برساند بعضی از سفیدین بلوک مزبور  
تیز که در کار مشارالیه اخلال می کرده اند نواب  
مغزی الیه آنها را تنبیه و تادیب نموده و در پیشرفت  
کار مشارالیه لازم تقویت را کرده اند که از  
عهد خدمات دیوانی بخوبی برآید

دیگر نوشته بودند که در عید اصحی و عید غدیر  
نواب حمت الدوله بقرای معمول لوازم عید را  
آورده بعد از شلیک ادای خطبه نموده و بدعای  
بقای ذات اقدس هابون شاهنشاهی ختم کرده  
و در هر دو عید بجهت حصول دعا کوئی وجود فایض بخود

۱۵۳۴

دیگر نوشته که قراونهای ارض اقدس بعد  
 حراست افواج کرد سی جمعی عالیجاه حسنعلی خان  
 سرتیپ است و از قراریکه نوشته اند با نهایت  
 نظم و حسن رفتار با امانی آنجا سلوک کرده اند  
 و امانی آنجا کمال رضامندی از آنها دارند  
 عالیجاه میرزا ابراهیم خان سرتیپ افواج خت که  
 بانو کر ابواجمعی خود مامور ساخوی کلمات است  
 از قراریکه نوشته اند بسیار با معنویت و حسن  
 سلوک با امانی آنجا رفتار کرده و زیاده از نظم  
 و رعیت داری او توصیف نوشته اند  
 دیگر نوشته اند که افواج شقاقی ابواجمعی عالیجاه الفتح  
 خان در ۲۶ ذیحجه و افواج سمنان و دامغان  
 ابواجمعی عالیجاه پاشا خان سرتیپ در ۲۷  
 ماه مزبور وارد ارض اقدس گردیده و در هر روز  
 دروازه حبس الحاکم چادر زده اند تا بعد جا و مکان  
 برای آنها مشخص شود  
 دیگر نوشته اند که افواج کردس و توپچی متوقف  
 ارض اقدس هر روزه در میدان مشق حاضر شده  
 مشق مشق میباشند و روزی سه ساعت مشق کرده  
 بعد بخدمت محوله بخود میروند  
 دار المرز و دامغان و سمنان  
 این ولایات نیز در این مفعله اخباری رسید است

### عربستان

از قراریکه در روزنامه محرمه نوشته بودند نهایت  
 امانت و ارزانی در آن ولایت حاصل است و  
 اجناس که سابقا تعیری داشت در این اوقات  
 تنزل کرده و امانی آنولایت ازین حسد کمال حسن  
 وقتی و شکر کرداری را دارند و در راه هر سال  
 غله بهتر از سالهای دیگر بعل آمده است  
 دیگر نوشته بودند که یکی از زوایج لرستان که  
 محل کشت و زرع طوایف امرانی متعلق بجایگاه فتح  
 سرتیپ فوج امرانی است هفت سال بود که نمخ  
 می شد اسنان عالیجاه پشالیه و نفر سوار و  
 کرده از چشمه شیرم که مابین اصفهان و فارس  
 به آب سار که مرغ نمخ خوار است میباشد آب سار  
 سبزی که در میان اهل آنجا متداول است از چشمه  
 برداشته بآن ناحیه آورده اند و بجنس رسیدن آب  
 با آنجا چندان سار مرغ خوار آمده که حد و حصر آن معلوم  
 نمی شد و مرغ آنجا را بکلی بر چیده زراعت آنجا از  
 مرغ سالم مانده اند توضیح این فقره اینکه در هر جا  
 که مرغ بروز میکند سواری از آنجا بچشمه مزبوره رفته  
 آب از آنجا بر میدارد و باید روی باز پس نکند  
 و کوزه آب را بدست گرفته نسبت چشمه مزبوره دراز  
 نماید و بانحا که مرغ سبعت براندس بسیار از  
 عقب آن سوار و کوزه آب بکوت آمده تا بان بن

۱۵۳۵

که بلخ دارد میرسد سوار طرف آب را از جوی با  
 درختی می آویزد سار در آنجا مشغول کشتن بلخ  
 میشوند و بلخ را بامزه از آنجا تمام کرده بجای خود  
 معاودت می کنند و این گذارش از غزایب در کار  
 و در وقتی که این سار مشغول کشتن بلخ می شوند  
 از لعاب و خون بلخ مقدار آنها بهسم می چسبد  
 و بآب قنات پارود خانه یا چشمه که در آنجا باشد  
 در آمده مقدار خود را می شویند و باز بر کشتن بلخ  
 میروند و اگر آب در آنجا نباشد مقدار سار  
 بهم چسبیده از کار می افتند و غلبه بلخ راست  
 دیگر نوشته اند که چون بجهت شدت گرمای  
 اغلبی از فوج امرائی مرین بودند در روزی دو دفعه  
 مشق کردن بجهت آنها صعوبت داشت قرار مشق  
 آنها را بصبح که هوا هنوز خندان گرم شده است  
 داده اند که تا هوا گرم بشود از مشق فارغ شده  
 باشند و عالیجاه فتح الدخان در پرستاری و  
 معاوجه و مداوای مرینهای فوج مزبور اهتمام زیاد  
 دارد  
 دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه دی بجهت در بدر  
 طوفان شدیدی شده و تا ده روز امتداد داشت  
 و هوای بطوری تیره کرده بود که بعضی روزها  
 میان اطلاق اشخاص یکدیگر را نمی دیدند و در باج

زیاد داشت و اهل کشتیها و چهارات و غیره  
 اضطراب و تشویش زیاد بهبرسانده بودند بعد  
 از ده روز هوا طایم شده و موج دریا آرام گرفته  
 کشتیها با صل نجات رسیده اما لی کشتیها سجدات  
 شکر الهی را بعمل آوردند و از تراکم امواج عجایب  
 نقل می کردند ولی هنوز معلوم نبود که کشتی و جہاز  
 درین طوفان در آن اطراف غرق شده باشد یا  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات شخصی بلوچ در مقابل  
 قلعه بندر محسره در وسط روز برهنه گردیده بیان  
 شط رفت ناگاه ماهی کوسه که کسی از ماهیها  
 درنده و دندانهایش از شمشیر برنده تراست او را  
 گرفته هر چند فریاد کرد با اینکه جمعیت زیاد در آنجا  
 بودند کسی جرئت نکرد که رفته او را خلاص یابد و ما  
 مزبور او را بلعیده رفت  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخ فارس خان چون  
 درین اوقات بزیارت بیت اللہ محرام رفته است  
 عالیجاه شیخ حاکم خان برادر او که در زمان بود  
 خود مشار الیه هم مصدر خدمات دیوانی و نظام  
 امور آن ولایت بود درین اوقات بیش از پیش  
 در انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را  
 ظاهر ساخته و اما لی آنجا کمال رضامندی از حسن  
 سلوک و مراتب امانت و دیانت و احقاق حق و وضع و

۱۵۳۶

تقدای او دارند

دیگر نوشته اند که سابقا چهل نفر نوکر بلوچ <sup>ساخته</sup> بجهت بندر محمده برقرار بودند درین باب نواب <sup>سابق</sup> شاهزاده و الایبار احتشام الدوله درین سال عالیجا همیرا ابو الفضل نوشته بودند که علاوه بر نوکر استماری سابق مکصد و شصت نفر هم جدید بلوچ نوکر ساختوی بگیرد مشا رالیه نیز حسب الامر فرستاده از آن اطراف از ظایفه مزبوره جمع کرده و سان آنها را دیده با الفعل آنچه در ماه ذیحجه سان آنها دیده شده مکصد و چهل و دو نفر در بند محمده مشغول ساختوی بنامند

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند بعضی از تفکیکیان عالیجاه باقرخان تنگستانی از بندر عباس فرار کرده بودند نواب <sup>سابق</sup> شاهزاده و الایبار مومئد الدوله حکمران مملکت فارس مقرر داشتند که آنها را گرفته به بندر عباس معاودت بدهند ولی خود عالیجاه باقرخان با اینکه مریض است کمال اهتمام در امر ساختوی انجام داد و از تفکیکیان خود <sup>تنگستان</sup> که مخصوص عالیجاه مشا رالیه هستند کسی فرار نکرد باوصف اینکه بعضی ناخوش بوده اند کمال <sup>تعداد</sup> در امر ساختوی انجام دارند

۷

دیگر نوشته اند که چندی بود که راه عبور کشتی و بار تجارتی از جزیره قشم بسمت بندر عباس و غیره مقطوع و ممنوع بود درین اوقات مانعت اعراب آنجا موقوف گردیده و بار تجارتی می رود و خود اعراب هم بجهت معامله و داد و ستد به بندر عباس و لاریستان <sup>آفت زنده</sup> میروند

### قشم و قرهون

ازین ولایات نیز درین هفته اخبار رسیده است

### کاشان

از قراریکه از کاشان نوشته بودند قبل از ورود عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان با ساجا شخصی عروسی داشته بعد پانصد شصت تومان حواهر <sup>سابق</sup> و رحمت زمانه از مال تجار و عشیره بابانت آورده در بین عروس اشیا مزبوره را سرقت کرده بودند صاحبان مال بعد از تفحص بسیار که از پیدا کردن قاصرا مده بودند مراتب را بدر بارها یون عرض و حسب الاشاره العلیه مقرر شده بود که عالیجاه محمد حسن خان اموال مسروق را حکما پیدا کرده <sup>حان</sup> اموال ابرساند عالیجاه مشا رالیه نیز در مقام تحقیق و تفحص برآمد چند نفر را که کمان صاحبان مال بانها <sup>تنگستان</sup> میرفته است گرفته و از آنها مطالبه کرده چیزی معلوم نشده است باز چند نفر آدم کاشته است که در داخل و خارج شهر در تفحص باشند درین بین

۱۵۳۷

در عشر آخر ذی قعدة که ناخوشی و باد رکاشان شد  
 کرده بود در رمضان نامی کاشانی در خارج شهر  
 فوت شده پیری داشت او هم روز بعد بهان  
 ناخوشی در گذشته بود کسی که او را می شناسند  
 عالیجاه محمد حسن خان گفته بودند که این شخص رمضان  
 از دزدان مشهور بود عالیجاه شایسته همان  
 اشخاص را که بمقتضای اموال مسروقه کاشته بود با  
 نفرزادات و طایفای آن محله بخانه او فرستاده  
 بعد از کاوشش سخت مسروقه را بعلاوه دو بقیه  
 دیگر که صاحبش معلوم نبوده پنج بقیه از دهنه که در خانه  
 او بوده است در آورده بودند و جبهه جواهر آلات  
 هم در میان خم جووان پنهان کرده بود بیرون  
 آورده آنها را با صاحبانش تسلیم کردند و آنچه  
 دیگر که صاحبش معلوم نبود بآدم مسنی سپرده است  
 که صاحبش پیدا شده با او تسلیم نمایند

کرمان

از قرار یک روز نامه کرمان نوشته اند در ۲۶  
 ذی قعدة خبر بانجا رسیده بود که جمعی از قطاع الطریق  
 و اشترار بچیه بسر راهها آمده چند نفر شتر از یک  
 جنیص و مالی از طبرس برده اند عالیجاه میرزا شیخ  
 پیشکار کرمان بجهول آگاهی سی نفر از شوار چهار دیو  
 جمعی عالیجاه بکرخان با آب و آذوقه و قورخانه  
 نسبت لوت جنیص روانه کرد عالیجاه امامعلی خان

۱۵۳۸

سرمهنگ نیز که در ارتبه بم بود بمحض استحضار  
 جمعی تفنگچی دستداد از آنجا برداشته بتعاقب  
 بلوچها تا ماساکن خود آنها رفتند جنگ در پوسته  
 و کمال رشادت و جلالت را بعین آورده سی و دو  
 نفر از اشترار زبور را سر نموده و یک نفر زنده و یک  
 کرده بیشتر و اموالی که برده بودند با تمام از آنها  
 مسترد کرده بود

دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا شیخ مهنه بلوکات  
 کرمان آدم فرستاده نوشته است که اولاد  
 حفظ و حراست حدود سامان خود مراقب باشند  
 که از اشترار بلوچ و غیره با نهاد دست اندازی نشود  
 و نایب باشترین در بات منال دیوانی دادند  
 نگهند تا حکم از اولیای دولت قاهره برسد  
 و در سر راهها همه جا سوار مستحفظ فرستاده است  
 که عابرین بی توش عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته اند که عالیجاه شیخنی خان سر قریب با بنای  
 نظم و حسن سلوک با امالی کرمان رفتار میکند و از بنای  
 او کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و عالیجاه شایسته  
 نهایت مراقبت در شق و نظم آنها بعمل می آورد  
 کرمانشان و کروک و کروستان  
 و کیلان و ظایر و نهاوند و بهمان و پور  
 ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده است

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور سنه ۱۲۸۱

نزهت و چیدن

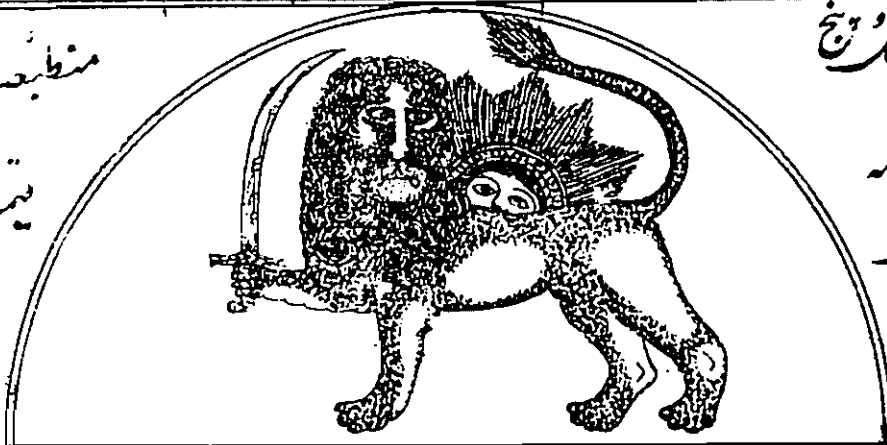
قیمت روزنامه

برنجه دیشهر

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی هر



## احبار داخله مالک محروسه پادشاهی

### اردوی هایون

چنانچه در روزنامه هفت سابق نوشته شد سرکار  
 اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف فرمای داودیه  
 گردیده چند روز است که در عمارت داودیه  
 توقف دارند و هوای اینجا بسیار خوب و لطیم است  
 و بر وجود فالین ایچود هایون خوش میگذرد  
 و بعضی روزها را سوار شد و صفحات شیران را  
 تفریح و گردش میفرمایند و بجهت الله تعالی از زمین  
 رکاب فیروزی انتساب کسی ناخوش شده و همه  
 در کمال محبت و محبت هستند

### دارالخلافه طهران

در این اوقات چنانچه در روزنامه هفت گذشته  
 نوشته شد ناخوشی و بافی ایچکه بروزی در بعضی  
 محلات دارالخلافه دارد ولی از ناخوشیهای

متفرقه از قبیل تب و لرز و محرکه و مطبقت بیشتر  
 از ناخوشی و باست چون با اقتضای فصل بار  
 هر سال چند روزی در اوایل پائیز اینگونه  
 امراض سبب و فور میوجات و اختلاف هوا  
 بروز کرده و زود رفع میشود امید است که  
 نیز رفع بشود

درین روز یک نفر گیت بردسکیر کرده و  
 نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار را در  
 حکمران دارالخلافه طهران و توابع آورده و  
 نواب معسزی الیه سیاست و تنبیه مضبوطی  
 کرده و چهارم نموده در بازارها گرداند بعد از  
 اخراج بله کردند

سه نفر دزد دیگر دستگیر شده چون مالی  
 نبرده بودند به تنبیه اکتفا کرده مرخص نمودند

۱۵۳۹

در روزنامه هفتگانه گذشته نوشته شده بود که  
 یک ضمیمه پلاستیکی شال و اسباب در پیچیده گشته  
 و نیز ضمیمه دیگری برده نتخواه گرفته بود و اصل  
 آن نوزده تومان بود است درین هفته از او  
 گرفته شده بصاحبش تسلیم شد و آن ضمیمه  
 بصاحبش برده تا حکم آن بشود  
**سایر ولایات**  
**آذربایجان**

از فرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته اند  
 از اتهامات نواب مستطاب مراده و ابان  
 نصره الدوله و مقرب انخاقان قائم مقام کمال  
 اینست و انتظام در آن ولایت حاصل است و  
 عموم اهالی آن ولایت در نهایت فرغت و آسودگی  
 بزیاد عاکونی ذات اقدس بایون اعلیحضرت  
 شاهنشاهی اشتغال دارند و امور حفظ و حراست  
 شهر و محلات و قراولخانهها و طرق و شوارع درین

۱۵۴۰

انتظام است  
 دیگر نوشته اند که جناب عمده الامار العظام  
 عباقلیخان میرنجه و سید الملک سید کسر دولت  
 علیه که نامور دولت بهیروز رس بود در نوزدهم  
 ذیحجه وارد تبریز شد و در ورود مقرب انخاقان  
 شارالیه لوازم استقبال و اعزاز و احترام ارجا  
 میران نجه و سر میپان و سر میکان و اعیان

و اشراف و اهالی بعل آمده و مقرب انخاقان حاجی  
 میرزا محمدخان دبیر مهام خارجه و میرزا احمدخان  
 برادر مقرب انخاقان قائم مقام تا با سبب استقبال  
 کرده و اسبان یک براق طلا از جانب نواب  
 نصرت الدوله و مقرب انخاقان قائم مقام بجلوه  
 معزی الیه برده اند و عالیجا جنرال قونول دولت  
 بهیبه روسیه نیز که در نعمت آباد بوده است از آنجا  
 با اجرای سفارت با استقبال رفته اند و بعد از آن  
 و در و جناب مشارالیه مقرب انخاقان قائم مقام  
 در باغ شمال ضیافت بسیار سکین نموده جمع  
 اعیان و اشراف و عالیجا جنرال قونول دولت  
 بهیبه با اجرای سفارت در آن ضیافت بوده اند  
 و لوازم تکلفانه بعل آمده در دوارد هم ماه محرم  
 با سران آن روانه مقصد شده اند و بمقام فتن  
 میران نجه و صاحب منصبان و اعیان و اشراف  
 رسم مشایعت را معموله گشته اند

دیگر نوشته اند که در عید اضحی و عید غدیر نواب  
 مستطاب نصرت الدوله مراسم سلام عید را  
 از اجرای شلیک توپ و غیره بعل آورده اند  
 و ادای خطبه نموده بدعای بقای وجود فایض  
 همایون ختم و تقدیم شکر گذاری کرده سلام عام  
 منقضی گردیده است  
 دیگر نوشته اند که دو سه نفر الواط در حکم آباد

سکنی داشتند در دم در واره کجیل نزاع کرده  
 پسر حاجی اللہیار که از الواط مشهور است زخمی شد  
 مقرب انخاقان قایم مقام متحصر شده فرستاد  
 فوراً انہار را کہ زخم زده بودند گرفته دست  
 حاضر کردند انہار را حسب احکم بعد از سیاست  
 مہار کرده بگرد بازار و محلات گردانده و  
 ہما سجا کہ دعوا کرده بودند تہیہ مضبوطی شد  
 کہ عبرت سایرین شدہ کسی بجرکت خلاف  
 اقدام نیند  
 دیگر نوشته اند کہ او قایم مقرب انخاقان قایم مقام  
 در دار الخلافہ مبارکہ بود چند نفر قصاب تبریزی  
 بعد از شصت تومان تخواہ برداشته بہت متوہنا  
 رفتہ بودند کہ کو سفند خریدہ بہر بزییا ورنہ در  
 بزند مشکین چند نفر شامسون بر سر ایشان  
 تخواہ مزبور را از آن اشخاص گرفتہ و خودشان را ہم  
 برہنہ کردہ بودند صاحبان مال رفتہ بقاصحان  
 ایل بیکی اظہار کردہ و در تبریز خدمت نواب  
 مستطاب حضرت الدولہ معروض داشتہ حکم و  
 محصل برودہ ولی تخواہ بدست نیامدہ بود تا آن  
 اوقات کہ عالیجاہان سلطان احمد خان حاکم  
 طالش و قاسم خان ایل بیکی بہر برآندند و  
 مقرب انخاقان قایم مقام تحقیق و غوررسی کردہ  
 معلوم شدہ کہ مرکبین بعضی از و استکان سلطانی

احمد خان و بعضی از و استکان قاسم خان  
 ہستند مقرب انخاقان قایم مقام تخواہ قصابان  
 تمام و کمال گرفتہ باہنا تسلیم کردند و صاحبان  
 تخواہ زیادہ از این معنی شاکر و امید وارد و جاگو  
 دولت جاویدت علیہ کردید  
 دیگر نوشته بودند کہ علی آقای شاک جندی بود لیا  
 عدم اطمینان از مہاشترین دیوان در مہاشری  
 ایل شاک متزلزل بود و در سلاسل و دہانت  
 انجا بر میر و تا این اوقات خود مہاشری  
 تنہا سوار شدہ بہر مقرب انخاقان قایم مقام  
 آمدہ در مقام تذلل و الخاعت درآمد و مقرب انخاقان  
 مہاشری از او اطمینان و خاطر جمعی بہر  
 مہاشری ایل مزبور را کجا فی الہ بق با و محل  
 دو اگذار کردہ این روز محل خوارم بودہ  
 دیگر نوشته بودند کہ مقرب انخاقان قایم مقام  
 ۷۰ روزہ از طلوع آفتاب الی ہفت ساعت از  
 شب گذشتہ اوقات خود را مصروف رسیدگی  
 معاملات و محاسبات دیوانی و وصول الصا  
 مالیات رساندن مواجب نظام و غیرہ  
 و بعد ایض و مطالب عموم مالی از ربا بیجان از  
 عالی و ادانی وقت و غوررسی تمام دزد و  
 مالیات علی التوالی از ولایات رسیدگی  
 دیوان اعلی میرسد

۱۵۴۱



استرآباد و اسدآباد و اصفهان و  
بروجرد و لظام و خراسان و  
عراق و عربستان و فارس  
ازین ولایات درین اخباری رسیده است

قزوین

از قزاقیکه در روزنامه قزوین نوشته اند  
انقلابت در نهایت انتظام و در طرق و شوارع  
کمال امنیت حاصل است و در هر جا که مستحفظ  
قراسوران لازم بوده است مقرب الخاقان حاجی  
حسنعلیخان پیکار انجام شخص کرده و فرستاده  
و عابرین بخاطر جمعیت می کنند و اگر اعیان مالی از  
مترددین بسرقت برود قراسورانها یا بعینه  
پیدا کرده بصاحبش تسلیم نمایند یا انعمه عر  
او برمی آیند و همین امر شهر و محلات انتظام  
تمام دارد خاصه در ایام عاشورا که از اتهامات  
مقرب الخاقان مشارالیه و مرقت که خدایان از  
احدی حرکت خلافی صادر نشده است  
چون هر ساله در ایام عاشورا در دیوانخانه نادیر  
تکیه دولتی مخصوصا از جانب اعلیحضرت شاهنشاهی  
بسمه میگردد و مخارج آن از دیوان اعلی واده میشود  
درین سال مقرب الخاقان حاجی حسنعلیخان محض مزید دعاگو  
بجهت ذات اقدس تالیون علاوه بر تساهل و تومانی که از دیوان  
منظور میشود هفتاد تومانی هم از خود واده و بهر ازین

۱۵۴۲

دیگر تکیه بسیار خوب با کمال آراستگی و زینت  
شده هر اسم تعزیه داریراجع آورد و فقر و ضعیف  
خلق را هر روز و هر شب محتاج داده و مردم از این  
زیاده دعاگوی وجود فایض انجود اقدس تالیون  
بوده اند

دیگر نوشته اند که خانه باغبانی را در زره و باب اوست کرده  
بعد از تفحص معلوم بود که در آنجا هزاران سهر جمعی باغبانها  
سرمهنگ مرتکب شده اند چاهش را الیه آنها گرفته است  
و بصاحبش تسلیم و آنها را خسته بود بقطر نظام منید از جانب  
اقابید جواد شفاعت کرده و الان هر سه مجبوس اند  
قم و کاشان کرمان و کرمانشاهان کروس  
کر وستان و کیلان مازندران و ملایر و نهاوند

و همدان و یزد

ازین ولایات نیز اخباری بنود

اخبار خارجه

از قزاقیکه در روزنامه خارجه نوشته بودند علیاحضرت پادشاه  
در ۳۰ ماه او وارد پاریس شد و آنچه لازم اعزاز و احترام بود  
در روز در ایها اعلیحضرت امپراطور فرانس و اهل مملکت  
آورده اند و خود اعلیحضرت امپراطور تا به بولون که بندر فرانسه  
استقبال کرده و از آنجا علیاحضرت پادشاه انگلستان  
از کشتی بیرون آمده با اتفاق اعلیحضرت امپراطور  
وارد شهر پاریس شده اند

نخلستان

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه شانزدهم منظر مطابق الیون ۱۲۷۲

مزه جیت چهارش

نقطه دارا خلفه طران



قیمت روزنامه  
پنجاه پشای

قیمت اعلانات  
هر خط پنجاه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هایون

موجب هایون شاهنشاهی از وقتی که از آنجا  
مبارک حرکت فرموده اند تا کنون در او  
تشریف دارند و سبب خوبی هوا و صفای  
آنجا بر وجود فایض اجود هایون و سایر  
متمین رکاب نصرت انتاب بسیار خوش  
گذشته و بجهت آنکه کسی در آنجا ناخوش نشده  
و یکی کمال صمیمیت را دارند

در روز پنجشنبه گذشته حسب الامر قدس  
هایون شاهنشاهی یکراه داده توب از توپهای  
بزرگ میان میدان ارک را با چند عرابه  
توپ دیگر بیرون شهر میدان بالای کاشان  
دلاله زار برده مشغول شوق تیراندازی شدند  
و اعلیحضرت شاهنشاهی از راه دیده لیسر مشغول

تشریف فرما گردیده جناب جلالت تاج  
اشرف و محترم صدر عظم و سران و صاحب منصبان  
نظام در موجب هایون بوده تا نزدیک عجب  
اقتاب با توپ بزرگ و توپهای دیگر نشان  
که داشته تیراندازی نمودند و خود سرکار اعلیحضرت  
شاهنشاهی دو تیر نشان زده و بجهت چابکی توپ  
در تیراندازی و اهمیت معلمین دارالفنون  
در مشق توپ انعام زیادی با آنها محبت فرمود  
و مورد تحسین ملوکانه گردیدند و نزدیک عجب  
اقتاب موجب هایون پداودیه جهت فرمودند

چون درین اوقات از قرار روزنامهجات و  
عرائض که از استرآباد میرسد از طوائف  
ضاله بیوت عنیره ترکان زیاده تظاول

۱۵۴۳

دست اندازی بصفحات استر اباد و  
 ان اطراف می شد و مقرب الخاقان محمد و  
 نیز کما یجب از عهدہ تعدیات انها نمیتوانست  
 بر ایدامانی دولت قاهره حب الاشارة الیه  
 صلاح در این دیدند که شخصی کافی و کاروان  
 که در ان ولایت بلدیة و باطوائف ترکمان  
 سابقه تسلط و حکم داشته باشد ب حکومت  
 انجا سرفراز وارند لهذا مقرب الخاقان  
 جعفر قلینجان ایلخانی که سالها در سرحدات  
 ان ولایت با کمال رشادت و جلالت با  
 طوائف مزبور زود خورد نموده و همگی انها  
 از او کمال خوف و بیم داشتند و آرزوهای  
 متواتر که از او خورده بودند جرئت اقدام بتاج  
 و تازان صفحات نمیکردند حکومت استر اباد  
 بعلاوه حکومت نزدیک و جاجرم مقرب الخاقان  
 مشار الیه مفوض گردید که مراتب رشادت و  
 کفایت و کاروانی و حسن سلوک خود را بارگایا  
 بیش ان پیش مشهور خاطر خسر وانی داشته  
 ان ولایت را از تعدیات طوائف ترکمان محروس  
 و آنها را مطیع و منقاد این دولت جاوید نماید  
 نمود و نظمی چنانچه دلخواه اولیای دولت علییه  
 در آن صفحات بدو وارز جانب سنی ارجو است  
 ملوکانه یکثوب جبهه ترمه کشیمر بشار الیه خلعت

۱۵۴۴

حکومت مرحمت گردیده و روانه محل مأموریت  
 میشود و عالیجا همیرزا اسمعیل خان را هم که در  
 استر اباد سابقا با شرمهام خارجه بود بجهت  
 صداقت و راستی او بعلاوه مباحثی مهمام  
 خارجه پیشکاری ان ولایت نیز بعالیجا اشارت  
 مفوض فرمودند که از روی صداقت و راستی  
 سجدات محوله بخود پردازد و یک ثوب جبهه  
 ترمه کرمانی هم بشار الیه خلعت مرحمت کرد  
 مقرب الخاقان عبداله خان میرچخه که قبل از  
 فوت پدرش مرحوم محمد حسن خان سردار گلران  
 یزد و کرمان از انجا بعزم عتبه بوسی دربار طایون  
 شاهای بیرون آمده بود در یزد خبر فوت مرحوم  
 سردار بشار الیه رسیده سه چهار روز در انجا  
 توقف نموده روانه دربار طایون گردید و در  
 چهاردهم ماه محرم احرام وارد دار الخلافه  
 شد و از جانب سرکار اقدس طایون شاهای  
 و جناب امجد شرف ارض صدر اعظم کمال تلقات  
 و تلبیت و نوازش در حق مقرب الخاقان مشار الیه  
 بعمل آمده یک ثوب جبهه ترمه از جانب سنی ارجو است  
 ملوکانه با و خلعت مرحمت گردید که از لباس تن  
 بیرون آمده بامسید واری تمام مشغول خدمت این  
 دولت جاوید مدت علییه کرد

موجب اخباری که درین روز با ولایای دولت علییه  
رسیده است جناب عمه الامراء العظام مقرب الخاقان  
عباسعلیخان میرنچ و سیف الملک سفیر سیردولت  
علیه مامور دولت بهیه روس که در دو روز دم محترم  
از تبریز بجل ماموریت حرکت کرده بود در ۱۱ ماهه بروز  
وارد سرحد شده و صاحب منصبان دولت بهیه که  
به پذیرائی و مهمانداری مامور بودند بموجب دستور  
کاخانوف پوریشوف بارخادوف مرزاخانوف حاکم  
سرینک توپخانه مترجم نایب رئیس پنجهوان  
طیلسان سر رولوف رئیس کلیم با  
با جمعی سادات سواره و صاحب منصبان دیگر و ده  
عزاده کاسک و ده عزاده تشکه که چند روز قبل  
وارد شد منتظر ورود جناب رالیه بودند  
از ورود بایضاف رودارس جمعی صاحب منصب  
شیرینی مبارکباد و ورود فرستاده کمال توقیر  
و احترام را بجل آورده اند و روز دیگر هم که در آن  
سرحد توقف کرده است صاحب منصبان مملوورید  
آمده نهایت احترام و پذیرائی را معمول داشته اند  
و جناب رالیه نیز کمال مهربانی را با آنها نموده در  
یوم ۱۹ از رودارس عبور نموده مجدداً صاحب منصبان  
تا کنان رودارس استقبال نموده و سادات  
و سواره صف نظامی کشیده احترام کبری را بطور  
شایسته بجل آورده اند و بعد از صرف چای و قهوه  
با نهایت شکوه و آراستگی با هم امان روان

محل ماموریت شده اند

دیگر از جمله اخباری که این اوقات بدربارهایون رسیده  
سعید محمدخان ظهیرالدوله حاکم بهرات این روزها بنامی  
سوسلوک با امانی بهرات گذاشته عالی و ادانی ان  
ولایت را از خود رنجانده از جمله کریم دادخان هزاره را  
بیموجبی بقتل رسانده و از سفر قورات که برکشته بود پوت  
بیروج و بدنه شهر بهرات سبب انحراف حرکت رستم ال  
کرده بودند گفته بود میخواستیم بدانم بهرات را به پوت  
خراب کرد یا نه با بجله ازین بقوله حرکاتش رالیه بعد با  
او بجزه وضعفا و اخذ جریمه از هر کسی بدون جنایت و  
کسای و تقوی طایفه هزاره از او سبب قتل کریم دادخان  
اسباب و نفرت با بن او و امانی انو لایت  
فرستاده اهل آنجا لا علاج هزاره را بشهر کشیده و آذوقه  
مشا رالیه را گرفته اند و در جزو بنوایشان هزاره محمد پوت  
افغان که در محراب مشغول خدمت بودند نوشتند که  
خود را بیعجل بهرات رساند مشا رالیه نیز بوصول این  
خبر فوراً بدون اینکه کسیر اخبار نماید یا اینکه نواب  
حکمران محراب مطلع بشود بهرات شتافته و امانی شهر  
از افغان و هزاره عنیره او را ب حکومت خود تعیین کرده  
و با انقض در کمال استقلال مشغول حکومت انولایت است  
عالیجاه رستم سلطان که از قدیمی چاکران بود از قرار حکم نظامی  
بیادری توپخانه مبارکه سرفراز گردید در پارزد هم محترم

۱۵۴۵

مامور ساغلو صعد عثمان شه  
دار اختلاف طهران

هوای شهر و اطراف این روزها در کمال لطابت  
و نهایت فراوانی و ارزانی حاصل است و خلقت  
حسابی از کسی ناشی و صادر نمیشود و ناخوشی و باز  
قرار مذکور هنوز رفع نشده است و لکن روز بروز در قضا  
و از قرار روزنامه شهر در ایام شدت فقط از  
ناخوشی و بار بار زیاده از پانزده شانزده نفر تلف  
شده اند امید است که انشاء الله این روزها بامره  
مرتفع و رفع تسویش مردم بشود

در شب جمعه گذشته که بیت هشتم ماه محرم الحرام بود  
عالیجناب میرزا محمد ولد اخوند ملا عبد الجلیل لایمجان  
که در دار اختلاف مشغول تحصیل علوم دینی است با جمعی  
بقصد زیارت امامزاده و حبیب العظیم حضرت عبد العظیم  
از شهر بیرون رفته در حوالی دروازه شاهزاده  
عبد العظیم کتیبه پولی که یکصد و چهل تومان وجه شرفی  
و ریال در آن بوده است پیدا کرده بعد از ورود  
شاهزاده عبد العظیم جوایبی صاحب پول شده اند  
معلوم شده بود که وجه مزبور از سینه چاقوش کربلا  
بود است پس از انکشاف و علامات کتیبه را داده  
و وجه مزبور را تمام و کمال تسلیم صاحبش نموده و هر  
قدر صاحب نخواه امر کرده است که پنج شش تومان  
بجای خود بردارد قبول نگذرد است

سایر ولایات

از در بایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان  
نوشته اند در ایام دهم عاشورا در جمیع نکایا و غیره  
تبریز مجلس روضه خوانی و تعزیه داری جناب سید الشهدا  
با خلوص نیت برپا نموده اند و نواب سید طالب شاهزاده  
و الا تبار نصرت الدوله و معتقد در بار شهر چشم  
مقرب انخاقان قایم مقام کمال مراقبت و موافقت  
بعین آورده اند که در آمدن دستجات سینه زن از  
محللات از احدی حرکت خلافی ناشی و صادر نگردد  
و در جمیع مجالس بعد از ذکر مصیبت و تعزیه داری  
بدعای بقای وجود فایض اجداد همایون اقدام نموده

دیگر نوشته اند که عالیجاه نادر قلیخان مافی که بحکومت  
ارونق از باب مامور شده است با اهل آنجا بسیار خوب  
سلوک نموده و در بیک از دعات منزل علیجه قرار  
داده است که محصلین دیوان در خانه رعایا منزل  
کنند و مالیات دیوان را قسطی معین کرده که خود رعایا  
در سر قسط آورده میدهند و لکن احوال ضامن را دارند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند نواب سید طالب  
حسنت الدوله در دهم عاشورا اسم تعزیه داری را بهتر  
از هر سال بعجل آورده و بقر معمول همه روزه در تالار طوطی  
مجلس تعزیه داری برپا داشته و روز عاشورا میدان  
نقش جهان تعزیه در آورده مردم بجای خود کلاه سفیدی کرده

۱۵۴۶

دیگر نوشته بودند که چون مادی هزار جریب که از  
 زاینده رود آب بر میدارد خرابی بسیار بهم  
 و بجهت ناهواری راه مادی مزبور آمدن آب قدرتی  
 صعبت دارد و از اوایل حکومت مرحوم محمدالدوله  
 تا کنون تنقیح نگردیده و قمار آب شده بود و در  
 نزدیک بود خرابی زیاد در هزار جریب و سایر  
 بهم برسد نوایب مستطابش هزاره حمت الدوله  
 خود رفته و در اینجا چادر زده سه روز توقف  
 نمودند و از بلوکات و توابع عمده حواله داده و نفری  
 ده شاهی اجرت قرار داده عالیجاه علی اکبر خا  
 رودشتی را که مردی کافی و کار دان و در آن  
 امورات سررشته کامل دارد بر کاری اینجا معین  
 کردند و چند روز است که بانهایت سعی و اهتمام  
 مشغول پاک کردن مادی مزبور میباشد و امالی  
 بلوک مزبور ازین مرحله رنجورند بوده اند

دیگر در باب قراولخانه های شهر و طرق و شوارع  
 نوایب هزاره حمت الدوله قدغن اکیده نموده اند  
 و سواره و پیاده و قراول خانه ها و سر راه ها که  
 که مشغول حفظ و حراست بوده عابرین و مترودین کوشت  
 با سود کی و اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند و از  
 همه بلوکات الترام گرفته اند که در گرفتن سارقین  
 اهتمام نمایند و در هر یک از بلوکات که سر قس اتفاق  
 بیفتد یا سارق را بدست بیاورند یا از عمده

اموال مسروقه برآیند و بدین جهت کمال انتظام  
 در امور شهر و بلوکات و توابع حاصل است و کم  
 و زودی اتفاق می افتد

دیگر نوشته بودند که چون این اوقات اوایل  
 و هنگام منق و زراعت کاری میباشد نوایب  
 شاهزاده حمت الدوله تا کید و زینا  
 امور عمری و زراعت نموده اند و بعضی از داده  
 بخردند و شکسته را خود قرار زراعت داده اند  
 و سایر رعایا نیز نظر مراقبت و اهتمام توابع  
 معزی الهیه همگی سرگرم عیشی و زراعت میباشد

۱۵۲۷

دیگر تعبیر اجناس اصفهان را که نوشته اند  
 در ماه محرم احرام از این قرار بوده است

یکم	بکچر وار	میت و پچزار
جو	بکچر وار	میت و دو هزار
برنج	یکمن شاه	هزار دینار
نان	یکمن شاه	ده شاهی
روغن	یکمن ایضا	پنجزار
گوشت	یکمن ایضا	پانزده شاهی
ماست	یکمن شاه	هفصد دینار
خربزه	دهندوان یکمن شاه	پنج شاهی
اکور	یکمن ایضا	سیصد دینار
پسته کلاخته	یکمن ایضا	چهار هزار

و غنچراغ یک من شاه دو هزار  
 ماش یک من ایضا هزار دینار  
 سخود یک من هفتصد دینار  
 لوبیا یک من هزار دینار  
 کاه یک خروار یکتومان  
 بیزم یک خروار پنجهزار  
 قد خوب اصفا یک من شاه یک تون  
 نبات یک من شاه یک تون  
 حلویات یک من ایضا شش هزار  
 استر آباد و آباد و بر و جرد و  
 و خراسان و خت و عراق و عثمان  
 ازین ولایات اخباری رسیده است  
**فارس**  
 از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور  
 اتولایت قرین انظام است و نواب مستطاب  
 شاهزاده و الا بتار موید الدوله حکم ان مملکت  
 فارس در نظم ولایت و رفاه و اسودکی نوکرو  
 رعیت اهتمامات کافی معمول میدارند و بقانون  
 معمول همه روزه در دیوانخانه نشسته بفرایض مردم  
 رسیدگی می نمایند  
 و هم چنین مقربان خان شجاع الملک و شیر الملک  
 در انجام خدمات دیوانی و وصول و ایصال الیایات  
 و رسیدگی معاملات و محاسبات کمال سعی و اهتمام

معمول میدارند سایر چاکران دیوانی و حضانت  
 نظام هر یک در انجام خدمات محوله بخود نهایت  
 اهتمام را دارند و نظام متوقف شیراز همه روزه  
 مشغول مشی میباشند خاصه توپچیان که بر وقت  
 و اتهامات عالیجاه عبدالحسین خان سرینک  
 نهایت مهارت و چابکی در مشی بهم رسانند  
 و همه روزه مشغول اند  
 دیگر نوشته اند که یازده عراده توپ با یکصد  
 پنجاه ریس اسب توپخانه و یکصد و هفتاد نفر  
 توپچی بسمراهی علی سلطان بهار لود و محسود سلطان  
 خرقانی از دربارها یون مامور فارس شده بودند  
 و را در آخر دینچه وارد آنجا گردیده بلاخط و سان  
 نواب مستطاب موید الدوله رسیدند و نواب  
 معسری الیه مقرر داشتند که شکستگی حرج عراده  
 توپهارا تعمیر نموده و هشت عراده از آن توپهارا  
 با توپچی روانه بندر ابوشهر نمودند  
 دیگر نوشته اند که در ایام دهمه عاشورا در جمعی  
 و مساجد مجلس روضه خوانی و ذکر مصیبت و تعزیه  
 جناب سید الشهدا بر پا بود و در هیچ جا از احد  
 حرکتی خلاف ناشی و صادر نگردیده با کمال  
 آرامی مجالس روضه خوانی و تعزیه دار پیر ابدعای  
 بقای خود اقدس شاهی ختم کرده اند

۱۵۴۸

دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع فارس  
از بندر بوشهر الی شیراز و از آنجا الی این  
اصفهان در کمال انتظام است و عالیجاه محمد رضا  
سوار فرسوران در هر یک از منازل گذشته  
بخط و حراست مشغول اند و مترودین ابوده خاطر  
عبور و مرور فیما بین و وزدی در راهها اتفاق  
نیفتاده است مگر اینکه در او اخر ذیحجه خدا بزرگ  
نایب چایار خانه با عیال خود بسراه قافله از  
منزل خان خرّه بمنزل ده بید می آمده است عرض  
راه جمعی از قطاع الطریق بر سر قافله رنجیه مشایخ  
با چند نفر از کافش رخسار نموده اموشان را  
برده بودند عالیجاه محمد رضا خان نصف شب  
مطلع شده با سوارانی که بسراه داشته  
معاقب سارقین شتافته و با آنها رسیده  
طرفین بیکدیگر تعکک خالی کرده دو نفر از سارقین  
بزرگم کله از پا در آمده مابقی فرار کرده و خود را  
به پناه کوه کشیده بودند عالیجاه مشایخ آن  
دو نفر را سر نموده سر آنها را بحضور نواب  
مؤید الدوله فرستاده و جسد آنها را در همان  
موضع عجره للتارقین کچ و سنگ گرفته است

دیگر نوشته بودند که در منزل خان خوزه  
آب دو چشمه که محمد جعفر بیک غلام چایار پیدا

کرده است قوافل و مترودین در کمال رفاه و طم  
و اگر در آن چشمه کار بشود و منزل منور  
آباد می بکیرد آنجا از نظاول قطاع الطریق  
مصون خواهد شد

دیگر نوشته بودند که ایلات قفقاز و غیره  
در این اوقات از سرحدات عازم کرمیرات  
شده اند و در زمان توقف در سرحدات  
با کمال نظم حرکت کرده اند و این اوقات نیز  
که روانه کرمیرات شده اند موافق حساب  
از راهها عبور نموده اند و از کسی خلاف حساب  
ناشی و صادر نشده است و عالیجاه مقرب  
محمد قلیخان ایلیانی کمال مراقبت در نظم ایلات  
منور معمول داشته است

توپچیان متوقف بندر عباس بعد از رسیدن  
عوض آنها بیدر منور از آنجا مراجعت کرده بحضور  
نواب مؤید الدوله اندند از جمله شصت نفر  
مانورین که بوده اند پنج نفر آنها فوت شده  
اغلب مریض بوده اند نواب شاهزاده مانور  
العام داده و اطبا مشغول مداوا و معالجه آنها  
قره وین

از فرار یک در روزنامه قره وین نوشته بودند  
و در فرار عیالی از اچکان یک رئیس قاطر  
از دارالسخلافه وزویده بقروین آورده بودند

۱۵۴۹



دو نفر سر باز از گذارش مطلع شده کیفیت را  
 بیهنگ خود حالی کرده آنها را گرفته نزد حاج  
 مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان پیکار فرودین  
 فرستاده قاطر ادا داده است بدار اختلاف او  
 و در زندان محبوس اند  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه آقا حسن نایب فرستاده  
 با اتفاق آقا فرج الله قزوینی و قاطرچی عالیجناب  
 حاجی میرزا مفید پاره شال ترمه و جبه ترمه  
 تکیه خود که بر سر راه در قزوین بجهت تعزیه داری  
 برپا میکند فرستاده بود اشیاء مزبور را با قدر  
 اموال حاجی میرزا مفید و قشلاق قزوین سرق  
 کرده بودند یک نفر سپر قاطرچی نیز همراه آنها بود  
 مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان فرستاده او را  
 و قاطرچی چوپداری را آوردند و تحقیق نموده معلوم  
 شده بود که بیکر کس مادیان و بیکر کس یا بود  
 از قاطرچیان پادشاهی از شاهزاده عبدالعظیم  
 در زنده جان پسر داده بقزوین فرستاده  
 بودند مالها را از او گرفت که بعد از عاشورا  
 بدار اختلاف فرستاده قاطرچی شاکر در مزبور بجهت  
 مطالبه اسباب عالیجاه آقا حسن و عالیجناب  
 حاجی میرزا مفید در حبس است تا اموال سرود  
 از او دریافت شود  
 قم و کاشان و کرمان و کرمانشاهان

۱۵۵۰

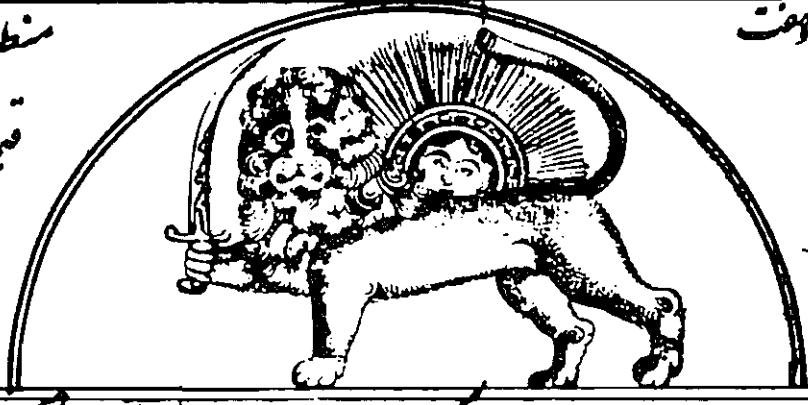
و کروس

از این ولایات در این هفته اخباری رسیده است  
 کردستان  
 از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند  
 در ماه محرم الحرام امسال مقرب انخاقان  
 والی کردستان زیاده از سالهای دیگر در  
 دبه عاشورام اسم تعزیه داری جناب سید آ  
 معمول داشته و در هر مجلس بعد از تعزیه و ذکر  
 مصیبت بدعا کوفی ذات اقدس شاهنشاهی  
 داشته اند  
 دیگر نوشته اند که امسال از اوایل بهار و تابستان  
 الی بیستم شهر ذیحجه الحرام هوای کردستان  
 در نهایت اعتدال بود و ناخوشی در میان دم  
 بسیار کم بود و حاصل صیفی و شتوی خیلی زیاد  
 بعل آمده و انگور باغات فراوان آمده بود و  
 در عشره اخر ماه مزبور چهار پنج شبانه روز هوا  
 منقلب گشته و سرد شده و برودت چند  
 اتش دهنده که تمام انگور باغات خشک گردیده  
 و بعضی از حاصل نیز ضرر بسیار رسیده بود  
 در عایای آولایت ازین حمله خیلی متضرر شده  
 کیلان و مازندران و نهاوند  
 همدان و یزد  
 ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده است

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پویم بیستم صفر المظفر مطابق سال شمسایی ۱۲۷۲

نزهت چهر هفت

قیمت روزنامه  
هر نسخه ده پانز



منطبعة دار الخلا و طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پنج پانز

## اخبار واحده مالک محروس پادشاه

### ارز و وی هایون

در شب چشبه ششم این ماه که شب عید مولود مبارک  
آقدس هایون شاهی بود جشن طوکانه در عمارت  
داودیه فرام آه جمعی ارشاد بر او کان عظام  
بیر شرفیاب حضور مبارک بودند اسباب شاهی  
از قرقخانه مبارک که بحضور هایون برده انشب  
بعیش و شادمانی بسر برده روز پنجشنبه ایام  
ایجاد بزرگ سلام عام اتفاق یافته انسانی  
علیه و مفر بان حضرت کردون بسط سینه و  
وصاحب منصبان نظام و خوانین عظام و پیران  
و چاکران و بار کرده و ان ام در سلام حاضر شد هر یک در  
مرتب مقام خود شرفیاب حضور مبارک گردیدند و هر یک  
شلیک توپ و زنبورک بقاعده معموله شده عالیجا خطیب  
ادای خطبیه طبع بنام آقدس هایون نموده بدعای بقا  
وجود فایض اجمود ختم و عالیجا پیش انشر اقصیه عزرا  
که بجهت عید مولود هایون برشته نظم کشیدند و در

سلام عام عرض نموده مورد تحسین طوکانه گردید و  
بعد از انقضای سلام عام بقانونی که در شهر بعد از  
سلام دیوانخانه بسر در دیوانخانه تشریف فرمائی  
بسر در ب عمارت داده دید تشریف آورده صحاب  
طرب و سایر مالی اردو از وضع و شرف و کونی که  
از دار الخلا بجهت زیارت وجود فایض اجمود هایون  
شاهنشاهی بدو دیده رفته بودند از زیارت وجود  
مروک دیده را چشم روشنی داده اصحاب  
طرب و غیره از انعام طوکانه بهره یاب گردیدند  
بر چند ساعت بقا بر حسب امر اعلیحضرت شاهی  
انتظام امور و تربیت نواب اشرفه الا امیر نظام  
کفایت و در این جناب جلالت تاب اشرف امیر کرم  
صدر اعظم افخم محمول و موکول شده بود ولی از آنجا  
بیکثرت مشغول و لای و مرقت امور نظم مالک محروس  
پادشاهی که لیل و نهار اوقات تشریف خود را  
بر رسیدگی آنها مصروف دارند عزت و رحمت

۱۵۵۱

زیاد برای جناب معزی الیه حاصل بود و موجب  
 تعویق بعضی از امورات دولتی میشد بلاء علیه جناب  
 معزی الیه از خاکپای هایون علیحضرت شایسته  
 خلد الله ملک و سلطان مستدعی شد که انتظام امور  
 متعلقه بنواب معزی الیه را بعهده امیرالامرا لغظام  
 مقرب الخاقان عزیزخان سردار کل عا کر مضو  
 محول و مغوض فرما بند سرکار علیحضرت شایسته  
 استدعای جناب معزی الیه را مقرون با جایت  
 فرموده منصب پیشکاری نوات شرف والا امیر نظام  
 بعهده مقرب الخاقان مشارالیه محبت و مغوض  
 فرمودند که با کفایت کافی و درایت و انی مشغول  
 تربیت و نظم امور در خانه و عمل جات متعلقه بنواب  
 معزی الیه باشند و موازی کیوب قباز بپوس  
 بدن مبارک بضمیمه یکقبضه قمه کلل با لباس از جناب  
 سنی بجوابت هایون بافتخار مقرب الخاقان  
 مرحمت و عنایت شد

چون مراتب خدات و اتهامات عالیجاه مقرب الخاقان  
 محرم علیخان شجاع الملک در وصول و ایصال وجوه  
 قسط مالیات فارس و نظم بندرات و سرحدات  
 بعض خاکپای مبارک علیحضرت شایسته  
 در پیشگاه حضور هایون زاید الوصف مستحسن و مقبول  
 افتاده بود لهذا این اوقات محض و فور محبت بلوکا  
 در باره عالیجاه مشارالیه یک قطعه نشان از مرتبه  
 سیم میرنجکی بافتخار عالیجاه مشارالیه مرحمت و

ارسال شده فرمان مبارک بفرستادن صدور  
 یافت

**دار الخلفه طهران**

هوای دار الخلفه طهران درین روزها بسیار خوب است  
 و مطلق ناخوشیها کم شده است خصوصاً ناخوشی  
 و با که تنزل نموده و تخفیف کلی یافته است چنانچه  
 از قرار روزنامه یومیته شهر از اول بقعه الی یوم شنبه  
 یازدهم اینجاه بروزی و نفر رسیده است امید  
 کلی است که ایشار البکلی رفع بشود

درین روزها وزوی باصفهانک رفته دیوار قلعه را  
 سوراخ کرده اورا گرفته بودند و در مقام مطالبه اموال  
 سر و قه برآنده مذکور داشته بود که من و دو نفر رفیق  
 دیگر نیز دارم که از طایفه عرب کاشی میباشند  
 آنها را نشان داده و گرفته اند بالفعل در شش  
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبارار و شیرسرز  
 حکمران دار الخلفه طهران و توابع میباشند که اموال  
 مردم از آنها سر و شده بعد حکم آنها بشود

**سایر ولایات**

**اذربایجان**

از قرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته اند در  
 ایاتم دهم عاشورا علاوه بر تکیه دولتی که از اتهامات  
 نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصره الدوله و  
 حشام مقرب الخاقان قایم مقام  
 محتمل در باره سهرامی است که  
 کمال انتظام راداشته است محض مزید حصول

۱۵۵۲

دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی  
 مقرب الخاقان شاه الیه کتبه علاحدہ در عمارت  
 خود برپا کرده جماعت تجار و معارف طاق نا  
 در آنجا بسته هر کوزه اسباب چراغ و بلور آلات  
 با کمال شکوه زینت و آرایش داده تا سیزدهم  
 محرم شب و روز مشغول تعزیه داری جناب پادشاهی  
 بوده اند و هر شب از هر طبقه و هر تنفی جمعی را  
 کرده در هر مجلس بعد از تعزیه و ذکر مصیبت دعا  
 دوام عمر و دولت و از دیاد شوکت حضرت  
 اقدس بایون شاهنشاهی قیام و اقامت  
 و از هر یک از محلات شهر دستجات سیندن  
 به یکتیه مزبور آمده با کمال آرامی و انتظام مشغول  
 تعزیه داری بوده اند و از احدی حرکت خلافی  
 ناشی و صادر نمیشد است  
 اصفهان و استرآباد و اسداباد  
 ازین ولایات درین هفتہ اخباری رسیده است  
 بروجرود  
 از فرار یک در روزنامه بروجرود نوشته بودند  
 در ایام دهم عاشورا در جمیع تپایای بروجرود  
 مراسم تعزیه داری را بطور مشایسته بعمل آورده  
 و مالی آنجا با خلوص نیت مشغول تعزیه داری و  
 دعا کونی ذات اقدس بایون شاهنشاهی بوده  
 و دیگر نوشته بودند که چون نواب مستطاب

شاهزاده و الا تبار احتشام الدوله حکمران بر  
 و عربستان و لرستان و ختیساری در او اخر  
 ماه محرم عزیمت سمت عربستان را داشتند در  
 اوایل ماه دیحجج الحرام فوج سیلا خوری ابو الجحجج  
 عالیجاه و لیجان سر متب را در باغ شاه حاضر  
 کرده بعد از آنکه آحاد و افراد فوج را نفر بنفر  
 کرده مجدداً با زبان دیده مشغول مدارکات  
 لازمه فوج شدند و جمیع مدارکات آنها را از  
 طبوس و تفنگ و غیره انجام داده و بعد از این  
 بدقت باز دید کردند و فوج مزبور با کمال استقامتی  
 همه روزه مشغول مشق و استعداد آماده اند که هنگام  
 حرکت بیچگونه معطلی بدارند

دیگر نوشته اند که چهار عاده توپ که همراه  
 علیقلی سلطان و توپچیان ما مور عربستان بودند  
 در باغ شاه حاضر شده توپچیان مشغول تیر  
 و مدارکات سفر بوده اند که هنگام حرکت نواب  
 احتشام الدوله روانه عربستان شوند

**خراسان**

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته بودند  
 خلعت آفتاب طلعت بایون که از جانب سی  
 اعلیحضرت شاهنشاهی بافتی نواب مستطاب  
 شاهزاده افخم و الا تبار روزنامه فرما مرجمت شده  
 بود بعد از رسیدن خلعت بایون نواب  
 معزی الیه لازمه احترام و توقیر از خلعت بایون

۱۵۵۳

بعل آورده زینب پیکر اعتبار خود ساخته و  
 دیوانخانه بزرگ مجلس سلام منعقد نموده بودند  
 و جمیع خوانین و اعظم و اعیان و صاحب مصبان  
 نظام و نسیره حاضر شده خطبه بنام حاجی هایون  
 خوانده شد. اختتام مجلس بدعا کوفی و سجود  
 هایون گردیده و برای تهیت چند تیر توپ شلیک  
 کرده بودند

از قراریکه در روزنامه نوشته شده بود نواب  
 مستطاب فرمانفرما در انتظام و انضباط امور  
 ولایت کمال اهتمام دارند و این اوقات نواب  
 خود قدغن کرده اند که بیت نفرفرش فرستاد  
 همیشه در میان شهر گردش نمایند و از هر کس خلاف  
 قاعده و بی اعتدالی نسبت به مردم ظاهر شود  
 ببارک خدمت نواب معزی الیه بیاورند که رسیدگی  
 نموده در مقام رفع آن برآیند و بگلانتر شهر  
 قدغن نموده التزام گرفته اند که خرنیات و کلیات  
 اتفاقیه شهر را در ضمن روزنامه بعض نواب معزی  
 برسانند و از هر کس خلافی صادر بشود عرض  
 کنند که در مقام رفع آن برآیند و از اینجهت  
 رفع بی اعتدالی الواط و او با شش گردید و یکموقع  
 فراغت و استراحتی برای مردم حاصل گردیده است  
 و کسی را جرئت مخالفت نیست و از بر کس برپا نیست  
 مالی خواه جزئی و خواه کلی سرفقت یا منقود بشود  
 بجز و اینکه بعض نواب فرمانفرما میرسد کمال

۱۵۵۲

تا کید و حیجری آن بعل آورده قدغن نمایند که  
 اموال مسروق و منقوده را از هر کس که بوده  
 استرداد کرده بصاحبش رد نمایند از جمله شخص  
 قصابی قدری مال از دیگری سرفقت برده بود بعد  
 از آنکه نواب معزی الیه مطلع شد بودند حکم با استدلال  
 کرده مال مسروق را استرداد بصاحبش رد نمودند  
 و شخص قصاب را بهای عمل خود رسامه داد و بودند  
 مهار کرده در بازار را بگردانند که مایعبرت دیگران شود  
 و همچنین چند نفر الواط و او با شش که کارشان قمار  
 بازی و معتده جوئی بوده است حسب احکم نواب  
 معزی الیه ایشارا گرفته بجزور آورده بودند و از هر یک  
 لازمه مقبیه بعل آوردند که بعد از این مرتکب اینگونه  
 حرکات نتوانند شد

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه فاحشه پیشاپور  
 زنهای مردم را فریب داده با بی نظری و آن طرف  
 و خانه این و آن پیژوده و با بر کتاب خوش و شغل قیاد  
 اهدام می نموده است مراتب بعض نواب معزی الیه  
 رسیده حکم فرمودند که او را از ارض اقدس خارج  
 کرده پیشاپور ببرند که دیگر ماریض اقدس نیاید

دیگر از قراریکه در روزنامه حرسان نوشته بودند  
 از قول جمیع کثیری که خودشان مشاهده کرده و دیده  
 و در آنجا متفق اللفظ مذکور نموده اند این اوقات کمتر  
 پس باز قریب بظن رفته بوده است الاغ خود را با

دید بنزدیکی مسجدی که در جنب حمام بیکر میکی  
واقع است رسیده الاغ اورم کرده بود سرباز  
باطراف خود نگاه کرده دیده بود که در آن مسجد  
سه چهار نفر زن نقاب بر صورت او نیخته مشول  
نوحه و کره پستند و در میان آنها یک نفر زن بلند  
بالائی است که آمده در درب مسجدی نشیند و همه  
دستهای خود را بر هم زده با سر حرکت می کند سرباز  
متحیر شده داخل مسجد فرورگشته کسی را ندیده بود  
وزنها غایب شده بودند این گذارش را به مردم نقل  
کرده بود و هر کس از آنجا عبور میکرد استوبه  
مقدم مسجد فرورمانده بهین حالت را مشاهده میکرد  
و چون داخل مسجد میشد کسیرا میدیده است و  
مسجد فرور چون دایر نبوده و مدتی در آنجا نماز عجت  
میشد و حصیرنداشته است جای پای آن زنهارا  
مشاهده کرده مشت خاکی از جای پای آنها برداشته  
بوسی عطرازان حاک استشام کرده بودند مردم  
چون اینجالت را دیده بودند از دحام کرده و بخارا  
چراغان کرده و مجلس روضه خوانی در آنجا برپا  
نموده بودند و حالا بجهت نماز زیارت و نذر و نیاز  
اغلب اوقات از دحام تمام در آنجا میشود  
**حمت و خوانا** در درین هفته ازین  
ولایات نیز اجباری برنیده  
**دارالمرد**  
از قزاقیکه در روزنامه ما زنده ران نوشته بودند

این اوقات از قزاق بر اهل کشتی یک فرزند  
کشتی از میرزا باقر نام کیسلانی بجهت خریدن ملک  
از دهنه رودخانه سفید رود داخل دریا شده  
خود میرزا باقر قسم در آن کشتی بوده و یک پسر و  
یک نوکر و چهار نفر عمه همراه داشته است بعد  
از آنکه دو سه روز در دریا رفته اند یکروز بیک  
بغروب یک فرزند لکا از دور پیدا شد میرزا  
باقر با احتیاط اینکه شاید ترکان در زد باشد  
توپ و تفنگی که در کشتی داشته مستعد نموده وقتی که  
نزد یک شده بودند معلوم شده بود سه نفر  
ترکان در آن لکا مشرف بغرق مستند و لکای  
آنها شکست است میرزا باقر از بابت خلاصی آنها  
آن سه نفر را بکشتی خود آورده با خود چند روز  
آنها را در آن کشتی نگاه داشته متوجه شده بود  
در این بین آن چهار نفر عمه مرزور با ترکانان فرور  
کنکاش کرده بودند که میرزا باقر را بقتل رسانند  
یک روزی میرزا باقر با پسر و نوکرش هر سه خوابیده  
بوده اند اول میرزا باقر را مقتول کرده و بدریا  
انداخته بعد از آن پسرش را نیز کشته و بدریا  
انگنده پس از آن وحشت کرده بودند که شاید  
کسی در دریا با آنها برخورد خود را بکنار کشیده  
کشتی را سوراخ کرده غرق نموده بودند و در  
خشکی قصد قتل آدم میرزا باقر را کرده پش رالی  
اغاز جزع و فرغ و فریاد نموده بود در آن جنین

۱۵۵۵

تاریخ

چند نفر سوار عبد الملکی که بجهت محافظت کنار دریا میرفته  
 فریاد و عجز آن شخص را شنیده آمده آنها را گرفته  
 مقیداً محبوسا بساری آورده اند مراتب بعضی خاک  
 تا یون رسیده مقرر فرمودند که آن چند نفر کجا  
 در ساری بسزای عمل خودشان برسانند  
 باره آن چند نفر سواره عبد الملکی که خدمت کرده بود  
 بذل القات شود

سنان و شام و عراق و  
 عربستان و فارس ازین ولایات  
 درین هفت اجباری رسیده است

کرمانشاهان از فراری که در ضمن تخریب  
 روزنامه کرمانشاهان سمت تخریب یافته بود  
 این اوقات از منزل خانقین الی نجف اشرف  
 بسبب تعرضات اعراب اعتناش کافی در آن  
 حدود حاصل است و از برای زوار و تهرودین  
 آسایش و امنیت در آن راهها میترا حمله  
 از فراری که نوشته بودند این اوقات زیاده از  
 چهار صد نفر زوار ما زذرائی ورستی را در  
 کار و اسرای خانزاد که در پنج فرسخی بغداد  
 یکجا برهنه کرده اند و نه مرد و سه زن را  
 و چند نفر را زخمی کرده اند و اموال و اسباب  
 ریادی بقدر بیست سی هزار تومان از آنها بجا  
 برده اند که آنچه داشته اند همه را از دستشان  
 گرفته اند

تاسی

۱۵۵۶

دیگر از فراری که در روزنامه کرمانشاهان نوشته  
 بودند نواب عماد الدوله حکمران کرمانشاهان  
 قرار داده اند که از افواج آنجا هر فوجی دو ماهه  
 بشهر آمده مشغول مشق باشند و بعد از اتمام مشق  
 مواجب خود را با استحضار شکر نوبان گرفته  
 مرخص شوند یکروز بعد از عاشر اعلیجماه  
 زین العابدین خان فوج کلهر را بشهر آورده  
 مشغول مشق هستند و همه روزه از صبح الی چهار  
 ساعت از روز که شش در شب قلعه مشغول  
 مشق میباشند

کردستان

از فراری که در روزنامه کردستان نوشته  
 ایل مندی اسال زیاد دست اندازی بعضی  
 کردستان و کردس کرده اند چنانچه در حکام  
 مراجعت چند قریه معظم کردس را چا پیده  
 بعضی از دلت کردستان نیز خرابی رسانده  
 و اموال و اسباب زیاد از رعایای آنجا  
 برده اند در بین راه یک نفر از آدمها  
 مقرب انخاقان میره ششم خان را برهنه  
 نموده و اسب و اسباب او را هر چه داشته  
 با التهام گرفته بودند خود او از دست آنها فرار  
 کرده خود را بسنج رسانیده مراتب را  
 بمقرب انخاقان والی کردستان اطلاع داد  
 والی نیز آدمی همسراه او نموده و بمسافر

v

<p>از فراری که در روزنامه لرستان نوشته اند نواب جلال الدین میرزا با فوج خدا بند بود با جلان از دسته عربان و از دسته خاجگان یا راحمدی و توپچیان ساخلو لرستان از اشتر حرکت کرده مامور خاوه شدند و نظم کلی در امرا ایلات آن صفحات داده اند خاصه امور کاکا و نذر انظم کامل داده اند سبانه اهل هر سین و سایر ایلات کرمانشاهان شکایت از آنها داشتند امسال ایل میرزا نوشته رضانا مه از جمیع اهل هر سین گرفته و نیز نواب مستطاب احتشام الدوله حکمران برو جرد و بختیاری و عربستان و لرستان فرستاده اند و امور آن صفحات به جهت قرین انتظام است تا اواسط ماه صفر که ایلات بکر میرات حرکت می کنند نواب جلال الدین میرزا روانه خرم آباد خواهند شد</p>	<p>سرحدات نوشته بود که جمعیت را سینه بر داشته عقب ایل میرزا تا هر جا رفته باشند بروند و اموال و اسباب مشارالیه و سایر اموال منهبوبه مردم را از آنها مسخره و تمام دیگر نوشته اند که غربای کسبه که در آن مشغول کسب میباشند در توجیه دیوانی با کسبه اهل آن ولایت پیچیده مشاکرت نمی نمودند و کسبه آن ولایت از این محسد شکی بود مقرب انخاقان و الی درین باب قدغن کرد که هر یک از غربا که در بازار مشغول کسب و کار استند مانند کسبه آن ولایت توجیهات و تخمیلات دیوانی را داده با آنها مشاکرت مساوات نمایند بعضی از غربا قبول این معنی را کرده و کار خود را بسته اراده رفتن با وطن خود نمودند</p>
<p>دیگر نوشته اند که نواب غلامحسین میرزا که با فوج دلفان و پشتکوهی و دالوند ابو الجهمی عیال عباسقلی خان و الی سر تپ مامور هر تو و بالا گریوه بودند امور آنجا را انتظام کامل داده اند و از اتهامات و مراجبت نواب محسنی الیه افیت در آن صفحات حاصل است پیچیده خلعی و سستی در آن سرحد بکسی وارد نیامده و افضل شوشتری که در این اوقات وارد شده اند</p>	<p>دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان و الی در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت ورفاه و آسودگی رعیت اهتمام زیاد دارد و اهل آن ولایت از حسن سلوک و رفتار مقرب انخاقان مشارالیه کمال رضامندی دارند کر و کس و کرمان و کسلان ازین دلایات نیز درین هفت اجباری لرستان</p>

۱۵۵۷



ریا ده از لطمه نواب معزنی الیه و این میان ایلات سکوند و بالا کر یوه راضی و بوده اند

دیگر نوشته اند که در اول بهار که ایلات حرکت بهمت ییلاقات میکردند و بار کر باس از قافله سوشتی در چاید رفقود شده بود نواب مستطاب احتشام الدوله اموال منفقو از طایفه سکوند خواسته بودند آنجا خدمت نواب معزنی الیه الترام سپرده بود که مال مزبور در نزد آنها بروز نماید مورد مواخذ باشند بعد از طوائف حول و جوش مطالبه کردند معلوم شد که پیر حیدر خان والی که از پدرش قهر کرده و بان حوالی آمده بوده است و با مزبور بدست او افتاده بود نواب معزنی الیه فرستاده مال مزبور را از او سترد و بصاحب تسلیم کردند و آنچه از مال را که بمصرف رسانده بود و قیمت آنرا دوساوی از او گرفته بضای مال دادند

دیگر نوشته اند که یک نفر دزد که سابقا در دارالخلافه طهران دزدی کرده و یک دست او را قطع کرده از دارالخلافه اخراج نموده بودند در این اوقات بایز در اینجا مکتب سرقه شده بود و سبک کرده دیده و الان در حبس است تا بعد حکم آن بشود

دیگر از قرار که شعبه اجناس انولایت در نوشته اند همه چیز فزاون و ارزاق آن است

دائمی در عایای انولایت از انهم کمال رفاه و آسودگی دارند  
نهادند و همدان و یزد و این ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

۱۵۵۸

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمسه بیستم ماه صفر المظفر مطابق ۱۲۷۲

مذمه دریت چند بوست

قیمت روزنامه  
پنجاه شهر



منبعه دارانخلا و طهران

قیمت اعلانات  
هر خط پنج شهر

اخبار داخله ممالک روسیه و سایر

دارانخلا و طهران

چون درین اوقات هوای دارانخلا و طهران  
خوب شده و رفع ناخوشی بجلی گردیده است اعلیحضرت  
قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه که  
در او دیت تشریف داشتند در چهارم اسفندماه  
از آنجا بیاباغ نغارستان تشریف فرما گردیده و  
عزیمت چند روزه بوقت در آنجا دارند تا بعیت  
سعد تشریف فرمای ارک مبارک بشوند و در این اوقات  
که موکب همایون در داوودیه تشریف داشتند  
وجود مبارک بسیار خوش گذشته است و  
این روزها که باران مطلوب و بجهت زارعین بیاباغ  
کلی دار زمینت قدم بجهت لزوم حضرت است  
همایون شاهنشاهی دامت شوکتها از روزیکه تشریف  
فرمای نغارستان شده اند دو سه روز است

که علی التوالی بارندگی خوب میشود و هوای بسیار  
طایم گردیده است و بجهت صفا و خوبی هوا در روز  
سه شنبه بیستم نیز اعلیحضرت قوی شوکت  
شاهنشاهی میں سواری فرموده بتفریح و کشتی  
دارانخلا مبارک تشریف فرما گردیدند  
نظر با تهماتی که از عالیجا مقرب انخاقان موسی  
پیر جناب اشرف امجد المصنم صدر اعظم در  
خدمتگذاری اوقات توقف موکب همایون  
در داوودیه بگور رسیده و خاطر اقدس  
از حسن خدمتگذاری خود خرسند و آرزوی  
خدمات او مطبوع و تسخ خاطر اقدس  
افتاده در این اوقات یک ثوب کلبه از  
لبوس تن مبارک در ازای خدمات مشارف  
با و خلعت رحمت گردید

۱۵۵۹

نظر بطور رحمت ملوکانه در باره عمده الامراء  
مقرب انخاقان محمد ناصر خان ایشک آقاسی با  
در روز پنجم گذشته که روز عید مولود مسعود  
اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه  
سلطان بود یک ثوب جبه ترمه از بلوس تن  
مبارک بمقرب انخاقان مشار الیه خلعت رحمت  
فرمودند

وارد در محله مبارکه گردیده و در روز  
چهارم که موکب هایون از داود تیرت  
فرمای نگارستان می شدند در بالای نگارستان  
صف نظامی کشیده در کمال شکوه و آراستگی  
بنظر مبارک رسیده صاحب مضبان و  
احاد و افراد فوج مزبور مورد تحسین و نوازش  
ملوکانه گردیدند

چون در این اوقات مرحوم منوچهر خان تجوید  
وجه خزانه اصفهان وفات یافته بود لهذا  
عبدالحسین بیک غلام شیخ مت را منصب تجوید  
وجه خزانه اصفهان سرافراز یک ثوب جبه  
مشار الیه خلعت رحمت فرمودند و این روز  
روایه محل ماموریت میشود

سایر ولایات  
اوز با بجان و اصفهان و استرآباد  
و اسد آباد درین بنفته از این ولایات  
اجباری نرسیده است  
بر وجه و از فرار یک در روزنامه برود  
بودند در روز ششم ماه صفر که روز عید مولود مسعود

نظر بلا حظه خدمات سابقه و لیاقت و استحقاق  
عالیجاه مرزا اسمعیل خان پیکار استرآباد و سایر  
مهام خارجة آنولایت در این اوقات حسب  
یک قطعه نشان از مرتبه اول شهنشاهی رحمت و  
مهر لعلان مبارک نیز شرف صد و یافت که نشان  
مزبور را او نیزه پیکر اعتبار و افتخار خود ساخته  
میش از پیش مراتب خدمتگذاری خود را مشهود  
احسن هایون شاهنشاهی دارد

اعلی حضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه  
و سلطان بود ثواب مستطاب شاهزاده  
تبار احتشام الدوله خان میرزا حکمران برود  
و عربستان و لرستان و بختاری در  
عید مزبور چراغانی نموده و روز عید را تقابون  
اعیاد بزرگ مجلس سلام انعقاد داده و  
و صاحب مضبان نظام و اعظم واعیان  
ولایت سلام حاضر شده اجرای شلیک  
توب نموده خطبه بنام نامی اقدس هایون  
اد او بدعای بقای وجود فایض اسجد احتشام  
یافته اهل سلام شربت و شیرینی صرف نموده سلام

فوج فراوانی ابو ابیحی عالیجاه محمد حسن خان سیرت  
که از خدمت خراسان بدر بار جهاندار هایون  
مراحت کرده بودند و در روز دهم این ماه

توب نموده خطبه بنام نامی اقدس هایون  
اد او بدعای بقای وجود فایض اسجد احتشام  
یافته اهل سلام شربت و شیرینی صرف نموده سلام

منقضي گردیده است

دیکر نوشته بودند که هر سال فصل پانزدهم  
مختلف از قبیل نوبخش و مطبقه و محرقة در آنجا  
زیاد بود امسال بجهت این امراض کمتر از  
سالیهای دیگر بوده است و لکن اطحال از ناخوشی  
سرخجه زیاد تلف شده اند

لبطام

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است  
خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند  
مورآتو لایت از اتهامات نواب مستطاب  
شاهزاده محسنم و الا بتبار فرمانفرما قرین نظام  
و نهایت فراوانی و ارزانی در ارض اقدس  
حاصل است و امور قراولخانها الضباط تمام  
وارد و افواج قاهره متوقف ارض اقدس  
بمه روزه حاضر مشق میشوند و صاحب منصبان  
کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها دارند و  
موافق حساب با امانی آنجا سلوک دارند و  
از کسی نسبت بکسی تعدی و خلاف حسابی ظهور  
ندارد و زوار بسیاری از هر یک از مالک  
محمود علی التوالی با رض اقدس می آید  
و میروند و همیشه پنج شش هزار زوار در آنجا  
پساشند و در ایام دهم عاشورا نواب فرمانفرما

علم کرده است در ضمن جدید روضه متبرکه که در  
چاپ و پوشش بسیار بزرگی زده و اوضاع تعمیر  
داریرا در آنجا با اوضاع تمام فرانسیم آورده  
لازمه مخارج را کرده اند و حجتیه مزید دعا کوفی دانستند  
اقدس مایون اعلیحضرت شایسته ای خدا  
ملک و سلطانه اطعام و حسان بسیار بفقرا و عجزه  
و ساکنین نموده اند

دیکر از قراریکه در ضمن روزنامه خراسان از  
اخبار مردم و جنوق نوشته بودند در جنوق  
این شخصی را که بعد از مقدمه خان جنوق بجهت  
خودشان بزرگ برقرار کرده بودند چون سابقا  
بزرگ خود را طوره مینامیدند و مشهور بطوره  
هستند این شخص را پادشاه نامیده بودند  
درین روزها ترکمانان آنجا اجماع کرده و او را  
بامیر احمد خان جمشیدی و ده پانزده نفر از سرد  
معتبره آنجا بقتل رسانیده اند و ما بین ترکمانان  
جنوق این اوقات نماز عکس است

دیکر نوشته بودند که نواب مستطاب  
شاهزاده محسنم فرمانفرما چند روزی است  
مراجعی دارند و عا لجاه حسنعلی خان سرتیب  
فوج کروسی با نظام امور شهر و قراولخانها  
رسیدگی کامل مینماید و اهل شهر از حسن سلوک  
مشارایه رضامندی تمام دارند

### حمت و دار المرز و سنان و هر دو

ازین ولایات نیز درین مهفته اخباری رسیده است

### عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند امور

الولایت از اتهامات مقرب انخافان میرزا حسنخان

قرین انتظام است و در ایام و همه عاشورا تعزیه دار

جناب سید الشهدا بطور شایسته بعمل آورده و

اوقات لیالی و ایام عاشورا را صرف تعزیه داری

و حصول دعا کوفی ذات اقدس بایون علی حضرت

شاهی خلد الله ملکه و سلطانه داشته و محض

مزید دعا کوفی وجود مبارک بقرا و ضعفا و اربابا

استحقاق خصوصا اطعام و آن نموده است

دیگر نوشته اند که در سیاهستان خانه میرزا آقا

نامی را بریده و اسبابی سرقت کرده بودند صاحب

مال آمده مراتب را بمقرب انخافان میرزا حسنخان

اطهار داده داشته بود مشا را لیه فرستاده بود

از آن در زده را که در تحت احتیاج حاکم بودند او را

اموالی که برده بودند تا ماستر کرده و دو نفر دیگر را

صاحب سیاهستان نوشته داده است که تا یکماه

دزدها را بدهند یا از عهده مالی که در نزد آنها برینند

و هم چنین چند نفر دزد بقریه نجف آباد و امان رفیه

خانه را بریده بودند صاحبان مال عارض شده

و آدم تنگنص سابقین تعیین گردیده بزرگ مال را

در سیران شراه پیدا کردند دزد و بدست آمد

اموال مسروقه از آنها سترو و آنها تنبیه کامل شدند

### عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته اند امور

انجمن از حسن مراقبت و مواظبت نواب مستطاب

چشم الدوله بهرجه قرین انتظام است و سربازان

و توپچی و مستحفظ که در قلعه جات کوت فیلی و جبرین

و غیره مامور حفظ و حراست هستند تا ما در خدمت

خود و همه روزه مشغول مشق میباشند و با بیانت

حسن سلوک با اهالی انجمن رفتار دارند و کمال

اهمیت و انتظام در آن ولایت حاصل است

و بعضی امراض که در میان مردم بوده است

### بختی رفع گردیده است

دیگر نوشته بودند که چون در موسم پائیز

بسیار از سمت مسقط و روس انجمنه و سایرین

بجهت خریدن خرما بجزیره و شط العرب و بصره

خرما با برگیری کرده بجهت بی پیرند و از انجا بهند

و فرنگستان میفرستند درین سال از قرار

مذکور چندی امام مسقط ممانعت از آمدن جهازا

مزبور میکردند است ولی از قرار اخباری که در

ثانی بجزیره رسیده بود ممانعت را موقوف کرده

و جهازات بجهت حمل خرما بجزیره و شط العرب

بصره روانه شده اند

دیگر نوشته بودند اسال سخته طغیان آب  
 بهار قدری رسیده و صند و قهای سندی  
 آب برده بود و نواب مستطاب حشام الدوله  
 مجدداً عمل و اسباب و تحوایه و آذوقه با  
 و ستاده و عمل بسیار مشغول انداختن شده  
 سبب شده اند و از قراریکه نوشته بودند  
 ستم نور را در کمال استحکام تمام کرده اند  
 و با الفل نواب امیرزاده در سرت مبرور  
 اردو زده و بعضی جزئیات آن که نامهای  
 داشته است مشغول نام آن بوده اند که الی  
 آخر محرم شواله با تمام رسد

دیگر نوشته اند که در این اوقات جهانی  
 از بند عسکوران بصره بوده است در خور  
 بصره ده نفر دزد بگری علی الغفله داخل جهان  
 مبرور شده دست بنهب و غارت گشوده  
 اهل جهان نیز بدفاع اقدام نموده بدزدان  
 غالب آمده اند و برده نفر و زور مقتول  
 در بار ریخته اند و خود قبیح غنیمت بصره نمود  
 از با سجا با ما کن جو در حاجت کرده اند

دیگر نوشته بودند که جهازی از ننگستان  
 بارگیری نموده به بصره میبردند و در نواحی  
 بصره جمع و زردان در یانی بجهاز ریخته بنای  
 غارت گذاشته بودند اهل کشتی نیز بمقام دفاع  
 و جدال برآمد پیشش نفر از اهل کشتی و پنج نفر

از دزدان مقتول گردیده باقی اهل جهاز بر کشتی  
 بودند  
 دیگر نوشته بودند که چون این اوقات همگام  
 وصول مالیات آن صفحات است عالیجا شیخ  
 حاکم خان نهایت اهتمام را در وصول و اصال  
 مالیات دارد ولی چون خزای آن صفحات هنوز  
 بفرش نرسیده است مالیات تمام وصول نشده است

### فارس

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است  
 قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند  
 در ششم اینماه که روز عید مولود علی حضرت قوی  
 شوکت شانشاهی خلد الله ملکه سلطانه بود  
 شبازی و چراغان کرده و روز مراسم  
 عید سعید را بطور شایسته معمول داشته  
 ششم را مرتب انخاقان حاجی حسنعلیچان  
 قزوین صیافت سکین نموده جمعی از اعزده  
 اعبان و نوکرهای پادشاهی را دعوت کرد  
 و در شب منعم نیز عالیجا خان با خان سرمنگ  
 صیافت کرده جشن عید مولود مسعود و تایون  
 بقسم خوب لعل آورده اند

دیگر نوشته بودند که در ایام دهنه عاشورا  
 در قریه ارداق روز عاشورا تقریبه داری کرده و  
 تعزک نیز خالی می نموده اند تعزکی از مال سر بازار

۱۵۶۲

خود بخود بدر رفته یک نفر از رعایای آنجا متولد  
 شده بود مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان در  
 مقام تحقیق و تفحص برآدم معلوم شده بود که  
 قتل آن شخص بعد نبوده است مقرب الخاقان  
 مشارالیه و عالیجاه خانبا با خان سرسنگ بر  
 وجهی بجهت مخارج صغار و بازماندگان آن شخص  
 مقتول داده بودند

دیگر از قراریکه نوشته بودند امر محارست محلات  
 شهر و طرق و سوارع قزوین انتظام تمام  
 و قوافل و مترودین آسوده خاطر از آن راهها  
 عبور و مرور نمایند و در باب کزومه و مستحفظ  
 شهر و محلات سابقا قرار بر این بوده است که  
 که خدای بر محله از بهر خانه مسبلعی معین فراخور  
 آن خانه میکرفته و مواجب کزومه میداده اند  
 که شبها را مشغول حراست محلات و محافظت خانها  
 مردم باشند مع ذلک بازسرت و وزدی  
 در محلات اتفاق می افتاد درین اوقات این قاعده  
 مقرب الخاقان حاجی حسنعلی خان موقوف نموده  
 و آقا حسن نامی را بر کزومه شخصی کرده و بچاه  
 نفر کزومه کارآمد معتبر باسم و رسم شخص کرده  
 که مواجب آنها بقرارتعدیل از اهل محلات بانهار  
 شبها بجا فطت و محارست محلات و بازارها و دکانها  
 و خانهای مردم مشغول باشند و از آنوقت که آن

۱۵۶۴

قرار داده شده است کمتر زدی اتفاق می افتد  
 و اگر بذرت سرقتی واقع شود اموال مسروبه  
 با تمام کزومه دستخط بدست آمده بصاحبش تسلیم  
 سارق بتبیه کامل میشود و نیز قرار شده است  
 که بعد از چهار ساعت از شب کسی در کوچها عبور نکند  
 و اگر بی سنگام کسی را در عبور ببیند بگیرند از محله  
 چند نفر از آدمهای عالیجاه خانبا با خان شب  
 بیرون آمده بودند مستحفظ آنها را کزومه نیز در آنجا  
 خانبا با خان برده و مشارالیه نیز آنها را تبیه کامل  
 نموده و قدغن کرده بود که اگر بعد ازین از نو کزومه  
 یا صاحب منصب متعلق من هر کس باشد شب بوقت  
 و بعد از چهار ساعت که قرار شده است از منزل  
 بیرون برود مورد تبیه و مواخذة کفلی خواهد گردید  
 و باین سبب سر باز و صاحب منصبان مشارالیه  
 بیچکلام قدرت یک شبها بوقت بیرون بیایند ندارند

دیگر نوشته بودند که در بار و طکوب خانه قزوین  
 در شب چهارشنبه سیزدهم محرم در هنگامی که  
 بار و طمبیکو بیدار آلتی از دکان بار و طکوبی  
 حادث شده آنچه بار و طمبیکو در آنجا بود آتش گرفته  
 و یازده نفر عمده و بار و طکوب که در آنجا مشغول  
 کار بودند همگی سوخته و تلف گردیده و بیچارگان  
 بجای دیگر مکرده بود

قسم و کاشان ازین ولایات نیز

درین بقیه اخباری سید است

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند

در ایام عاشورا نواب مستطاب عماد الدوله

حکمران کرمانشاهان در مراسم تعزیه دار

جناب اباعبدالله الحسین اهتتام زیاده بعمل آورده

و محض حصول دعای خیر بجهت بقای وجود فانی

افسوس مایون شاهنشاهی دامت شکوه اطعام

ساکین و احسان بقرا و عجزه در لیالی و ایام

مموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب عماد الدوله بجهت

و حراست زواری که از مالک محروسه بانجا

آمده و روانه عمدتات عالیات میشوند آنچه در

شهر توقف می کنند یکصد نفر سواره پیاده مشخص

کرده اند که شبها محافظت زوار را بکنند که از

قطاع الطریق محفوظ باشند و زوار از این معنی در

رفاه و آسایش میباشند و همین از کاشان

الی قصر شیرین که سرحد خاک دولت علیه عمایت

قرار داده اند که همه سوار تحفظ همراه زوار

بوده آنها را سالماً از آن راهها عبور داده

بنازل برسانند

دیگر نوشته اند که درین روزها خواهی از شخصی

در خارج شهر مفقود شده بود کما شمه جناب

اقا محمد صالح حاجی علی نام تنخواه مزبور را پیدا کرده

بود و جارچی بشهر و خارج شهر انداخته بعد از دو

روز صاحب تنخواه پیدا شد آمد و وجه خود را

تمام و کمال دریافت کرده بود

دیگر نوشته بودند که میدان توپخانه و نقاره خانه

کرمانشاهان بمزور خرابی بهر سبب شده و از رونق

و سکو سابق افتاده بود نواب عماد الدوله فرار

تعمیر آنها را داده اند که بهتر از ایام سابق نشود

و بالفعل هر روزی سی نفر بنا با عله زیاد در آنجا

بنائی میباشند و عنقریب میدان مزبور در کمال

خوبی و صفا با تمام خواهد رسید

دیگر نوشته بودند که در دوازدهم ماه محرم ام

مرحوم میرزا نصر الدار وسیلی مشهور بصدر الممالک

ایزدی پیوسته و نواب عماد الدوله حکم کرده اند

جازه او را با کمال احترام برداشته اند

دیگر نوشته اند که نواب عماد الدوله چند روز است

بجهت انتظام بلوک بالادربند بانجا رفته اند و از

انجارا انتظامی کامل داده اند از جمله چهار نفر از شهر

و در مشهور انولایت که مدتها بود بدست غیبی آمده

دسگیر شده اند و نواب بمنزلی الیه آنها را بشهر

فرستاده در آنجا محسوس تا بعد از مراجعت حکم آنها را بجا



دیگر از قرار یک تیر اجناس کرمانشاهان را  
 کندم اعلیٰ خرواری یک تومان و کندی و  
 خرواری شش هزار و پانصد و نوار و جو خرواری  
 شش هزار و برنج یک من ده شاهی و روغن  
 یک من دو هزار و یکجاسی و سایر اجناس این  
 قرار متعده بوده است  
**کر و استان و کر و کس و کرمان و**

کرمان ازین ولایات نیز درین هفته  
 احبباری نرسیده است

**لرستان**

از قرار یک دور روزنامه لرستان نوشته بودند  
 چون هر ساله فضل پانیر که ایلات بکریات  
 حرکت میکردند چه از دوات اطراف و چه  
 میان خودشان سرقت و دست اندازی  
 بمال یکدیگر میکردند امسال از اتهامات  
 جدال الدین میرزا و رکال آرامی و انتظام  
 کرده اند بپس چوچ از احدی چیزی بسرقت  
 نرفته است و نواب معزی الیه نیز حسب  
 مستطاب هشام الدوله در فاعده مراست  
 عید مولود مسعود علیچیت شایسته  
 بعل آورده اند و همچنین نواب غلامحسین میرزا  
 در هر وجه عید مولود مسعود همانون مراست  
 و اساس جشن فراهم آورده اند

**اعلانات**

چند طغرا اسناد و نوشتجات و متگ انال  
 میرزا عبد الرسول مقیم رشت بموجب تفصیل وین

سواد قباله بام میرزا عبد الرسول  
 « » « »

ایضاً متگ  
 طمار مال و قریه  
 « » « »

ایضاً متگ بام میرزا عبد الرسول  
 « » « »

با بعضی نوشتجات دیگر در یوم تا سوعا در دار  
 مفقود شده است هر کس پیدا کرده باشد  
 به قرخانه روزنامه که در میدان ارک است  
 و بیست تومان مزد کافی بگیرد

کتابهای چاپی دار انخلاف طهران که در کارخانه حاج  
 عبدالمحمد باسحق در محله نزدیک دروازه  
 دولا ب الطباع شده از اینقرار فروخته میشود

- ۱- انوار النعمانیه سه تومان
- ۲- وسایل با فرتت یک جلد ده تومان
- ۳- حمت نظامی بیت و پنجاهار
- ۴- سرایر دو تومان
- ۵- زبده المعارف دو تومان
- ۶- معراج العاده یک تومان
- ۷- شاننامه چهار تومان و نیم

۱۵۶۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور منظر مطابق الون سنه ۱۲۷۲

نزهت و لذت چهره

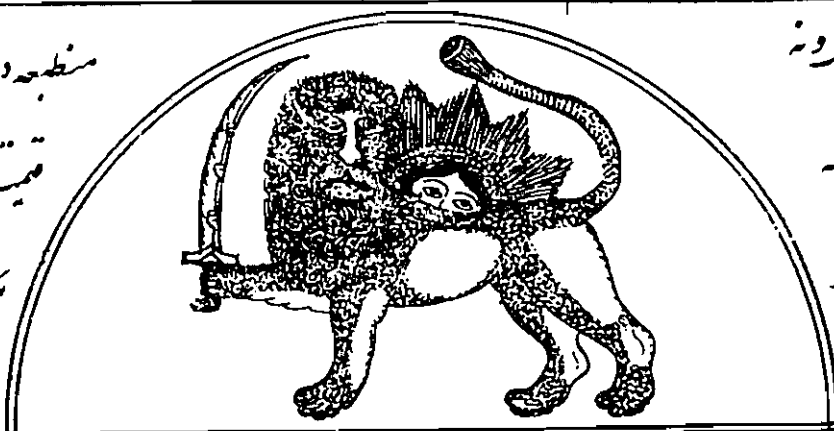
قیمت روزنامه

هر نسخه و شش

منظره دارانخانه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارانخانه طهران

هوای دارانخانه طهران از وقتی که موکب هایون  
اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه بکارستان  
تشریف فرما گردیده اند در نهایت خوبی بایست  
و چنانچه در روزنامه هفتگی گذشته نیز نوشته شد  
اغلب اوقات ترسخی در هواست و چون این  
اوقات دینه اخر ماه صفر است در بسیاری از  
تکایا و ساجد و خانها مانند ایام دینه عاشورا  
مردم مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا شدند  
اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی نیز در روز  
حرکت از بخاراستان فرموده از دروازه شمیران  
وارد شهر گردیدند انالی واعیان و دارانخانه  
و قوگوراد و معا بر عبور موکب هایون بزمارت وجود  
فایض الحوداد و حسن فایز آمد موکب شاهنشاهی از

میدان جدید تشریف فرمای ارکه مبارک که سلطان  
شدند

صورت تشریفاتی که در روز و در جناب عمده الامراء  
سبف الملک عباسقلینان میرنجه سفیر کب و دولت  
علیه ایران مامور دولت بهیه روس تقبل از جانب  
کارگزاران دولت بهیه روس در تقبل بعمل آمده

در روز و در جناب معنی الیه بدین موجب رسالت  
جناب

جنرال ماجور محران که از جنرال قسطنطنیالی کارگزار امور  
معتبرین طایفه کرمی است خارجه مملکت قفقازیه

پولکویک قلی کلین بک بکریسی پولکویک دایور سوار نظام  
تقلیس دولفر

پولکویک دایور پاد نظام اجخوان جانکینار همو و قایم  
دولفر جانشین قفقازیه و حاکم کل مملکت  
سزبور

میرزا اسکندر باور و مبرمج سواره را اندازم که معلول  
کنینیا ز بهبودت آفتاب شهرند صد نفر

سواره نظام و پنجاه نفر  
جمع کارگذاران امور حاجه  
گامی اجزای دفتر خایه بگریزی

بزرگ و کارگذاران تعلیس بمریک با اتباع خود  
استقبال نموده بچرد ملاقات جمیعاً از کالکها  
پیاده شده و کمال احترام و پذیرائی را بعلی آوزده  
جناب مغزی ایله نیز لوازم مهربانی را با آنها معمول  
داشته و تاباغ مانیتو که فریب بشهر است و عمارت  
عالی دارد و در آنجا شیرینی و سایر اسباب  
و پذیرائی حاضر ساخته بودند آمدند سه نفر حرام  
بدین موجب با جمیع کشیری از صاحب منصبان و دیگر

جنرال انو کینیا جنرال لئی جنرال و اندزیوف  
محرر محرر لئی

دیم در باغ صف کشیده احترام شایسته بجا آوردند  
و جناب ایلیچی کبیر پیاده شده بیباغ رفتند بعد  
از صرف چائی و شیرینی و قهوه بیرون آمدند چند  
عراده کالک و کاری علیحده بسیار خوب حاضر  
ساخته بودند جناب مغزی ایله با اجزای سفارت  
نشسته درین بین پلیس مسطر شهر تعلیس با تمامی اجزا  
پلیس آمده لازم احترام را نمودند بعد از آن کلمات  
شهر با همه معارف و اعیان از تجار و غیره باطلین علم  
که اظهار کمال احترام و شادمانیت آمده لازم احترام

و استقبال را بعلی آوردند و همه سکنه شهر  
تعلیس از مسلمان تبعه دولت تیله ایران و تبعه دولت  
بسیه روس و ارمنی و کرجی و یهودی و غیره کلاماً  
با استقبال و تماشا آمده بودند در دو طرف  
صف کشیده بمقتاد روس کاو و کوسفند که از ارباب  
سی دیش روس کاو و کوسفند از تبعه دولت علیته  
و مابقی را اهل تعلیس قربانی کردند در دم دروازه  
قراول خانه که بود قراول آنجا را در مساوی نمودند  
ادای احترام نظامیه و سلام با بیدق و طبل و  
نمودند و در حین ورود بشهر شروع بانداختن  
توپ کرده بیت و یک تیر توپ بجهت احترام شلیک  
کردند و بدین ترتیب تا قراول خانه بزرگ دم  
در خانه جناب جلالنگاب جانشین مملکت قفقاز  
آمده قراول آنجا را نیز در مساوی کرده احترام  
نظامیه و سلام با طبل نمودند و منزل جناب ایلیچی  
کبیر را در خانه ناچار لینگ شتاب یعنی امیر نظام  
که خانه از آن بهتر نبود معین نموده بودند در منزل  
فوج صالدا که در تعلیس هستند صف نظامی کشیدند  
و جنرال مایور اسب کا ماندات شهر یعنی قلعه بیکی  
سر نظام استیاده بعد از پیاده شدن جمیع صالدا  
پیش فک کرده سلام نظامی نمودند و در دم دروازه  
هم جنرال برسیلوف و برادر کنینیا ز بهبودت که پیش  
دیوانخانه پالاتات که عظم دیوانخانه است  
با سایر روسای دیوانخانه و صاحب منصبان اهل  
نظام و اهل قلم صف کشیده بودند احترام شایسته

۱۵۶۸

هر یک بقاعده خود بعل آورده جز اول بر سولف  
 و تبار معترفی نمود و جناب مغزی الیه با هر یک علیّه  
 بر ایتهم اسم هر بانی را امری داشته بمنزل آمد  
 و بلافاصله جناب کینیا ز بهیود ف شیرینی موه  
 یا جودان خود بیمار کبا و منزل فرستاد صاحب  
 بزور ساعتی در آنجا لوازم احترام و پذیرائی را  
 بعل آورده و بعد خواهی نموده مراجعت کردند و  
 دو نفر جودان و سه نفر افسر یعنی کارگذار  
 بعلاوه پیشخدمان معین کردند که همیشه مواظب صدم  
 باشند و ساعت فاصله جناب کینیا ز بهیود  
 بدین آمده مرسم اتحاد و تهنیت و ورود را بجا  
 آورده جناب ایلچی کبیر نیز اظهار شرف بلافاصله  
 او نموده و بعد از صرف چای و قهوه بمنزل خود مراجعت  
 نمود فردای روز و روز و جناب ایلچی کبیر بنای  
 بازید داشتند جناب کینیا ز بهیود ف سحبه  
 احترام مجلس بازید را در خانه جناب جلالت  
 جایزین قرار داده بودند جمیع صاحب منصبانی که  
 در مجلس حضور داشتند از اهل شمشیر و اهل قلم با  
 رسی خودشان در اطاقها صف کشیده استاده  
 بودند در عین ورود و جناب ایلچی کبیر خود جناب  
 کینیا ز بهیود ف تا دم در اطاق سستی استعجال  
 نموده جز الهما و صاحب منصبانیکه از باب احترام  
 در آنجا صف کشیده بودند معترفی نموده پس از  
 عالی و قلیان و شیرینی بمنزل مراجعت نموده بلافاصله  
 خود جناب بهیود ف با بعضی از جنرالهای بزرگ

ببازدید آمده بعد از صرف چای و شیرینی و  
 و قلیان در کمال خوشحالی دسترت بمنزل خود مراجعت  
 نمودند  
 چون توقیر و احترام جانب علمای اعلام و فقهم  
 عالی منظور خاطر حقانیت کرین اقدس باین  
 شایستهی دامت شوکت است و شخص این کانی  
 متدین که هر یک از علمای اعلام را در وقت شیرینی  
 حضور مبارک بطور اعزاز و احترام بخیل میسر  
 باین بیرون بسیار و لازم بود لهند درین اوقات  
 که مرحوم حاجی ملا محمد نظام العلماء رحمت ایزدی  
 پیوست نظر بان است و تقدس و دیانت عا  
 مقرب الخاقان نصر الدخان شایسته این منصب  
 آمده و در این اوقات منصب جلیل نظام العلماء  
 از جانب سنی ابجوان ملوکانه بمقرب الخاقان  
 مشارالیه مفوض گردید که سر و کار طبقه علیّه  
 مجتهدین عظام و علمای اعلام با او بوده در کور  
 و احترام آنها لوازم اتهام را بعلن بسیار و در وقت  
 که شرفیاب حضور مبارک میشوند آنها را با  
 و احترام تمام شرفیاب زود و انجام مأمول و  
 منوط بوسط مقرب الخاقان مشارالیه باشد و  
 بکلیه قشال سر بجهه عاتمه و بکلیه جبهه تر مدینه  
 مشارالیه خلعت مرحمت گردیده و فرمان باین  
 نیز در باب منصب مقرب الخاقان مشارالیه  
 صد دریافت  
 چون مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام

۳

۱۵۶۹

سجده انجام بعضی خدمات از خراسان برکاب  
 حضرت انتاب خ استند و درین روزها بدرمان  
 هایون شامشای دامت شوکت آمد لهند عالیجا مقرب  
 میرزا محمد قوام الدوله را منصب وزارت خراسان  
 سرافراز و فرمان هایون درین باب شرف  
 صدور یافته یکتوب چه ترمه از جانب سنی اچوب  
 ملوکانه با و خلعت مرحمت کردید که از روی کفایت  
 و درایت بلوازم شغل پیشکاری خراسان و  
 انجام خدمات و معاملات دیوان قدرشان برآید  
 و این اوقات روانه محل ماموبت می شود  
 نظر بلاخطه خدمات سابقه و لاحت عالیجا مقرب انجام  
 آقاخان سرب ایلات قزوین که در نظر مهر  
 اثر هایون بنصبه ظهور رسید خاصه چندی قبل  
 که حسب الامر مجبه نظم امورات و رفع اعتنا  
 کیلان مامور شد بعد از ورود باسجاد انجام  
 خدمات مرجوعه سعی وافیه و جهد کامل بطوریکه  
 منظور و مقصود او لیای دولت قاهره بود  
 بجز آورد و اعتناش آنجا را بزودی رفع  
 نمود و خدمت محو که از فرط کفایت و کاروان  
 که داشت بخوبی و درستی صورت انجام داد  
 لهذا درین اوقات او را منصب جلیل میربحی  
 سرافراز و فرمان هایون درین باب شرف  
 صدور یافته یکتوب چه ترمه نیز مقرب انجام  
 مشارالیه خلعت مرحمت کردید  
 چون فرج برانده ابوالبحمی نتیجه الامراء العظام

جعفر طلیحان سرب چندی قبل از دربار هایون  
 مرحض گردیدند و خود مشا را لیه سجده انجام  
 امورات فرج مزبور در رکاب سیروزی انتاب  
 بود درین اوقات که کارهای خود را صورت  
 انجام داده از حضور باهر انور مبارک مرخصی حاصل  
 نموده روانه اذربایجان بود محض ظهور غمایت  
 ملوکانه در باره مشا را لیه یک توب کلچرا بطوریکه  
 تن مبارک با و خلعت مرحمت کردید که سبب  
 مفاخرت و مباهات او بوده و انجام خدمات  
 محوله بخود بیش از پیش خاطر اقدس هایون را  
 فرسند دارد

نظر بطور صلاحیت و شایستگی مقرب انجام  
 عضد الملک و وثوق و اعتماد سرکارا علیحضرت  
 تومی شوکت شامشای ایدالت حبشه و ابداله  
 عبثه برایت کفایت و امانت و دیانت او  
 در این اوقات منصب متولی باشی گری حضرت  
 لمام ثامن علیه التجه و الشنا منسوب و برآید  
 و خلعت هایون با و مرحمت گردیده این روزها  
 روانه خواهد شد

امور دارالخلافه طهران در نهایت انتظام است  
 و عموم چاکران دربار هایون از اعالی و ادانی  
 نظام و غیر نظام هرکس در کار و خدمت خود جا  
 و سعی بهباشند و احدی قدرت حرکت خلاف  
 ندارد و امور فراوانها نهایت انتظام دارد و  
 و شرارت اتفاق نمی افتد

۱۵۷۰

### سایر ولایات

اور بایجان از فرار یک در روز نامین  
ولایت نوشته اند از اتهامات نواب مستطاب  
شاهزاده والایبار نصره الدوله بمعهد دربار  
سپهباشان مقرب الخاقان قایم مقام امور  
آنجاز هر چه قرین انتظام است و امالی آنجا در  
رفاه و آسودگی مستند ولی غلام سلیم بنجم کم  
بودن حاصل قدی تسخیر بهر سانه بوده است  
دیگر نوشته بودند که در روز نهم ماه صفر که عید  
مولود مسعود هالیون اعلیحضرت قوی شوکت  
شاهنشاهی دست شوکت بود در تب انروز  
جمع بازارها و کاروانسراها و دکانین راجرا  
و این بندی نموده و قونسولهای دول ثلثه تنجا  
نیز منازل خود را چراغان نموده لوازم جشن و  
سرور البعل آورده عموم جشن مشول عیش و شادمانی  
بوده اند و در روز نهم نواب شاهزاده والایبار  
نصره الدوله بقانون سایر اعیان و بزرگان  
سلام عام داده میران پنجه و سترپیمان و  
صاحب منصبان و خوانین غلام و سایر جاگرا  
ولیون هالیون و راطاق نظام در نزد معتمد دربار  
سپهباشان قایم مقام جمع شده صریح  
دشیرینی کرده و بعضی از شعرا هم قصاید در  
اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی برشته نظم

بودند در آنجا خواننده شمول ضلالت و جوایز  
گردیده اند بعد از آن تمامی اهل سلام خدمت  
نواب شاهزاده نصره الدوله حاضر گردیدند و اجرا  
شلیک توپ شده ادای حطبه بلنج بنام آقا  
هالیون و اختتام بجزایز و یاد شوکت اید معتمد  
گردیده لوازم تنبیت عید سعید مولود در بطور شایسته  
بعل آورده است  
دیگر نوشته بودند که عالیجاه اسکندر خان  
اول جودان باشی که از جانب سنی اوجوب  
اقدس نالیون شاهنشاهی حامل خلعتهای نواب  
مستطاب شاهزاده والایبار نصرت الدوله  
معتمد دربار سپهباشان مقرب الخاقان قایم مقام  
بود در سیزدهم ماه صفر در آنجا شده و بجهت  
توقیر و احترام خلایق اناب شجاع نواب شاهزاده  
نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام بایح  
اعاظم و اعیان و سهران و صاحب منصبان  
نظام تا خلعت پوشان با استقبال شتافته  
در روز نهم در خلعت پوشان خلایق هر  
شجاع را زین پیکر مفاخرت و مباحث نمود  
و حبیب میران پنجه و سترپیمان و سهرمکان و  
صاحب منصبان نظام و سایر امر او خوانین  
عظام در آنجا حاضر کرده اجرای شلیک توپ  
نموده اند و رسوم مالی و تجاری کسبه تبریز بقرا

۱۵۷۱

معمول پس از بار بار و دو کاکن پس جمعا بکلیت لوسان  
رفته بموازم تهنیت حلال مهر شعاع قیام و آقام نموده

دیگر نوشته اند که بعد از ایام دهم عاشورا باز در  
تکایا و مساجد و خانها مجالس تعزیه داری برپا  
و معتمد در بار سپهر چشم قائم مقام شهبای  
جمعه در مجلس تعزیه داری و روضه خوانی دارد  
و مجالس تعزیه داری بدعای بقای وجود فالین  
تا یون خستام می یابد

فوج اول خاصه که بجهت سان احضار تبریز شده  
سان آنها بدقت دیده شده موجب است  
سنة ماضیه را از محل دریافت کرده بودند و بواسطه  
سه ماه دیگر این نیز بعد از سان باستحضار  
شکر نویسان در اطاق نظام نرفتن دریافت  
کرده در محض خانه شدند

و همین از توپچیان طوائف آذربایجان نیز که  
در بار بتایون شده بودند توپچیان طوائف  
در معتم صف و ارد تبریز گردیده موجب سه ماه  
محل را دریافت کرده بودند و موجب سه ماه  
دیگر در اطاق نظام با آنها داده شده روانه  
دار انخلاف مبارک شدند

فوج دهم خوی ابوالجهمی عالیجاه نخعی خان سرتک  
در پنجم ماه مزبور وارد تبریز شده و فوج بهادر  
انبار استقبال نموده در بالای باغ صفا چادر زد  
از یازدهم ماه مزبور تا یازدهم موجب آنها را

بما بخار و داختم روانه نمودند  
فوج جدید فشتار ابوالجهمی عالیجاه یوسف خان  
سرتک نیز یازدهم ماه مزبور وارد تبریز گردید  
و از روز ششازدهم بنای دادن موجب آنها  
بوده است که بفاصله دوسه روز موجب آنها  
پرواخته شده روانه شوند

دو دسته از افواج بهادران که بر حسب حکم  
اولیای دولت روز افزون مامور بستان  
نزد نواب مستطاب شاهزاده والا بتاریخ اول  
خانم میرزا بودند چون مدتی در درب خان قراول  
بودند در محض خانه گردیدند که یازدهم روز  
بعیال خود کرده بعد به تبریز آمده موجب سه  
حوز را دریافت در و این محل مویبت شوند

مقرب انخافان عباسقلیخان میرنجه که حسب الامر  
قدر قدر اعلیحضرت شاهنشاهی دامت شکرته  
مامور گرفتن یک فوج جدید امیرنه بود و وارد آنجا  
گردیده و معتمد در بار سپهر چشم مقرب انخافان  
قائم مقام احکام نموده همه حکام نوشته اند که  
سر باز جدید او طلب بدیند و ملاحظه نمایند  
که بعضی محلهها که سر باز زیاد وارد مسجد و گیرند که  
مایه نکت مالیات دیوانی میگرد و چنانچه باعث  
خرابی اغلب دوات زیاد می سبب است

دیگر نوشته اند که عالیجاه سخی خان ابلیخانی حاکم مرغ  
مدتی بود که در تبریز بود درین اوقات بسفل حکومت  
خود مامور روانه مراغه گردید و بعد از رسیدن

۱۵۷۲

او بر ارضه مقرب انخافان حسین پاشا خان  
میر پنجه بتمبر بر آمده چند نفر دزد در مراغه گرفته بود  
و ستاد آنها را بتمبر زبیا و رند تا تحقیق احوال  
استر اباد و استر اباد و اصفهان  
و بروجرود و بسطام ازین ولایات  
درین هفت اجباری بود

### خراسان

از فرار یک در ضمن روزنامه این ولایت نوشته  
در این اوقات فرمان مهر لجان اعلیحضرت  
قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله لکه و سلطانه  
که بر افزازی عالیجاه اراض خان و سایر  
سرخسی شرف صد دریافت بود با تعلیق جناب احمد  
اشرف افخم صدر اعظم باسما رسید و امید  
نام برای آنها حاصل گردیده پنج شش هزار خان  
آنها در کمال امیدواری و صداقت در مقام  
و اطاعت این دولت قوی مکت علییه میباشند  
بعضی از ترکمانان سرخسی که بقریاب و آن اطراف  
رفته و کاهی سرفت و دست اندازی باطراف  
نیکند عالیجاه اراض خان و ترکمانانی که در مقام  
خدمتگذاری مستند در خدمت نواب مستطاب  
نابزاده انجمن فرمانها متعدد شده که جمیعت  
نور افرام آورده در مقام ممالفت آن اشخاص  
آمده آنها را نیز در مقام چاکری و اطاعت و فرمان  
در آورند

در نوشته بودند که درین اوقات قاضی بخارا که

پوست بخارا را می و سایر اجناس سجه خراسان  
عمل کرده بودند صحیحاً و سالمآ و اراض افسوس گردید  
و بجهت خدمتگذاری ترکمانان سرخسی آن راهبها  
دارد

خونار حومه و سمنان و بهرود  
و عراق و عربستان و قزوین و قم  
و کاشان ازین ولایات نیز در هفت  
اجباری بود

### کرمانشاهان

از فرار یک در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته  
بودند در محله مشهور بجلال خان بجهت خان تا  
ساعت از شب گذشته چند شب متوالی سنگ  
می انداختند و بعضی را اعتقاد این بوده است  
که اجنه این سنگها را می اندازند صاحبان خانها  
مراتب را بعضی نواب عماد الدوله حکمران کرمان  
رسیده بعد از تحقیق مراتب معلوم شده بود  
که چند نفر از الواط و اشهرار مرتکب این عمل میشوند  
نواب معزی الیه فرستاده آنها را آوردند و  
متبیه کاملی از آنها بعمل آمد که دیگر بعد از این مرتکب  
اینگونه افعال نشوند

دیگر نوشته بودند که حاجی علی عسکر نام طهرانی  
شخصی اصفهانی طلب داشت و شخص مدیون  
وزار کرده حاجی علی عسکر شهر بشهر در شخص او بود  
این اوقات کمان بودن او را در کرمانشاهان  
کرده مراتب را با عالیجاه فتح الله خان و شهباشی

۱۵۷۳



نواب عماد الدوله اظهار داشته بود که در این  
آن شخص اصنامانی زاپید کرده و وجه طلب را تمام  
و کمال از او دریافت و تسلیم حاجی علی کرد

بود

### کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته بودند  
چاپار که از دربار جهاندار با آنجا روانه شده بود  
وارد گردیده احکام علیه و نجات انسانی دولت  
قاهره که مبنی بر القات و تسلیت و دجونی  
بازماندهگان مرحوم محمد حسن خان سردار بود  
رساند موجب امید واری آنها بخواط این  
دولت قوی شوک علیه گردید

دیکر نوشته بودند که بعد از فوت مرحوم محمد حسن خان  
عالیجه میرزا شفیع وزیر کرمان به بلوکات آدم  
فرستاده و نوشته بود که مالیات دیرانی را  
داد و ستد نمایند تا حکم از اولیای دولت  
علیه برسد در این اوقات که حکم اولیای دولت  
علیه رسیده و اذن داده بودند که مالیات دولتی  
وصول و ایصال نمایند عالیجه مشایخ را  
هزار و شصت تومان از بابت قسط خزانة مصوب  
چاپارانفا در بار جهاندار ها یون داشته  
و امور آنولایت را بهرجه منظم و پیشه  
انجام خدمات و وصول و ایصال قسط مالیات

میباشد

دیکر نوشته بودند که عالیجه شیخ علیخان سرپرست  
فوج خلیج با نهایت نظم و حسن سلوک با اهالی آنجا  
رفتاری نماید و نهایت رضامندی از نظم و  
معقولیت او دارند و سرماز جمعی مشارالیه  
همه روز در میدان باغ مشغول شتق میباشند  
و انتظام تام در امر آنها حاصلست و کسی از آنها  
قدرت شترت و حرکت خلاف ندارد

کردستان و کروس و کیلان و  
لرستان و مازندران و نهاوند  
و همدان ازین ولایات نیز درین مهفت  
اخباری نبود

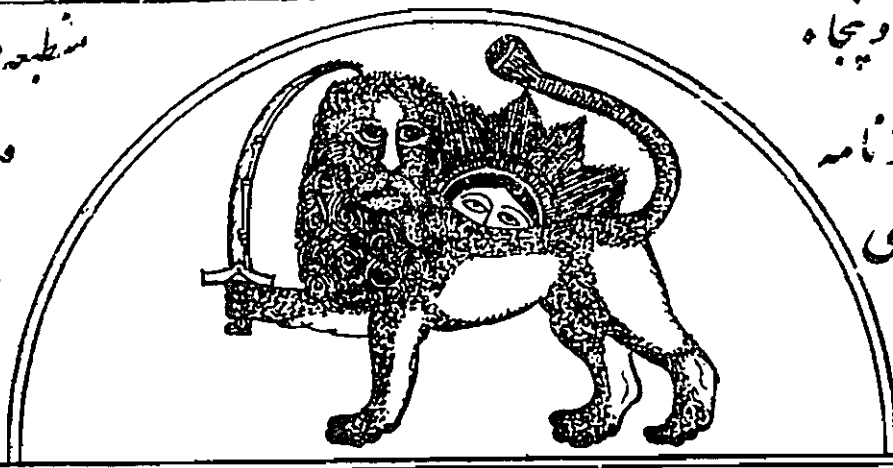
### یزد

از فراری که در روزنامه یزد نوشته بودند خلعت  
مهر طلعت هایون که بجهت مقرب انخاقان محمد  
مرحمت و ارسال شده بود پرتو وصول بانجا  
مقر ب انخاقان مشایخ بجهت نوقیر و احترام خلعت  
هایون تا با این دولت با جمیع اعظم و اشرف  
و خواجهین و صاحب مضبان نظام با استقبال  
شائسته و خلعت هایون را در باغ فروردین  
پیکر مفاخرت خود ساخته با امید واری و دیگر  
تمام مشغول انتظام امور آنولایت و انجام خدمات  
دیوان قدر نشان میباشد و اهالی آنجا از شمول  
خاطر اقدس ملوکانه در حق مشارالیه کمال شکر گذار

دارند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم چهارم شهریور سال ۱۲۷۲

مزه جلیت و پنجاه  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شاهی



شطبچه دارانخانه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خطریچ شاهی

اجبار و احضار مالک محروسه پادشاهی

دارانخانه طهران

در این اوقات که ماه صفر و ایام تعزیه دار  
مقتضی گردیده است چاکران در بارهایون  
هر روزه بدرب خانه حاضر شد مستوفیان  
عظام و لشکرنویان کرام در دفتر خانیه که  
وامنای دیوانخانه مبارکه و صاحب منصبان  
نظام و سران و باشیان در بارهایون  
در منازل خود که در دربار خانه دارند در  
سرشغل و کار و انجام خدمات مرجوعه بخود  
میباشند و بجهت طاعت هوا افواج قاهر نظام  
نیز از توپچی و سواره نظام و سرباز همه روزه  
در میدان ارک و میدان خارج دروازه  
دولت مشغول مشق میباشند و صاحب منصبان  
و معلمین نهایت اتمام در مشق و انتظام امر آنها

دارند و هوایم گاهی بارندگی می کند و شب  
دو شنبه گذشته و روز آن یک شنبه  
باران بسیار خوبی که زیاد منفعت برای زراعت  
دارد آمده و با الفعل هوا نهایت خوبی و طاعت  
باقصای فضل دارد  
چون در این اوقات حکیم کلر که فرزند که در  
در بارهایون منصب حکیم باشکری داشت  
وفات یافت و رجوع این منصب جلیل لعبد  
شخصی که شایسته و قابل باشد لازم بود لهذا  
از اطبای فرنگستان عالیجا حکیم پولاک که  
بدکاوت و فطانت و خدایت و مهارت در طب  
و جراحی مشهور معروف و چند سال است که  
درین دولت علیه سمت توکری دارد و در تعلیم  
شاکردان دارالفنون و معالجات امراض مرتب

۱۵۷۵

جودت ذممن وقابلت او مشهود خاطر اقدس  
 بایون و ملحوظ نظر اولیای دولت ابد مفرون  
 گردیده درین روزها منصب حکیم باشکری  
 حضور بایون برقرار شده یکقطعه کمر الماس  
 و یکطاقه شال کشمیری اعلی از جانب سنی بجا  
 ملوکانه باو خلعت مرحمت شده فرمان بامان  
 مبارک در باب منصب او شرف صدور یافته  
 و هر روزه در سر نما حضور بایون حسب الامور  
 حضور بهم رسانیده و خواهد رسانید  
 سایر ولایات

اوربا سحان و اسر ابا و اب  
 ازین ولایات درین نعت اخباری نبود  
 اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته  
 نهایت ایت در آنجا حاصل و امور شهر بلوکا  
 به جهت قرین نظام و انضباط است طرف  
 و سوار و قرا و خانهای شهر من جمیع الجهات  
 منظم و منسق است نواب مستطاب حمت الله  
 بعد ایض و مطالب رعایا رسیدگی کامل دارند  
 و حسب احکم نواب معزی الیه اکثر مادیهای شهر  
 و بلوکات را تنقیه کرده و می کنند و امید دارند  
 که انشاء الله تعالی در سال آینده زراعت  
 بسیار خوب و فراوان ببل بیاید هوای نیر نهایت

۱۵۷۶

اعتدال را داشته است و ماکولات و غیره در  
 کمال و فزوار زانی بوده است

دیگر نوشته بودند که چون بعضی از قلاع فریدن که  
 محل تخصص و مقام تمامه اسرار و مفتدین آن محال  
 بود و با استحکام و حصانت آنجا مغزور گشته  
 در ادای مالیات دیوان و انقیاد حکام و سایر  
 و نمایان نگاهل عصیان می نمودند و اغلب  
 اوقات قلعجات فرورده را محکم خود قرار داده بنا  
 سزارت و هرزگی و تعدی بر عایا که داشته طا  
 بنایب و مباشر محال فرورمینگرند نواب مستطاب  
 حمت الدوله در این اوقات فرستاد و قلعجات  
 که محل اجتماع اسرار فرور و حکم خانه زنبورد است  
 خراب نموده اند و ازین حسن رعایای محال فرور  
 کمال شکر گذارند و دارند که دست نظا و ل اسرار  
 و مفتدین از سر آنها کوتاه و اسباب رفاه  
 و اعیان برای آنها فراهم آمده بفرانت و اعد  
 مشغول عیشتی میباشند

دیگر از قراریکه لتعیر اجناس اصفهان را نوشته  
 بودند که کم لوزن تبرزیک من سصد و نمان  
 و جو یک من شاهی و تخم و یک من هفت شاهی  
 و عدس و ماش و لوبیا یک من هفت شاهی  
 و گوشت یک من نهصد و نمان و برنج یک من نهصد  
 و روغن یکین و دهرار و هفت شاهی ریاجاس نیز این منته بود

بروج و ولایت و حوائش ازین  
ولایات نیز درین هفت اجباری بود

### خراسان

از فرار یک در روزنامه خراسان نوشته بود  
سجده نهایت اعلیت و اولیات حاصل است  
و امالی آنجا با کمال اسودگی بدعا کوفی از دیار  
عمرد دولت ابد مدت سرکار علی حضرت قوی  
شوکت شاهنشاهی خداوند ملک و سلطان مشغول  
میباشند

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده  
احتم و الاتیار فرما فرما تا چهل روز با کمال  
شدت ناخوش و بستی بودند و چند  
روزی نتوانستند سلام نشیند ولی درین  
اوقات سجده الله قدری ناخوشی ایشان روی  
سجونی و بیبودی نموده هر روز سلام می نشینند  
و مطالب عن العین مردم رسیدگی بنمایند

دیگر از فرار یک نوشته بودند دو سه روز پیش  
از آنکه نواب شاهزاده محمد یوسف پشیرات برود  
نویسند و له چها رسد نفر سوار فرستاده بود که  
از پیر چند اسیر و اموال چپاول کرده بیاورند  
یکی از قلاع پیر چند رسیده از فرار مذکور هفت  
از سادات آنجا اسیر بریده و قدری اسیر گرفته  
و اموال غارت کرده بودند و از آنجا تعلقه دیگر

رسیده خبر و صید آنجا که بجایگاه میر علم خان

رسید بود پیر و استخار و ولایت نفر سواره  
و یکصد و پنجاه نفر تفنگچی که حاضر داشته است پچی

را رد و لطف سواره نموده و خود را بسواره مرز نور  
رسانده طرین مشغول زد و خورد کرد و دیده عا  
میر علم خان بسواره مرز نوره غالب آمده تقدیرت  
نفر از آنجا را اسیر نموده و تقدیرت و نفر زنده و  
کرده اموال و اسرار آقاها از آنها سر و نمود  
بقیه اسیر معدودی سگت خورده و زخمها  
رو بواوی فرار نموده اند و تا وصول اهرات

چون نواب شاهزاده محمد یوسف پشیرات  
رسیده و سلک جمعیت سعید محمد خان پشیران  
شده بود در راه نجات را از آنجا نیر بسته دیده  
بودند هر چند نفر سستی واری و متواری شدند  
حتم و سمنان ازین ولایات نیز  
درین هفت اجباری بود

### شاه پرو

از فرار یک در روزنامه اینولایت نوشته اند  
عالیجاه عباسعلیخان که از دربارهایون بکوت  
شاه پرو دما مور بود و بعد از ورود با آنجا تعلقه تمام  
در امور ات انجام داده و در منازل عرض راه  
هر جا قنات لازم بوده است در آورده و بجهت  
رفاه زوآر و عابرین اتمام زیاده نموده است

۱۵۷۷

از جمله قنات صدر اباد را که جناب امجد شرف  
 اعظم صدر اعظم از خود و جوی محض حصول  
 ثواب و دعای خیر بجهت ذات اقدس شاهان  
 شاهنشاهی و امت شوکت داده بودند در آنجا  
 قنات بسیار خوبی در آورده و آب زیاده  
 گردیده است و حمام و پنجال و آب انبار در  
 آنجا ساخته است و زوآر و عابرین از حصول  
 رفاه و آسودگی در منزل منور زاده شاکر  
 و دعاگوی این دولت جاوید علیهم السلام  
 دیگر نوشته بود که سرحدات استخارا در همه  
 جاوار مستحفظ گذاشته دست تطاول  
 طایفه ضاله ترکان از آن صفحات بکنی کوتاه  
 گردید و کمال امتیاز و رتبه عابرین حاصل  
**عراق و عربستان و فارس و**  
**فرقین و قس و کاشان**  
 این ولایات نیز درین مهفته جناب  
**کرمانشاهان**  
 از فرای که در روزنامه این ولایت نوشته است  
 نواب مستطاب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان  
 که بپرکشی سرحدات رفته بودند تمامی آن سرحدات  
 استظامی کامل داده اند و بجهت اینکه تحمیل و مخارج  
 بر رعایا و ایلات و دنیاید بطور احتیاط با  
 نفع از نوکر بقدر لزوم حرکت کرده و در هیچیک از  
 دوات و بلوکات سیورسات از کسی مطالبه  
 نکرده اند و بقدر مقدور در تعمیر خرابیها و آباد

۱۵۷۸

مزارع اتمام نموده و وسیله آن که محل عبور قوافل  
 بود و از بدتی خراب شد عبور قوافل دست بردار  
 از آنجا با بصورت بیشتر میشد بخواد داده و سایر  
 کاشته اند که با کمال استحکام بسازند و آب  
 امیرزاده علیقلی میرزا سرتیپ و سایر خوانین  
 سرگردگان هر یک در مجال خود با سواره و کوه  
 راسته آمده در حضور نواب عمادالدوله  
 داده اند و مواجب آنها را تا ما برداخته استظام  
 تمام در کار آنها داده اند و بجهت تهنیت عید مولود  
 سعید و علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی قلد  
 ملکه و سلطانه بشهر محبت نموده اند در شب ششم  
 ماه صفر که شب عید مولود هالیون بود کل باران  
 چراغان کرده بلوایم جشن و شادمانی و آیین  
 عید سعید پرداخته و روز عید را در باغ انقادام  
 عام داده اند و اجرای شلیک توپ گردیده  
 ادای خطبه بنام اقدس شاهنشاهی و استقامت  
 بدعای بقای وجود فانیس اجود هالیون و از بدتی  
 شوکت دولت ابد مقرون شده جمیع اعظام و  
 واعیان و خوانین و صاحب منصبان نظام  
 در مجلس سلام حاضر بوده بعد از صرف شربت  
 شیرینی سلام منقضی گردیده است  
 دیگر نوشته اند که بجهت اتهامات اولیای دولت  
 علیه حسن رعیت داری و خوش رفتاری نواب  
 مستطاب عمادالدوله شهر و بلوکات نسبت  
 آبادی تمام یافته بعضی از قری و مزارع که خراب

خالی از سکنه بود درین اوقات همه بکلیه آبادی در آن  
شخون باغات و باغین و زراعات گردیده و  
همچنین در خود شهر کرمانشاهان زیاد از هزار دست  
عمارت جدید البنا احداث شده و مهیت خانه  
وزمین ترقی کلی نموده چنانچه خانه که سابقاً بصدوق  
منی خریدند حال بسید تو مان میفره و شد

### اخبار و ول خارج

از فرار یک در روزنامه جریده السخاوت نوشته  
جناب محمد بیک افندی پسر جناب جلالتاب شیدا  
صدر سابق دولت عثمانی که سفارت کبری بدر بار  
دولت فرانسه مامور روانه شده بود دست  
بعد از ورود جناب سفیر کبیر شارالیه به پاریس  
بجایگاه در آنجا ناخوش شده و رسانیدن اعتماد  
نامه که همراه جناب سفیر بوده است با علیحضرت  
امیر اطور فرانس به تأخیر افتاده و رسم شرفیابی  
بعل نیامده بود بعد از رفع ناخوشی جناب مشارع  
در روز سی و یکم اکتوس فرنگی بحضور اعلیحضرت  
امیر اطور شرفیاب شده و بدادن اعتماد نامه  
موفق گشته است از جناب اعلیحضرت امیر اطور  
بجناب مشارع خطابه با اظهار کمال خیر خواهی و موافقت  
نسبت بذات شوکت سالت و در محافظت امور سالت  
دولت عثمانی در حالت یکدل و یکجت بودن با دولت  
انگلیس سعی و همت نمودن و بذل کنت کردن در بر  
قوت و قدرت ذات اعلیحضرت پادشاه عثمانی  
در کار گردیده است و از ماموریت جناب سفیر مشارع

که دایم در خدمات بزرگ و عمده دولت و ملت  
و سپردنات و شخص عالیقدر بوده است اعلیحضرت امیر  
فرانس الجدر ممنونیت نموده است  
دیگر نوشته بودند که در بیت و نیم ماه و نیمه در  
بغاز طونه از شدت طوفان چهار قطعه کشتی یونانی  
سگسته و غرق شده است

دیگر نوشته بودند که از واپورهای تجاری استر  
یک فروند واپور که مسشی با فرقیابوده است در وقت  
آمدن از ترسیه در مقابل آله ساقزنجی نشسته و  
اهل واپور را بلباحل سلامت و رانده اند و  
هنوز کیفیت احشاشان معلوم نموده است

یکی از واپورهای کونپولی دولت استر به سبب باز  
بودن رودخانه طونه برای رفتن از اسلامبول بقلعه  
و از قلاع بویته تغییر شده است که از اسلامبول  
بقلعه و وارنه برود و در کهنه باز به باسلامبول  
از طرف دولت فحیمه استر به تقویانیه واپورهای  
بمالکسه دولت عثمانی کار می کنند الی ده سال  
در پهل بیت و چهار کیل آقچه که بر کلبه ده  
داده شده که تجارت تقویانیه رواج بگیرد و  
کلبه بطرف دولت راجع شود و در تحت تقویانیه  
مر لوبر الان سی قطعه واپور موجود است و بیت  
قطعه واپور بزرگ هم در انگلیس می سازند و  
باتمام بوده است بنا بمقتضی و بیانی که مذکور  
بعد از داده شدن وجه اعانه تقویانیه واپورهای  
از طرف دولت استر به که پیش ازین از ترسیه

و در روز با سلامبول می آمدند حالا وصول آن  
در شش روز از جانب قومپانیه بیان و اعلام  
گشته است

مثل واپورهای دو به که دولت انگلیس و دولت فرانسه  
ساخته اند از طرف دول اسپانیا و لیجیا و فلک  
نیز است استه اند که در انگلیس برای آنها از این جور  
زم به ساخته شود و خویش کرده اند اگر چه برای  
دول جبرسنی ساختن کشتی ممنوع است لکن بعد از  
تمام شدن پنجاه قطعه واپور دو به که در دستگاه  
و کارخانه های انگلیس در دست دارند و کار نیاید  
از تهیه ساده به بدل فرآورده ابرویان کرده اند

سبب مکی و کمی نایبه دولت اسپانیول از امانی  
بلاد پول ریاد قرض کرده است چون ریاده ازین  
از امانی ولایت قرض گرفتن جبرئید از طرفان  
معتبر و از بعضی تجار که بر در ده نمت دولت بودند  
بطور اجبار پانصد هزار کیسه پول گرفته اند

دیگر چنانچه در فرم ۲۴۵ این روزنامه نوشته شد  
اعلیحضرت پادشاه انگلیس که پاریس پایتخت  
دولت فرانسه غنیمت نموده بودند با اعلیحضرت  
امپراطور فرانسه ملاقات نموده و در حین صحبت از  
جانب اعلیحضرت پادشاه انگلیس اظهار کمال بود  
و یگانگی دولتین انگلیس و فرانسه کرده است که  
الی الابد این مواعدهت پایدار بوده و بعد از آن  
جنگ و مغایرت با بین دولتین مشهور نخواهد  
بود

۱۵۸۰

در اوقات تعطیل مجلس کبیر مشورتخانه انگلیس چون  
اعلیحضرت پادشاه انگلیس غنیمت گشت و تفریح  
نموده بود و امور مهمه و بعضی مواد خارجی و دستلیه  
دولت مزبور به بوزیر جنگ مفوض شده که مانند  
سنوآه سابقه باقتضای امور تجری دارد

و یکنو نوشته اند که در اوقات معاودت اعلیحضرت  
پادشاه انگلیس از پاریس اعلیحضرت امپراطور  
کبانی که از دولت مزبور به همراه پادشاه انگلیس  
نشانی مخصوص دولت فرانسه التفات نموده اند

دیگر نوشته اند که در اوقات توقف اعلیحضرت  
پادشاه انگلیس در پاریس که نواب و لعیهد دو  
مزبور به نیز همراه بوده است اعلیحضرت امپراطور  
فرانسه بعضی تحف و هدایا و تصاویر نواب و لعیهد  
واوه اند که بعضی از آن تصاویر خیلی غرابت داشته

داشته است

در اوقات غنیمت اعلیحضرت پادشاه انگلیس  
بقدر مقصد و چهل هزار کس از اطراف و اکناف سخته  
تماشا آمده بودند و از دوام زیاد تماشا می اطرا  
و هم چنین پادشاه ساردینیه نیز در آن اوقات پاریس  
آمده و چندی در آنجا اقامت نموده و از آنجا غنیمت  
لذت پایتخت انگلیس را داشته است

دیگر نوشته بودند که اسل حساب مگرک فرانسه را که  
بودند بیت میان فرانسه از سالهای دیگر زیاد اند  
بوده است و اینجی سبب سکرانه و نرسندی دلوان  
فرانسه بوده است

در یکی از روزنامه های فرانسه که سابقاً در پاریس  
 نوشته اند که شخصی در ولایت فرانسه شکایت کرد  
 شکار خوکش بدون رفته بود سگی که همراه برده بود  
 چند قدم از او پیشتر گشت و سگ را با کلاه ایستادگی  
 فریاد گذاشت صاحبش پیش رفت افعی بزرگی دید کردن  
 افراتسم و چهار پای دیم که یک زرع و یک ربع باشد  
 درازی قد او بود بسیار باهوشک انداخت کلوله بس  
 خورده با وجود زخم شکر میاد در عقب که بسیار باشد  
 واضطراب خود را بالای درختی کشید افعی بجان خود  
 بسای درخت رسان نگاه بالای درخت کرد و لکن بجهت  
 کلوله قوتی در او نمانده بود و نتوانست از درخت بالا برود  
 و گشت و قدری رفته افتاد بعد از مدتی که بسیار غایب  
 که افعی بجان شده و دیگر حرکت ندارد از درخت فرود آمد  
 او را بریده با قش در چپ خود انداخته خود آمد و افعی را بجان  
 و متعلقان خودشان داده بعد از مدت روز که خواست  
 او را بکند در سر افعی میان پوست و گوشت الماسی ایدارید که کرمی  
 آنجا او را هزار تومان قیمت کرده بودند آن شخص بیایس  
 رفته و کیفیت را بدست العلوم علی التفضیل بیان کرده بود

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که شخصی در مملکت  
 اسکاتلند است که در وی زمین از او پر زردتر کسی دیده شده  
 میگوید تو تشن بمرتب است که دوش خود را بزرگتر  
 پرد و آب را نیم زرع از زمین بلند میکند و این کس از جمله  
 از زمین است و در کوهستان آن مملکت ساکن است

از مملکت مصر نوشته اند که عباس پاشا نایب السلطنه مملکت  
 در عمارتی که نزدیک بدست کویرت سجد شکار آهوی دشتی توقف  
 داشت و چند سر تازی شکاری سجد پاشای نرور از ولایت  
 انگلیس آورده بودند که در همان ولایت انگلیس آنها را تازی  
 آهوی می نامند و با آن تازیها مشغول شکار بود و بنا داشت  
 بماند و والد هاشم از زیارت پت الله الحام مر حبت نماید  
 پاشا درین سفر خمت زیاد کشیده بود کشتی تجار که سجد او در  
 کنار بحر الاحمر در شهر سویس حاضر کرده بودند با او جدا و متعلقا  
 در او نشسته قدری را انداخته نگاه کشتی بیکل نشست و کم ماند  
 بود که غرق شود و توشش تمام داشتند درین بین یکی از کشتیها  
 تجار ولایت انگلیس که از مصر آمده وستان کردش بنامید با  
 سمتها آمده بود و والد هاشا را با او همایش کشتی خود را در  
 بجهت سلامت رسانید بعد از رسیدن سجد و کله متعلقان  
 و با در آنجا شدت داشت سپاری از آدمهای اراز و با او  
 ناخوشیها تلف شده بودند و خود و والد هاشا چشم درد  
 گرفته بود و معلوم نیست که بعد از معالجه چشمش خوب شود یا نه  
 و هر وف که والد هاشا بمصر مر حبت بکند پاشا بنا دارد که  
 قاهره روانه شود و چون که قاعده است که سالیکه قاهره بمصر  
 از قاهره بمصر علیا خواهد رفت

در شهر اسکندریه منتظر حسن پاشا میر شورتخان مملکت مصر بود  
 و حسن پاشا بنا داشت عدالت خانه بر پانامه که نصف اهل عدالت  
 از اهل فرنگستان باشند و نصف دیگر از اهل خود مصر و از  
 دول خارج ساکن اسکندریه راضی باین عمل نبودند چونکه بنا  
 که عسکری باین اهل و مملکتان با اهل آن ولایت رجوع بعدا



نزبور شود آنها گفته بودند که ادم عادل معترض بجهت راه بردن این  
 عمل لازم است و سپار کم یافت میشود بلکه وجود ندارد و باین جهت  
 رانمی شده بودند از دیوان اعلای اسلامبول حکم شده بود  
 که در مصر شورخانه دیگر بنا بکند از نقد لقب بدیوان احکام عدالت  
 و این شورخانه از اعیان مصر میباشد باید آنچه بدیوان خلت  
 دارد در آنجا مشورت نمایند و اهل این شورخانه را باید انسانی  
 اسلامبول پسند نمایند و از برای پاشا همین قدر اختیار است که  
 موافق مشورت آنها رفتار نماید یا نه اما صورت مشورت و تدبیر  
 آنها باید بوجه معتنی با اسلامبول برسد کل ولایات مصر  
 آرام بود و قدری رو برتری داشت در فصل پاییز که آب  
 رود نیل کسیده و کم شده بود توشش داشتند که مباد حاصل  
 بعقل نیاید اما در آخر پائیز که آب رود نیل دوباره بالا آمد  
 کفایت حاصل را کرده بود و در خصوص حاصل بقیه نوشته  
 بودند که چون هنوز نخیده بود معلوم نبود که از سالهای متعاقب  
 زیاده تر یا کمتر شود اما پیشتر از سالهای دیگر کاشته بودند  
 رود نیل پر از کشتهها بود که حاصل میان ولایت راکنایه  
 غیروند و تجارت فزادان در آنجا داشتند پول زیاد را در آنجا  
 عوض قیمت اجناس بهرقت پول طلای انگلستان را که پونیسینا  
 و هر یک دو تومان و دو هزار یا دو هزار و پانصد دینار  
 پول ایران است در آنولای بسیار آورده بودند جنسی در آنجا  
 متداول شد خصوص در میان اعراب آنولایت و در یک هفته  
 حساب کرده اند که پست و چهره از پند که تخمینا مبلغ پنجاه  
 پنج هزار تومان پول ایران چاشت پست تجار آمده دوازدهمین  
 رسیده بود و چون که شت فتمه پهن طور پول فراوان بهرقت  
 این مدت چهار صد و چهل هزار تومان پول انگلستان رعایا و

۱۵۸۲

زارعین مصر رسیده و غیر از این مبلغ بزرگ که از پول انگلستان  
 داده شده پول زیاد هم از ولایت روم هم از فرانسه  
 و اسپانیول و منس با آنجا آمده است

### اعلانات

حکم دیوان اعلی قیمت اعلانات درین روزنامه باین تفصیل است  
 پیشتر از چهار سطر باشد یک هزار دینار که هر سطر باشد یک هزار دینار  
 و اگر پیشتر باشد از قرار هر سطر پنج شای تجار و غیره را اعلام  
 میشود که هر کس خبری و خوشی داشته باشد و بخواهد بچشم اعلام  
 نماید درین روزنامهها از غیر نوشته میشود

موسسین و مجازین نام تاجر فرنگی چند بار مال التجاره بدو  
 آورده که بفروش برساند در خانه اللهوردی آقا نزدیک  
 سفارشخانه دولت بهیة انگلیس در محله عباس آباد منزل دارد و موافقت  
 تفصیل ذیل اجناس آورده است و غیر از این تفصیل خبرهای

تخت ساجد	دست بند و غیره	نشان دوس صبا	نظاری
از طلا و غیره	ساعت مجلسی	فکر در طرفش	ساعت نقره و طلا
خوابین و نمان	ساعت مجلسی	طباخچه وارد	چیز بسیار با جوی
آب است پینی از قزم	سمع کا فوری	ماره و طبل	چیز بسیار با جوی
قطر موزیکان	دستکش از پشم	جامه صمصمان	زین و برک فرنگی

بجای تجار در کاه اولان متعین کردن بنیاسه پراهن و کجا  
 محمد کلا تون با ابریشی  
 چه جیبان اطافه

دیگر اعلی که تازگی دارد بسیار آورده است که بعضی تا سجال  
 باین ولایت بهج نیامده بود از خوانین و خاص و عام اهل  
 دارالخلافه بسیار که را اعلام میکند که هر که ام مایل باشند  
 بیامند و تا شامانند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور سال اول سلطنت آقا محمد شاه

مزه و تزیینات و یک

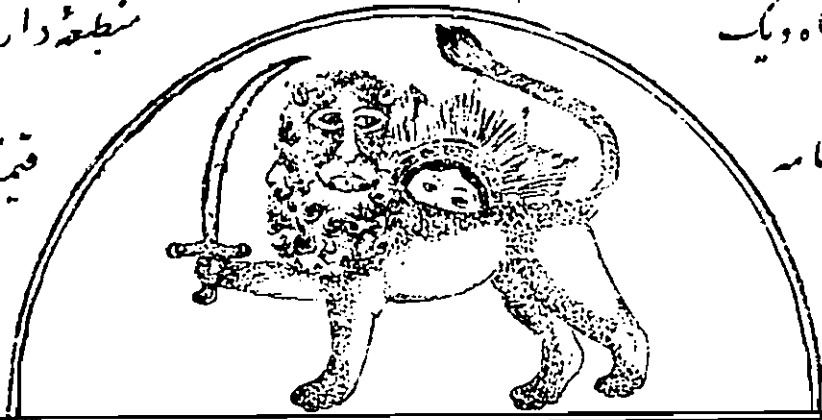
منطقه دار الخلاف طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهی

هر طریقی



اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دار الخلاف طهران

در روز پنجشنبه عا اینماه علیحضرت امیرسپهسالون  
شاهنشاهی خلد الله ملكه و سلطانه بجهت ولایت  
بواوخرمی اطراف دار الخلاف غزیت گشت و  
فرموده حسب الامر از سر باز و علام و علمه معرفت  
بود که پیش از ورود موکب هایون شکارگاه دوستان  
بروند و از اطراف هرگونه شکار از وحوش و طیور  
باجبار بزند ما مورین اطراف اقدام براندن شکار  
نموده و علیحضرت شاهنشاهی شرف فرمای انجام  
کردید شکار چه فرمودند و بدست مبارک سوزن  
بتراندازی و شکارزدن شدند و بجائی که مصدر حد  
شده و شکار زده بحضور مبارک آوردند انعام بیا  
مرحمت فرمودند شکار چه که مخصوص این دولت است  
و تماشای خوب دارد با جمله احوالی عصر بزین

شکار و بدین انعام و تفریح آن ساعات مشغول بودند  
نزدیک غروب آفتاب مبارک که سلطانی معا  
فرمودند  
در روز شنبه عا اینماه سواره شکاری شاطرا  
جمع عالیجاه مصطفی قلیخان در میدان ارک حاضر گردید  
جو انان خوب با اسبان ممتاز و صلاح ار است  
کشیده علیحضرت شاهنشاهی بدالجهت بجهت  
سواره فرزند شریف فرمای میدان شده و ملاحظه  
انهار از فرموده همگی از حضور مبارک که گشته چون  
کمال ار استکی و نظام مراد استند مورد تحسین اعلیحضرت  
شاهنشاهی و امینای دولت علیه کردید ند جناب  
امجد انختم صدر اعظم نیز در حضور مبارک بودند  
معاودت علیحضرت شاهنشاهی بعمارت باغ جناب  
مُعظم بجهت رسیدگی محاسبات و معاملات دیوانه

۱۵۸۳

قرار امور مستوینان عظام بد قرخانه مبارکه کسی به سبب برود معلوم است محض شیطنت است  
 و نه راهیم در آنجا صرف نموده تا حوالی عصر مشغول والا هر کس عرض حسابی داشته با و عرض کند آ  
 رسیدگی محاسبات و معاملات بودند و فرودای اولیای دولت علیه بعض او غوررسی خوانند  
 امروز هم باز بد قرخانه مبارکه رفته مشغول رسیدگی است  
 چون بعضی اولیای دولت علیه رسید که بعضی از  
 روسا و سرکردگان قشون در مواجیب و جیره که از  
 دیوان اعلی بنو کرده داده میشود افراط و تفریط میکنند  
 حیث مسی و واقع میشود و اینم حمله موجب پریشانی  
 نوکر میکرد که بعضی لابد میشوند به سبب و تقصیر  
 سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی صان الله ایام سلطنته  
 عن التناهی امر و مقرر فرمودند که برای هر یک از  
 احاد و افراد نوکر بعد از این اگر چنین چیزی اتفاق  
 افتد که سر کرده و رئیس او از مواجیب و جیره که از  
 دیوان اعلی داده میشود بخورد و نرساندگان نوکر  
 آمده بجناب جلالت آفتاب شرف امجد صدر اعظم  
 عرض حال خود را نموده جناب مغزی الیه رسیدگی  
 نمایند اگر واقعا سر کرده حیث و میل کرده باشد  
 استرداد نموده عاید عارض سازند و از سر کرده  
 هم مواخذة نمایند والا اگر تا بهین محض شرارت و  
 بزرگی خواسته باشد افرات و هتان سبر کرده  
 بگوید البته مورد مواخذة و تنبیه خواهد شد بدین  
 با اینکه برای برادری عیسی ممکن است که روزی  
 دفعه من خود را بجناب معتمدی الیه بکنند اگر عرض کرد  
 چون در این ایام فرخنده فرجام که اعلی دادانی  
 و خاص و عام در حمد امن و آسودگی میباشند و بد  
 ظل عطف این دولت قوی آیت فارغ البال و مرفه الحال  
 بشکرانه این موبت و حصول دعای خیر حبه ذات  
 اقدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانیه  
 دولت علیه و مقربان حضرت کردون لبط سنته  
 هر یک بقدر معده و اقدام به احداث آثار خیر و تعمیر  
 مبرکه که میباید از جمله مقصد در بار سپهر چشم معرب انجان  
 میرزا محمد صادق قائم مقام اوقاتی که در دربار با یون  
 بود از جناب اشرف ارفع صدر اعظم اذن و اجازت  
 کردید که در روضه قبر که رضویه علیه آلاف الثناء  
 اثری بنا گذارد و توحید خانه بقعه قبر که را آینه بند  
 نماید اگر چه خود جناب معظم بشکرانه سلامتی و صحت  
 وجود مسعود بایون شاهنشاهی بنای این کار را داشتند  
 ولی بمفاد انما الأعمال بالنیات اقدام مقرب انجان  
 مشارالیه را هم باین کار بازار خود دستند و اذن  
 دادند و مقرب انجان مشارالیه آینههای مصفای  
 باخواه و عله و اسبابی که لازم بود با عرض فیض بنیان  
 فرستاده ما مورین در ماه صفر با انجام این کار اقدام

۱۵۸۴

نموده و در کارند و امیدست که در این اوقات  
بزودی صورت اتمام پذیرد

نظر بحسن خدمات عالیجاه محمد تقی بیک چیخت  
که در نظر اقدس هایون مستحسن و مقبول افتاده  
بود در این اوقات او را بلقب خانی سرافراز نمودند  
و نام هایون درین باره شرف صد یافت

### امور اتقونی

توپیچیان در زنبورکچیان و سواره نظام و افواج  
قاهره متوقف دار انحلافه مبارکه همه روزه در  
ارک و میدان خارج دروازه دولت حاضر  
گشته دو ساعت و نیم مشق مینمایند و نیمه صبا  
در کمال اهتمام در سر مشق و تعلیم هستند

فوج دهم خوی که احضار در بار هایون شده بود  
در روز یکشنبه هفتم اینماه وارد دار انحلافه مبارکه  
گردیدند

توپیچیان فشار رومی نیز که احضار در بار هایون  
شده بودند در روز جمعه پنجم وارد دار انحلافه مبارکه  
شدند

### سارولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه این ولایت  
نوشته اند امسال در فصل عقب بارانهای  
خوب متوالی در آنجا آمده و از اول عقب تا اوایل

اغلب روزها بارندگی شده است بطوریکه  
نوشته اند هیچ سال باین قسم باران نمی آید  
و این محصله باعث امیدواری تمام انامی گردید  
انجام شده است و امید دارند که نهارالد سال  
سبب وفورات زراعت بهتر و بیشتر از سالها  
دیگر و سبب ارزانی و فراوانی آذوقه لایب شود

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده  
والا تجار حشت الدوله حکمران اصفهان در  
انتظام امور آن ولایت اهتمام زیاد دارند و سر  
دشوارت کم اتفاق می افتد و اگر بندرت دردی  
باشد با تمام نواب معزی ایله سارق دستگیر  
تنبیه و اموال سر و قد مسترد و بعضی تسلیم  
ارز جمله در این اوقات در چهار سوق معصود و کاکا

برازی را شب بریده و اجناس او را برده  
بودند مراتب لمرض نواب شاهزاده حثیت الدوله  
رسیده قدغن آکید در پیدا کردن سارق  
نموده و چند روزها مورین در تفتحص بودند تا  
اینکه بعد از چند روز بعضی از اجناس آن  
دکان را در لباس ضعیفه فاحشه پیدا کرده

بودند و معلوم شده بود که سه چهار نفر توپچی  
این عمل شده اند آنها را حسب الامر گرفته و  
انداختند و باقی اجناس سر و قد را از آنها

۱۵۸۵

گرفته بجا جس تسلیم کردند تا بعد حکم سابقین بشود  
 استر اباد و اسد اباد و برورد  
 و بسطام و خراسان و خراسان  
 و سمنان و شاهرو و و عراق و عثمان  
 ازین ولایات درین نفعه اجباری رسیدند

### فارس

از فراری که در روزنامه فارس نوشته بودند  
 امور آن ولایت از اتهامات نواب مستطاب  
 مؤید الدوله حکمران مملکت فارس در کمال نظام  
 و انضباط است چجه تنبیت عید مولود مسعود  
 اعلی حضرت اقدس هایون شاه ساهی ابدی الله  
 در شب ششم ماه صفر که شب عید بود نواب  
 مغزی الیه بیاع تحت قاجار که جای باصفا و نظر  
 انداز بشهر شیراز و اطراف دارد رفته و در آنجا  
 چراغانی و آتش بازی نموده و مالی شهر نیز بیایا  
 باها چجه تماشای آتش بازی باغ مزبور بر آمده  
 لوازم جشن و خورسندی در آن شب بجهل آمده  
 فدای آن شب را نواب مغزی الیه بشهر شیراز  
 مراجعت نموده مانند سایر اعیان بزرگ انعقاد  
 سلام عام داد و هیچ اعظم داعیان و سران  
 و صاحب منصبان نظام حاضر کرده و اجرا  
 شلیک توپ نمودند و ادای خطبه بلنج بنام می  
 اقدس هایون و ختمام بدعی از دنیا

عسکر و دولت و شوکت ابد مقرون نموده و  
 حضور سلطنتی وجود فایض اجدد هایون را تقدیم  
 سکرانه و مبارکباد نمودند  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد علیخان سیرت  
 تحت قاپوئی قراجه داعی در مشق و انتظام امور  
 فوج مزبور نهایت اهتمام را دارد و هر روز  
 فوج او مشق حاضر شده از طلوع آفتاب الی دو  
 ساعت از روز بالا آمد مشق میکنند و بعد بخانه  
 نقر از فوج مزبور مرخص بوده اند عالیجاه شاره الیه  
 طبیب و سایر چجه آنها معین نموده خود نیز هر روز  
 آنها را سرکشی کرده و دلاری مید  
 دیگر از فرار اجباری که از لار رسیده بود عالیجاه  
 علیعلیخان سربنگ فوج قراجه داعی فوج خود را  
 همه روزه در آنجا مشق میدهد و با کمال نظم و حسن  
 سلوک با اهل آنجا راه میرود و اهل آنجا کمال  
 رضامندی از نظم و حسن سلوک او دارند  
 دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان عبداله  
 صا - م الدوله با نهایت انتظام با جمعیت خود از  
 دارابجر در مراجعت نموده وارد بلوک خفرک مرود  
 شد و نواب مستطاب مؤید الدوله مقرب الخاقان  
 میرزا نعیم شکر نویس باشی فارس را نام بردند  
 سان انواج ابو اجمعی مقرب الخاقان شاره الیه  
 رسید کی حساب مراجعت جیره ایام توقف آنها

۱۵۸۶

فارس بودند که سان دیده و سندن خراج گرفته  
صنبت نماید دیک قبضه شمشیر کل مرصع بجهت خود صاحب  
و چند طاقشال و جبهه ترمه بجهت صاحب منصبان  
فرستاده اند

دیکر نوشته بودند که عالیجاه محمد ابراهیم خان میر  
افواج سه ده اصغهان در ایام توقف در بندر آبوشهر  
با کمال نظم راه رفته و انالی انجا بسیار رضامندی  
از معقولیت و حسن سلوک اود داشته اند و حکم  
درین روزنامه از رسیدن فوج نهادی با کجا  
مش رایبه با فوج خود از ساحلوی بندر آبوشهر  
ور و انشیر از خواهد بود

عالیجاه مهدیخان سرمنگ فوج نهادی از فراریکه  
نوشته بودند فوج مزبور را با نوپچیان و توپخانه با  
کمال نظم از منازل عرض راه عبور داده و وارد بند  
ابوشهر گردیده اند و با انجا بیم که وارد شده با کمال  
حسن سلوک با انالی انجا رفتار نموده است

دیکر از فراریکه از عا کر متوقف بندر عباس خبر رسیده  
بود با کمال نظم مشغول ساحلوی انجا میباشند و نوا  
امیرزاده عبدالباقی میرزا نهایت مراقبت را دارند که  
از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر نشود بعد در چهل چاه  
نفران ساخو انجا که فرار کرده بودند نواب مغزی انچه  
انهارا گرفته بعد از تهیه نظامی روانه بندر عباس نموده  
د عالیجاه رضا قلیخان سریب در کمال تسلط مشغول

میباشد

دیکر نوشته بودند که چون برخی از محصولات بلوک  
خفک مرودشت و کربال و رامجرد و بیضا و سنج  
سن زده و دو بند کربال مشهور به بند جهان آباد  
و بند خشک را آب برده بود درهای ای انجا بجهت  
مزبور که خسارت با بخار رسیده بود عارض شده  
عالیجاه بن میرزا علی محمد خان و میرزا ریح مستوفی  
حسب الامر نواب موید الدوله رفته سه هزار تومان  
بازدید بستن آن بند را کرده بودند نواب مغزی  
یکهزار و پانصد تومان از بابت مالیات و یکهزار و  
پانصد تومان بصاحبان اطلاق حواله نمودند که گرفته  
صرف تعمیر و بستن بندهای مزبور نمایند و عملد و بنا  
مشغول کار هستند در این روزنامه تا تمام خواهد رسید  
و بعد از فرستادن مئتر و رسیدگی که محقق شد  
خسارت کلی بر عایای بلوکات مزبور رسیده است  
نواب مغزی الیه پنجاه هزار تومان با آنها از جانب دولت  
اعلی تحفیف دادند که با سودگی و امید واری مشغول  
زراعت و عیسی خود باشند

دیکر نوشته بودند که نواب امیرزاده لطفعلی خان  
صفحات کوه کیلید به بهمان را منظم ساخته و  
مشغول انجام خدمات محوله بخود میباشد

دیکر نوشته بودند که خلعت مرطلعت عایون و  
و حاجبل میرنچه کی که بجهت معرب افخاقان هر علیخان

با فرمان هرلخان مبارک شرف صد دریا قهر  
 شده بود در ۲۲ شهر صف با نجا وارد شد <sup>بناختن</sup> معرفت  
 شارالیه با جمیع خواین و صاحب منصبان نظام <sup>بناختن</sup> مستقبلا  
 شتافته لوازم توقیر و احترام را بعل آورده و <sup>حاکم</sup> بجهت  
 دیوانی و غیره شربت و شیرینی داده است  
 از واریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند  
 عالیجاهان میرزا حسنعلی خان دریا بیک و محمد ابراهیم خان  
 سرتیپ با چند نفر دیگر از نوکرهای دیوان اعلیٰ نعیم  
 و سیاحت بحزیره خارک رفته بودند در آنجا چاه  
 نقر از ناخدایان جزیره خارک را دستاده بردند  
 که از دریای خارک در موضعی که صدف یافت میشود  
 صدف دریا ورتند ناخدایان رفتند و بعد از شش  
 ساعت راحت کرده چهل بیچاه عد صدف آوردند  
 صدفها خود بخود سحرک بودند باین قسم که در کف  
 صدف تا حد نصف بهم چسبیده بود و نصف که چسبیده  
 نبود باز میشد و بسته میشد مانند چالوری که در آن جود  
 باز کند و بند در میان صدفها را بریدند و از یکدیگر جدا  
 کردند در ته صدف موضعی که مثل لپستان یا کرهی چاه  
 چیزی که برنگ سرخ بود و لرز جتی داشت مشاهده  
 ناخدایان گفتند که میان این چیز سرخ لرزج محل مروارید است  
 تمامی صدفها را از میان دو حصه کردند و همه آنها آن چیز  
 سرخ را داشتند و مروارید در میان آنها نبود مگر در  
 آن صدفها که در میان همان سرخی یکده مروارید <sup>بناختن</sup>

بقدر دانه خشخاش یافت شد اینقدر معلوم <sup>معلوم</sup>  
 شد که دریای جزیره خارک صدف مروارید <sup>بناختن</sup>  
 دیگر آنکه در سمت شرقی جزیره خارک نیز جزیره <sup>بناختن</sup> میباشد  
 سسی بخارک که فاصله این دو جزیره از یکدیگر نیم فرسخ  
 میباشد محل مکان صدف میان دریای وسط این  
 دو جزیره <sup>بناختن</sup> میباشد ناخدایان مذکور نمودند که از میان  
 کشتی در آن مکان در ته آب بالای سنگ صدف <sup>بناختن</sup>  
 می بینیم پس از آن بریر آب میرسیم و در آن بالای <sup>بناختن</sup> سنگ  
 گرفته پیرون می آوریم از اینقر معلوم میگردد که <sup>بناختن</sup>  
 که صدف میشود یعنی در دریای خارک چندان عمق  
 ندارد هرگاه عمیق باشد از بالای آب صدف <sup>بناختن</sup>  
 آب نمیتوان دید دیگر آنکه بعضی مذکور نمودند که <sup>بناختن</sup>  
 و غواصان لقب کرده اند صدفهایی که میباشند <sup>بناختن</sup>  
 ندارد و کوچک است و بحد کمال نرسیده است <sup>بناختن</sup>  
 از قرار مذکور اگر لقب نکنند صدف بزرگ خوب <sup>بناختن</sup>  
 کمال رسیده بیرون خواهند آورد که مروارید بسیار  
 خوب کرا بنها در او یافت شود و بعضی مذکور نمودند  
 که این جزیره خارک خودشان بنهانی از نوکرهای <sup>بناختن</sup>  
 اعلیٰ میروند و صدف پیرون می آورند و آنچه  
 مروارید حاصل نیامد بجانب ممبئی میبرند و بقره <sup>بناختن</sup>  
 میرسانند و مشهور است که مروارید خارک بهتر از  
 مروارید بحرین است و نیز مشهور است که در زمان حکومت  
 شیخ عبدالرسول خان و والده شیخ نصر خان در جزیره <sup>بناختن</sup>

۱۵۸۸

خارک شخصی در صد فی مر واریدی یافت چندان وقت  
از قیمت آن نداشت بسلخ و ولایت روپیه اورا فرو  
پس از آن دست بدست افتاد و بهای او بالا رفت  
که بسلخ زیاد بیع و شری شد

قره وین و قسم و کاشان و کروس  
و کرهستان و کرمانشاهان و کرمان  
و کیلان و مازندران و همدان ازین  
ولایات نیز درین مهله اجاری نبود

پرو

از فراریکه در روزنامه یزد نوشته بودند عالیجا  
مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ در روپیه  
مولودا علیحضرت اقدس هالیون شافیهی لوازم  
تهیت عید مولود مسعود را از اجرای شیک توپ و  
ادای خطبه و صرف شربت و شیرینی بطور خوب  
بعن آورده است

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان شیارالیه  
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و  
موجبات آسودگی رعیت کمال اهتمام را دارد و  
همچنین عالیجا میرزا گوچک خان سرفنگ و عالیجا  
میرزا حسین سررشته دار نهایت اهتمام را در انجام  
خدمات دیوانی دارند

اخبار وول خارجه

از فراریکه در روزنامه جریده ایحوادث نوشته اند

جناب سعید پاشا والی مصر بجهت تماشای عارت  
طبور که در پاریس کسوده شده در دویم ماه محرم  
بکشتی بخار فیض جهاد نام سوار شده از اسکندریه  
عزیمت پاریس نموده است که از آنجا بم لندن رفته  
چندی در آنجا مانده بوده و آنجا را تماشای کرده بمصر  
معاودت نماید

دیگر نوشته بودند که از دولت سار و نیه سفیری که  
در نزد حکمران طوسخانه بود موسیوقراکی نام را  
دولت سار و نیه کاتب محبت جهت اقرار داده بودند  
حکمران طوسخانه بسبب بودن او در اختلالات سابقه  
او را قبول ننموده و سفیر مرنور بدولت خود اعلام  
کرده محض رسیدن این خبر و مطلع شدن دولت  
مشارالیه سفیر خود مش را امر مجاودت نموده بمان  
سبب فی اجمله برو داتی ما پن دولت سار و نیه  
د حکمران طوسخانه واقع خواهد شد یقین و قطع

مپاشه

دیگر نوشته بودند که در ایتالیا بعضی شرارت و  
افساده از پارچه اشخاص ظاهر شده بود در لومباردا  
پانصد ششصد نفر را که سبب افسا دیدند کشته کردند  
و حبس انداخته بودند در ضمن استخلاص مجوسین سرتیپ  
اتالی آنجا هجوم آورده بودند که این مجوسین نیز  
خلاص نمایند ما مورین صلبطیه بماعت برآمده اهل  
استانموانسته بودند مجوسین را استخلص نمایند که

۱۵۸۹



یک دو نفر بخانه پوز نام مستشار خاص با پای روی  
 که بزرگ مذهب کتولیک عیسوی است گریزانده و  
 شارالیه کویا بهمانه اینکه اینها ناخوش مستند  
 نگارنده است دیگر بعد از آن خبری نرسیده  
 که کجای رفته اند و در کجا هستند  
 دیگر نوشته اند که سابقا بجهت کار کردن در نهرها  
 که دو وجب آب باشند و در جایهای تنگ سبزه  
 جاری نمودن از جانب دولت فحیمه فرانس نمود  
 شش قطعه کشتی بخار تیز رو قرار شده بود بسیار  
 از قرار مذکور محسنات عدیده در ساختن این کشتیها  
 مستور بود و لکن بعضی شبیه کرده بودند که بنا خندان  
 محسنات داشته باشد در این اوقات که کشتیها  
 مزبور بعضی ساخته شده محسنات زیاده از آن تصور  
 میشود از جمله یک قطعه از آن کشتیها از مار سالیما  
 با اینکه هوا بغایت طوفانی بوده است در بندر رود  
 بی سعادت اسبابول آمده است و باقی آن کشتیها  
 نیز پی در پی ساخته شده و در کار آمدن پلها  
 دیگر نوشته اند که از جانب وکلای دولت عثمانی  
 جهت خریدن چهار قطعه کشتی بخار شرع وار بلند  
 ساختن شده بود است قرار داده شدن قیمت  
 و کیفیت کشتیهای مزبور نوشته بودند  
 دیگر در روزنامه فرانس نوشته اند که عهد نامه

۱۵۹۰

تجارتی که فیما بین دولت عثمانی و دولت یونان  
 قرار یافته بود بنا بر آن شایخی متحد و پادشاه  
 یونان بکار گذاران وزارت خارجه عثمانی داده است  
 دیگر نوشته اند که سفیر دولت عثمانی در ونیز پایتخت  
 دولت استریم چون در این ایام مصدر خدمت  
 بزرگ شده بود و در زمان مأموریت از همه امور  
 مشکله بود لهذا اعلیحضرت سلطان اورا مرتبه اول  
 مراتب مناصب که تازه برقرار شده است سرافراز  
 کرده و نشان افتخار مجدیه نیز از مرتبه اول اعطا  
 کرده اند  
 دیگر نوشته اند که امیر عبدالقادر که در این اواخر  
 رفته بود در آنجا ناخوش شده و از اعلیحضرت  
 امپراطور فرانس اذن حاصل کرده است که بشهر  
 پروسه مراجعت نماید  
 دیگر نوشته اند که گویا از اهل انگلیس کومپانی جم  
 رسیده است که بامنائی دولت عثمانی تکلیف ساختن  
 راه آهنی کرده اند  
 دیگر نوشته اند که چهل و یک نفر از شاگردان و  
 مکتب سجدیه دولت ساردینیه بجهت سیاحت و  
 معلومات دریا کشتی جنگی نوشته بعضی جاها سیاحت  
 کرده و در این اوقات بلبرکاه اسپانیه لنگر انداخته  
 دیگر نوشته اند که جناب طرافندی سفیر دولت عثمانی که در ونیز  
 در این اوقات جهت نظم امورات خود با اسبابول آمده

دن

نظا

حصا

ساخت

نیز

بود

سیت

# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم رجب الاول مطابق اول نوبل سنه ۱۲۷۱

مزه ریت و پنجاه و دو

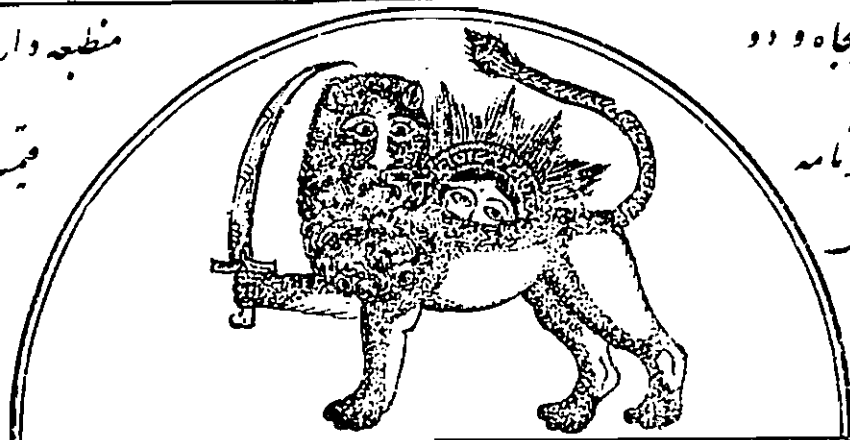
منظبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه شش

هر راجت مر



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه گذشته دو ساعت بعروب  
 افتاب ماند و اعلیحضرت امس طایون شایسته  
 تشریف فرمای مدرس دارالفنون شدند جناب  
 رفیع ائتم صدر عظیم و امیر الامراء العظام سردار کل  
 عا که مضوره و سایر خواص مقربان حضرت کرده  
 لبط سینه و صاحب منصبان نظام میرد  
 طایون بودند و بهر یک از اطرافهای مجلس تشریف  
 بردند و از درسهای سابق شاکردان تحقیق و  
 شده هر یک جواب از وی علم عرض کردند چون  
 مقرر شده بود که بجهت توپخانه مبارکه شاکردان  
 جدید معین شوند عالیجاه رضاقلیخان ناظم دارالفنون  
 چند نفر مشخص کرده از حضور هر طور آقدس طایون  
 گذرایند و مجد و امیر و نمودند که هرگاه دیگر هم  
 شاکر و با استعدادی پیدا شود بیاورد و شاکردان

دو اساز علی که در عسله دو اساز بی آموخته بودند  
 منبضه ظهور رسانیدند و بسیار سخن و مطبوعه  
 ملوکانه افتاد و از انعام اعلیحضرت شایسته بهره  
 گردیدند و نیز چند نفر از شاکردان توپخانه که مواد  
 ساختن سکه بودند مورد انعام شدند و میرزا فضل  
 که یکی از شاکردان مرتبه اول توپخانه است بجهت  
 اینکه مشغول درس و تعلیم شاکردان جدید توپخانه  
 انعام ملوکانه رحمت گردیده و تا دو ساعت در  
 تشریف داشتند و بکارهای آنها رسیدگی فرمودند  
 بعد از آن تشریف فرمای عمارت مبارکه سلطانی  
 گردیدند

اولیای دولت علیه از برای استحضار عا خلق  
 افسوس و دلشنکی خود را اظهار میدارند بجهت ترک  
 مراد و که این روزها میان اولیای دولت ایران  
 و سفارت انگلیس حاصل شده است اما این معنی را

۱۵۹۱

کوشش و مالی داخله و خارج عموماتی نمایند که وقوع  
 این کیفیت که بسبب تکالیف شاقه و خطرناک  
 جناب مستر موره وزیر مختار دولت انگلیس باین دولت  
 من غیر حق حاصل گردیده است و ادلیای این دولت را  
 بمجازه تبرک داده کرده است دلیل نقصان دولت  
 صادقانه دولتی ایران و انگلیس نخواهد بود و هم  
 بسیج وجه من الوجوه خلیج بجات بی طرفی دولت علیه  
 ایران نخواهد رسانید دولت علیه بهان بی طرفی  
 سابق خود باقی و برقرار است و سفرای دولت  
 یقین در بار این دولت علیه از همه امور مستحضر و ناظر  
 که خلیج در بی طرفی حاصل نشود و نخواهد  
 چون در این عهد فرخنده که تا ابد پابنده باد بجهت  
 حصول رفاه و اخیست اغلب صنایع در این دولت  
 علیه ترقی کرده است از جمله در کارشالیانی کرمان  
 ترقی زیاد حاصل شده است مرحوم محمد حسن خان  
 سردار و طاقه شالی سفارش کرده بود که بیافزاید  
 طاقه مفت رکن در قیمت صد و پنجاه تومان و طاقه  
 سفید و ابی و قیمت صد تومان و این شالیها در  
 بیچند ماه با تمام رسیده بود در همین حیات خود  
 طاقه مفت رکن را بجهت پیش حضور همایون و طاقه  
 سفید و ابی را بجهت جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم  
 فرستاده بود که بعد از فوت او شالیهای مرزبوری

اصح بسیارش لهای بی نظیرند تا امروز در کرمان  
 شالیان خوبی باقی نمانده بود و با شالیهای کشمیری  
 که درین قیمت مت پیش هم که میکند از همه کس این  
 شالیها را ترجیح میداد امید است که ایشان را الله العزیز  
 یوما فوما بهر کونی صنعتی در این دولت علیه خوب  
 ترقی نماید  
 در روز چهارشنبه هفتم این ماه که روز عید مولود  
 جناب خاتم انبیا صلوات الله علیه و علی عشره الطاهرین  
 و روز خوسندی و شادمانی عموم اهل اسلام بود  
 اعلیحضرت شاهنشاه اسلام پناه غلده الله علیه و سلطنت  
 تحت مراد یو استخانه بزرگ را بفرموده و مسعودیجا  
 ریب و زینت بخشوده انعقاد سلام عام دادند  
 انهای دولت علیه و شاهزادگان عظام و امرای  
 کرام و خوانین و سران و صاحب منصبان نظام  
 و سایر اهل سلام بقدر کنجایش دیوانخانه زیاده که  
 از نظام و غیره هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده  
 اجرای شلیک توپ و زنبورک گردیده بودند و توپ  
 توپ بعد از اسم جناب خاتم انبیا شلیک شد  
 عالیجاه خطیب باشی ادای خطبه بلنج بنام حضرت ختم  
 نبوده و بدعای بقای وجود فایض ایچود همایون و  
 از دیار دولت و شوکت ابد مقرر و ختم نموده بعد از آن  
 عالیجناب شمس الشعرا قصیده عزاکه در نهایت این عید سعید بر  
 نظم کشیده بود و معروض میگشاه حضور همایون در آن

۱۵۹۲

موقع قبول و استخار یافته اهل سلام تهنیت مبارک

عبد سعید را تقدیم نموده سلام منقصد کردید

### امورات قشونی

فوج وسم خوی ابو الجحی عالیجاه نجفعلی خان سرنگ

که احضار بدر بارهایون شده بودند وارد دارالخلافه

مبارک که گردیده در روز پنجشنبه گذشته در میدان

ارک حاضر شدند و سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی

شاهنشاهی بجهت ملاحظه آنها تشریف فرمای میدان مزبور

گردیده و آحاد و افراد فوج مزبور را یکی یکی ملاحظه

فرموده چون کمال ارستکی و انتظام را داشتند

فوج مورد تحسین و الثقات و انعام ملوکانه گردیدند

ولی چون عالیجاه نجفعلی خان سرنگ با فوج سه ماه

قبل ازین بدر بارهایون احضار شده و در آمدن

تقاعد و تکامل کرده بود و معتقد در بار سپهر حشام

مقرب الحاقان قایم مقام از این احوال او شکایت

سجاکهای هایون نوشته بود و عرض او چون مقرون

سجیب بود پذیرفته شد لهذا بیشتر او را از کمر

بار کرده و راطاق نظام محبوس فرمودند بعد حضوراً

تنبیه مضبوط و اخور کناه و تقصیر او بعلل آمد هنوز هم

منظور نظر الثقات نگردیده است تا عبرت سایر

سرتیپان و سربازگان و صاحب منصبان شود که از

مذمات محموله دیوان هایون کوتاهی نموده بحضرت اجنبی

احضار حرکت نمایند

و هم چنین فوج افشار را در محلی جمعی عالیجاه یوسفخان

سرنگ نیز که احضار و در بار شوکتگذار هایون شده

بودند در این روزها وارد دارالخلافه مبارک گردیدند

و در روز شنبه نهم در میدان ارک صف نظامی

شدند اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی

ایده البیضاء تشریف فرمای میدان مزبور گردیدند

اولاً آحاد و افراد فوج مزبور را بدقت ملاحظه

و بعد از آن حکم حرکت با آنها داده فوج مزبور در

ار استکی و انتظام حرکت و دوره مشق نمودند و

تحسین و انعام ملوکانه گردیدند و بعد از ملاحظه

اعلیحضرت شاهنشاهی نسبت توخانه تشریف

برده و از آنجا بجهت سلطانی تشریف فرما گردیدند

در روز یکشنبه گذشته مرکب هایون اعلیحضرت

شاهنشاهی بعزم سیاحت و تفریح اطراف دارالخلافه

مبارک که حرکت فرمودند بمیان افواج قاهره نظام

که در میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق

بودند تشریف فرما گردیده سواره نظام و افواج

قاهره مشق کرده حرکات آنها زیاده پسند خاطر

اقدس شاهنشاهی گردیده مورد الثقات

ملوکانه شدند

### سایر ولایات

از بایجان و اصفهان و استرآباد

و اسدآباد و این ولایات در این وقت اجنبی

۱۵۹۳

بروجرد

از فرار یک در روزنامه بروجرد نوشته بودند و ما نیز  
 ماه صفر نواب مستطاب احتشام الدوله حکم آن بروجرد  
 و عربستان و لرستان و نجف ساری از بروجرد  
 حرکت کرده روز بیت و یکم ماه مهر بروجرد و از حرم آباد  
 شدند نواب جلال الدین میرزا را از اشتهر خواند  
 و نواب غلام حسین میرزا را از تبر و وبالاکر لویه خواند  
 بمعاملات دیوانی ابوجهبی هر یک رسیده تمام  
 تو شمالان و خوانین سلسله و دلفان و بالاکر لویه را  
 خواسته آنچه از مالیات دیوانی آنها باقی بود  
 گرفتند که در کرمشیر آید بند و بهر یک از خوانین  
 قدغن شد بد شد که بقاعده حساب حرکت کنند  
 چون قرار بود که هر سال بجهت تمامی مالیات جلایلی  
 در دوسه جامیکرفتند و اینر حله اگر چه منفعت برای  
 دیوان داشت که وجه مالیات زود وصول میشد  
 اما برای طوایف ضرر داشت و کاو و کوسفند و مادیان  
 آنها اغلب از سر مالغ میشد در این سال محض رعایت  
 جانب ایلات نواب احتشام الدوله قرار دادند که جلوی  
 ایلات را بخرند تمام با سود کی بکر میرات رفته  
 موافق مسکات بدی دیوانی را در کرمشیر آید بند  
 و از اینر حله نوع رفاهیتی برای آنها حاصل شده  
 و عاکوی دولت جاویدت علیه گردیدند  
 دیگر نوشته بودند که از اول عقرب تا بیستم بارانهای

سیار خوب در آنجا باریده و هوای سرد کرده اگر چه  
 بیانات انکوار شهر ماضر رسید اما چون باعث  
 خوبی زراعت بود بارانهای پی در پی موجب شغف  
 خاطر همه رعایا و اهالی آنجا گردیده مشغول زراعت میباشند  
 نرخ کندم قدری رو تیرقی بوده است ولی بعد از  
 آمدن باران تنزل کرد در شهر بروجرد کندم غزوی  
 دوازده هزار است اما کسی نمی فرود در دوات هر چه  
 از کاشان و اصفهان بیاید بهین قیمت میخرند  
 و جو خرداری هفت هزار و سایر جو بات بقرار میند

داد و ستد میشود

دیگر نوشته بودند که ناخوشی و با که سابقا در قم و کا  
 بروز کرده بود در بروجرد و بر دزی گذاشت و او را  
 ماه صفر در کلنگان که از دوات نواب حسام السلطنه است  
 بواسطه مکارریهای آنجا که بجهت محلات و کاشان  
 و معاودت کرده بودند و سه روز ناخوشی بروز  
 کرده ده بیت نفر تلف شدند ولی چون در همان  
 روز باران آمد و هوای سرد شد امید کلی است که  
 بهمان قدر اکتفا شده و رفع گردیده باشد

خراسان

از فرار یک در ضمن روزنامه خراسان نوشته بودند  
 بقدری مخصد نفر سواره ترکان سر حسی تباحث صحف است  
 هرات رفته تا فلعه پهره که مال ملا یسن است اسیر  
 ریاد گرفته در هنگام تاحت سوار ترکان دافغانه

۱۵۹۴

جنگ سخت کرده و از طرفین کشته و زخمی بسیار شده بود  
 خبر بنواب محمد یوسف میرزا حاکم بهرات رسیده برادر  
 خود را با جمعی سواره افغان بسر راه آنها بجا فرستاد  
 فیما بین محاربه صعب شده سواره افغان اسیر و اموال را  
 از ترکمانان سترو چند نفر هم دستگیر کرده اند  
 از افغانه نیز زیاد مقول و زخمی شده اند  
 دیگر نوشته بودند که در یکی از محلات ارض اقدسیه  
 پیچیده که از پدر خود بسیار مخوف بوده است الای  
 خواسته بود بمنزل برود و الاغ نیز فرقه است چون بد  
 رده خون سر از پر شده بود از ترس یک پدشین  
 اورا خواهد زد بدکان عطاری رفته تریاک خریده  
 بخانه آمده افتاده و کسی را نیز خبر کرده بود پدرش  
 بر اورفته بود که دیده بود نوشته ها  
 دیگر نوشته بودند که یکی از سربازان گروهی تقصیری کرد  
 بود عالیجا حسنعلی خان سرتیپ و ستاده بود که  
 بسیار در تنبیه نماید شارا لیه به بت کریمه جمع آید  
 سرتیپ اورا تعاقب کرده بود بهرام خان برادر حسنعلی  
 گفته بود شما کار نداشته باشید من میروم اورا با  
 در بان خوش اورا از بت بیرون می آورم و بصحن  
 بهتر که رفته بود در آنجا سرباز مزبور هرزگی نموده و هیچ  
 قباحت و فضاحت فرو گذاشت نکرده بود مع ذلک  
 پیش دستنی کرده بنواب مستطاب هزاره افخم و الا  
 فرما نفرما عریضه نوشته بود که بهرام خان آمده مراد

زودخواست بعف بیرون ببرد نواب مغزی الیه السلام  
 کرده بود که عالیجا حسنعلی خان چوب و فلک برداشته  
 بهرام خان زابرد در همان صحن تبر که چوب بزند  
 عالیجا هشار الیه سم حب الامر اورا بصحن برده و  
 بنای چوب کاری گذاشته بود خدام بقعه تبر که مستخدم  
 اجماع کرده گفته بودند که اولاً ما مطلع هستیم که بهرام خان  
 هیچ چه تقصیری نکرده و باین شخص سرباز مطلقاً حرف  
 سر دزده است تا بضر و شتم چه رسد تا نیا اگر  
 تقصیر هم داشته باشد در صحن تبر که چوب زدن  
 مناسب نیست و درین باب استناد نوشته خدمت نواب  
 مغزی الیه واره بودند بعد از تحقیق که معلوم شده بود  
 سرباز اقرا به بهرام خان بسته است از سر چوب زدن  
 او گذشته و باو التقات کرده بودند  
 دیگر نوشته بودند که در روز ششم ماه صفر که روز عید مولود علی  
 کاوین شامشای بدالعیثه بود نواب مستطاب فیما تقرابا یک لقا  
 و مکه مراجع شدند بدیو انخانه بزرگ آه انقاد سلام دادند و جمع  
 واعیان و خوین هم و صاحب منصبان نظام حاضرند به تهنیت عید مسعود اجرای  
 توپ کرده و ادای خطبه بنام نامی اقدس ایون و امام عابدی از یاد  
 و ولایت مقرون نموده تهنیت و مبارکباد عید بطور تعظیم آوردند  
 حم و وار المر و سمنان و شام بود  
 این ولایات نیز درین معقه اجاری بود  
 عراق  
 از قراریکه در روزنامه عراق نوشته بودند به تهنیت عید مولود مسعود

۱۵۹۵

کالیون شاهنشاهی مقرب الخاقان میرزا حسن خان آدم بولایات  
عراق فرستاده و اعظم و امین را اجبار کرده بود اگر چه عموم  
مردم خود مراقب احترام شاه دمانی این عید مسعود بودند ولی حکم  
سلطان آباد آمده در ششم لوازم این بندهی و چراغانی و جشن  
و شاه دمانی را بعل آورده و در تالار دیوانخانه ضیافت نکین نمود  
در روز ششم بقاعده ایجاد بزرگ مجلس جشن و دمانی بر پا کرده  
ادای خلیفه بنام اقدس کالیون و اختتام عبادی بقای سعادت دولت  
روز افزون کرده همه عاظم و اعیان و خوانین و صاحبان نظام  
صرف شربت و شیرینی و اقدام بکار عید و نمودن

### فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته بودند در آستانه  
صفحه چهارشنبه روز باران بسیار خوب در اغلب  
بلوکات فارس آمده امالی آنجا از زول حجت الهی که غنا  
ارزانی و فراوانی کل سکر که اری داشته اند  
دیگر از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند  
در اوقاتی که عالیجنابان میرزا حسنعلی خان دریاپسکی و محمد  
ابراهیم خان سر قیاب از جزیره خارک مراحت میکردند  
یک فرسخ که از جزیره فر بوره دور شده بودند باد قطع شد  
بگذر آنها تا روز دیگر ساعت از روز بالا آمده و در  
معتدل شده بود بعد از آن اندک بادی وزید بجانب بندر  
شدند در آن حین بقاصد صد قدم پیشگی نمودار گردیدند  
بعد رگامی نمودار بود بعد از آن بعد رجه فیلی از تن او ظاهر  
گردید بجانب خارک میرفت پس از آنکه بعد دو هزار قدم

از جبهه او آنچه پیداشد که بازی و عوض میکرد و میرفت  
تخمینا پنج زرع قطره و دو اوزه زرع طول او از آب  
بیرون بود ولی سرد دم او مطلقا پیدا نبود معلوم نبود  
که طول او از سر او دم چه مقدار است و این قطر و طول  
نیز که از او مشاهده می شد در دو هزار قدم فاصله بود معلوم است  
در نزدیکی بیشتر میبود پس از آن از نظر غایب و ننگی که  
نمودار گردید که بخت او بود و از تعب او میرفت و لیکن  
یک دفعه بیشتر ظاهر شد و آنچه از او نمودار گردید بقدری  
بعد از آن باد شمال وزیدن گرفته بقصد بقاصد دو ساعت  
پنج شش فرسخ راه طی کرده بلندگاه رسیدند  
قره وین و قشم و کاشان و کردستان  
ازین ولایات نیز در این بنهته اخباری نبود

### کرویس

از فرار یک در روزنامه کرویس نوشته بودند یک نفر یهودی تخوا  
یکی از این دوات که در این مانت داده بود که او زده و بیچاره آدم او بود  
راه طلع آن شخص حرکت آمد تخواه را و سر خود را زخم زده نزد  
رین العابدین خان حاکم کرویس آهنگور شده بود که در راه دزدان مارت  
زده و برهنه کرده تخواه یهودی را که مسره و آسم بر زده چاه  
بفراست دریاقه بود که دروغ نیکوید و میخواستند او را بچوخته  
جس که زده بودند محض تهدید و ن اذیت و آزار می آوردند که خود  
سر خود را زخم زده و تخواه را در فلان محل دفن کرده ام چاه  
با دو نفر تخواه را در آنجا کشتند و او را در خاک در آورده و جس  
کرمان و کرمان و نهاوند و همدان و پیر و این  
ولایات نیز اخباری نبود

۱۰۹۶

اخبار دول خارجی

بر بعضی مجامین فرستاد که معاینه نمایند

از فرار یک در روزنامه وینه پای تخت استریه نوشته  
بودند بعد از چهار به سیواستپول دولتین استریه  
و پروسیه بدول اربعه اخبار داده اند که در با  
ستویه و صفا مجلسی دیگر در وینه برپا نموده بلکه رفع  
نزاع و غائله دول بشود همه قبول کرده در ماه ریح  
در وینه پای تخت استریه مجلسی منعقد خواهد شد و از  
جانب دول اربعه و سایر دول اروپا سفرا با پنجا  
خواهند رفت که بنگه است اصلاحی باین دول بشود  
امنای دولت علیه ایران چون با همه این دول کمال  
یکانگی و اتحاد دارند امید دارند که این مصالحه  
منعقد شده بخواه طرفین اصلاح پذیر گردد  
و امور تجارت رواج و رونق بیابد

چون در جنگهای فرنگستان متداول است که طرف  
مغلوب دین توپهای خود را مینج کوب می کنند که از  
کاربنفقد و اگر بدست دشمن بیاید نتواند بکار بخیزد از  
و از او براداری نماید مگر اینکه آن توپ را سخته اند  
نوب بریزند حال جدیدی است که دولت انگلیس تدبیر  
و متبعی کرده آن سیخ را بدین اینکه توپ عیب بکنند  
دین توپ در می آورد و با همان توپ تیراندازی  
میکنند

دیگر نوشته بودند که پادشاه پورتغال در این نامه  
سجد تخلف سلطنت رسیده خودش حکم انی می کند  
و احکام صادره سابقه امنای دولت خود را قبول  
کرده و قول کرده است که دهر یک از وزرای مملکت را  
در منصب و باقی برقرار کرده است  
در روزنامه نفعه گذشته نوشته شده بود که جناب

از فرار یک در روزنامه وینه پای تخت استریه نوشته  
بودند بعد از چهار به سیواستپول دولتین استریه  
و پروسیه بدول اربعه اخبار داده اند که در با  
ستویه و صفا مجلسی دیگر در وینه برپا نموده بلکه رفع  
نزاع و غائله دول بشود همه قبول کرده در ماه ریح  
در وینه پای تخت استریه مجلسی منعقد خواهد شد و از  
جانب دول اربعه و سایر دول اروپا سفرا با پنجا  
خواهند رفت که بنگه است اصلاحی باین دول بشود  
امنای دولت علیه ایران چون با همه این دول کمال  
یکانگی و اتحاد دارند امید دارند که این مصالحه  
منعقد شده بخواه طرفین اصلاح پذیر گردد  
و امور تجارت رواج و رونق بیابد  
از فرار یک در روزنامه فرانس نوشته بودند که  
امپراطور فرانس در کالک خود نوشته از جانی  
سجانی میرفته اند شخصی خواسته بود طپانچه با میرا طور  
خالی نماید نیز دیگری کالک یکی از اعیان دولت فرانس  
که همراه امپراطور بود رفته و کالک او را تصور کالک  
امپراطور نموده طپانچه را کشیده بود که خالی نماید یکی از  
لوکرهای دیوان او را دیده چوبی که در دست داشت  
دست او زده طپانچه سر از زیر گردیده خالی شده  
و کلوله بزرگ کالک رفته صزری بکسی رساند آن شخص  
گرفته در مقام تحقیق برآمد معلوم شده بود که دیوانه

۱۵۹۷



سعد پاشا والی مصر بعزم سیاحت روانه پاریس  
 پای تحت فرانسه شده و از آنجا اراده سیاحت  
 لندن پای تحت انگلیس را داشته است از قرار یک روز  
 روزنامه جریده اخبار که در ثانی رسید نوشته  
 بودند بعد از رسیدن جناب مشارالیه بالاطحاح  
 قدری ناخوش شده و از آنجا معاودت با کینده  
 نموده است

در این اوقات فرماندانی اردوی دولت استریت  
 جناب جنرال قوت پاد پور و وارنه با سلا بول  
 آمده است

و اپوری در فرانسه ساخته اند که دو دکشا و جا  
 و دیرکش راهرو وقت سجا اهند میجو ابا نند و بار بلند  
 می کنند و در بیج حالت از حرکت باز نمیمانند و لندن  
 و پاریس امتحان کرده این نوع کشتی را از زیر  
 پلها دیرک و دو دکشا اورا خوا بانه و عمود آند  
 و با سلا بول نیز اینجور کشتی آورده از زیر کر پلی که ناه  
 ساخته اند گذرانند و امتحان نمودند

در این اوقات سیم چرخ صاعقه از اسلا بول پاریس  
 پای تحت فرانسه و لندن پای تحت انگلیس میانند  
 و سیمهای اورا می کشند از قرار یک روز روزنامه ریت  
 لندن نوشته اند بعد از اتمام این سیم صاعقه  
 اجرای اخبار فیما بین این سه ولایت معظم بزرگ  
 در مدت یک ساعت خواهد شد

دیگر از قرار یک در جریده اخبار نوشته اند پسر برادر  
 و ولیعهد دولت پروسیه در این اوقات بلندن رفته  
 و بنا بر روایات واقعه اعلیحضرت پادشاه انگلیس  
 دختر خود را بجهت ترویج نامزد او نموده است

از جانب دولت فحیمه فرانسه چندی قبل کشتی معتاد  
 پنج رزغ طول و میت و پنج رزغ عرض بنا نموده میانه  
 در این اوقات کشتی مزبور را با تمام رسانده و با سلا  
 آورده اند و در ورون آن کشتی هفده غزاهه توپ قلعه کوب  
 بزرگ گذاشته اند اطراف کشتی مزبور را بقطر و صحت  
 سه انگشت سیم کشیده اند و کجای این کشتی متین و مضبوط  
 که در وقت غالی کردن آن توپهای بزرگ هیچ وجه  
 و زیان بکشتی نمیرسد در دعوا در حالت انداختن  
 توپ ازین کشتی دیر کهایش را پائین می آرند و کشتی  
 میگذرانند و از برای روی کشتی سه تا سه پوشی از این  
 درست کرده اند آن پوشش آهن را روی کشتی می کشند  
 و مشول تیر اندازی و دعوا می شوند

دولتای فرنگستان هر سال مشورتخانه برای قرار داد سالیانه  
 انعقاد میدهند در دولت فلنک سال که مشورتخانه  
 گشوده شده و پادشاه آن ولایت مشورتخانه مزبور  
 آمده است از جمله تقریراتی که پادشاه در مشورتخانه  
 کرده است امسال هم بی طرفی دولت خود را در اجراء  
 محاربه حاضره دول بیان نموده است

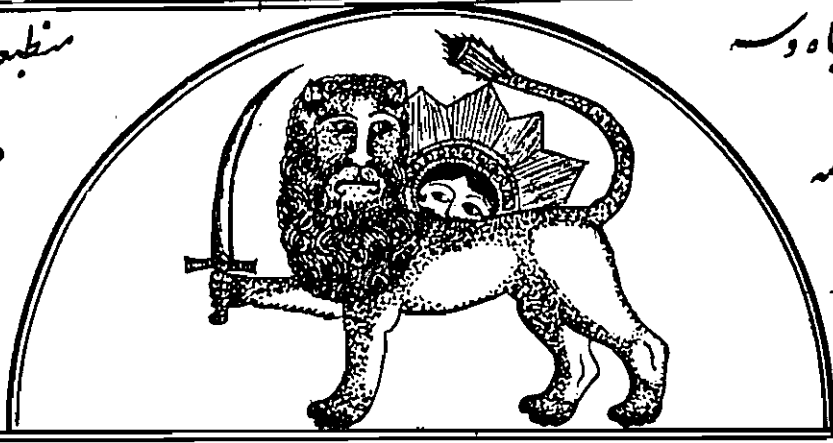
۱۵۹۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم ربیع و اول ایستادگی ۱۲۷۲

نزهت و تفریح و نگاه و...

قیمت روزنامه

پنجاه شمشیر



منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

پنجاه شمشیر

اجبار و احضار ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته موکب هایون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی میدان اسب دوانی تشریف فرما گردیده بقانون معموله در اول حرکت و در میان راه و در ورود به عمارت میدان مزبور شیک زنبورک گردید و بعد از ورود و دیدن مزبور از اسبهای خاصه شاهنشاهی و اسبهای سایر انمای دولت علیه که سوقائی کرده بودند سه دسته جور نموده است. اول چهار دوره که هر دوره نیم فرسخ است و دسته دوم سه دوره و دسته سیم دو دوره است و در هر دو اسبهای که پیش آمدند بکیه های پول که بجهت هر اسبی که پیش بیاید گذاشته بودند چاکبوساران آنها بمریوق رسیده برداشته و بعد از تفریح و تماشا اسب دوانی و بذل انعام بشطران و غیره

موکب هایون بجهان ترتیب عمارت مبارکه سلطانی معاودت فرمودند چون نواب مستطاب عمادالدوله حکمران کرمان در نظام امور ولایت و رسیدگی کامل بکار خود کمر بست و انجام خدمات دیوانی مراتب اهتمامات خود را مشهور خاطر مهربان ظاهر اقدس هایون شاهنشاهی داشته و انتمای دولت علیه کمال رضایت از حسن کفایت و کار دانی و رعیت داری نواب معزی الیه داشتند لهذا در این اوقات از جانب سنی انجوا ملوکانه یکثوب کلیچه ترمه از طبعوس خاص بدن مبارک برسم خلعت با موقوفه فرمان مهر لعلان مبینی برانگهان مرحوم شاهنشاهی بجهت نواب معزی الیه غنایت و ارسال کردید

عاشق

بخط سجده ماتی که از عالیجاه محمودخان کلانتر در ایام

۱۵۹۹

و در اوقات تشریف فرمائی موکب هایون در سمر  
و سیلاقات در مراقبت نظم شهر و محلات دارالخلافه  
مبارک که بطور رسیده بود و امنای دولت علیه رضا  
از حسن مذاکره مشارالیه دستد لهند در این اوقات  
یکشوب جبهه ترمه و یک رشته حامل سفید از مرتبه  
اول سرتشکی با و مرحمت کردید  
نظر بطور رحمت ملوکانه در باره عالیجاه محمدقلینان  
نوزی غلام پیچیدمت و شایسکی و اتهامات او  
در انجام خدمات دیوانی در این اوقات حسب الامر  
سره کار علیحضرت شاهنشاهی حکومت تربت حیدریه  
سرافراز گردیده فرمان مصلحان هایون سرفراز  
صدور یافته و طاعت حکومت نیز با و مرحمت شد  
در روزنامه های سابقه نوشته شده بود که جمعی  
افغانه تباحت قانیات رفته بودند و عالیجاه  
سیرامیر قاین با آنها جنگ کرده و آنها را سگت داده  
و سر و اسیر از آنها گرفته بود و عریضه او مدبر با هایون  
رسیده و در آن اوقات طاعت بامیر قاین و  
و نشان از مرتبه اول سرتشکی بجایجا میر علم خان  
مرحمت کردید در این اوقات چهل نیزه سرچهل  
اسیر از افغانه مزبور که زنده دستگیر شده بودند  
مصحوب سی نفر سوار بدر بار هایون و ستاده در روز  
سه شنبه گذشته سرها و اسیرها را از حضور مهر ظهور  
مبارک گذرانید و انعام ملوکانه سواره مزبور که سرها را

آورده بودند مرحمت کردید

و همچنین سی و چهار نیزه سر از اشهرار بلوچیه که عالیجاه  
اما معلیخان گرفته و تفصیل آن در روزنامه نوشته  
میشود درین روزنامه سرهای مزبور مصحوب حاجی خان  
علام مهاجر بدر از اختلاف مبارک که رسیده از حضور  
مبارک علیحضرت شاهنشاهی گذشته و نسبت  
بجایجا اما معلی خان التفات فرمودند

و هم چنین جمعی از سواره طایفه ضاله ترکمان بخدمت  
تاخت صفحیات بنظام آمده مال دسیر از آنجا برده  
بودند عالیجاه عباستقلیخان حاکم شاهرود بمحض  
استحصار پنجاه نفر سواره برداشته و آنها را انعام  
کرده رسیده بود و جنگ در پیوسته اسیر و  
مال را تا ما از آنها مسترد کرده و هفت نیزه سر و  
زنده از ترکمانان دستگیر کرده بود بقیه ترکمانان  
مخذ و لا و مکتوباً فزاری شده بودند و سرها و اسیرها  
درین روزها وارد پیشگاه حضور و از نظر مهر ظهور  
گذشته نسبت بجایجا عباستقلیخان التفات فرمودند

امورات قشونی

توپچیان و زنبورکچیان و سواره نظام و افواج قافله  
مشرین در باره هایون همه روزه در میدان ارک و  
میدان خارج در واره دولت مشغول مشق میباشند  
و همه صاحب منصبان و معلین کمال مراقبت را در تعلیم  
آداب و قواعد نظامی دارند

۱۶۰۰

فوج طهران جمعی عالیجاه محمد رضا خان سر قیپ فوج  
دماوندی جمعی عالیجاه ابو القاسم خان سر تنک  
چون درین مدت تیر اندازی مکرده بودند قرار داد  
شد و فشک کلوله دار با آنها دادند که در بالای میدان  
اسب دو انی نشان گذاشته تیر اندازی نمایند

پوچیان طایفه بچارلو که احضار در بارها چون  
شده بودند در این اوقات وارد دار اخلای مبارک  
شده در روز سه شنبه میت و سیم اینها در میدان  
ارک حاضر گردیدند

### سایر ولایات

آذربایجان و استرآباد و اسدیا  
این ولایات در این مفعه اخباری نبود

### بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند  
مستطاب احتشام الله که حکمران بروجرد و لرستان  
و عربستان و بختیاری در سلخ ماه صفر عالیجاه  
رستم بیگ یاد تو پنهان مبارک را با تو پیمان  
و تو پیمانی که مامور عربستان بودند با چهار صد  
سرباز دلفان و فوج ولنجان روانه نمودند چون  
تو پها بزرگ در راهها تمام کوه و سنگ و عبور  
شکل بود و دولت نفر عمده بیل دار و کلنگ دار  
همراه نموده و بر منزلی رانیزد و منزل قرار دادند  
که باسانی طی منازل نمایند و تجارت و آهنگ نیز بجهت

احتیاط که اگر در راه چرخ و عراده تو پها  
نماید درست کنند همراه نمودند

دیگر نوشته اند که چون عالیجاه جعفر قلیخان  
فوج خدا بند لو اول بهار که از عربستان مرآت  
کرده مامور خدمت لرستان شد در شتر

و خاوه در اردوی نواب جلال الدین میرزا  
بود و بعد از ورود نواب احتشام الله که محرم  
و مراجعت عالیجاه مشارالیه و سربازان او  
نواب معزی الیه رسیدگی بکار لوکر و رعیت

نمودند عالیجاه مشارالیه زیاده خوب رفتار  
کرده بود و هم نواب جلال الدین میرزا از حسن  
سلوک او و سربازان او و اتهامات آنها و انجام

خدمات محو که بخود راضی بودند و هم رعایا  
لرستان اظهار رضامندی نمودند نواب  
النفات زیاده و سربازان او نموده اند و هم  
سواره با جلال ابو الجحعی عالیجاه نوز محمد خان  
در ماموریت لرستان از عهده انجام خدمات  
مرجوعه خوب برآمده بودند نواب شهادت  
فراخور مرتبه النفات نمودند

دیگر نوشته بودند که در اوقات حرکت نواب  
عالیجاهان نوز محمد خان سر قیپ و ولنجان سرتیپ  
بختیاری و با جلال و سربازان که حاضر بودند مواجیح  
در یافت نموده با نواب معزی الیه با تداکات شایسته

۱۶۰۱

### بسطام و خراسان و دوارالمز

ازین ولایات در این هفته اخباری نبود

### عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند در ماه  
 صفر بارندگی زیاد در اکثر ولایات عراق شده است  
 بحدی که ضرر زیاد بمجصول باغات و غیره رساند  
 و تا حال سه برف در آنجا افتاده و لایق قطع بارش  
 میشود بطوریکه رعایا مجال برداشتن خرمنها و چین  
 انگور باغات را نکرده اند و اغلب خرمنها در زیر برف  
 مانده است و به بدنه قلعه و عمارات سلطان آباد  
 نیز خرابی رسیده است و اکثر قوایه مجال فراوان  
 نیز سیل بطوری خرابی رسانده است که تنقیه آنها

### بسیار مشکل است

و هم چنین و ورشته قنات خالصه سلطان آباد  
 که آب مشروب بی اهل آنجا منحصر بهماست از شدت  
 بارندگی خرابی بهم رسانده و از هر قناتی ده یا نوزده  
 پشته خوابیده بود و اهل آنجا از آب تنگی می کشیدند  
 میرزا حسن خان در تنقیه آنها اتهام نموده و خود سوار شد  
 بر قناتهای مزبور رفته و بقدری نفرتی و عله ز یاد  
 گذاشته است که تنقیه نموده آب آنها را بسلطان آباد بجا

نماند که اهل آنجا عتبی آبی نکند  
 دیگر نوشته اند که در روز بیست و نهم صفر ضبح عصر دوم  
 یکروز زلزله شدیدی شد اما خرابی بجا نمی رسانده بود  
 قزوین و قم و کاشان و کردستان و کرمان

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند عالیجاه میرزا

در استقام امور آل ولایت یاده اتهام دارد و در این هفته  
 آدم بجهت رسیدگی کار مستحقطن طرق و شوارع و قرا  
 روانه نماید

دیگر در باب سی و چهار نیزه سر بلوچ که مصوب حاجی خان  
 علام مهاجر بدر بارها لایون فرستاده اند نوشته بودند که  
 بلوچ در ریک شتران طیس قافله در و آرزاده و دبی را  
 نیز غارت کرده بودند خبر کرمان رسید عالیجاه میرزا  
 بر حدات اخبار کرد و عالیجاه اما علی خان سرحد در  
 استماع با جمعی از ارباب جمعی خود ایلیغار و در سه مهر لی  
 با آنها رسیده و همگی آنها را که سی و چهار نفر بودند

اموال منسوبه را با سه نفر طفل ستید که اسیر کرده  
 بودند بر گردانده اموال را بصاحبان تسلیم نمود  
 و پدران آن سه نفر طفل ستید که از ترس بلوچ  
 در گوشه و کنار پنهان بودند آمده عالیجاه شالیه  
 اطفال آنها را با آنها سپرده صاحبان اموال و  
 اولیای اطفال از این معنی زیاد شاکر و دعا گو  
 دولت جاویدت علیه گردیدند

کرمانشاهان و کیلان و نهاوند  
 و همدان و میرو ازین ولایات نیز درین  
 هفته اخباری نبود

### اخبار دول خارجه

از قرار یک در روزنامه فرانس نوشته بودند  
 در وقت عا کرد دولت مزبور که در وقت  
 و چهل هفت گرفته شده بودند درین سال با تمام  
 رسیده و قدری نیز از وعده آنها منقضی شده  
 بود لهذا از جانب اعلیحضرت لوی ناپلیان <sup>ط</sup> آن  
 دولت فرانس اخبار شده است که بجهت تجدید  
 و تبدیل عا کرد در این اوقات باز قانون دولت  
 مزبور قرحه زده شود

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که یک نفر از  
 عا کرد فرانس بکشتی بخار موسوم به کت خیریه  
 نشسته بقا کلیچ میرفت بجهت سرعت سیر کشتی مزبور  
 مشارالیه بدریا افتاده بود و در آن حین یکی از عا کرد  
 عثمانیه که در آنجا حاضر بوده است خود را بدریا انداخته  
 و او را از ورطه هلاکت خلاص کرده و از غرقاب  
 بیرون آورده بود

دیگر نوشته اند که در از میرهای آنجا حکم کرده بود که  
 از تبعه دولت عثمانی یا تبعه دول خارجه کسی سلاخ  
 همراه نداشته باشد و اگر کسی با اسباب <sup>ح</sup> بیست  
 تمیبه بکنند و درین باب بقولنولهای دول خارجه  
 معقم از میر نیز اعلام کرده است که به تبعه خود حسب  
 قدغن نمایند

دیگر نوشته بودند که شخصی در لباس کسب و اهل <sup>م</sup>

یکبار ایشیا بینات خوابگاه به اسکله جلو توپخانه آورد  
 گذاشت و بعد از نیم ساعت دیگر یکبار دیگر به آن قسم  
 آورد که در قایق بگذارد و ببرد مباحثه کرد اسکله  
 بشکاک افتاده بود که این شخص باید دزد باشد و  
 این اسباب را دزدیده باشد با آن شخص نیز گفتند <sup>همینه</sup>  
 و اسبابها را گذاشته فرار کرده بود مباحثه کرد که  
 نیز آن اسباب را در اسکله گذاشته منتظر شخص  
 مزبور بود که بیاید آن شب و امروزه ایامده بود  
 مباحثه مزبور آنها را کسوده بود و چند بسته ماهوت  
 بطرا و درآمده بود در مسروق بودن آن ماهوتها  
 قطع کرده و اعلان نموده بود که در کمر کسب خانه بزرگ  
 صاحب آنها آمده اثبات کند اول خود را یافت نماید

دیگر در روزنامه انگلیس نوشته بودند که از اقوام  
 پادشاه انگلیس دوق ده کیمبرج نام در فنون جری  
 ماهر و آثار کثیره از او ظاهر گردیده و بشق فنون <sup>ح</sup>  
 اقدام و اتهام زیاد دارد در این اوقات چند نفر  
 از معلمین بنگ شش خان مشخص گردیده و بکفوح  
 معین کرده اند بآنکس شش خان که شش شلیک <sup>ح</sup>  
 و مشارالیه با معلمین همه روزه مشغول تعلیم و تعلم  
 آنها باشند

دیگر در روزنامه نوشته بودند که درین اوقات  
 دولت میان فرانک که هر فرانکی بگذارد و نیارد  
 ایران است و قرض دولت استریه مشخص گردیده است

و موعدا ای آن رسیده از جانب امپراطور دولت  
استریه اخبار شده است که بعضی از اطاک مستعلا  
دولتی به صاحبان اطاک و اربابان معتبره و اگدار  
نمایند الی همین بیع و فروش اطاک مزبوره قرار داد  
فروض دولت مزبوره بشود  
دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش ازین <sup>الجمهورية</sup>  
کسیفارا که سائله نام داشت امانی آنجا اورا  
نخواستند و احتلال عظیم در ولایت پیدا شده  
و خلق هجوم کرده عمارت اورا محاصره کرده بودند  
بالآخره خبرال قارو نام را بریاست آنولایت  
برقرار کرده بودند  
دیگر از دولت یونان نوشته اند که در این اوقات  
قرار شده است که کشتهای تجار که با نولایت میرود  
از هر دولت که باشد تذکره که از قرانتین با آنها  
داده میشود تا مهرب و تصدیق قونسول یونان نرسد  
معتبر نخواهد بود و از جانب دولت یونان بهمین  
دولت خارجین فقره اخبار و اعلام شده است  
دیگر نوشته بودند که چون در دولت عثمانی معمول است  
که در تازه شدن سال دزرای آن دولت مجلس  
مشورت برپا می کنند و آن روز را <sup>سلطان</sup> علیحضرت  
دولت عثمانی خود برسد یاست شورای مزبور قرار  
میکرد درین سال نیز بقراسبق در دیوان مزبور  
شد و علیحضرت سلطان در آن مجلس بوزرای

۱۶۰۴

خود بیکان بیکان سپرده بود که بر حسب تسلط و حکمی  
که بشما داده ام باید خیالتان را همیشه بر ترقی و اسود  
رعایای من مصروف دارید  
یک نفر از اعیانای دولت استریه بارون و ترج نام  
زیاد من شده بوده است و سوامی یک نواده  
اولاد دیگرند داشته در این اوقات وفات کرده  
و پانصد هزار کیسه پول نقدش ظهور نموده و خیلی  
اطاک داشته است و متوفای مرقوم بسیار ممک و ما  
بوده و تا آخر عمر آنچه جمع کرده بود بعد از مردنش <sup>فرا</sup>  
در کیسهها که گذاشته بود از مخزنها و کوشهها کنجهای  
خانه بیرون آورده اند  
دیگر نوشته بودند که بسبب بعضی منازعات و کلا  
دولت یونان کلاً از شغل و عمل خود استعفا کرده اند  
و بجای آنها اشخاصی دیگر نصب و تعیین شده اند و  
رئیس الوکاله بعد از سفر دولت مشا را لیه که در  
لندن است محول گشته است  
دیگر نوشته بودند که در پانزدهم ماه محرم در زبلده <sup>بانه</sup>  
از اول شب الی صبح باران شدیدی آمده است که بان <sup>شد</sup>  
باران دیده شده بود از آب آن باران آنچه در کوزهها  
صنبط کرده بودند رنگ سبز داشته است و آنچه نیز  
در خدیرو کوهها بوده است باز برنگ سبز منبوه  
باین شدت باران و باین رنگ تا بحال دیده شده  
و از جمله عجایبات میباشد

# روزنامه وقایع اتفاقیه بیاج لویوم شنبه سیم سهر بر بیع نی یون لونی ۱۲۷۲

نمره پست و پنجاه و چهار

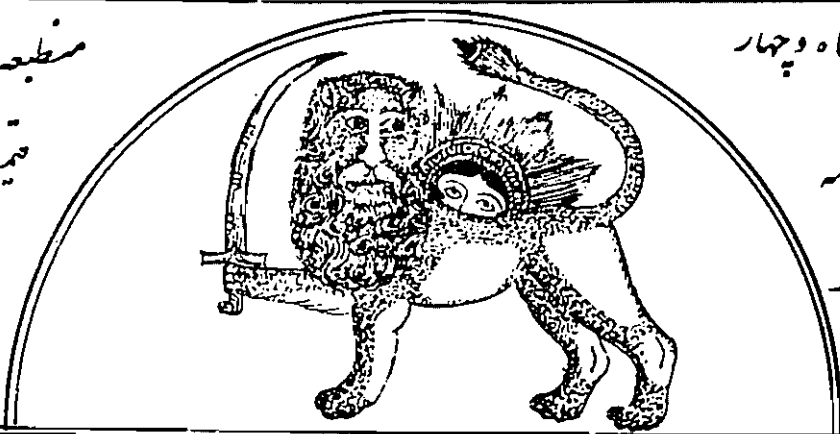
مطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده هر

هر طر پانزده



## اجنار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت قوی شکست  
 شاهنشاهی اید البیث سوار شده بملاحظه مشق فوج  
 طهرانی جمعی عالیجاه محمد رضا خان میرنوب و فوج و  
 جمعی عالیجاه ابوالقاسم خان سرنگ که در بالای  
 میدان اسب دوانی نشاندند کذاشته مشغول تیراندازی  
 بودند تشریف فرما گردیده افواج مبرور در کمال چاش  
 تیراندازی نمودند و مشق آنهاستحسن خاطر ملوکایه افتاده  
 و صاحب مضربان آنها مورد تحسین و اتفاق گردیدند  
 نظریه طور و فورم جسم اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی  
 در باره جناب امجدشرف ارفع صدر اعظم در روز  
 یکشنبه گذشته جناب معظم تشریف فرما گردیدند  
 لوازم قربانی و پیشکش و پای انداز از جانب جناب معظم

و متعلقان ایشان بعجل آمده و نهار را در آنجا صرف  
 فرموده تا عصر تشریف فرما بودند و بسیار بر جود  
 مبارک خوش گذراندند بعد از صرف عصرانه و چای  
 مبارک مبارک که سلطانی مراجعت فرمودند  
 چون ولایت کرمان ولایتی سرحد است در این اوقات  
 که مرحوم محمد حسن خان سردار حکمران آنجا بر حمت  
 ایزدی پیوست و جود شخصی کافی و کار در آن بجهت  
 حکومت انولایت لازم بود لهذا درین روزها حسب  
 اقدس بایون شاهنشاهی صان الدایام سلطنته  
 عن التناهی انسانی دولت علیه مقرب درگاه آسمان  
 امیر الامراء العظام غلام حسین خان سپهسالار که از  
 چاکران دربار بایون و از قدیمی خدمتگذاران دولت  
 روزا فرزند و بحسن کفایت و درایت و کار در دانی  
 موصوف است بحکمرانی مملکت کرمان و مضافات

۱۶۰۵



سرافراز و فرمان مهر لعلان مبارک در باب حکومت  
 او شرف صد و ریافته از جانب سنی ابوجانب طوکا  
 یکشوب جبهه ترنه زمرودی دور بنجره و یکشوب قبا  
 ترمه کلی اعلی از طبوس خاص بامیر الامراء العظام  
 خلعت مرحمت گردیده این اوقات بمقر حکومت روانه  
 و عالیجاه میرزا محمد مستوفی سرکارات نیز بوزارت  
 و پیش کاری کرمان حسب فرمان مبارک سرافراز  
 و یک شوب جبهه ترنه کرمانی اعلی بمسم بشار الیه  
 خلعت  
 مرحمت گردید

چون سواره او صاعقلوی حواری جبهه بی نظمی و بی مبالا  
 جلیل خان سر کرده سواره مزبور بطوریکه کنون  
 خاطر و منظور نظا و لیای دولت علیه است نظام  
 محض انتظام امور سواره مزبور را بواجب بعالیجاه  
 محبتینجان پسر مقرب انخاقان میرزا فتحعلی خان مستوفی  
 فرمودند که عالیجاه بشار الیه خود با سواره مزبوره  
 مخصوصا بجهت خدمات نواب شرف ارفع والا امیر  
 عا کر منصوره سپرده بنواب معتری الیه

عالیجاه مطلب خان لشکر ار که سر کرده سواره پیاده  
 کو داری و بطامی بود چون احضار برکاب مبارک  
 شد عالیجاه عبدالکریم بیک غلام پیشخدمت پسر  
 برادر عالیجاه عباسقلی خان حاکم شاهرود و بطام  
 بزرگ کردگی سواره و پیاده مزبوره منقح و سرافراز فرمود

فرمان هایون و خلعت مرحمت شده روانه گردید  
**امورات قشونی**

تو پیمان و زنبورکچیان و سواره نظام و افواج قاهر  
 متوقفین دار الخلافه مبارک که همه روزه در میدان مشق  
 حاضر گشته مشور می کنند و عموم صاحب منصبان  
 در سر مشق بوده و در تعلیم سرباز کمال اهتمام دارد

فوج مندرس کزازی جمعی عالیجاه علی بن قاسم  
 و فوج شازندیس شقایق جمعی عالیجاه رحمت الله خان  
 سر بنک که احضار در بار هایون شده بودند وارد  
 دار الخلافه مبارک گردیده در یوم شنبه غره انماه  
 در میدان ارک حاضر گشته سرکار اعلیحضرت شاهی  
 بجهت ملاحظه آنها بمیدان مزبور تشریف آورده مقرر  
 فرمودند فوج کزازی مشق تفنگ کرده و فوج شازندیس  
 مشق دوره نمودند زیاده مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه  
 افتاده مورد رحمت و انعام گردیدند

بعد از ملاحظه مشق و فوج مزبور بمیدان توپچی حاضر گشت  
 که مشول مشق بودند تشریف برده بانها نیز التفات  
 فرمودند و از آنجا به انبار توپخانه مبارک تشریف فرما  
 گردیدند و توپخانه در کمال آرامش و پاکیزگی در انبار  
 چیده بودند زیاده تحسین فرمودند

عالیجاه هشتم خان سر بنک فوج کره که مامور  
 صفیان

۱۶۶

بود این اوقات فوج او مرض شدند و خود او  
بر کاب مبارک آمده بکطاقه شال باو حلقه حرم کرد  
درین روزها خبازان دارا اخلا و بعض او لپای  
دولت علیه رسانیدند که بعضی اشخاص از قزاق  
تفصیل ذیل و غیر از اینها کانی مستند که غله زیاد

مقرب انخاقان قاجار حسن مقرب انخاقان سهرابجان  
صند و قدار

مقرب انخاقان مجبلیخان نواب صبیاء سلطنه  
میر پنجه

اقا محراب ابراهیم پیر حاجی قاجار میرزا علی طالبی

حاجر سعید خان قاجار حاج میرزا علی شاد زاده عبدالمطلبی  
بالنیزش زاده عبدالمطلبی

سادات لاریجان حاج میرزا تاج اصفهان کرگ بر

حاجر حسن عرب لاشید ابراهیم درگ

حاجر محمد الکریم و حاجر عبدالمطلب رفیع خان قاجار  
قندهار

از ضرورت سالیانه خود وارند و بجهت احکام و  
ترقی غله انبار کرده اند منیف شدند و از اینجهت  
بقدر ضرورت خبازان برای فروش غله ای عمل

خبازان باین واسطه اغتشاش حاصل کردند  
اولیای دولت علیه اعلام نمودند که در این هفته  
اگر صاحبان انبار و انبارهای خود را با بکنند  
و جنس را بختاز و علاف موافق معمول بفروشند  
اولیای دولت علیه محصل مامور خواهند نمود  
که حکم در انبارها را بکشایند و هر قدر جنس از هر  
در انبار است که بجهت احکام و ترقی غله انبار کرد  
بختاز و علاف بفروشند و از قزاق نزع معمول  
آزاد ریافت نمایند البته صاحبان انبار پیشتر غله  
دارند بفروش خواهند آورد که بحکم نکت

### سایر ولایات

آذربایجان از قزاق که در روزنامه نوشته  
بودند از اتهامات نواب مستطاب شاد زاده  
والا بتا بر نصره الدوله و محمد دربار سپهر  
مقرب انخاقان قاجار مقام کمال امت و انتظام  
در امور انولایت حاصل است و عامه رعایا و  
برایا با نهایت آسودگی بدعای دوام دولت  
جاوید مدت علیه استعال دارند

دیگر نوشته اند امسال حاصل در آنجا خوب  
بعل نیامده و زراعت قدری کم ربیع شده بود  
و غله تعبیر بهم رسانده در دار السلطنه تبریز رسیده  
سابقه کم بسیار خوب خود از هزار مثقال پانزده  
هزار دینار و جو خرداری دوازده هزار دینار

۱۶۰۷

بود امسال در خارجها از قبیل خوی و سلماس و  
مرند و سراب و کر مرود و شترود و غیره بیت و پنجاه  
بمروش میرسید و در خود تبریز بس تو مان فروخته  
میشد بدین واسطه جنایان میخواستند نان را کران  
کبکند رفته در بقعه مستبر که جناب سپاه خمره است  
نشسته بودند نظر بر اینکه در شهر تبریز اشخاصی بودند

که انبارهای غله متعدد داشتند محمد در بار شهر  
چشم مقرب انخاقان قائم مقام ملاحظه فرمایند  
فرا وضعفا از صاحبان غله خواش نمود که هر یک  
فرا خود حال خود قدری کندم بختاران بدیند و  
بقرا معمول سابق قیمت بگیرند که نرخ ناا بالا رود  
و بقرا اولی بماند صاحبان غله نیز بقدر هزار جزوا  
کندم بقیمت مزبور دادند و بعد از آن نان و اول  
و ارزان شد و عجزه و مساکین با رفاییت و آسایش  
تمام بدعا کوفی دانت اقدس هالیون شایقی قام  
دارند

دیگر نوشته بودند که یکدسته سر با جمعی کاسم  
سلطان سر دسته فوج اول خاصه قراول جناب  
امجد اشرف ارفع صدر اعظم احضار در بار هالیون  
شده بودند هر چند کاسم سلطان خود پیش از  
رسیدن حکم جناب معظّم بزبارت عتبات  
عالیات رفته بود سر بارزان او حسب احکم احضار  
تبریز گردیده مواجب سه ماهه ثانی را در اطاق

نظام دریافت کرده با اتفاق صاحب منصبی که دستند  
روانه در بار هالیون گردیدند

و پنجمین توپچیان طایفه تبریزی که به تبریز آمد بودند  
مواجب سه ماهه ثانی را در اطاق نظام با شخصاً  
سکرتویان عظام دریافت کرده روانه در بار  
هالیون گردیدند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرتیپ  
مراغه که از در بار هالیون مرض شده بود در  
اوایل شهر ربیع الاول وارد تبریز شده چند روز  
برای ناتمامی کارهای خود در تبریز مانده بعد از  
صورت دادن امورات فوج عینی خود مرض شده  
روانه مراغه گردید

مقرب انخاقان حسین پاشا خان میرنوحه بچه  
بعضی امورات خود به تبریز آمده بود امورات خود را  
صورت داده روانه مراغه گردید

چون در مخصوص مالیات مراغه مباشرین تجدید  
د موافق قاعده داد و ستد نمیکردند بعضی جایها  
که شکست و لاوصول مانده بود مالیات دفتری را  
مطالبه نمیکردند و بعضی دهات که با منعت بود از ارباب  
نیز همان جمع را میخواستند و باین جهت رعایای  
دهات شکست فزاری و مالیات دیوانی بزرگ  
میماند مقرب انخاقان قائم مقام عالیجاه میرزا محمد  
که نامه تمیزی کرده و د بود بجهت تعدیل مراغه فرستادند

۱۶۰۸

و همچنین در ستو آه ماضیه مردم صاحب ملک خود نشان  
 نبودند حکام صبط می نمودند و بهره صاحب ملک در  
 میان تلف می شد این رسم را نیز بکلیه موقوف آشت  
 بعالیجاه یحیی خان ایلیانی حاکم مراغه نوشته شد که ملک  
 را حاضر نموده مالیات دیوانی را با منقعی که دارد  
 بجزو شان اجاره بدهند و مالیات دیوانی را از  
 خود صاحبان ملک مطالبه نماید و این فرار و ادویه  
 امیدواری و اطمینان صاحبان ملک گردید

### اصفهان

از قمریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از اتهامات  
 نواب مستطاب بنزاده و الایثار حمت الدوله حکم  
 اصفهان کمال امینت و انتظام در امور اولایات حاصل  
 و خلاف بی ارگنی ناشی و صادر نمی شود

تو پیمان و افواج قاهره متوقف اصفهان همه روز  
 مشغول مشق میباشند و نواب حمت الدوله بجهت  
 تشویق آنها اغلب اوقات بمیدان مشق می آیند  
 و بمشق آنها رسیدگی می کنند و صاحب منصبان  
 نهایت اهتمام را در انتظام امر آنها دارند

دیگر نوشته اند که در شب ششم صفر که شب عید بود  
 مسعودهایون اعلیحضرت شانشاهی بود حسب الحکم  
 نواب حمت الدوله بجمع بازارها و کاروانسراها را  
 این سبب و چراغانی نموده و اسباب تشش باری  
 و عیش و شادمانی فراهم آورده جمیع اعظام و عیان

و صاحب منصبان را آلتب نواب مغزی الیه صیبا  
 نموده و بعیش و شادمانی مشغول بودند و روز  
 ششم که روز عید بود نواب مغزی الیه با لباس نظام  
 بمیدان نقش جهان آمدند و افواج قاهره در اینجا  
 حاضر شده قلعه مرتجع از افواج ساخته شد و توپها  
 در گوشه حلقه جای داده مشغول شلیک عیش گردیدند  
 و کل امانی شهر از عالی و ادانی تماشای آنها  
 مسرت و شادمانی نمودند

دیگر نوشته بودند که نواب حمت الدوله در انتظام

امور زراعت قرار خالصه و اربابی و تنقیه مادیها  
 اصفهان اهتمام زیاد نموده اند حسب الحکم نواب مغزی  
 رعایا در کار زراعت و بذرافشانی میباشند و تنقیه  
 مادی هزار جریب که با تمام رسیده بود نواب مغزی  
 خود بجهت بازدید آنجا رفتند و عالیجاه عبدالله خان  
 معمارباشی را که از فارس آمده و عازم دارنگلا  
 بودند همراه بردند که تنقیه مادی منزلور و تنقیه  
 که تازه احداث شده بازدید نماید

دیگر نوشته بودند که اموجه خانه اصفهان بسیار  
 منظم است و نواب حمت الدوله قدغن نموده اند  
 همه روز تمامی کارکنان و استادان و سایر علمای  
 جبه خانه مشغول کار بوده عفت نمایند

دیگر نوشته اند که یکی عت از شب گذشته سارقی  
 در ب دکان حاجی عبدالحسین دلال را بازار کرده

۱۶۰۹

یکصد و مجری از دکان مزبور سرقت نموده مرتب  
بعرض نواب حشمت الدوله رسید قدغن نمودند که  
داروغه حکما سارق را بدست بیاورد مشا را لیه  
در مقام تفحص برآمد معلوم شد بود که سیدی بزاز  
مرکب این عمل شده است او را با همان جعبه بنزد نواب  
معزی الیه آورده مقدار تو مان وجه نقد و بقدر دو  
هزار تو مان اسناد و پروانه و بقدر سی تو مان سیر  
اسباب در میان جعبه بود آنها را بصاحبش تسلیم  
و سارق را تنبیه نموده چون سید بود از سیاه  
او گذشته او را توبه دادند

استرآبا و واسداآبا و ازین ولایات  
درین هفته اخباری بود

### بروجرد

از قاریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودید  
ولایات ابواجیمی نواب استطالب هزارده و ابالا  
حشام الدوله کمال انتظام را دارد و در کار نوکری  
رعیت رسیدگی کامل دارند با اینکه ساخلو بود  
برای نوکر مارت دارد خاصه ساخلوی عربستان  
و محمده و لرستان چون یکسال زیاد تر مقرر شود  
نوکر آنجا ساخلو باشند نظر بحسن سلوک نواب  
حشام الدوله و التفاتی که در باره نوکر ساخلو  
انجام نموده اند بعد از انقضای بدست ساخلوی  
بانهان نوکر را و طلب بوده اند که در آنجا ساخلو باشند

۱۶۱۰

بطالم و خراسان و حمت ازین  
ولایات نیز در این هفته اخباری رسیده است

### عراق

از قاریکه در روزنامه عراق نوشته اند از آنها  
مقرب الخاقان میرزا حسن خان از سنه ماضیه الی  
این اوقات سرقت و هرزگی نسبت سابق بسیار  
کم شده و بندرت دزدی اتفاق می افتد مگر درین  
روزها زنی لرستانی با پسری بروجردی به دست  
شده و از هفتشت خانه بروجرد اسبابی سرقت کرده  
بودند صاحبان مال بنزد مقرب الخاقان میرزا حسن  
آمده عارض شدند و قدغن شد که داروغه و کدی  
حکما سارق و اشیا مسروقه را پیدا نمایند بعد از  
تفحص و تجسس آن ضعیفه و سپهر را بدست آورده بنزد  
مقرب الخاقان مشا را لیه آوردند اول الخاگرد  
بعد از تهدید او آزار کرده بودند که مس سباب مردم را  
وزدیده و در خارج مجده دفن کرده ایم فرستاده  
اموال مزبوره را بعینها آورده بصاحبان تسلیم  
و سارق و سارق را بعد از تنبیه بدست دولفر  
سوار داده بود که برده بخاک بروجرد رسانده  
معاودت نمایند

### فارس

ازین ولایت نیز درین هفته اخباری رسیده است  
که نوشته شود

### قرودین

از قرار یک در روزنامه قرودین نوشته اند در سوا  
 عقب سرمانی سخت در آنجا اتفاق افتاد بطوریکه  
 باعتنان انکورو جالیز بند دانه و خربزه را سر ضیاع  
 کرد و آبهای ندر مانج کرد و در شبانه روز متصل  
 باران زیاد بارید ولی بجهت حاصل این باران بسیار  
 نفع داشت و بجهت کمال فراوانی و ارزانی در  
 انولایت حاصل است و امور انولایت برجهت  
 منظم است و کسی خلاف حساب و زیادتی نسبت  
 بکسی نمیتواند بکند و مالی انولایت در کمال اسودگی  
 و شکر گذاری میباشد

دیگر نوشته بودند که یک نفر ضعیفه از قریه ابدالی  
 با شوهرش که غلام سیاه ازاد کرده بود و عمو کرد  
 بیرون رفته بود و زواری که بعبیات میرفتند در  
 نفس ضعیفه را دیده باهل انداق خبر کرده بودند  
 مراتب را مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار  
 قرودین مطلع شده فرستاد نفس ضعیفه را آورد  
 و غلام سیاه را بهم که شوهر او بود حاضر کردند بعد از  
 تحقیق از خایج و داخل معلوم شد که همان غلام سیاه  
 که شوهر او بود یکپای او را کشته و او را کشته است  
 نفس او را دفن نموده و غلام سیاه را حبس کردند  
 تا بعد از ثبوت شرعی بقصاص رسد

دیگر نوشته اند که چون تبادی ایام و تعدیات نیا

سابق خرابی بحال رود بار رسیده بود مقرب انخاقان  
 حاجی حسنعلی خان پیشکار با اتفاق عالیجاه خان با  
 سجهت باز دید و تدارک خرابیهای آنجا فرستاد و  
 زراعات آنجا و سیاه و من و شال و سایر خا  
 استجایا را لظمی کامل داده قرار داد کار آنها را دادند  
 که از که خدا یان در ایش سفیدان بر عایای آنجا  
 بهیچوجه اجحاف و زیادتی نشود و بقدر دلیلت  
 از تفاوت خالصجات که بجای دیگر رفته بود و  
 نموده و بامر زراعت و عیسی مشغول اند و امسال  
 باران هم بموقع و خوب آمده و بخلاف سالهای  
 دیگر که تخم بذر را در زمین خشک می افشانند  
 بواسطه بارندگی در زمین آب خورده بذرشان می گز  
 و با الفعل زراعات خالصجات و غیره آنجا  
 و ختم است

### شم و کاشان و کردستان ازین ولایات نیز درین نخته اخباری رسیده است کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
 عالیجاه جانمحمد خان سر تنک فوج خلیج ساوه که  
 با فوج خود مامور کرمانشاهان بودند وارد آنجا  
 گردیده بجای فوج سر بندی مأمور خدمات آنجا  
 شدند و عالیجاه ابو الفتح خان سر تنک فوج سر بند  
 با فوج خود مرخص گردیدند و نواب هزاره عماد الد

۱۶۱۱

حکمران کرمانشان سببه خدمات عالیجاه بوالقائم  
با و التفات نموده یکطاقه شال کشیری بهم رالیه  
خلع دادند

دیگر نوشته اند که در این روزها از بعضی خانه ها  
شهر کرمانشان حوزده دزدی میشد که خدايان  
در تفحص سارق بودند تا در این اوقات شخصی  
سبقت گرفته معلوم شد که شالیه روزها را  
بخانه های مردم میرفت و هنگام فرصت افتاب  
و مجموعه و ازین قبیل اسباب میدیده است  
بعضی اسباب مردم را از او مسترد کردند بجهت  
اخذ باقی اموال مردم در حبس است تا بعد از آن  
انها حکم او بشود

دیگر نوشته اند که چند وقت است بارندگی متصل  
در کرمانشان میشود و بجهت سابق بسیار  
شده است و نرخ غله در بروز در تنزل است و چیزی  
کمال و فوراً وارد و عبور روز و قوافل از هر طرفی  
زیاد میشود که مخر واری دوازده هزار بود بسبب  
این بارندگیها تنزل کرده حال به نه هزار و ختمه میشود  
و چون که مخر واری هشت هزار بود حال شش هزار است  
و سایر اجناس کولات نیز بهین نسبت تنزل کرده است  
در همان سال از مندیج زیاد تر از سالهای دیگر  
می آورند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند بعد از  
فوت مرحوم محمد حجتان سردار چون ایام حرکت توابع  
با رخصت قدس بود مردم بوارطه قطع الطریق بلوچ  
توتی داشتند عالیجاه میرزا شفیع وزیر چند نفر  
همراه آنها نموده و بجای یک سر کرده تفکیکی شخصی  
قراول خانه را ور که اخر خاک کرمان و اول دست  
لوت است اعلام نمود که پنجاه نفر تفکیکی بر داشته روزها  
مبائن برسانند و همچنین در مراجعت باز آنها را با  
تفکیکی وارد آورند شالیه نیز از ان قرار معمول داشته  
در این اوقات زوار صحیبا و سالما وارد کرمان گردیده اند

دیگر نوشته اند که در این اوقات که موسم نسق زراعت  
بود عالیجاه میرزا شفیع هر بلوکی که خالصه داشت دو نفر  
ادم این فرستاده و بهر یک از صنایع اعلام کرد که ادم  
معتبر از خود در پهلوئی آنها بگذار که بقاعده زراعت  
نماید و اگر عیب و نقصی وارد بیاید از عهده برسانند  
حومه قریبه و بعیده که نزدیک بودند با شترین را آورد  
خود الترام گرفت و کمال دقت را در انتظام امر آنها  
دارد

کروتس و کیلان و ماژندران  
و طایرونهاوند و همدان و یزد  
ازین ولایات نیز درین مفتی اخباری شنیده است

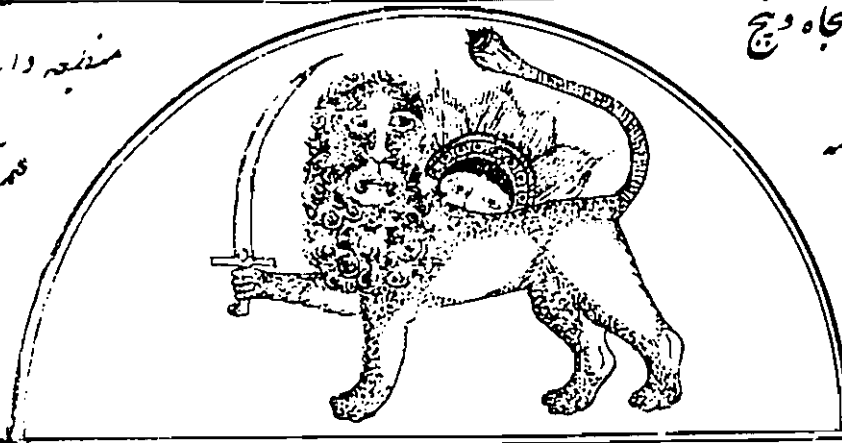
# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه یوم ششم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۲

مردیت و پناه و بیچ

منصبه دارانچه و طهران

عمیت اعلانات

بر پنج شنبه



میت روزنامه

بر پنج شنبه

## اخبار و احداثیه محروسه پادشاهی

### دارانچه و طهران

همایکان و امداد ایشان جاریست نموده قشون  
بر سر قندهار کشیده آنجا را مقصد نموده اند  
دارد که از آنجا بعزم تصرف هرگز حرکت نمایند  
دولت کلیه استقلال حکومت هرگز را که از حکام  
کابین و قضا و روسایر با یک دست اندازی نشود  
بجمله حفظ نظام داخله خراسان و مرزها  
خود میداند تنجیر و تصرف هرگز و کاستن  
بان تفصیلات و مقدمات که با اطلاع اولیای دولت  
علیه رسید و البته خارج از اقدار خود امیر و محمد خان  
که بخلاف رای این دولت نتیجه چنین کاری پیشنهاد  
نماید با کمال طاعتی که همیشه داشت صورتاً تصرف  
اما باطناً اضلال در خسته عظیم در داخله مملکت

چون در این اوقات هوای دارانچه و طهران  
و اطراف کمال ملایمت را دارد و اعلیحضرت قوی  
سوکت شایسته غمیت شکارگاه جاجرد و محمود  
در روز شنبه ششم شریف فرمای شکارگاه  
مرزبور گردیدند و قبل از حرکت موکب هایون  
سواره و شکارچی مامور شدند که از اطراف  
شکار باخا برانند و پیشانه هایون هم شکارگاه  
مرزبور رفت که تدارک سر پرده و اسباب در  
موکب هایون را در آنجا ببینند تا بقرامهول هر  
چند روزی توقف و تفریح و شکار در آنجا فرمایند

از فرار خبر صریح که از خراسان با اولیای دولت  
علیه رسید امیر و دست محمد خان سردار کابل بخبر

و بلکه بلوچستان و کرمان و آن صفحات است و دولت  
میتواند برای این انتظام داخله خود را با این شدت

۱۶۱۳



در معرض ترزلن مشاهد نماید لابد است که بقصد  
دفاع و حفظ نظم داخله و سعادت خود قشون مستعد  
بهرات نفرستد و آن مملکت را از تجاوز امیر خود  
محموظ و نظم داخله دولت را مضبوط نماید و حکومت  
بهرات را نگذارد که بدست غیر انتقال یابد تا بعد  
اقتضای مصالح دولتی چه بشاید و لکن این حرکت دولت  
ایران قرار سابق خود را که عبارت از بیطرفی با  
هیچ وجه نسبت با تفاق دول متفق تفسیر نخواهد  
در همان بیطرفی ثابت و برقرار بوده و خواهد بود

نظر بطور قابلیت و شایستگی عالیجاه مقرب انجان  
میرزا عبد اللہ خان و وفور مکرمت شاهانه دربار  
مشارایه در این اوقات حسب الامر اقدس  
بهایون شاهی امضای دولت علیه او را ب منصب  
خلیل استیعای خاصه مفتخر و سرفراز فرمودند و  
مهر لجان مبارک در باب منصب رالیه شرف صدور  
یافته و یکثوب جبهه ترمه از بلبوس خانه خاص  
مقرب انجان مشارایه عنایت شده و مورد احترام  
کامله شاهی گردید

چون مرحوم میرزا بزرگ لشکر نویسی در این اوقات  
برحمت ایزدی پیوست لهذا عالیجاه میرزا باقر <sup>زاد</sup>  
اورا که قابل و شایسته خدمت بود بجای مرحوم <sup>مشارایه</sup>  
منصب لشکر نویسی سرفراز فرموده فرمانهای باریون <sup>بزرگ</sup>

منصب او شرف صد دریافتگی یکتوب جبهه کرمانی  
همیشا رالیه خلعت مرحمت گردید  
چون مراتب خدمات عالیجاه آقا جبار شیخ مت در  
نظر اقدس بهایون شاهی مستحسن و مقبول افتاد  
لذا در این اوقات عنایت ملوکانه شامل احوال <sup>مشارایه</sup>  
گردیده ب لقب خانی حسب فرمان مهر لجان مبارک <sup>مشارایه</sup>  
شد

در ایام سابق در عهد دولت خاقان غلام اشکان  
فتحعلی شاه مغفور قرار اینطور بود که حکام و لایات  
ممالک محروسه پادشاهی سالی یکمرتبه یا دو سال  
یکمرتبه بر کاب مبارک در دربار معدلت مدارا <sup>مشارایه</sup>  
حاضر میشدند و این قاعده مستحسنة در ایام دولت شاهی  
میرزا محمد شاه مغفور انار اتمه بر نامه منوخ و ممتروک  
گردید که حکام تا زمان معزولی هرگز از زیارت حضور  
بهایون شاهی صان الله ایام شوکت عن التناهی  
بهره مندی شدند و این معنی موجب آن شده است که  
بحکم ضرورت لازم شود برای معنی یکی از حکام را  
امضای دربار معدلت مدارا بهایون نمایند الواطو

او باش شہرت میدهند که حاکم معزول است و بنا  
مفسد را میگذرانند و بایچه اغلب مهات دولتی که  
میبایست با حضور حکام و لایات منتظم شود کما هو  
عده بطور دلخواه اولیای دولت علیه قرین استظام <sup>مشارایه</sup>

۱۶۱۴

امورات قشونی

افواج قاهره نظام متوقفین دارالخلافه مبارکه  
همه روزه در میدان شوق حاضر گشته تا ساعت  
مشغول مشق هستند و همه صاحب منصبان کمال  
مراقبت را در تعلیم مشق و قواعد نظامی دارند

حسب الامر مقرر شده که افواج قاهره ملزم گشته  
هائون را بجهت درست آموخته شدن در تیراندازی  
بنفقه یک دفعه فشنگ شلیک داده موافق قاعده  
نظامی شلیک نمایند یوم شنبه سه فوج را  
نفری بنفقه تیر فشنگ داده در کمال سرعت و  
چابکی تیر اندازی نمودند

فوج جدید قشار ابوالجهمی عالیجاه یوسف خان  
سربسک و فوج شغاتی ابوالجهمی عالیجاه رحمت الله خان  
که از آذربایجان احضار بر کاب مبارک شده  
بودند و در منفه گذشته از حضور مبارک گذشت  
اگرچه سان آنها را معتمد دربار سپهر امیر  
قائم مقام در آذربایجان دیده بود محمد و اور  
دار الخلافه مبارکه لشکرنویسان عظام سان  
انهار را دیده و تهنیه و تدارک آنها را از طریق  
و موجب آنچه باقی داشتند انجام داده اند  
خدمت حشان گردیدند

چون دو فوج ملا بر جمعی مقرب الخاقان عبدالجبار

نیت لهذا سرکار را علیحضرت شایسته خدای تعالی  
و سلطان مقرر فرمودند که حکام ولایات از قرار  
تفصیل ذیل محض شرف بدوزی حضور مبارک برآید

حکامی که دو سال یک مرتبه بر کاب مبارک باید بیایند  
بجهت بعد مسافت و سرحد بودن

آذربایجان	خراسان	فارس
عربستان و لرستان	کرمان	یزد
کرمانشاهان		

حکامی که همه ساله در شب عید نوروز در وقت  
سلام تحویل محل باید در حضور هائون حاضر باشند

اصفهان	استرآباد	مازندران
کبک	همدان	خمسه
قزوین	بروجرد	بناوند
طایر	عاق	سمنان و دامغان

شاه رود و بنظام کروسی کاشان

قسم ساوه

شب عید آنها که حکام ولایات دور دست و  
سرحدات هستند دو سال یک مرتبه و آنها که نزدیک  
هستند سالی یک مرتبه در شب عید آمده برای وقت  
تحویل شرفیابی حضور هائون را حاصل نموده دو  
روز بعد از عید مخصر شده اگر در کار مملکت هم  
فرمایشی باشد شنیده بروند و بخصوصه همان حال  
مراجعت بمقر حکومت خود خواهد کرد

صالح الدوله تقي در فارس ساخنو بودند اولیای  
دولت علیه مقرر داشتند و فوج فدوی جمعیت  
مصطفی قلیخان بپنج عوض آنها مأمور فارس شوند  
برو و فوج حاضر کباب مبارک شدند بلبوس  
انها داده شد در میدان ارک حاضر گشته بنظر  
مبارک رسیدند و مرض شدند که در یوچم  
بدون حالت معطلی بروند

### سایر ولایات

ازربایجان از قراریکه در روزنامه آذربایجان  
نوشته بودند انتظام کامل در امور ولایت حاصل  
نواب مستطاب بزرگوار و الایب انصرت الدوله  
در بار شهرت مقام مقرب الخاقان قایم مقام  
تمام در نظم امور نوکرو رعیت دارند و کمتری صلاح  
قاعده از کسی ناشی و صادر میشود

دیگر نوشته اند که قافله که مال اصفهان و عراق بود  
نزدیک صبح از بیرون دروازه خیابان عبور کرد  
یک نفر توپچی شتافی که در کار دهنسرای بیرون  
مترل داشت در تاریکی ریمان قاطر را بریده یکبار  
با قاطر بکار و انرا برده رفقای خود را خبردار کرده  
بار را باقمه بریده میخواستند فیما بین خود قسمت  
دالان دار مطلع شده توپچی را گرفته نزد مقرب الخاقان  
محمد رضا خان بیکر بیکی برده او هم مراتب را بمحمد رضا  
شهرت مقام مقرب الخاقان قایم مقام اخبار کرده

و ستاده توپچی را با بار حاضر کردند و بار را  
تسلیم صاحب مال نموده توپچی را بقبر اول انداختند  
بعد حکم آن بشود

دیگر در محله نوبر خانه چند نفر را بریده مخلصات و بعضی  
اجناس برده بودند صاحبان مال بمقرب الخاقان  
قایم مقام عارض شدند از عالیه و محمد رضا خان  
بیکر بیکی سارق را خواسته بعد از دو سه روز  
ضعیفه را گرفته آوردند پس از تحقیق معلوم شد که در  
اموال آن چند نفر بجان ضعیفه بوده است اموال  
مردم را بتمامه مسترد کرده عاید نمودند و ضعیفه  
بپا کار محله سپرده شد که اگر بعد ازین باز مالی از  
او ظاهر کرد مسترد شود

دیگر چند رساسب و قاطر از محله شتر بان  
شده بود بعد از تفحص بسیار در خانه میرزا جان نام  
توپچی یافته اسب و قاطر را بمیسه گرفته بصاحبان  
مال دادند معلوم شد که مشارالیه قدیمآورد  
و مال چند نفر را بسرقت کرده با جلیل نام ضیق خود  
برده در خانه پنهان کرده اند بعد از آنکه مراتب  
سرقت و شرارت او بمقرب الخاقان قایم مقام  
معلوم شد او را اخراج کرده اموال مردم را بر مسترد  
داشته عاید صاحبان مال نمودند و میرزا جان

### محبوس است

از قراریکه در ثمانی از آذربایجان از قرار نوشته است

۱۶۱۶

خبر رسید در شب چهارشنبه بیت و چهارم ماه  
 ربیع الاول ساعت از شب گذشته زلزله شدید  
 در تبریز اتفاق افتاده زمین حرکت سختی کرد ولی سجد  
 استیجایی بخانی رسید

دارند و بجهت حفظ و حراست آنها تا حال مالی ارسنی  
 بوقت زلزله است

دیگر نوشته بودند اهل شهر وسیلا خور علیا و سفلی که  
 نزدیک اند با مور آنها رسیدگی کامل میشود و با مور  
 بختیاری و جاپلق نیز که دورند نواب اکبر میرزا ادا  
 فرستاده عبوررسی می نمایند و عالیجاه عبداللہ خان  
 نایب بختیاری و جاپلق بارعا بطریق خوب سلوک می نمایند  
 و از هر کس خلاف حسابی سرزند نواب اکبر میرزا عرض  
 میکند و حکم آزا می نماید

دیگر نوشته بودند که چون از الواط و او باشند بعضی  
 شرارت و بهرزی بظهور میرسد لهذا مقرب انخاقان  
 قایم مقام فرستاد در کوچها و بازارها جا کشیدند  
 که هر کس قهقهه بستاند یا با زکرده بگیرند  
 و کوشش او را بزنند و همچنین شبها در کوچه و محله از  
 هر کس خلاف قاعده ناشی و صا و ریشود از اعالی  
 و ادانی صبح آمده مقرب انخاقان مشارالیه عرض  
 نمایند تا رفع شرارت دبی حسابی نموده مقرب  
 بزی خود برسانند  
 اصفهان و استرآباد و واسط  
 ازین ولایات این بقیه اجنای بود

دیگر نوشته بودند که از اوایل ماه ربیع الاول تا عشر  
 آخر ماه مزبور متصل در برد و آن اطراف باران  
 بسیارید بطوریکه مردم را از کار زراعت و کشت بازا  
 فرصت بذرافشانی نمی داد و ذغال نیز بشهر کم می آمد  
 ولی کندم در یک تومان دوازده هزار بسیار بود  
 خریدارند است

**بروجرد**

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند بعد  
 حرکت نواب مستطاب احتشام الدوله از بروجرد  
 اوضاع آنجا از شهر و خارج بروجرد قرار مانی که نواب  
 معزی الیه داده اند در کمال انتظام است برای  
 و اینکه راههای بروجرد تا محل عمور الوار است نواب  
 امیرزاده اکبر میرزا بهرستی از طرق سوار قرار سواران  
 فرستاده اند که از خاک بروجرد الی خاک ملا پرو  
 و عراق محارست نمایند سوارهای مزبور نهایت قوت را

دیگر نوشته بودند که ناخوشی و با از قرار مذکور در بعضی  
 دانات سرزند بروجرد داشته و از آنجا بعضی دانات  
 سیلا خور نیز سرایت کرده بود چنانچه در کلکانه بعد  
 سی نفر تلف شده بودند و در شهر بروجرد نیز خسته  
 بروجرد کمی داشته است ولی امید داشته اند که رفع  
 شده باشد

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب احتشام الدوله  
 در هفتم ماه ربیع الاول که از خرم آباد حرکت میکردند  
 دوروز بود که در اردوی نواب محسنی الیه هم ناخوشی

۱۶۱۷

بروز کرده بود و منصور بیک نایب فوج سیلاخور  
 که جوانی خوب بود با شش هفت نفر سر بازار گریز  
 و یک شب فوت شدند در منزل بعد از خرم آباد  
 و لیجان سرتیپ نیز ناخوش شده نواب هشتم الدوله  
 تخت روان برای او گذاشتند و خود نیز شب منزل  
 او رفته میرزا مهدی حکیم باشی را که همسراه بود  
 در نزد او گذارده و خود با اردو حرکت کردند و  
 مقرر داشتند که هرگاه احوال سرتیپ بهم بخورد سرتیپ  
 مراجعت نماید و اگر خوب شد از عقب اردو برود  
 عالیجاه شاره را لیه گفته بود که باین همه التفاتی که نواب  
 شاهزاده هشتم الدوله در حق من کرده اند ما  
 دارم بر بخوابم کشت روز دیگر احوالش قدری بهتر  
 شد از عقب اردو رفته بود

### بطام

ازین ولایت نیز در این هفته خبری نرسیده است  
**خراسان**  
 از قواریکه و دره زنامه خراسان نوشته اند کمال  
 امنیت و انتظام در امور انولایت حاصل است و  
 ماکولات نهایت و قور و ارزانی را دارد و چهار  
 پنج شبانه روز باران زیاد در ان ولایت آمده  
 بجهت صاحبان ملک و زراعت نهایت خوشوقتی در  
 دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب هزاره و هشتم  
 سال

۱۶۱۸

فرمانفرخند نیست که ناخوش و علیل میباشند ولی  
 با وجود ضعف و بیجالی روزی دو ساعت بیرون  
 آمده بانور ولایتی و عراض مردم رسیدگی نمایند  
 دیگر در باب وقایع هرات نوشته اند که در این  
 اوقات قشونی از کابل و قندار تا فراه و سبزار  
 آمده و از هرات نیز قشونی مقابل آنها رفته اند ولی تا  
 بحال با هم جنگی نگزیده اند و در مقابل یکدیگر هستند  
 تا بعد چه شود

دیگر نوشته اند که در این اوقات قاضی شیخ جام  
 و شاهزاده عباس قذیل طلا بوزن یکم ریادتر  
 با چند طاقه شال ترمه کشمیری و دولت تومان  
 نقد بجهت روضه مستبر که رضویه علیه آلاف الشناخته  
 آورده تحویل خدام ذوی الاحرام سرکار فیض انار  
 نموده مراجعت کردند

دیگر نوشته بودند که از اطراف مالک محروس  
 رواتر ریاد علی التوالی بجهت زیارت روضه تبرک  
 دار و اراض اقدس شده زیارت می کنند و  
 مراجعت می نمایند و همیشه از بهر ولایتی بقدر سه چاره  
 رواتر در ارض فیض نیان بستند  
**حما** و دار المرز و سنان و عراق  
**و فارس** ازین ولایات نیز در این هفته  
 اخباری نبود

### قرودین

از قرار یک در روزنامه قزوین نوشته بودند بهانت  
 امیت و ارزانی و فراوانی در آن ولایت حاصل  
 و بعد از بارندگی زیاد که منافع کلی سبب زراعت کاران  
 داشت موارا بسیار خوب و طایم کرده و رعایا در  
 کمال امیدواری مشغول زراعت و بذرفشانی  
 میباشند

دیگر نوشته بودند که مقرب انجاقان حاجی خان  
 پیش از قزوین که سبب رسیدگی امور بلوک رو با  
 و نظم و نسق زراعات خالصات آنجا رفته بود  
 امورات آنجا را انتظام کامل داده و بعضی از  
 دعات که رعایای آنها فرار کرده باشند و سنگان  
 رفته بودند آدم فرستاده آنها را مطئن نموده  
 زراعت و عیسی خود آمدند و در اکثر دات خالصه  
 که رعایا پریشان بودند و تخم نداشتند بذر  
 مصالح الا ملک بانها داده و همه بکار زراعت واداره  
 و بعضی اشخاص نیز که بی چیز و پریشان بوده اند  
 احوال هر یک تحقیق داده و همه که خدایان و ریش  
 سفیدان زراعات خالصه و غیره را امیدواری  
 داده پس از انجام امورات و جمع آوری تفردها  
 بشهر مراجعت کرده است

بشهر مراجعت کرده است

دیگر نوشته بودند که در زمان حکومت مقرب انجاقان  
 خسر خان والی در قزوین خانه مشهدی کاظم خان

و حاجی شعبان سراج را که مشترک بودند بریده  
 بودند و اسبابی از آنجا بفرقت برده بودند و در آن  
 اوقات هر چه نقص کرده بودند اثری از سارق  
 بظهور نرسیده بود تا در این اوقات شخصی از کرا  
 سراجی شعبان سراج که یکی از صاحبان مال بود  
 بود که از اسباب خانه تو در خانه محمد نام جلیلو  
 سراج دارم صاحب مال نیز در میرزا محمد صاحب

اگر ادرفته مراتب را با و صانی کرده و مش را بیه  
 هم همان ساعت آدم فرستاده خانه محمد جلیلو  
 کا ویدند بر که و نشانه از اسباب مسروقه حاجی  
 شعبان و مشهدی کاظم از خانه او بیرون آمد چون  
 خود میجر که در بود و فراری کرمانشاهان است برادر  
 او را گرفته محبوس کردند مقرب انجاقان حاجی خان  
 قدغن کرد که اموال مسروقه را احکام میرزا محمد رضا  
 برادر محمد نام دریافت و بصاحبانش تسلیم نماید  
 چون از اولیای دولت علیه سم در این اوقات  
 بجهت اموال مشهدی کاظم و اش تعلیمه صادر شد  
 بود و لهذا مش را بیه آنچه از اموال موجود بود بعینها  
 و آنچه منقود بود غرامت آنرا از برادر محمد جلیلو  
 گرفته رد کرد و بعضی نیز که مانده است در کار گرفتن

میباشد

دیگر نوشته بودند که همه ساله الهی قزوین از با  
 بی آبی شهر و حسرت و تنگی بودند امسال مقرب انجاقان

۱۶۱۹

حاجی حسنعلی خان در تعمیر قنوه شهر زیاد اهتمام نموده است  
 خاصه در قنات محله جیبان که مشهور بقنات دولخانه است  
 آب آن مسوی سالهای دیگر شده است و این شهر  
 ازین مرحله کمال شکرگزاری و دعاگوئی دارند

دیگر نوشته اند که عالیجاه خان بنا با خان سواره افشاره <sup>زرا</sup> سر با  
 کلاً احضار نموده و بموجب آنهارا فردا فردا با آنها عاید  
 ساخته و آنچه دزد و شریر در میان سواره و سربازان  
 بود همه را اخراج کرده و عوض آن خاک ن مقبول گرفته  
 و از صاحب منصبان نیز التزام گرفت که بعد ازین دزد و  
 شریر در میان سواره و فوج اگر نگاه بدارند مورد <sup>عده</sup>  
 سیاست نظامی باشند

قسم و کاشان و کروستان و کاشان  
 این ولایات نیز درین هفته اجباری نبود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند خوانین  
 بلوچستان متعلق بکرمان حتی از کبج و مکران و سب و درک  
 که سی چن سزل نام است اقبیل دین محمد خان و عبداللہ  
 کرانی و پسر محمد شاه خان سبزی و مهیم خان کبجی در این <sup>و</sup>  
 واردیم گردیده بنزد عالیجاه امامعلی خان میرحد در بلوچستان  
 آمد حسن خدمت خود را ظاهر ساختند که چون هنگام حرکت  
 پادشاهی بسمت بلوچستان ما با در تهنیه و تدارک جمعیت  
 خود هستیم که در هنگام ورود سپاه منصور در مقام خدمتگزاری با  
 عالیجاه پشاور الیه آنها را بوظیفه اولیای دولت علیه امیدوار

اوده مراتب را بجایگاه میرزا شفیع اظهار داشته بود  
 عالیجاه پشاور الیه نیز خد طاقه شال سبکین و سبک بنزد عالیجاه  
 امامعلی خان فرستاده بود که بهر کدام که صلاح دانند

خلعت بدید

دیگر نوشته اند که در اوخر دیحجه و اوایل محرم سزای شدیدی در کرمان  
 شد و هواری بطوری سرور کرد که بسیاری از محمولین میسویان باغ

سرمایع نمود

دیگر نوشته اند که شخصی در فرج زما شیرنا خوش بود و در حالت <sup>بمع</sup>  
 وصیت کرد که بعد از مردن شکم مرابکا فید که جانوری در شکم  
 بعد از فوت مشار الیه شکم او را شکافتند جانوری ترکیب چلیک گنیمنا  
 سه چهاریک وزن داشت از شکم او بیرون آمد

کر و تس و کیلان و نهاوند و همدان و یزد  
 این ولایات نیز درین هفته اجباری نبود

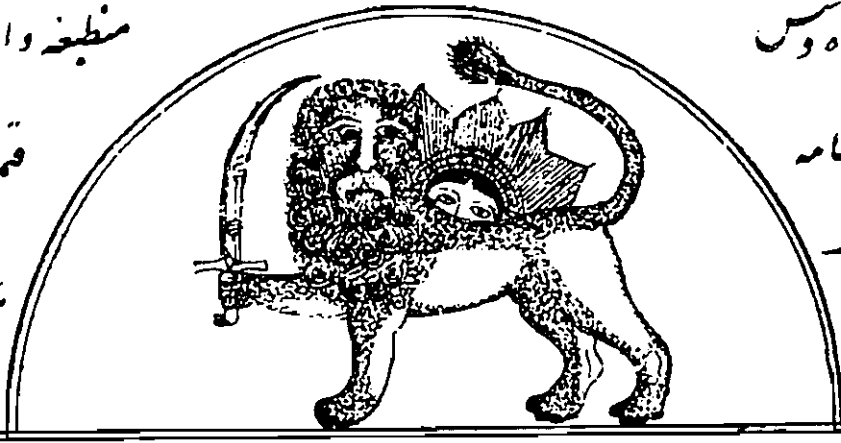
اجبار و ول خارجه

از دول خارجه اجبار رسید ولی چیزی مناسب این روزها نبود  
 مگر اینکه در آتنه پای تخت یونان و نقرضا بطان عسکر فرانسوی در بلوچ  
 از راه راست بخانه و مکان خود میرفتند شت نفر از روانی یونانی ما بهایر  
 یکی فرار کرده و یکی دیگر گرفته و گفته بودند که اگر ما شب سی هزار نفر  
 داوی خلاصی الا ترمی کشیم شالیه در میان پید کرده بنزد سفیر  
 دولت فرانسه که در آتنه بود و فرستاده گذارش را اجبار کرده بود  
 منور نیز بعد از مشوره با سفیر دولت انگلیس مقیم انجمنی تهران  
 فرانسه را از وکیل مالیه دولت یونان تا شب دریافت کرده بزرگان  
 رسانده صاحب نظر منور استخلص کرده بود

۱۶۲۰

روزنامه قایم اتقا تبایح یوم شنبه هفده شهر الثامن نظامی شفا ۱۲۷۲  
هم بر بیج لی بون لونی نیل

مده لیت و چاه و شش  
قیمت روزنامه  
هر نسخه شش



منطقه و اصلاح طهران  
قیمت اعلانات  
هر خطی شش

### اجبار دوله مالک محروسه پادشاهی

#### اردوی هایون

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی ابدالعش  
چنانچه در روزنامه هفتگه گذشته نوشته شد  
که تشریف فرمای شکارگاه جاجرد گردیدند تاکنون  
در آنجا تشریف دارند و از قراریکه خبر از اردوی  
هایون میرسد اغلب روزنامه موکب هایون  
تفج و شکار آن صحیفات مشغول میباشد و چنانچه  
معمول هر سال است که بعضی از علمای اعلام و هر دو  
عظام و سفرای دول متوجع بقیم دار اصلاح و مبارکه را  
از شکار بهره مند فرموده و کلب و غیره بجهت آنها  
امسال نیز فرستادند و از قراریکه کورنیز  
سمت حصار امیر انیر بجهت اینکه جلگه است و شکار  
آهومی شود دارند

و اصلاح طهران

امور دار اصلاح طهران از اهتمامات نواب سبط  
شاهزاده محترم والا تبار اردشیر میرزا حکم  
دار اصلاح طهران و توابع و مراقبت مقربان  
میرزا موسی و زردرکمال انتظام است و سایر  
در بارهایون از میران پنجه و صاحب مضبان نظام  
و غیره هر کس در سرکار و خدمت خود میباشد  
و افواج قاهره نظام نیز همه روزه مشغول مشغول  
و از جانب صاحب مضبان و معین تمام تمام  
در شوق و ادب قواعد نظامی و انتظام امر  
و امور شهر و محلات و قراولخانه نایب انتظام  
و دردی مسیحی شود و اجبار تازه در شهر اتفاق  
نیفتاده مگر اینکه چهار نفر زن فاحشه هرزه کاری  
میکردند آنها را گرفته حسب احکام نواب مستطاب  
با اسبابشان بجایگاه محمدخان شامسوار فرستادند

۱۶۲۱



سپرده شد چون کاشانی و اصفهانی بودند مغر  
 شد که مشایخ را برده بجاک خودشان رسانده  
 از توایب مستطاب حمت الله و له حکم ان اصفهان  
 و عالیجاه محمد حسن خان حاکم کاشان قبض رسید  
 آنها را گرفته بیاورد

دیگر در روزنامه شهر نوشته اند شخصی کاشانی در محله  
 عود لاجان زنی و بچه داشت ضعیف مزبور و دست  
 زنا نه خود را بهم زده و ارسبی میکرد دیده بود چهری  
 در میان کهنه بسته است تصور تابشیر کرده بود  
 و حال اینکه در آسنگه بوده است بخیاں تابشیر گفته  
 بود قدری خودم بخورم و قدری بطفل بخورم بحال  
 من و او نفع خواهد داشت قدری خود صرف کرده  
 و قدری بطفل خورانیده احوال طفل جور امتقلت کرده  
 بقاصد ساعت در که شسته بود ضعیف را مد او اگر  
 احتمال خوشین دارد

دیگر نوشته بودند که در عصر روز یکشنبه که شنبه  
 میرزا زین العابدین لشکر نویس مباحث سواره  
 ابروانی در کدز خرقانهای محله چالیدان در روی  
 و کان قصالی نشسته بود و تفنگ بری در دست  
 او شش بود شخص قصاب تفنگ را گرفته بود تا  
 بخند غافل از اینکه تفنگ پر است و چهاش تیر  
 سرمانا که غنچه تفنگ خالی شد مقابل او کریم  
 نام فرانس شاهی نشسته بود و در آنجا چه بسازد

خوردند فوراً جراح حاضر کرده ساچهها را بیرون  
 آوردند بیم هلاکت نداشت

چون مرحوم حاجی میرزا کاظم امین ولایت تبریز  
 بر حمت ایزدی پیوسته بود نظر بخدمات مرحوم  
 ولایت عالیجاهان میرزا عبداله و میرزا رفیع ولدان  
 او که معتمد دربار سپهر چشم مقرب انخافان قائم مقام  
 مراتب قابلیت و استعداد آنها را با ولای دولت  
 علیه معروض داشته بود لهذا در این اوقات از  
 قرار و طغرافان مهملعان مبارک منصب امانت  
 تبریز عالیجاه میرزا عبداله معوض و منصب و کالت  
 دیوانخانه تبریز عالیجاه میرزا رفیع محمول و در حق هر  
 مواجب و خانواری از دیوان قدر نشان مرحمت گردید  
 که بلوا از محدثت مرجوعه اقدام نمایند

لشکر نویس که فوت شده و در غنچه گذشته نوشته  
 شده بود میرزا جانی بود و اشتباها میرزا بزرگ  
 شده بود

سایر ولایات

از بایجان و اصفهان و استرآباد  
 و اسدآباد و بروجرد و بطام  
 ازین ولایات درین غنچه اخباری بود

خراسان

از قرار یک روزنامه خراسان نوشته بودند  
 از تجار در قریاب برده بودند تجارت آمده مرتب را

۱۶۲۲

بعلیجاه حسنعلی خان سرتیپ کروس گفته بود  
 مشارالیه نیز بعضی نواب مستطاب شاهزاده  
 افخم و الا بتبار فرمانفرمانده مقرر داشتند  
 که بفرستد از ترکمانان مروی و سرخی حاضر کرده  
 قراری بدید که اموال تجار مسترد شود و ستاد  
 ریش سفیدان مروی و سرخی را آورده و تبار  
 و اد که یکماه از عهد مال تجار بیرون بیایند  
 بعد از چند روز خبر رسید که عالیجاه خانسوارخان  
 هزاره که در مرو میباشد اموال را بعینه از ترکمانان  
 گرفته در این روزها بارض اقدس روانه خواهد  
 نمود تجار ازین محسنی زیاده مشوف و اظهار شکر  
 و دعا کونی نمودند

دیگر نوشته بودند که قاضی نیشابور چنانچه در  
 گذشته نوشته شد از دست آقا سید میرزا  
 حاکم انجبارض اقدس بکایت آمده بود و بعد  
 امام جمعه نیشابور و جمعی دیگر بخلاف او آمده اظهار  
 رضامندی از آقا سید میرزا داشتند نواب  
 شاهزاده افخم فرمانفرمان مقرر داشتند تحقیق  
 و غوررسی شود و مقرب الخاقان پاشا خان سرتیپ  
 باین مراتب رسید کی نماید درین بین خود آقا سید  
 نیز بارض اقدس آمده مراتب تحقیق شده معلوم  
 گردیده بود که آقا سید میرزا بقدر رسیدن  
 مالیات دیوانی املاک قاضی را مطالبه و حواله داد

بود قاضی بجهت ندادن مالیات املاک خود در صدور  
 شکایت و افتاد بر آمده بود و عالیجاه آقا سید  
 استشهادی که یکماه قبل از آمدن جمیع امانی سابق  
 حتی خود قاضی نوشته و مهر کرده بود تمد مبنی بر  
 رضایت از حاکم مزبور بعضی نواب فرمانفرمان  
 و عرض نموده بود که مالیات املاک قاضی را از خود  
 نذارم بدسم و بر عتق پادشاهی منست تمام  
 سرشکن بکنم چون صدق عرض آقا سید میرزا معلوم  
 و حسن سلوک او بار عایا مشخص گردید نواب مغربی  
 یکتوب جیهسم با و خلعت داده و بجهت رعایت  
 جانب علما و حصول دعا کونی امام جمعه و قاضی را  
 نیز خلعت داده همراه عالیجاه آقا سید میرزا  
 روانه نمودند

جمعه و دار المرز و سنان و شام و  
 و عراق و فارس و قزوین و قم  
 و کاشان و کردستان و کروس  
 و کرمانشاهان ازین ولایات نیز درین  
 اجباری نبود

### کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند عالیجاه  
 سرتیپ فوج خلیفم مبارز خود را همه روز مشغول مشغول  
 با کمال معویت رفقای کندی نهادند و همدا  
 و یزد ازین ولایات نیز اجباری رسید

۱۶۲۳

تعییر اجناس در انخلا و طهران درین روزها ازینقرار است

گوشت یک من یک هزار دینار ۰۰۰  
 برنج غلبه چهار من دو هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 برنج کرده چهار من دو هزار و شاهی ۱۰۰  
 روغن خوب چهار من ده ریال ۱۰۰  
 شمع یک من دو هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 روغن چغراغ یک من نفع عیاشی ۱۰۰  
 مات چهار من دو هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 پنیر شور چهار من هفت هزار ۰۰۰  
 قند اسی یک من شش هزار و پانصد ۱۰۰  
 قند زردی یک من چهار هزار ۰۰۰  
 نبات یک من چهار هزار و چهار صد ۱۰۰  
 شکر یک من سه هزار ۰۰۰  
 این یک من بیت و یک هزار ۰۰۰  
 میخک یک من چهار هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 دارچین یک من یازده هزار و پانصد ۱۰۰  
 فلفل یک من چهار هزار و چهار صد ۱۰۰  
 زیره یک من چهار هزار و پانصد ۱۰۰  
 زرشک بیدانه یک من سه هزار و پانصد ۱۰۰  
 زعفران ده سیر پانزده هزار ۰۰۰  
 تنباکوی اعلی چهار من شانزده هزار ۰۰۰  
 البغوره یک من ده شاهی ۱۰۰  
 کبجین یک من دو ریال ۱۰۰  
 حلویات یک من چهار هزار ۰۰۰

کنم یک خوار دو تومان و شش هزار ۰۰۰  
 جو یک خوار هفت هزار ۰۰۰  
 گاه یک خوار پنجاه و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 عدس یک خوار سه تومان ۰۰۰  
 ماش یک خوار دو تومان و شش هزار شاهی ۱۰۰  
 لوبیا یک خوار سه تومان و یک هزار ۰۰۰  
 نخودرسی یک خوار چهار تومان ۰۰۰  
 ارزن یک خوار پانزده هزار ۰۰۰  
 کرچک یک خوار چهار تومان و پنجاه ۰۰۰  
 مکنک یک خوار پنجاه و دینار ۰۰۰  
 بیمه یک خوار هشتاد و پانصد ۱۰۰  
 ذغال یک خوار هجده هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 کتجد یک خوار شش تومان ۰۰۰  
 خمر یک خوار دو تومان ۰۰۰  
 یونجه خشک یک خوار هفت هزار و پانصد ۱۰۰  
 خرما چهار من سه هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 پیه کداخته چهار من هفت هزار ۰۰۰  
 کشک چهار من دو هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 کشمش طعام چهار من سی شاهی ۱۰۰  
 شیر شهد چهار من دو هزار و پنجاه شاهی ۱۰۰  
 نان یک خوار دو تومان و پنجاه ۰۰۰

۱۶۲۴

اخبار دول خارج

و طوقان سابقا برودتی حاصل شده بود  
و ایلیچی های طرفین بولایات خود مراجعت کرده  
بودند در این اوقات دولت فحیمه فرانسه  
کرده و مابین دولتین مزبور التیام داده  
رفع بروت از طرفین شده است

دیگر نوشته اند که پاپای رومه که بزرگ نمیب  
کتولیک عدولت قدغن کرده است که الی کلیسا  
شراب و سرکه و انکور از مملکت او بنجارج نهند

دیگر نوشته بودند که از ساروینا بنجاریان  
در یاسیم خرج اتشی برای فرستادن خبر عا  
کرده بودند در بن کشیدن سیم پاره شد بود  
با نخلیس برده بودند که درست نمایند و از انخلیس  
فلنک نیز صد و نوزده میل راه سیم مزبور کشیده  
شده بقراریکه در روزنامه اتجا نوشته بودند  
در یازده ساعت این اسباب را گذاشته  
و بکار انداخته اند

دیگر نوشته اند که چون در لندن هر سال  
از جانب تجار و صرافان و کسبه حاکم معین  
امسال از جانب تجار و صراف و شامیر  
موسیو صالون بکومت شهرت شده است

دیگر نوشته بودند که در این اوقات ولعهد و  
بعضی جهات لازمه پاریس پای تحت دولت فرانسه

از فراریکه در روزنامه نوشته اند در ابرائیل شخصی  
از تجار معتبر لیمونی نام از تبعه یونان که بسیار  
مسمول بوده است بعد از شنیدن مقدمه محاربات  
دول قروضی که داشته است ادا کرده و مساجد

زیاد هم بدولت روس از خود داده بعد  
از آن در منزل خود طپانچه پر کرده و بسینه خود  
گذاشته چقا ق آنرا کشید بود که خود را هلاک نماید  
طپانچه خالی شده بود طپانچه را برهن زده و با

تیغ و لالی کلوی خود را بریده و در گذشته بود  
و یونانیان آنجا خبردار شده کانی را که در منزل  
او بودند بجان اینکه شاید بطبع نخو اه تاجر بود  
اورا کشته باشند همه را گرفته محبوس نمودند

بعد صدوق اورا که کشودند دیدند نوشته  
که بغیر تم نکبجید که اینهمه حوادث را بشنوم لهذا  
خودم را هلاک کردم

دیگر نوشته بودند که پادشاه دولت فلنک  
که والده اش خواهر امپراطور سابق روس بود  
در این اوقات شان بزرگ دولت فلنک را  
بجهت امپراطور فرانسه فرستاده بود والده  
فلنک از این معنی از پسر خود آزرده غاظر شده  
کرده بسمت دول الما بارفته است

دیگر نوشته بودند که مابین دولتین ساروینا

۱۶۲۵

دیگر نوشته اند که در فرانت بجهت اینکه امالی و عنت  
از صیفت اخیره در رفاه باشند و عمرت کشند و  
اعانه معین کرده و صد هزار کیسه که مساوی دو  
پول برالت با و تحویل کرده اند که برار عین  
مساعده قرض بدند که امور زراعت آنها  
بگیرد و منافع این خواه را از یاده از صد و پنج طلبه  
نیکند و گرفتن این صد و پنج نیز بجهت مخارج و  
و عملجات او خواهد بود

دولت دینارک در این اوقات قرانامه جدید  
و تاسیس میخواست است بکند در ولایت خود  
و از جانب کل و کلا و وزیر امضای قرار دادی  
عبدید را کرده بودند و لیعهد بر آورد دولت تشاریه  
که سه چهار مرتبه ماموریت و مضب حربیه را هم دارد  
قرار مزبور را تصدیق و امضا کرده است و است  
نموده از اینجهت تمامی ماموریت که لعهد او بود  
لغو شده است

از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث نوشته اند  
امیر عبدالقادر جزایری که چندی قبل این بجهت  
آب و هوا پاریس پای تخت فرانسه رفته بود  
بعد از چندی اقامت از آنجا بد سعادت سلامت  
معاودت نموده چون توقف او سابقا در برو  
بجهت شدت زلزلههای متعدد در بروم از توقف  
آنجا اگر او داشته و خوشش نموده است که رفته در

اقامت نماید

دیگر نوشته بودند که چون بعضی اوقات بجهت طوفان  
در یابیمه و ذغال باسلامبول کم می آمد و ازین  
ببردم بد میکذشت لهذا حسب الامر علیحضرت  
بیک کشتی سنجار تادمت دو ماه مخصوص کشتیها که  
و ذغال در آنها حمل میشود معین شد که در اوقات  
طوفان کشتیمای مزبور را کشید بکنگره بیاورد  
کرایه و اجرت از صاحبان بهمه و ذغال گرفته شود  
که در رفاه باشند

دیگر نوشته اند که سکنه یک کشتی را از سوک دره  
بکوپری بیرون می آوردند درین بین ضعیفه با  
بدریا افتاده بودند یک نفر اغما که بجزیره بنگلیس که  
در آنجا بوده است خود را با رخت بدریا انداخته  
و ضعیفه مزبوره را با طفلش از آب بیرون آورده بود

دیگر نوشته بودند که در محله باهاجید ریخاعت از شب گذشته از رفاه  
این آقای فسی نش ظهور کرده که غمانیه ویر جبردار شد در اطفالی  
ان اتهام نموده اش را خاموش کرده بود و بیشتر از چهار نانه خسته  
شده بود

اعلامات

کتاب تاریخ حبیب اسپرستان جلد در یک جلد چاپ شده  
در بازار صحافان در دکان حاجی نصر الله صحاف  
میشود مبلغ چهار تومان و نیم هر کس خریدار باشد  
دکان مزبور بتبایع نماید

۱۶۲۶

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پوچشنبه نهم بهمن ماه سنه ۱۲۷۲

نمونه ویت و پنجاه هفت

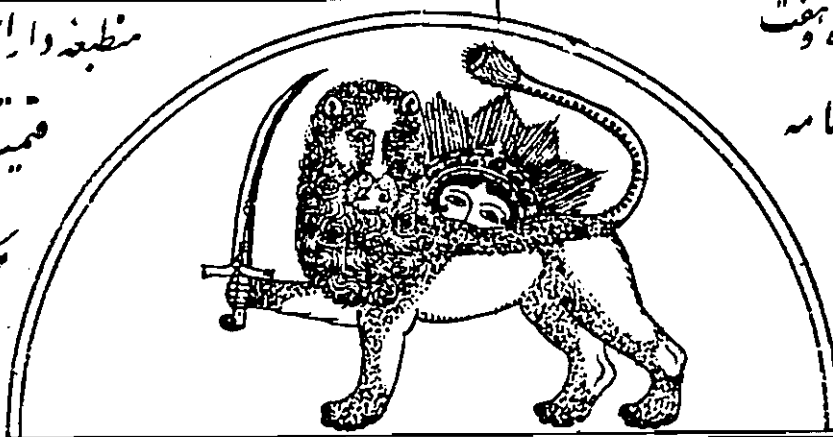
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی شش



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی که بشارگاه  
 جاجرو و تشریف فرماده بودند در روز پنجشنبه  
 اینماه از بشارگاه منور مراجعت بدارالخلافه مبارکه  
 فرموده صاحب منصبان نظام و چاکران دربار  
 هایون که در شهر بودند باستقبال موکب فیروزی  
 کوکب شتافته لوازم قربانی و شاه دمانی را بعلت  
 و موکب هایون از دروازه شمیران وارد شهر  
 گردید تشریف فرمای ارک مبارکه شدند  
 در این چند روز است که باقتضای موسم هوا  
 شده است بطوریکه در پنجاه و پنج میکرونه در  
 روز جمعه برف خیزی آمد ولی چندان مایه دار بود  
 شب شنبه را برفی آمد بطوریکه زمینها را سفید  
 و چون هوا مستعد بارندگی است کمان گلایه است

که درین روزها برف معقولی بیاید و روی  
 حاصل را بگیرد که حاصل از ضرر خشک سالی  
 باشد  
 میرزا فتح الله شکر نویس باشی که از دربار هایون  
 مرضی حاصل نموده بزیمارت عیبات عالیات  
 رفته بود در کرمانشاهان برحمت ایزدی پوسیده  
 خبر وفات او بدارالخلافه مبارکه رسید  
 شرف امجدارفع صدراعظم در خانه مرحوم  
 مشارالیه مجلس فاتحه گذاشته جمیع ارباب  
 اعیان و چاکران دربار هایون مجلس فاتحه  
 حاضر شدند چون مرحوم مشارالیه در اول  
 شباب و باصالت و نجابت و کمال معیشت  
 و سلامت نفس معروف بود هر کس خبر فوت او را  
 متأسف گردید

۱۶۲۷

نظر بطور ایت صدقت و راست قلمی عالیجا میرزا  
 علی آبادی وزیر کرمان در زده هسنه توشقان بیل  
 امنای دولت علیه او را از قرار فرمان مهرلعان  
 مبارک بمنصب استغای دیوان اعلی سرفراز  
 فرمودند که مادام ما مورثیت و بعد از آن در ملک  
 مستوفیان عظام منتک بوده بلوازم خدمات  
 مرجوعه بخود پردازد  
 نظر بحسن خدمات عالیجا مقرب انخاقان فرخ خان  
 صدوقه از خاصه که در هر مو ا حسن خدمت و مبرا  
 کفایت او در حضرت سپهر لبطت سرکار اعلیحضرت  
 اقدس تایون شامشای مشهور و معلوم گشته است  
 لهذا محض رحمت موازی یک قطعه کل کمر متکل بالکاس  
 در حق او رحمت و عنایت فرمودند  
 چون بالابان سلام و تعظیم بیدق و پیش فنک  
 کل فوج و رمیان افواج قاهره محض حضور جایون سرکار  
 اعلیحضرت شامشای است لهذا امر و مقرر فرمودند  
 که سرتیسان و سرتیگان و صاحبان افواج قاهره  
 بعد ازین دستور العمل خود را ازین قرار قرار بدهند که  
 بالابان سلام و تعظیم بیدق عموما موقوف است  
 مگر برای حکام بزرگ که در سرحدات مستند مش حکام  
 آذربایجان و خراسان و فارس و کرمانستان  
 سواى اینها برای سایر حکام اذن ندارند که در وقت  
 مشق و غیره بالابان سلام بزنند لکن پیش فنک عیب

۱۶۲۸

ندارد و در وقتی که در مشق مستند و از حکام بر سر فوج  
 می آیند پیش فنک برای حکام بزنند و بالابان سلام  
 و تعظیم بیدق را موقوف دارند

### سایر ولایات

آذربایجان و اصفهان و استرآباد  
 و اسدآباد و بروجرد و بطنام و حرا  
 و ختم و دارالمرز و سمنان و شاهرود  
 و عراق ازین ولایات درین مهفته اخباری نبود

### فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند ازین  
 مراقبت و اتهامات نواب مستطاب مؤید الدوله  
 حکمران فارس امور انولایت قرین انتظام کامل  
 عموم نوکر و رعیت را کمال رفاه و آسودگی حاصل  
 و نواب مغزی الیه بقرار استمراره مهفته دور روز اقرار  
 داده اند که بعد ازین عموم خستق از اعالی و ادانی رسیدگی  
 بنمایند و در این دور روز حاجب و دربان ندارند  
 هر کس عرضی داشته باشد بی ممانعت و مزاحمت  
 احدی خدمت نواب مغزی الیه رفته عرض خود را بنمایند  
 و بر وفق عدالت و حق و حساب حکم آن میشود و سایر  
 ایام مهفته را با انتظام امور ولایتی و انجام خدمات  
 دیوانی بپیر دارند

دیگر نوشته بودند که جمیع بلوکات فارس که در  
 گذشته ساخته بلخ خوارکی داشته امسال نسق و

وزاعت آنها بر وجه اخل بخل آمد و هر کجا که بذر مساعد  
لازم داشت نواب مؤید الدوله بتصدیق مقرمانا خان  
شجاع الملک و شیر الملک دادند و در امور زراعت  
بلوکات نقصانی باقی نماند و در موسم عقب نیز  
بارانهای ستوالی خوب آمد اگر چه برای تنباکو و سایر  
محصول صیفی قدری ضرر داشت ولی نتیجه کشت و  
ریز و پذیرفتنی بسیار خوب و زراعت کاران  
ازین مرحل بسیار مشغوف و شکر گذار بودند  
دیگر نوشته بودند که چون از محمد حسن خان برارجان  
در انجام خدمات و اعمال احکام و او امر دیوانی  
تکامل و نافرمانی بظهور میر رسید نواب مستطاب  
مؤید الدوله بجایگاه محمد ابراهیم خان سرتیپ افواج  
اصفهان مقرر داشته بودند که در مراجعت از بندر  
ابوشهر مشارالیه را گرفته بشیر از بیابان و عالیجاه  
مشارالیه نیز در ورودیه برارجان او را گرفته بود  
طایفه برارجانی قدری بهرزی اقدام نموده شش هفت  
نفر از آنها و سه چهار نفر از سر بازار اصفهان را حمله  
و معتقل شده بودند عالیجاه مشارالیه او را با کوفه  
بشیر آورد و بالفعل در قراول توپخانه مبارکه میباش  
دیگر نوشته بودند که سر بازاران فوج قراجه دانه  
و شیرازی که متوقف بشیر از میباشند همه روز  
در کمال شکوه و آراستگی در میدان دربانخانه

مشغول مشق میباشند و نواب مستطاب مؤید الدوله  
بجهت تشویق آنها اغلب اوقات را خود میدان  
آمده مشق آنها را سینه کی می نمایند و از صاحبان  
و معلمین کمال اهتمام در مشق و انتظام امر آنها می  
و دیگر نوشته بودند که چند روز قبل سبته امامتی آبر  
حاجی محمد صادق تاجر اصفهانی سرفتموده بود  
مراتب بعضی نواب مؤید الدوله رسیده قدغن نموده  
که عالیجاه میرزا علیخان بیکر بسکی حکما اموال مسرو  
بدست بیاورد مشارالیه نیز چند روز در تعقیب بود  
تا معلوم شد که غلام سیاهی از همسایگان تاجر مزبور  
وقت شب از پنجره حجره راهی بوده است کثوره  
و آن سبته امامت را برده است امامت را گرفته  
بصاحبش رد کردند اما غلام سیاه از خوف سیاه  
ناگاه خود را بچاه آبی انداخته و با چاقویی که همراه  
کلوی خود را بریده بود که خود را هلاک نماید یعنی بچاه  
فرستاده او را بنم جان بالا کشیدند و قریب  
میباشد  
دیگر نوشته بودند که فتح الدوله نامی که از شاه امیر  
و اشترار بود شرب نموده و زخمی بر انگیزی زده بود  
او را حسب احکام نواب مستطاب مؤید الدوله گرفته بودند  
و معلوم شد که مشارالیه در ایام قمرات مصدر افتاد  
و هرزگی می شده است از چند روز زمان فوتخانه

۱۶۲۹



خدمت مکان داخل قایلین عبد الحمید خان دار و عدله شیراز  
 بود و در ایام حکومت نواب بهرام میرزا گرفتار شده  
 بواسطه استخلاص حاصل کرده بود و در خدمت نواب مؤیدالدوله  
 نیز خدمتی توسط کرده و سید تومان پیکش میدادند  
 نواب معزی الیه محض انتظام امر ولایت قبول کرده  
 حکم بیست او نمودند تا دیگری بعد ازین مرگت  
 و اوست و نشود

شیخ ابوتراب امام جمعه شیراز که از اجله و  
 علمای اعلام بود در ماه ربیع الاول در شیراز رحلت  
 ایزدی پیوست نواب مؤیدالدوله حکم کردند جناب  
 او را در کمال احترام برداشته و مجلس فاسحه برپا  
 او گذاشتند و خود نواب معزی الیه هم بمجلس  
 فاسحه حاضر شده لوازم احترام را بعل آورده اند

بندی از بندهای بلوک کربال که از بنای امیر  
 و علی بود و بر ورخرابی بهم رسانده و بدو واسطه  
 چمن بچاه پارچه قرار و دیکده بی آب و لم یزرع مانده  
 بود و چنانچه در روزنامه های سابقه نیز نوشته شده است  
 نواب مستطاب مؤیدالدوله اهتمام زیاد در  
 بند نور نموده و مخارجی که بر او رده شده بود داده  
 و قدغن اکید کرده اند که بند نور را در کمال استحکام  
 ببندند بنا و علم زیاد با اسباب در کار بند و  
 با نهایت ممانعت و استحکام صورت تمام خواهد یافت

و اینر حمله سبب دعا کوفی کل امالی بلوک فرور شده است  
 دیگر نوشته بودند که صفحات بند عباسی و لاری  
 از حسن مراقبت و اهتمامات نواب امیرزاده عبدالباقی  
 در کمال انتظام است با بعضی اشخاص که مکتب  
 داشتند نسبت بکین و عجزه اجحاف و تعدی  
 در این اوقات بسبب مراقبت نواب معزی الیه  
 احدی با حدی خلاف حساب و تعدی نمیتواند  
 بکند

دیگر نوشته بودند که خلعت مهر طلعت یون که از  
 جانب سنی اچو اب لمو کانه بجهه نواب امیرزاده  
 عبدالباقی میرزا رحمت و ارسال شده بود با بنچار نو  
 وصول افکنده نواب معزی الیه لوازم استقبال  
 احترام خلعت مهر طلعت را بعل آورده ریب برود  
 اعتبار و افتخار خود ساخته صرف شربت و شیرینی  
 نموده اند

دیگر نوشته بودند در اخبار شیراز که در ماه قبل  
 دخترکی بسن پنج شش ساله که پدر و مادری نداشته  
 در خرابه مرده و خشک افتاده بوده جمعی دیده و مرگ  
 بنواب مؤیدالدوله عرض کرده بودند نواب معزی الیه  
 مقرر داشتند که عالیجاه میرزا علیخان بیکر سکی و کدخدایان  
 حقیقت این عمل معلوم نمایند در آن اوقات تقصیر کرده  
 چیزی معلوم شده بود از آنجا که خون آن صغیره با

۱۶۳۰

دامن گیر فائز شد و غلام سیاه درین اوقات  
 بجمعی حکایت نموده بود که دختری بدین صفت  
 قبل بغلان خرابه برده شراب خوردم و درستی با او  
 مباشرت کردم و دختر هلاک شد او را در خان  
 انداختم و رفتم آن اشخاص که این حکایت را شنیدند  
 بگد خدای محله اجبار نموده و غلام سیاه را گرفته  
 نواب نویدالدوله آوردند و در حضور نواب مغزی التی  
 بعد از استفسار بارتکاب این عمل شنیع اقرار کرده بود  
 لهذا نواب مغزی التیه او را دادند بهمان خرابه که این  
 در اینجا از او سرزده بود برده سیاست نموده  
 عمل ناشایست رسانند

دیگر از قرار یک تعمیر اجناس شیراز نوشته بود  
 کندم ضروری که تومان و پنجاه و جو خروارگی  
 و هزار و پانصد دینار و برنج چمپیک من مفصل  
 و برنج شهری یک من نه شای و روغن یک من دو  
 سصد دینار و گوشت یک من مفصل دینار و شکر  
 یک من سه هزار دینار و نبات یک من چهار هزار  
 و سایر اجناس نیز باین مطنه تعمیر دارد و فراوانست

دیگر از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند  
 امور انولایت از هر حیث منظم و مضبوط است  
 میرزا حسنعلی خان دریا بکی و حاکم ابوشهر کمال اهتمام  
 انتظام امور آنجا دارد و مستحقین طرق و شوارع در حد

مرجوعه بخود اهتمام داشته تجار و قوافل را  
 بمنزل میرسانند و هم چنین توپچی و سرباز متوقف  
 بندر مزبور در کمال نظم و حسن سلوک با رعایای آنجا  
 رفتار مینمایند و کلی امالی انولایت نهایت رضایت  
 از انتظام و معقولیت آنها دارند و از جانب صاحب  
 اهتمام در مشق و اداب نظامی آنها لعل می آید

دیگر نوشته بودند که چون خبر آمدن فوج نماندی  
 بندر خلوی بندر ابوشهر رسیده بود عالیجاه میرزا  
 یک نفر سلطان فوج فریدن را با اعتقاد و بیچ نفر  
 سرباز دسته او که در جزیره خارک خلوی بودند  
 خواسته نامورین بگشتی تپاسی و پنج نفر عملگشتی

روانه بندر ابوشهر کرده و بعد چهار ساعت که در  
 دریا کشتی را ندید طوفان شدیدی شده کشتی  
 اختیار از دست کشتیمان رلوده امواج او را  
 غرقه دریا که جای شهر خطرناک است حرکت داده  
 شراع کشتی پارسی شده و بعضی از چوبهای کشتی  
 شکست سه روز و شب در روی آب گرفتار  
 اضطراب بودند بعد از سه شبانه روز بیکم نجات  
 خارک رسیدند علم سیاه که علامت کشتی شکسته

بر پا کردند اهل جزیره مزبور مطلع شده چند فرزند  
 رزق باستخلاس آنها فرستاده آنها را از  
 شکسته بیرون آوردند معارف بیرون آمدن کشتی آنها  
 بزور قهنگشتی مزبور غرق گردید و این از تفصیلات

۱۶۳۱

خداوندی بود که اگر ساعتی دیرتر زور قها با آنجا  
میرسیدند همه آن سربازها و کشتی بانان غریق لجه  
فنامی شدند

و یک روز نامه بند را بوشهر نوشته بودند که در  
۱۷ و ۱۸ صفر باران زیاد در آنجا آمده و آب بسیار  
جدید البنا بقدر نیم رزق از آب باران <sup>در آنجا</sup> <sup>نشسته</sup>  
دریا بسکی قرار داد با همان آب آب بسیار نورانی  
گروه آبش را بیرون نمودند که بوی ابله و کوچ و بوی  
از او رفع شده بعد از آن از آب باران دیگر که ساق  
پر بکنند که آبش صاف و مشروب باشد و در  
انالی آنجا صرف نمایند و تا موسم تابستان <sup>تابستان</sup> <sup>نمانند</sup>  
قدغن است که آب آنجا صرف نمایند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه مهدیخان سمرکنک <sup>سمرکنک</sup>  
که با سرباز ابوالجمعی خود و مشت عاده توپ مامور  
بند را بوشهر شده بود در ورودش رایه لوازم  
استقبال و احترام از جانب عالیجاه دریابکی و  
توپچی و سرباز متوقف آنجا بعل آمده و فوج و توپخانه  
در جنب برج بجزی قرار گرفتند که بعد از ممکن آنجا  
ساخوی سابق مرخص باشند و از قرار که نوشته  
عالیجاه مشارالیه توپچارا در عرض راه از بعضی جای  
کوهستان و خطرناک بصورت تمام گذاشده است  
و جهت معطل شدن توپچا و بریدن راه خود و سرباز  
و توپچی ابوالجمعی او سختی و زحمت بسیار کشیده تا به آنجا

۱۶۳۲

بمیزل رسانده اند و بجهت فله کردن توپچا در کدوک  
و کوهستان سه چهار رس اسب توپخانه تلف و  
مشت نفر توپچی و سرباز مجروح گردیده اند و بعد از

ورود به بند را بوشهر سرباز و توپچی و <sup>نقد</sup> <sup>بند</sup>  
لرزم سجزیره خارک سجه سطلوی دستاده است  
و از مامورین جزیره مزبور که مکصد نفر بوده اند در <sup>بند</sup>  
جزیره خارک یک فروند کشتی آنجا طوفانی شده  
در بین اینکه از آن کشتی کشتی دیگر سپرون می آمدند و در  
نفر آنجا را با آذوقه که در کشتی داشتند با در <sup>بند</sup>  
به بند را بوشهر محبت داده بود ولی سجد الله استی  
با آنجا نرسیده همگی با آذوقه سالم با صل سپرون <sup>آمدند</sup>

دیگر نوشته اند که چون سقف وسط بازار بند را بوشهر  
موافق یکدیگر نبود و هر وقت باران می آمد سجه عابری  
ترد و مشکل میشد عالیجاه دریابکی قرار داد که سقف  
آنجا را تجدید کرده موافق هم بسازند و وسط بازار  
را هر دو اب و طرفین را بجهت عبور مردم سنگ <sup>سنگ</sup>  
نمایند و پنجره بازار مزبور بگذارند که در تابستان هوا  
ونسیم داخل آنجا شده سکنه آنجا اگر ماصوبت  
نمانند با بچه بازار مزبور بطور خوب ساخته شده است  
که اهل بازار همه حبه آسوده باشند و نیز در وازنا  
در آنجا جار گذاشته و پاس بانان معین شدند  
که اموال مردم از طول سارقین محفوظ باشد <sup>بمحض</sup>

سبب نرید و عاکونی کسب تجارت بخانده است  
قرنین و قسم و کاشان و کرد  
و کروس و کرمانشان ازین  
ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده  
**کرمان**

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند  
امیت و انتظام در امور انولایت حاصل است  
و عسوم کنه و رعایای آنجا در عین اسود  
و فراغت مدعا کونی دوام دولت اید اتصال  
استغال دارند و عالیجا همسیر اشقیج در  
انتظام امر طرق و شوارع اهتمام رسانده  
می آورد و قراونخانه های عرض راه همه جا  
و مستحقین مشغول حفظ و حرارت میباشد که  
عابرین و مترددین با اسودکی عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته بودند که یک ثوب جبهه ترمه که از  
جانب سنی ابجواب اقدس هایون شایان  
سجده عالیجا شنجلی خان سرتیب فوج جلج قسم  
مرحمت و ارسال شده بود با بنجا پر تو وصول  
نکنند عالیجا شارالیه لوازم استعجال  
و توقیر و احترام خلعت مهر طلعت هایون را  
بعل آورده زیب برود و شش معاخرت و مباحث  
خود نموده لبها خب مضبان و غیره شربت

و شیرینی داده با کمال شکرانه و خرسند  
مشغول انتظام امور فوج خود میباشد و فوج  
عالیجا پیش رالیه نیز همه روز مشغول مشغول  
و بانهایت نظم راه میروند و خلا فی از آنهاست  
بکسی ناشی و صادر نمی شود

دیگر نوشته بودند که در این اوقات اموالی از  
خانه پسر حاجی محمد ابراهیم سرقت کرده بودند  
عبدالرحمن و بخش بعضی از آن اموال سرقت  
در بر تو یک نفر توپچی از توپچان جمع عبدالیه  
یا در توپخانه برور کرده بود شارالیه توپچی را  
گرفته کل اموال سرود و فرار از دسترد و صاحب  
مال در کرده و او را تبیه نظامی نموده بود

دیگر نوشته بودند که چندی قبل جمعی از قطاع  
بر سر قافله فارس ریخته اموال آنها را  
بغارت برده بودند اما ابو الحسن کلاتر امان  
از کدازش مطلع گردیده با جمعیتی تبعاقب  
و زدان شتافته با آنها رسیده بود و اموال  
مهنوبه را تمام و کمال از آنها استرداد کرد  
و به آنها آورده بود که لبان مال برآید

**گیلان و طایر و شماوند و همدان**  
ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده است  
**یزد**  
از فراری که در روزنامه یزد نوشته اند کمال

۱۶۳۳

اعلیت و انتظام در امور آئولایت حاصل است  
 و رعایای آنجا در کمال ذاعت و آسودگی مشغول  
 و عاکوفی دولت ابد مدت قاهره میباشند و  
 عالیجاه مقرب الخاقان محمد یوسف خان سرتیپ  
 و نایب الحکومه یزد و سایر مباشرین در  
 نظم امور ولایت و رعیت اهتمام کامل دارند

دیگر از قرار یکه نریخ اجناس دارالعباده  
 یزد در نوشته اند کدم یکمین شایه مقصد  
 دینار که خرواری سه تومان و هفت هزار  
 پانصد میشود و جو خرواری دو تومان و هفت  
 پانصد دینار و سایر ماکولات نیز باین  
 منظمه مستور و فراوان بوده است

اجبار دول خارج از فرانسه و جدید  
 اسلامبول در این روزها رسید ولی آن  
 که مناسب این روزها میباشد بنود  
 نوشته شود

### اعلانات

چون جمعیت و کثرت دارالخلافه مبارکه که طرآن  
 روز بروز سمت از دیادمی پذیرد و برای  
 ساکنین و مسوطنین بجهت ضیق جا و مکان  
 حاصل است لهذا بجهت توسعه منزل و مقام آنها

از قلعه دارالخلافه بعضی اراضی خالصه باغ ترا  
 اعلیحضرت آقا سید محمد یونس شاهنشاهی صاحب  
 ایام دولت عن التناهی بموجب فرمان  
 لمعان مبارک قریب بچهل هزار رزغ بموجب  
 تفصیل ذیل با تقصام حجاب و عمر و مدخل

باغ حسن و خانی باغ قورخانه باغ امان الله خانی

و مجرای آب بملکیت عالیجاه محمد تقی خان محاربا  
 منقل و واکذا فرمودند لهذا اعلان میشود که  
 هر کس بر قدر اراضی مزبوره خریدار باشد  
 از عالیجاه مشارالیه امتیاع نماید

چنانچه در هفتگه گذشته نیز اعلان شد کتایه  
 جیب اسیر ستمه جلد در یک جلد چاپ شده  
 در بازار صحافان در دکان حاجی نصر الله  
 صحاف فروخته میشود مبلغ چهار تومان و نیم  
 هر کس خریدار باشد از دکان مزبور امتیاع نماید

ایضا کتابهای چاپی در کارخانه حاجی عبدالمجید  
 در محله نزدیک دروازه دولاب از اینها فروخته

انوار النعمانیه سه تومان  
 وسایل با قدرت ده تومان  
 ختم نظامی دو تومان و نیم  
 سایر دو تومان

۱۶۳۴

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۷۲

نزدیک پنجاه هفت

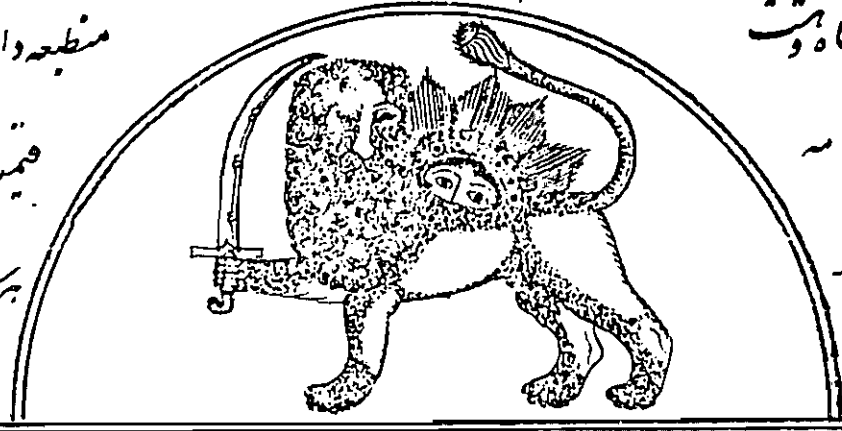
قیمت روزنامه

هر نسخه ده شمشیر

منصبه دارانخلا فطهران

قیمت اعلانات

بر هر خط یک شمشیر



## اجبار دوله مالک محروسه پادشاهی

### دارانخلا فطهران

در روز دوشنبه ۲۱ بهمن ۱۲۷۲ ریح الثانی علیت  
قدس با یون شامشای شریف فرمای قصر  
قاجار گردیدند و تا عصر در آنجا تفریح و توقف فرمودند  
بعد از صرف عصرانه و چای بارک مبارک سلیطانی  
و ممتسلطت عظمی مراجعت فرمودند

و حید العصری محمد زمانی جناب شیخ عبدالحسین  
تعالی که بجهت زیارت روضه متبرکه رضویه علیه السلام  
والحیة بارض اقدس رفته بودند در این اوقات  
بدارانخلا فطهران مراجعت نمودند امالی دارانخلا فطهران  
وضیعاً شرفاً از علما و سادات و شاهزادگان عظام  
و خوانین و غیره لوازم استقبال را بعین آوردند  
بعد از ورود و جناب معظم ایلیه بدارانخلا فطهران  
اشرف امجد ارفع صدر اعظم بلاخط توقیر و احترام

جانب علمای اعلام و فقهم اللد تعالی بدیدن ایشان  
رفتند و آنروز تا مغرب در آنجا بودند و از  
جانب سنی انجانب اقدس با یون شامشای  
لوازم تقفقات را در باره ایشان بعین آوردند

چون اولیای دولت علیه رسیدگی بکارهای  
شاگردان مدرسه دارالقون و تحصیلات علوم  
حزبیه و طبییه و غیره آنها را لازم میدانند در این  
اوقات نیز جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم  
گذاشتند که چند روز بدرسه مزبوره فرستند  
بکارهای شاگردان و معلمین رسیدگی نمایند از عظیم

در روز یکشنبه ۲۷ بهمن ۱۲۷۲ ریح الثانی بدرسه  
مزبوره رفتند و بکارهای بعضی از شاگردان  
رسیدگی نمودند تا نزدیک غروب آفتاب در آنجا  
بودند و بعد از آن نیز هر روز درسه مزبوره فرستند

۱۶۳۵

مشغول رسیدگی کار آنها باشند که فراخور  
ترقی هر یک نشان و علاوه موجب در حق آنها  
شود و بعد از امتحان علوم تخصیصاً آنها ترقیات  
در روزنامه‌های آینده نوشته خواهد

شرف صد دریافت و بکثرت خرفه خرفه  
نیز از طبوس بدن مبارک برسم خلع بافتار  
معزی الیه رحمت شده بصحابت عالیجا میرزا  
فراشباشی جناب جلالت آباشرف امجد اکرم  
مؤمن سلطان اعتماد الدوله العلیه صدر اعظم

ارسال شد

نواب شاهزاده فرمانفرما حکمران مملکت خراسان  
مدتی بود که مریض بودند و اخبار کمتر مزاج ایشان  
در روزنامه‌های خراسان به در اختلاف طهران  
در این اوقات داعی حق البیتک اجابت گفته  
در ارض اقدس فیض قرین بجوار رحمت ایزدی  
پیوسته اند چون از اجله شاهزادگان عظام بود

در روزنامه هفتم گذشته در باب تعظیم نظامی  
افواج قاهره شرحی نوشته شده بود لکن چون  
قدری مختصر نوشته شده بود محل ابهام و شبهه  
برای بعضی از اهل نظام گردید از آنجهت تبصریح

سرکار اعلیحضرت اقدس تالیون شاهنشاهی  
فرمودند که در مسجد شاه طهران مجلس فاتحه  
نواب غفران آباشارالیه با کمال احترام بگذارد  
و عسوم شاهزادگان عظام و مقربان دربار  
چشم بلو از م تعزیت اقدام نمایند و در روز

نوشته می شود که تعظیم بیدق فوج برای تسبیح حکام  
مخصوصاً موقوف است و تعظیم بیدق برای  
هیچکس نباید بشود لکن پیش فک کل فوج در وقت  
مشق برای شاهزادگان و حکام بزرگ سرحدات بطوریکه  
در روزنامه سابق نوشته شده است عیب ندارد

۲۹ ربیع الثانی در مسجد نور مجلس فاتحه منعقد  
شده علاوه سادات و قراء تلاوت کلام الهی  
و طلب مغفرت و لوازم تعزیت پرداخته عموم اعلی  
و ادانی مقررات که تا سه روز بمجلس حاضر  
و بحساب قدر قدر تالیون اعلیحضرت شاهنشاهی

برای سایر حکام ولایات کوچک آنها نباید بشود مگر  
همان تعظیم صاحب منصبان که در سر فوج هستند در حالت  
مشق کافی است بجهت توضیح نوشته شده

ایالت و حکمرانی مملکت خراسان لعبد کفایت و  
کفالت نواب استطا شاهزاده و الا بتاحال سلطنه  
سلطان مراد میرزا محول و منحوس شده فرمان

چون محاسن بلاغت و فصاحت و ادبی و شاعرانه  
عالیجا همش الشرا میرزا محمد علی متخلص بسروش  
اوقات در سلامهای اعیاد و غیره قصاید و غزلیات  
لالی ابدار در مدح سرکار اعلیحضرت قوی شوکت

۱۶۳۶

از نتایج طبع و قوای برشته نظم کشیده معروض  
پیکاه حضور مهر ظهور میدارد مقبول و مستحسن خاطر  
ملوکانه افتاده مستوجب رحمتی تازه آمد لهند در این  
اوقات عالیجاهش را الیه را بموجب فرمان مهر  
لمعان مبارک بلقب جلیل خانی سر او از فرمودند  
که موجب ارتفاع رتبت او گردید پیش از این  
لبوازم مداحی و شناخوانی قیام و اقدام نماید و میسر  
یکشوب جبهه ترمه نیز از جانب سنی ابرو جانب ملوکانه  
با و خلعت مرحمت گردید

چون اشتراک لفظی بعضی اوقات باعث اشتباه  
در موزه ۲۵۶ این روزها میرزا زین العابدین  
که نوشته شده بود یعنی در دست او شش بوده است  
عقده خالی شده و دود از آن ساجده آن بسیر کریم نامی  
فرانش خورده بود مش را الیه میرزا زین العابدین  
نگر تو بوده است نه عالیجاه میرزا زین العابدین  
شکر نویسی

### سایر ولایات

از در بایجان از قراریکه در روزنامه از بایجان  
نوشته اند امور آن ولایت از حسن مراقبت و اهتمام  
نواب مستطاب هزاره و الایاتبار نصره الدوله و  
در بار سپهر چشم مقرب النخاقان قایم مقام کمال  
الضبط و انتظام را دارد و عسوم الی و سکنه آن ولایت  
در نهایت آسودگی و فراغت بدعا کونی ذات است

تا یون شایسته هی استیعال و ادب  
دیگر نوشته بودند که خانه عالیجاه محمد اسمعیل خان  
نوری را بریده قدری اجناس از خانه اش  
بودند معتقد در بار سپهر چشم مقرب النخاقان  
قایم مقام عالیجاه محمد رضا خان بیکر بسکی قدغن  
نمود که حکامان را پیدانما بدمش را الیه با کد خدا  
مجلس خدرو ز در تفحص بود تا یک نفر سید معتم  
با آلات و ادوات دزدی از قبیل رلمان  
کند و اسباب دراز پاشنه کندن و وصل

و منیع طویل باد و نفر تو پچی مراغه که رفیق او بودند  
گرفته آوردند چون شهود عدیده که همان اسباب  
باشد موجود در جای انکار نبود مقرب زدی خود  
گردید و نشان مال سرود از ایشان ظاهر شد  
علاوه بر آن عالیجاه سخی خان المغانی نیز از امر  
نوشته بود که آن دو نفر تو پچی در مراغه نیز مرتکب  
سرقه شده اند لهند مقرب النخاقان مشار  
تو پچیان را اخراج کرده و قدغن نمود که اموال  
سرود تمامه از آنجا سرود شده بعد حکم نموده  
شود

دیگر نوشته بودند در قریه مامغان یک نفر سرباز  
فوج مراغه ابو ایچمی عالیجاه جعفر قلنجان سیرت  
حالت مستی زده یک نفر سپرد و از ده ساله را  
بقفل رسانده مقرب النخاقان قایم مقام دستاورد

۱۶۳۷



سر باز از آنجا آوردند و در وقت مقتول در نزد عاقبت  
 میرزا حسین شاه کذا شد و میوت رسانده حکم  
 شرعی گرفتند مقرب انخاقان قایم مقام بر  
 حکم شرع سر باز را اخراج و بدست وراثت مقتول  
 داده و قصاص کردند

فوج چهارم تبریزی ابوالجهمی عالیجاه علیجان تبریز  
 که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره مأمور جلاغ  
 بودند قهریز احضار شده در اطاق نظام سالن  
 آنها را دیدند و مواجب سه ماهه ثانی آنها  
 داده شد. با اتفاق عالیجاه محمد طاهر خان پادشاه  
 و سایر صاحب مضمان روانه محل ماموریت  
 گردیدند

توپچیان طایفه مقدم و خوی و سلما س نیز که  
 احضار در بارها یون شده بودند مواجب سه  
 ثانی ایشان در اطاق نظام با حضور لیکر نویسان  
 داده شده روانه دارالخلافه طهران گردیدند

فوا این قضا این تالیون و احکام اولیای دولت  
 که بعد از معتمد در بار شهرتشان مقرب انخاقان  
 قایم مقام در خصوص احضار افواج خاصه و بهادران  
 و قهرمانیه و دویم نصرت و مخبران شقایق و مرغه  
 جمعی اسکندر خان سرمنک و سواره فشار و چپا  
 و دولی و سپهچین بجهت سیرتپان و سرمنکان

افواج مذکور شرف صدور یافته بود و در وصول  
 بخشیده و مقرر شده بود و بعضی از ایشان در  
 دویم جاودی الاولی و بعضی در غمزه جاودی الثانی  
 در رکاب نصرت احتساب حاضر کردند از افواج  
 مرقومه فوج بهادران و فوج قهرمانیه در تبریز  
 بودند مقرب انخاقان قایم مقام قرار داد که این  
 دو فوج مواجب سه ماهه ثانی خودشان را  
 در اطاق نظام گرفته مخصوص خانه شوند که بخوردند  
 در خانه خودشان مانده و سرکشی سجان خودشان  
 کرده در بیت و چپم ربيع الاول روانه گردیدند

و از چهارم و هفتم ماه تبای دادن مواجب  
 فوج بهادران را گذاشته اند و در چپم  
 ماه ربيع الثانی ب فوج قهرمانیه مواجب داده خواهد  
 شد و مواجب فوج خاصه شریفه چند می شود  
 شده کاری نداشته اند از عالیجاه محمد طاهر خان

الزام گرفته شد که در بیت و چپم ماه فوج را  
 تمامه در تبریز حاضر نماید که بدون موطلی روانه  
 در بارها یون باشند و همچنین الترامی از عالیجاه  
 قاسم خان سرمنک گرفته شد که بزودی فوج  
 مخبران را حاضر نماید که مواجب سه ماهه ثانی را  
 دریافت نموده روانه گردند و سخته فوج نصرت و  
 فوج مرغه و سواره ار مخصوصاً لشکری حسب الامر  
 فرستاده شده که بدون موطلی فوجها را برآوردند

و همچنین لعلیه  
 که بعد از معتمد در بار شهرتشان مقرب انخاقان  
 قایم مقام در خصوص احضار افواج خاصه و بهادران  
 و قهرمانیه و دویم نصرت و مخبران شقایق و مرغه  
 جمعی اسکندر خان سرمنک و سواره فشار و چپا  
 و دولی و سپهچین بجهت سیرتپان و سرمنکان

۱۶۳۸

فوج جدید مرانہ نیز موجب سہ ماہہ ثانی خود را پر داخته  
 وسطی در کارشان نیست عالیجاه پرویز خان نیز  
 یہ تبریز آمد حسب حکم مقرر گردید کہ رفتہ سوارہ  
 چهار دولی ابوالسجھی خود را برداشته بیاید

**اصفهان**

از قراریکہ در روزنامہ اصفهان نوشته اند لوات  
 مستطاب شہزادہ والابار حمت الدولہ در  
 انتظام ولایت واسودکی رعیت وانجام صدقہ  
 دیوانی اہتمام و مراقبت تمام دارند در اوایل  
 ماہ ربیع الثانی چند روزی تکریم مزاج بہم رساند  
 ناخوش شدہ بودند ولی بچہ اللہ در همان  
 روز نا صحت یافتہ و بدیونخانہ آمدہ بعراض دم  
 رسیدگی کردہ بودند  
 دیگر نوشته بودند کہ عالیجاہ میرزا زکی مستوفی  
 اصفهان حسب احکام نواب شہزادہ ہر روزہ  
 در دفترخانہ مشغول محاسبات و تشخیص معاملات  
 دیوانی میباشند

و مقرب الخاقان شجاع الملک نوشتہ بودند کہ  
 اورا گرفتہ باصفهان روانہ نماید مقرب الخاقان  
 شہزادہ نیز اورا گرفتہ بدست عالیجاہ میرزا  
 سر قیپ سپردہ درین اوقات در قراول  
 فوج ادرا باصفهان آوردنہ و محبوس است  
 تابعہ حکم آن بشود

دیگر از قراریکہ تسخیر اجناس اصفهان را نوشتہ  
 بودند در این اوقات بقرار مسطور ذیل است  
 بر پنج بوزن شاہ یکمن یکہزار و سیصد الی  
 روغن بوزن ایضا یکمن ششہزار و دویست  
 یکمن بفضہ دینار ۱۸  
 یکمن ششہ دینار ۱۶  
 یکمن دو عباسی ۱۴  
 یکمن صد دینار ۱۶  
 یکمن ہنصد دینار ۱۵  
 یکمن ہشتصد دینار ۱۵  
 یکمن یکہزار دینار ۱۵  
 یکمن ہفتہ ہشتاد ۱۵  
 یکمن شش ہزار ۱۵  
 یکمن یکتومان ۱۵  
 حلویات یکمن چہار ہزار ۱۵  
 سایر اجناس نیز بہین منشاہ مسعود ہر چہ  
 و غیر ذلک

۱۶۳۹

استرآباد و اسدآباد و سر و حرد  
و بطام و خراسان و خت و داور  
و سمنان و عراق ازین ولایات دین  
هفته اخباری بنود

### فارس

از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بود  
یک نفر شیپورچی برات نام از فوج نهاوند شب  
تاسه چهار ساعت بارفقای خود نشسته صحبت  
میداشت منکام خواب هر کس بکوشه خواب  
صبح که بیدار شد ندانست شیپورچی بیدار شد رفقا  
ببر او رفتند دیدند مرده است با اینکه هیچ ناخوش  
نداشته است از قراریکه رفقای او مذکور در آن  
بودند قدری پول داشته شب پولها را بیرون  
آورده و بسیار با آن پولها بازی کرده و اطفا  
خوشوقتی زیاد نمود ظاهر این است که از ذوق  
پولها فحاه کرده باشد

و همچنین حاجی عبدالسیله در بهانی که در شهر  
سکن داشته است تا چهار ساعت از شب گذشته  
در یکی از مجالس مصیبت جناب سیدالشهدا حاضر  
و مشغول تعزیه داری بوده بعد از آن در کمال صحت  
بجانه خود رفته و شام خورده تکیه خت خواب داده  
تا وقت فوت شده بود

مروین و رسم ازین ولایات نیز اخباری بر  
سند

### کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند و بعضی  
ا بریشم که بقدر بیت و چهارمین بوده است با چهار  
توپ خارا و قدری توپ از خانه ماشینی نام یهودی سرقت کرده  
بودند شبانه دار و نقد در صد شخص برآمده اشیاء مزبور را  
بعینه از خانه اللبیا نام یهودی بیرون آورده نزد حاج  
محمد حسن خان حاکم کاشان آورده بود اللبیا یهودی فرار  
کرده بطرف اصفهان رفته بود عالیجاه شارالیه و نفر  
سوار فرستاده او را در میان سو و قمرود گرفته آورد  
بعد از تنبیه و تحقیق گفته بود که چهارمین ابریشم نیز از شخص  
شعرانی با چار توپ خارا از مال حاجی حبیبی سرقت کرده  
فلان دخمه مسجد خود مان پنهان کرده ام عالیجاه شارالیه  
اشیاء مزبور را نیز آورده بصنائش تسلیم و یهودی مزبور  
محبوس است تا سرفتی دیگر هم اگر کرده باشد بر او  
تند

و دیگر نوشته بودند که در یکی از محلات کاشان جوان بزرگی  
بسن بیت له شب با پدرش بجهت خبرنی امری نزاع کرده  
بعد برخواست با طاق خارجی رفته لوله تریا در آب حل  
کرده لب کشیده بود بعد از ساعتی پدر و مادرش  
بصفت احوال واقفاده وقتی بر او رفته بودند که هلاک  
گردستان و کروس و کرمانشاهان و کرمان و  
گیلان و طایر و نهاوند و همدان و یزد

ازین ولایات نیز اخباری بنود

روزنامه قایم اتقایه تبایح یوم شنبه ششم شهر جمادی الاولیٰ مطابق سنه ۱۲۷۲

نمره قیمت و پنجاه و نه

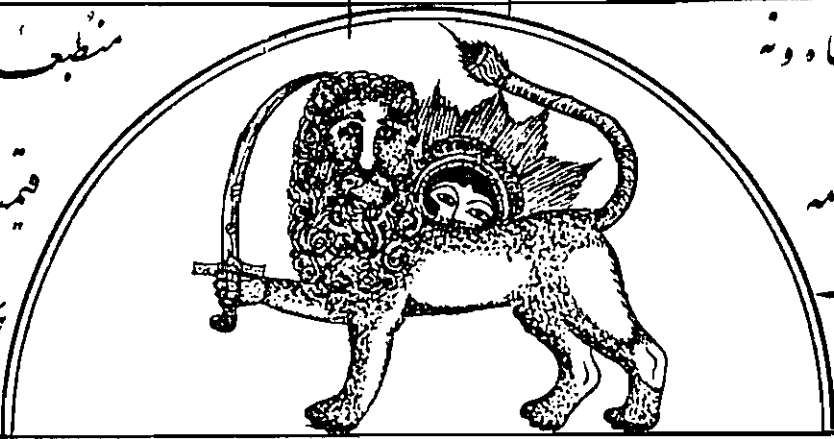
منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوازده

هر خط پنجاه



اخبار واحسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از آنجا که سرکار علیحضرت اقدس هایون پادشاهی  
خلد الله ملکه و سلطانه تو قیر و احترام جانب  
علمای اعلام را همیشه منظور دارند در روز شنبه  
سه ایماه بیدین جناب محمد العصری شیخ  
سله الله که در این اوقات از زیارت ارض  
اقدس مراجعت کرده بودند تشریف فرما گردیدند  
بعد از ملاقات ایشان و اظهار تفقدات ملوکات  
از آنجا بیدین جناب حاجی طار فوج کیلانی که از  
اعزّه علمای و درین او ان از کیلان بدار الخلافه  
آمده اند تشریف برده لوازم احترامات را در  
باره ایشان نیز عمل آورده از آنجا ببارک مبارکه  
سلطانی مراجعت فرمودند  
چون انسانی دولت علیه در امور ملک و ملت

و مواد دین و دولت مساعی جمیده مبذول دارند  
از آنجا که بعضی از اراضی ارک مبارکه که مجهول المآل  
بودند و بحسب قانون شرع مطاع سببه حلیت نام  
عامه ناس از مجتهدین عظام اجاره می شد  
در این اوقات که مدت اجاره اراضی منبوره  
منقضی شده بود جناب امجد اشرف ارفع  
صدر اعظم افخم معرود استاذ که در محضر جناب  
شیخ عبدالحسین که از فحول مجتهدین عظام و فقهم  
تعالی است تجدید اجاره اراضی منبوره شد  
که نماز در آنجا سببه عامه حلیت شرعی است  
شیخ مشکور مجتهد نجفی که از جمله احبّه علمای راسخین  
و اعزّه فقههای مسلمین عتبات عالیات بود در  
اوقات مس در آن مشاهد فیض قرین داعی حق را

۱۶۴۱

لبیک اجابت کعبه بجوار رحمت رب العالمین  
 انتقال نموده خبر فوت او که بدار انخلافه طهران  
 رسید علما و فقها و مجتهدین دار انخلافه مبارکه  
 بجهت توقیر و احترام مرحوم شارالیه مجلس فاسحه  
 گذاشته تا سه روز لوازم تغزیت و تلاوت کلام  
 مجید را بعل آورده عموم اشرف و اعیان و اهل  
 دار انخلافه بمجلس فاسحه خوانی حاضر شده در روز  
 سیم نیز جناب امجد اشرف ارفع الفخیم صد  
 اعظم بفاسحه خوانی رفته و مجلس فاسحه را با  
 نهایت اعزاز و احترام برچید  
 سابقا مراتب افسوس و دلتنگی دولت ایران  
 از ترک مراوده که جناب سر مورده وزیر مختار  
 دولت انگلیس باین دولت نموده در تلور روزنامه  
 شماره ۲۵۲ بیان کرده و این ترک مراوده  
 مبنی بر جهانی بود که در ضمن روزنامه مزبور مذکور  
 شده است و همان افسوس اولیای دولت  
 کماکان باقی است اما چون اولیای دولت  
 کمال میل بر بقای دوستی و لیتین ایران و انگلیس  
 دارند و آن ترک مراوده منحصر بر اوده و شملها  
 بود یعنی فقط حرف دولتی را جناب وزیر مختار  
 متروک داشت لهذا عالیجاه محبت و متانت  
 همراهِ موسیو استیونس قونسول دولت انگلیس  
 در دار انخلافه مقیم و متوقف است که با موبو تجارتی

رسید کی ناید عموم تجاری که متعلق بدولت  
 انگلیس هستند هر چه مطلب تجارتی داشته باشند  
 در هر بلدی از بلاد مالک محروسه دولت  
 علیه ایران توقف دارند بقونسولهای دولت  
 انگلیس و در طهران و تبریز و همچنین بیابان و مقصود  
 بوشهر و کمال اطمینان آنها را نمایند  
 چون مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله  
 خاطر اولیای دولت علیه را از حسن اتمامات  
 در خدمتگذاری دیوان قدر نشان های یون  
 خرسند و در نظر بطور التفات انمای دولت  
 علیه در باره مقرب انخاقان شارالیه در شب  
 شنبه گذشته جناب اشرف امجد ارفع الفخیم  
 صد اعظم با جمعی از مقربان حضرت گردون لطف  
 بضیافت مقرب انخاقان شارالیه فرستند  
 کمال اسباب و تکلفات ضیافت از جانب  
 مقرب انخاقان شارالیه بعل آمده بعد از صرف  
 شام بجانهای خود مراجعت نمودند  
 عالیجاه محمد حسن خان سرتیپ فرانسی چون در ایام  
 خراسان و اسفارسنت مرو و سرخس و آخال و  
 وکلات بطور حسن از عمده ادای خدمات محوله  
 برآمده حسن منتش در نزد اولیای دولت علیه  
 معلوم و مشهود گردید لهذا بعد از مراجعت از ارض  
 اقدس سرکار علیحضرت اقدس هایون شایسته

۱۶۴۲

موازی یک قبضه شمیر مریاق طلای کل رضع  
 بجایگاه مشارالیه رحمت فرمودند  
 نظر باینکه مراتب خدمتگذاری و مردم داری  
 مقرب انخافان میرزا حسن خان حاکم عراق در  
 نزد اولیای دولت علییه نظر بر شد لهذا محض  
 مرحمت موازی یک ثوب جیه از جانب  
 سنی ایچوانس هایون در حق او رحمت مند و  
 گردید  
 در هفته گذشته یک نفر از جمله الواط و اشرا  
 که غالباً با قورخانچیان محصور بود شب شرب نموده  
 یک نفر در خانه ارمنی باقی رخصت نموده که قوی  
 موت است و یک نفر سید را نیز در حالت  
 در عبور باقیه مقتول کرده بود جایگاه میرزا رضا  
 که خدای محله مشارالیه را دستگیر کرده است  
 بعضی اقدس هایون شاهشاهی رسید  
 فرمودند او را آورده فرایشان نصب در  
 میدان ارک بسزای عمل ناشایست خودش  
 رسانیدند و حسب الامر اقدس هایون از جا  
 اولیای دولت علییه قدغن اکید شد که قراول  
 در کوچه و محله را منهد باشد که کسی شراب نخورد  
 و نخورد و هر کس مرتکب شرب و شرارت نشود  
 مورد تنبیه و مواخذة باشد  
 سایر ولایات

آذربایجان و اصفهان و استرآباد  
 و اسد آباد ازین ولایات و این هفته  
 اخباری رسیده است  
 بر وجود  
 از فرار یک در روزنامه بر دجسرد نوشته بود  
 کمال امنیت و آسودگی برای عموم مالی الویای  
 حاصل است و یکی مالی بر دجسرد و سیداجوز  
 و بختیاری و جاپلق و رعین رفاه و آسایش  
 با مور عیسی خود و دعا کوفی ذات اقدس هایون  
 شاهشاهی اشتغال دارند و بخلاف ازمنه سابق  
 در این اوقات هیچوجه سرفت و خلاف حساب  
 اتفاق نمی افتد

و بگردد نوشته بودند در اول ماه ربیع الثانی در  
 برو بردنا خوشی و با شدت کرده بروزی ده  
 نفر آبیست نفر رسیده بود چون هوای ماه  
 قوس زیاد و گرم بود چنانچه احتیاج بلباس  
 نمی شد تا در شب ششم جدی برف زیاد آ  
 بطوریکه در اغلب زمینها بقدر یکدفع برف  
 نشست بعد از آن هوا کمال برودت را بهم رسانید  
 و در پنجاهها بنای گرفتن یخ گذاشتند ناخوشی  
 و باین سبب برودت هوا کثیف گشتی بهم رسانید  
 چنانچه بعد از آمدن برف و سرد شدن هوا  
 هر کس فوت کردید بعد از تحقیق معلوم شد که از ناخوشی

۱۶۴۳

سابق بوده است و بعد از سرد شدن هوا دیگر کسی ازین ناخوشی نگرفته بوده است

دیگر از قراریکه از اردوی نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حشام الدوله خبر رسیده بود قلیل ناخوشی و با که در اردوی نواب مستطاب رسیده است انهم بجهت بکلی رفع گردیده است انالی خرم آباد تسویش داشته اند که این ناخوشی از اردوی نواب شاهزاده مباد با آنجا سرایت بکند از قراریکه نوشته اند در آنجا مطلقا ظهور و بروز نی نموده است

عالیجاه ولیخان سرتیپ چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد در عرض راه ناخوش شده بود و چون او با صاحب مصلحان حسب حکم نواب شاهزاده روانه محمده شده اند و مقرر شده است که اگر احوال مشارالیه خوب شد خودش بفرج بشود و الا برادر او موسی خان بفرج مزبور برود

دیگر نوشته بودند که نواب جلال الدین میرزا هنوز از خرم آباد حرکت نکرده اند و توقف چند روز در آنجا بجهت حرکت و اذن طایفه کاکاوند بکرمیه است و تمامی آنها را از نزدیک خاک کرمانشان بکرمیه حرکت داده اند و بعد از ورود بصیدمره قواری کار طایفه مزبوره داده می شود که هیچ وجه قدرت تعدی با مالی کرمانشان نداشته باشند

دیگر از قراریکه از لرستان نوشته بودند کمال اعیانیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و ایام آنجا با نهایت امید واری مشغول نظم امورات خود میباشند و کسی قدرت خلاف حساب ندارد و عابرین و مترددین با سودگی و اطمینان از آنجا عبور و مرور مینمایند

بسطام

ازین ولایت نیز درین مهلت اخباری رسیده است

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند اعیانیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و عموم الامالی آن ولایت بدعا کوفی ذات اقدس هایدن شاهنشاهی اشتغال دارند نواب غفران مآب فرمانفرما که در شانزدهم ماه ربیع الثانی بمحوا رحمت ایزدی پیوسته بودند دو سه روز در ایشان را بجهت سرحد بودن آن ولایت مصلحت و ملا

بروز نداده بودند تا بعد از ورود مقربا آنجا خان عضد الملک متولی باشی و سام خان اینجانی قضیه فوت نواب غفران مآب مشارالیه را با مالیه شاه اجبار نموده مالی ارض آهس بجهت توقیر و تمام جمیع بازارها و دکا کین بسته جنازه مرحوم شاهزاده با بارز دحام تمام بصحن متبرکه رضویه علیه الاف الشنا و لایحه آورده در حرم مقدس در سردایه که جناب امام جمعه

۱۶۴۴

ارض اقدس با بقا بجهت خود ساخته بود بجهت  
مدفن مرحوم شاهزاده بطیب خاطر مصاحبه و اولاد  
نموده در آن مکان فیض میان مدفون ساختند  
و در توحید خانه مبرکه مجلس فاسخ خوانی گذاشته  
جمع علمای سادات و خدام ذوی الاحترام و اهل  
واعیان از نوکر و رعیت بمجلس فاسخ خوانی حاضر  
شده تا چهار روز بلوازم تعزیت و طلب مغفرت  
و تلاوت کلام اللہ مجید و اطعام بفقرا و مسکین  
پرداخته خیرات و مبرات زیاد نمودند و بعد از  
چهار روز مجلس فاسخ را با نهایت اغراق و حرام  
برچیدند

و بهر کس میداده است میخورد و مدبوش شده  
از جمله دو نفر سربندی سلطان آباد می آمده  
شخص مذکور با آنها رفیق شده در عرض راه در  
پای درختی و کنار آبی نشسته مشغول بنان خوردن  
شده بودند آن شخص از آن نان و حلوا با آنها  
داده بود خورده بودند پس از اندک زمانی  
شده بودند آن متقلب حرامزاده برخاسته سیرکی  
از آنها را بریده بود و دیگر پربان حالت مدبوش  
گذاشته آنچه اشیا و اسباب داشته اند  
با دور رس الاغ آنها برداشته بهی از دست  
گزارفته بود در وصول بان و بعضی از مردم  
آنجا الاغها را شناخته نگاه داشته از او جویا شده  
بودند گفته بود که این الاغها را خریده ام در بین  
قبل و قال آنها آن شخص رفیق مقول که بهوش بود  
بهوش آمده برخوایسته اثر پای الاغها را گرفته  
بان ده آمده بود در جانی که اهل ده گریبان آن  
شخص متقلب را گرفته بودند صاحب الاغها رسیده  
اهل ده تا او را دیده شناخته گذارش را جویا  
شده بودند علی التفصیل نقل کرده بود مردم بان  
رفته نعش مقول را آورده و آن قاتل حرامزاده را  
گرفته نزد مقرب انخاقان میرزا حسن خان حاکم  
عراق برده بودند مقرب انخاقان مزار الهیه در حضور  
جناب حاجی سید محمد باقر مجتهد آنجا ماجری را از او

دیگر نوشته بودند که بقدر مقصد خانوار با خزرکی  
که در ازمنه سابقه بهرات رفته و در آنجا ساکن  
شده بودند در این اوقات از آنجا کوچیده  
تا لوف مراجعت می نمایند و عالیجا میرزا رفیع خان  
براتی مستصدی کوچاندن خانوار مزبور است که آنجا  
سالما به با خزر آورده در او طمان خود ساکن  
شده و وار المرز و سنان و میرزا  
ازین ولایات نیز در این مهفته اخباری رسیده

### عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته بودند شخصی  
ناپاک متقلب حلوانی می نجات است محض شیطنت  
و در آن بذربنج یادوای دیگر دخل میکرد

۱۶۴۵



تحقیق نموده کما جری نقل کرده خود اقرار بقتل آن شخص  
 نموده بود بعد از آن مقرب انخافان مش رالیه  
 محبوس نگاه داشته مراتب رابا ولیای دولت  
 علیه معروض داشته و از جانب سنی بجواب  
 هایون حکم شد که در هانجا اورا بدست ورثه مقبول  
 بدهند تا بفاد و فی القصاص حیوة ورثه مقبول  
 اورا بزرای خود برسانند

قضا جریان هایون که در باب حکومت امیر الامراء  
 مقرب انخافان غلام حسین خان سپهدار شرف صدر  
 یافته بود بانجا پرتو وصول افکنده و جناب حاجی  
 سید جواد در مسجد جامع فرمان هایون را بجهت  
 امانی انجا خوانده و ضعیف و شریف از اعالی و ادالی  
 زبان بشکرانه و دعا کونی ذات اقدس هایون  
 شاهنشاهی خلد المملکه و سلطانه کشوده

**فارس و قزوین و قم و کاشان**  
**و کردستان و کربلا**  
 ازین ولایات نیز در این هفته اخباری رسیده  
**کرمان**

دیکر نوشته بودند که چندی بود که در کرمان بطوریکه  
 بایت بارندگی بشود شده بود ولی در عشر ثانی  
 ربیع الثانی بارندگی شده و برف در کوها  
 آید است

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند باهما  
 کار گزاران دیوانی و مراقبت عالیجاها میرزا شفیع  
 و شیخی خان سر تپ فوج خلع امور آن ولایت قرین  
 نظام و انضباط است و عالیجا میرزا شفیع تمام  
 در وصول ایصال مالیات دیوانی دارد و از صاحب  
 فوج خلع ابوالجبعی عالیجا شیخینجان هر یک یکی از  
 بلوکات حسب الحکم بجهت وصول باقی مالیات  
 و در کار وصول و ایصال پیا شدند و امور شهر  
 محلات کرمان نیز منضبط است و باهما کلانتر و  
 که خدایان سرعت و شرات از کسی ناشی و صادر  
 میشود

**گیلان و نهاوند و همدان** ازین  
 ولایات نیز درین هفته اخباری نبود  
**سیر**  
 از فراریکه در روزنامه یزد نوشته اند امور آن  
 از حسن مراقبت و اتهام عالیجا مقرب انخافان  
 سر تپ و نایب الحکومه منظم و منضبط و سکن  
 و امانی انجا در عین فراغت و آسودگی مشغول دعا  
 ذات اقدس هایون شاهنشاهی میباشند و  
 بهیچوجه از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر  
 و امور طرق و شوارع نیز منظم و مستحفظین در هر  
 از منازل مشغول حفظ و حراست میباشند و زوار  
 و قافلہ نیز از خراسان در این اوقات وارد

دیکر نوشته اند که در بیستم شهر ربیع الثانی فرمان

۱۶۴۶

اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه فرانس نوشته بودند در  
 که مابین دو ولتین فرانس و بیل ریح داده بود این  
 اوقات بنحو ایش طیفین بخوبی التیام یافته بود با  
 این گفتگو این بوده است که یکی از گشتهای دولت  
 فرانس در روز عید امپراطور دولت فرانس در یکی  
 بنا در بیل لسنکر انداخته بود و بید قهائی که علامت  
 سرور و دانی است از اخته بیکر یکی بندر فرانس  
 احترامات لازم که در چنین اوقات مابین دو  
 متحابه متداولت بعلییا آورده ناخدای آن  
 کشتی گذارش را بپاریس نوشته و سفارت  
 فرانس که در بیل است درین باب بوزیر دول  
 خارجه بیل شکایت نوشته بود مشارالیه در جواب  
 کاغذی مبنی بر عذر خواهی نوشته بود که بیکر  
 نفهمیده و تلفت چنین روز نبوده است من بعد  
 و بیچیک از بنا در بیل چنین امری که خارج از  
 اصول اتحاد است بروز ظهور نخواهد کرد  
 دیگر نوشته اند که امپراطور فرانس جنرال کان  
 که سابق سردار عساکر مأمور تقرب بود بمملکت سوید  
 سفارت مخصوصه فرستاده و نشان فرانس  
 بصحابت مشارالیه سخته پادشاه سوید ارسال  
 داشته بود در روز و مشارالیه او را با تشریفات  
 و اعزازات لازم پذیرفته بود و در روز سلام

خود پادشاه سوید آنچه لازم احترام بوده است  
 در حق سفیر مشارالیه بعلی آورده بطریق دوستانه  
 با او رفتار کرده بودند  
 دیگر از قراریکه در روزنامه های متنبه نوشته اند  
 که با در این روزها گفتگویی مابین دولت انگلیس  
 چند دول سخته فرانس و روسی داده و دول فرانس  
 از دولت انگلیس خواستش کرده اند که قرارداد  
 هفت سال پیش ازین را در خصوص فرانس و روسی  
 بدارد و حکم جدیدی نیز بان قرارداد ملحق کند که  
 هر دو قتی در خصوص استرداد و بیرون کردن  
 و مقصرین از دول متحابه و متحده با انگلیس خواستش  
 نمایند با ادله و براین دولتی دولت انگلیس آنها  
 رد نماید  
 دیگر نوشته بودند که برادر امپراطور استریه  
 که چندی قبل از کالک افتاده و شرف بموت  
 بود از قراریکه از خرج صاعقه خبر رسیده است  
 اطبا حوب و زود از عهد معالجه برآمده اند و او را  
 از ورطه هلاکت استخلاص حاصل شده است  
 دیگر نوشته بودند که وزیر لشکر قدیم دولت انگلیس  
 که سخته سیاحت بدریای سیاه رفته بود در  
 مراجعت با سلامبول سلام سلطان فرانس  
 و مورد التفات خاص شده است  
 دیگر نوشته اند که سفیر دولت انگلیس که پیش ازین

۱۶۴۷

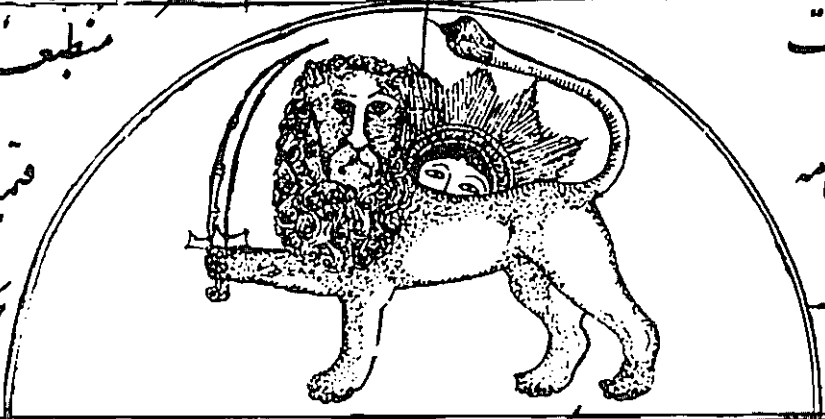
در پطرزبورغ بود در این اوقات بجای سفیری که از  
 دولت انگلیس معین و پسته پای تخت دولت است  
 بود ما مورانشا کرده است  
 دیگر نوشته اند که چون در این اوقات در  
 شهاقتل زیاد واقع میشد از جانب دولت عثمانیه  
 احکام مضبوط بکار گذاران کلانتریه شده است  
 که با سه بازان و قراولان شهری دول متحده  
 متوجه باشند که من چه چنین امری روی ندهد  
 و سبغای سایر دول نیز اظهار شده است  
 که آنها هم امداد نمایند و آدمی از خود نزد کار گذاران  
 کلانتریه بگذارند که هرگاه از تبعه آنها کسی مرتکب  
 اعمال بشود گرفته بدست کلانتریه بدهند و قرار  
 میگویند الضباط کلانتریه اسامبول کمتر از کلانتریه  
 پاریس و لندن نیست  
 دیگر نوشته بودند که اولیای دولت عثمانیه نوشته  
 رسیده بمنه سفارتخانها نظر بقدر غنی که سلطان  
 بجهت بردن کندم کرده است نوشته اند و قرا  
 داده اند که در مدت سه ماه هر قدر کندم از  
 خارج بیاورند کم کرد گرفته نشود  
 دیگر نوشته بودند که در صفحات عربستان و با  
 بروز کرده و حجاج را در رفتن و آمدن در قرا  
 نگاه میدارند  
 دیگر نوشته اند که در این اوقات در بند کیرج

گرمی پیدا شده است که هم کشتیها را ضایع  
 میکند و هم آدم تلف مینماید و کشتیها و قنوق  
 منجمد میشدند از دشمن ضرر میرساند  
 در یکی از روزنامه های سنی دنیای شمالی تفصیل روزنامه  
 مالک روی زمین را که چاپ میشود از بنقرار نوشته  
 استریه ده روزنامه افریقا چهارده روزنامه  
 اسپانیول بیت و چهار روزنامه پرتغال  
 بیت و شش روزنامه آسیای سی روزنامه  
 بلژیک شصت و پنج روزنامه وینمارک هشتاد  
 پنج روزنامه روسیه پنجاه روزنامه ولایات  
 دولت است سه صد و پنجاه روزنامه مملکت  
 انگلیس و ایرلند پانصد روزنامه سنی دنیای  
 شمالی دو هزار روزنامه سایر ممالک چهار  
 هزار روزنامه آلمان نوشته بودند که درین  
 کار خانات روز بروز روزنامه زده میشود  
 یا بعهده بنفتمه و نیز نوشته بودند که از هر یک از  
 این کار خانات در روز با در بنفتمه چند طغرا روزنامه  
 بیرون می آید و این روزنامه ها که در دول زده  
 می شود بعضی از آنها رسمی است که عبارت از دولتی  
 باشد و در آنها بی اذن دولت و چیزی که منافی آن  
 دولتی باشد زده نمی شود و بعضی با اختیار خلق است  
 که هر کس بخواهد کارخانه روزنامه براه می اندازد و روزنامه  
 میزند و میفروشد

۱۶۴۸

روزنامه فایع اتفاقیه تاریخ یوم چهارم جماد الاول مطابق ۱۲۷۲

نزدیک وقت  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شبر



منطبعه دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پنجاه شبر

اخبار واصله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه دهم این ماه اعلی حضرت قوی شکت بنیاد  
اید الیه کجسته کجه ملاحظه پوچگیا نی که تازه از ریاجان  
ارکا بنصرت انشاب شده بودند و سوار شاهسون  
ابو اجمعی عالیجا صفر علیجان سرتیب که در میدان  
حاضر گردید بودند تشریف فرما شدند جناب شرف امجد  
ارفع محترم صدر اعظم و بر مهربان حضرت کردون  
از سران و صاحب منصبان نظام و غیره در حضور مبارک  
بودند اولاً ملاحظه پوچگیا نی را فرموده مقرر داشتند  
که سان آنها دیده شده موجب شکر نوسان  
پر داخته مأمورین حیران و غیره را این روز با یاد  
شایسته روانه نمایند بعد از آن میان میدان سبر  
که بجهت توپهای بزرگ ساخته اند تشریف آوردند  
سواره مزبور تشریف آمده از حضور مبارک که  
و چون از جلالت اسب و سلاح بھرجهت کمال آراستگی  
داشتند مورد تحسین و التفات گردیدند و انعام طوکا

در حق آنها رحمت شده بعد از ملاحظه آنها اعلی حضرت  
اقدس سها یین شاهی سی مرتب بھارت مبارک  
سلطانی فرمودند  
جناب اشرف ارفع محترم صدر اعظم خیانت  
روزنامه های گذشته نیز نوشته شد خیدرون  
که مبدی در الفنون تجرید رسیدگی تحصیلات متعلین  
میروند و همه روزه تا نزدیک غروب آفتاب کار  
شاگردان مدرس مزبور مراقبت و رسیدگی نمایند  
و در قواعد حربیه و طبیه و غیره آنها و ابھامات متعلین  
در تحصیلات شاگردان بدقت غوررسی مینمایند  
تجربه و امتحان آنها تمام شده است بعد از اتمام  
امتحان مراتب ترقیات آنها و التفاتی که از جانب  
سنی الجواب اقدس سها یون شاهی در باره  
از نشان و علاوہ واجب میشود علی التفصیل  
خواهد شد  
بعد از آن باریکی که در روزنامه سابق نوشته

۱۶۴۹

چند وقت بود که هوا سرد شده ولی باران و برف نیامده بود و از این حمله فی الجمله تشویشی بجهت اهل زراعت حاصل بود تا در این اوقات اول در شب برف نهم باران بسیار تا نزدیک صبح بدار انحلافه مبارک و اطراف آمد و بعد از آن روز خنثی و شب جمعه برف بسیار خوب آمد بطوریکه بقدریکچارک بلکه بیشتر برف در روی زمین افتاده است و بعد از آن هم باز یک شب الی صبح باران ریاد آمد و در صحرای و کوهستان از فرار مذکور پیش از اینها باران و برف آمده است و این معنی باعث امیدواری بزارعت کوهستان شده است و علی الحساب زراعت تشویشی از ضرر خشک مطر نیست

باقصای ظهور کرمت و عنایت طوکانه در حق لجاجه مقرب انخافان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهاباد و رضای خاطر مبارک از خدمات مشارالیه در این اوقات با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول شرفی با حایل سرخ سرفراز و لصد و فرمان مهربانان همانون مفتوح گردید

چون عالیجاه میرزا رضای که خدا در کفرین جیبها که در هفت گزشته نوشته شده سیدی را مقبول و دیگری راز خدا کرده بود و اتمام نموده بود و از جانب سنی احوال طوکانه یک طواف شمیری بشا رالیه

نظر بطور رحمت طوکانه در باره نواب مستطاب مزاده والا لطف الله میرزا درین اوقات بحکومت ولایت مازندران سرفراز گردیده و از جانب سنی احوال سرفراز گردید و ایون شاهنشاهی حمله الله علیه و سلطانه مکتوب جبهه ترمه لاکه دوز بخیره از طوبس خانه خاص بنواب معزنی ایه خلعت مرحمت گردیده این روز با مقرر حکومت روانه میگرد

بملاحظه ایسکی نواب محسن میرزا و فطرحمت سرفراز علی حضرت اقدس هایون شاهنشاهی در باره نواب معزنی ایه در این اوقات منصب حلیل امیر اخوزی سرفراز گردید از جانب سنی احوال طوکانه مکتوب جبهه ترمه از طوبس خانه خاص بنواب معزنی ایه خلعت مرحمت شد که لازم این منصب حلیل را بجهت کفایت خود داشته مراتب کفالت را بطور شایسته مشهور و ملحوظ خاطر اقدس هایون دارند

### سایر ولایات

اور با پاجان ازین ولایت درین هفته روزنامه نرسیده است

### اصفهان

از واریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند خلعت مهر طلعت مبارک که از جانب سنی احوال سنی احوال اقدس هایون شاهنشاهی بجهت نواب مستطاب حمت الدوله حکمران اصفهان مرحمت شده بود در بیستم ربیع الثانی بر تو و وصول بانجا افکنده بود

۱۶۵۰

معزنی الیه لوازم استقبال و توقیر و احترام  
 بپایون را بعل آورده در عمارت مفت دست  
 ریب برود و کوش اعتبار و افتخار خود ساخته  
 مراسم سرور و دامانی و اجرایی شلیک ثوب  
 بعل آورده صرف شربت و شیرینی کرده بود

دیکر نوشته بودند که عالیجاه محمد ابراهیم  
 در بیستم ماه ربیع الثانی وارد میدان نقش جهان  
 اصفهان گردیده فوجهای او با کمال آراستگی  
 صف نظامی کشیدند و از فرار مذکور از شیراز  
 تا اصفهان در تمامی منازل عرض راه با نهایت

نظم آمده بودند و مطلقا با حدی از سر باز خلاف  
 حسابی ناشی و صادر نشده بود نواب شاهزاده  
 حمت الدوله بمیدان مزبور تشریف آورده و  
 آنها را نمودند چون کمال آراستگی و انتظام داشتند  
 مورد تحسین گردیدند و موجب آنها را نیز نواب  
 معزنی الیه بالتواجم بدست خود پرده حست و باجا  
 و افراد آنها رسانیده از فرار یک نوشته بود  
 در بیستم جمادی الاولی عالیجاه محمد ابراهیم  
 عازم دربارهایون خواهد گردید

دیکر نوشته اند که کمال اهلیت و انتظام در انوار  
 حاصل است و عموم امالی آنجا در عین آسودگی و  
 فراغت هر کس بکار خود و دعا کونی ذات اقدس  
 بپایون شاهنشاهی استعمال دارند و از فرار یک نوشته  
 بودند در او اخر ربیع الثانی و اوایل جمادی الاول  
 سه ما در اصفهان شدت داشته است و چهار  
 برف آمده و برف اخر بعد یک چهار یک بوده است

دیکر نوشته بودند که نواب شاهزاده حمت الدوله  
 در بیستم ماه ربیع الثانی سان فوج چهارم  
 باستخفا لشکر نوبیان در حضور دیده و موجب  
 انخار بدون کسر و نقصان بهر یک هر یک از  
 احاد و افراد سر باز مزبور رسانیدند  
 دیکر نوشته بودند که تمامی افواج قاهره که در اصفهان  
 متوقف میباشند در نهایت حسن سلوک با اهل  
 آنجا رفتار دارند و رسوم خلق اصفهان کمال رضایت  
 از حسن رفتار آنها اظهار نمایند

دیکر نوشته بودند که عالیجاه نصر الله خان سیرت  
 فوج کلپایگانی با فوج خود وارد اصفهان گردیده در  
 میدان نقش جهان با کمال آراستگی صف نظامی  
 کشیدند و نواب شاهزاده حمت الدوله بمیدان  
 فوج مزبور آمده وقت رسیدگی با جا و افراد  
 صاحب منصبان آنها نمودند چون کمال آراستگی  
 داشتند مورد تحسین گردیدند  
 و همچنین عالیجاه مقرب الخاقان مصطفی قلیخان سیرت  
 با افواج خود وارد اصفهان شده نواب شاهزاده

۱۶۵۱

فوج با استقبال آنها فرستاده و خود نیز در وقت ورود آنها بمیدان نقش جهان بمیان آنها رفته افواج و صاحب منصبان را ملاحظه و رسیدگی نمودند و قرار دادند که بعد از حرکت افواج و در بهار فلوات مغزی الیه بانجا رفته سان آنها را دیده و آنچه از موجب و غیره برای آنها حواله شده بود همساری داشته روانه نمودند

و بیکر نوشته بودند که عالیجاه میرزا زکی بامسویان اصفهان همه روزه در دفترخانه نشسته مشغول رسیدگی محاسبات ولایتی و وصول و احوال و مالیات دیوانی و نظم و نسق زراعات و غیره میباشند و نهایت اهتمام را درین باب دارند

### استراپا و

از فرار یک در روزنامه استراپا نوشته اند که جعفرقلیان اینجانی که از دربارهایون بکومت اولیای مأمور بود در ششم شهر ربیع الثانی با سه بار فوج عرب و شصت و پنجاه نفر سواره شادلو و چهار صد نفر سواره چکنی و ششاد نفر سواره زردینی و دوویت نفر سواره عرب و عجم و چهل نفر سواره کولکان و کت و صد و پنجاه نفر سواره سنجاسب وارد استراپا شده در وقت ورود مقرب انخاقان مشا را لیکل امانی شهر لهد یک فرسخ ذکور او انما با استقبال رفته بودند و اینکه قدغن کرده بود که جماعت انامیه سجه اینک با

از ترکمانان دشت با نهاد دست اندازی بشود به استقبال نیانند سنون اینمغنی را قبول مکرده و گفته بودند که ما ما خاطر جمع هستیم که بسبب ماموریت اینجانی باین ولایت بعد ازین ترکمانان یا غی جرت ندارند که بقصد چپاول و دست اندازی باین صفحات بیایند با بجهه لوازم استقبال و احترام را بعلل آورده کمال خوشوقتی داشته اند و بعد از ورود مقرب انخاقان مشا را لیه از طوایف ترکمان بسیار داوطلب آمده و آنها را خدمتگذاری کرده بودند آنها را بعواطف اولیای دولت علیه امید واری داده و گفته بود که خدمت عموم ترکمان وقتی مقبول اولیای دولت حلیه است که آنچه اسیر امسال برده اند تا پس بیاورند و شما نیز بروید و در میان خود مصلحت نمایند اگر صلاح خود را در رد کردن اسیر امید آیند آنها را سالمًا غانما بیاورید و الا جواب اینمهرله را بن بدید تا بمعصای تکلیف خود رفتار کنیم و همچنین طایفه اتابای ترکمان و طایفه جغربای ترکمان نیز آمده هر چهار اسیر آورده بودند مقرب انخاقان مشا را لیه با آنها نیز همین فقره را خاطر نشان کرده گفته بودند که بتدریج دست از بی برده آنچه اسیر در میان اینها باشد حکم بدست آورد بسلامت می کنیم و مقرر شد که امانی استراپا داسرانی که اشرا ترکمان برده اند مقرب انخاقان اینجانی بدهند و ترکمانان نیز بر حسب

۱۶۵۲

همگی آنها را رد نمایند و همچنین طایفه موت نیز شت  
اسیر آورده و همین جواب رسانیده متعهد  
هر چه اسیر در میان خودشان شت  
سد آباؤ و اجداد خراسان و حرم  
و سمنان و شام و عراق  
ازین ولایات نیز درین معتمد اخباری پید

فارس

از فراریکه در روزنامه شیر از نوشته بودند  
نواب مستطاب شاهزاده و الا تبار مؤید الله  
حکمران فارس همه روزه بقرار استمر سابق  
مشغول نظم امور ولایت و تحصیل موجبات  
اسودگی کوه عتیب و انجام خدمات دیوانی میباشند  
و بجهت حسن مراقبت نواب عسکری الیه نهایت  
و انتظام در آن ولایت حاصل عساکر مایه بر  
در محل مأموریت خود با انجام خدمات متخوله بخود  
میباشند

و همچنین مقرب انخاقان شجاع الملک و شیر الملک  
در انجام خدمات دیوانی و انتظام امور نوکرو عتیب  
نهایت اهتمام و نظمت را دارند  
دیگر نوشته بودند که امور طرق و شوارع از بند  
الی اصفهان از حسن مراقبت عالیجاه محمد رضا خان  
کمال نظم را دارد و قوافل و عابریں در عین اطمینان  
و اسودگی عبور و مرور می نمایند

دیگر نوشته اند که عمال و مباحثین بلوکات فارس  
نهایت مراقبت را در نظم و نسق زراعات و وصول  
و ایصال مالکات دیوانی دارند و مالیات  
دیوانی را بحیاط و سول رسانده عاید حوایج  
دیوان اعلی و قضاخانه عامه داشته و مید

قزوین

از فراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند  
آن ولایت به رحمت منظم و مضبوط است  
در عایا و برابری و کمال اسودگی و فراغت مشغول  
رعیتی خود و عاکوفی دولت جاوید مدت علیت  
میباشند و از فراریکه در روزنامه ربیع الثانی نوشته  
بودند چند روز هوا سرد شده و برودتی پدید گرد  
بوده است و لکن رعایا و دهقانین با مشغول رعایت  
و بذرافتنی بوده اند

دیگر نوشته بودند که یک ثوب کلیجه ترمه از طبوسین  
مبارک که بجهت مقرب انخاقان حاجی حسن علی خان  
قزوین از دربار عدلت مدار رحمت شده بود  
چهارم شهر ربیع الثانی باسجا پر تو و وصول افکنده  
مقرب انخاقان مشار الیه باوجه اعیان و امان  
قزوین و صاحب منصبان نظام عسیره لوازم  
استقبال و توقیر و احترام خلعت مطلقه شایسته  
بعل آورده و زیب برودش افکار و اعتبار خود  
در منزل خود شربت شیرینی با مجلس داده است

۱۶۵۳



دیگر نوشته بودند که از جانب ما مورین مهاجرت  
 سارونیا بجهت آوردن غلغله و گاه سپه قوسول  
 دولت مزبور باد و نفرضا بطبقتی بنجاشته اطرف  
 با یحیی میرفته اند و نزدیک ساحل آنجا درین کشتی  
 با اهل آن کشتی میخواستند بجنگی بیرون بیایند  
 هوای دریاطوفانی شده و زورقمانی که کشته بودند  
 بجنگی بیاید کلاً از لطات امواج شدید غرق شده  
 آن سه نفر و همگی اهل زورقهای مزبور غریق نج  
 خاک شده اند مگر یک نفر از اهل کشتی که او را ز موج  
 بجنگی انداخته بوده است

و همچنین چندی قبل نیز یک طوفان عظیمی در دریا ظاهر  
 شده بود و از کشتیهای تجارتنی که بنجاشته  
 شده بودند بعضی بیابانی افتاده و از درون دریا  
 نیز از رسیدن کشتی متجاوز بجهت زیادتی آنستند  
 بیرون بیایند

دیگر نوشته بودند که از جانب اعلیحضرت امیر اطور  
 فرانس بوسط جناب قایم و بریکشان مخصوص  
 بجهت دولت اسوج فرستاده بودند بعد از ورود  
 با آنجا از جانب دولت اسوج نیز در مقابل آن  
 یک نشان علامت اتحاد و یگانگی که از مفسد سال  
 قبل ازین که وضع شده بوده است تا این اوقات  
 بسیاری از دول خارج واده شده مگر یکی  
 اعظم دولت فرانسه در چهل و پنج سال پیش ازین

در این اوقات بجهت دولت فرانسه ارسال  
 دیگر نوشته بودند که پادشاه دولت سارونیا  
 چندی قبل ازین که غزمت پاریس پای تخت دولت  
 فرانسه را داشت درین پن خورش گشته هرساند  
 و ناخوشی بطوری شدت کرده بود که زمام ممام  
 دولتی را بعهده و لیعهد دولت خود و اگذار کرده  
 بود و باین واسطه آمدنش پاریس تا خبر افتاد  
 بود در این اوقات از قراریکه نوشته اند از آن  
 ناخوشی صحت یافته و حکامان عمان اداره دولتی را

بکف کفایت خود در آورده این روزها غزمت  
 پاریس پای تخت فرانسه وارد

دیگر نوشته بودند که اعلیحضرت امیر اطور استریت  
 بعزمت شکار و تفریح بطریق کشت و سیاحت در  
 صفر به ترکیته آمده و بعد از چند روز توقف در آنجا

بسمت و نزدیک غازم بوده است  
 دیگر نوشته بودند از اهل فرانسه و انگلیس در وین پای  
 یک کپانیه بسمت میان فلان کشور شده از شاه امیر سلطان  
 فرانس و ورشندان مشهور و میر صرافان استریت قرار داده  
 شده است که هر کس طاک خود را در صورت استقلال برین  
 بگذار و نفع آن کمتر معمول سابق گرفت نشود  
 و از جانب دولت استریت صد ساله ایما یکپایه  
 مزبور عطا شده است

۱۶۵۲

قسم و کاشان و کردستان  
 و کروس و کرمانشاهان و کرمان  
 و لسیلان و مازندران و طایر و نها  
 و همدان ازین ولایات نیز در این هفته اجازت  
 رسید است  
 یرو

از فراری که در روزنامه یزد نوشته بودند چون  
 در سنوای سابق ایام دهنه عاشورا که در عمارت  
 دیوانی آنجا مجلس تعزیه داری برپا میکردند بجهت  
 ضمیمه مکان و کثرت تعزیه داران هم بهمارت خرابی  
 و هم به تعزیه داران بد میکردت چون کمیست عمارت  
 دیوانی بسبب بقیه غیر که شاهزاده فاضل علیه الرحمه  
 در جلو بقعه تبرک زینتی همصرف که محل عبور مردم محرو  
 بنظر می آمد افتاده بود درین سال عالیجاه مقرر آنجا  
 محمد یوسف خان سرسپ و نایب الحکومه و کارگذاران  
 مشارالیه آن زمین را بیکه وسیع بسیار خوبی که هم  
 باعث آبادی ولایت و هم برشکوه عمارت دیوانی  
 و بقعه تبرک افزوده شده ساخته اند تا می جرز تا  
 آن از آنجا برنخته بنائی و بندگشی شده مانند تکایای  
 حوب دار الخلاء و طران شده است و وجه مخارج آن  
 از منافع آب و قعی است که از مخارج تعزیه داری ایام  
 عاشورا زیاد آمده بود و بنای آن تا پای طاق رسید  
 و مستی بکنیه دولتی گردید و عقیرت کمال خوبی صورت

اتمام خواهد یافت

و ختمین در حوال و خوش تکیه مزبور اراضی بمصرف  
 بود عالیجاه میرزا کوچک خان سرسنگ و جناب  
 میرزا محمد ولی صدران اراضی را بشراکت متباع  
 نموده طرح بازارچه با صفائی انداختند مثل  
 بیت باب دکان و یکباب تمام عالی و عالیجاه میرزا  
 کوچک خان منافع شصت باب دکان و نصف تمام  
 که سهم او بود فرار داد که هر ساله صرف تعزیه داران  
 جناب ابا عبدالحسین علیه السلام بشود با محله  
 شدن تکیه و بازارچه و تمام مزبور سبب مزید عا کوه  
 مالی آنجا بجهت دوام دولت جاوید مدت علیته  
 گردیده است

احبار و اول خارجه

از فراری که در روزنامه جدیدة الحوادث اسلامبول  
 نوشته اند در باب راه آهن گذشته از سرعت  
 حرکت او فواید کثیره او نیز آشکار است سابقا راه  
 آهنی از اسکندریه تا مصر بنا گذاشته بودند و راه  
 مزبور بنصف رسیده بود در این اوقات راه  
 مزبور با تمام رسیده و بمصر متصل گردیده است  
 و راه واسط شهر ربیع الاول با آلائی که باصطلاح  
 عثمانیه جمعیت عمیش و سرور است راه مزبور را  
 افتتاح نموده اند و عبور کالسکها از آن راه  
 برقرار شده است

دیگر نوشته اند که کربلای محمد علی نامی شیرازی  
 ساکن قزوین نزد مقرب انخافان حاجی حلی  
 پیشکار آمده مذکور داشت که با سیدی در  
 راه لنگران با بسم رفیق بودیم تا بیک منزل  
 زنجان که آمدیم سید فهمیده بود که در میان  
 من پناه تو مان وجه نقد است و قتی که من بجهت  
 معنی از منزل بیرون آمدم سید در منزل بود  
 مراجعت که نمودم دیدم شجوه در خورچین نیت  
 و برده اند و بغیر از سید که مطلع نبود با سید  
 حرفی ازین فتره در میان نیامد که مبادا  
 نماید تا وارد منزل آخر که بقزوین می آید شدیم  
 با جمعی از مکار پها نقل سکروم درین پن سینه  
 مطلع شد که من این حکایت را در میان دارم از  
 سر در آمده پشتمانی من خالی نمود از اعضا  
 پیش تاب باز نش اهل آبادی و مکار به سید  
 گرفته رسیدند که این چه حرکت بود گفت این مرد  
 بمن اقرار است اسناد وزدی مید بد حال وارد  
 قزوین شدیم و گذارش این است مقرب انخافان  
 مشارالیه سید را احضار کرده از سخاوه آن شخص  
 شیرازی جو یا کردید سید در مقام انکار بر آمده  
 برافه شد و در مرافعه سید قسم را بصاحب سخاوه  
 رد نمود و صاحب سخاوه قسم بلفظ جلاله یاد نمود و  
 سخاوه را تمام و کمال از سید دریافت کرده بان

۱۶۵۶

شخص عاید نمودند از اتفاقات دوروز دیگر بیان  
 سید را که مهابت در قیصریه سید علیخان در  
 وزوی گرفتند تقصیر سید عس ناست در باله  
 بام بازار کردش میکردند تا بام قیصریه رسید  
 دیده بودند که از یک سقف طاق سوراخی که  
 بجهت رهشنائی بود بقدر آدم زد و کشت و نموده  
 و چوبی بالای آن انداخته کمندی از آن چوب  
 میان قیصریه او نخته اند فهمیده بودند که وزدی  
 پائین است در راه و رخنه آدم گذاشته در راه  
 خبر کرده بودند و الان دارا بنای سید که نوشته  
 آخر سید سارق را در میان یکسند و ق  
 قد که خالی بوده است پیدا کرده بودند با بطور  
 که در میان صندوق مخفی شده و دو کتیبه  
 هم بالای خود گذاشته است او را گرفته بسند  
 مقرب انخافان حاجی سعلیخان آوردند چند  
 محبوس بود بالاخره بلاخط سیادت او  
 از علما و سادات شفاعت او را نمودند و بر  
 شفاعت آنها مقرب انخافان مشارالیه از سر  
 تنبیه و آزار او گذشته او را اخراج بلد  
 دیگر نوشته اند که در این ایام در محله میدان کوسفند  
 ضعیفه وضع محل نموده و طفل دگور متولد شد اندوه  
 تولد طفل اول تا دویم سه روز فاصله بوده و هر دو